کارگران

شماره بیست و چهارم — سال دوم — آذرماه ۲۵۳۵ — بها: ده ریال

24

سیری در، فلسفه انقلاب ایران

در مسابقه اتومبیلرانی سرعت

پیست مسابقه در دست کارگران مکانیک بود

COLLECTION OF TAHEREH FOUNDAT

تلاش و کوشش صدها کارگر برای تحقق آرزوهای میلیون ها کشاورز

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکاکولا

گروه صنعتی کفش ملی
بهترین ها را بکار میگیرد
تا بهترین را بسازد

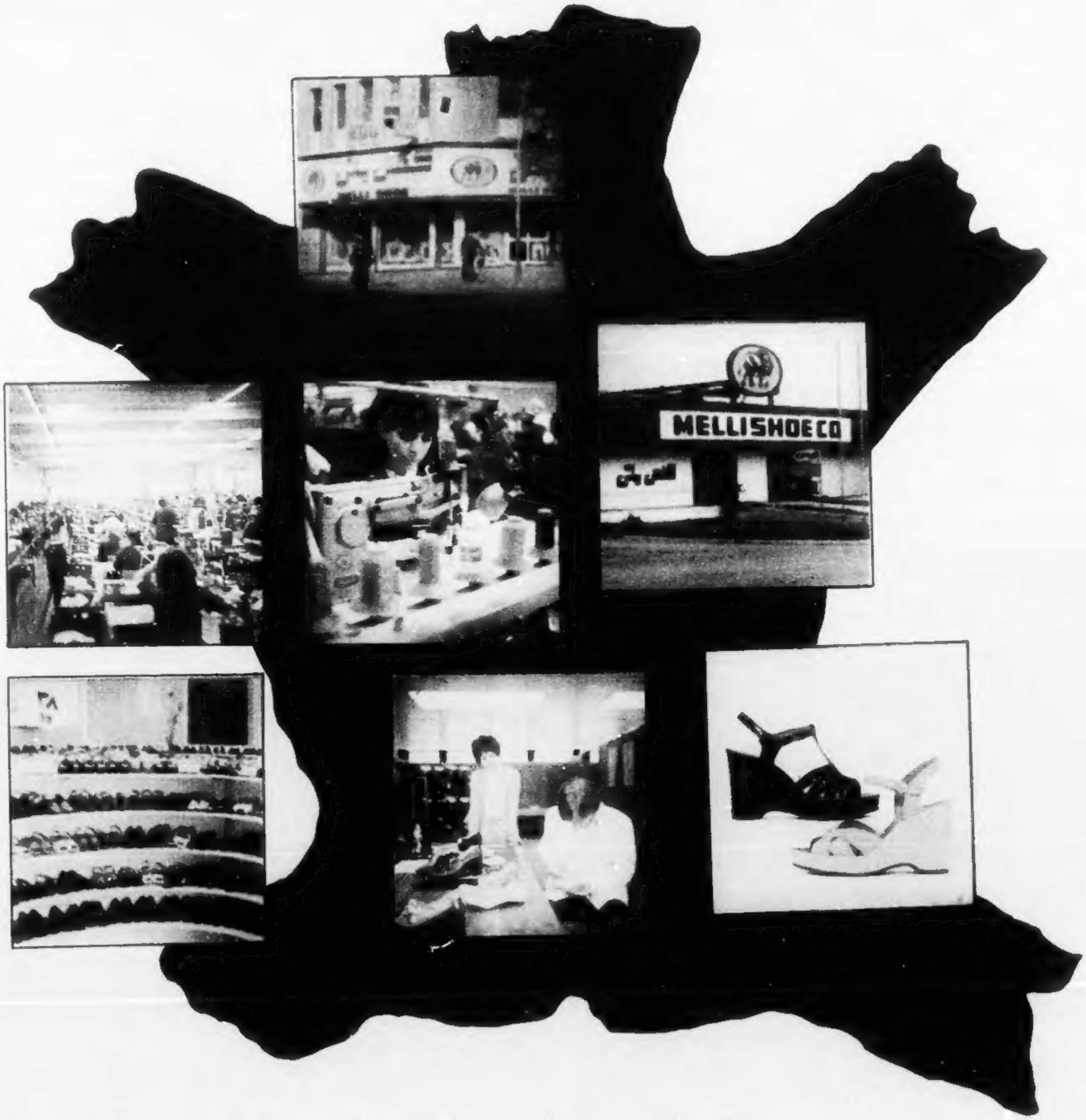

همکاری ارزشمند بیش از ۸۰۰۰ کارکنان متخصص در کارخانجات متعدد گروه صنعتی کفش ملی تهیه بهترین مواد اولیه و استفاده از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین ماشین‌آلات بما امکان میدهد تا بهترین کالا را همراه با آخرین مدهای بین‌المللی به بازارهای داخلی و خارجی عرضه داریم .

TRADE MARK

ما بهترین ها را بکار میگیریم، تا بهترین را بسازیم

گروه صنعتی کفش ملی

در این شماره

مقالات اساسی

پایان یکسال خدمت مطبوعاتی صفحه ٤
بی‌دانشی، سستی حرکت بسوی پیشرفت است صفحه ٤
میکوشیم در افزایش بهره‌وری صفحه ٤

آموزش سیاسی

سیری در فلسفه انقلاب ایران صفحه ٦ وصفحه ٩٧

خبرهای حزبی

قائم مقام جدید دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران،
رئیس کمیته اجرائیه و رئیس قسمت مالی و امور اداری حزب صفحه ٧
خبرهای کانون‌های حزبی کارگری صفحه ١٠٤ و ١٠٥

ورزش

در مسابقه اتومبیلرانی سرعت
پیست مسابقه در دست کارگران مکانیك بود صفحه ١٠ و ١١
از باشگاه‌های ورزشی دیدن کنیم صفحه ١١٠
این کارگر رکوردشکن به مرز رکوردهای جهانی رسیده است صفحه ١١١
زنان کارگر در بزرگداشت روز تولد شهبانو
کارگران بسکتبالیست مشهد، تیم تهران را شکست دادند صفحه ١١٢
جوانان کارگر داراب مسابقه میدهند
خاوری‌ها- قهرمان کشتی باشگاه‌های کارگری تهران شدند صفحه ١١٣

میزگردها

درددل کارگران شرکت مخابرات
در میزگرد مجله رستاخیز کارگران صفحه ٢٦ و ٢٧
پای صحبت کارگران نساجی (تهران‌باف) صفحه ١٤ و ١٥

حوادث و سوانح کار

حوادث براثر بی‌توجهی خود کارگران
یا همکاران انها پیش می‌آید صفحه ١٨ و ١٩
گفتگو با چند کارگر حادثه‌دیده

تفسیر مقررات کار

منابع درامد صندوق تامین اجتماعی صفحه ٢٥
مزد و حقوق کارگران صفحه ٣٣

پزشك کارگر

اهمیت شیر مادر در سلامت کودك صفحه ٣٨
آیا اوریون سبب عقیم شدن طفل میشود؟ صفحه ٢٩

رپرتاژها

سازمان جنگلها و مراتع کشور صفحه ٦١ و ٦٤
جشن کارگران شرکت سهامی بایر ایرانشیمی و بایر صفحه ٨٤

بازار کار

فهرست کارگران مورد نیاز و نرخ بازار کار درماه گذشته صفحه ١٠٨ و ١٠٩

گفت‌وشنود

گفتگوئی با وزیر کار و امور اجتماعی:
جامعه کارگری نقش پیشتازی در سازندگی ملی داشته است صفحه ١٢ و ١٣
بکارگرفتن تکنولوژی و ماشینی کردن، حجم تولید را افزایش میدهد
× × ×
پای صحبت دوستان کارگر:
یك کارگر قدیمی که حالا رئیس کمیسیون کار مجلس شورای ملی است با خبرنگار ما سخن میگوید:
برای از بین بردن کمبود نیروی انسانی بخش خصوصی و دولتی باید همکاری کنند. صفحه ١٦ و ١٧

گزارش‌ها...

تلاش و کوشش صدها کارگر برای تحقق آرزوهای میلیونها کشاورز
یك گزارش خواندنی و جامع از:
کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز صفحه ٢٠ تا ٢٤
× × ×
یك پیچ اتومبیل را شل بستن، سرنوشت سرنشینان اتومبیل را تغییر میدهد صفحه ٣٦ و ٣٧
× × ×
قهوه‌خانه‌ها و کارگران قهوه‌خانه‌ها
گزارش خواندنی از کارگران صنف قهوه‌چی صفحه ٣٠ تا ٣٢

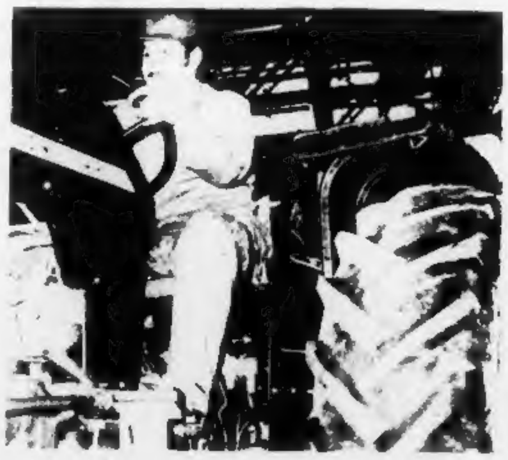

کارگران هنرمند

یك کارگر نقاش موفق به ایجاد یك سبك در کار نقاشی شده است صفحه ٨ و ٩
وزیر فرهنگ ، وزیر کار و امور اجتماعی کار نقاشان کارگر را ستودند
× × ×
پای صحبت کارگران هنرمند:
این کارگران روزها کار میکنند و شبها تمرین موسیقی صفحه ٤٨ و ٤٩

حرفه‌وفن

اطلاعاتی از نارسائی‌ها و معایب رادیو و تلویزیون صفحه ٣٨ و ٣٩
آشنائی با جزئیات صنایع ریسندگی صفحه ٤٠
تازه‌های دانش و صنعت صفحه ٤١
زغال سنگ را چگونه قابل مصرف کنیم؟ صفحه ٤٢ و ٤٣
درمصرف بنزین اتومبیل چگونه صرفه‌جوئی کنیم صفحه ٤٤
تاکسیهای برقی مدرن صفحه ٤٥

دانستنی‌های کارگران

دستگاه مرموزی که دنیای تکنولوژی و صنعت را گیج کرده است
از مغناطیس چه میدانیم؟ صفحه ٣٤ و ٣٥
سیرکامل صنعت چاپ- چرخ، «مادر صنایع»

خانواده کارگر

این زن و شوهر کارگر دریك کارخانه کار میکنند صفحه ٤٦ و ٤٧
مریم به اغوش مادرش بازگشت صفحه ٦٦
گیاهان شفابخش صفحه ٦٧

سندیکاهای کارگری

معرفی یك سندیکای پرتحرك و فعال، آنجا که تفاهم همه مشکلات را حل میکند صفحه ٥٠ و ٥١
چگونه سندیکا تشکیل دهیم؟ صفحه ٥٢
اسندیکای کارگران سیمان سفید دماوند صفحه ٥٣

کارگران برجسته

گفتگو با دو کارگر مبتکر تبریزی: صفحه ٥٦ و ٥٧
انسان مبتکر هرگز دربرابر موانع درنمیماند
بادوی چاپخانه، عنوان محبوبترین نویسنده امریکا را پیدا کرد صفحه ٧٠ و ٧١

بهداشت و حفاظت کار

جلوگیری از حوادث بالابرهای مدرن صفحه ٥٨ و ٥٩
کارگاهها باید مجهز به وسایل پیشگیری از حوادث باشند صفحه ٦٠

داستانهای کارگری

تجربه تلخ صفحه ٦٨ و ٦٩
ندامتی تلخ دربی لحظات بی‌خبری صفحه ٧٨ و ٧٩
روزی که مادر اکبر آقا قهرکرد صفحه ٧٦ و ٧٧

داستانهای حماسی

جهان پهلوان بمیدان می‌آید (داستانهای شاهنامه) صفحه ٧٢ و ٧٣
شیرمرد طبرستان (سرداران استقلال ایران) صفحه ٩٦

مسابقات و سرگرمی

جدول کلمات متقاطع، سرگرمیهای گوناگون صفحه ٧٤ و ٧٥
فال ماه صفحه ٨٨
کارگاه خنده صفحه ٨٢

نامه‌های کارگران

پاسخ به نامه‌های کارگران صفحه ٨٠ و ٨١
نامه سردبیر صفحه ٩٠ و ٩١
صفحه خودمون صفحه ٩٤

هنری

موفقیت یك کارگردان ایرانی درامریکا-
شهاب جزایری و ترانه‌های تازه صفحه ٨٦ و ٨٧
چهره جدید- شطرنج‌باز

خبرهای کارگری

کارگر «قهرمان کار» انتخاب میشود صفحه ١٠٠
هرکارگاه باید به مدرسه تبدیل شود صفحه ١٠١
رقابت کارگران سراسر کشور درمسابقه مهارت فنی صفحه ١٠٢
درکارگاه‌های کشور کمیته‌های سوادآموزی تشکیل میشود صفحه ١٠٣

پایان یک سال خدمت مطبوعاتی

باانتشار این شماره مجله، یك سال از عمر خدمت مطبوعاتی ما تحت عنوان «رستاخیز کارگران» میگذرد.....

درگذشته‌های نه چندان دور، وقتی که پای صحبت نویسندگان و مدیران یك نشریه مینشستیم تا آنان سخن از خدمات یك ساله گذشته مطبوعاتی‌شان بمیان آورند، معمولاً بطور یك نواخت این حرفها تکرار میشد که:

«یك سالی که گذشت توام با محرومیت بود! این راه پر مشقت باچه خون دل طی شد! و چه فشارها و خون دلها را پشت سر گذاشتیم!!.. و .. و ...»

ولی ما که امروز در آستانه ورود به دومین سال کار خود قرارگرفته و دوران یك سال فعالیت را پشت سر میگذاریم با کمال مسرت بخاطر می‌آوریم که در طول مدت یکسال گذشته از همه نوع استقبال و تشویق برخوردار بوده‌ایم، و نه تنها مانعی در پیش پایمان وجود نداشته، بلکه ابرو باد و مه و خورشید و فلك در کار بوده‌اند تا ما بتوانیم این نشریه را تا آنجا که ممکن است براستی در خدمت هدفها و آرمانهای ملی کارگران وطنمان قرار دهیم و «چیزی» چاپ و نشر کنیم که سیمای کار و کارگاه و کارگر و مدیران کاررا حتی‌المقدور در آئینه خود منعکس کرده و بتواند همچون چراغی بدست خود کارگران فرا راهشان قرار گیرد.

نخست حزب رستاخیز ملت ایران با تمام امکانات انتشاراتی و مطبوعاتی خود وسایلی برای نشریه کارگران فراهم ساخته است که حاصل کار بتواند در خور آن باشد که در ردیف دیگر انتشارات مترقی حزب رستاخیز جای گیرد و شایسته بدوش کشیدن نام پر اهمیت «رستاخیز کارگران» باشد....

دیگر انکه سندیکاها و اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری وطنمان با تمام خلوص قلب و با احساس اینکه این مجله مال خودشان است همواره مارا مورد پشتیبانی قرار داده و ترتیبی دادند که نشریه ویژه کارگران براستی در دسترس علاقمندان باشد....

همچنین مقامات و مسئولان و مدیران وزارت کار و امور اجتماعی از هیچگونه راهنمائی در زمینه قراردادن اخبار و مطالب مربوط به جامعه کار و کارگری و صنایع کشور در دسترس مجله دریغ نورزیدند و در همه جا که دستشان میرسید، موجبات تشویق و حمایت این نشریه را فراهم ساختند....

و شاید مهمتر از همه اینکه، فرد فرد کارگران و مدیران وابسته به جامعه صنعت و کارگری کشور این مجله را با ارسال اخبار و مصاحبه‌ها و گفتگوها و رویدادها و حتی نظرات و سلیقه‌ها و ارجاع مراجعات مطبوعاتی‌شان این احساس را در ما همواره قوت و قدرت بخشیدند که براستی مال آنان هستیم.....

و ما نیز کوشیدیم که هرچه بیشتر و بی غل و غش‌تر مال آنها باشیم..... و باین ترتیب بود که نویسندگان و صاحبنظران و تجربه اندوختگان و هنرمندان وهمه علاقمندان به سلامت محیط کارگری ایران و دوستداران پیراستگی آن از هرگونه کمبود و آلایش، همه گونه کوشش و اندیشه و همکاریهای صمیمانه خود را در طبق اخلاص گذاشتند و این مجله را تا اینجا که میبینید آراستند و پیراستند و تقدیم جامعه مطبوعات ایران نمودند....

نویسندگان و هیئت تحریریه و مدیریت این مجله را عقیده بر این نیست که گویا این نشریه بحد کمال در نوع خود رسیده و یا حتی فقط اندکی فاصله با سرحد کمال دارد، نه خیر، نه خیر، هنوز راه بسیار است.....

بلکه تنها بدان ایمان داریم که ماهم مانند دیگر سربازان انقلاب شاه و ملت و مانند دیگر فعالان فضای رستاخیز ایران در این سنگر جای گرفته و با کمك خود کارگران خدمتی به محیط کارگری وطنمان عرضه میداریم و میکوشیم و خواهیم کوشید که این خدمت روز بروز بهتر و بسنده‌تر و مورد پسندتر گردد.

اکنون که در آغاز مرحله دوم خدمت خود قرار گرفته‌ایم، سپاسگزار همه زنان و مردانی هستیم که هر یك بصورتی و بعنوانی و در هر مقام و موضعی که بودند و هستند مارا یاری دادند، و از همه مردان و زنانی که بصورتی آمادگی و علاقه مشارکت در این قبیل خدمات دارند صمیمانه دعوت میکنیم که دست همکاری مارا که بسویشان دراز کرده‌ایم بگیرند و این مجله را خیلی غنی‌تر و سرشارتر از اینکه هست بسازند....

و بهرحال از خداوند میخواهیم که مارا کمك فرماید تا بتوانیم در مرحله جدید خدمت خودمان بیش از پیش برای جامعه کار ایران مفید بوده و موجبات رضای خاطر رهبر بزرگ وطنمان، شاهنشاه آریامهر را فراهم کنیم...

سپاسگزاری

بمناسبت سالگرد انتشار «رستاخیز کارگران» از طرف جنابان‌آقایان‌امیر عباس هویدا نخست‌وزیر، وزیر اطلاعات و جهانگردی، معاون و مدیران کل این وزارتخانه و شخصیت‌های مملکتی و دوستان مطبوعاتی تلگرام‌های تبریك به دفتر مجله مخابره شده‌است، که با سپاس از الطاف همه سروران، از خداوند بزرگ آرزو داریم، بیش از پیش در راهی که برگزیده‌ایم در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر و خدمت به میهن قرین موفقیت باشیم.

رستاخیز کارگران

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران

مدیرمسئول، محمد حسین کردبچه

شماره بیست‌وچهارم—سال دوم—آذرماه ۲۵۳۵—بها: ده ریال

نشانی: خیابان وصال شیرازی، چهارراه بزرگمهر پلاك ۱/۱٤۸

تلفن مدیر مسئول و سردبیر٦٤٠٤۲۲ هیئت تحریریه ٦٦۳۷۵۵

تلفنخانه ٦٤٠۷۹۹- ٦٦۷۱۵۹- ٦٦٦٠٤٤

بی دانشی، سستی حرکت بسوی پیشرفت است.

چند روز پیش کمیته ملی پیکار با بیسوادی آئین‌نامه‌یی بتصویب رساند که بموجب آن، در کارگاههائی که بیش‌از یکصد نفر کارگر مشغول بکارند، نقاط کارگرنشین، محلهائی که اصناف مختلف در کارگاههای کوچك بکار و کسب اشتغال دارند و نیز در سندیکاهای کارگری کمیته‌های سواد آموزی تشکیل خواهد شد.

بخاطر داریم که از چند سال پیش، فعالیتهائی برای باسواد کردن آن گروه از کارگران کشورمان که از نعمت خواندن و نوشتن بی بهره‌اند و لاجرم با مشکلات بیسوادی دست بگریبان، کوشش‌هائی بعمل آمده، و حتی بمنظور ترغیب و جلب آنان به کلاسهای سوادآموزی بموجب بخش‌نامه‌یی، این گروه کارگران پس از گذراندن کلاسهای سواد آموزی و بهره گیری از خواندن و نوشتن، از ۵ درصد افزایش دستمزد استفاده خواهند کرد. اکنون که آئین‌نامه جدید کمیته‌ملی پیکار با بیسوادی را در پیش‌رو داریم، و آنچه را که در گذشته صورت گرفته مرور میکنیم، خوشبختانه شاهدیم که موفقیت‌هائی در این زمینه داشته‌ایم اما واقعیت اینست که وقتی مرحله پیشرفت کشورمان را در رهگذر تاریخ و جامعه جهانی ارزیابی میکنیم، به این نتیجه میرسیم که در زمینه پیکار با بیسوادی در جامعه کارگری‌مان، آنچه بدست آمده، نه تنها ایده‌آل نیست، بلکه نیاز بیشتری در مبارزه با این نارسائی اجتماعی حس میشود، چه آنکه وقتی در پرتو انقلاب و از برکت دست آوردهای آن، تکنولوژی پیشرفته را تا بدین حد در اختیار داریم که عظیم‌ترین پدیده‌های صنعت را بدست کارگر ایرانی سپرده‌ایم، دیگر نه حرکت سریع جامعه به آینده درخشان، و نه منطق انقلاب، اجازه میدهد که این وسایل بدست افرادی سپرده شود که متاسفانه آگاهی کامل از بهره برداری آن را نداشته باشند.

امروز که جامعه ما بازار مصرف شگرفی شده، که حتی گاه با کمبودهائی روبرو میشویم، تنها باید به اندیشه و بازوی صنعت خود تکیه کنیم، و تردید نیست که ناآشنائی و عدم آگاهی به بهره‌وری از آنچه در اختیار داریم نمیتواند تکیه‌گاه مطمئنی برای مصرف چنین جامعه‌یی باشد. هم از این روست که باگذشت هر لحظه، صنعت کشوری که با سرعتی شگرف خود را همپای پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان میکند، تحمل افرادی را که قادر به استفاده از وسایل آن نیستند، از دست میدهد.

بخاطر داریم که شاهنشاه آریامهر، در مصاحبه‌یی که در آغاز انتشار مجله «رستاخیز کارگران» با معظم‌له بعمل آمد، به مدیرما، در زمینه جهادملی با بیسوادی فرمودند:

«... حقیقتاً جهادی است هماتطور که اسمش را گذاشته‌ایم وظیفه ملی و اجتماعی و در واقع تمدن هر فرد ایرانی است که هم خودش را با سواد کند و وقتی باسواد شد سعی کند که یك نفر دیگر را باسواد کند. اگر این سیاست هرایرانی شد، بزودی ما در این راه موفق میشویم.»

و درهمین مصاحبه بود که شاهنشاه بر لزوم ارتقاء سطح مهارت و افزایش بهره وری تاکید فرمودند، و این روزها که لزوم افزایش بهره‌وری بیش از هرزمان دیگر حس میشود، روشن است که نخست باید به ارتقاء سطح مهارت از طریق آموزشهای فنی تکیه کنیم، و آموزش فنی بدون خمیر مایه خواندن و نوشتن ممکن نیست، بویژه آنکه در همین مرحله از تاریخ که با گامهائی استوار و در پوشش چتر فراگیرنده رستاخیز، بسوی آرزوی متعالی ملتمان- تمدن بزرگ- پیش میرویم، و لازم میشماریم که عموم ملت، از هر طبقه و صنف، میبایست با سلاح دانش و آگاهی کامل از طریق آموزش‌سیاسی، پوینده این راه باشد. کارگر ایرانی که در صف مقدم این رستاخیز مقدس قرار دارد، نیك میداند که دور ماندن از پرتو دانش، سستی این حرکت را موجب خواهد شد... و کارگر ایرانی هرگز کندی این پیشرفت را پذیرا نیست.

میکوشیم در افزایش بهره‌وری

برای امروز و فردای وطنمان

پس از انتشار مصاحبه تاریخی و روشنگر شاهنشاه در جراید داخلی و خارجی، و پس از وقوع تغییری در وزارت کار و امور اجتماعی و اظهارات وزیر جدید کار در مورد لزوم استقرار نظم و انضباط در محیط کار و جلوگیری از ضایعات صنعتی و لزوم افزایش بهره‌وری، صمیمانه این گفتگو در میزگرد نویسندگان و صاحبنظران مشاور این نشریه کارگری بمیا ن آمد که «واقعاً چه کسی از کمبود بهره‌وری در مملکت ضرر میکشد؟»

نه تنها در این مورد، بلکه در تمام مواردی که نقص و نارسائی بچشم میخورد و باید یك گروه و یا یك قشر و طبقه اجتماعی در کار خود تجدید نظر کنند، تا آن نقیصه و نارسائی از میان برود، باید که بررسی بهمین صورت و از همین دیدگاه انجام گیرد که واقعاً چه کسی یا چه کسانی از این نارسائی و نقیصه زیان میبینند....

طبعاً وقتی که بحث و بررسی از این دیدگاه انجام گیرد، زیان بینندگان بهوش آمده و در صدد جلوگیری از ضرر خود برمی‌آیند.... و اگر ضرر از آن رهگذر باشد که مربوط به چگونگی کار و یا اندیشه خودشان باشد، بطور طبیعی (و شاید هم به سهولت) باید بتوانند که با تجدیدنظر در روش کار و سیاق اندیشه‌شان جلوی ضرر خودشان را بگیرند..... حال چه بهتر که در مورد بهره‌وری نیز همین روش را برای بررسی مسئله انتخاب کنیم....

آنچه که «بی‌توجهی به انجام وظیفه در ادارات و سازمانهای دولتی و اداری کشور» است، ضرر و زیانش در درجه اول متوجه ارباب رجوع و مردمی است که با دستگاهها سروکار دارند، و بلافاصله نیز موجب بروز بی نظمی، فساد در ادارات و سازمانهای اداری میشود، که باید با اجرای نوعی برنامه مبارزه با فساد و انقلاب اداری، با این نوع عدم توجه به وظیفه مبارزه بعمل آید. ... اما حقیقت امر اینست که اشکال عمده اجرای انقلاب اداری و مبارزه با فساد اداری در همین است که عوامل اصلی (نارسائی‌ها و فساد اداری) افرادی هستند که در درجه اول و مرحلهٔ نخست حساب‌رسی شخصی، زیان را متوجه خود نمیبینند و بهمین جهت هم تا آنجا که ممکن است با نادیده گرفتن اوضاع شخصی خود قدمی در راه اصلاح روش خویش برنمیدارند، تا زمان میگذرد و خودشان هم مانند سایر افراد مملکت از این رهگذر زیان به بینند.....

اما «بی‌توجهی به انجام وظیفه در کارگاهها و صنایع کشور» مستقیماً و در مرحله نخست، زیانش عاید کارگران میشود..... زیرا، امروزه صنایع و اقتصاد متکی به صنعت مستقیماً با منافع خصوصی کارگران ارتباط دارد.....

* براستی مگر صنایع، کارخانه‌ها، کارگاهها و بطور کلی اقتصاد وابسته به صنعت مال کیست؟

* جز اینکه مال همین کارگرانی است که چه بصورت مزد بگیر و چه بصورت شرکای سود کارخانجات و یا حتی بنام صاحبان سهام کارخانجات در کارخانه فعالیت دارند؟

در سیستم سابق مالکیت‌های صنعتی ضرر و زیان ورشکستگی یك کارخانه در درجه اول متوجه صاحبان معدود (و گاهی منحصر بفرد) کارخانه میشد، ولی اکنون که خود کارگران صاحبان حقیقی کارخانه‌ها و تاسیسات صنعتی هستند، اولین کسانی نیز هستند که باید ضرر و زیان ناشی از تنزل بهره‌وری کارخانه‌ها را متحمل شوند....

گواینکه درهمان‌سیستم‌قبلی هم اکثریت قابل‌توجهی‌هم‌ضرربحرانهای اقتصادی ناشی از رکود وورشکستگی صنایع متوجه آنان بود، کارگران بودند....

امروزه که کارخانه‌ها و صنایع مملکت متعلق به یك فرد و یك خانواده(و یا معدود کمی افراد و خانواده‌ها) نبوده و مال یك مجتمع کارگران و کارمندان و دیگر طبقات متوسط و عادی کشور است، زیان هر نوع عدم دقت و بی‌اعتنائی به وظیفه که از یك نفر یا عده قلیل دیده شود، متوجه کارگران و تمام جامعه و ملت است.....

و کارگران هشیار و آگاه وطنمان، که قدرومواهب ناشی از انقلاب ملی ایران را بخوبی میدانند، متوجه این حقیقت هستند که در سیستم(اقتصادی- اجتماعی) وطنمان، این فقط کار آنها و سایر افراد(اعم از کارگران دستی‌یافکری) است که میتواند رفاه و سربلندی و بقای کشور

بقیه درصفحه ۱۰۹

بدنبال انتشار کتاب«انقلاب شاه و ملت»

کتاب«مأموریت برای وطنم» به‌زبان ایتالیائی منتشر میشود

سالوادور و ماریودینو ناشرین ایتالیائی که کتاب«انقلاب شاه و ملت» را به زبان ایتالیائی منتشر کرده‌اند، دریك مصاحبه مطبوعاتی که صبح روز ۲۵۳۵/۹/۲ در وزارت اطلاعات و جهانگردی تشکیل شد، درمورد تاثیر جهانی این کتاب و محتویات معنوی آن صحبت کردند.

سالوادور و ماریودینو که چندماه قبل به حضور شاهنشاه شرفیاب شده‌اند، تابحال درمورد بسیاری از شخصیتهای جهانی کتابها منتشر کرده‌اند و درنظر دارند در آینده‌ای نزدیك کتاب«ماموریت برای وطنم» را نیز به انتشار برسانند.

ماریودینو در بارهٔ دلیلی که باعث انتشار کتاب«انقلاب شاه و ملت» شد گفت:«وقتی کتاب انقلاب شاه و ملت را خواندم، این احساس به من دست داد که این کتاب تنها جنبه ملی ندارد و از مرزهای کشور شما فراتر رفته و حتی نمی‌توان مرزی برای آن قائل شد. محتوای این کتاب بازگوکننده انقلابیست که درجهان سوم میتوان به بهترین وجهی از آن بهره‌برداری کرد و حتی تا ۳۰ سال آینده نیز از تاثیرهای آن بهره‌مند شد.»

دینو در ادامه صحبتهایش اضافه کرد:«انقلاب شاه و ملت معجزه‌ای بی‌سابقه است که براساس آن جامعه ایرانی بدون اینکه پای خونریزی درمیان باشد دگرگون شده و این دگرگونی در موقعیتی صورت گرفته که هیچگونه لطمه‌ای به آزادیهای فردی و جمعی وارد نیامده است.»

کتاب انقلاب شاه و ملت که سالوادور و ماریودینو به ایتالیائی منتشر کرده‌اند یك میلیون دلار هزینه برداشته و در ۲۰۰۰ نسخه به قیمت ۷۵٤ دلار منتشر شده و تنها جلد آن ۱۰۰۰ دلار خرج برداشته است.

ماریودینو درباره این کتاب و مفهوم آن گفت«انقلاب ایران، راه سومی است که با ازبین بردن کاپیتالیسم و مارکسیسم جامعه جدیدی را پایه‌ریزی می‌کند.»

در خاتمه ماریودینو بعد از خاطرنشان ساختن مفاهیم عالی انقلاب شاه و ملت گفت:«من یك ایتالیائی هستم و اجباری نداشتم که انقلاب شما را دوست بدارم. ولی به دلیل مفهوم متعالی و جهانی آن به آن علاقمند شدم. چون انقلابیست که باحفظ احترامات شخصی، بدون خشونت سیستم جدید را جانشین سیستم قدیم کرده است. و تمام این دلایل باعث شدند که من پیشنهاد دولت ایران را برای پرداخت یك میلیون دلار هزینه نشر کتاب ردکنم.»

سیری در،
فلسفه انقلاب ایران

در شماره گذشته متن «فلسفه انقلاب ایران» چاپ شد ودر دسترس خوانندگان قرار گرفت.

آنچه که بصورت «فلسفه انقلاب» منتشر گردید، دستاورد بررسی‌های گروهی از متفکران وکارشناسان مسائل اجتماعی وحزبی است که در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر مبنی بر لزوم نگارش وتدوین فلسفه انقلاب گرد هم برآمدند، وسپس ماحصل اندیشه‌ها وغور وبررسی‌ها را با این انشاء دلنشین ورسایر روی کاغذ آوردند، که مورد تایید رهبر بزرگ انقلابمان قرار گرفت.

همانگونه که بهنگام انتشار شماره گذشته این مجله، ضمن چاپ «فلسفه انقلاب ایران» وعده دادیم که آنرا در شماره‌های آینده بطور گسترده غور وبررسی وتجزیه تحلیل کنیم، اکنون بانجام قول خود می‌پردازیم واز این شماره، «فلسفه انقلاب ایران» را فصل بفصل بدانگونه که در رساله پخش شده تدوین وتنظیم شده است تفسیر وتشریح می‌کنیم........

درعین حال عقیده داریم که همه صاحبنظران ومتفکرانی که قصد همکاری ویاری با این مجله را داشته باشند- ودر درجه اول کسانی که خمیر مایه فکری ونگارش رساله فلسفه انقلاب را فراهم کرده‌اند- این فرصت را خواهند داشت که با فرستادن نظراتشان درباره آنچه که ما تفسیر می‌کنیم، نوشته‌های ما را تکمیل کرده ویا احیاناً سئوال‌هایشان را مطرح کنند تا پایه گفت وشنود نوتر وبهتری نیز فراهم آید....

* * *

گوهر وجودی جامعه وملت

در فلسفه انقلاب ایران، بقای موجودیت شکوفای ملی را بعنوان «گوهر وجودی جامعه» نام برده‌اند واین سخنی درست وبسیار ژرف وپر معنی است.........

بقای موجودیت شکوفای ملی ما، یعنی ادامه زندگی وحیات ملت ایران بصورت موجودی زنده وفعال وپیشرو...............

این در واقع نه تنها بهترین وزیباترین توجیه آرمانهای ناسیونالیزم انسانی ملت ما، بلکه صحیح‌ترین و واقعی‌ترین آرمان وایده‌آلی است که هر ملت دیگر- اگر براستی به ملیت وتاریخ وسابقه زنده بودن خویش اعتقاد داشته باشد- میتواند آنرا بعنوان دلیل مبارزات وفعالیت‌های خود عنوان کند واظهار بدارد..........

مردمی که با داشتن یك سلسله وجوه مشترك اصلی واساسی از دیرباز- یعنی هزاران سال- دراین سرزمین‌های باستانی زیسته‌اند وفرهنگ وتمدن فاخر وانسانی بنیاد نهاده‌اند، وبصورتی به زندگی خود ادامه داده‌اند که تاریخ زندگی‌شان وسرگذشتشان بصورت یکی از گرانبهاترین مدارك شرف وشایستگی انسانها بکار گرفته شده است، طبعاً نه تنها برای خودشان یك ملت اصیل - با مشخصات یك ملت حقیقی - هستند، حتی برای دنیای انسانها و دیگر ملت‌ها نیز یك سنگ زیربنا و یك نمونه و پیشگام و بالاخره یك انگاره و پیشاهنگ زندگی بشمار میرود...

و چنین عنصری، چرا که همواره شکوفا و پویا و درخشنده نباشد؟

بی‌شك، همچنان شکوفا ماندن و پویا و درخشنده زیستن گوهر وجود جامعه و ملت ماست، و نیز بی‌چون و چرا هدف اصلی ما باید حفظ و اعتلای این گوهر وجودی گرانبها باشد... که همچنان شکوفا و پویا و درخشنده و بخشنده و خلاق بمانیم...

تاریخ پرافتخار و دراز مدت ملت ما، نه فقط از لابلای آنچه که تحت عنوان «تاریخ ایران زمین» تدوین شده است، بلکه از میان نوشته‌ها و گفته‌ها و ادبیات دیگر ملل جهان بطور درخشان و خیره کننده در سراسر زمان و قرون پرتو افکنده و تاریخ (ملت ایران ـ اقوام آریائی و شاهنشاهان) از جمله زیبائی‌های سرگذشت طولانی و پرهیجان انسان‌هاست... به این دلیل است که در فلسفه انقلاب ایران، در اولین کلمه که سخن آغاز می‌شود، بحث «گوهر وجودی» جامعه ملت بمیان می‌آید و هدف جامعه را حفظ و حراست و بالا بردن شان و مقام این گوهر وجودی میدانیم. زیرا در واقع مساله اصلی (و یا بهتر بگوئیم رسالت و نقش ملت ایران میان خانواده ملل) عبارت از اینست که بعنوان یك عنصر زنده و فعال و شکوفا بنام ملت همواره الگوئی برای نشان دادن و ثبات این واقعیت باشد که «ملت عنصری است زنده، و مادام که شکوفا و خلاق است قادر به حفظ مقام خود در خانواده ملل است و این قدرت حفظ شکوفائی خلاقیت مبیّن شخصیت و حیات ملت میباشد.»

این تصادفی نیست که گاهی اوقات ملاحظه میشود که در مطبوعات و نشریات وابسته به بعضی از سیاست‌های جهانی، وقتی که سخن از برنامه‌های توسعه و عمران وطن ما بمیان میآورند، و انگشت بر روی ارقام و اعداد درآمدها و هزینه‌ها و تأسیسات صنعتی و غیره میگذارند، عبارت کنایه‌آمیز (و یا بقولی کینه توزانه‌ی) «برنامه‌ها و هدف‌های بلند پروازانه) را بکار میبرند!!

همچنانکه چند سال قبل، بهنگام انتشار برنامه پنجم عمرانی کشورمان، در بعضی از محافل خارجی این اصطلاح را بکار بردند و گفتند و نوشتند که: «ایران برنامه‌های بلند پروازانه دارد»...

در حالیکه از نظر خودما، برنامه‌ها بلند پروازانه نبوده و فقط گامی دیگر بود برای شکوفاتر کردن موجودیت ملی، که همان حفظ اعتلای گوهر وجودیمان باشد.

اما در میدان جهانی تنازع‌بقاء، همین حرکت معنای خاصی دارد که گاهی بدخواهان و حسودان را تحریك کرده و آنان را وادار میسازد که بکنایه و اشاره سخن بگویند و حتی

گاهی هم این اراده ملت مادایر به حفظ بقا و اعتلای شکوفائی را بر ما نبخشند!!!

اما این هدف جامعه ماست.

***

انقلاب و تضادها

ساده‌ترین و رساترین توجیه از «تضاد» در رساله انقلاب ایران بعمل آمده است ...

باین معنی که گفته شده است: «در برخی از مراحل تاریخی حیات هر ملت و جامعه بعضی از نهادهائیکه در شرایط و اوضاع دیگر سبب بقاء، گوهر وجودی جامعه بوده‌اند بصورت نیروهای متضاد در میآیند که مانع پیشرفت آن جامعه میشوند، در چنین شرایطی است که حل تضادها بمنظور حفظ گوهر وجودی جامعه ضرور می‌نماید:

در این رهگذر از سخن باید فهمید که چگونه بعضی نهادها که در شرایطی سبب بقای گوهر وجودی جامعه و ملت بوده‌اند بصورت نیروهای متضاد در میایند و مانع پیشرفت آن جامعه میشوند؟بعنوان مثال:

از نظام فئودالیته و بزرگ زمین داری اسم می‌بریم...

میدانیم که بزرگ زمین‌داری (فئودالیته) در شرایط عبور از دوران بردگی و پیشرفت بدوران ترقی و تحول اجتماعی، شکل مترقی و پیشرفته‌ای بشمار میرفته و قوانین و اصول فئود الیته ضامن استقرار «پیشرفت» و «تحول» در آن مرحله زمانی بوده است...

معلوم است وقتی که برده‌ها از بی‌سر و سامانی بزرگی خارج می‌شوند و به موجب قانون و اصول پذیرفته شده‌ی دیگر، نام (رعیت و برزگر در املاك اربابی) بخود میگیرند، این یك تحول و پیشرفت است... در آن شرایط «حق مالکیت مطلق» برای مالکان بزرگ و فئودالها مقدس و محترم شمرده می‌شود و جامعه اصولاً برروی این اصل به گردش در زندگی خود ادامه میدهد که حق مالکیت مطلق مالکان بزرگ و فئودالها در اراضی وسیع مملکت و حق بر خورداری آنان از درصد مشخص کار و زحمت و سرمایه گذاری رنجبران و ساکنان آن اراضی حقی است مسلم و یکی از مقدسات است !!

اما وقتی که به جبر شرایط نیمه دوم قرن نوزدهم و الزامات قرن بیستم میرسیم، ملاحظه می‌کنیم که همان اصول مقدس و محترم بصورت «مزاحم‌ها» جلوه‌گر می‌شوند...

ضرورتهای رتند و ترقی جامعه در جهت صنعتی شدن (که زائیده پیشرفت علم و اندیشه آنهاست) از اواسط قرن نوزدهم بصورت چشمگیر و الزام‌آور خودشان‌را به رخ جوامع انسانی می‌کشند و حرکتی بسوی شهرها و صنایع بوجود میآید که ناگزیر مرد دهنشین را با خود می‌کشاند و می‌برد - رعیت دیگر نمی‌تواند بصورت رعیت باقی بماند ووابسته بزمین و یا وابسته به مالك بزرگ باشد - چرخ ماشین‌ها و کارخانجات به گردش در آمدهو مواد اولیه را با نظم و قانون خاص طلب میکند و محصولات و تولیدات را نیز با نظم و قانون خاص تحویل میدهد - روابط تولید و روابط کار بکلی تغییر می‌نماید - عنصر انسان در موضع خود جابجا می‌شود و تکان میخورد، تکانی که تحت تاثیر لرزه‌های ماشین و صنعت بوجود آمده است - و دیگر قوانین مقدس فئودالیته از سکه می‌افتند و تقدس و احترامشان فرو میریزد!!!

و این «تقدس زدائی» و یا «تقدس میری» دیگر اجتناب ناپذیر می‌شود و اگر طبیعت و قانون این «تقدس زدائی و تقدس میری» بخوبی شناخته شده و تحت یك نظم و نسق و ترتیب معین براه بیفتند، جامعه و ملت خواهد توانست که با یك حرکت حساب شده و مهار شده این مرحله را طی کند، وگرنه آنچه باید اتفاق بیفتد، خواهی نخواهی گاهی زودتر از هماهنگ شدن همه شراط و گاهی دیرتر و عقب‌تر از شرایط منطقی (به سبب مقاومتهای نابخردانه) اتفاق می‌افتد و غالبا در هر دو حال با پی آمدهای نامطلوب و حساب نشده و غیرمنطقی! و بهر حال نام این اتفاق «انقلاب» است منتها شق اول را میگویند (انقلاب منطقی و حساب شده) یعنی اینکه جامعه از پیشاپیش طبیعت آن تحول و حرکت ضروری را شناخته و بفرافور طبیعت خود جامعه و نیازهای واقعی و سوابق تاریخی و فرهنگی خویش آنرا در بستر مساعد بحرکت در میآورد و آنرا رهبری می‌کند ...

بقیه در صفحه ۴۷

خبرهای حزبی

شرکت در کانونهای حزبی نوعی آموزش سیاسی است

جمشید آموزگار دبیرکل حزب و وزیر مشاور، در اجلاس عمومی اعضای جناح پیشرو داریوش همایون را بعنوان قائم‌مقام دبیرکل حزب معرفی کرد و داریوش همایون پس از معرفی، برای حفظ بی‌طرفی از جناح پیشرو کناره گرفت.

داریوش همایون قائم مقام دبیرکل حزب در گفتگوئی درباره خط مشی و برنامه‌های آینده حزب اظهار داشت: برنامه‌های آینده حزب براساس تصمیماتی است که در قطعنامه دومین کنگره حزب اجرای آنها مورد تاکید قرار گرفت.

آموزش سیاسی

داریوش همایون در پاسخ این سئوال که برنامه‌های حزب برای گسترش آموزش سیاسی بر چه اساسی خواهد بود، گفت:

– در مورد آموزش سیاسی خیلی زیاد صحبت میشود، آموزش سیاسی فراگرد بسیار پیچیده‌ای دارد و هدفش تربیت اعضای حزب است و افزایش دانش‌حزبی و سیاسی آنان، و باید بر این نکته تاکید کنم که عضویت در حزب و شرکت در کانونهای حزبی خود نوعی آموزش سیاسی است. اعضای حزب که در کنگره شرکت کردند با مقدار زیادی، آموزش سیاسی و اطلاعات و معلومات حزبی به شهرهای خود باز گشتند. البته آموزش سیاسی بمعنی اختصاصی که عبارت باشد از اشاعه ادبیات سیاسی و تشکیل جلسات و گردهم آئی گفت و شنود و بحث، در حزب جای مهمی خواهد داشت.

قائم مقام دبیر کل در باره تشکیل شوراهای حزبی متذکر شد آئیننامه شوراهای حزبی بر اساس اصلاحاتی که کنگره در اساسنامه حزب داد، باید توسط هیات اجرائی اصلاح شود و از این گذشته تشکیل شوراهای حزبی بستگی به روشن شدن حد نصاب جدید اعضای کانونها دارد.

بدین ترتیب هرگاه کانونهای حزبی بر اساس آئینامه‌ای که هیات اجرائی تهیه خواهد کرد به حد نصاب جدید رسید، شوراهای حزبی تشکیل خواهد شد و فکر نمیکنم تشکیل شوراهای حزبی زودتر از سال آینده امکان پذیر باشد.

با قائم مقام دبیر کل حزب بیشتر آشنا شویم

داریوش همایون، قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران، در سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی در تهران چشم بجهان گشود. او لیسانسیه علوم قضائی و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران است.

همایون که از جوانی در فعالیتهای اجتماعی شرکت داشته، از سال ۲۵۱۵ به روزنامه‌نگاری پرداخت و خیلی زود، تفسیرهای سیاسی او که از بینش عمیق و گسترده‌یی برخوردار است، مورد توجه و استفاده محافل گوناگون قرار گرفت.

همایون چندی نیز به کار نشر کتاب اشتغال یافت، و ۹ سال پیش روزنامه آیندگان را بنیان نهاد و از آن تاریخ در مقام مدیریت عامل و رئیس هیات تحریریه آیندگان، فعالیتها و خدمات خود را به کشور ادامه داد. همایون از آغاز تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران، در مقام متفکری آشنا به مسائل گوناگون حزبی، پیوسته در راه گسترش اندیشه‌های حزب و پایه‌گذاری برنامه‌های آتی آن، کوشش داشته است.

همایون که عضو هیات اجرائی و دفتر سیاسی حزب نیز هست، پس از انتخاب به قائم مقامی دبیر کل حزب در گفتگوئی با خبرنگاران اظهار داشت در سمت جدید وظایفی را که در روزنامه دارد همچنان دنبال میکند، اما بیشتر وقت خود را صرف حزب خواهد کرد.

عبدالمجید مجیدی هماهنگ کننده جناح پیشرو

در اجتماع اعضای جناح پیشرو جمشید آموزگار دبیر کل حزب و وزیر مشاور و هماهنگ‌کننده پیشین این جناح، با اعضای جناح تودیع کرد و سپس عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه بعنوان هماهنگ‌کننده جدید جناح پیشرو انتخاب شد.

در اجتماع جناح پیشرو که جمعی از سناتورها- نمایندگان مجلس شورای ملی- استادان دانشگاهها و دیگر گروههای عضو جناح شرکت داشتند، جمشید آموزگار دبیر کل حزب و وزیر مشاور طی سخنانی اظهار داشت: برای حفظ بی‌طرفی در مقام دبیر کلی حزب از جناح پیشرو کناره‌گیری میکنم و امیدوارم هر دو جناح حزب همانطور که شاهنشاه آریامهر مقرر فرموده‌اند بسترهای فکری باشند و من و ستاد حزب را در پیشبرد هدفهای حزب یاری دهند.

وی بدنبال این سخنان بعنوان نخستین هماهنگ‌کننده جناح پیشرو از اعضای این جناح خداحافظی کرد.

سپس محمد حسین موسوی، نماینده مجلس شورای ملی و عضو دفتر سیاسی حزب و قائم مقام جناح پیشرو ضمن قدردانی از جمشید آموزگار گفت: اعضای این جناح با راهنمائی‌های جمشید آموزگار در مدت فعالیتهای خود طرحهای عمده‌ای را در زمینه مسایل مختلف تهیه و ارائه کرده است. وی سپس به اهمیت انتخاب هماهنگ کننده جدید جناح اشاره کرد و یادآور شد که با توجه به اهمیت کمی و کیفی فعالیتهای جناح پیشرو لازم است که فردی از هر جهت شایسته و پوینده به رهبری جناح برگزیده شود و بهمین سبب من عبدالمجید مجیدی را پیشنهاد میکنم و انتخاب او را به رای میگذارم.

سپس دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده وزیر بهداری و بهزیستی طی سخنانی ضمن تجلیل از خدمات جمشید آموزگار از خصوصیات بارز عبدالمجید مجیدی سخن گفت و پس از سخنرانی سه تن از اعضای جناح، عبدالمجید مجیدی باتفاق آراء بعنوان هماهنگ‌کننده جدید جناح پیشرو انتخاب شد.

علی فرشچی، خزانه دار کل حزب

جمشید آموزگار دبیرکل حزب و وزیر مشاور علی فرشچی را با حفظ سمت بعنوان مسئول خزانه‌داری کل و امور مالی و دبیرخانه حزب تعیین کرد.

احمد کاشفی معاون نخستوزیر و خزانه‌دار کل حزب بعلت کثرت مشغله در نخستوزیری از سمت خود در حزب استعفا کرد و جمشید آموزگار دبیر کل حزب ضمن تقدیر از زحمات و خدمات گذشته احمد کاشفی در حزب با استعفای وی موافقت نمود.

علی فرشچی مسؤل جدید خزانه‌داری کل و امور مالی و دبیرخانه حزب، از چهره‌های پرتلاش و موفق کشور در امور مالی است.

رئیس هیأت اجرائی

هیات اجرائی موقت حزب در یك گردهمائی، رئیس جدید هیات اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران راانتخاب کرد. در این جلسه که به ریاست جمشید آموزگار دبیرکل حزب و اعضای هیات اجرائی تشکیل شد، جمشید آموزگار از خدمات اعضای هیات اجرائی تشکر کرد و آنگاه احمد قریشی از سوی اعضاء برای تصدی پست ریاست دفتر اجرائی پیشنهاد شد که باتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت.

سپس برای انتخاب نواب رئیس و منشی‌ها اخذ رای بعمل آمد و هما روحی و فرهنگ‌مهر بعنوان نواب رئیس و برزیده و صفاپور نیز بعنوان منشی‌های هیات اجرائی برگزیده شدند. در این جلسه پرویز ناتل خانلری و دکتر قاسم معتمدی نیز بعنوان اعضا دفتر سیاسی انتخاب شدند.

درپایان این جلسه دبیرکل حزب در گفتگوئی با خبرنگاران گفت: آئین نامه تشکیل کانونهای حزب براساس توصیه دومین کنگره حزب اصلاح شد و بموجب آن اعضاء کانونها به حداقل ۵۰ نفر و حداکثر ۱۰۰ نفر رسید.

رئیس جدید هیات اجرائی نیز در جمع خبرنگاران در مورد سمتهای قبلی خود گفت:

من قبل از آنکه این افتخار نصیبم شود، عضو دفتر سیاسی بودم و هستم.

وی در مورد مسائلی که در جلسه هیات اجرائی مطرح شده بود، گفت: قبل از همه انتخاب هیات رئیسه بود و مسئله دیگر آئین نامه کانونها، که در کنگره حزب بسیاری از اعضاء نسبت به کثرت اعضای کانونها به این دلیل که بطور کامل گفت و شنود در جلسات کانونها صورت نمیگیرد معترض بودند و بهتر این است که تعداد این افراد کاهش پیدا کند.

وی افزود: امروز دبیرکل حزب پیشنهاد کرد که حداقل اعضای هر کانون ۵۰ نفر و حداکثر ۱۰۰ نفر باشد که این پیشنهاد به تصویب هیات اجرائی رسید و کانونهائی که از این پس تشکیل میشوند، براین اساس خواهند بود. موضوع سوم انتخاب دو نفر از اعضای هیات اجرائی برای عضویت دفتر سیاسی بجای داریوش همایون که قائم مقام دبیرکل شده است و خود من که به سمت رئیس هیات اجرائی انتخاب شده‌ام بود که دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر قاسم معتمدی برای عضویت در دفتر سیاسی انتخاب شدند.

بوسیله داریوش همایون، قائم مقام دبیرکل:

تشکیلات جدید حزب اعلام شد

هفته گذشته، داریوش همایون، قائم مقام دبیرکل حزب، در یك گفتگوی مطبوعاتی طرح تازه فعالیتهای حزبی را برای خبرنگاران تشریح کرد.

همکاری حزب با کمیسیون شاهنشاهی

داریوش همایون ابتدا درباره چگونگی همکاری حزب با کمیسیون شاهنشاهی گفت: براساس فرمان شاهنشاه، حزب از میان گروههای مختلف اجتماعی ۱۰ نماینده برای شرکت در کمیسیون شاهنشاهی تعیین کرد که از این تعداد دو نفر نماینده کارگران، دو نفر نماینده کشاورزان، دو نفر از اعضاء تعاونی‌های روستائی، دو نفر از اعضاء شرکتهای تعاونی مصرف و دو نفر از دارندگان کارت بیمه درمانی هستند که به این ترتیب در میان ۱۰ نفر نمایندگان حزب در کمیسیون شاهنشاهی صاحبان مشاغل گوناگون از قبیل، کارگر، کشاورز، پیشه‌ور، پزشك و استاد دانشگاه هستند و امیدواریم بتوانند در کمیسیون و کمیته‌های مختلف آن نقش مؤثری را عهده‌دار شوند.

قائم مقام دبیرکل افزود: حزب علاوه بر معرفی این ده نماینده به کمیسیون شاهنشاهی وظیفه بسیج نیروهای ملی را در جهت تحقق هدف‌های عالی کمیسیون شاهنشاهی نیز به عهده دارد که این وظیفه را از طریق کانون‌های حزبی به عمل درخواهد آورد.

کلیه اطلاعاتی که اعضاء حزب در نقاط مختلف دارند از طریق حزب در اختیار کمیسیون قرار خواهد گرفت و در شکل کلی‌تر حزب کلیه امکاناتش را در اختیار کمیسیون شاهنشاهی خواهد گذاشت.

داریوش همایون در زمینه چگونگی همکاری اعضاء حزب با کمیسیون شاهنشاهی متذکر شد: از همه کانونهای حزبی خواسته خواهد شد تا به هر مسئله یا موردی که مربوط به هدفها و وظایف کمیسیون شاهنشاهی است مواجه شدند به حزب گزارش دهند و از این راه تمام نیروی حزب در جهت وظایفی که شاهنشاه برای کمیسیون مقرر فرمودند قرار خواهد گرفت.

طرح دبیرکل

داریوش همایون در مورد خط مشی و برنامه‌های آینده حزب گفت: وقتی جمشید آموزگار از طرف دومین کنگره حزب به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد، حزب دارای سازمان وسیعی بود که با توجه به زمان کوتاهی که صرف پایه‌گذاری آن شده بود بسیار خوب کار میکرد، ولی با توجه به توصیه‌های قطعنامه و مذاکرات کنگره و تجربیاتی که حاصل بیش از یکسال فعالیت گسترده حزب بود و نیز با توجه به اوامر شاهنشاه در باره صرفه‌جوئی و یکی کردن سازمانهای مشابه دبیرکل لازم دید طرح تازه‌ای برای کارهای حزبی بیندیشد که کارائی بیشتر ستاد حزب را تضمین کند.

۶ شاخه ستادی

قائم مقام دبیرکل در تشریح طرح تازه افزود: ۶ شاخه حزبی وظیفه اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای حزبی را عهده‌دار هستند که عبارتند از:

● شاخه خزانه‌داری و اداری، امورمالی، داری، بایگانی، دبیرخانه، کارگزینی و کارپردازی حزب را عهده‌دار است در این مورد سه سمت خزانه‌دار و مسئول مالی و اداری و مسئول دبیرخانه حزب در هم یکی و به یك نفر سپرده شد.

● شاخه بازرسی - از طریق این شاخه یك نظارت داخلی بر نحوه عمل و کار واحدهای مختلف تشکیلاتی خود برقرار می‌کند.

شاخه تشکیلات

وظیفه این شاخه عبارت خواهد بود از، رسیدگی به امور کانونها و شوراهای حزبی، تهیه و نگهداری اسامی و مشخصات اسامی اعضاء حزب. انجام انتخابات داخلی مانند انتخابات کنگره، کانونها و شوراهای حزبی.

شاخه اجتماعی

این شاخه که با نظریات و خواست‌های کانونها سروکار دارد وظیفه‌اش دریافت کلیه درخواست‌ها و نظریات کانونهای حزبی و اعضای حزب از طریق کانونهاست. شاخه اجتماعی همچنین موظف است که به خواست‌ها و نظریات اعضاء کانونها پاسخ دهد و آنها را تا نتیجه قطعی در دستگاههای مختلف اداری پیگیری کند و مسائلی را که نتوانست به نتیجه برساند به مراجع حزبی تا دفتر سیاسی ارجاع کند.

داریوش همایون در ادامه تشریح وظایف این شاخه حزبی اظهار داشت:

هدف حزب اینست که در اختیار کانونهایش باشد و تا آنجا که امکان داشته باشد خواست‌ها و نیازهای منطقی و مشروع آنان را پیگیری کند و به نتیجه برساند به همین منظور شاخه اجتماعی از همکاری کلیه اعضاء حزب استقبال می‌کند و به همکاری گسترده و داوطلبانه اعضاء حزب در سراسر کشور نیاز دارد.

شاخه امور اجتماعی حزب ضمناً ارتباط حزب را با سازمانهای دیگری که در کنار حزب هستند یا به هدف‌های حزب یاری میدهند حفظ خواهد کرد.

شاخه آموزش و بررسی‌ها

قائم‌مقام دبیر کل حزب در باره وظائف این شاخه گفت: مقصود از آموزش و بررسی‌ها ارتباط فکری و ایدئولوژیکی با اعضاء حزب است به این ترتیب که پیشنهادها و نتایج بررسی‌ها و مباحث کانونهای حزبی درباره مسائل مملکتی و یا طرحهائی که از طرف اعضاء حزب ارائه میشود در

این شاخه بررسی خواهد شد و پس از تفکیك به کمیته‌های تخصصی هیات اجرائی حزب ارجاع میشود. همچنین این شاخه برای تشکیل کمیته‌های تخصصی از نظر دعوت از کارشناسان و متخصصان با دفتر کمیته‌های تخصصی همکاری خواهد کرد و نتیجه این بررسی‌ها بصورت طرح‌هائی در هیات اجرائی و دفتر سیاسی حزب طرح خواهد شد. به عبارت دیگر شاخه آموزش و بررسی‌ها حلقه رابطه فکری کانونها و اعضاء حزبی با هیات اجرائی حزب از طریق کمیته‌های تخصصی از یکسو و گیرنده طرح‌ها و پیشنهادهای اعضاء کانونهای حزبی در مورد مسائل عمومی از سوی دیگر است.

داریوش همایون در ادامه تشریح وظایف این شاخه حزبی گفت مهمترین وظیفه این شاخه آموزش سیاسی است که یك جریان دو طرفه است و مقصود از آموزش سیاسی تنها این نیست که یك عده بعنوان معلم و سخنگو برای دیگران صحبت کنند و یا نشریاتی از سوی حزب برای کانونها فرستاده شود بلکه آموزش سیاسی باید بطور دائم از ستاد مرکزی حزب بسوی اعضای حزب و به عکس جریان داشته باشد. بعبارت دیگر ستاد مرکزی حزب از اعضاء حزبی آموزش خواهد گرفت و به آنها آموزش خواهد داد.

داریوش همایون با تاکید بر این مطلب که برای چگونگی کیفیت و محتوی آموزش سیاسی دقیقاً برنامه‌ریزی خواهد شد گفت: حزب رستاخیز اساساً یك وسیله ارتباطی کشور گیر است و ستاد ارتباطی و ستاد حزب به این منظور تجهیز خواهد شد تا حداکثر رابطه ممکن را با مردم برقرار کند و برای تحقق این هدف شاخه‌های تشکیلات اجتماعی و آموزش و بررسی‌ها یك دفتر مشترك تشکیل خواهند داد و کلیه صورت جلسات، طرح‌ها، پیشنهادها، خواست‌ها و شکایت‌های کانونها به این دفتر خواهد آمد و این دفتر هر نوع موضوع را به قسمت مربوط در حزب خواهد فرستاد که کلیه آنها پیگیری خواهد شد.

روابط عمومی

قائم‌مقام دبیرکل سپس با اعلام این مطلب که در آینده کمیته‌های مطالعاتی زیر نظر دفتر کمیته‌های تخصصی هیات اجرائی تشکیل خواهد شد در زمینه آخرین شاخه ستادی حزب گفت: روابط عمومی ششمین شاخه حزبی است که وظایفش شامل انتشارات، برگذاری مراسم و تشریفات ملی و میهنی و تسهیل گفت و شنود در سطح کشور است.

داریوش همایون در پاسخ این سئوال که روابط بین‌المللی در شاخه روابط عمومی چه نقشی خواهد داشت گفت: از روابط بین‌المللی دو مفهوم مستفاد شده است: یکی رابطه حزب با احزاب دیگر جهان که این ارتباط باید برقرار شود و دیگری ارتباط حزبی با ایرانیان مقیم خارج از کشور است که در این زمینه از چندی پیش مطالعاتی آغاز شده است که وقتی به نتیجه رسید حزب نظرش را اعلام خواهد کرد.

شوراهای حزبی

قائم مقام دبیر کل در پاسخ این پرسش که در برنامه‌های آینده وظایف حزب درباره نظارت و ارزشیابی چگونه انجام خواهد شد گفت: کار نظارت و ارزشیابی حزب اصولاً در صلاحیت شوراهای حزبی است و اعضاء این شوراها نمایندگان کانونهای حزبی هستند که از سطح روستا تا استان و شورای مرکزی تشکیل خواهند شد. شوراهای حزبی وظیفه دارند با مراجع اداری و مملکتی در هر سطحی تماس داشته باشند و طبیعی است که در این ارتباط منظم آنچه را که تحت عنوان نظارت و ارزشیابی میتوان نامبرد انجام خواهد گرفت و از سوی دیگر با تشکیل کمیسیون شاهنشاهی، حزب همه فعالیتهایش را در این زمینه در اختیار کمیسیون شاهنشاهی خواهد گذاشت زیرا در حال حاضر این کمیسیون بالاترین مرجع برای انجام این منظور است.

برنامه عدم تمرکز

داریوش همایون در پاسخ این سئوال که آیا در طرح تازه حزب برنامه عدم تمرکز درمورد فعالیتهای حزبی نیز منظور شده است گفت: دبیرکل حزب به سبب تجربیات و سوابقی که بعنوان مسئول برنامه عدم تمرکز در هیات دولت دارد معتقد است که حزب باید بصورت غیر متمرکز اداره شود و واحدهای مختلف مسئولیت و اختیارات لازم را برای انجام وظایف و کارهای خود داشته باشند و در برنامه آینده حزب از تمرکز کارها در تهران شدیدا جلوگیری خواهد شد.

ادامه کار مسئولان فعلی

قائم مقام دبیر کل در پاسخ سئوال مربوط به تغییرات در حزب گفت: من با صراحت اعلام می‌کنم دبیر کل حزب بهیچوجه طرفدار تغییر برای تغییر و بخاطر تغییر نیست. مسئولان فعلی حزب در هر سمتی که هستند باید به کارشان ادامه دهند و اگر در طول زمان بعضی از آنها تحرك و کارائی لازم را نشان ندادند یا به دلائل شخصی ادامه کارشان ممکن نبود یا به سبب سنگینی کار به مسئول تمام وقتی نیاز بود طبیعی است که مورد به مورد تصمیم گرفته خواهد شد. ولی تغییرات بصورتی که شایعه‌سازان در چند هفته اخیر نتیجه‌گیری کرده‌اند مطرح نیست.

در مورد سایر کارکنان حزب داریوش همایون متذکر شد جمشید آموزگار هنگامی که رئیس هیات اجرائی بود تاکید زیاد بر جلوگیری از پا گرفتن دیوانسالاری در داخل حزب داشت و اکنون نیز در سمت دبیرکل حزب معتقد است که حزب باید به حداقل کارکنان موظف قناعت کند و بیشتر از نیروی کار داوطلبان حزبی استفاده کند و در مورد مسئولان حزبی هم نمیشود حکم کلی کرد و گفت تمام مسئولان باید تمام وقت باشند برای اینکه مسئولان روی ملاحظات گوناگونی برگزیده میشوند و یا در آینده خواهند شد. و ممکن است یك فرد که کار دیگری هم دارد از هر نظر شایستگی قبول یك مسئولیت حزبی را هم داشته باشد. ولی در مورد خدمات اداری سعی خواهد شد که افراد مورد نیاز حزب در تهران و شهرستانها تمام وقت باشند.

تقسیم کانونها

داریوش همایون در خاتمه گفتگو با خبرنگاران درباره اصلاح آئینامه کانونها و کاهش اعضاء آنها گفت: تقسیم کانونها براساس اصلاح آئینامه از دو صورت خارج نیست کانونها یا تا ۱۰۰ نفر عضو دارند یا بیشتر، کانونهائی که ۱۰۰ نفر عضو دارند در صورت تمایل میتوانند بصورت فعلی باقی بمانند و یا اگر بخواهند میتوانند به دو کانون تقسیم شوند ولی کانونهائی که بیش از ۱۰۰ نفر عضو دارند باید حتما براساس آئینامه جدید تقسیم شوند و در این زمینه دستور عمل حزب بزودی تهیه و ابلاغ خواهد شد.

هورا

کارگران هنرمند ایرانی

محمد علی عرفی‌نژاد

احمد حکیمیان بهروز، برنده اول مسابقه نقاشی

هورا، برای کارگران هنرمندی که توانستند در زمینه‌های نقاشی، مقاله نویسی تاتر و موسیقی شکوه تازه‌ای بیافرینند.

هورا، برای زمانه‌ای که دیدیم شکوه خنده و شادی را در چشم و دل خانواده‌های کارگران ایران، در جشنی که بپا داشتند.

هورا، برای یك موفقیت، دو موفقیت و هزاران موفقیت...

جشن... جشن

مناسبت جشن، برگزاری جشن فرهنگ و هنر بود. جشن را مرکز آموزش هنری کارگران وزارت کار و امور اجتماعی و کارگران هنرمند بپا داشتند و میهمانانشان وزیر فرهنگ و هنر و نیز وزیر خودشان دکتر منوچهر آزمون بودند. آنروز کارگران شور و حال دیگری داشتند. آنها که در مسابقه نقاشی و مقاله نویسی شرکت کرده بودند و انها که سهم‌شان برپاداری جشن بود، همه و همه در تدارك یك برنامه بودند و با ورود وزرای فرهنگ و هنر و کار و امور اجتماعی، مراسم شکل اصلی خود.را باز یافت. آقای پهلبد و آقای آزمون اول از نمایشگاه نقاشی بازدید کردند. و کارگران نقاش، مقابل تابلوهای خود ایستاده بودند و به پرسش‌ها پاسخ میدادند.

خیره کننده بود

بله خیره کننده بود، بعضی از نقاشی‌هارامیگویم، کارهای مدرن، کلاسیك و... و...

وزیر فرهنگ و هنر شادمانه به تابلوها نگاه میکرد. وقتی کار غلام بلوك، کارگر عکاس را بادقت نگریست، گفت:

– چقدر خوب است یك جهت فکری به کار نقاشی کارگران نقاش داده شود. موضوع نقاشی هرچه به کار آنها نزدیك باشد، کار قشنگتر از اب در می‌آید.

دکتر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی با تحسین به کار نقاشان کارگر نگاه میکرد و در تائید گفته وزیر فرهنگ و هنر، از مسئولین خواست تا نسبت به جهت دادن به کار نقاشان کارگر، اقدام کنند.

نقاشی‌ها زمینه‌های گوناگونی داشت. از برش یك هندوانه در جلو تصویر و باغ پشت آن، تا پرتره زن و مرد و کارهای نو و تازه، مثل شکل‌گیری از چهارگوی رنگی که سایه‌های زیبائی داشتند. و جالبتر کار یکی از کارگران بود که یك کاغذ را هشت تا کرده، باز کرده و از روی آن یك کاغذ تاشده چرك را نقاشی کرده بود.

وزیر فرهنگ و هنر در مورد این اثر اظهار داشت:

-اینکار اگر در یك گالری نقاشان نوگرا گذاشته میشد، به فراوانی جلب نظر میکرد.

بله همینطور بود. کار نقاشان کارگر، حیرت‌انگیز بود، جلب کننده بود و پر از حرف و عمل و قصه.....

توسعه برای هنر

به کار یداله کوزه‌ای رسیدیم، کارگری از ذوب آهن کرمان.....

قبلا بد نیست مشخصات این کارگر را که سال گذشته در رشته نقاشی برنده جایزه نخست شد و امسال جایزه دوم را بدست آورد، بدانیم، کوزه‌ای از کودکی به نقاشی علاقه داشته است و در اموزشگاه صنعتی کرمان فعالیت داشته و سپس به دنبال خطاطی رفته است، چرا که نقاشی برای او در آمد مناسبی نداشته است، زیر نظر خطاطی بنام وکیلی تمرین خط نویس کرده و عاقبت در قسمت ساختمانی ذوب آهن به کار مشغول شده است. کارگری است که کارش را دوست دارد و البته از نظر حقوق کمی گلایه دارد. جالبتر اینکه کوزه‌ای غیر از نقاش، قهرمان پینگ و پنگ کرمان است و سرپرست فوتبال شهرستان، و اینهمه موفقیت برای یك کارگر ایرانی که غیر از کار اصلی در زمینه نقاشی و ورزش فعالیتهائی داشته است، ستودنی است.

وزیر فرهنگ و هنر هنگامیکه کار کوزه‌ای را دید اظهار داشت:

– در اندونزی من شاهد موفقیت هنری مردم انجا بودم، جالب اینجا بود که کشاورز و کارگر و کارمند، هنگامیکه کارشان تمام میشد و به منزل می‌آمدند، یك کار هنری برای این ساعات فراغت داشتند. آنها در زمینه‌های تاتر، موسیقی، نقاشی فعالیت داشتند و این هنرها جزئی از تفریح و زندگی آنها بود. وقتی هنر با زندگی توام شد، نشانه پیشرفت فرهنگ است و چه خوب است که میبینیم کارگران ما هم در همین زمینه فعالیت دارند.

نقاشی پخته

کار سیروس رحیمیان کارگر کارخانجات تولیدی تهران بسیار مورد توجه وزرای فرهنگ و هنر و کار و امور اجتماعی قرار گرفت، این کارگر هنرمند، از رنگ‌های صنعتی برای نقاشی خود روی یك کاغذ ویژه استفاده کرده بود و نقاشی‌ها را بعداز کار، بطوریکه خودش میگفت در کوره می‌پزد و بهر عنوان یك کار تازه در نقاشی بوجود

بقیه درصفحه ۱۰۷

در مسابقهٔ اتومبیلرانی سرعت،

بیست مسابقه، در دس

رضا عابدپور دردشتی، هنگام عبور از پیچ (اس S) اتومبیلش واژگون شد، ولی او به مسابقه ادامه داد.

صحنه ای از مسابقه اتومبیلرانی سرعت.

در اخرین پنجشنبه ابان‌ماه گذشته یك بار دیگر شیفتگان سرعت و رانندگان بیباکی که رندگی را با سریع‌تر راندن دوست دارند، در استادیوم ورزشی اریامهر نمایشی از سرعت برگزار کردند

در این روز هیجان بر سراسر استادیوم سایه افکنده بود، تماشاچیان لحظه‌ای تحمل نشستن نداشتند، غرش رعد اسای موتور اتومبیل‌های مخصوص مسابقه، گردش بی‌امان چرخ‌ها و سرعت بالای صدو هشتاد کیلومتر، همه را مبهوت کرده بود.

همه نگاهها بر بدنه‌هتیی اتومبیل‌ها چسبیده بود. هیاهوی هیجان‌زده تماشاچیان، چنان بود که گوئی بررانندگان هم اثر گذاشته و ان‌ها را به فشردن هرچه بیشتر پا برپدال گاز تشویق می‌کرد. اتومبیل‌ها مانند خرگوش‌هائی که از ترس عقاب بدنبال هم سوی پناهگاهی می‌گریزند، بی‌امان یکدیگر را تعقیب می‌کردند. سرعت لحظه به لحظه [illegible] می‌رسید و در این میان خطر چون پرنده شومی [illegible] گرد [illegible] می‌چرخید و [illegible] وجود [illegible] لحظه‌های [illegible] به [illegible] می‌کرد

[illegible] گاهی در سرپیچ به ناگهان [illegible] [illegible] می‌دادند و در این موقع [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] را جهت جستجوی [illegible] به گردش در می‌[illegible]

[illegible] با تجربه با یك مانور اتومبیل‌ها [illegible] مسیر خود برمی‌گرداندند و عشق به سرعت را دیگر بار به معرض تجربه می‌نهادند.

در این روز برروی‌هم چهل و پنج نفر راننده در طی پنج مسابقه با هم به رقابت برخاستند. نکته جالب در این بین وجود بیش از پنج‌نفر کارگر مکانیك در بین این شیفتگان سرعت بود.

این کارگران که هم اکنون از قهرمانان اتومبیلرانی کشور هستند، هرکدام نشانه‌ای از امیزش فعالیت با ورزش و سرعت می‌باشند.

● تصمیم گیری در مسابقه

قاسم علیرضازاده، یکی از اینگونه رانندگان است. سی و سه‌سال از سنش گذشته، و هم اکنون روزانه سیصد الی چهارصدتومان دستمزد می‌گیرد. او در باره چگونگی شرکتش در مسابقه، و همچنین وضع شغلیش می‌گوید: «موفقیت در مسابقه‌های رانندگی بیش از هر چیز به چگونگی فکر راننده بستگی دارد. بسیاری از راننده‌ها و همچنین تماشاچیان تصور می‌کنند تنها فشار دادن بر پدال‌گاز باعث خواهد شد تا یك شرکت کننده از دیگران پیشی بگیرد، در حالیکه تنها تا چهل درصد موقعیت بسته به میزان سرعت و ساختمان اتومبیل است و شصت درصد بقیه، مربوط به چگونگی تصمیم‌گیری و تلقی راننده می‌باشد.»

کریم ناظری یکی دیگر از قهرمانان مسابقه‌های اتومبیلرانی است. او در حال

از ۴۵ نفر شرکت‌کننده در مسابقهٔ اتومبیلرانی سرعت ۵ نفر کارگر بودند که موفقیت چشمگیری کسب کردند

حاضر در تعمیرگاه شماره بیست ایران‌ناسیونال کار می‌کند و روزانه ۴۰۰۰ ریال دستمزد می‌گیرد. از یازده سال پیش تاکنون عضو اتومبیل کلوپ شاهنشاهی است. ناظری می‌گوید: «من در طی این یازده‌سال، همواره مقام اول تا چهارم را داشته‌ام. علت این موقعیت گذشته از تمرین مداوم، مربوط به شناخت من از چگونگی لحظه‌های یك مسابقه اتومبیلرانی است. مهمترین موردی که هر راننده در ضمن شرکت در چنین مسابقه‌هائی باید رعایت کند، کنترل اعصابش است، چرا که مسابقه اتومبیلرانی، فوتبال یا والیبال نیست که لحظه‌ای غفلت تنها یك باخت را بهمراه داشته باشد، بلکه چنین غفلتی بی‌تردید با فاجعه همراه خواهد بود.»

کریم ناظری در ادامه حرف‌هایش می‌گوید: «من خوشبختانه در طی این یازده سال هرگز گرفتار حادثه‌ای نشده‌ام، چون هیچگاه در ضمن مسابقه خودم را نباختم.»

این راننده که به غیر از اتومبیل خودش، چهار اتومبیل دیگر را هم برای مسابقه اماده کرده بود، می‌گوید: «البته چگونگی ساختمان اتومبیل هم در موفقیت راننده تاثیر زیادی دارد. اتومبیل‌های معمولی برای شرکت در مسابقه بسیار ضعیف هستند. از سوئی چون ما اتومبیل‌های مخصوص مسابقه نداریم، اتومبیل‌های معمولی را برای شرکت در مسابقه تقویت می‌کنیم. بکار بردن دیفرانسیل، یاتاقان و میل لنگ مخصوص اضافه کردن کاربراتور، نصب کمك فنرهای مخصوص و همچنین استفاده از لاستیك‌های ویژه مسابقه و برداشتن منبع اگزوز و سبك کردن اتاق اتومبیل، از مهمترین این گونه امادگی‌هاست.»

● رعایت موارد حفاظتی

هوشنگ رهی، یکی دیگر از قهرمانان اتومبیلرانی است. او گذشته از شرکت در مسابقه، تاکنون اتومبیل‌های زیادی را هم برای این کار اماده کرده است. رهی هم تعمیرکار است و ماهانه ۲۵۰/۰۰۰ ریال درامد دارد. او در مورد چگونگی کارش می‌گوید:

«رعایت موارد حفاظتی از قبیل زیربندی، و بکار بردن فولاد محکمتر از مهمترین عوامل موفقیت یك راننده در مسابقه است، چرا که او با اطمینان به استحکام اتومبیل خود، با جسارت بیشتری به پیش می‌تازد. البته گذشته از اماده کردن اتومبیل از نظر موارد حفاظتی بالا بردن قدرت موتور را هم باید مورد توجه قرارداد. معمولا برای این کار سه کاربراتور به اتومبیل اضافه می‌کنند و باین

کارگران مکانیک در تعمیر اتومبیل‌های
شرکت کننده در مسابقهٔ سرعت عمل شگفت انگیزی داشتند

ن کارگران مکانیک بود

کریم ناظـری، کارگر مکـانیك، تا دور شـانزدهم پیشرو بود، بناگزیر از دور خارج شد.

سـام ثانی، با اتومبیل لانچیا در کلاس ۲۰۰۰ جی‌تی شرکت کرد.

ترتیب اتومبیل‌ها با داشتن چهـار کاربراتور، سرعت و شتاب زیادی خواهند گرفت. بکار بردن انژکتور برای سیستم سوخت صحیح بنزین هم از دیگر مواردیست که در ساختمان اتومبیل‌های مخصـوص مسـابقه رعایت می‌شود.»

● عاشق سرعت

امیر اسـفندیاری، مکـانیك تعمیرگاه احتشـامی، از سـن هشـت سـالگی با مزدی معادل ۵ ریال در روز در تعمیرگاه بکار مشغول شده است، در حـالیکه در حـال حـاضر حـدود ٤۰۰۰ ریال در روز درامد دارد. حدود نه سـال اسـت در مسـابقه‌های اتومبیل‌رانی شرکت می‌کند. او می‌گوید: «من از کودکی به اتومبیل و اصـولا به سرعت علاقـه زیادی داشـتم. بهمین جهـت هم بکـار در تعمیرگاه روی اوردم، اما از همان موقع به فکـر شرکت در مسابقه‌های اتومبیلرانی بودم. خبرهائی که درباره این مسـابقه‌ها می‌شـنیدم و فیلم‌هائـی که می‌دیدم، مرا بیش از پیش به این کار تشـویق می‌کرد، تا جـائیکه بعـد از گرفتن گواهینامه، به عضـویت اتومبیل کلوپ شاهنشاهی درامدم و اکنون نه سال است در مسابقه‌ها شرکت می‌کنم.»

رضا عابدپور دردشتی بیسـت و پنج سـال سابقه کار در تعمیرگاه دارد. با روزی ۷ تومان اغاز بکـار کرده و هم اکنون ماهانه هیجـده هزار تومان حقوق می‌گیرد. او شاید یکی از با سـابقه‌ترین شرکت کنندگان در مسـابقه‌های اتومبیل‌رانی است، چرا که حدود شانزده سال در این کار سـابقه دارد، عابدپور می‌گوید:

«بسـیاری از راننده‌ها که در دوره‌های اول مسابقه جلو می‌زنند، موفق نمی‌شوند مسـابقه را پایان دهند، چرا که فشـار ناشـیانه بر اتومبیل باعث می‌شـود تا نقص در آن پیدا شود و از دور مسابقه خارج شود، باین جهـت تنها تجربهٔ کافـی می‌تواند در جهـت موفقیت یك شرکت کننده مؤثر افتد.»

* * *

هر چند اتومبیل‌های شرکت کننده در مسـابقه‌های اتومبیلرانی هر نوعی را شـامل می‌شود، با این وجود اتومبیل‌هائـی مثل «بی. ام. و»- پورشه- پیکان- فورد کاپری- فورد اسکـورت- فیات و مینی ماینر، از نظر کیفیت ساختمانی برای شرکت در مسـابقه مناسب‌تر هستند. باین جهت بیشـتر قهـرمان‌ها، سـعی می‌کنند این گونه اتومبیل‌ها را برای مسـابقه اماده کنند .

در مسابقه‌هائی که تاکنون در ایران برگزار شـد، اتومبیل‌های «بی. ام. و» و پیکـان همواره بیشترین موفقیت را نصیب رانندگان خود کرده است.

هر اتومبیلی معمولا باید بیسـت و سـه مرتبه پیسـت را دور بزند. این پیسـت معمولا ۲۳۰۰ تا ۲٤۵۰ متر طول دارد. موضوع مهـم اینکـه هرگز موفقیت اتومبیلی که زودتر از همه این مسافت را می‌پیماید، قطعی نیسـت، چـرا که ممکـن اسـت راننده این اتومبیل در ضمن مسابقه دچـار خـطاهائی شـده باشـد و امتیازهائی را از دست بدهد. در مسیر مسابقه معمولاً دو پیچ «اس» (S) و سـه سرعت‌گیر وحود دارد.

سرعت‌گیر با کنار هم گذاشـتن لاسـتیك‌های اتومبیل و ایجـاد یك راه باریك و مارپیچ یا منحنی به وجـود می‌اید و راننده مجبور است با کم کردن سرعت خـود، از این راه بگـذرد. برخـورد اتومبیل با هر یك از این لاستیك‌ها باعث می‌شـود تا پانزده ثانیه تاخیر به حسـاب راننده مربوطـه گذاشـته شـود، در حـالیکه راننده اتومبیل دوم ممکـن اسـت هیچگونه خـطائی مرتکـب نشـود و با وجـود دیرتر رسیدن، برنده اول اعلام گردد.

هم اکنون در هر سـال دوازده مسـابقه اتومبیل‌رانی در ایران برگزار می‌شـود. این مسـابقه‌ها، شـامل سرعت، رالی (اسـتقامت اتومبیل)- هیل کلایِ (تپه پیمائی) اسلالوم (مارپیچ)- جیم کانا (شـامل حـرکت با دنده عقـب، پارك و مارپیچ و اصـول رانندگی صحیح) است.

در مسـابقه‌های سرعت، اتومبیل‌ها در پنج کلاس مختلف با هم رقابت می‌کنند

کلاس‌های: ۱۳۰۰، ۱۷۵۰ جـی تی (پیکـان جـوانان) کلاس ۱٦۰۰ تا ۲۰۰۰ کلاس گروپ ۲ (۲۰۰۲ به بالا) و کلاس ۲۰۰۰ جـی- تی. این پنج نوع را شـامل می‌گردد. میزان تقویت اتومبیل‌هائی که در هر کدام از ای کلاس‌ها شرکت می‌کنند. با هم تفاوت کلی دارد.

قهرمانان مسابقه‌های اتومبیل‌رانی گرفتار کمبودهائی هم هسـتند. قـاسم علیرضازاده مکانیك در اینمورد می‌گوید: «نداشتن مربی و پیسـت خوب هم اکنون از مهمترین کمبودهای ماست. من مطمئن هستم در صورت برطـرف شـدن این کمبود، رانندگان ایرانی بخـوبی خواهند توانست با قهرمانان بین‌المللی رقابت کنند.

از مقررات دیگر مسابقه یکی بازرسی کامل اتومبیل‌ها از نظر ایمنی اسـت. اتومبیل‌هائـی که پس از این بررسی برای شرکت در مسابقه مناسـب تشـخیص داده شـوند، کارت ورود دریافـت می‌کنند. و رانندگانی که بخـواهند با این اتومبیل‌ها در مسـابقه شرکت جـویند، کمیته فنی از انهـا ازمایش بعمل می‌اورد، که این ازمایش مخصوص مسابقه سرعت است.

اتومبیل‌هائی که پیش از اتمام مسـابقه از دور خـارج می‌شـوند، معمولا به علت نقص موتور مثل اب شدن پیستون، ترکیدن پوسته موتور به علت حرارت زیاد، و نقص‌های دیگـر مثل پاره شـدن پروانه و نقص سـیستم برق رسانی دچار نقص فنی می‌گردند

کریم ناظـری که در بیشـتر مسـابقه‌ها موفقیت‌هائی داشته اسـت [illegible] بود که در اخرین مسابقه بعلت اب شدن پیسـتون اتومبیلش نتوانست به مسـابقه ادامه دهد و ناچار با وجود جلو بودن از دور مسابقه خارج شد

[illegible] تعمیرکار [illegible] اتومبیل‌های انگلیسی [illegible] مسابقات [illegible] صفحه کلاچ از دور مسابقه خارج شد

هوشـنگ [illegible] هم از دیگـر قهـرمانان اتومبیل‌رانی بعلت پاره شدن تسـمه پروانه در دور [illegible] و نتوانسـت به مسـابقه ادامه دهد

[illegible] صفحه ۹۸

گفتگوی با دکتر منوچهر ازمون وزیر کار و امور اجتماعی

جامعهٔ کارگری ایران
نقش پیشتازی درسازندگی ملی داش

گفت و شنود از: «دیروز»

نویسنده رستاخیز کارگران:- «آقای دکتر ازمون خیلی ممنون از اینکه پذیرفتید بنشینیم و گفتگوئی داشته باشیم در زمینه مسائل کار و کارگران امروز.

بهتر است با توجه به سخنان شما که اخیراً در مورد کم کاری عنوان شد و اشاره کردید که به مسأله کم‌کاری خاتمه داده میشود، در وهله اول این سئوال را عنوان کنم که صفت و ترکیب «کم کاری» بطور اخص چه تعریفی را دربرمیگیرد و ابعاد آن در کدام خطوط و سطوح مشخص و تبیین میشود؟»

دکتر ازمون: - بطورکلی مقصود از کم‌کاری این است که ما به آن اندازه که ضرورت و امکان دارد از ظرفیت کامل نیروی کار استفاده نکنیم.

هرچه تفاوت بین بهره‌وری و حداکثر ظرفیت نیروی کار بیشتر باشد، باید گفت که کم‌کاری بیشتر است و این کم‌کاری جهات و علل مختلفی دارد. پیشرفت سریع صنایع در ایران و شتاب بیش از حد توسعه صنعتی کشور موجب شده است که سازمان تولید صنعتی کشور نتواند در گسترش خود در تمام مراحل و موارد از نیروی کار ماهر و متخصص بهره گیرد باین معنی که با آن شتابی که صنایع ما گسترش یافته و سازمان تولید صنعتی ما تقویت شده، همزمان با آن نیروی انسانی برای آن تربیت نشده است. بدیهی است وقتی که صنایع نتوانند نیروی ماهر لازم را بدست آورند در نتیجه ناگزیرند که از نیروی کار مبتدی و غیرماهر استفاده کنند. این نیروی کار غیرماهر از طرف روستاها به صنایع روی می‌آورند و صنایع نیز تلاش می‌کنند با آموزش جزئی که به این نیروی غیر ماهر میدهند، انهـا را در اختیار تولید بگذارند. در این زمینه مسلم است که نیروی کار مبتدی قادر نخواهد بود به آن نحو که نیروی کار ماهر و متخصص بازدهی دارد تولید کند، یعنی بعلت عدم مهارت، در واقع در تولید یك «نکس» ایجاد می‌شود. و بعبارت دیگر حجم تولید کاهش می‌یابد و همینطور کیفیت تولید نیز پائین می‌ماند.

بدین سبب یك نوع کم‌کاری ایجاد می‌شود که زائیده گسترش سریع صنایع و تنوع بی‌تناسب تولید است، دومین علت کم‌کاری عدم توجه به ضرورت گسترش «اتوماسیون» در کار تولید است. در واقع ماشینی کردن تولید و بکار گرفتن تکنولوژی و تمام امکانات فنی در امر تولید موجب می‌شود که حجم تولید افزایش یابد و نیز احتیاج به نیروی انسانی را کمتر کند و همینطور به کیفیت و مرغوبیت آن بیافزاید و در نتیجه آن کالا بهتر و تمیزتر تهیه شود و به این ترتیب تولید راه صحیح خود را پیدا کند. اما اگر در کار تولید اهمیت ماشینیزم یا اتوماسیون را نادیده انگاریم مسلماً کارگر ناگزیر خواهد بود با وسایل قدیمی و ابزار تولید اولیه و کهنه بکار تولید بپردازد و طبیعی است که این تولید، از نظر کمیت و کیفیت یك تولید مطلوب نخواهد بود. ضمناً باید گفت این تولید نتیجه ظرفیت کامل نیروی کار نیست، زیرا

> **فقط افزایش حجم تولید، نمیتواند عامل جلوگیری ازافزایش بی‌رویه قیمتها باشد.**

> **بکارگرفتن تکنولوژی و ماشینی کردن تولید نه تنها حجم تولید را افزایش میدهد بلکه سازنده...**

نیروی کار که می‌تواند ظرفیت تولید را از آنچه که بدست آمده بالاتر ببرد، بعلت اینکه وسایل و امکانات فنی و پیشرفته در اختیار ندارد، عملاً به حجم مطلوب نمیرسد. با توجه باین نکات روشن است که اتوماسیون نقش مهمی در از بین بردن کم‌کاری دارد، مخصوصاً اینکه اتوماسیون اتلاف وقت را نیز از بین میبرد و یابه حداقل میرساند. زیرا طرح زمان‌بندی در تولید را دقیقاً بمورد اجرا میگذارد و باین نحو راه هرگونه وقفه و رکود در «ریتم» و شتاب تولید بسته میشود و یا به کمترین درجه میرسد.

● : - «واژه‌ای برای معادل اتوماسیون؟»

دکتر ازمون:- «اتوماسیون یعنی فنی کردن یا ماشینی کردن تولید» (بکارگرفتن ماشین در تولید)

● :- «خوب می‌فرمودید......»

دکتر ازمون:- «مسئله دیگری که می‌تواند عامل کم‌کاری باشد، مرغوبیت یا عدم مرغوبیت ماده یا خوراك اولیه تولید است. بطور مثال در تولید پارچه اگر پنبه‌ای را که می‌خواهیم از آن پارچه بیافیم مرغوب نباشد، مسلم است که در کار تهیه آن دچار وقفه و اشکال خواهیم شد و بهمین سبب نیروی کارماهر و ماشین هر دو نمی‌توانند به حداکثر ظرفیت خود در وقت حساب شده برسند و محصول مرغوب و لازم را بدست بدهند.

نتیجه می‌گیریم که ماده اولیه و چگونگی آن درامر کم‌کاری نقش موثر دارد. هرچه ماده اولیه مرغوبتر باشد سرعت تولید بیشتر و زمان تولید کوتاه‌تر خواهد شد بعبارت دیگر کیفیت ماده اولیه با کاهش زمان تولید رابطه مستقیم دارد. مسئله دیگر نقش مدیریت صحیح و دقیق در یك واحد تولید است که نارسائی آن در کم‌کاری سهم دارد، هرچه مدیریت بهتر و دقیق‌تر باشد تولید بهتر و مرغوبتر خواهد بود و حال آنکه مدیریت غلط و ناقص بدون تردید به امر تولید لطمه میزند. غیر از این مسئله باید به چگونگی رابطه کارگر و کارفرما هم توجه داشت، نحوه این رابطه در امر کم‌کاری و یا پرکاری موثر است. موضوع دیگر که در ایجاد کم‌کاری دخالت دارد عدم توجه به خواسته‌ها و تقاضاهای منطقی و صحیح کارگران از طرف مدیریت تولید است. بی‌گمان کارگر باید از اسایش فکری و مادی برخوردار باشد تا بتواند باعلاقه مفرط و رغبت کامل، تمام توانائی خود را در اختیار تولید بگذارد. گذشته از این مسئله، آگاهی تخصصی و آگاهی عمومی (منظورم بینش سیاسی است) نقش بسیار موثری دراز بین بردن کم‌کاری دارد، باین معنی که کارگر آگاه نسبت به مسائل سیاسی جامعه و اساس فکری جامعه خود و همینطور کارگر مجهز به دانش و بینش تخصصی لازم در افزایش سطح بهره دهی توفیق قطعی خواهد داشت. البته مواردی که به آنها اشاره شد از عوامل اساسی در ایجاد کم‌کاری یا از میان بردن آن محسوب میگردند. در کنار این، عوامل دیگری هم وجود دارند که جزئی‌ترند، اما بهرحال باید تمام این عوامل را که هریك بنحوی بصورت مستقیم یا غیرمستقیم باعث بروز نارسائی و کم‌کاری میشوند، تحت یك نظم واقع بینانه که همان نظم کار است، از بین برد تا شرایط مطلوب تولید، امکان بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت نیروی کار و سرمایه و ابزار کار را فراهم آورد.»

●:- «شما که یکی از روشنفکران و صاحب‌قلمان برجسته دوره ما هستید حال که در مقام وزارت قرار گرفته‌اید، آیا برای ازبین بردن کم‌کاری و بهره‌وری کار چه اقدامات خاصی را درنظر گرفته‌اید؟ آیا اصولا برنامه‌های ضربتی را بکار خواهید بست یا برنامه‌های درازمدت را.؟ و از طرف دیگر برای افزایش بهره‌وری کار آیا اهداف خاصی را دنبال خواهید کرد؟»

دکترازمون:- «من فکر میکنم برای ازبین بردن کم‌کاری در سطح مملکت و در تمام زمینه‌ها باید دونوع برنامه داشته باشیم. اول برنامه‌های کوتاه‌مدت که می‌توان آنها را برنامه‌های ضربتی هم معرفی کرد ونوع دیگر برنامه‌های ویژه درازمدت که آنها را تحت عنوان برنامه‌های فردای جامعه متعالی ایران میشناسیم. برنامه‌های کوتاه‌مدت ضربتی عبارت خواهند بود از توجه وسیع و لازم به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای و همچنین بالا بردن سطح معلومات و مهارتها در حدی که یك کارگر مبتدی بتواند اقدام به تولید کالای موردنظر بکند، بنحوی که آن کالا از مشخصات پیش‌بینی شده برخوردار باشد. آنجا که موضوع، ارتباط با کارگر و تولید صنعتی پیدا می‌کند این آموزش باید با کمك مادی و معنوی صاحبان صنایع شکل پذیرد. فکر می‌کنم در هر کارگاه یا واحد تولید میتوانیم یك آموزشگاه یا حداقل یك کلاس آموزش تخصصی و حرفه‌ای با استفاده از امکانات آن کارگاه و استادکاران همان واحد صنعتی و تولیدی، تشکیل دهیم و درواقع کارگر مبتدی را مبدل به کارگر ماهر یا نیمه‌ماهر کنیم. این کار چند حسن و امتیاز دارد، اول اینکه در سطح مملکت به همان اندازه که واحدهای صنعتی نیروی انسانی ماهر طلب می‌کنند (مخصوصاً در رشته‌های گوناگونی که نیروی واقعاً تخصصی لازم دارد) نیروی انسانی تربیت خواهد شد. یعنی در هر واحد تولیدی نیروی کار لازم برای همان واحد به ساده‌ترین صورت و آسانترین روش تربیت میشود و جذب همان واحد میگردد.

درنتیجه هر صنعتی که در سطح مملکت گسترش بیشتر پیدا کند، طبعاً از نیروی بیشتری که تربیت کرده برخوردار خواهد شد و در کمترین مدت معقول توازن در تربیت نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر برقرار میشود که پاسخگوی نیازهای صنعتی جامعه خواهد بود.

در این سیستم آموزشی مشکل معلم ومربی، مشکل مکان و مشکل هزینه از میان میرود زیر هر سه را در هر واحد تولیدی، مدیریت همان واحد باتوجه به احتیاجی که دارد، تامین می‌کند ضمناً ناگفته نماند که با این‌ترتیب در وقت کارگران کارآموز نیز صرفه‌جوئی کامل میشود و این امر نه تنها باعث سهولت کار آموزش است، بلکه به تامین رفاه کارگر کمك بسیار می‌کند.»

●:- در طرح‌ریزی برنامه‌ها بطور مستقیم از تجربیات شخصی‌تان هم استفاده خواهید کرد؟-»

دکترازمون:- «دید وسیع اجتماعی می‌تواند به کمك ما بیاید، خصوصاً شناسائی دقیق در مورد جامعه میتواند در برنامه‌ریزی موثر باشد. بعقیده من ماهر طرحی را زمانی می‌توانیم بنحو احسن بمرحله اجرا و عمل درآوریم که آن طرح از هرجهت با خصوصیات اخلاقی، فکری، سنتی، ملی و حتی مذهبی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جامعه، منطبق باشد.

ته است

در برنامه‌ریزیها نباید از واقعیات و ویژگیهای جامعه خود بدور باشیم و آنها را درنظر نگیریم. اینکه متذکر میشوم آموزش‌های حرفه‌ای را با تشکیل

وی انسانی را کمزمی کند.

کلاسهای مخصوص در کارگاهها و بکمك آن واحد تولیدی و استاد کاران مخصوص آن پی‌ریزی کنیم، منظورم این است که اساس یك نوع واقع گرائی را در کار آموزش حرفه‌ای و شرایط اختصاصی آن از نظر دور نداریم. باید همواره از کوتاه‌ترین و بهترین راه که حتماً مردمی ترین راه هم باشد برای رسیدن به مقصود و هدف استفاده کرد و این بهترین راه، بدون تردید آن راهی خواهد بود که باخصلت و روحیه و هویت ملی ما هم آهنگ تر باشد. بطور کلی شیوه‌ها و روشها و متدها نباید فاقد رنگ و بوی و خوی ایرانی باشد بویژه در امر آموزش که ما نیازمندیم از تمام امکاناتی که در جامعه موجود است برای رسیدن به مرحله غائی و نهائی استفاده کنیم که این امر بی مشارکت وسیع ملی انجام نمیشود. نتیجه اینکه فکر می کنم اگر باین ترتیب و با این روش مراکز آموزشی را در کارگاهها با هزینه و پرسنل صاحبان صنایع بوجود آوریم و وزارت کار و امور اجتماعی فقط بر کار این آموزش نظارت کامل داشته باشد، بزودی با مشارکت و معاضدت عمومی بهدفی دست خواهیم یافت که تولید ما نیازمند آن است.

واین نوعی سرمایه گذاری پرسود است زیرا که صنایع کشور در ستر حرکت تکاملی خود طبعاً نیاز به نیروی انسانی بیشتری دارد که جز از راه تربیت مداوم و وقفه ناپذیر و در حقیقت سرمایه گذاری مستمر در این راه بدست نخواهد آمد و بدیهی است بازده این سرمایه ثروت پایداری است که ضامن بقای مملکت خواهد بود.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود و حائز اهمیت فراوان است مساله جابجا شدن نا معقول نیروی انسانی در کار تولید است که باید در این مورد دقت بیشتری بعمل آید، به این معنی که اگر یك واحد تولیدی با سرمایه گذاری وصرف وقت، نیروی انسانی مورد احتیاج خود را تربیت کند نباید واحد تولیدی دیگری از این نیروی کار اماده رندانه استفاده کند و باصطلاح بدون هیچگونه زحمت و تحمل هزینه از لقمه اماده شده وسیله واحد صنعتی دیگر، تغذیه کند.

*:- «درواقع «کارگر ربائی» نکند...»

دکتر ازمون: «بله درست است کارگر ربائی نکند. باید گفت متاسفانه کارگر ربائی در حال حاضر رایج است و این عمل در درجه اول به امر تولید لطمات غیر قابل جبرانی وارد خواهد کرد و این لطمه در تمام زمینه‌ها میتواند وارد شود. بطور مثال اینکه در امر متغیر ساختن دستمزدها بنحو غیر منطقی اثر میگذارد باین معنی که برای یك کار مساوی ممکن است در واحدهای صنعتی و تولیدی مختلف مزدهای متفاوت و گوناگونی پرداخت شود که این عمل در سیستم صحیح تولید، غیر قابل پذیرش و غلط است زیرا در سیستم صحیح تولید باید مسئله پرداخت دستمزد و مکانیزم آن بر پایه و اصول متعارف و منطقی و یکسان و روشن باشد و باید یك کارگر بطور دقیق بداند که در مقابل نیروی کار خود چه قیمتی دریافت میکند و این قیمت در بازار تولید چه حرکتی را سبب خواهد شد و از کجا شروع شده و بکجا ختم خواهد شد. البته بین قیمت نیروی کار و هزینه زندگانی باید رابطه معقول وجود داشته باشد و باید پیوسته توجه داشته باشیم این رابطه توازن خود را از دست ندهد.

یعنی باید یك رابطه اصولی بین در آمدها و هزینه‌ها بر قرار باشد، اگر این رابطه بهم بخورد، در واقع اساس تولید دگرگون و متزلزل خواهد شد.»

*:- «پس دراینجا همان مفهوم جامعه شناختی مصداق می‌یابد که رابطه مستقیم تولید با جامعه رفاه عمومی اجتناب ناپذیر است....»

دکترازمون:- «همینطور است امانه‌تنها شناختن جامعه بلکه داشتن سیاست اقتصادی و مالی درازمدت نیز ضرورت تام دارد. یکی از راههای متعادل کردن عرضه و تقاضا بهاین معنی که تولید پاسخگوی تقاضا باشد، این است که ما حجم تولید را افزایش دهیم. یعنی دریك سیستم ازاد تولید حتماً قیمت در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. و بهرتقدیر ماهرچه برای جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمتها تلاش کنیم تا زمانیکه حجم تولید پاسخگوی حجم نیاز و تقاضای جامعه نباشد، همواره دچار مشکل افزایش نرخ قیمتها خواهیم بود و باید اضافه کنم

که تنها افزایش حجم تولید می‌تواند عامل جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها باشد البته مسلم است که تولید بیشتر مستلزم فراهم آوردن امکانات وسیع و پی‌ریزی سازمان منظم و استوار برای تولید است که در ارتباط با سازمان کامل توزیع نقش قطعی درایجاد نظم قیمتها خواهد داشت، اما سازمان تولید باید بصورت منطقی گسترش یابد و دراین گسترش بهیچوجه نباید توازن بین اجزای آن برهم بخورد.

این توازن بین اجزای تولید از مسایل بسیار اساسی و مهمی است که باید بهآن توجه خاصر بشود. بطور مثال اگر توازن بین نیروی کار و سازمان تولید وجود نداشته باشد، نتیجه‌اش مشکلاتی است که مالاً تولید را به تنگنا میکشاند.

درجامعه ما گسترش سازمان تولید خیلی بیشتر از پرورش نیروی انسانی ماهر بوده است. یعنی عدم توازن میان نیروی کار و سازمان تولید. بنظر میرسد گسترش تولید باید همگام و همزمان با تربیت نیروی متخصص باشد تا سبب رشد موزون و توسعه سالم اقتصادی شود. این همان توسعه و رشدی است که بهرفاه مطلوب می‌انجامد. البته

درانقلاب ایران نیز از همین دیدگاه بمفهوم توسعه اقتصادی توجه شده است. اگر درانقلاب ایران درپی ایجاد جامعه متعالی هستیم آن جامعه متعالی درکنار هویت فرهنگی خود می‌تواند درهماهنگی و برقراری نظام معقول در امر تولید بوجود آید و باین‌خاطر هیچ‌مسئله را هرچه هم که جزئی باشد، نباید دست‌کم پنداریم و ازکنار ان بی‌توجه بگذریم و فراموش نکنیم که در سازمان تولید هیچ موضوعی بی‌اهمیت نیست

نویسنده رستاخیز کارگران:- «درپایان این‌بحث بهتر است نظر شما را درباره جامعه امروزی کارگری وضع کارگران امروز ایران بدانیم...»

دکترازمون: «بیگمان جامعه کارگری امروز ایران جامعه ساخته و پرداخته انقلاب ایران است. این جامعه، جامعه‌ای است پرتوان و سازنده و خلاق و بدون تردید جامعه کارگری ایران که طی سالهای پربرکت انقلاب بوجود امده است، نقش بسیار موثر و سازنده‌ای در مملکت داشته است و درآینده هم این نقش بسیار مهم و ارزنده و موثرتر خواهد بود.

باعتقاد من جامعه کارگری ایران همواره یك نقش پیشتازی در سازندگی ملی داشته است امروز نیز این جامعه به اهمیت نقش خود در ایجاد ثروت ملی بمنظور تامین رفاه شایسته اجتماع ایران وقوف کامل دارد. زیرا این حقیقت به‌ثبوت رسیده است که در سالهای پیروزی انقلاب ایران طبقه کارگر با بسیاری از مسایل ملی و میهنی آشنا شد و درواقع باید گفت «وطن» حالت واژه بدیعی را برای این طبقه درسالهای انقلاب پیدا کرد و جامعه کارگری ایران از بند استثمار رهانیده شد و توانست در شرائط ازاد به‌کار تولید بپردازد و درسازمان تولید نقش و اهمیت خود را تثبیت کند. من اطمینان دارم که در آینده نیز این‌نقش بارزتر و از سوی جامعه ترقی‌خواه ایران نیز پذیرفته‌تر خواهد شد و معتقدم که طبقه کارگر ایران با آگاهی وسیع ملی که بدست اورده و همچنین باتوجهی که ازاین‌پس برای افزایش بیشتر این‌آگاهی انجام خواهد گرفت، بدون تردید قادر خواهد بود وظیفه خود را در قبال ایران فردا و رهبر و فرمانده بزرگ کشور نحو مطلوب‌تر و موثرتری انجام دهد».

*:- متشکریم.

(پایان)

درکنارآموزش حرفه‌ای وکارگاهی،

طرح آموزش سیاسی کارگران به

رستاخیز کارگران قبل از طرح هرگونه موضوعی ضمن تشکر از حضور دوستان کارگر اعضای سندیکای کارگران تهران‌باف، این نکته را خاطرنشان میسازد که هدف از تشکیل اینگونه میزگردها، انعکاس مسائل خاص کارگری و گفت و شنود درباره اینگونه مسائل است، برای مذاکرات نیز حد و مرزی قائل نیستیم و هر انچه می‌تواند با موازین قانونی انطباق داشته باشد، قابل طرح دراین گونه میزگردها است: بنابراین

موسسات و واحدها دارند، بدان علت که گفتم، ما نداریم. اگر بعد از اتمام هشت ساعت هم بخواهیم غذا بخوریم، نرخ آن از کارخانجات دیگر گرانتر است.

رستاخیز کارگران: بنابرآنچه گفتید، هیچگونه حق قانونی از شما دراین مرحله تضییع نشده است. منظورتان را بهتر و روشنتر بگوئید.

بختیاری: منظور این است که قیمت غدا

۱- حمداله بختیاری	دبیرسندیکای کارگران
۲- قدرت‌اله زین‌العابدینی	عضو هیات مدیره
۳- محمود یارمحمدی	نماینده کارگران
٤- محمد حسین نظام‌آبادی	رئیس هیات مدیره
۵- حسین عادلی	خزانه‌دار

لزوم تهیه و استفاده از گوشی های مخصوص

خواهشمندیم چنانکه مطالبی هست بیان کنید.

حمداله بختیاری (دبیر سندیکای کارگران): اولا متشکرم که از سندیکای مادعوت بعمل آمده است و آرزو میکنم، تمام عواملی که در کار نشر این مجله بنحوی دخالت دارند، موفق و کامیاب باشند. ثانیا مطالبی را که به استحضار میرسانم، شاید معلول نقص قوانین موجود باشد که امیدواریم با طرح آن، اولیا و مسئولین امر تصمیم مناسبی برای رفع این مشکلات اتخاذ کنند. مثلا وقتی بقانون مراجعه میکنیم، چیزی در قانون راجع به سالن ناهارخوری پیش‌بینی نشده است و دراین خصوص هیچگونه الزامی متوجه کارفرمایان نیست، ولی عملا در صنایع نساجی میبینیم سالن ناهارخوری در بعضی کارخانه‌ها هست، و بهای غداها هم، بخصوص برای کارگران، بسیار مناسب است، یعنی بین ۱۰ تا ۲۰ ریال برای هر ناهار خواهند پرداخت

بهر صورت کار خانه ما از این جهت وضع خاصی دارد. اولا وقت صرف ناهار مناسب نیست، زیرا شرایط ماطوری است که کارگران شاغل دراین واحد تولیدی و صنعتی باید در سه شیفت کار بکنند و چون هر شیفت هشت ساعت است، وقتی برای غداخوردن باقی نخواهد ماند. بعبارت دیگر یکساعت وقت ناهاری را که کارگران دیگر ارزانتر محاسبه، و نوع غذا بهتر شود.

رستاخیز کارگران: خواهش میکنم چنانچه در موارد دیگر اشکال وجود دارد بیان کنید

بختیاری: اجازه بدهید راجع به طرح طبقه‌بندی مشاغل صحبت کنم، این طرح در کارخانه ما بخوبی اجرا نشده است، چون از جهت ارزشیابی مشاغل کارگران، اشتباهاتی پیش آمده است که بایستی رفع بشود، و در وضع موجود کارگران تجدید نظری بعمل آید.

البته این را هم عرض کنم که خود طرح را بسیار مترقی میدانیم واز جهت نفس طرح هیچگونه نگرانی وجود ندارد. بلکه نگرانی، به عدم اجرای صحیح قانون مربوط میشود، چون کارگران، با توجه به ارزشیابی شغلی‌شان در طبقه و مقامی که باید قرار نگرفته‌اند. به اداره طبقه‌بندی مشاغل هم مراجعه کرده‌ایم، میگویند نماینده تام‌الاختیار کارگران این طرح را امضا کرده است. از این روی هیچگونه اعتراضی متوجه این اداره نیست

دراینکه نماینده کارگران تصمیمش بمنزله تصمیم جمعی کارگران است، تردیدی نیست، ولی بهر صورت هر انسانی مرتکب خطا و اشتباه میشود و هر خطائی هم قابل اصلاح است. حال اگر نماینده‌ای دچار اشتباه شود، ... راهی برای اصلاح وجود داشته باشد؟ بخصوص که نماینده کارگر، بعد از چندی میرود و کارگران میمانند و اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل

دیگر اینکه این طرح در سال ۱۳۵۰ بمرحله اجراء در آمده و با توجه به تغییر نرخ حقوق کارگران و بالا رفتن آن، بنظر میرسد که لازم است در این مورد تجدید نظر شود.

محمود یارمحمدی (نماینده کارگران): من میخواهم راجع بمشکل مسکن و گرفتاری بعضی از سندیکاها در این زمینه صحبت کنم

رستاخیز کارگران: تصور میرود با توجه به برنامه‌هائی که در پیش است، بحث در این خصوص موردی نداشته باشد. زیرا که این امر کاملاً بدیهی است و مقامات مسئول هم بسرعت در صدد چاره‌جوئی هستند

یارمحمدی: آنچه من میخواهم بگویم، اگرچه به مسکن مربوط میشود، لیکن از دیدگاه دیگری است و با کمال آگاهی از برنامه‌های خاصی که در این مورد در دست اجراست سخن میگویم. ما خود میدانیم که دولت درصدد چاره‌جوئی برای رفع این مشکل است. آنچه من میگویم این است که در بسیاری از کارگاهها اقدام به ساختن خانه برای کارگران شده است و یا ماهانه مبلغی در حدود نهصدتا یکهزارودویست ریال بعنوان حق مسکن بکارگران میپردازند، میخواهم استدعا کنم در این زمینه برای کارگران ما هم اقدامی صورت گیرد.

رستاخیز کارگران: بخاطر دارید که در مقدمه جلسه گفتیم مسائلی را که در چهارچوب مقررات و قوانین قابل طرح وبررسی است، مطرح کنید. موضوع ساختمان مسکن از سوی کارفرمایان و یا پرداخت مبلغی بعنوان حق مسکن، یك مساله اخلاقی است و در قانون نسبت به این امر اشاره‌ای نشده است، بنابراین، چون صراحت قانونی در ایمورد وجود ندارد، نمیتوان هیچ کارفرمائی را ملزم به انجام این کار کرد و تعهدی را بگردنش سپرد!

یارمحمدی: در بعضی موارد، عرف جانشین قانون میشود، این درست که در قانون راجع باین موضوع هیچگونه صراحتی وجود ندارد، اما وقتی بعضی جاها این کار را کردند، این توقع پیدا میشود که برای دیگران هم تحقق بگیرد. اگر کارفرما استناد به قانون بکند، حرفش درست است، اما کارگران هم به همکاران خود در واحدهای دیگر نگاه میکنند، بخصوص که همه اینها از سندیکا متوقع هستند

رستاخیز کارگران: اشتباه نکنیم که عرف جانشین قانون نمیشود و قانون همیشه محترم و

مرحله اجرا درآید

لازم‌الاجراست، اما البته اگر کسی بخواهد جدا از وظیفه‌اش عمل خوبی انجام دهد، باعث تقدیر است، ولی دیگران را نمی‌توان مجبور ساخت مانند آنها عمل کنند

حسین عادلی(خزانه‌دار سندیکا): مشکل اساسی ماکارگران نساجی، سروصدای ماشینهائی است که در کارگاهها نصب شده است. این ماشینها مادام که کار میکنند، سروصدایشان هم

به اخلاق اجتماعی، و ارتباطی با دستگاهها و مسئولان ندارد

مورد قابل بحث دیگری هم از این جهت

کارگران نساجی در حین کار، مورد تاکید قرار گرفت

هست، برای این قبیل موارد گوشیهائی هست که به کارگران داده می‌شود تادر مقابل سروصداهای ناشی از ماشین، دچار ناراحتی عصبی نشوند. وزارت کار لازم است کارفرما را ملزم سازد که این گوشیها را برای کارگران خریداری کند، بخصوص که در داخل کشور هم موجود است و نیازی به وارد کردن آن از خارج نیست.

محمدحسن نظام‌آبادی(رئیس هیات مدیره‌سندیکا): در کارگاههای نساجی اغلب گرد پنبه وخاك وجوددارد و گلوی کارگران را می‌آزارد، فکر میکنم این پیشنهاد مورد قبول واقع شود که هر روز مقداری شیر به این کارگران داده شود.

حمدالله بختیاری: در مورد بیمه کارگران و اجرای آن نیز اشکالاتی وجوددارد. بعضی از پزشکان به بیماران بی‌اعتنائی می‌کنند، باید عرض کنم که دلجوئی طبیب از بیمار یکی از طرق معالجه است

بعضی مواقع می‌بینیم که از سوی پزشکان بظاهر بی‌اعتنائی می‌شود ولی در عوض از جهت معاینه و دارو خیلی بوضع بیمار رسیدگی می‌شود متاسفانه در مورد ما این موضوع بهیچوجه مصداق ندارد. این یك واقعیت است که برخورد ناخوشایند پزشکان با بیماران، معالجه را بمراتب مشکلتر می‌سازد، که البته این تنها مربوط میشود هست و آن اینکه کارگری دوساعت مرخصی میگیرد و از کارخانه خارج می‌شود تا به تأمین اجتماعی مراجعه کند. یك وقت می‌بیند او را از شعبه۱٤ برای عکسبرداری به راه‌آهن میفرستند، گاه پیش می‌آید که کارگر بیمار دوروز برای اخذ نتیجه سرگردان می‌شود در حالیکه برای این قبیل بی‌کاری‌ها نه بیمه چیزی میپردازد، نه سازمان تأمین اجتماعی. ملاحظه کنید کارگری اگر دو روز بیکار شود چه مرجعی باید جبران خسارت او را بکند؟ برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌کنیم یا عسکبرداریها را بدرمانگاهها بیاورند یا ترتیبی بدهند که کارگران به نقاط نزدیکتری که موجب بیکاریشان نشود، مراجعه کنند. اگر هردوی این پیشنهادها قابل عمل نیست، برای دو روز بیکاری کارگرانی که بدین جهت سرگردان می‌شوند، چیزی منظور شود.

مساله دیگری که باز هم بخدمات درمانی مربوط میشود، اینست که روی تابلوی بعضی از پزشکان نوشته شده که پزشك یاد شده طرف قرارداد با سازمان خدمات درمانی است ولی وقتی به او مراجعه می‌شود، میگوید قراردادی با سازمان خدمات درمانی ندارد! اگر طرف قرارداد نیستند پس چرا روی تابلوهایشان مینویسند و اگر قرارداد دارند، چرا کارگر بیمار را نمی‌پذیرند؟ تازه بعد از مراجعه بچند محل، اگر دکتری پیدا شود و نسخه‌ای بنویسد، نوبت داروخانه‌ها میرسد، که هیچ نمیتوان اطمینان داشت که داروی نوشته شده در نسخه را تحویل نمایند.

رستاخیز کارگران: بطوریکه در میزگردهای گذشته آقای دکتر مرتضی روحانی نماینده وزارت بهداری و بهزیستی گفتند، پزشکان طرف قرارداد با سازمان خدمت درمانی برای ساعات معینی بیمار میپذیرند و این امر بدلیل آنست که نمی‌توانند در تمام ساعات شبانه روز در مطب بنشینند و از بیماران معاینه بعمل آورند.

قدرت‌الله زین‌الدینی (عضو هیات مدیره): آب آشامیدنی کارگاه ما بهداشتی نیست، آب مشروب کارگران از چاه کشیده می‌شود. بسیاری از کارگران اظهار میدارند هروقت از این آب مصرف کرده‌اند مبتلا بدل درد شده‌اند، مضافاً به اینکه طعم گچ هم میدهد. کارفرما میگوید آب را آزمایش کرده و هیچگونه ناراحتی نباید از این جهت بخود راه دهیم، در حالیکه وقتی آب را چند لحظه داخل لیوان نگه میداریم، گچ رسوب میدهد.

حسین عادلی: اجازه بدهید برای حسن ختام من هم یك پیشنهاد مطرح کنم. پیشنهاد من این است که در کنار آموزش حرفه‌ای و کارگاهی، طرح آموزش سیاسی کارگران نیز هرچه زودتر بمرحله اجرا درآید، زیرا آموزش بسیاسی، لاجرم آموزش کارگران را از جهت آشنائی بمسائل خود دربر خواهد گرفت. امیدواریم این پیشنهاد مورد قبول واقع شود و در این مورد اقدام سریعی بعمل آید.

رستاخیز کارگران: همانطور که آگاه هستید، از بدو تاسیس حزب‌رستاخیز ملت ایران و تشکیل کانونهای حزبی که خود شما کارگران با تشکیل این کانونها استقبال خود را از آن نشان دادید، مکان و محلی بوجود آمده است که در آن می‌توانید با گفت و شنودهای سازنده نظرات و مسائل خود را مطرح سازید و در ضمن طرح آموزش سیاسی نیز انجام شود و همانطور که وزیر جدید کار و امور اجتماعی چندی پیش اعلام کرد، یکی از هدفهای آموزشی این وزارتخانه، آموزش سیاسی کارگران است که بزودی طرح آن بمرحله اجرا گذاشته خواهد شد، چه این هدف بگفته آقای ازمون از اولویت خاصی برخوردار است.

ازدیروز...تاامروز

درباره امیرعلی سیفی

«امیرعلی سیفی» - نماینده کارگران در مجلس شورای ملی سی و سه سال پیش، کار خود را بعنوان کارگر ساده در «سیلو» آغاز کرد و از آن سال تابحال که در ردیف نمایندگان مجلس قرار گرفته است - درفضاهای کارگری زندگی کرده است. «سیفی» بالحن قاطعی از دیروز و امروز حرف میزند. از یادها و یادبودها و خاطرات گذشته. حرفهایش از سرگذشتش جدا نیست....

وضع حال، درمقایسه با

● از روزهای گذشته

-«درسال ۱۳۰۳ در ایل شاهسون آذربایجان متولد شدم. تا سال ۱۳۲۱ در آذربایجان تحصیل میکردم، و چون درآن سال در آذربایجان امنیت نبود، باتفاق برادرم مجبور شدیم که بتهران بیایم. و متأسفانه دیگر موفق به ادامه تحصیل نشدم و در سال ۱۳۲۲ در سیلو، در قسمت سراکیپ قسمت سیلو استخدام شدم و پس از آن به بازرسی اوقاف منتقل شدم. بعد از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بعنوان نماینده کارگران انتخاب شدم و مدت ١٤ سال نماینده کارگران سیلو بودم. در سال ۱۳۳۳ برای اولین بار بعنوان نماینده کارگران ایران در کنفرانس بین‌المللی کار، به خارج سفر کردم. یادآور شوم که در سال ١٣٢٦ اتحادیه‌ای بنام اتحادیه سندیکای کارگران ایران (ا. س. ك. ی.) بوجود آمد و من درآن اتحادیه به عضویت هیئت مرکزی انتخاب شدم در سال ١٣٢٤ هم به عضویت حزب عدالت درآمد.

در سال ١٣٣٤ دربین ۱۸۰ نفر نمایندگان کارگران در تهران، پس از شرکت در کنکور و آزمایشات لازم انتخاب شدم و برای مطالعه در امور اتحادیه‌ای و سندیکائی مدت ٤ ماه به آمریکا رفتم. بعد از آن ۱۲ بار در کنفرانس بین‌المللی کار شرکت کردم. درضمن عضو شورای حل اختلاف وزارت کار بودم. یك دوره عضو شورای عالی بیمه‌های اجتماعی بودم. پس از انقلاب شاه و ملت در دوره بیست ویك مجلس شورای ملی، بعنوان نماینده مجلس شورای ملی از تهران انتخاب شدم. در سال ۱۳۵۱ بعنوان عضو انجمن شهر تهران انتخاب شدم و ۳ سال در انجمن شهر خدمت میکردم و در دوره ٢٤ مجلس شورای ملی مجدداً به نمایندگی مجلس انتخاب شدم و اکنون ریاست کمیسیون کار مجلس شورایملی را به عهده دارم.

در حال حاضر معاون امور اجتماعی سازمان کارگران ایران و همچنین رئیس هیئت مدیره اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف کارگری ایران هستم.

اما درباره وضع کارگران در گذشته باید بگویم

بعقیده من مسئله‌ای که به آن اشاره کرده‌اید، یکی از مسائلی است که علاوه بر کارگر ایرانی جوانان ایرانی نیز باید بدانند که طبقه کارگر ایران امروز با کارگر دیروز چه تفاوتهائی کرده است. ایران قبل از آغاز سلطنت پرشکوه پهلوی، همانطوریکه در تاریخ میخوانیم در وضع کاملاً اسفناك و پراداری قرار داشت، تا اینکه آفتاب سلطنت پهلوی دراین مملکت تابیدن گرفت و اعلیحضرت رضاشاه کبیر در مدت کوتاهی به وضع آشفته و ناهنجار سامان و دوام بخشیدند، اما متأسفانه آغاز جنگ بین‌الملل دوم و هجوم متفقین به ایران، یکباره آنچه را که اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای ترقی و رفاه این مردم بنیان گذاشته بودند، درهم ریخت. بخاطر دارم که در سال ۱۳۲۲ از آذربایجان به تهران آمدم، زیرا درآن زمان در آذربایجان هیچگونه امنیت و آسایش نداشتیم، و بهمین دلیل ناچار شدیم که من و برادرم برای ادامه تحصیل و احساس امنیت بیشتر به تهران بیائیم، هرچند که در تهران هم از مشکلات و مصائب در امان نبودیم. در دی ماه سال ۱۳۲۲ در اداره سیلو استخدام شدم، واز شروع بکار تقریباً هر روز با اغتشاش و اعتصابات کارگران فریب خورده سیلو که آلت دست آن عوامل استعماری و ارتجاعی بیگانه بودند، روبرو بودم. و همینطور شاهد سیل عظیمی از نیروهای انسانی وامانده بنام نیروی کارگر بیکار بودم، بطوریکه خوب بخاطر دارم وقتی کارخانه‌ای اعلام میکرد مثلاً به پنج نفر کارگر احتیاج دارد، حدود ۵۰۰ نفر کارگر بیکار در جلوی آن کارخانه صف میکشیدند و کارفرما نیز از این موقعیت حداکثر استفاده را میکرد و کارگر را با هر دستمزدی که مایل بود، استخدام میکرد، زیرا در بین این عده کسانی بودند آنچنان قانع و کم توقع که در ازای کاری که انجام میدادند، فقط تقاضای یك وعده غذای گرم را داشتند و این وضع با کمال تأسف ادامه داشت تا اینکه جنگ تمام شد، اما بعد از جنگ نیز ما همچنان دچار عوارض این آن بودیم، چنانکه قوای یکی از کشورهای مهاجم، حاضر به تخلیه قسمتی از خاك ما نبود. تا اینکه سرانجام با تدبیر و کوشش رهبر جوان مملکت، نیروهای بیگانه بناگزیر خاك وطن مارا ترك کردند، در حالیکه عوامل آشوب‌طلب، تفرقه‌انداز و مرتجعی از خود باقی گذاشتند که مدتها باعث اخلال و اغتشاش دراین مملکت بودند. اما آنچه که دراین میان کاملاً روشن بود، اینکه ملت حقیقی ایران بطور یکپارچه پشت سر رهبر خود قرار گرفت و برهبری شاهنشاه و با تدابیر معظم‌له با این عوامل مبارزه کرد و سرانجام در مرداد ۱۳۳۲ کشور ما توانست آرامش خود را بازیابد. از این تاریخ تا بهمن ١٣٤١ شاهنشاه، به پی‌ریزی بنای تازه‌یی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و بی‌سروسامانی‌ها که

برای از بین بردن کمبود نیروی انسانی لازم است
بخش خصوصی و بخش دولتی با هم همکاری کنند و با
تأسیس کلاسهای فنی در آموزش حرفه‌ای کارگر ماهر تربیت کنند

وضع گذشته، به افسانه شبیه است

در طول سالهای پیش از ۳۲ بدست بیگانگان و عوامل بیگانه ایجاد شده بود، پرداختند، تا اینکه در بهمن سال ۱۳٤۱ شاهنشاه اصول انقلاب شاه و ملت را اعلام فرمودند و از این زمان، از نیروی کارگر، بطور تمام و کمال استفاده شد. و در نتیجه گسترش و پیشرفت امور کارگری مسئله نچنان جدی شد که ما امروزه حتی بخاطر کمبود کارگر مجبور به استخدام عده‌ای کارگر متخصص از خارج از کشور هستیم تاحدی که امروز کارگر حکم کیمیا را پیدا کرده است، در صورتیکه هماطور که اشاره شد در گذشته تعداد کارگر بیکار بحدی زیاد بود که کارفرمایان بهرنحوی که مایل بودند، از یك یك آنان به نحو دلخواه بهره‌برداری میکردند، و کارگران گذشته ما فاقد ابتدائی‌ترین وسایل و امکانات بودند. بهداشت نداشتند، سواد نداشتند، مسکن نداشتند، بیمه‌های اجتماعی وجود نداشت، شرکتهای تعاونی وجود خارجی نداشت، کارگران و فرزندانشان فاقد وسایل تحصیل و سوادآموزی بودند. وقتی که یك انسان از تحصیل علم و دانش دور باشد، طبعاً نمیتواند بخاطر رکود فکری در اندیشه بهداشت و مسکن و سواد و سایر امکانات رفاهی باشد. در گذشته کارگران فقط دراین اندیشه بودند که بهرصورت که کارفرما دستور میدهد کاری را انجام بدهند و فقط شکم خود را سیر کنند و در نتیجه همین بدبختی‌ها همه کارگران در ورطه جهل و فقر بسر میبردند.

از طرفی دیگر عوامل خارجی هم از همین بیکلری و وضع آشفته کارگران در تهییج آنان سوء استفاده میکردند و آنها را وسیله انجام امیال خود قرار میدادند، زیرا هدف آنها این بود که اساس مملکت ما را برهم بریزند تا بدینوسیله از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. آنها مانع انجام هرگونه اصلاحات و پیشرفت بودند.

بمجرد اینکه برنامه‌ای اصلاحی برای پیشرفت مملکت عنوان میشد، فوراً عوامل فریب خورده داخلی به تحریك کارگردانان خارجی خود بهرنحوی که بود سد راه پیشرفت میشدند.

خوشبختانه کارگر امروز ایران بواسطه استفاده از مواهب انقلاب، آنچنان اندیشمند و معتبر شده که حتی میتوان گفت کارفرمایان برای استفاده از آنان به رقابت با همدیگر پرداخته‌اند.

بطور کلی براثر پیشرفت صنعت و تولید در سالهای پس از انقلاب این چنین امکانات رفاهی و مزایای ارزنده نصیب کارگران ایران شده است. کارفرما برای کارگر امروز مسکن تهیه میکند، بهداشت و درمان فراهم میکند، وسایل تحصیل و سوادآموزی او را فراهم می‌سازد و با تاسیس شرکتهای تعاونی برای آنان، خواربار و سایر مایحتاج کارگر را تامین میکند

امروزه امنیت و ثباتی که در مملکت ما وجود دارد در دنیا بی‌نظیر است، اما باید توجه داشت که هرچه که پیشرفت ما، ممکنست موجب حسد و تنگ‌نظری دشمنان خارجی شود و برای اینکه بتوانیم این پیشرفت و ترقی را حفظ کنیم، باید همیشه دانائی خود را حفظ کنیم و اینهمه پیشرفت و موهبت را که در پرتو رهبری شاهنشاه آریامهر نصیب مملکت و بویژه طبقه کارگر شده است، قدر بدانیم. می‌بینیم که وضع حال در مقایسه با وضع گذشته، به افسانه شبیه است.

اصولا کارگر سالهای گذشته هویت اجتماعی نداشت حتی کسی حاضر نبود کلمه کارگر را بیك کارگر زحمتکش اطلاق کند آنوقتها بجای لغت کارگر کلمه «عمله» را بکار میبردند و لغت کارگر و شخص کارگر، بقدری حقارت‌امیز بود که هیچکس حاضر نبود حتی با کارگر هم‌صحبت شود

در صورتیکه امروز کارگر از بی شرافت اجتماعی و ارزش انسانی و هویت اجتماعی بدست آورده و در رفاه و اسایش زیست میکند.

●:- «باتوجه به طول مدت کارگری شما حتماً خاطرات متعددی از سالهای توفانی گذشته دارید...»

● حوادث عبرت آموز

سیفی:- «بلی، انروزها خیلی بحرانی و سفناك بود، زیرا عوامل خارجی هر روز با همکاری عوامل داخلی خود در گوشه و کنار مملکت و کارخانجات اعتصاباتی بوجود می‌اوردند. فراموش نمیکنم در آن سالها بقدری ناامنی وجود داشت که صبح وقتی از منزل بیرون می‌امدیم، امید انکه شب صحیح و سالم بمنزل برگردیم، وجود نداشت، زیرا هر روز در گوشه و کنار عده‌ای بیگناه تنها به جرم اینکه با عوامل خارجی همکاری نمیکردند، کشته میشدند. ولی این را هم بگویم که در بین این عده، کارگران وطن‌پرست و شاهدوست زیادی وجود داشت. خوب بخاطر دارم یك روز رفتیم به ایستگاه راه‌اهن (اواخر سال ۱۳۲۰) انروز بین میهن‌پرستان واقعی و فریب خوردگان زد و خوردی درگرفته بود و کارگران هم اعتصاب کرده بودند و در نتیجه این اعتصاب، حرکت قطار هم میسر نبود. وطن پرستان واقعی که از کارگران راه آهن و کارگران کارخانجات دیگر بودند، برای رفع این مشکل با یکدیگر همکاری کردند و زمانیکه گروه وطن‌پرستان از قسمت گمرك راه‌اهن عبور میکردند، دسته‌ای فریب خورده با چوب و دیلم و چماق به طرف رئیس وقت راه‌اهن (مرحوم خسرو هدایت) حمله بردند. در نتیجه بین دو دسته زد و خورد خونینی درگرفت.

خوشبختانه در مواقع حساس خون اصیل و شریف ایرانی احساس خطر میکند و با یك حرکت سریع خطر را از خود دور می‌کند و بهمین دلیل بود که کارگران شریف ایرانی با عوامل وابسته به بیگانه، بمقابله برخاستندو نشان دادند که ممکن نیست آلت‌دست عوامل اجنبی شوند و انها فهمیدند که با طبقه کارگر که بیش از هر مسئله‌ای به شاه و وطن خود عشق می‌ورزد، نمیتوان بازی کرد»

●:- «در حال حاضر ما با کمبود نیروی انسانی و بویژه کارگر ماهر مواجهیم. بنظر شما این امر مولود کدام عوامل است و برای برطرف کردن این مشکل چه راههائی را باید در پیش گرفت؟»

● کمبود نیروی انسانی

سیفی:- «یك روز بخاطر کمبود کار و واحدهای کارگری و وجود بیش از حد کارگر، نیروی انسانی کارگری در این مملکت ارزش خود را از دست داده بود، اما امروز ما به جائی رسیده‌ایم که کشور در حال پیشرفت و ترقی سریع است و در این صورت ما هرچه نیروی ماهر متخصص داشته باشیم باز هم کم است، زیرا نیاز بیشتری به نیروی متخصص وجود دارد و در واقع ما دوره انتقالی را میگذرانیم. نیروی انسانی موجود در حال حاضر جوابگوی حوایج مملکت نیست و بدین سبب مجبور شده‌ایم که از خارج نیروی انسانی ماهر وارد کنیم. برای از بین بردن کمبود نیروی انسانی بخش خصوصی و بخش دولتی لازم است با هم همکاری کنند و از لحاظ آموزش حرفه‌ای تاسیس کلاسهای فنی بتوانند کارگر ماهر تربیت کنند تا از لحاظ انسانی ماهر بی‌نیاز به کارگر خارجی باشیم.»

●: «کارگران ما از مواهب بسیاری برخوردارند. حال این مسئله مطرح است که کارگران ما تا این حد که گرفته‌اند آیا بهمان اندازه پس داده‌اند؟ و در واقع آیا برای ارتقاء مهارت و افزایش بهره‌وری وظایف خود را انجام داده‌اند؟»

سیفی:- «صنایع کشور ما در حال پیشرفت است و این خود وظیفه‌یی را پیش روی کارگر قرار می‌دهد، که آن لزوم ارتقاء مهارت و با توجه به مصرف روز به افزایش جامعه ما، افزایش بهره‌وری است.

مسلماً کارگران ما به این موضوع اگاهی کامل دارند و برای افزایش مهارت فنی و بهره‌وری بیشتر تلاش بیشتری را بعمل می‌اورند.

خوشبختانه کارفرمایان امروز ما نیز با کارفرمایان ۳۰ سال قبل تفاوت بسیاری کرده‌اند و از وجود کارگر برای بهره‌وری استفاده میکنند و به وضع کار خود رونق بهتر و بیشتری میدهند. زیرا بنا بفرمایشات ملوکانه ما باید تولید مرغوب‌تر و بیشتری داشته باشیم تا بتوانیم بازارهای خارجی خوبی داشته باشیم.

برای انکه ما میخواهیم خوب زندگی کنیم و هماطوریکه رهبر بزرگ و اندیشمند ما وعده فرموده‌اند میخواهیم بزودی برسیم بپای بزرگترین کشورهای عالم.»

●:- «چه توصیه‌هائی برای کارگران دارید؟»

سیفی:- «من با ۳۵ ریال حقوق شروع بکار کردم و همانطور که اشاره کردم در آن سالها امنیت کاری وجود نداشت. من با داشتن این تجربیات توصیه می‌کنم که امروز وظیفه کارگران و جوانان است که با برخورداری از مواهب انقلاب بسهم خود برای پیشرفت بیشتر این مملکت بیشتر تلاش بکنند تا کار و زندگی بهتری در این مملکت داشته باشند. باید هر کارگر وضع خود را با وضع جهانی تطبیق دهد و مسلماً زنان کارگر هم که هم‌اکنون تعداد آنها از دهها هزار بیشتر است و همدوش برادران خود کار میکنند، باید در این همکاری سهیم باشند.»

از حوادث بیاموزیم...
از حوادث جلوگیری کنیم...

اغلب حو...
براثر بی‌توجهی

از: پرویز ملائی

اینهمه حوادث در کارگاهها، لزوم تهیه و استفاده از وسایل ایمنی و حفاظتی را یادآور می‌شود...

علی اصغر فروعی: همکارم باعث حادثه اشد.

بهرام افراسیاب: اگر من بوسیله قلاب به ستون‌های اصلی خود را بندکرده بودم، دچارحادثه نمی‌شدم

این کارگر آسیب دیده می‌گوید: ناآشنائی با چگونگی کار، حادثه آفرید

آقای اسکندر کریمی کارگر کارخانجات شرکت سهامی پارس امریکا که در قسمت پرچکاری کار میکرد بر اثر تغییر کار و ناآشنائی با چگونگی کار جدید، دچار حادثه شد و دو انگشت دست خود را از دست داد.

شرح حادثه

بنا به اظهارات کارگر حادثه دیده در لحظه هنگامیکه آقای اسکندر کریمی مشغول کار بر روی پیچ پلاستیک ۳۰ تنی بوده و قطعات نصب شده زیر پرس میکرده است در اثر عدم اطلاع و آشنا نبودن به کار با دستگاه پرس دچار حادثه گردیده و دو انگشت دست وی قطع می‌شود.

علت وقوع حادثه

۱- حادثه بعلت عدم آشنائی و نداشتن مهارت لازم کار با دستگاه پرس بوده. بعلت اینکه نامبرده قبل از حادثه شغل کارگر حادثه دیده پرچکاری بوده است و مهارت لازم کار با دستگاه پرس مذکور را نداشته است بنابراین کارفرما نمیبایستی نامبرده را به کار با پرس گمارد

۲- دستگاه پرس فوق‌الذکر از نوع مکانیکی پدالی پائی و ۳۰ تنی میباشد که فاقد هرگونه حفاظ و وسایل ایمنی جهت جلوگیری از قرار گرفتن دست کارگر زیر پرس میباشد بموجب ماده ۱۴ آئین نامه و مقررات حفاظتی پرسها. اینگونه پرسهای مکانیک که با دست تغذیه میشود بایستی مجهز به حفاظ دریچه‌ای یا حفاظ دور کننده دست باشد و همچنین دارای وسیله مخصوص جهت جلوگیری از تکرار ضربه باشد که بوسیله آن عمل پدال بعد از هر ضربه قطع شود و پرس از کار متوقف گردد بنابراین علت وقوع حادثه ناقص بودن دستگاه پرس و نداشتن سیستم حفاظتی مناسب میباشد

سقوط از طبقه هفتم

در یکی از ساختمانهای ۲۴ طبقه در دست احداث شرکت گسترش فرحزاد حوادثی یکی از کارگران این مرکز در جریان جستجو از طبقه هفتم ساختمان بزمین سقوط کرد و بر اثر شدت ضرب دیدگی در گذشت

جریان وقوع حادثه

بنا باظهارات همکاران کارگر فوت شده هنگامیکه «محمد تقی کوئی زند» (متوفی) تنهائی در طبقه هفتم به کار حجاری کردن بلوکهای سیمانی اشتغال داشته، بعلتی نامعلوم سنگ‌هم برای رفع حاجت به توالت همان طبقه که دارای حفره‌ای در و منتهی به طبقه هم کف بوده است رفته و بعلتی نامعلوم از حفره طبقه هم کف سقوط می‌کند

در زمان وقوع حادثه بجز متوفی شخص دیگری در این طبقه حضور نداشته است تا شاهد بر ماجرای وقوع آن باشند. آقای محمود گنجی و علی مطهری کارگران این کارگاه اظهار داشتند متوفی با همکار گچ‌کار علی حسین کوئی‌وند در یک اتاق زندگی میکردند

علی حسین، از تاخیر مراجعت محمد تقی متوفی نگران می‌شود و هنگام جستجو مشاهده می‌کند که در طبقه اول همکف، زیر حفره لوله‌های فاضل ساختمان افتاده و از سر وی مقدار زیادی خون روی زمین جاری شده است محمد تقی را بیدرنگ به بیمارستان سعادت‌آباد منتقل می‌کند، اما متاسفانه در بیمارستان پس از معاینات لازم معلوم می‌شود که در گذشته است

علت حادثه

بهرحال دقیقا مشخص نیست که محمد تقی به چه منظور به پرتگاه مورد بحث نزدیك شده است. اما آنچه مسلم است وجود پرتگاه و حفره‌های موجود در کف توالت برخلاف ماده ۷ آئین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها بوده و بموجب همین ماده کارفرما مکلف شده است کلیه دهانه‌ها و سوراخهائی را که احتمالا موجب سقوط اشخاص می‌شود بوسیله نصب پوشش‌های فلزی بپوشاند و نیز با نصب نرده‌هائی که ارتفاع آنها حداقل ۶۰ سانتی‌متر باشد- در اطراف پرتگاهها- از سقوط افراد جلوگیری کند

دو کودك قربانی بی‌احتیاطی

بر اثر انفجار تانکر قیر، دو کودك جان خود را از دست دادند. گزارشگر ما پیرامون چگونگی این حادثه مینویسد هنگامیکه از یك تانك، قیر مایع را به تانك قیرپاش منتقل میکردند، در اثر انفجار تانك اولی، این حادثه بوقوع پیوست. ضمن تحقیقات معلوم گردید تانك حامل قیر مایع، شب قبل، از مرکز توزیع قیر شرکت لارستا واقع در ستاره، قیر تحویل گرفته و در صبح روز حادثه میخواسته که این قیر را به تانك قیرپاش منتقل کند تا نسبت به قیرپاشی جاده در دست احداث اقدام شود

چون قیر سرد و فاقد سیلان بوده تا بوسیله پمپ به تانك قیرپاش شود، از طریق لوله‌ای که برای گرم کردن قیر در داخل تانك تعبیه شده و دارای دودکش میباشد، اقدام بگرم کردن قیر می‌شود که پس از داغ و سیال شدن قیر، بوسیله پمپ آنرا از تانك مادر به تانك قیرپاش منتقل میمایند. در این

ادث

...خود کارگران یا همکاران آنها پیش میاید

هنگام ... تانک ... محل و عده سمت اتاق ... مفجر میگردد و همراه با موج انفجار، قیر داغ ... مسود که متاسفانه مقداری از آن روی دو طفل خردسال که در فاصله ۵ الی ۶ متری تانک ایستاده بودند، ... و باعث سوختگی شدید آن میگردد. یکی از این دو ... مهدیزاده ۵ ساله، بفاصله ۸ الی ده ساعت و دیگری ... نوشین مهدیزاده، بفاصله تقریبا ۴۸ ساعت فوت میکند

علت وقوع حادثه

... که ... معلوم شد در گرم کردن قیر تانك مادر، از کمپرسور دستی و مشعل مخصوصی که ... در دسترس کارگران بود، استفاده نشده، بلکه بنا باظهار اهالی محل کارگر آتشکار با ریختن مقداری شن در ابتدای لوله مخصوص و ریختن مقدار زیادی گازوئیل بر روی آن، اقدام به آتش کردن گازوئیل میکند و از دهانه دودکش دود بهمراه شعله خارج میگردد و در همانحال پس از گرم شدن قیر از دهانه فوقانی تانك که مخصوص ...گیری میباشد لوله خرطومی دارد و بوسیله ... که در روی تانك قیر پاش نصب بوده، قیر را ... تانك منتقل مینمایند و تانك مادر در ... لحظه منفجر میشود. بنظر کارشناسان این انفجار بر اثر رسیدن شعله یا جرقه‌ای به دهانه فوقانی تانك مادر که برای عبور لوله خرطومی باز کرده بودند اتفاق افتاده است. زیرا در اثر گرم شدن قیر مقداری گاز از آن متصاعد شده و با هوای بالای سطح قیر، مخلوط قابل انفجار بوجود آورده بود که بارسیدن شعله از دودکش بدهانه تانك منفجر گردیده است و بدنبال آن آتش‌سوزی بوقوع پیوسته که باعث سوختن تانکرها شده است. نیز از رانندگان تانکرها و ... کسی در محل نبوده و بنا باظهار مسئولین شرکت و رئیس پاسگاه، این افراد بیدرنگ پس از وقوع حادثه فراری شده‌اند از این رو تحقیق از این شخص ... نشد

علت حادثه

با توجه به آنچه در بالا توضیح داده شد در وقوع این حادثه عوامل زیر مؤثر بوده‌اند:

۱ - گرم کردن تانکر محتوی قیر و انتقال آن ... تانك به تانك دیگر در محلی که عبور و مرور افراد انجام می‌شود عملی دور از احتیاط و ایمنی بوده است

۲ - عدم استفاده از مشعل مخصوص و ریختن گازوئیل در داخل لوله و آتش کردن آن عملی اشتباه بوده است، زیرا این امر باعث شده که سوخت در ابتدای لوله مخصوص گرم کردن تانك بطور کامل انجام نشود و در سرتاسر لوله افقی داخل تانك، و حتی در دودکش شعله ایجاد شود و این امر باعث داغ شدن سریع و بیش از حد قیر و سبب متصاعد شدن گاز از قیر گردد

۳- در سطح تانك، شیر فلکه‌ای برای تخلیه مواد داخل تانك پیش‌بینی شده است که میبایستی از طریق اتصال لوله به آن، محتویات تانك تخلیه میشد، درحالیکه کارگران از قسمت فوقانی که مخصوص بارگیری میباشد، برای انتقال قیر به تانك قیرپاش اقدام کرده بودند. ... نتیجه ... ضرورت ایجاب کند که عمل تخلیه از بالا انجام گیرد، میبایست قبلا تدابیر لازم جهت جلوگیری از ایجاد هرگونه جرقه یا شعله در اطراف دهانه تانك قیر داغ پیش‌بینی گردد.

گفتگو با کارگران حادثه‌دیده

گزارشگر و خبرنگار عکاس ما در ماه گذشته، به مرکز شماره۵ سازمان خدمات درمانی رفتند و ضمن عیادت از کارگران حادثه دیده، باچندتن از آنها به گفتگو پرداختند و علت حوادث را از زبان خود کارگران شنیدند، که در اینجا مطالعه می‌کنید..

همکارم باعث شد!

آقای علی اصغر فروعی، اولین کارگری بود که در بخش جراحی بعیادتش رفتیم. او که کارگر کارخانه ماهشهر است و روزانه ۴۰۰ریال حقوق دریافت می‌کند، درمورد علت حادثه‌یی که برایش پیش آمده، گفت: من در کارگاه شرکت مشغول کار بودم و هنگامیکه کیسه سیمان را در بالای ماشین حمل میکردم، کارگر دیگری که در پشت ... قرار داشت، کلید برق را قطع کرد و من با کیسه سیمان بپائین سقوط کردم و همانطور که میبینید دوپایم شکست. آقای فروعی گفت مقصر اصلی در این حادثه بی‌توجهی همکار من بوده است. وی ضمناً یادآور شد بنظر من اغلب حوادث براثر بی‌توجهی از طرف خودکارگران یا همکاران آنها میباشد که بطور غیرمستقیم درکار آنها دخالت دارند. وی ... از توجهی که مسئولان بیمارستان نسبت به معالجه مبذول می‌کنند، تشکر و اظهار تاسف نمود که از او دلجوئی بعمل نیامده است. اقای فروعی لزوم تهیه وسایل حفاظتی را که دراختیار کارگران گذاشته شود، تا از آنها استفاده کنند، یادآورشد.

رستاخیز کارگران تذکر بدهد

دومین کارگری که دراین بیمارستان با او گفتگو داشتیم، اقای شکرالله سیفی بود. او که کارگر جوانی است، بما گفت: من کارگر شرکت تونل و ساختمان پارچیسن هستم و بکارریختن قسمت ... در این کارگاه مشغول بوده که حادثه برایم پیش آمد ... هنگامیکه مشغول ... بودم، براثر بی‌احتیاطی من و همکارم ... روی ... شد و ... گردید که کمر و ... من دچار شکستگی شود.

وی ... «رستاخیز کارگران» خواست که لزوم توجه بیشتر به کارگران حادثه‌دیده ... تذکر ... شود.

وزارت کار باید نظارت بیشتری داشته باشد.

... بهرام افراسیاب، کارگر دیگری بود که ... صحبتش نشستیم و درمورد چگونگی حادثه‌ای که برایش پیش آمده، گفت: من در شرکت ... با حقوقی معادل ۴۵۰ریال درروز مشغول کار هستم و از مزایای بیمه برخوردارم. وقتیکه دچار حادثه شدم، در ارتفاع ۲۵متری مشغول جوشکاری بودم و تیر آهن‌های یك ساختمان بزرگ را جوش میکردم که ناگهان براثر لغزش پا، از آن ارتفاع بزمین سقوط کردم و باین وضع دچار شدم

این کارگر حادثه‌دیده سپس به وسایل حفاظتی و اهمیت آن اشاره کرد و گفت اگر کارفرمای ما این وسایل را در اختیار من گذاشته بود و من بوسیله قلاب به ستونهای اصلی خود را بند کرده بودم، هیچ وقت دچار حادثه نمیشدم.

آقای افراسیاب تاکید کرد که از طرف وزارت کار باید کنترل بیشتری برای اجرای صحیح مقررات حفاظتی درکارگاهها انجام شود، تا کارفرمایان موظف به تهیه وسایل ایمنی شوند و ... مخاطرات دور گردند

سقوط از ارتفاع ۱۵متری

آخرین کارگری که با او به گفتگو پرداختم در بخش ۳جراحی بستری شده بود و خود را چنین معرفی کرد: من عبدالکریم خزیده هستم و ۲۰سال سابقه کار در شرکت بتون باتیمان مشغول کارم و درمورد حادثه‌ای که برایش پیش آمده، چنین توضیح داد:

- من مشغول سرویس ماشین مخلوط کن بودم که آهن زیرپایم لغزید و از فاصله ۱۵متری بزمین سقوط کردم

و در نتیجه کمر و پا دچار شکستگی گردیده است. وی که از مریوان به تهران امده، از تنهائی و غریب‌بودن احساس دلتنگی می‌کرد، و دلش میخواست لااقل کارفرمایش از او سراغ بگیرد.

شکرالله سیفی: دراثر بی‌احتیاطی خودم و همکارم حادثه برایم پیش آمد.

عبدالکریم خزیده: آهن زیر پایم لغزید و از ارتفاع ۱۵متری سقوط کردم.

رپرتاژی جالب از کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) و

گزارش از: محمود آشوری
اسلایدها از: علی اکبر رهبر

تلاش وکوشش صدها کارگر برای تحقق آرزوهای میلیونها کشاورز

در این کارخانه عظیم کارگران ابتدا آموزش می‌بینند و بعد بکار مشغول می‌شوند

هیچگاه غرش موتور یك تراکتور را شنیده‌اید وآیا هرگز صدای وحشتناك چرخهای زنجیری و موتورهای غول‌پیکر جنگی را با صدای تراکتورها بهنگام کار در مزارع، مقایسه کرده‌اید؟

هردو میغرند و گوش را می‌آزارند، ولی یکی زندگی سازو آبادانی پرداز است و دیگری ویرانگر و نابودکننده، یکی نویدبخش فراوانی و سازندگی و آبادانی است و دیگری جیغ دردآلود زنان و کودکان بی‌پناه و مصیبت‌زده را بخاطر می‌آورد.

آیا همانطور که رهبر ما فرموده‌اند، روزی فراخواهد رسید که ماشینهای جنگی از کار بیافتند و بشر روی آسایش به‌بیند؟

این بار «رستاخیز کارگران» بسراغ سازندگان این وسیله زندگی‌ساز میرود، تا با آنها آشنا بشویم و گپی و گفتگوئی داشته باشیم و......

آرزوهای میلیونها کشاورز

به کارخانه میرسیم که در زمینی وسیع و گلکاری شده و بسیار سرسبز و قشنگ از دور خودنمائی میکند و به یاد آرزوهای میلیونها کشاورز هموطنمان می‌افتیم که سالها پیش، پیش از انقلاب شاه و ملت، همیشه داشتن یك تراکتور برایشان بصورت رؤیائی دست‌نیافتنی جلوه‌گر بود و موقعی که در باغ سرسبز و پر از گل کارخانه چشمهایمان به صدها تراکتور آماده کار می‌افتد، وجدوسروری وصف‌ناپذیر سراپایمان را فرا میگیرد و این خوشحالی هنگامی بشدت افزون میشود که میشنویم تا کنون هزاران تراکتور از این کارخانه، یکراست روانه مزارع کشور شده است و به یادمان می‌افتد که در سفرهای مختلف، در دشت و دمن و روستاهای دور و نزدیك کشورمان بارها و بارها غرش تراکتورها را شنیده‌ایم و بسیاری از برادران کشاورزمان را دیده‌ایم که روی تراکتور از نوع همین تراکتورها، نشسته و مشغول شخم زمین‌های خود هستند، زمینهائی که تا قبل از انقلاب شاه و ملت در تیول عده قلیلی فئودال بود و امروز براثر اجرای یکی از انقلابی‌ترین ماده منشور انقلاب شاه و ملت، متعلق به میلیونها کشاورز ایرانی است. بهر صورت براه خود در باغ کارخانه ادامه میدهیم و با اینکه میتوانیم مسافت طولانی بین درورودی تا ساختمانهای اصلی کارخانه را با ماشین به‌پیمائیم، ولی ترجیح میدهیم این مسافت را پیاده طی کنیم

سمبل کار و کوشش

ناگفته نماند درداخل باغ کارخانه، در فاصله کمی روبروی در ورودی، یك سکوی بلند و بسیار جالب ساخته‌اند که روی آن یك تراکتور قرار داده شده و این ابتکار بصورت سمبلی از ثمره کار و کوشش کارگران این واحد عظیم صنعتی نظر هر تازه‌واردی را بخود معطوف میدارد

محیط پر جنب و جوش

از این قسمت هم میگذریم و بتدریج که به ساختمانهای کارخانه نزدیك میشویم، صدای دهها موتور تراکتور را میشنویم که گوئی از یك حماسه بزرگ خبر میدهند، حماسه‌ای از تلاش و کوشش صدها برادر هموطن برای تحقق آرزوهای میلیونها برادر کشاورز خود، و وقتی به آنها نزدیك میشویم، همانطور که حدس میزدیم، تعداد زیادی تراکتور روشن را میبینیم که عده‌ای از کارگران کارخانه مشغول آزمایش آنها هستند و مرتباً تراکتورها را از اینسوی باغ کارخانه به طرف دیگر آن میبرند، گاهی با سرعت و زمانی کند و آهسته، و در واقع این قسمت آخرین بخش کارخانه است که ما سرراه خود با آن مواجه میشویم. محیط پرجنب و جوش است. از یکطرف صدای خنده‌های شاد کارگران و زمزمه‌های پاره‌ای از آنها که هنگام کار عادت دارند اشعار محلی را زیرلب بخوانند و از سوی دیگر غرش دهها تراکتور با هم غوغائی از شادی و هیجان بوجود آورده، بطوریکه زنده‌دلی و شادی و شادابی آنها بر ما بی‌تاثیر نیست و بدون اغراق خود را سبکبال حس میکنیم. بهرجهت به هر یك از آنها که میرسیم سلامی میکنیم و جمله معروف«خسته نباشی» را نیز میگوئیم و در پاسخ، با جمله «مرحمت زیاد» بدرقه میشویم به ساختمان مرکزی کارخانه نزدیك میشویم ساختمانی است بسیار بزرگ و زیبا که جز طبقه هم کف آن، بقیه طبقاتش تکمیل نشده و باین جهت فقط در طبقه هم‌کف آن فعالیت جریان دارد. سراغ آقای مهندس فولادیون، مدیر عامل کارخانه را میگیریم، ولی چون در تراکتورسازی هم چون دیگر کارخانه‌های سراسر کشور، بمناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی جشن باشکوهی برپا شده، باین جهت مقامات کارخانه از جمله مدیرعامل آن فوق‌العاده سرگرم هستند و مشغول کارهای خود. بهرصورت فرصتی در آن شلوغی دست میدهد و موفق به دیدار ایشان میشویم و یك جلسه گفتگو تشکیل میدهیم...

با جوان پرتحرك و فعالی آشنا شده‌ایم که از ظاهرش میتوان حدس زد چند بهار را پشت‌سر گذاشته، ولی بعداً، آنچنانکه خودش میگوید، چهل و سه‌سال دارد و سخت هم گرفتار مسائل جاری و برنامه‌های آینده کارخانه است، چرا که طی یکی، دوسال آینده باید کارخانه وارد مرحله تولید کامل تراکتور شود، و واحدهای مختلف آن از صورت فعلی که کارشان بیشتر مونتاژ است، بدر آیند. بهرصورت ما مهندس فولادیون مدیر عامل کارخانه تراکتورسازی ایران(تبریز) و تنی چند از مقامات کارخانه بدور یك میز مینشینیم و گفتگو را آغاز میکنیم.

تاریخچه و سایر مشخصات

– بعنوان نخستین پرسش، از مدیرعامل کارخانه میخواهم که در باره تاریخچه و مساحت کارخانه و علت تاسیس آن در تبریز توضیحاتی در اختیار «رستاخیز کارگران»قرار دهد و میگوید:

– در پنجم مهر ماه ۲۵۲۶ قرار داد تاسیس کارخانه بر اساس موافقتنامه همکاریهای اقتصادی و فنی ایران و رومانی منعقد. در مرداد ماه سال ۲۵۲۵ بامضاء رسید و بدنبال آن پس از مطالعات کافی، شهر تبریز بخاطر دسترسی به راه آهن و وجود برق و نیروی انسانی مستعد، بعنوان محل احداث کارخانه انتخاب شد و سرانجام در ششم تیر ماه سال ۲۵۲۷ نخستین کلنگ کارخانه بزمین زده شد و پس از احداث ساختمان‌های اصلی آن بهره‌برداری مقدماتی از اولین خط تولید کارخانه در اسفند ماه ۲۵۲۸ شاهنشاهی آغاز گردید:

و سرانجام از اول سال ۲۵۲۹ تراکتورهای تولیدی کارخانه به بازار عرضه شد.

از نظر مساحت، این واحد عظیم در زمینی به مساحت ۳ میلیون متر مربع در چهار کیلومتری شهر تبریز (قریه رواسان)بنا شده و مجموع مساحت کارگاههای آن هم اکنون بیش از ۱۵۰ هزار مترمربع است که مرتبا توسعه می‌یابد و بر اساس طرح نهائی زیر بنای کارخانه بزودی به ۲۵۰ هزار مترمربع خواهد رسید و در نتیجه بصورت یکی از بزرگترین مجتمع‌های صنعتی کشور در خواهد آمد

میزان سرمایه‌گذاری

درباره سرمایه‌گذاری اولیه و کل میزان سرمایه‌گذاری با توجه به برنامه‌های مربوط به گسترش کارخانه سئوال میکنیم، میگوید:

– کل مبلغ سرمایه‌گذاری برای احداث و تکمیل و گسترش کارخانه ۲۰ میلیارد ریال (دومیلیارد تومان) درنظر گرفته شده که از این مبلغ سرمایه تأسیس اولیه آن ٦۵۰ میلیون ریال بود.

نکته مهم دراین زمینه، اینست که سرمایه کارخانه صد درصد متعلق به دولت ایران است و از محل اعتبارات عمرانی کشور تأمین شده است.

طرح اولیه

درباره طرح اولیه کارخانه سئوال میکنیم، مهندس فولادیون میگوید:

– کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) در اصل با همکاری کشور رومانی پایه‌گذاری شد و براساس طرح اولیه آن قرار بود که سالانه ۱۰ هزار تراکتور درآن تولید شود، ولی در جریان بازدید شاهنشاه آریامهر از کارخانه در شهریور ماه ۲۵۳۱ معظم‌له اوامری جهت توسعه کارخانه و ساخت تراکتورهای نوع دیگر نیز صادر فرمودند که در نتیجه طرح اولیه مورد تجدیدنظر قرار گرفت و تولید کارخانه از ساخت دههزار دستگاه تراکتور به بیست‌هزار دستگاه و باضافه ساخت سالانه سی‌هزار دستگاه موتور افزایش یافت و برای استفاده از مدرنترین تکنولوژی در صنعت تراکتورسازی، مذاکرات لازم با کمپانی بین‌المللی «مسی فرگوسن» جهت ساخت این نوع تراکتورها (مسی فرگوسن با قدرتهای متفاوت) آغاز گردید و قراردادهای لازم در این زمینه و صدور تراکتور به بازارهای بین‌المللی در سال ۲۵۳۳ بامضاء رسید و از هماموقع تهیه مقدمات اجرای این طرح بزرگ شروع گردید.

قسمتهای مختلف کارخانه

در مورد قسمتهای مختلف کارخانه با توجه به برنامه توسعه آن سئوال میکنم، مدیر عامل تراکتورسازی ایران چنین توضیح میدهد: «کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) با داشتن مجموعه‌ای از کارگاههای عظیم در زمره یکی از بزرگترین مجموعه‌های صنعتی ایران بشمار می‌رود و از بخشهای ریخته‌گری، آهنگری، موتورسازی، سالن ساخت تراکتور، سالن ساخت تریلر و ادوات مختلف، مراکز آموزش، خدمات فنی و خدمات اداری و رفاهی تشکیل شده است

واحد ریخته‌گری

در مورد ریخته‌گری باید بگوییم که این کارگاه جهت تولید قطعات ریخته چدنی برای تراکتور، کامیون، موتورهای دیزل طرح‌ریزی شده و ظرفیت آن ۷۰هزارتن میباشد و قابل توسعه تا ۱۰۰هزارتن نیز هست

واحد آهنگری

بخش مهم بعدی، کارگاه آهنگری کارخانه است که در نوع خود یکی از مدرنترین کارگاههای آهنگری جهان بشمار میرود. ظرفیت این کارگاه با برخورداری از پیشرفته‌ترین تکنولوژی آهنگری در مرحله اول ۱۲هزار تن در سال بوده که ۵۰۰۰تن آن برای تولید ۲۰هزار دستگاه تراکتور مسی فرگوسن و ۳۰هزار دستگاه موتور کافی میباشد و مابقی نیز نیاز صنایع داخلی را تامین میکند. در مرحله دوم ظرفیت تولید به ۳۵هزار تن در سال افزایش می‌یابد که علاوه بر تامین نیاز کلیه مصنوعات کارخانه‌های تراکتورسازی مملکت، خواهد توانست قسمت عظیمی از قطعات لوازم یدکی را ساخته و به خارج از کشور صادر کند. در طرح این کارخانه عظیم بجای استفاده از چکش‌های مختلف آهنگری، از پرس‌های مکانیکی ۱۰۰۰ الی٦۰۰۰تن استفاده میشود که میتواند بر میزان معیوب بودن قطعات، تولید بیشتر با دقت بهتر را ارائه دهد.

واحد موتورسازی

کارگاه بعدی، بخش موتورسازی است که یکی از بزرگترین واحدهای موتورسازی بشمار میرود و با تولید سالانه ۳۰ هزار دستگاه موتور بزرگترین اقدام را جهت تکمیل صنعت ساخت تراکتور در ایران بعمل آورده است از مجموع تولید این واحد عظیم ۲۰ هزار دستگاه موتور برای تولید تراکتورهای مسی فرگوسن بکار خواهد رفت و از ۱۰ هزار دستگاه دیگر نیز برای صنایع کشتی‌سازی- کامیون- تریلر- موتورهای آب و صنایع مختلف دیگر استفاده میشود.

باید اضافه کنم که ماشین آلات این کارگاه از جدیدترین ماشینهای ساخت موتور است و جهت کنترل تمامی قسمتهای آن از سیستم‌های الکترونیکی استفاده میشود

سالن ساخت تراکتور

این سالن نیز یکی دیگر از بخشهای کارخانه است که با مساحت ۵۰ هزارمتر مربع میتواند ۸۰ درصد کلیه کارهای ساخت تراکتور را دران انجام داد. دراین سالن این مراحل انجام میشود مونتاژ تراکتور- ساخت قطعات بزرگ- خطوط اتوماتیك- ساخت قطعات کوچك- کارگاه چرخ دنده‌سازی- کارگاه عملیات حرارتی- کارگاه پرس‌کاری و جوش‌کاری و نقاشی قطعات- کارگاه ابزارسازی و تعمیرات ابزار- ساخت قسمت اعظم قالبهای مورد نیاز پرس‌کاری و تعمیر آنها

واحد ساخت تریلر و ادوات

کارگه مهم بعدی، واحد ساخت تریلر و ادوات مختلف است که درآن ۲ هزار دستگاه تریلر کمپرسی به ظرفیت ۵ تن و قابل تخلیه از ۳ طرف با سرعتهای ۳۰ کیلومتر مخصوص کارهای کشاورزی و ۸۰ کیلومتر مخصوص عملیات ساختمانی تولید میشود

مرکز آموزش

این مرکز درسال ۲۵۳۲ شروع به کار کرد و با توجه به توسعه قسمتهای مختلف کارخانه تاکنون توانسته است ٦۳٦ نفر در رشته‌های مختلف فرز- تراش- سنگزنی- صفحه‌تراشی- جوشکاری- برق- موتاژ و ازمایش موتور و غیره فارغ‌التحصیل داشته باشد در برنامه توسعه این مرکز خوابگاه مخصوص برای کارآموزان شبانه‌روزی در نظر گرفته شده تا طرح آموزش سالانه ۱۰۰۰ نفر کارآموز در رشته‌های گوناگون عملی شود

این مرکز همچنین علاوه برآموزش افراد مورد نیاز کارخانه، توانسته ۲۰۰ نفر فارغ‌التحصیل دیگر نیز تحویل سایر کارخانجات صنعتی در آذربایجان

لطفاً ورق بزنید

تصویری از باغ سه میلیون مترمربعی کارخانه است که در آن صدها تراکتور مسی فرگوسن بقدرتهای متفاوت آماده فروش گذاشته شده است.

در این عکس یکی از کارگران تراکتورسازی را هنگام رانندگی با یک تراکتور مسی‌فرگوسن و آزمایش نهائی آن مشاهده میکنید.

این عکس یکی از کارگران را هنگام ازمایش یك تراکتور «مسی‌فرگوسن» نشان میدهد.

زنجیر و قلاب یکی از جرثقیلهای هوائی موتوریك تراکتور را بلند کرده است

عده‌ای از کارگران را هنگام کار در خط تولید تراکتورهای مدل اونیورسال مشاهده می‌کنید.

تلاش وکوشش صدها کارگر

بدهد. نکته مهمی را که اینك باید توضیح بدهم، اینست که واحدهای مورد بحث تایکی‌دوسال اینده تکمیل خواهد شد و کار آنها در سطح وسیع تولید آغاز خواهد گردید و هم‌اکنون نیز نصب ماشین‌آلات آنها و تکمیل ساختمانها بسرعت ادامه دارد و در انصورت است که ما خواهیم توانست در داخل کشور تراکتور و موتور را بطور کامل با قدرتهای متفاوت تولید کنیم.»

تولیدات و صادرات

در زمینه تولیدات فعلی کارخانه و این مسئله که از این تولیدات بخارج صادر میشود یا نه سئوال میکنم، میگوید:

- درحال حاضر دونوع تراکتور مدل رومانی بقدرت ٦٥ اسب و ٤ نوع تراکتور مسی فرگوسن بقدرتهای ٤٥ تا ۱۰۰ اسب مونتاژ و چند وسیله دیگر مانند لودر، سرسرهای کشاورزی و عیره دیگر مانند راهسازی و عیره نیز میتوانند از تولیدات تراکتورسازی در فعالیتهای خود بهره ببرند. بعنوان مثال این کارخانه درحال‌حاضر روی یك تراکتور ٤۰هزار تومانی یك جرثقیل ۷۰هزار تومانی را نصب میکند و یا یك لودر یا یك تریلر را به یك تراکتور نصب می‌کند که در کشاورزی و راهسازی مورد استفاده واقع میشود، درحالیکه همین کار را دیگران با هزینه بسیار زیادتری انجام میدهند. برای نمونه یك جرثقیل را روی یك شاسی کامیون به قیمت ۳۰۰هزارتومان نصب میکنند و درنتیجه این وسیله رویهم بسیار پرقیمت برای صاحب کار در می‌آید.

دوجنبه کار

بعنوان آخرین پرسش از اقای مهندس فولادیون درباره اهمیت و حساسیت کار کارخانه تراکتورسازی و عده کارکنان آن سئوال میکنم، میگوید

با ۴۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری، کارخان

در کارخانه تولید میشود که تماما نیز در داخل مملکت بمصرف میرسد. ناگفته نماند که هم‌اکنون مملکت ما سالانه به دوازده هزار تراکتور احتیاج دارد که از این میزان، کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) ۹۰درصد آنرا تامین میکند و ۱۰ درصد مابقی از کارخانه تراکتورسازی اراك که وابسته به کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) است، تامین میشود. محصولات کارخانه اراك که بنام کارخانه تراکتورسازی «جان دیر» نیز نامیده میشود، با رنگ سبز مشخص شده است.

درباره تولیدات کارخانه باید اضافه کنم که از آغاز تولید تاکنون کارخانه ٤٥هزار دستگاه تراکتور اونیورسال بقدرتهای ٦٥ اسب یك و دو دیفرانسیل مدل ٦٥۰- ام و ٦٥۱- ام و تراکتورهای ٤٥اسب مدل یو ٤٤٥ و همچنین ۲هزار دستگاه تریلر کمپرسی بظرفیت ٥تن قابل تحلیه از سه طرف تولید کرده و با شرایط بسیارسهل توسط بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی در سراسر کشور دراختیار کشاورزان قرار داده است.

علاوه‌براین کارخانه تاکنون بیش از ۲٥۰۰دستگاه تراکتور از نوع مسی فرگوسن در قدرتهای متفاوت تولید کرده که آنها هم به بازار عرضه شده است. درمورد صادرات همانطور که قبلا هم گفتم، تمام تولیدات مادر داخل مملکت مصرف میشود و ما فعلاً صادرات خارج نداریم و فقط قطعاتی چند درکارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) میسازیم که به رومانی صادر میشود. البته پس از تکمیل کارخانه، طبق برنامه تنظیمی قرار است صادرات تراکتور به خارج از کشور نیز داشته باشیم.

دراین زمینه باید توضیح دهیم که پس از آماده شدن کامل قسمتهای ریخته‌گری- آهنگری و چند واحد دیگر، ساخت تراکتور درکارخانه به ۸۰درصد خواهد رسید، یعنی اینکه کارخانه از حالت مونتاژ بیرون می‌اید و خود تولیدکننده تراکتور میشود و ۸۰درصد قطعات یك تراکتور را میسازد و امید است با کمك سایر صنایع ۲۰درصد بقیه را نیز از انها تامین کنیم و بزودی بمرحله‌ای برسیم که تراکتور بطور کامل در ایران ساخته و پرداخته شود و نه تنها از خارج بی‌نیاز شویم، بلکه بتوانیم محصولات خود را در سطح بین‌المللی نیز عرضه کنیم.

قیمتها و بهره

درمورد قیمت تولیدات کارخانه و سود آن سئوال می‌کنم، میگوید.

- قیمت تولیدات کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) در سراسر کشور یکنواخت است و خریداران میتوانند از تسهیلات اعتباری نیز استفاده کنند، باین ترتیب که تولیدات کارخانه از طریق بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی که وابسته به وزارت کشاورزی است بفروش میرسد و این بنگاه ۲۰درصد قیمت یك تراکتور را که ٤۰هزار تومان است نقداً دریافت میکند و بقیه را به اقساط ٥ساله با ٦درصد سود میگیرد.

موضوع مهم دیگر اینکه از آغاز بهره‌برداری در کارخانه تراکتورسازی تاکنون تقریباً قیمتها ثابت نگهداشته شده و باوجود این، هرسال سود معقولی نیز نصیب کارخانه شده است. برای مثال سال گذشته نزدیك به سه میلیون تومان بعنوان سود ویژه بین کارگران کارخانه تقسیم گردید.

نکته دیگری که دراینجا لازم است توضیح دهم، اینست که کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) همواره کوشش کرده و میکند که تولیدات خود را با حداقل سود عرضه کند و همچنین ابتکاراتی بخرج داده که صنایع

تراکتورسازی ایران (تبریز) مجتمعی از مدرنترین ماشین آلات صنعتی جهان شده است

– فعالیت کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) دوجنبه دارد، یکی صنعت ودیگری کشاورزی و بهمین جهت کار آن بسیار حساس است، بخصوص که ما سعی میکنیم تولیدات کارخانه از نظر قیمت و کارآئی درحدی باشد که از یکسو زارع و کشاورز هموطنمان بتواند آنرا خریداری کند و ازسوی دیگر همانطورکه توضیح دادم، درصنایع دیگر نیز مورد استفاده واقع شود.

از نظر صنعت باید اضافه کنم که ماخوشبختانه هیچگونه محدودیتی درمورد خرید وسایل نداشته‌ایم و باین جهت سعی شده که هرجنسی که بهتر بود خریداری شود و درنتیجه اینك محموعه ماشین‌آلات ما از بهترین نوع خود درجهان است. درمورد نفرات کارخانه، باید توضیح دهم که هم‌اکنون کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) ۱۵۰۰نفر پرسنل دارد که ۲۵۰نفر آنها کارمند، مهندس و اعضای کادر مدیریت هستند و بقیه را کارگران ماهر– نیمه ماهر و تکنسین‌ها تشکیل میدهند نکته جالب توجه دیگر اینکه بیشتر مهندسین ما فارغ‌التحصیل دانشگاههای داخل مملکت هستند و مهندسان خارجی در تراکتورسازی با جنبه مشورتی خدمت میکنند و درحقیقت مدیریت بدست مهندسین خودمان است.

کارگران چه میگویند

پس از گفتگو با مدیرعامل کارخانه، رهسپار کارگاهها میشویم، تا با کارگران نیز گپی و گفتگوئی داشته باشیم. نخست به قسمت مونتاژ تراکتورهای «اونیورسال» میرویم. دراین قسمت در یك خط مستقیم عده زیادی کارگر روی دهها تراکتور مشغول کار هستند و هر یك، قسمتی از آنرا رویهم سوار میکنند. استادکار این قسمت، مرد مسنی است بنام «اژدر ایماز» بااو آشنا میشویم و در حالیکه من (گزارشگر رستاخیز کارگران) با اژدر وارد گفتگو میشویم، همکارم خبرنگار عکاس مجله مشغول عکسبرداری از قسمتهای مختلف کارخانه میشود. از اژدر میخواهم در باره خودش و کارش و هرچه میخواهد صحبت کند، میگوید:

– درسال۱۳۰۸ در شهر تبریز متولد شده‌ام و اینك ٤۸ سال دارم. هشت سال است که در کارخانه تراکتورسازی مشغول کار هستم و اینك بعنوان استادکار ۱۸۰۰ تومان حقوق میگیرم. البته ناگفته نماند که قبلا مدتها در تعمیرگاههای مختلف به تعمیر موتورهای دیزلی و بنزینی اشتغال داشته‌ام. روزی که وارد کارخانه شدم، بعنوان ازمایشی با ۵۰۰ تومان حقوق استخدام شدم و بعداً بتدریج حقوقم زیاد شد تا بمیزان کنونی رسید.

سال گذشته رویهم ٦ هزار تومان بعنوان سود ویژه و پاداش سالانه یا عیدی دریافت کردم.

از کارم راضی هستم و آنرا واقعاً دوست دارم، البته بشرط آنکه قیمت اجناس گران نشود.

ثبت نام دانش‌آموزان

از اژدر در باره وضع خانوادگیش سئوال میکنم، میگوید:

– سه بچه دارم که یکی هم در راه است. بچه بزرگم ۱۳ ساله است و درس میخواند. درمورد ثبت نام بچه‌ام بگویم که اول سال دچار مشکل شده بودم. بنویسید که مسؤلان آموزش و پرورش به رؤسای مدارس دستور دهند با توجه به ادرس محل سکونت دانش آموزان از آنها ثبت نام کنند.

محصول یك روز

پس از گفتگو با اژدر، با اقای حمید پورصالحی سرپرست خط مونتاژ تراکتورهای «انیورسال» اشنا میشویم. حمید انچنانکه خودش میگوید، ۳٦ ساله است و متولد چالوس و فارغ‌التحصیل انستیتو تکنولوژی ساری با فوق دیپلم فنی. از او میخواهم که در باره خودش و هرچه میخواهد گفتگو کند، میگوید:

۸ ساله که ازدواج کرده‌ام و دو دختر دارم که یکی از آنها ۷ سال دارد و مدرسه میرود و دیگری سه ساله است. از زندگی راضیم و در واقع حال متوسطی دارم، در حال حاضر ۳٦۰۰ تومان حقوق میگیرم. البته طرح طبقه بندی مشاغل هنوز اجرا نشده و قرار است بزودی اجرا شود و در آنصورت مسلماً حقوقم بیشتر میشود. سال گذشته ۵۰ روز سود ویژه گرفتم که تقریباً ۵ هزارتومان شد.

از حمید سئوال میکنم که در این قسمت چند کارگر دارید و مشکلات شما چیست؟

میگوید:

–در حال حاضر در این خط ٦۰ کارگر مشغول فعالیت هستند. در گذشته چون کارگران ما ماهر نبودند، مشکلاتی داشتیم، ولی خوشبختانه در حال حاضر کارگران ما تقریباً همه ماهر شده‌اند و در نتیجه از نظر پیشرفت کار با مشکل زیادی روبرو نیستیم.

سئوال میکنم هرروز در این خط چند تراکتور مدل اونیورسال مونتاژ میشود؟ میگوید

این عکس سالن بسیار وسیع ساخت تراکتور را نشان میدهد که خطهای تولید تراکتورهای مدل «انیورسال» و تراکتورهای «مسی‌فرگوسن» در آن مشاهده میشود.

این سکوئی است که در داخل باغ کارخانه، در فاصله کمی روبروی در ورودی ساخته شده و یك تراکتور تولیدی کارخانه روی آن قرار داده شده است و بصورت سمبلی از نتیجه کار و کوشش کارگران این کارخانه نظر هر تازه واردی را جلب میکند.

–دراین خط ما حداکثر میتوانیم ۳۵ دستگاه تراکتورمدل اونیورسال (رومانی) را در یك روز مونتاژ کنیم، البته بجز شاسی و گیربکس و دیفرانسیال، چون این قسمتها در رومانی مونتاژ میشود و بقیه آنرا در اینجا ما رویهم سوار میکنیم.

در باره وضع مسکن کارگران از حمید سئوال میکنم، میگوید:

–هم‌اکنون عده‌ای از کارگران در خانه‌ها و آپارتمانهائی که کارخانه در اختیارشان گذاشته زندگی میکنند و من هم در یك آپارتمان سه اتاقه واقع در بلوك ۱۱ طبقه با خانواده‌ام سکنی داریم و برای آن ٤۵۰ تومان هم اجاره میدهیم که باید از این بابت از رؤسای خود تشکر کنیم، چون اگر میخواستیم اجاره نشینی

لطفاً ورق بزنید

این اسلاید از انتهای خط تولید تراکتورهای مدل اونیورسال گرفته شده و یکی از کارگران را پشت فرمان تراکتور امانه شده، و دیگری را که مشغول سفت کردن پیچ‌های چرخ تراکتور است، نشان میدهد.

[illegible]

بخش آهنگری کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) یکی از مدرن‌ترین کارگاههای آهنگری جهان است

[illegible]

نوبت عظیم

پس از گفتگو با بهرامی از خط تولید تراکتورهای مورد بحث خارج میشویم و به سوی گشت میپردازیم واحد پرسینگ.

درسالن ساخت تراکتور به قسمتی میرسیم که به واحد پرسینگ معروف است و درمحوطه وسیعی پرس‌های عظیمی کارگذارده شده که عده‌ای از کارگران با آنها مشغول فعالیت هستند. با یکی از کارگران این قسمت بنام غلامرضا کرتلانی که کارگر ماهر پرسینگ است چندکلمه‌ای گفتگو میکنیم. از غلامرضا درباره کار این قسمت میپرسیم میگوید:

– دراین بخش صفحات و ورقهای آهنی به اندازه‌های لازم برای ساخت قطعات بریده میشود و سپس زیر دستگاههای پرس بصورت دلخواه درمی‌آید. هم‌اکنون دراین قسمت بزرگترین پرس ما دارای قدرت ضربه‌ای برابر ۶۵۰ تن میباشد و کوچکترین آنها هم ۹ تن ضربه وارد میکند.

غلامرضا آنچنانکه خودش میگوید ۲۶ ساله است و ۵ سال است که درکارخانه تراکتورسازی مشغول کار میباشد. از زندگی، تحصیلات و حقوقش سؤال میکنیم، میگوید:

– ششم متوسطه هنرستان فلزکاری شماره ۲ صنعتی تبریز را دارم و ماهانه ۲٤۰۰ تومان حقوق میگیرم. سال گذشته روی‌هم ۳ هزار تومان بعنوان تشویق ویژه دریافت داشتم. از کارم راضی هستم، چون باسوادم هست و آنرا دوست دارم. از نظر خانوادگی، هنوز مجرد هستم و متاهل نشده‌ام. ولی تصمیم دارم که در آینده نزدیک به زندگیم سروسامانی بدهم (ازدواج است).

مسایل حفاظتی

از غلامرضا درباره مسائل حفاظتی هنگام کار با دستگاههای پرس سؤال میکنیم، میگوید:

– خوشبختانه دستگاههای پرس که دراینجا مشاهده میکنید، باچشمهای الکترونیکی مجهز است و بهمین جهت اگر کوچکترین چیزی جلوی این چشمها قرار بگیرد، خودبخود دستگاه ازکار می‌افتد و بجای خود باز میگردد.

اودرحالیکه محل چشمهای الکترونیکی را نشان میدهد، میافزاید این چشمها بقدری حساس است که حتی اگر کارگری هنگام کار خود سیگار خود را بطرف چشمها بفرستد پرس خودبخود از کار می‌افتد زیرا آنرا بعنوان مانع تلقی میکند و اجازه نمیدهد پرس ضربه وارد کند و بهمین جهت ما کارگران این قسمت از نظر خطرات ناشی از کار با پرسها، آسوده خیال هستیم. البته باید اضافه کنم که کارخانه برای ما کفش و دستکش حفاظتی خریده و ما نیز از آنها استفاده میکنیم.

ازدواج فوری

از غلامرضا میخواهیم که درباره هرموضوعی که مایل است برایم صحبت کند و او نیز به مسئله مسکن کارگران اشاره میکند و میگوید:

[illegible]

تأمین اجتماعی

از: دکتر حیدر قلی عمرانی معاون امور بهزیستی وزارت بهداری و بهزیستی

منابع درآمد صندوق تامین اجتماعی

«اساس سیاست ما بر پایه گسترش ثروت طبیعی در اسرع اوقات و درعین حال تقسیم عادلانه این ثروتها بین عده زیادی از مردم کشور و درمیان آنهائیکه میخواهند شرافتمندانه کار کنند استوار است. منابع ثروت طبیعی ما عظیم است و برای تقسیم این ثروت باید به اقدامات اجتماعی دست زد و من اطمینان میدهم که کلیه اقدامات لازم را دراین زمینه بعمل خواهیم آورد.»

[illegible] ۲۶ [illegible] ۲۵۲۰ [illegible]

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان از مزایای «قانون تامین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هر شماره ضمن گفت و گو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون امور بهزیستی و گروههای ویژه وزارت بهداری و بهزیستی، و یکی از صاحبنظران تامین اجتماعی موادقانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یك از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه‌های اجتماعی بازگو میکند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می‌توانند نظریات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

[illegible]

حق بیمه

[illegible] بند ٦ ماده ۲ قانون [illegible] اجتماعی حق بیمه عبارت از وجوهی است که بحکم قانون تامین اجتماعی و برای استفاده از مزایای موضوع این سازمان تامین اجتماعی پرداخت میشود. رقم کل حق بیمه سرانه‌ای که بابت شخص بیمه شده (کسی که راسا مشمول مقررات تامین اجتماعی میباشد) به صندوق تامین اجتماعی پرداخت میشود معادل سی‌درصد حقوق یا مزدیا کارمزد و هرگونه وجوه و مزایای نقدی یا غیر نقدی است که بطور مستمر در مقابل انجام کار وسیله کارفرما به بیمه شده پرداخت میشود و در قبال پرداخت این حق بیمه، شخص بیمه شده

[illegible] حساب کرده وحق بیمه [illegible] محاسبه ودریافت میشود (ماده ۳۲ قانون تامین اجتماعی). بدیهی است میزان حق

درقبال پرداخت حق بیمه، چه کسانی از کمکهای قانون تامین اجتماعی برخوردار میگردند؟..

و خانواده تحت تکفل او که عبارتند از همسر بیمه شده (شوهر یا عیال)- فرزندان- پدر و مادر با رعایت شرائط مربوطه (موضوع ماده ٥٨ و تبصره ماده ۷۳ و ماده ۸۱ قانون تامین اجتماعی) از کمکهای مقرر در قانون تامین اجتماعی از قبیل خدمات درمانی لازم- غرامت دستمزد ایام بیماری (البته فقط برای خود بیمه شده که درزمان بیماری بدستور طبیب معالج کار نمیکند و از کارفرما حقوق دریافت نمیدارد) و عنداللزوم برحسب مورد نوع مستمری [illegible] مستمری [illegible] مستمری بازنشستگی و همچنین مستمری بازماندگان بیمه شده متوفی و سایر کمکها چون کمك ازدواج و کمك عائله‌مندی برخوردار میگردند

از سی درصد حقوق یا مزدیا کارمزدکه بعنوان حق بیمه پرداخت [illegible] سالیانه تامین اجتماعی که در [illegible] وصندوق بیمه‌های اجتماعی صرف به حق بیمه [illegible] کارگر وکارفرما متکی بود ودر واقع [illegible] ملاحظه شروع شده بود وضمنا تعهدات سازمان بیمه‌های اجتماعی [illegible]

شده بود وسایر درامدهای جنبی وفرعی سازمان بیمه‌های اجتماعی برای انجام تعهدات روزمره کفایت میکرد ولکن با تغییر قانون وافزایش قابل ملاحظه‌ای که در انواع ومیزان کمکهای پیش‌بینی شده در قانون تامین‌اجتماعی صورت گرفت لاجرم در برخورد با تعهدات وسیع‌تری که صندوق تامین اجتماعی بعهده میگرفت لزوماً میبایستی منابع درامد صندوق نیزکه تامین کننده اینگونه هزینه‌ها میباشد به نسبت افزایش یابد کماینکه نرخ حق بیمه از هیجده درصد حقوق یا مزد یا کار مزد به رقم سی درصد افزایش یافت [illegible] به سهم بیمه شده وهشت [illegible] بتوان [illegible] که در هر حال کارفرما [illegible] بهر بهای تولید اضافه میکند ودر [illegible] موثر میفتد [illegible] کالاها وخدمات تولیدی کشور میباشد تحمیل [illegible] وبرای آنها گرفتگی ومضیقه ایجاد کند

شاید لازم بتوضیح باشد که دولت علاوه بر [illegible] که بعنوان کمك به حق بیمه ومنابع درآمد [illegible] صندوق تامین اجتماعی بعهده دارد واین تعهد همان حق بیمه سهم کارفرما است که کلیه مؤسسات تولیدی وانتفاعی وغیرانتفاعی یا وابسته بدولت از بابت کارگران وکارمندان خود عیناً مانند [illegible] بموجب مواد ۳۰ و۳٦ قانون تامین اجتماعی بطور مرتب به صندوق تامین اجتماعی پرداخت [illegible]

مؤسسات دولتی و وابسته بدولت نیز که کارکنان آنها مشمول قانون تامین اجتماعی میباشند، مانند سایر کارفرمایان موظفند از کلیه وجوه ومزایائی که تحت عنوان مزد یا حقوق یا کار مزد وبطور کلی هر گونه وجوه ومزایای نقدی ومزایائی که تحت عنوان مزد یا حقوق یا کار مزد وبطور کلی هرگونه وجوه ومزایای نقدی یا غیرنقدی که بطور مستمر در مقابل انجام کار به بیمه شده پرداخت میکند حق بیمه مقرر (هفت درصد [illegible] کسر وباضافه سهم خود (بیست درصد) همه ماهه به صندوق تامین اجتماعی پرداخت کنند

ارزش مزایای غیرنقدی که از طرف کارفرما به بیمه شده پرداخت میشود مانند مواد غذائی، پوشاك وامثال آنها براساس آئین‌نامه‌ای که [illegible] بطور مقطوع [illegible] ٥۳۰ [illegible]

[illegible] حق‌الزحمه با مزد کار آنها [illegible] واسطه ومستقیماً توسط شخص خدمت گیرنده [illegible] اصطلاح مشتری [illegible] وظیفه‌ای که [illegible] مجموع حق بیمه سهم خود وسهم بیمه شده در قبال صندوق تامین‌اجتماعی [illegible] بموجب [illegible] ۳۱ قانون تامین اجتماعی [illegible] مدیره صندوق تامین اجتماعی درامد تقریبی این گروه از بیمه شدگان را با انجام بررسیهای لازم

بیمه‌ای که از این بابت پرداخت میشود در هیچ مورد نباید از حق بیمه‌ای که به حداقل مزد کارگر [illegible] تعلق میگیرد کمتر باشد زیرا در هیچ مورد نیز کمکها و مزایای نقدی که به بیمه شدگان پرداخت میشود از حداقل مزد کمتر نیست گروه دیگری از بیمه‌شدگان هستند که طبق قانون کاربعنوان کارآموز قلمداد میشوند. اینها افرادی هستند که سن هیجده سال تمام نرسیده‌اند و بمنظور تکمیل یا فراگرفتن حرفه یا صنعت مخصوصی طبق قراردادکارآموزی کتبی برای مدت معین که زائد بر دو سال نباشد در یك کارگاه و یا کلاسهای مخصوص اشتغال دارند معمولاً با توجه ساعات اشتغال و نوع فعالیت و شرائط و کموکیف کارارجاعی، مزدیا حقوق پرداختی به افرادکارآموز در مقایسه باسایر کارگران کمتر است ولی در هر حال بموجب ماده۳۳ قانون تامین اجتماعی حق بیمه اینگونه افراد باید به نسبت مزدیا حقوق پرداختی آنها محاسبه و به صندوق تامین اجتماعی پرداخت شود. بدیهی است در این مورد [illegible] اعم از سهم [illegible] بیمه‌ای که به حداقل مزد یا حقوق کارگر [illegible] کمتر [illegible] هیچ مورد کمکهای [illegible] از حداقل مزدیا حقوق کمتر نخواهد [illegible] حقوق [illegible] کمتر باشد مابه‌التفاوت حق [illegible] کارفرماست و [illegible] مزدیا حقوق کارآموز [illegible]

بقیه در صفحه ۹۸

وقتی ازبدس

مسائل مختلف اجتماعی در میزگرد اجتماعی رستاخیز کارگران

از: غلامرضا قیصری

رستاخیز کارگران: مجله رستاخیز کارگران معمولاً [illegible] کارگران عزیز ایران است و [illegible] همواره جهت [illegible] خواسته‌های قانونی [illegible] کارگران [illegible] که مطرح [illegible] کرده [illegible].

محمدحسین تهرانی (رئیس هیئت مدیره سندیکا): [illegible] حقوق [illegible]

می‌شود، بلکه گرفتاریهائی هم ایجاد می‌کند.

همین دفترچه‌های خدمات درمانی [illegible] دفترچه‌های [illegible] بیمه‌های اجتماعی [illegible] ولی [illegible] خدمات درمانی مراجعه [illegible] بلافاصله [illegible] دفترچه‌های [illegible] خدمات درمانی [illegible] بیمه‌های خصوصی [illegible] سازمانی هم وجود ندارد که [illegible] بیمارستانها [illegible] مقرون بصرفه نیست که بیمار آزاد را با توجه [illegible] که [illegible] خدمات

شرکت کنندگان در میزگرد سندیکای کارگران شرکت مخابرات ایران:

۱- کمال ازادی	دبیر سندیکا
۲- محمدحسین تهرانی	رئیس هیات مدیره سندیکا
۳- رحمتاله ناظری	خزانه‌دار
٤- پرویز محسنی	عضو هیات مدیره
٥- سید حسین مودت	بازرس

ایجاد یک باشگاه ورزشی که در ساعات فراغت به تفریح سالم بپردازند خواسته کارگران شرکت مخابرات است

کارگران برخوردار از مبلغ ۲۵۰ تومان [illegible] آزاد است و بر طبق قانون بایستی به آنان پرداخت شود. در برخی از مناطق سازمان از پرداخت این مبلغ خودداری می‌کند و در مقابل پرسش کارگران میگویند به دستور داده شده است که نپردازیم. حال چه کسی و چه مقامی این دستور را داده است و آیا در این خصوص بخشنامه یا دستور کتبی وجود دارد یا نه معلوم نیست.

رستاخیز کارگران: ممکن است توضیح بیشتری در این مورد بدهید؟

محمدحسین تهرانی: سازمان تأمین خدمات درمانی برای ایجاد سهولت در کار مراجعین ۵ منطقه ایجاد کرده است که در این مناطق مراجعات کارگران [illegible] انجام میدهند. سه منطقه [illegible] پرداخت میکنند و دو منطقه به عذرهائی متوسل میشوند که [illegible] نیست. مثلاً سرپرست محترم منطقه ٤ [illegible] همه کسانی هستند که معتقدند به [illegible] دستور داده‌اند [illegible] پرداخت این حق خودداری کنیم.

[illegible] بیمه‌های اجتماعی [illegible] حق [illegible] ۳٦ تومان حق کفن و دفن کارگران [illegible] ظرف ٤۸ ساعت [illegible] ٤۰ [illegible] هم [illegible] که [illegible] واحدهای [illegible] کارگران [illegible] فکر [illegible] وقت [illegible] منظور [illegible]

درمانی را بپذیرند. از این رو به انحاء مختلف سعی میکنند تا بیمار را در اتاقهای خصوصی یک تخته بخوابانند و مابه‌التفاوت هزینه درمانی وی را از او وصول نمایند.

مسئله دیگر اینکه گاه اتفاق می‌افتد بیماری یکی از پزشکان طرف قرارداد سازمان تأمین خدمات درمانی مراجعه میکند. پزشک هم نسخه‌ای نوشته، در اختیار او میگذارد. برای این نسخه و پیچیده شدن آن وسیله داروخانه‌ها فقط ٤۸ ساعت اعتبار منظور شده. بیمار برای بدست آوردن داروهای مندرج در نسخه بایستی به داروخانه‌های مختلفی مراجعه کند، که گاه مدت ٤۸ ساعت ضرب‌الاجل منقضی می‌شود و دوباره دو سه روز صرف وقت لازم است تا بار دیگر به مطب پزشک برود و داروها را بگونه دیگری بنویسد. بعد از همه این مراجعات، تازه معلوم نیست که داروهای نسخه بعدی پیدا شود یا نه. در این مورد هر چه زودتر تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.

اجازه دهید راجع به برخورد بعضی از مسئولان داروخانه‌ها هم مطلبی عرض کنم. تنها [illegible] مراجعین بیمار روبرو میشوند که گوئی داروها را به رایگان میخواهند به بیمار بدهند. در بعضی از مواقع هم، برخی از اقلام داروها یافت نمیشود. حال معلوم نیست برای [illegible] بیمار [illegible] دارو [illegible] یکه واقعاً دارو [illegible] یا [illegible] داشتن دارو هم مسئول هیچ اقدامی عمل ورزد. چه فرض که یکنفر هم از مدیر داروخانه‌ای در این خصوص شود، چگونه مسئول [illegible] و سهم [illegible] کشف کرد؟

بر این اساس [illegible] پیشنهادی هم تقدیم میکنم

و [illegible] مورد توجه واقع شود. بیمارستان شماره ۲ سازمان تأمین خدمات درمانی در حدود [illegible] کافی ندارد.

حال [illegible] وسیعی در مجاورت [illegible] و بیمارستان شماره ۲ و [illegible] موجود [illegible] گنجایش کمبود تخت را جبران کرد. [illegible] پیشنهاد هم کرده‌ایم.

کمال ازادی (دبیر سندیکا): [illegible] رستاخیز کارگران [illegible] و سپس از مدیرعامل شرکت مخابرات [illegible] خوشبختانه طرح طبقه‌بندی مشاغل [illegible] گذشته شده [illegible] وضع حقوقی کارگران نیز [illegible] بطوری که ۹۰ درصد کارگران شرکت مخابرات ایران [illegible] وضع موجود [illegible] مسکن مشکلی [illegible] و [illegible] مسکن هم دلیلش گرانی [illegible] بخصوص گرانی اجاره مسکن و [illegible] محسوس است و رقم قابل توجهی را برای کارگر تشکیل میدهد. در مورد اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل فقط یک مشکل باقی مانده است که کارگران شرکت مخابرات ایران از سال ۲۵۳۳ دو ماه حقوق طلبکارند. با وجودی که پرداخت این دو ماه حقوق در کمیسیونی متشکل از وزیر محترم کار و امور اجتماعی، وزیر محترم پست و تلگراف و تلفن، مدیرعامل شرکت مخابرات و دیگر مقامات مسئول و ذیصلاح تصویب رسیده است، مع‌الوصف تاکنون [illegible] به کارگران پرداخت نشده است. در این خصوص از سوی وزیر کار و امور اجتماعی تاکید [illegible] هم عمل [illegible] مع‌الوصف [illegible] که [illegible] صورت نگرفته و امیدواریم در این زمینه [illegible] شود.

درباره مسکن هم یک پیشنهاد دارم که مبادا [illegible] کمی از کوششهای دولت در این زمینه [illegible] و [illegible] مقتضی است مورد توجه واقع خواهد شد.

بر طبق رویه معمول، مقرر است از سوی بانک رفاه کارگران ۷۵ درصد کل بهای مسکن بمتقاضیان خرید خانه داده شود، منتها ضوابطی خود بانک دردست دارد که براساس آن و برپایه قیمت منطقه‌بندی خواهد پرداخت.

برای اینکه هیچگونه حیف‌ومیلی در این زمینه صورت نگیرد و کمال صرفه‌جوئی بعمل آمده باشد، پیشنهاد میکنیم بر طرح خانه‌سازی مربوط بکارگران شرکت مخابرات ایران، بانک رفاه رأساً و مستقیماً دخالت و نظارت کند و قیمت براورد شده را خود اعلام نماید تا ۲۵ درصد سهم متعلق بکارگران را یك جا و با کمك شرکت مخابرات بهر شماره حسابی که مصلحت میداند واریز کنیم و در هر فرصتی که مقتضی میداند، پس از اتمام ساختمان خانه‌ها، نسبت به تحویل آن اقدام کند، بعبارت دیگر، بانك رفاه هرزمان دستور دهد ۲۵ درصد سهم کارگران این شرکت بلافاصله

بحساب مورد نظر واریز خواهد شد، از سوی بانك رفاه اشاره و از جانب ما اقدام فوری بعمل خواهد آمد. و امیدوارم این پیشنهاد منطقی ما که در بر دارنده منافع بانك رفاه و کارگران است مورد توجه قرارگیرد و در اجرای آن اقدام سریع بعمل آید.

رحمتاله ناظری (خزانه‌دار سندیکا): به [illegible] برخود میبالم و خوشحالم که در زمان سلطنت پرافتخار خاندان پهلوی کارگر هستم و به

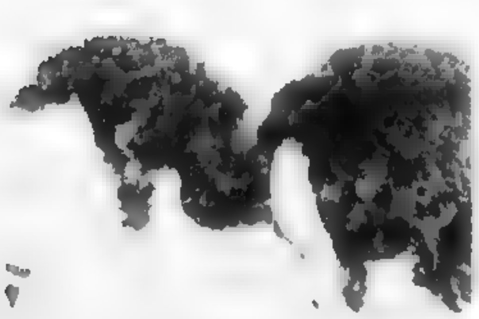

این عنوان افتخار میکنم. مطالبی را که آقایان آزادی و تهرانی فرمودند، مورد تائید و تقاضای ما نیز هست، منتهی به پاره‌ای از مسائل اشاره نشده که با اجازه حضار نسبت بطرح آن من اقدام خواهم کرد.

کارگران شرکت مخابرات ایران از جهت پرکردن ساعات غیرکار با پاره‌ای از مشکلات نیز روبرو هستند. از آن جمله نبودن و نداشتن باشگاه ورزشی و تفریحات سالم است. با آنکه به تکرار اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌آریامهر در مورد ورزش توصیه‌های مؤکدی فرموده‌اند، مع‌الوصف در زمینه ایجاد یك باشگاه ورزشی برای کارگران اقدامی بعمل نیامده است، و امیدواریم هرچه زودتر در این مورد تصمیم مناسبی اتخاذ شود. در

انتقاد سازنده می‌کنیم
ت آمده‌ها هم تشکر کنیم

وضع موجود بیش از پنجهزار نفر کارگران شرکت مخابرات ایران هیچگونه وسیله ورزشی و تفریحات سالم ندارند، مضافاً به اینکه از بین کارگران ایران، این فقط ما هستیم که تاکنون از هیچیك از اردوهای تابستانی و زمستانی استفاده

نکرده‌ایم. این تقاضای ما است و استدعا داریم هرچه زودتر به آن توجه شود. بهرحال وقت آن رسیده است که برای ایجاد باشگاه ورزش و تفریحات سالم کارگران شرکت مخابرات ایران اقدام مؤثری صورت گیرد.

پرویز محسنی(عضو هیات مدیره‌سندیکا): دوستان، مطلبی را ناگفته گذاشتند. من معتقدم اصل تشویق و تنقید همه جا باید رعایت شود. وقتی در مواردی که انتقاد سازنده لازم است و از آن خودداری نمیکنیم، بایستی اگر موردی هم برای تشکر وجود داشت، از ابراز آن خودداری ننمائیم.

از اینکه اخیراً امکاناتی برای استفاده کارگران از شرکت تعاونی مصرف شرکت مخابرات ایجاد شده، باید سپاسگزاری کنیم [illegible] شرکت تعاونی مصرف کارکنان شرکت مخابرات از دیرباز وجودداشت و کارمندان میتوانستند از آن

استفاده کنند، ولی اخیراً به علت پیگیری مستمر سندیکا و بخصوص آقای کمال آزادی دبیرسندیکا، این امکان بکارگران داده شد که بموازات کارمندان، حق مراجعه به این شرکت تعاونی را داشته باشند... در میزگردهای مسائل کارگری، غالباً آقایان حبیب‌اله حسامی مدیرکل نظارت بر فروش سهام و دکتر مرتضی روحانی مدیرکل [illegible] بهداری و بهزیستی [illegible] و [illegible] تأمین خدمات درمانی شرکت [illegible] در این جلسه، [illegible] حضور در جلسه عذر خواستند و متذکر شدند پرسش‌های طرح شده در جلسه، [illegible] پاسخ لازم را دریافت داریم

[illegible] این رو، عین مذاکرات جلسه [illegible] حضورشان خوانده شد و پاسخهائی را که دریافت کردیم، در زیر ملاحظه میفرمائید

حبیب‌اله حسامی: من خوشحالم که [illegible] طرح صفحه‌ای مشتمل هیچگونه [illegible] کارگران شرکت مخابرات [illegible] و [illegible] خوشحالم که [illegible] وضع حقوقی [illegible] در مورد [illegible] حقوق معوقه [illegible] ۲۵۳۳ [illegible] و توصیه‌هائیکه [illegible] ورزشی و [illegible] اجتماعی در این خصوص [illegible] مشکل کوچك [illegible] در مورد مسکن هم، خوشبختانه [illegible] به [illegible]

برای [illegible] مسکن [illegible] [illegible] ممکن‌پذیر نیست [illegible] و تفریحات [illegible] بخصوص [illegible] لازم [illegible] مگر اینکه [illegible] که [illegible] اوضاع نشوند.

دکتر مرتضی روحانی: [illegible] گفته شده، حس [illegible] میکنم که [illegible] مربوط به [illegible] است. [illegible] که بیماران [illegible] هستند یا غیر [illegible] در مورد [illegible] هیچ [illegible] دوستی با شخصی [illegible] خدمات درمانی [illegible] بستری کند [illegible] بطور [illegible] پزشکی، [illegible] و [illegible] تحت تعقیب قرار خواهد [illegible] بیماران غیر [illegible] به شخص پزشک [illegible] با توجه به وضع [illegible] وقت میکند

آنچه [illegible] گفته شد، همین چیزی است که [illegible] میکردیم. [illegible] و در همین [illegible] هم [illegible] میگذشت که [illegible] ملاحظه میفرمائید که مشکلات [illegible] مشکلات [illegible] و [illegible] خواهد شد [illegible] همکاری [illegible] پزشکی [illegible] وقفه [illegible] همکاری خواهد کرد [illegible] گفته‌های [illegible] وجود [illegible] گفته‌ام به محض اینکه [illegible] بلافاصله اقدام خواهیم کرد، که [illegible] پزشکی [illegible] کرده‌ام

[illegible] کارگران متشکریم

دانستنی‌های پزشکی برای کارگران

اهمیت شیر مادر در سلامتی طفل

از: دکتر مرتضی روحانی

> **«خانمهای کارگری که در کارخانه‌ها مشغول کار هستند، باید سعی کنند کودکانشان از شیر مادر تغذیه شوند.»**
>
> **بمناسبت روز مادر:**
>
> **هرسال نو طلیعه نوروز مادر است**
> **هرماه نوجمال دل‌افروز مادر است**
> **هرهفته‌ای که میگذرد یاد او کنیم**
> **هرروز در تصور من روز مادر است**

رابطه معنوی مادر و کودک [illegible] میشود [illegible] و شیرخوار [illegible] و محبت [illegible] و محو [illegible] ببخشد و به شیر [illegible] محبت که [illegible] مهر و محبت [illegible] کودک [illegible] طفولیت [illegible] مهر و محبت و [illegible] و [illegible] متفکرین، شعرا و نویسندگان [illegible] قلمفرسائی کرده‌اند

«[illegible]» نویسنده شهیر فرانسوی میگوید «هیچگاه [illegible] محبتی بهتر عمیقتر [illegible] و [illegible] محبت مادر [illegible]»

[illegible] میگوید «هیچ چیز [illegible]»

[illegible]

سهل‌الهضم، خوشمزه، ضدعفونی شده و سالم

گر مادری فکر میکند شیر دیگری میتواند [illegible] را بگیرد، سخت در اشتباه است باید توجه [illegible] که سینه مادر یک کارخانه حسابی است که مواد لازم شیرساختن را، از خون گرفته و با تغییراتی که در دستگاههای داخلی خود میدهد بصورت شیر که یک غذای کامل است، تحویل طفل میدهد. جالب [illegible] که ضمن اینکه تغذیه صحیح در بهتر شدن شیر مادر مؤثر است معذلک بهنگام جنگها و قحطی‌ها که معمولاً شیر مادران کم میشود و آنها دچار بی‌غذائی میشوند، باز هم کودکان بخاطر تغذیه از شیرمادر، شادابی خود را حفظ میکنند. شیرمادر صد در صد خالص و لذیذ است و مواد غذائی آن کاملاً منطبق با زندگی و کیفیات جسمی کودک شیرخوار ساخته شده است. جالب اینست که شیر دادن از سینه، بر خلاف تصور بعضی‌ها به زیبائی سینه مادر صدمه‌ای نمیزند و حتی در نزد بعضی مادران سبب خوش ترکیبی آنها میشود. شیردادن از سینه، بشرطی که با تغذیه مناسبی انجام گیرد، سبب خستگی مادر نخواهد شد

مطلبی که حائز اهمیت است، اینست که طبق [illegible] های مختلفی که در بیمارستانهای کودکان گرفته شده ثابت شده است کودکانی که با شیرمادر تغذیه میشوند، کمتر مریض میگردند و مخصوصاً بهنگام ابتلا به اسهال (که در کشور ما گروه کثیری از نوزادان و کودکان بهنگام تابستان دچار آن می‌شوند) زودتر بهبود می‌یابند، در حالیکه کودکانی که با شیر گاو یا خشک تغذیه میشوند، بهنگام ابتلا به اسهال، بیماریشان دیرتر خوب میشود

بدیهی است در بعضی مواقع مادر نباید شیر خود را به طفل بدهد و آن وقتی است که مادر مبتلا به بیماری قلب یا کلیه باشد و یا مادری مسلول شود

در چنین صورتی طفل شیرخوار باید بطور مصنوعی تغذیه شود. گرچه با پیشرفتهائی که در سالهای اخیر در کشور ما صورت گرفته و هر [illegible] هزاران [illegible] مردها در کارخانه‌ها و [illegible] دولتی و بخش خصوصی مشغول کار هستند و [illegible] روز را که باید خود به طفل شیر دهند [illegible] طفل دور میباشند، معهذالك باید به این علت نیز توجه [illegible] که [illegible] امکان سعی کنند طفل شیرخوارشان [illegible] سینه خودشان تغذیه کنند. ایجاد مهدهای کودک که در [illegible] تعدادی [illegible] کارخانه‌ها و ادارات دولتی دایر شده، این امکان را میدهد که خانمهای کارگر و کارمند خود به بچه‌ها شیر دهند امید است

ایجاد مهدهای کودک در جوار کارخانه‌ها و سازمانها توسعه یابد تا مادرانی که کار میکنند، با فکری راحت بتوانند به کارخود ادامه دهند و نوزادان و کودکان نیز بطور صحیح تغذیه شوند

بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که مادری که از سینه خود به طفل شیر میدهد باید به بهداشت سینه‌های خود توجه داشته باشد و قبل از شیردادن به طفل، سینه‌های خود را خوب بشوید در ۲۴ ساعت شبانه‌روز بقدر لازم شیرخورده و از استراحت نسبی برخوردار شود و سعی کند در مدت شیردادن از عصبانیت بدور باشد

امروز [illegible] کارشناسان سازمان جهانی بهداشت و متخصصین کودکان، ثابت شده است که در طبقات کارگر و روستائی، شیردادن از سینه [illegible] مرگ و میر کودکان به نسبت بسیار کاسته و [illegible] تغذیه‌ای کودکان را کاهش میدهد [illegible] که درست کردن شیر مصنوعی و [illegible] آماده کردن شیر گاو و جوشاندن و رقیق کردن و [illegible] برای مادرانی که کار میکنند و با وسائل لازم [illegible] در اختیار ندارند، مشکلاتی در برخواهد داشت، در حالیکه شیردادن از سینه مادر [illegible] مشکلات [illegible] پیش نخواهد آورد و حتی عده‌ای [illegible] کارشناسان جهانی نظر داده‌اند که مادران کارگر و روستائی بهتر است حتی یکسال و نیم تا ۲ سالگی طفل خود [illegible] به آنان شیر دهند و از [illegible] قطع [illegible] بدیهی است این عمل باید با تغذیه مختلف طفل از ۲ ماهگی ببعد انجام شود، نه اینکه طفل فقط از شیر مادر استفاده کند

بیماری اریون وشیوع آن در نزد کودکان

آیا بیماری اریون سبب عقیم‌شدن طفل میشود؟

طرز پیشگیری از بیماری اوریون و عوارض ناراحت‌کننده آن.

خواندگان عزیز،

در این شماره مجله، شما را با یکی ا بیماریهای شایع کودکان بنام اوریون اشنا میکنم. این بیماری که در فصل بهار و پائیز بیشتر شیوع دارد، اغلب کودکان سنین کودکستانی و دبستانی به ان دچار میشوند. ولی اوریون در سنین دیگر هم کودکان را مبتلا میسازد.

اوریون که در ایران به ان گوشک و یا ناگوشک میگویند، از ۵ قرن قبل از میلاد مسیح شناخته شده است، و در قرن هیجدهم یکی از دانشمندان، مسری بودن انرا ثابت کرد

این بیماری معمولاً بطور انفرادی و بیشتر در فصول سرد کودکان و نوجوانان و جوانان را مبتلا میسازد و گاهی بعلل خاصی بصورت همه‌گیری در می‌آید. این مرض از نظر سرایت کمتر از سرخك و آبله‌مرغان است. عامل آن یکنوع ویروس است. (ویروس میکربهای ریزی است که با میکروسکپهای معمولی نمیتوان آنها را دید و مطالعه در روی آنها احتیاج به میکروسکپهای الکترونیك دارد) ویروس اوریون بوسیله قطرات بزاق انتشار می‌یابد. سرایت همیشه مستقیم از بیمار به انسان سالم انجام میگیرد. سرایت از ۲ روز قبل از تورم غدد بناگوش تا تمام شدن ورم ادامه دارد. خوشبختانه اوریون اکثراً ضعیف و زودگذر بوده و عوارضی از خود بجای نمیگذارد و یکبار ابتلاء به آن «برای همیشه انسان را مصون میکند» ولی به ندرت ۲مرتبه ابتلاء به این بیماری نیز دیده شده است. اثر

بیماری اوریون در روی غدد بزاقی مخصوص غدد بناگوشی است و این غدد که درست زیر گوش انسان واقع شده‌اند آب دهان را ترشح میکنند. گاهی بعللی، مثلاً عفونت دندان و ورم لثه و یا در جریان بعضی بیماریها مانند حصبه، بادسرخ و مخملك و بعضی عفونتها هم

متورم میشوند. تورم غدد بناگوشی اوریون با سایر بیماریهائی که ذکر شد، فرق دارد و تورم معمولا دو طرفه و نرم است و چرك ندارد و باصطلاح صورت بصورت گلابی در می‌آید. اولین علامت اوریون که تشخیص را مسجل می‌کند، تورم دردناك ناحیه غدد

بناگوش است. درد در کودکان شدید و در افراد بزرگتر خفیف‌تر است. گاهی در دو طرف گوشها انتشار می‌یابد، ولی بیشتر درد موقعی است که بیمار میخواهد غذا بخورد، زیرا بمحض جویدن غذا، بر اثر تورم غدد بزاقی، درد شدیدی عارض میشود. ورم معمولا با تب ظاهر میگردد.

تب در ابتدا خفیف و بعداً شدید است. سرگیجه- زبان‌باردار- استفراغ- سردرد و گاهی هذیان و تشنج بیمار را نارحت میکند. همانطوریکه گفته شد تورم

غدد معمولاً ۲ طرفی است و بندرت ممکنست ورم منحصر به یکطرف باشد.

اوریون گاهی سبب عوارضی میشود که خانواده‌ها باید به آن توجه کنند.

این مرض در پسرها بیشتر دیده میشود. عوارض مهم آن در نزد پسرها تورم بیضه‌هاست بسیاری از خانواده‌ها از عقیم

شدن فرزندانشان وحشت دارند و بارها شاهد بوده‌ایم که وقتی طفلی به اوریون مبتلا میشود، اولین نگرانی پدر و مادر، موضوع

عقیم شدن طفل و اولاد دار نشدن او در بزرگی است. بد نیست بدانید که بیمار مبتلا به اوریون اگر استراحت کند. خطر ابتلاء به ورم بیضه بسیار کم است. وانگهی این عوارض بیشتر متوجه نوجوانان و جوانان میباشد و کمتر در کودکان دیده میشود. در دخترها عوارض ابتلاء تخمدانها بسیار کم است.

موضوع عقیم شدن و نازا بودن، یك مسئله مهم برای خانواده‌هاست، زیرا هر زن و مرد جوانی پس از ازدواج آرزو دارد صاحب فرزند شود. گاهی ممکن است مرد بعلت ابتلا به اوریون عقیم شده باشد. بهمین علت به

خانواده‌ها توصیه میشود بهنگام بروز اوریون در نزد کودکانشان، ضمن درمان، سعی کنند طفل از استراحت بیشتری برخوردار گردد.

گاهی هم ویروس اوریون خود را به پرده‌های مغز رسانده و سبب بروز ورم پرده مغز و یا مننژیت میشود. خوشبختانه عوارض ورم مغزی و مننژیت حاصله از اوریون، خطر

زیادی ندارد و اگر طفل بموقع تحت درمان قرار بگیرد، خیلی سریع بهبود می‌یابد

دوره بیماری اوریون زیاد نیست و اغلب ورم غدد بناگوش، در عرض ۷ تا ۱۰ روز

بکلی از بین میرود و رویهمرفته این بیماری کم خطرتر از سایر بیماریهای مسری است. باید توجه داشت که کودکان مبتلا تا سه هفته به مدرسه و کودکستان فرستاده نشوند.

از نظر پیشگیری

• چون عاقبت این مرض بسیار خوبست از ابتلا به اوریون نباید وحشت کرد. فقط بیماران را باید از افراد سالم جدا ساخت و طرف انها را ضد عفونی کرد. ولی بهترین راه پیشگیری فعلی تزریق واکسن اوریون است. این واکسن وسیله دانشمندان امریکا کشف گردید، و اگر چه مصونیت آن خیلی طولانی نیست، ولی رویهمرفته تزریق یکبار آن،

سالها طفل را مصون میکند. واکسن فقط یك نوبت تزریق میشود. تزریق واکسن هیچ خطری ندارد و فقط به کسانی که به تخم مرغ و یا بعضی آنتی بیوتیکها حساسیت دارند، نباید تزریق گردد و ضمنا تزریق آن در زنان باردار ممنوع است. بدیهی است بیمار اوریونی باید تحت درمان نیز قرار بگیرد، زیرا ممکن است اوریون سبب عوارضی شود.

ضمنا چون این مرض با بعضی بیماریها مثل ورم غدد تحت فکی و یا گلو دردهائی که در کشور ما خیلی شایع است و باعث ورم غدد بزاقی میشوند ممکن است اشتباه شود، باید طفل توسط پزشك معاینه گردد.

قهوه‌خانه...
وکارگران قهوه

این نقال پیر قهوه‌خانه میگوید: در سالهای پیش، قهوه‌خانه‌ها پاتوغ پهلوانان و لوطی‌های محل بود.....

گزارش از محمود احبابی

کارگران قدیمی و کارکشته قهوه‌خانه‌ها گاه تا ۳۰ استکان را یکجا در

قهوه‌خانه‌ها، این جلوه‌گاه‌های پدیده‌های مردمی، محل تجمع قلندران، لوطی‌های جوانمرد، قهرمانان زورخانه و نقال‌های جادو سخن، روزبروز حیطه خودش را در برابر یورش سرسام‌اورتریاها، دانسینگ‌ها و چایخانه‌های مدرن جمع و جور میکند و خودباخته میرود که در اذهان ادمیان به خاطره‌ای تبدیل شود.

هم‌اکنون در مقابل ۸۰۰ قهوه‌خانه‌ای که در تهران وجود دارد، همین تعداد تریا و دانسینگ دایر است، و این جلوه‌یی از مدرن گرائی جوانهای امروزی و پشت پازدن آنها به سنتهای اصیل ایرانیست.

با اینهمه هنوز هم بسیاری از مردم نشستن در قهوه‌خانه ودمی آسودن را بردیگر اماکن مشابه ترجیح میدهند، هرچند که دیگر فرصتی مانند گذشته نیست تا هر روز یا شب مدتی را در قهوه‌خانه پای نقل نقال نشست و نباید هم باشد، چه آنکه در شرایطی از زندگی هستیم که ساعات کار را باید کوشید، و ساعات فراغت را هم در کنار همسر و فرزند بود، وآنان را نیز در تفریحات خود شرکت داد. اما بهرحال، قهوه‌خانه‌ها محل مناسبی برای گروهی است که میخواهند دقایقی به گفتگو با دوستان و همکاران باشند، چای بنوشند و به نقل گوش کنند، و خستگی از تن بدربرند. گفتیم در حال حاضر حدود ۸۰۰ قهوه‌خانه در سراسر تهران وجود دارد. هرچند در بسیاری از خیابانهای بالای شهر هم قهوه‌خانه‌هائی دیده میشود، اما در خیابانهای مرکزی، جنوبی و شرقی تهران، بیش از نقاط دیگر قهوه‌خانه بچشم میخورد. در قهوه‌خانه‌های تهران حدود ۳۲۰۰ نفر به کارهای گوناگون اشتغال دارند. در قهوه‌خانه‌ها تقسیم کار به نحو روشنی به چشم میخورد، به اندازه‌ای که بعد از مدتی، هر کارگر در یکی از انواع خدمات قهوه‌خانه تخصص می‌یابد. شغل اصلی در هر قهوه‌خانه که معمولاً به عهده صاحب قهوه‌خانه است، ریختن چای میباشد. هرچند بسیاری از صاحبان قهوه‌خانه‌ها این وظیفه را هم به عهده کارگر دیگری قرار میدهند، اما در بیشتر قهوه‌خانه‌ها صاحب قهوه‌خانه ترجیح میدهد خودش این وظیفه را برعهده بگیرد.

[illegible]

ر چی پر میکند، گوشه‌نیش را تکان میدهد و مگوید: «یك قهوه‌چی ماهر باید بتواند در عرض چند دقیقه برای همه مشتری‌ها چای بریزد. هرچند ممکن است در یك زمان دو سه نفر بیشتر در قهوه‌خانه باشند، اما در بسیاری از مواقع، مخصوصاً صبح، ظهر و اوائل شب تعداد مشتریان مقدر زیاد میشود که قهوه‌چی مجبور است یکی، دوساعت بدون وقفه چای بریزد. در اینموقع است که ارزش مهارت در کار معلوم میشود، چرا که یك قهوه‌چی تازه کار، نه‌تنها نمیتواند به موقع به همه مشتری‌ها چای برساند، بلکه هرلحظه ممکن است فوری از دستش بیفتد، یا سینی چای را واژگون کند

وظیفه مهم دیگری که در قهوه‌خانه وجود دارد، بیرون بردن چای و تامین چای مورد نیاز کسبه اطراف قهوه‌خانه است

این کار هم معمولاً برعهده کارگران ورزیده گذاشته میشود کارگری که بتواند باسانی چندین

در حال حاضر حدود ۸۰۰ قهوه‌خانه با ۳۲۰۰ کارگر در تهران دایر است

یك کارگر قهوه‌خانه از ۲۵۰ تا ۶۰۰ ریال دستمزد میگیرد.

خانه‌ها

دست میگیرند.

سنگ چای را در دست بگیرد و نیکه سنگها واژگون شود و در اثر حرکت و لرزش دست، از سر سنگها چای نریزد، از میان مردم و شلوغی خیابانها و همچنین عرض خیابان و وجود عبور و مرور توسط بگذرد، کارگر ورزیده‌ایست. تعداد سنگی که هر کارگر در روز بیرون میبرد، بسته به

مغازه‌ها بستگی دارد که تعداد کارگران قهوه‌خانه‌ها به اندازه‌ای است که وقت کار گرفته میشود. اما کارگران این بخش هم و بیش از بقیه جنس بخش شده‌اند.

مصطفی یکی از کارگران قهوه‌خانه‌ها حدود چهارده سال سابقه کار دارد و روزانه ۶۰۰ ریال دستمزد میگیرد و در مورد کارش میگوید: مهمترین مشکل کار من، نوشیدن مهمانهای مهمی موقع برای قهوه برخورد با مردم است. مشتریها هم همه بچه هستند، مگر در موقع حضور بچه‌ها مشتری... کارگر دنبال میدهد. در خیابانهای شلوغ هم سنگهای پر از چای که همیشه هست، چای که ریخته شد، از مردم موقع در رفتن توجهی به اطراف خود ندارند. در گذشته بچه‌هائی هستند که خیلی از محل خودشان دور میشوند و توجه به این مشکلات، دشواریهای گذشتن از خیابان نحوی روشن میشود. چون هر لحظه ممکن است یك سر شدن با سنگهای پر از چای برخورد کند و چای داغ بر سر و صورت او و کارگر بپاشد». در قهوه‌خانه‌های شلوغ و پر رفت و آمد که عرضه چای و کسب کار دشواری است، نوع مهرهای فلزی نقش مهمی دارد.

سفارش مهر در وقع پیش رواج زیادی داشت. در قهوه‌خانه‌های قدیمی رواج داشت. معمولاً کسیه صرف چایخانه‌ها در ابتدای هر ماه به همه تعدادی مهر میخرند و در طول ماه در مقابل هر سنگ چای تحویلی به یك مهر تحویل میدهند. عده‌ای از مشتریان همیشگی هم این مهرها تهیه میکنند. ما مشتریهای برخوردی در پیش یکی دو ساعتی که در قهوه‌خانه هستند بهای تعداد چائی را که خورده‌اند میپردازند.

در قهوه‌خانه‌های کوچکتر، کارها سوار در گرفتن مهر انجام میگیرد. چرا که کمی عرصه، کنترل مشتریان را ساده‌تر کرده است.

نکته دیگر موضوع مهمی است که در قهوه‌خانه‌ها به فروش میرسد (دیزی). قهوه‌خانه زمانهای دور هم موقع که در قهوه‌خانه صورت مشخصی بخود گرفته، به این نام معروف شده است.

هرچند کیفیت صبح و همچنین عودی که در تهیه آبگوشت قهوه‌خانه‌ها بکار میرود در زمانهای گذشته تکون تغییر زیادی کرده است اما هنوز هم بسیاری از مردم دیزی قهوه‌خانه را بر آبگوشت خانگی ترجیح میدهند.

محمود رحمانی، یکی از مشتریان دائمی قهوه‌خانه‌هاست، میگوید که عمر زیاد دیزی قهوه‌خانه‌ها در وسط و در حاشیه‌ها قاشق گوشت کوبیده را در دهان میگذارند، میگوید

نقالی در قهوه‌خانه‌ها، میرفت فراموش شود، که بار دیگر با برگزاری جشنواره توس مورد توجه قرار گرفته است

ملاحظه میکنید، که کارگران قهوه‌خانه‌ها هم این روزها از مد پیروی میکنند... شلوار «لی» پیراهن گلدار...

نگاه کن. هم این چیزی که به اسم گوشت توی دیزی می‌ریزند، یك تکه چربی و دنبه بیشتر نیست. اصلاً قصابها شعرهای گوشت را برای فروش به قهوه‌خانه‌ها جدا میگذارند. این کار خیلی هم به نفع قهوه‌چی‌هاست. چون گوشت مرغوب خیلی گرانتر از دنبه است. این دیزی را ۳ تومان میفروشند. در حالیکه اگر حساب کنیم بیشتر از ده ریال برای قهوه‌چی خرج برنداشته. اصلاً نخودهایش را میتوان شمرد. بهرحال این هم یك نوع گرانفروشی است باید جلویش را گرفت.»

در حال حاضر قیمت چای بسته به حجم، استکان، مخلفات چای و همچنین وضع قهوه‌خانه بسیار متفاوت است.

در چایخانه‌های بزرگ مرکز شهر، خیابان مولوی، بازار و نقاطی مانند آنها، هر چای دو ریال قیمت دارد در حالیکه در چایخانه‌های مدرن و تریاها، قیمت هر چای گاه تا ۲۰ ریال میرسد. در اینگونه مکان‌ها معمولا در کنار نعلبکی یك تکه لیموی‌ترش هم قرار میدهند و گذشته از این وضع دکور قهوه‌خانه در بالا رفتن قیمت چای تاثیر زیادی دارد

قیمت دیزی در حال حاضر در تمام قهوه‌خانه‌ها ۳۰ ریال است. فقط این قیمت در

لطفاً ورق بزنید

قهوه‌خانه...

نقـال اسـتراحت میکند و در کنارمشتریان قهوه‌خانه چای مینوشد.

نقـاشی‌های قهـوه‌خانه‌ای درسالهای اخیر بار دیگر مورد توجـه قرار گرفته است.

بعضی از چایخانه‌های مدرن تا چند برابر افـزایش می‌یابد.

مزد کارگران قهـوه‌خانه هم چـون دسـتمزد کارگران دیگـر اصـناف، به سـابقه و همچنین مهارت آن‌ها بستگی دارد. کارگرانی هستند که روزانه تا هزار ریال دستمزد میگیرند. میزان فعالیت هم در اینمورد تاثیر زیادی دارد، ولی بهر حال هم اکنون حداقل دسـتمزد یك کارگر قهوه‌خانه ۲۵۰ ریال در روز است.

درامد قهوه‌خانه هم بسته به موقعیت مکانی و همچنین میزان فروش آنها متفاوت است. میزان درامد روزانه بسیاری از قهوه‌خانه‌ها، تا ۲۵۰۰۰ ریال هم میرسد در حالیکه قهـوه‌خانه‌هائی هم هسـتند که روزانه بیش از ۳۰۰۰ ریال درامد ندارند.

نقال‌ها....

«نقـال» ها از چهـره‌های دیرین قهـوه‌خانه‌ها هستند. گوئی نقال‌ها تنها با نگـریستن بر چهـره‌های آفتاب سوخته کارگران قهـوه‌خانه نشـین، به سـخن می‌آیند. هر چند امروزه بعلت رواج رادیو و تلویزیون بسیاری از قهـوه‌خانه‌ها، نقالهای خود را «جواب» کرده‌اند با اینهمه هنوز هم این جبهه‌های جادوئی نتوانسـته‌اند کاملا بر این هنر سنتی ما پیروز شوند و این نشـانه‌ای از مقاومت سنت در برابر تکنولوژی است.

در حال حاضر در چهار قهـوه‌خانه جنوب و جنوب شرقی تهران و همچنین در قهـوه‌خانه موزه آب‌انبار هر بعدازظهر، و شبها برنامه‌های نقـالی اجرا میشود.

چگونگی نقـل نقـال در وهله اول، بسته به موقعیت قهوه‌خانه و وضع مشـتریانی است که در همان لحظه توی قهـوه‌خانه هسـتند، باین ترتیب که هر نقال داستانهای متعدد تاریخی را در ذهن دارد. او با دیدن مشتریان باید در یك لحظه حدس بزند که کدام یك از این داسـتانها مناسـب نقـل کردن است. این حس تشخیص در واقـع یکی از مهمترین عوامل موفقیت یك نقال میباشد.

زمانی بود که سخن نقـالها چـون قند خـریدار داشـت. نقـال به عنوان یك هنرمند مورد احترام همه مردم بود، اما امروز تلویزیون و رادیو دیگـر جائی برای این گروه باقی نگذاشته است.

● **نقال پیر تهران**

مرشـد عباس داراد از قـدیمی‌ترین نقـال‌های تهران است. هفتاد و هشت سال از سنش میگذرد و حدود پنجـاه سـال است که در قهـوه‌خانه‌های تهران نقل میگوید و در حال حاضر قهوه‌خانه موزه آب‌انبار محل اصلی کار اوست. این مرشـد در باره نحـوه کارش و اینکـه چگـونه به هنر نقـالی روی آورده است میگوید:

– «از همان دوران کودکی به این هنر علاقه زیادی داشتم. همین علاقـه باعث شـد تا شب و روز پای «نقل» نقالهای بزرگ آن زمان بنشـینم. اکنون تمام داسـتانهای شـاهنامه فـردوسی را از حفـظ دارم و سـالهاست آن را برای مردم بازگو میکنم.»

این نقال در ادامه حرفهایش میگوید: «علاقه شدید من به نقالی باعث شـد تا اینهمه داسـتان را تنها بوسیله گوش کردن به روایتهـای نقـالان یاد بگیرم، بطوری که اکنون هر داستانی را به راحتی بیان میکنم.»

مرشـد داراد در پایان میگـوید: «اکنون هنر نقـالی بیشـتر برای پیرمردها سرگرمی خـوبی بشمار میرود و جوانها بیشتر به تلویزیون و رادیو روی آورده‌اند. من تا همین بیسـت سـال پیش روزانه ۲۰۰۰ ریال درامد داشـتم که در آن زمان مبلغ بسیار قـابل توجهی بود. بهـرحال من فکـر میکنم کمکهـای وزارت فـرهنگ و هنر به نقـالها تاثیر بسـیاری در حفـظ و بهبود وضـع این هنر داشته باشند.»

● **نقاشی قهوه‌خانه‌ای**

محیط قهوه‌خانه گذشـته از اینکـه بسـیاری از نقـالان وهنرمندان را در خـود پرورش داده، در نقاشی هم تحولی ایجاد کرده است.

عنوان نقاشی قهوه‌خانه‌ای در حدود ۸۰ سـال پیش به وجـود آمد. در آن زمان نقـالها بدون استفاده از پرده نقـل میگفتند. نقـاشانی که به قهوه‌خانه‌ها میرفتند، کم کم به این فکر افتادند که با استفاده از هنر خود، بعضی از داستانهای نقالان را تصویر کنند. باین ترتیب بسیاری از داسـتانهای مذهبی وتاریخـی بر روی پرده نقش بسـت. دیر زمانی نگذشته بود که صحنه‌های مردمی واصـیل قهـوه‌خانه هم بر روی ذهن حسـاس نقـاشان اثر گذاشت.

حسـین قـوللر آغاسی، محمد مدبر ومیرزا اسماعیل جلایر از اولین کسـانی بودند که با بهـره‌گیری از رنگ‌های گوناگون، این گونه جلوه‌های قهـوه‌خانه را بر روی پرده شکـل دادند وباین ترتیب نقاشی قهوه‌خانه‌ای به وجود آمد.

سـوژه اصـلی اینگـونه آثار، زندگی مردم قهوه‌خانه نشین، اهالی کوچه وبازار وصـحنه‌های عادی زندگی است.

کار این نقاشان بزودی رواج یافت وتابلوهای آنها زیور در ودیوار قهـوه‌خانه‌ها، ومغـازه‌ها شـد، باندازه‌ای که هم اکنون نقـاشی قهـوه‌خانه‌ای به عنوان یکی از هنرهای اصیل ایران زبانزده خاص وعام است وبسیاری از این تابلوها در کشـورهای خـارج گاه تا چند صدهزار ریال به فـروش رفته است.

هرچند پایه گذاران این سـبك اکنون روی در نقاب خاك کشیده‌اند، اما هنرمندان دیگـری چـون حسـین همدانی، علی قـوللر آغاسی وعباس بلوکی‌فر وگروهی دیگـر، جـای آنهـا را گرفته وبا پیگیری سبك آن‌ها را دنبال می‌کنند.

عباس بلوکی‌فر یکی از معـروفترین هنرمندان نقاشی قهـوه‌خانه‌ای معـاصر اسـت وهم اکنون در کارگاهی، که بوسیله حاجی حسن آقاجانی صـاحب موزه آب انبار ایجاد شده، کار میکند.

حـاج حسـن آقـاجانی که چند سـال پیش با خشك کردن آب انبار سـیداسماعیل وتبدیل آن به موزه اقدامی استثنائی در حفـظ یادگارهای سـنتی ایران انجـام داد، درباره نقـاشان قهـوه‌خانه‌ای میگوید:

– با توجه به اینکه موزه آب انبار بدون وجـود نقاشی‌های اصیل قهوه‌خانه‌ای نمیتوانست جلوه‌ای داشته باشد، من ضمن خـریدن تابلوهائـی از این نوع تصمیم گرفتم به نقـاشان قهـوه‌خانه‌ای کمك کنم تا کارشان رواجی دوباره بیابد. اکنون بسیاری از مردم گذشـته از اینکـه موزه آب انبار را محلی برای نمایش‌های سـیاه بازی وروحـوضی میدانند، آن را به عنوان یك نمایشگـاه تابلوهای قهـوه‌خانه‌ای هم تلقـی میکنند، وبویژه توریسـت‌های خـارجی در اینمورد بسـیار کنجکـاو هستند.»

تاریخچه قهوه‌خانه

قهـوه‌خانه نخسـتین بار با حماسـه پا گرفـت، مردان پاك باخته، در راه آزادی که در قرون تسلط اعراب جـان برکف در جسـتجوی همداسـتان به اطراف واکناف سر میکشیدند. آنها سرانجام وعده گاهی برای خـود یافتند وهمین میعـاد بود که بنیاد قهوه‌خانه‌ها را استوار کرد.

البته درآن زمان هنوز نام قهوه‌خانه براینگـونه اماکن اطلاق نمیشـد وتنهـا بعـداز رواج قهـوه در ایران، نام قهوه‌خانه بر سر زبانها افتاد، در حـالیکه تا کنون کمتر قهوه‌خانه‌ای به عرضه قهوه پرداخته است.

در اولین سـالهای ایجـاد قهـوه‌خانه، هدف گردهمائـی مردم در اینگـونه اماکن تنهـا شـور و گفتگـو درباره چگـونگی اجرای نقشـه‌های میهن‌پرستانه بود، ولی در قـرون بعـد بتدریج قهوه‌خانه محلی برای آسودنهای لحظه‌ای شد، در حـالیکه روح حماسی تا دیرزمانی در پهنه آن باقیماند.

آغاز دوران صـفویه، رونق قهـوه‌خانه‌ها را بدنبال داشـت. در این زمان صـوفیان، دراویش و متفکران فلسفه شرق، قهوه‌خانه‌ها را مکانی خالی از اغیار برای بیان رازهای درونی خـود تشـخیص دادند، رازهائـی که آشکـار شـدنش در ملاء عام مستوجب مرگ بود

شـاه‌عباس کبیر نظر به علاقـه و شـناسائی ویژه‌اش در مورد حق و حـوق درویش معـروف‌ترین قهـوه‌خانه‌ها را در اصـفهان و چند شهر دیگر بنانهاد

قهـوه‌خانه چهلسـتون یادگاری از این زمان است در این دوران که قدرت حکـومت مرکزی میهن‌پرستان را فرسوده خـاطر کرده‌بود، گروه دیگری بدنبال لحظه‌های آرامش قدم به قهوه‌خانه گذاشتند [illegible] عیاران و لوطـی‌ها بودند و این گردهمائی هم‌انگیزه‌ای جز اندیشه مشترك آنها، یعنی پایبندی به معیارهای جوانمردی، نداشت

روح آنهـا آئینه‌ای تمام‌نما [illegible] شکـوه جوانمردی برخود داشت و همین امر بود که نقالی شاهنامه را باب کرد

جوانمردان قهوه‌خانه‌نشین و جوانانی که [illegible] جستجو میکردند، [illegible] که [illegible] بیرون می‌آمد، [illegible] حق و حوق خود [illegible] و سعی داشتند نشانی از آن درخود بیابند

شـهرت بسـیاری از قهـوه‌خانه‌های بزرگ گذشته، هنوزهم در ذهن مردم [illegible]

این قهـوه‌خانه‌ها، زمانی پذیرای بسـیاری از قهـرمانان ولوطـی‌ها مشـهورزمان بودند. قهـوه‌خانه‌هائی مثل گلسـتان، قنبر، باغ فیض محلس پ چنار سـنگلج، میدان و سـیداسماعیل از این گروه هستند.

قهـوه‌خانه در آثار نویسـندگان و داسـتان پردازان هم جائی عمده دارد. داش‌آکل، قهـرمان جوانمرد داستان معروف صـادق‌هدایت که نبرد او با «کاکارستم» جلوه‌ای از برخـورد نیکـی و بدی میباشد، از قهوه‌خانه نشـین‌هائی بشـمار میرود که نامش در آثار نویسندگان ثبت شده است.

بسـیاری از توریسـت‌های خـارجی هم از دوسـتداران عمده قهـوه‌خانه‌نشینی هسـتند. هم‌اکنون قهوه‌خانه‌های سنتی ایران پذیرای تعداد زیادی از توریسـت‌هائی اسـت که هر روز وارد ایران میشـوند. علت این امر همان جلوه‌های شرقی قهـوه‌خانه‌هاست غلیان هم از دیر زمانی در قهوه‌خانه‌ها عرضه میشود. بسیاری از کسـانی که به هیچ چیز معتاد نیسـتند، وقتی به قهـوه‌خانه میروند، هوس میکنند که غلیانی هم بکشند.

در گذشـته کوره‌های غلیان به طـرزی بسـیار زیبا و منقش به تصـویرهای رنگـارنگ سـاخته میشد. اینگونه نقش و نگارها اصولا میل به غلیان کشـیدن را بیشـتر میکـرد. هنوز هم غلیان از چیزهائیست که در هر قهوه‌خانه‌ای عرضه میشود. هزینه کشیدن غلیان در واقع به عهده خود مشتری است و معمولا با قیمت چای یکجا حساب میشود.

قهوه‌خانه از زمانهای قدیم محـل پرداختن به سرگرمی‌های دسـته‌جمعی مثل «گل‌بازی» و «ترنا» بازی بوده است. این بازیها در شـبهای ماه مبارك رمضـان رواجـی تازه می‌یافـت. هرچند گل‌بازی در مواقع معمولی و همچنین در مکانهائی غیر از قهوه‌خانه هم انجام میشـد، اما «ترنابازی» تنها در شبهای ماه رمضان مشتریان قهـوه‌خانه را سرگرم میکرد.

دران زمان بازی «ترنا» گاه به وقایع‌اسـفبار مثل زدو خوردهای خونین منجر میشد و از سوئی بسیاری از اهالی یك محل که باهم اختلاف‌هائـی داشتند در شبهای ماه رمضـان و با گردهمائـی در قهوه‌خانه آشتی میکـردند. این بازی، هنوز هم در برخی از محله‌های قدیمی تهران رواج دارد.

در سـالهای اخیر با توجـه به ویژگی‌های قهوه‌خانه‌ها چایخانه‌های مدرن در بعضی از نقـاط تهران ایجاد شده است. ساختمان این چایخانه‌ها با توجه به معیارهای معماری خارج بنا شده است، اما معمولا قیمت چـای و چیزهای دیگـری که در اینگونه مکانها عرضـه میشـود، بسیار گران‌تر از میزان واقعی میباشد

مزد و حقوق کارگران:

از: دکتر علی‌الله همدانی

موعد پرداخت مزد
محل پرداخت مزد
نحوه پرداخت مزد

پرداخت مزد

کارگران عزیز، در شماره قبل، بسبب بسیاری از پرسش‌هائی که از طرف دوستان شما، در مورد شمول قانون کار و افرادی که تمام یا قسمتی از مقررات قانون کار در مورد آنها اجرا میشود و همچنین افرادی که در عین حال که تابع قانون دیگری نیستند به لحاظ کیفیت و طبیعت کارشان، قانون کار هم بشکل فعلی آن، در باره آنها اجرا نمیگردد، بلکه ضرورتاً باید قوانین و مقررات دیگری برای آنها وضع شود، بعمل آمده بود، لذا رشته مقالات قبلی خود را که به مزد ارتباط می‌یافت قطع کردیم و به شرح و تفسیر موضوع یاد شده پرداختیم، ولی اینك بحث گذشته خود را دنبال می‌کنیم. در شماره‌های گذشته در مورد مزد، اهمیت اقتصادی و اجتماعی آن، انواع مزد، ملحقات و مکمل‌های مزد و سرانجام طریق تعیین آن سخن گفتیم. اینك به دنباله آن ادامه میدهیم و آن پرداخت مزد و چگونگی آن است.

بموجب ماده ۲۱ قانون کار مزد یا حقوق باید آخر هر پانزده روز و در روز غیر تعطیل در کارگاه پرداخت شود. بدین سان در توجیه و تفسیر ماده مذکور میتوان بحث را به سه بخش کرد:

موعد پرداخت مزد
محل پرداخت مزد
نحوه پرداخت مزد

الف- موعد پرداخت

بموجب قسمت اول ماده یادشده مزد یا حقوق باید در آخر هر پانزده روز پرداخت و در روز غیر تعطیل باشد. بدین سان دو قید در این ماده برای پرداخت مزد در این زمینه قائل شده است.

۱- هر پانزدهروز یکبار
۲- در روز غیر تعطیل

فلسفه‌این‌که‌مزد باید هر پانزده روز پرداخت شود، اینست که کارگر شاید نتواند تا مدت یکماه صبر کند و میزان حقوق او هم بلحاظ کم بودن ممکن است بنحوی باشد که در پایان ماه مدت زمان زیادی بگذرد و کارگر پولی برای خرج‌کردن نداشته باشد.

کارگران عزیز همه واقفیم، وقتی که در آغاز ماه بما حقوق میدهند، توجه چندانی به این مساله نداریم که این پول باید یکماه تمام مصرف شود و لذا در آغاز در مصرف آن هیچگونه رعایت صرفه‌جوئی نمیکنیم و لذا ممکن است پس از ۲۰روز مزد و حقوق ما پایان یابد و تمامی ده روز اینده را محبور به قرض گرفتن و یا نسیه گرفتن مایحتاج زندگی خود باشیم. بر این اساس است که در برخی از کشورها حقوق را هفتگی میپردازند، زیرا هنگامی که مزد هفتگی و یا پانزده روز یکبار پرداخت میشود، شاید کارگر توجه بیشتری به این مساله داشته باشد و مدت کمتری دچار بی پولی یا کم‌پولی شود. بهمین لحاظ همانطور که گفته شد در اکثر قوانین مزد را یکهفته یا پانزده روز یکبار می‌پردازند. و بدون تردید این به نفع کارگران است.

اکنون این سئوال مطرح میگردد که آیا ممکن نیست که مزد کارگران را ماهانه پرداخت. بعقیده ما اگر کارگران و کارفرما از ابتدا توافق نمایند که مزد آنها ماهانه پرداخت شود، مانعی وجود نخواهد داشت و این امری است قراردادی، چنانکه هم‌اکنون در برخی از کشورها در مورد ماهانه شدن پرداخت مزد تصمیماتی گرفته شده است. مسأله دوم که در ماده یاد شده از آن یاد شده است، پرداخت مزد در روز غیر تعطیل است، فلسفه این کار نیز کاملا روشن است. از آنجا که کارگر به مزد خود نیاز وافری دارد، لذا یك روز تعطیل وی برای گرفتن مزد از میان خواهد رفت. زیرا کارگر مجبور است روز تعطیل برای گرفتن مزد به کارخانه برود و مزد خود را دریافت داشته و بخانه برگردد و ممکن است گرفتاری برای وی پیش آید و قادر نباشد آن روز تعطیل برای گرفتن مزد بکارخانه بیاید.

از سوی دیگر این بیم وجود دارد که مزد خود را که دریافت داشت با استفاده از تعطیل کارخانه و آزاد بودن وقت وی، قسمتی از ان صرف دعوت دوستان شود و یا صرف خود کارگر شود و در نتیجه هنگامی که بخانه میرود، مبلغ زیادی از مزد مصرف شده باشد.

البته کارگران عزیز ممکن است این ایراد را بر من وارد سازند که کارگران هیچگاه آنچنان سست عنصر و بی خیال نیستند که بسبب تعطیل و آزاد بودن، مقداری از مزد خود را خرج کنند.

البته من ضمن پذیرش این مساله، به مثالی که مربوط به کارگران یکی از کشورهای دیگر ست، میپردازم. موسسه‌ای که مورد نظر ماست، روزهای قبل تعطیل هر هفته مزد کارگران خود را میپرداخت، یعنی هفتگی مزد کارگران را می‌پرداخت و آن هم روز پایان هفته اتفاقا در نزدیکی این موسسه اغذیه فروشی وجود داشت که کارگران پس از پایان کار و گرفتن حقوق و مزد خود و خروج از کارگاه، برای رفع خستگی سری هم به اغذیه فروشی میزدند و همین امر سبب میگردید که اکثرا مقداری از مزد خود را در انجا صرف دعوت و پذیرائی از این یا ان دوست خود کنند و اکثرا هم انروز را دیر به خانه بروند، زیرا فردای آن روز تعطیل بودند و میتوانستند ان شب را استراحت کنند. پس مدتی این وضع مورد اعتراض خانواده‌های کارگران و حتی خود کارگران قرار گرفت، بنحوی که اولا دستور داده شد که اغذیه فروشی کنار کارگاه تعطیل گردد و مزد کارگران نیز هر پانزده روز یکبار پرداخت شود تا چنین مشکلات و مسائلی در آینده رخ ندهد.

با توجه به چنین شرائطی است که قانونگذار، مقرر داشته است، مزدها هر پانزده روز یکبار و در غیر روزهای تعطیل پرداخت شود.

ب. محل پرداخت

قسمت اخر ماده یاد شده قانون کار مقرر داشته ست که مزد باید در محل کارگاه پرداخت شود و علت این امر نیز اطمینان یافتن از اینکه مزد حتما اس روز پانزدهم بکارگر پرداخت شود، زیر حت مزد در هر محل دیگری، مثلا دفتر مرکزی کارگاه که در جای دیگری قرار دارد و یا . . گاه وابسته به ان و یا هر جای دیگر، ممکن سبب این بیم را بوجود اورد که مزد بموقع به کارگر برسد

لبته قانونگذار ایران، فقط به بیان مطلب پرداخته و دکری از محل‌هائی که ممکن است مزد پرداخت شود و غیره بمیان نیاورده است، ولی در برخی قوانین مثالاتی آورده است که مثلا پرداخت مزد در مشروب فروشی و جائی دیگر از این قبیل ممنوع است و دلیل آنهم با توجه بشرح فوق کاملا روشن است. البته این اصل یك استثناء نیز دارد و آن موردی است که کارگر در کارخانه مشروب سازی و مشروب فروشی کار کند که بناچار باید مزد وی در همانجا پرداخت شود.

بهر تقدیر هدف قانونگذار آن است که مزد کارگر در اسرع وقت، در موعد خود در محلی که کارگر در آن قرار دارد، پرداخت شود و انجام این امر مستلزم هیچگونه زحمت و نگرانی برای کارگر نباشد، زیرا مزد اساسی‌ترین مساله برای کارگر است.

پ. نحوه پرداخت

در مورد چگونگی پرداخت مزد بچند مساله میتوان اشاره کرد. اولا نقد بودن و جنسی بودن مزد است. ثانیا اینکه بر اساس لیست و یا فهرستی باشد که کارگر لزوما باید انرا امضاء کند.

البته در قانون کار بهیچوجه اشاره مستقیمی به این مساله نشده است، ولی از مفهوم تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون کار میتوان استنباط کرد که میتواند قسمتی از مزد بصورت جنسی و غیر نقدی باشد.

زیرا تبصره مذکور چنین مقرر میدارد: چنانچه قسمتی از مزد یا حقوق بصورت غیر نقدی باشد، نحوه تحویل آن با موافقت طرفین خواهد بود.

از این تبصره چنین استنباط میگردد که اصل ینست که به پول رایج مملکت باشد و ممکن است قسمتی نیز بصورت غیر نقدی یا جنس باشد. البته در قانون کار کشور ما این مساله که پرداخت مزد باید بصورت پول رایج مملکت باشد، اشاره‌ای نشده است. شاید از نقطه نظر روشنی موضوع قانگزار اشاره بچنین مطلبی را ضرور نداشته است و یا بعلت اینکه در آن‌هنگام - سال ۱۳۳۷ - برابر با ۲۵۱۷ شاهنشاهی - مزدها عموما به پول رایج مملکت پرداخت میشد و چك مانند امروز رایج نبوده است که بدان اشاره نشده است. در هر حال در قوانین دیگر کشورها بعضا به ین مطلب اشاره شده است که مزد کارگر باید به پول رایج کشور پرداخت شود.

مساله دیگری که در این مورد مطرح است پرداخت قسمتی از مزد بصورت جنسی است که در این صورت قیمت آن چگونه باید تعیین گردد. البته قانگزار در این زمینه اشاره نکرده است، ولی تردید نیست که قیمت اجناس مذکور باید به بهای رسمی باشد تا از این نقطه نظر به کارگر اجحافی نشود.

نکته‌ای را که در پایان این بحث باید بدان اشاره شود، تبصره ۲ ماده ۲۱ است. تبصره مذکور چنین مقرر میدارد: مزد کارگر که در تمام مدت ماه بطور نوبتی کار می‌کند، ده در صد بیش ر مزد کارگر غیر نوبتی مشابه خواهد بود

در این تبصره دو نکته بچشم میخورد:
الف- کار نوبتی
ب- ده درصد افزایش مزد

در مورد کار نوبتی، البته قانونگزار هیچگونه اشاره‌ای نکرده و مشخص نساخته است که منظور از کار نوبتی چیست، ولی عرف موجود و بررسی‌هائی که در این زمینه بعمل آمده و با توجه به سوابق کار در دیگر کشورها، نشان میدهد که نوبت کاری، آنچنان کاری است که ظرف یکماه حداقل دوبار موعد کار عوض شود. بعبارت ساده‌تر، اگر یك اکیپ مدتی از صبح تا بعداز ظهر کار میکند، همین اکیپ مدتی بعد، بعداز ظهر تا شب کار کند، بنحوی که ظرف یکماه دوبار این موعد کار عوض شود.

مسلماً در بسیاری از کارگاهها نوبت‌کاری بنحوی است که سه گروه وجود دارد و همواره در حال عوض شدن هستند، یعنی هر هفته گروهی ساعات کار خود را عوض می‌کند.

قانونگزار از نظر اینکه گروههای کارگران در چنین مواردی نمیتوانند هیچگونه نظمی برای زندگی خود از لحاظ پرداختن بکار دیگر، از لحاظ مراقبت از خانواده و غیره ایجاد نمایند مقرر داشته است چنین کارگرانی باید ۱۰ درصد مزد اضافی دریافت دارند و این مبلغ جزء مزد آن‌ها محسوب میشود و هرگونه اضافاتی که بطلی به مزد کارگر تعلق گیرد، به این ده درصد هم تعلق میگیرد. مثلا اگر اضافه کارکند، اضافه کار به ده درصد هم تعلق می‌گیرد. بطور مثال کارگری ۲۰۰ ریال در روز مزد دریافت میدارد. این کارگر ماهانه نوبت کار است و لذا مزد وی میشود ۲۲۰ ریال و هرگاه اضافه کارکند، ۳۵ درصد به ۲۲۰ ریال تعلق می‌گیرد.

نکته دیگری که در مورد پرداخت مزد مطرح است، وجود لیست و یا فهرست مزد و حقوق کارگران است.

در قانون و آئین‌نامه‌های مربوط در این زمینه ذکری بمیان نیامده است و در گذشته نیز در اکثر کارگاههای کشور چنین رسمی وجود نداشت، ولی امروز بعکس گذشته در اکثر کارگاهها پرداخت مزد حقوق کارگران بموجب لیست مزد کارگران انجام میپذیرد و در آن لیست هرگونه پرداختی به کارگر مشخص شده است. تهیه این لیست از نقطه نظرهای مختلف لازم و ضروری است.

اولاً: از نظر تامین اجتماعی کارگران

ثانیاً: از نظر احتمال اختلافاتی که در آینده ممکن است بین کارگر و کارفرما در مورد میزان مزد کارگر رخ دهد.

در مورد ضرورت فهرست و لیست مزد و حقوق کارگران در قانون تامین اجتماعی مقرراتی وجود دارد و تردید نیست برای اینکه کارفرما میزان حق بیمه خود و کارگر خویش را مشخص و معین سازد، ضرورتاً باید لیستی بدین منظور تهیه کند و نسخه‌ای از آن را به سازمان تامین اجتماعی ارسال دارد.

در مورد اختلاف کارگر و کارفرما در زمینه میزان مزد پرداختی کارگر، ناگزیر از بیان این مطلب میباشد که در گذشته در اکثر موارد در مورد میزان مزدی که کارگر دریافت میداشت، اختلاف بروز میکرد و کارگر مزدی را اعلام میداشت که کارفرما بکلی منکر آن میشد و هنگامی که بازرسی بدین منظور اعزام میشد، بازهم تعیین دقیق مزد

بقیه درصفحه ۹۸

از مغناطیس چه میدانیم؟..

دستگاه مرموزی که دنیای تکنولوژی و صنعت را گیج کرده است

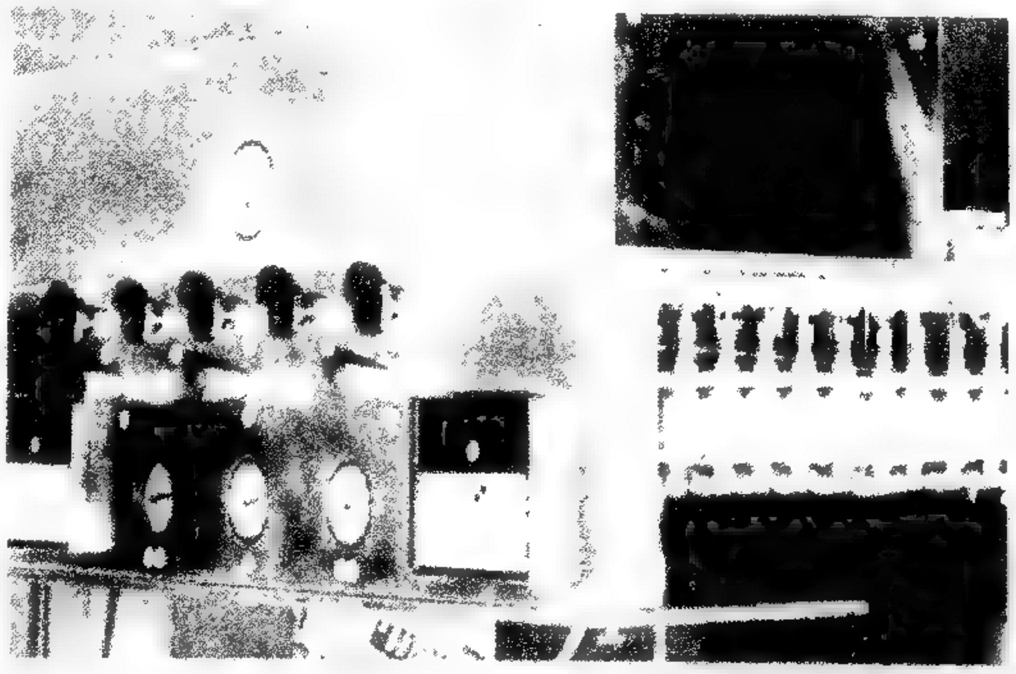

این دستگاه اسرار آمیز ممکنست مساله برق و انرژی را در آینده نزدیک حل کند.

دانشمندی که مدعی اختراع این دستگاه است، راز اختراعش را برای هیچ کس فاش نمیکند.

یك مخترع لوس‌انجلسی به نام «سام‌لیج» دستگاهی ساخته است که از آب معمولی ئیدروژن قابل انفجار تولید میکند، بدون این که به منبع انرژی خارجی احتیاج داشته باشد. خود مخترع، به اندازه ماشینش مرموز است!

دستگاه مرموز تولید انرژی، یك جعبه فولادی است که خارج آن با شش صفحه و یك فوارهٔ گاز مجهز شده است.

اگر «لیچ» راست بگوید، مولد برق ئیدروژنی او، رویایی را برآورده خواهد کرد که دانشمندان از دهها سال پیش در سر پرورانده‌اند. رویای دانشمندان این بوده است که ذخیره نامحدودی از انرژی پاك و بی‌هزینه برای خانه‌ها، اتومبیل‌ها و کارخانه‌ها تولید کنند. «لیچ» ادعا میکند که دستگاه او واقعاً ساده است. در داخل جعبه، یك فلز ناشناختهٔ عکس‌العملی وجود دارد. آب به داخل جعبه ریخته میشود و به وسیله برق به بخار تبدیل میشود، و دستگاه عکس‌العملی، اکسیژنی را که در بخار آب وجود دارد میمکد و ئیدروژنی که به این ترتیب آزاد میشود، وسیله یك دستگاه دیگر مکیده میشود.

«لیچ» ادعا میکند دستگاه او برای شروع جریان تبدیل ئیدروژن به برق، به یك مقدار کم از برق خارجی احتیاج دارد، اما بعداً با استفاده از حرارتی که در اثر فعل و انفعال شیمائی تولید میشود، برق خود را تامین میکند.

«لیچ» در دسترس خبرنگاران نیست و دانشمندان زیاد از او پشتیبانی نمیکنند. بیشتر کارشناسان میگویند توصیف او در باره این جریان، دو قانون از قوانین ترمودینامیك را نقض میکند. یکی از کارشناسان ئیدروژن در دانشگاه کالیفرنیا با خشم گفت: «مسخره‌آمیز است. این ماشین به ماشینی میماند که دایم کار میکند.»

و تا این جا اداره تحقیقات و توسعه انرژی امریکا هم تحت تاثیر حرفهای «لیچ» قرار نگرفته است و یکی از دانشمندان این موسسه میگوید: «ممکن است بتوان ئیدروژن را به این نحو تهیه کرد، اما ما نمیدانیم در داخل جعبه چه چیزی وجود دارد و «لیچ» متأسفانه این راز را برای هیچ کس فاش نمیکند.

اگر روزی کشف مهم «لیچ» واقعی از کار در آید، دیگر دلیلی وجود نخواهد داشت که برای تولید انرژی، معادن زغال سنگ را غارت کنیم، نفت را بیرحمانه از دل زمین بیرون بکشیم و یا نیروگاههای خطرناك اتمی بسازیم.»

مغناطیس بجز آهن بعضی فلزات دیگر را هم جذب میکند و بر آب و شعله شمع اثر میگذارد.

● سنگ مهربان

«سنگ مهربان» نام شاعرانه‌یی است که چینی‌ها به مغناطیس طبیعی داده‌اند.

چینی‌ها میگویند «چوچی» یعنی «سنگ مهربان» مانند مادر مهربانی که بچه‌های خود را در آغوش میکشد، آهن را جذب میکند. شگفت آن که فرانسوی‌ها نیز نام مشابهی روی مغناطیس گذارده‌اند. آنها آن را «امان» میخوانند که هم به معنی مغناطیس است و هم به معنی «مهربان».

نیروی محبت مغناطیس‌های طبیعی بسیار ناچیز است و بنابراین نامی که یونانی‌های قدیم به مغناطیس طبیعی داده‌اند، باعث شگفتی است.

یونانی‌ها مغناطیس را «سنگ هرکول» خوانده‌اند. با توجه به این که قدرت جذب مغناطیس طبیعی یونانی‌های قدیم را این همه شگفت زده کرده است، معلوم نیست اگر آنها مغناطیس‌های مصنوعی امروزی را که در کارخانه‌های آهن و فولاد به کار میرود میدیدند، چه میگفتند؟!...

مغناطیس‌های امروزی قادر است قطعات عظیمی را که چندین تن وزن دارد، به آسانی بلند کند. این گونه مغناطیس‌ها، «الکترومغناطیس» یا مغناطیس الکتریکی نام دارد. آنها قطعات بزرگی از آهن هستند که دور آنها سیم پیچی شده است و از این سیم پیچ‌ها جریان برق عبور میکند.

فکر نکنید مغناطیس فقط آهن را جذب میکند، زیرا فلزات دیگری هم هستند که مغناطیس‌های قوی میتواند آنها را هم جذب کند این فلزات عبارت است از نیکل، کبالت، منگنز، آلومینیوم، طلا و نقره. اجسام به اصطلاح «دیامنیتیك» مانند روی، سرب، گوگرد و بیسموت خواص دیگری دارند، یعنی یك مغناطیس قوی این فلزات را به جای این که جذب کند، دفع می‌کند.

یك مغناطیس، مایعات یا گازها را نیز میتواند جذب یا دفع کند. البته این مغناطیس باید خیلی قوی باشد تا تاثیر داشته باشد. مثلا مغناطیس میتواند اکسیژن خالص را جذب کند. اگر حباب صابون را از اکسیژن پر کنیم و آن را بین دو قطب یك «الکترومغناطیس» قوی قرار دهیم، میبینیم که نیروی نامرئی مغناطیسی بر اکسیژن داخل آن اثر میکند و حباب را در امتداد دو قطب قرار میدهد. اگر شعله یك شمع را هم بین دو قطب یك مغناطیس قوی قرار دهیم، شکل عادی شعله تغییر خواهد کرد

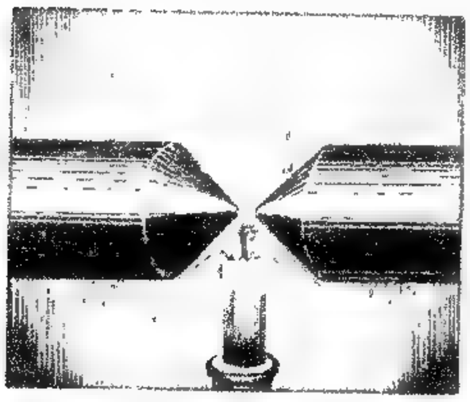

شعله شمع بین دو قطب مغناطیس الکتریکی

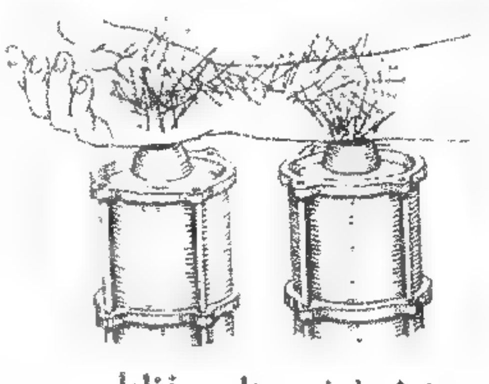

خطوط نیروهای مغناطیسی

دراین عکس میخ‌های زیادی را میبینید که مانند موهای سیخ شده از یك دست بیرون‌زده است. این دست روی دو قطب یك مغناطیس الکتریکی قرار گرفته است. خود دست اصلا جاذبه مغناطیسی را احساس نمیکند. اما نیروهای مغناطیسی، بی آن که دیده شود، از میان دست میگذرد. این نیروها سبب میشود که میخ‌های آهنی از آنها اطاعت کند و خودرا به صورت طرح‌های منظمی که نمایش مسیر نیروهای مغناطیسی است، تنظیم کند.

روغن موتور، مانع تشکیل دوده

یك شرکت آمریکائی یك نوع روغن موتور ترکیبی برای موتورسیکلت‌های دوسیلندر ساخته است. این روغن مانع از تشکیل دوده در موتورسیکلت میشود، و همین ویژه‌گی باعث شده که روغن موتور مزبور، با آنکه بتازگی ببازار آمده مصرف قابل توجهی داشته باشد.

سیر تکاملی صنعت چاپ

کتابهایی که در زمان پیش از «گوتنبرگ»، پدر ماشین‌چاپ، رواج داشت، مجموعه‌یی بود که بین دو صفحه چرمی یا چوبی و یا فلزی جای میدادند و وقتی میخواستند از آن استفاده کنند، ناگزیر بودند با دقت فراوان آن را باز کنند تا صدمه‌یی نبینند. به همین دلیل بود که کتاب در آن زمان یکی از اشیای تجملی شمرده میشد. کتاب آنقدر نایاب بود که در مهم‌ترین کتابخانه‌ها، بیش از چند جلد کتاب وجود نداشت. از اواخر قرن چهاردهم میلادی، شیوه حکاکی روی چوب، در اروپا رواج یافت. ظاهراً حکاکی روی چوب را برای اولین بار چینی‌ها اختراع کرده‌اند، زیرا باستان‌شناسان، در این سرزمین تاریخی، چوبهایی یافته‌اند که روی آنها مطالبی نوشته شده است که تاریخ آن به۹٤۷ میلادی باز میگردد

چینی‌ها موضوع‌های خود را روی صفحه کاملاً صاف چوب مینوشتند یا نقاشی میکردند و سپس چوبهای اطراف نوشته را با قلم مخصوص حکاکی میکردند و سطح نوشته را مرکب می‌مالیدند. بعد یك صفحه کاغذ روی آن میفشردند تا یك نسخه از نوشته به دست آید.

به نظر میرسد کسانی که این فن را به اروپا وارد کرده‌اند ترك‌ها یا روسها بوده‌اند، اما به هر حال این فن در اوایل قرن پانزدهم در تمامی اروپا رواج یافت.

اروپائی‌ها با استفاده از شیوه مزبور، عکسها و به ویژه عکسهای مقدسان را در نسخه‌های زیاد تهیه میکردند و گاهی نیز ورق‌بازی درست میکردند.

اما مردی که توانست در صنعت چاپ یك انقلاب اساسی به وجود آورد، «گوتنبرگ» بود. اختراع «گوتنبرگ» چنان مهم بود که فرهنگ و دانش، آذرخش‌آسا در میان مردم پخش شد.

«گوتنبرگ» در سال ۱٤۰۰ میلادی در شهر «ماینس» در آلمان به دنیا آمد. چون خانواده «گوتنبرگ» از لحاظ مالی ورشکسته شد، او ناگزیر شد کاری به دست بیاورد تا بتواند نیازهای مادی خود و خانواده‌اش را برآورده سازد. بنابراین در یك کارگاه کوچك جواهرسازی به کارپرداخت. در همین مغازه بود که فکر فوق‌العاده‌یی به خاطرش خطور کرد. این فکر، به وجود آوردن یك دستگاه جدید و انقلابی چاپ بود. اما او بعدها در پاره‌یی از منازعات سیاسی درگیر شد و ناگزیر گردید در کشورهای خارجی اقامت کند.

«گوتنبرگ» از ۱٤۳٤ تا ۱٤٤٤ در شهر «استراسبورگ» زندگی میکرد. او در این شهر با ذوق و علاقه خاصی حروف چاپ میساخت، اما نه دیگر روی چوب، بلکه روی چدن. نیز در همین شهر بود که یك دستگاه چاپ ساخت و مرکب آن را از مخلوط کردن روغن شاهدانه و دوده تهیه کرد.

گوتنبرگ

«گوتنبرگ» در ۱٤٤۸ به شهر «ماینس» بازگشت و برای اینکه از اختراع بسیار مهم خود بهره‌برداری کند و ثروت به دست بیاورد دوسال، پس از بازگشت به «ماینس»، از یکی از ثروتمندان شهر به نام «ژان‌فوست» مقدار زیادی پول قرض کرد و «فوست» درازای این قرض، او را وادار کرد بامردی به نام «پیرشافر» که کارش نسخه برداری بود، شریك شود. «گوتنبرگ» پس از مدتی با «فوست» اختلاف پیدا کرد و کار او و مرد ثروتمند به دادگاه کشید. دادگاه، «گوتنبرگ» را محکوم کرد و «فوست» اختراع بزرگ او را در اختیار خودش گرفت. اولین کتابی که «گوتنبرگ» چاپ کرد، یك تقویم نجومی بود. این تقویم در سال ۱٤٤۷ چاپ شد، اما معروف‌ترین کتابی که زیر دستگاه چاپ او رفت، کتاب تورات بود. این کتاب ۱۲۸۲ صفحه چاپ شد و هرصفحه آن دوستون داشت و هرستون نیز ۳٦ سطر داشت.

درتمامی جهان، تنها ۱۲ نسخه از این کتاب وجود دارد.

«گوتنبرگ» در ۱٤٦۷ یا ۱٤٦۸ درگذشت، اما پس از مرگ او، اختراع بزرگش به سرعت جهان را فتح کرد. فن جدید و انقلابی چاپ نخست به ایتالیا رخنه کرد و چیزی نگذشت که در شهر کوچك «سوبیاکو»، نزدیك رم، و سپس خود رم چاپخانه دایر شد. فرانسه دومین کشوری بود که از صنعت جدید چاپ استفاده میکرد.

هنوز قرن پانزدهم پایان نیافته بود که در بسیاری از شهرهای اروپایی چاپخانه به وجود آمد. این چاپخانه‌ها، به سرعت نسخه‌هایی از کتابهای مقدس و کتابهای دیگر، به انواع گوناگون و قطع‌های مختلف، بیرون میدادند و در بازار منتشر میکردند.

چرخ «مادر صنایع»

ظاهراً بشریت اختراع چرخ را که یك آلت فوق العاده است، مدیون ساکنان اولیه آسیای جنوب غربی است. این اختراع را می‌توان محور تمامی صنایع دانست، زیرا تقریباً هیچ صنعتی وجود ندارد که چرخ در آن دخالت نداشته باشد. چرخ امروز بسیار طبیعی جلوه می‌کند، حال آن که در طبیعت هیچ نمونه‌یی از چرخ وجود ندارد.

تاریخ تولد چرخ، در همین جا ثبت نشده است اما می‌توان آن را به قدیم‌ترین دوران عتیق نسبت داد. «اسپیرز» باستان شناس آمریکایی، در جریان حفاری در تپهٔ «گورا» ارابه‌یی را کشف کرد که می‌توان آن را به ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نسبت داد و «وولی» همکار انگلیسی او نیز ارابهٔ دیگری در مقبره‌های سلطنتی «عور» کشف کرد که تاریخ آن ۲۹۵۰ پیش از میلاد است.

غیر از این دو کشف، ما اطلاعات قطعی دیگری در بارهٔ چگونگی ظهور چرخ نداریم اما بنا به عقیدهٔ ژنرال «مزوژیه» می‌توان چنین تصور کرد که از عصر حجر، هر وقت انسان ناگریز می‌شد بار سنگینی را حمل کند آن را روی شاخ و برگ درختان می‌انداخت و شاخه درخت را مانند یك ارابه پشت سر خود می‌کشید. اما در جریان تجربیات بسیار خود متوجه شد که تنه‌های بزرگ درختان را می‌توان به وسیلهٔ غلتاندن آنها به آسانی حرکت داد. بنابراین از آن پس بار خود را روی تنهٔ دو درخت می‌گذاشت و به این ترتیب غلتکی را بوجود آورد که آن را با سهولت حرکت می‌داد.

بنا به عقیدهٔ «مالك کردی» مورخ انگلیسی غلتك ضد چرخ است و فکر اختراع چرخ را الهام بخشیده است. و کشفیاتی که در جریان حفاری صورت گرفته است، این عقیده را تائید می‌کند. در سرزمین «سومر» ارابه‌ها و اسبهایی کشف شده است که تقریباً ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ساخته شده است.

وقتی چرخ اختراع شد نتیجهٔ طبیعی آن ظهور ارابه بود و می‌بایست دو چرخ را با یك محور به هم وصل کنند و روی آن محلی را برای نشستن درست کنند و یك مال بند نیز به این مجموعه اضافه کنند. در واقع ارابه‌هایی که در آثار سومری مربوط به حدود ۳۰۰۰ سال پیش یافت شده است، همین شکل را داشته‌اند. راننده ارابه روی یك نشیمن‌زین مانند که بین دو چرخ نصب شده بود می‌نشسته و پاهایش را از دو طرف آویزان می‌کرده است این ارابه مقدماتی به زودی اصلاح و تکمیل شد و به وسیلهٔ نقلیهٔ کاملی تبدیل گردید که چهار چرخ داشت اما در اوایل راننده نمی‌توانست دو چرخ جلویی ارابه را کنترل کند و هدایت آنها ممکن نبود.

اما این ارابه را چه حیوانی می‌کشیده است؟ بنا به عقیدهٔ «ژرژکوفلتو» باستان شناس فرانسوی نخستین بار از یك نوع خر وحشی استفاده می‌کردند که در بین‌النهرین فراوان بود. اما در این مناطق اسب وجود نداشت.

پاره‌یی از قبیله‌ها اسب را می‌شناختند آنها در آسیای مرکزی و سیبری شرقی و منچوری به سر می‌بردند ولی بعدها نقش مهمی را در تاریخ بشری باز کردند. این اقوام، مردم چادرنشینی بودند که طبیعت خشن و حیات دشوار آنها با حیات مردم عصر حجر چندان فرقی نداشت ولی شیوهٔ زندگی آنان با تمدن‌های عالی اقوام مصری و بابلی بسیار تفاوت داشت. این چادر نشینان آسیایی، قسمت بزرگی از زندگی خود را روی اسب میگذراندند که حیوانی سر سخت و خستگی ناپذیر است و هر غذایی را بآسانی میپذیرد و حتی اگر لازم شود گوشت انسان هم تغذیه میکند. این اقوام به تدریج به مناطق آسیای جنوب غربی پیشروی کردند و اسب را به مردم این سرزمین‌ها شناساندند. بنابراین، اولین تمدن های جهان، از این قوم بدوی و نادان هدیه‌یی را دریافت کردند که ارزیابی آن واقعاً غیر ممکن است.

از آن پس، در مدت بیش از ده قرن، ارابه جهان را تصرف کرد زیرا اسب به توسعهٔ ارابه کمك فراوان کرد. با همین ارابه‌ها بود که آشوری‌ها قدرت خود را گسترش دادند و نفوذ قهار خود را بر تمامی سرزمین‌های خاور نزدیك اعمال کردند. اسب همچنین باعث پیشروی برق آسای یك شاخه از قوم آریایی، یعنی ایرانی‌ها، شد. اسب و گردونه‌های اسب کش سریع السیر، سبب شد که ایرانی‌ها بتوانند قدرت خود را به سرعت افزایش دهند و بخش بزرگی از خاور میانه را تصرف کنند.

بنابراین، چرخ یك نقش بسیار بزرگ و اساسی در تاریخ بشری بازی کرده است و امروز نیز نقش چرخ در صنایع آن قدر اجتناب ناپذیر شده است که تقریباً هیچ کارخانه و ماشینی وجود ندارد که چرخ در آن دخالت نداشته باشد. پس اگر چرخ را «مادر صنایع» میخوانند، گزافه‌گویی نکرده‌اند.

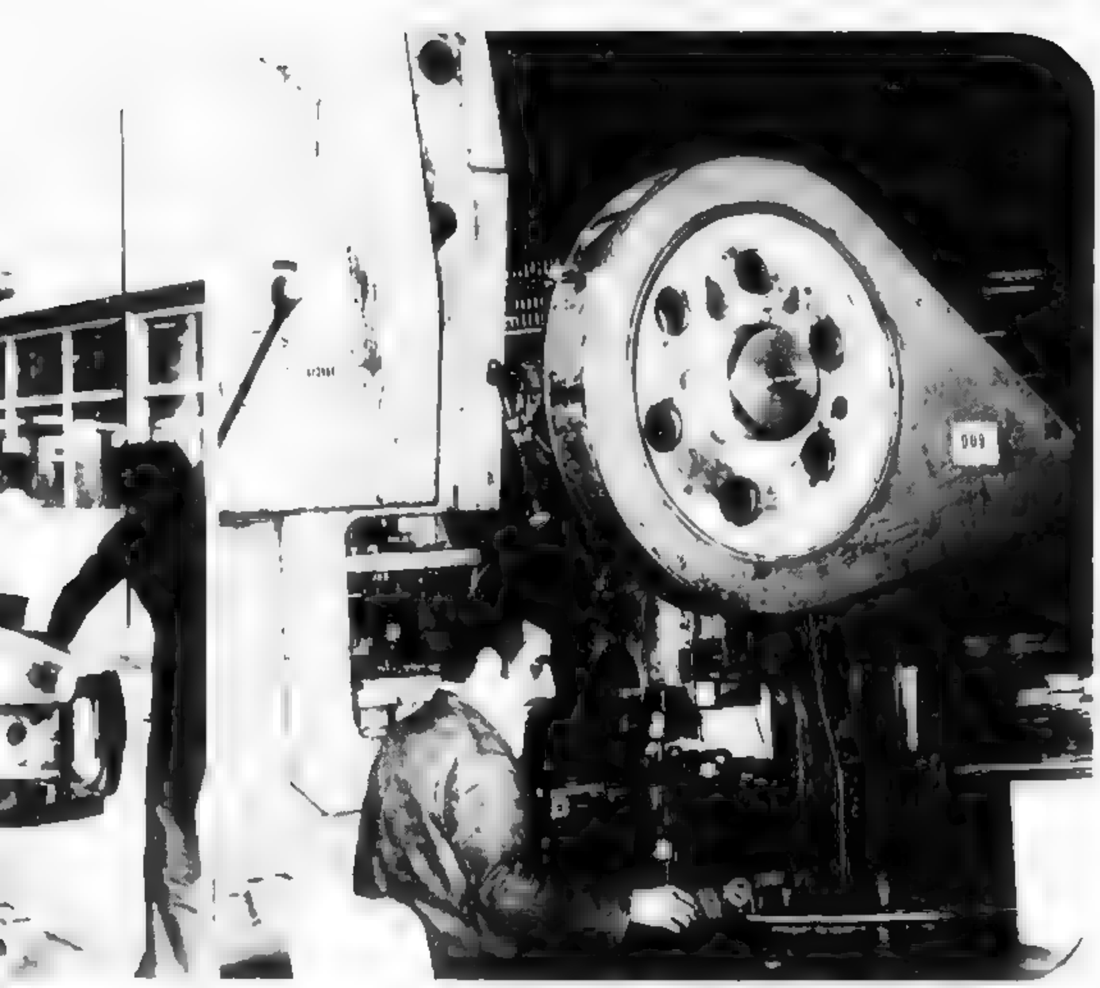

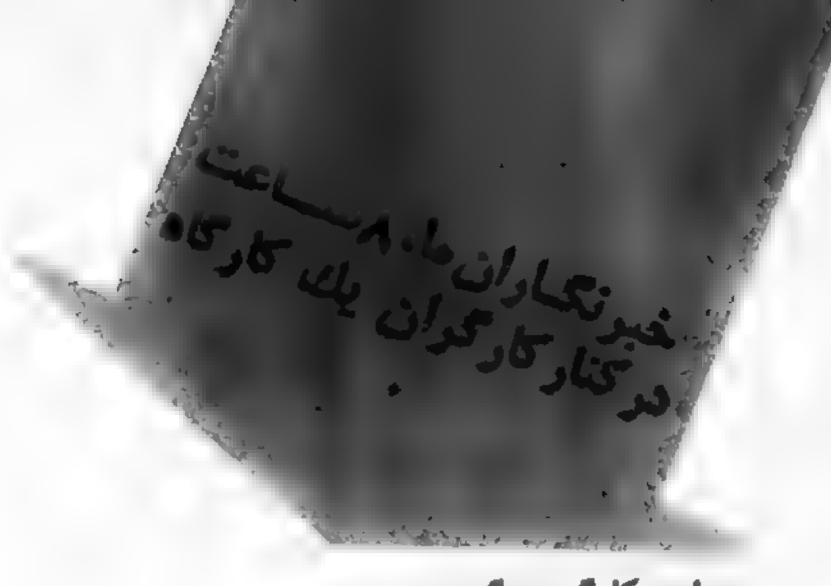

این کارگر می‌گوید:

شکم گرسنه، به آدم می گوید که ظهر شده!

[illegible]

کار با دستگاه پرس ـ بیش از هر چیز به تمرین بیشتر نیاز دارد

یک پیچ اتومبیل راشل بستن، سرنوشت سر...

سرمای ملایم پائیزی، گوارائی مخصوصی دارد، گوئی به آدم امکان می‌دهد که ناراحتی‌های یك فصل گرما را بکلی فراموش کند. من و خبرنگار عکاس مجله، سوار براتومبیل، درجاده قدیم کرج پیش می‌رویم. جاده آنقدر شلوغ است که یك بی‌احتیاطی درهرلحظه امکان تصادف را زیاد می‌کند. کامیون‌ها، تریلرها و وانت‌بارها جاده را تسخیر کرده‌اند، اتومبیل‌های سواری چون جوجه‌هائی اسیر درچنگ حیوانی وحشی، بین کامیون‌ها و تریلرها جلو میروند، کیلومتر شانزده جاده را پشت سر می‌گذاریم، تابلو بزرگ کارخانه زامیاد (ولوو) چند لحظه نگاه ما را به خود جذب می‌کند. سرعت اتومبیل را کم می‌کنیم و وارد کارخانه می‌شویم. دراین کارخانه حدود ۱۵۰۰ کارگر در چهارقسمت مختلف به کار مونتاژ کامیون و وانت‌های «ولوو» و «نیسان» اشتغال دارند... چند لحظه بعد با نماینده کارگران وارد اولین کارگاه می‌شویم. اینجا کارگاه پرس است. بسیاری از لوازم یدکی کامیون‌هائی که در کارخانه مونتاژ می‌شود، دراین جا شکل می‌گیرد. غرش موتورها و صدای کار مته‌های برقی، لحظه‌ای قطع نمی‌شود. سقف بلند کارگاه که وسایل گوناگون به آن نصب است، ماشین‌های کوچك و بزرگ، و کارگران پرجنبش همه نشانی از تحرك کارخانه است.

احمد اسکندری سرکارگر یکی از قسمت‌های کارگاه پرس، روبروی محمود دانش ایستاده است، محمود دانش با مته برقی مشغول سوراخ‌کردن قطعه‌ای از سپر یك کامیون است، مته را محکم در دستش گرفته است و چشمش را از روی سپر برنمی‌دارد، احمد اسکندری چیزی می‌گوید، اما من درست حرف‌هایش را نمی‌شنوم. سرم را نزدیکتر میبرم، میگوید: «آهان! همینطور! بسیار خوب، ولش کن!»

محمود دانش سرش را بلند می‌کند، خوشحالی توی چهره‌اش موج می‌زند، احمد اسکندری به او اشاره می‌کند، و می‌گوید: «محمود تازه ۵۰ روز است که در اینجا استخدام شده، هنوز دارد کارآموزی می‌کند. در عرض همین ۵۰ روز خیلی پیشرفت کرده است.» محمود دانش لبخندی می‌زند و می‌گوید: » هرگز فکر نمی‌کردم کار اینقدر راحت باشد. روزهای اول خیلی واهمه داشتم.»

احمد اسکندری که ۸ سال سابقه کار دارد و ماهانه ۴۰۰۰۰ ریال حقوق می‌گیرد می‌گوید:

– «بیشتر کارگرانی که تازه می‌آیند، همین حالت را دارند، اما چند روز نمی‌گذرد که محیط کارخانه برایشان کاملا عادی می‌شود.»

در اینموقع مسعود صادقی، سرپرست قسمت هم جلو می‌اید. با خنده به چند کارگری که در طرف چپ مشغول کار روی در یك کامیون هستند می‌گوید:

– «بچه‌ها چطورید؟ بازم که تیم شما کاری نکرد! مساوی کرد! بازم حرفی دارید؟!»

یکی از کارگرها به قیافه مسعود صادقی زل میزند ... بعد می‌گوید: « تیم شما چی ؟ اون که بیشتر گندش را در آورد!»

مسعود صادقی دیگر حرفی نمی‌زند، جلو می‌آید، از همانجانگاه دیگری به سراسر کارگاه می‌اندازد، او هم شش سال در کارش سابقه دارد و ماهیانه ۲۴۰۰۰ ریال حقوق می‌گیرد. صادقی: «نحوه تقسیم کار میان کارگران، کار راحتی نیست. این کار وظیفه من است، تنها خنده و خوشروئی برنامه را به راحتی جلو می‌برد.»

بهرام شیوا بازرس قطعات ساخته شده، چند قدم دورتر بدقت قطعه‌ها را نگاه می‌کند.

احمد حیدری قالب بند هم به او نزدیك میشود. یك چکش در دست دارد. می‌گوید: «از دیروز گذاشتم پشت درس. تصمیم دارم امسال هر طور شده کلو را تمام کنم.»

بهرام، همانطور که مشغول کار است، خنده‌ای می‌کند و می‌گوید: «ببینم چه کار می‌کنی!»

دستگاههای پرس مرتبا کار می‌کنند. آهن غذای اصلی این ماشین‌هاست، اما آن ها گوئی سیری ناپذیرند، قطعه‌های آهن مرتب در زیر فشار این ماشین‌ها و با رهبری کارگران شکل می‌گیرد. سپس در قسمت‌های دیگر بصورت در، سپر، سقف جلو، رادیاتور، و اتاق بار کامیون و وانت در می‌اید.

از قسمت پرس راهی کارگاه برش می‌شویم. فرامرز کیانوش یك قطعه از جلو رادیاتور را روی ماشین مخصوص برش گذاشته و اطراف آن را شکل می‌دهد. ناصر جلالی هم نزدیك او مشغول تراشیدن یك زه است.

او به فرامرز می‌گوید: « امان از دست این مسافر کشهای شخصی! دیشب از توپخانه تا امیریه سوار یکی از این‌ها شدم، می‌دانی چقدر گرفت؟»

– چقدر؟

– بی‌انصاف سه تومن حساب کرد، در حالیکه دو تومن بیشتر نمی‌شد.

کیانوش سری تکان می‌دهد و می گوید: « اگر تاکسی کم نبود که آدم باین ها نگاه نمی‌کرد، اما حالا مجبوریم سوار هر آهن قراضه‌ای بشیم!»

علی جلالی دو طرف زه را محکم می‌گیرد. بعد می‌گوید: « دیگر طوری شده که همه شخصی‌ها مسافر سوار می‌کنند، دو سه روز پیش یك بنز آخرین سیستم را دیدم که مسافر سوار می‌کرد!»

قسمت برش هم سر سختانه بکار ادامه میدهد. قطعات درست شده در قسمت پرس اینجا اندازه‌گیری می‌شود. قسمت‌های زائد آن بریده می‌شود و به قسمت‌های دیگر می‌رود...

ما امروز هشت ساعت را در کنار کارگران این کارخانه بسر می‌بریم از این رو لحظات طولانی‌ای را در کار گاههای مختلف با کارگران می‌گذرانیم...

همراه خبرنگار عکاس به قسمت جوشکاری و رنگ می‌رویم. نورددستگاههای جوشکاری در یك لحظه چشم ما را می‌زند. حالا غرش ماشین‌ها به صدای مخصوص دستگاههای جوشکاری تبدیل شده است، کارگران عینك بچشم، با لباس‌های آبی، بی‌اختیار صحنه فیلم‌ها را بخاطر می‌آورند. حسن فرشیدزاده، اولین کارگری است که در این قسمت با او برخورد می‌کنیم. جلو یك اتاق کامیون ایستاده و دارد دور سقف آن را صاف می‌کند. چهار سال در کارش سابقه دارد وماهانه ۱۸/۰۰۰ریال حقوق می‌گیرد. کیومرث باقری بازرس این قسمت هم در مقابل او ایستاده است کیومرث می‌گوید: «توهم گول این آگهی‌ها را خوردی؟»

حسن با دلخوری سرش را تکان می‌دهد و می‌گوید: «آخر از بس توی رادیو و روزنامه اسم این کاغذ دیواری را گفتند و نوشتند، فکر کردم چیز خوبی است، اما حیف پولی که دادم!»

کیومرث میخندد و می‌گوید: «فکرش را نکن، درعوض حالا تجربه پیدا کردی.»

بعد، از حسن جدا می‌شود و به نزدیك اتاق‌های ساخته شده می‌رود. بدقت مشغول بازرسی آن‌ها می‌شود.

علی رضا کیوانی هم که نزدیك او مشغول کار است، حرفش را تائید می‌کند. بعد باصدای بلندی می‌گوید: «آقای صافکار! شما احساس گرسنگی نمی‌کنید؟!»

کیومرث انگار که تازه متوجه گرسنگی‌اش شده، می‌گوید: «چرا بابا، بزن بریم.»

دونفری به سوی سالن ناهارخوری به راه می‌افتند، از چهارگوشه کارگاه کارگران تك تك، و دوبدو و سه نفر سه نفر بابیشتر برای خوردن ناهار به راه می افتند. ماهم در میان آن ها روان می شویم.

پاداش علی خرقانی می گوید: بچه‌ها مرور عجب زود ظهر شد!

ملك ملکی می خندد و می گوید: نه بابا، حالا که ظهر نیست، مادایم می رویم آموزشگاه!

ایرج سلیمانی هم باخنده می گوید: هرچه هم بگوئی ظهر نیست، پاداش باورنمی کند. می دانی چرا؟ شکم گرسنه‌اش بهترین دلیل اینست که ظهر شده!

پاداش دستی روی شکمش می زند و می گوید: راستی که خیلی گرسنه‌ام. اگر یك گاو گیرم بیاد، درسته می خورم!

ملك ملکی نگاهی باو می کند و می گوید: نه بابا! جان من دست نگهدار! می ترسم اگر پایت به ناهار خوری برسد، قحطی راه بیاندازی!

توی فضای بیرون کارخانه، بوی غذا همه جا را پر کرده است. بوئی که شکم های گرسنه را

دمی آسودن بعداز خوردن نهارتنوعی به هشت ساعت کار مداوم میدهد

صاف‌کارها هم یکی از مهمترین‌مراحل کار را بعهده دارند

نشین اتومبیل را تغییر می دهد

بیشتر به غلغل می اندازد. سالن ناهار خوری طرف دیگر کارخانه و روبروی کارگاه پرس ساخته شده است فضائی بسیار روشن و تمیز دارد. صندلی های زرد رنگ تمیز آن آدم را به نشستن دعوت می کند.

کارگران بیشتر صندلی‌ها را اشغال کرده‌اند، بعضی ها نیمی از غذای خود را خورده‌اند. بعضی ها تازه شروع کرده‌اند. چند نفری بشقاب بدست در جستجوی جای مناسبی میگردند و عده‌ای هم در حالیکه دهانشان آب افتاده، جلو سلف سرویس منتظر گرفتن ناهار هستند.

همینکه چشم آن ها به دوربین می افتد، هر کدام ژستی می گیرند. از گوشه و کنار سالن صداهائی بلند می شود: آقای عکاس اینجا! عکس ما را هم توی مجله چاپ کن! آقاعکس من آرتیستی باشه!

چند لحظه بعد همه نگاهها از دوربین برمیگردد. گرسنگی هیچ‌چیز نمی‌شناسد. سیدکاظم طرحی، یك‌تکه گوشت را با چنگال بلند میکند و میگوید: عجب گوشتی! توی شهر که اینجور گوشت گیر نمیاد!

غلامرضا احمدی که جلو او نشسته، میگوید: بخور که زودتر بزرگ بشو!

کاظم می‌گوید: من شنیدم برنج ادم را چاق میکنه. اما پس چرا من و تو که هرروز برنج میخوریم؛ چاق نمیشیم؟!

غلامرضا چندلحظه دست از غذا خوردن میکشد. صاف توی چشم‌های دوستش نگاه میکند و میگوید: انگار دیوانه شده‌ای! مرد حسابی، من و تو که روزی هشت ساعت کار میکنیم که هیچوقت چاق نمیشیم. چاقی مرض است پسر، مرض! ما داریم روزی هشت ساعت ورزش میکنیم. گوش کردی؟ آدم چاق خیلی بیشتر از آدم لاغر مریض میشه.

صدای عبدالله وکیلی از میز بغلی بلند میشود: هی غلام، از کی تا حالا دکتر شدی؟!

غلامرضا میخندد. عبدالله درحالیکه پیازخالی را توی دهانش میگذارد، میگوید:

– آقای دکتر، من خیلی از اسکناس‌های رنگو خوشم میاد: این چه مرضیه؟!

سالن ناهارخوری مرتباً پر و خالی میشود. فرصت ناهار از ساعت یازده تا یك بعدازظهر طول می‌انجامد...

کارگری از ته سالن خطاب به من و خبرنگار عکاس مجله فریاد میزند: بابا خسته نشدید. شما هم بیائید ناهاری بزنید.

دیگر کارگران هم با اصرار ما را به خوردن ناهار دعوت میکنند. در مقابل اینهمه محبت و صمیمیت سر فرود می‌آوریم و در کنار یکی از میزها می‌نشینیم...

طی کردن هیجده کیلومتر راه و کار بکنواخت، مارا از پا انداخته است. با اشتها مشغول خوردن میشویم. محیط کاملاً بی‌ریا و دوراز هرگونه ناراحتی است، محیطی شاد وساده که بخوبی نمایانگر وجود کارگران است

یکی از کارگران به من میگوید: آقا، من اگر بخوام نویسنده بشم چی‌کار باید بکنم؟ اخه خیلی به این کار علاقه دارم.

من جواب میدهم: مطالعه کن آقا. مطالعه و تمرین.

کارگر میگوید: مرتب این کار را میکنم. همین دیروز «بیگانه» آلبرکامو را تمام کردم. از امروز عصر تنگسیر صادق چوبك را شروع میکنم

میپرسم: چیزی هم تا حالا نوشته‌اید؟

-چندتا داستان نوشتم، ولی هنوز برای هیچ مجله‌ای نفرستادم

چندلحظه بعد بلند میشویم. حالا با همه کارگران «اخت» شده‌ایم. توی حیاط کارخانه عده‌ای کارگر زیر درختها نشسته‌اند. هوای طراف جاده کرج با وجود انهمه کارخانه، هنوز حالت ییلاقی خودش را حفظ کرده است. نسیمی که میورد تازگی و طراوتی با خود می‌آورد.

یکی از کارگرها زیر لب آواز میخواند و به هنگ کلمات، پایش را بزمین میزند... چند کارگر هم با وجود هوای نه‌چندان گرم، روی علف‌ها دراز کشیده‌اند. از قیافه همه انها معلوم است که خیلی جوان هستند و تازه در کارخانه استخدام شده‌اند.

یکی از آنها به دوستش میگوید: اگر تا عید پنج هزار تومن پس‌انداز کنم، حتماً عید عروسی روبراه است.

دوستش به او نگاه میکند و میگوید: گفتم که چطوری پس‌انداز کن.

-آخر پول توی جیب من نمیمونه. هرکار میکنم چیزی پس‌انداز کنم، نمیشه.

خب عیب کارت هم همین‌جاست، حالا هنوز جوانی، اما ده سال دیگه ضرر این کار را می‌بینی

ازاینجا مستقیماً به قسمت مونتاژ می‌رویم. اتاق‌های سرنشین و بار کامیون‌ها توی این قسمت ردیف شده است. دراین قسمت آچارهای ریز و درشت، ابزار اصلی کار را تشکیل میدهد دستها بسرعت میچرخد. پیچ‌ها بسته میشود و کار نتیجه میدهد، اما سروصدای این قسمت هم چندان زیاد نیست

یکی از کارگرها پیچ کوچکی را بالای اتاق سرنشین با دست میبندد. بعد آچار را فشار میدهد که دم حس میکند الان دسته آچار میشکند. آنوقت به من که دارم نگاهش میکنم، میگوید: «کار از محکم‌کاری عیب نمیکند. این اتاق عروس نیست. چیزی است که باید سالیان دراز جاده و کوهها و تپه‌ها را بپیماید. همین یك پیچ کوچك ممکن است سرنوشت‌های کوچکی را قلم بزند.»

ناگهان صدای همکارش بلند میشود: حسین ...

حسین بسرعت سرش را برمیگرداند، انوقت بسوی دوستش میرود. یك اتاق کامیون یکوری شده و نزدیك است بیفتد. حسین به کمك دوستش اتاق را راست میکند. بعد میخندد و میگوید: خر دیگر نزدیك اخر وقت است، ادم خسته میشود

دوستش میگوید دیشب هم من زیاد نخوابیدم. خیلی خسته هستم

ما این قسمت را هم پشت سر میگذاریم در قسمت بعدی که بازهم قسمت مونتاژ کامیون است، کارگران با کمك جراثقال‌های کوچك مشغول سوار کردن اتاق کامیون‌ها بر روی شاسی هستند. موتور و همه وسایل سنگین و سبك کامیون هم در همین قسمت سوار میشود. موقعیت رنگ نهائی کامیون هم مشخص میشود

کارگری که روی یك ... بسته، همانطور که پمپ رنگ را بدست دارد، به رفیقش میگوید: خب حاجی، بالاخره نگفتی مرخصی خوش گذشت یا نه؟

– آره بابا خوش گذشت.

– رفتی ولایت؟

–ولایت هم رفتم.

–به همشهری‌ها گفتی که میخوای هنرپیشه شی؟

– نه بابا نگفتم تا آنها مرا روی پرده سینما ببینند.

–اگر هنرپیشه بشی فیلمی چند میگیری بازی میکنی ؟!

– ول کن بابا ما را دست انداختی.

کارگر دیگری که قدری دور ایستاده و لکه‌های روی یك کامیون را میگیرد، میگوید:

– حاجی گرانفروشی نمیکنه. فیلمی دویست‌هزار تومن برایش کافیه!

بعد همه با هم شروع به آواز خواندن میکنند. کامیون‌های مونتاژ شده پشت سر هم از این قسمت بیرون میرود و در محوطه کارخانه ردیف میشود. پایان ساعت کار نزدیك است. کارگران به سوی دستشوئی‌ها میروند. دست و صورت خود را میشویند. هر کس چیزی میگوید. صداها در هم می‌آمیزد: امروز سینماها خلوت است برویم آسمانخراش جهنمی» را ببینیم.

– نه من امروز باید حتماً مسابقه فوتبال را ببینم.

- بابا شماها هم حوصله دارید! من میروم خانه، راحت جلو تلویزیون مینشینم. این کار از همه بهتر است.

– منهم همینطور. ماندن توی خانه و تماشای تلویزیون را بر هر تفریح دیگر ترجیح میدهم.

– نه من که حوصله توی خانه نشستن را ندارم. من با رضا میروم بیلیارد بازی میکنم.

کارگری که از همه قدکوتاه‌تر و لاغرتر بنظر میرسد و جلوتر از همه راه میرود، برمیگردد، نگاهی به همکارانش می‌اندازد و میگوید:

من که باید بروم کلاس. برنامه‌ام از حالا معلوم است، هیچ تفریح دیگری هم ندارم...

سرویس‌ها آماده است. کارگران تك‌تك، دوبدو سه نفری یا بیشتر سوار میشوندو می‌روند تا پس از گذراندن یك شب با آرامش در کنار اعضای خانواده خود، روز دیگری را سرشار از کار و فعالیت را شروع کنند.

معرفی و بررسی کتابهای فنی

[illegible] ایستگاههای رادیو تلویزیون [illegible] تکنیکی [illegible]

هم اکنون [illegible] تلویزیونی [illegible] همگام [illegible] ایستگاهها [illegible] الکترونیک [illegible] اطلاعات [illegible]

[illegible] بهترین روشهای [illegible] ایستگاههای فرستنده «صدا و تصویر» یاد کرد: چرا که رادیو و تلویزیون [illegible] یک سری دانستنیها و اطلاعات مربوط به سیستم [illegible] در اختیار مردم قرار [illegible] رفع [illegible] صحیح [illegible] هماهنگی‌های رادیو تلویزیونی [illegible]

[illegible] مربوط به سیستم رادیو و تلویزیون [illegible] دیگر [illegible] رفع کمبود [illegible] الکترونیک در سطح کشور [illegible]

کتابهای فنی و مواردی که [illegible] خدمتی به [illegible] پیچیده. روشهای [illegible] اشکالات موجود در سیستمهای رادیو تلویزیونی [illegible] تخصصی که محدود به یک زمینه الکترونیکی می‌شود [illegible] و کاملاً تکنیکی و برنامه‌های [illegible] هدف نویسنده و کتاب [illegible] موردنظر [illegible]

[illegible] علاقمندان قرار گرفته و محدودی می‌توانند [illegible] همیاری‌کردن و برطرف‌ساختن [illegible] رادیو تلویزیون مورد استفاده مردم قرار [illegible] رادیو تلویزیون [illegible] منتشر شده است [illegible] کتاب که [illegible] راهنمایی‌های فنی برای شنوندگان رادیو و بینندگان تلویزیون در ۲۲۳صفحه [illegible] بینندگان [illegible] نویسنده و گردانندگان و تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیوتلویزیونی [illegible] میگیرد.

[illegible] کتاب [illegible] دانستنیها و اطلاعات [illegible] در رفع ناهماهنگی‌ها [illegible] الکترونیکی [illegible] در دسترس مردم قرار نگرفته است و [illegible] کتاب نیز که از منبع گسترش‌دهنده ایستگاههای رادیوتلویزیونی به عنوان راهگشای اشکالات [illegible] و برای مردم منتشر شده است، به تنهایی عنوان کتاب مفهوم محتوای کتاب را نمی‌رساند.

[illegible]

کتاب راهنمائی‌های فنی در دو بخش [illegible] تنظیم شده است که بخش نخست [illegible] مشتمل بر پنج فصل و ٤ پیوست است و بیشتر برای کارکنان و کارگران ایستگاههای رادیو تلویزیونی تنظیم شده است.

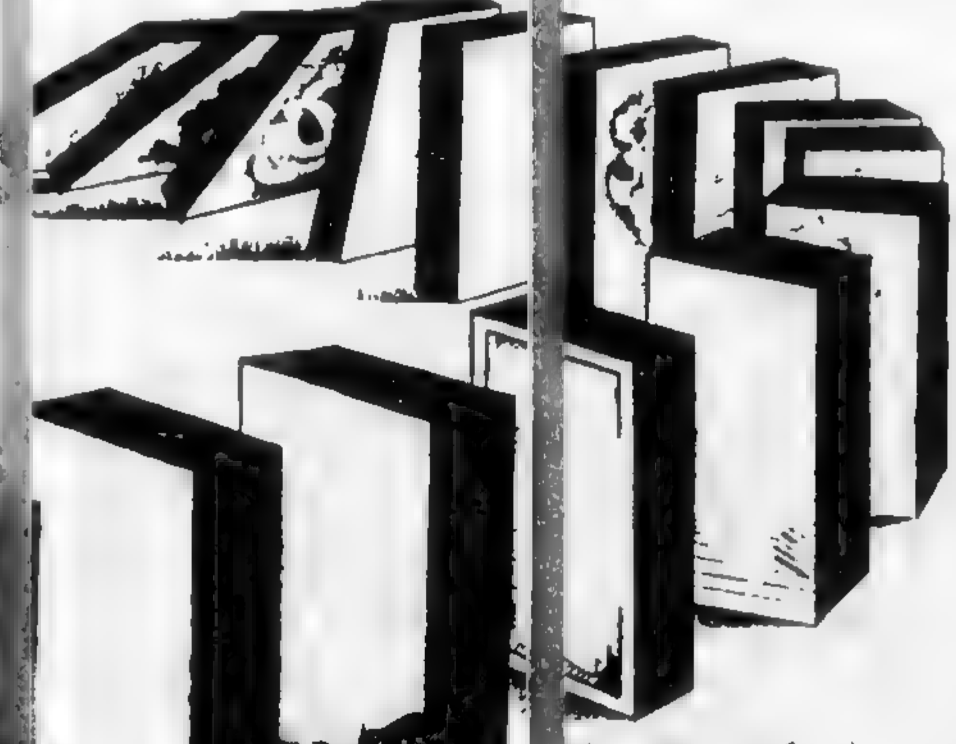

بخش دوم این کتاب تحت عنوان «راهنمائی‌های فنی برای شنوندگان رادیو و تماشاگران تلویزیون» چهارده قسمت را دربر می‌گیرد.

[illegible] پیشگفتار این کتاب و در صفحه ۱۵ [illegible] نویسنده پس [illegible] به نقش مهم دسته‌های گردانندگان ایستگاهها، می‌نویسد:

«... کارکنان سازمان رادیو تلویزیون [illegible] شرایط گرفتن موج، کاملاً [illegible] و دستگاههای گوناگون به‌کار برده شده در مناطق گوناگون [illegible] اندازه‌گیری‌های محلی به عمل [illegible]

ممکن است شرایط گرفتن امواج در مناطق گرمسیر در [illegible] و اختلاف شرایط انتشار امواج در مناطق معتدل [illegible] متفاوت باشد. از این گذشته در پاره‌ای از ساعات روز ممکن است به سرعت تغییر کند.»

نخستین فصل کتاب که [illegible] مربوط به چگونگی ارائه اطلاعات و نوع آن برای راهنمایی‌های مردم را در اختیار خواننده قرار می‌دهد، بیشتر جنبه تخصصی دارد که همراه با مطالب فصل دوم، «روشهای ارتباط با مردم» در حدود سی صفحه خلاصه شده است:

«....... وقتی یك فرستنده قبل از پایان کار نصب آن، مورد استفاده قرار گیرد، سازمان در برابر مسئله مشکلی قرار می‌گیرد، تأسیسات

* با اینکه این کتاب مشتمل بر مطالب ویژه فعالیت ایستگاههای فرستنده است، ولی می‌تواند برای بینندگان و شنوندگان تلویزیون و رادیو نیز مورد استفاده قرار گیرد.
نام کتاب: راهنمایی‌های فنی برای شنوندگان و بینندگان

مؤلف: [illegible]
مترجم: [illegible]
بهاء: ۱٦۰ [illegible]
ناشر: [illegible]
[illegible]

کتابی بر[illegible]

موفق [illegible] مورد قبول واقع می‌شود [illegible]

برعکس وقتی [illegible] برنامه‌ها را [illegible] نتیجه‌ای که [illegible] گرفته می‌شود، فروش [illegible] موقعیت، کاملاً [illegible] هزینه‌های [illegible]

[illegible] برنامه پس از نصب و [illegible] فرستنده [illegible] که قدرت [illegible] مشکل‌گیری که ممکن است پیش [illegible] موج و [illegible] که [illegible] فرستنده [illegible] وضعیت [illegible] موفق [illegible] در این حال [illegible]

دارد «دیاگرام تشعشع» تغییر کند و بعضی [illegible] ممکن است در نقطه صفر تشعشع [illegible] عمودی قرار بگیرند که سبب میشود تغییرات زیادی در [illegible] گرفته شده ایجاد شود.

همچنین اگر [illegible] موج ایجاد کند، تغییر [illegible] فرستنده میتواند [illegible] گرفته شده [illegible] دگرگون کند. در حالتی که انتشار چند جانبه امواج وجود داشته باشد، باز هم امکان دارد تغییراتی بوجود [illegible].»

فصل دوم همراه با چند عکس «[illegible]» به

ای پاسخ گوئی
نیها و معایب رادیو و تلویزیون

... سومین فصل پرسشهای عنوان ... صرف مردم پیرامون وضعیت ... گیرندههای خانگی خود مشاهده میکنیم [illegible]

[illegible]

وقتی برنامهای ... [illegible]

وقتی برنامهای ... [illegible] ... در مورد چه میشود کرد؟

[illegible] ... میشود؟»

و چندین پرسش دیگر که ... مردم ... [illegible]

« ... در پاسخ این پرسش ... که واگذاری فرکانسها و تقسیم آن بین کشورها مطابق با قواعد بینالمللی و بهنحوی انجام میشود که این نوع اغتشاشها را کاهش دهد. اما این

[illegible] ... ممکن است ... هم ... [illegible]

[illegible]

●●●

[illegible] ... بخش دوم کتاب که ... [illegible]

[illegible] ... فرستنده مخصوصی ... [illegible]

در قسمت دوم بخش دوم کتاب میخوانیم:
امواج رادیوئی و تلویزیونی چگونه عمل میکند؟
الف امواج هزارمتری امواج صدا
باند امواج هزارمتری که در اروپا برای پخش برنامههای رادیوئی ... ۱۵۰ - ۲۸۵ کیلوهرتز گسترده است.

در غالب مناطق جهان ... برنامه رادیوئی مورد استفاده قرار میگیرد ... ایستگاه فرستنده بخش رادیوئی ... ممکن است در این ... ۲۰۰ کیلومتر ... واقعی داشته باشد ... محسوس ... فرستندههای ... ممکن است با یکدیگر ... کنند. فرکانسهای اختصاص داده شده به ... وسیله توافقهای جهانی مشخص شده است ... اغتشاشهای متقابل را تا حداکثر ممکن کاهش دهد. اما ایستگاههای اضافی که در ... پیشبینی نشده بودند، در کشورهای گوناگون ... افتاده و اغتشاشهائی که اینها بوجود میآورند، میتواند برد حقیقی فرستنده مورد نظر را بطور جدی کاهش دهد.»

نویسنده کتاب راهنمائیهای فنی در این بخش پس از شرح امواج گوناگون رادیو تلویزیون، بهشناخت ویژگیهای رادیو و تلویزیون پرداخته و روش گزینش گیرنده را مورد بحث قرار داده است.

« ... اکنون در بازارهای جهان نوعی از تلویزیون وجود دارد که در آنها ترانزیستور جانشین لامپ شده است. این تلویزیونها بهقدرت تغذیه کمتری نیاز دارند و درنتیجه ضمن کار کمتر گرم میشوند. در بارهای از تلویزیونها امکان گرفتن امواج متری برنامههای رادیوئی استریو ... فرکانس «اف.ام» هم وجود دارد ... همچنین درجائی دیگر میخوانیم:

« ... باید بهخاطر داشت که خوبی یك تصویر تاحدودی وابسته به نور مکانی است که تلویزیون در آن قرار دارد. اگر این مکان خیلی روشن باشد، ممکن است چنین تفاوت شود که تنظیم دکمههای فرمان برای گرفتن تصویر رضایتبخش غیرممکن است. برای رفع این اشکال، صفحه شیشهای ویژهای در تلویزیون تعبیه میشود که با جلوی صفحه تصویر قرار دارد تا درون صفحه ...»

دربخش دیگر این کتاب آنتنهای رادیوئی مورد بحث قرار گرفته است که البته در اینجا این مساله بخوبی تشریح شده است.

« ... اگر امکان داشته باشد که در فاصله کمی از خانه، دکلی نصب شود. یا اگر درختی باشد که جای آن مناسب تشخیص داده شود، میتوان یك آنتن بصورت « L معکوس» یا « T » بکار برد ... ».

آنتن گیرندههای تلویزیونی نیز قسمت ششم از بخش دوم این کتاب را تشکیل میدهد. از قسمت مربوطه به آنتهای گیرنده تلویزیونی تا پایان کتاب که اغتشاش امواج F.M (اف. ام) نیز مورد توجه قرار گرفته است، کتاب بیشتر جنبه محیطی پیدا میکند و تصاویر زندهای از تلویزیون ملیایران در پیشروی، خواننده قرار میگیرد. این قسمتها مهمترین ... کتاب ... میگردد و ... کتاب ... همهیهای فنی ... در همین چند صفحه محدود ... علاقمند ... به خطا نرفتهایم.

... میتوان نتیجه گرفت که اگر این کتاب ... برای ... نوشته میشد و ... محدوده و شرایط ... مورد توجه قرار گرفته بود، ... گونه میبود که در ... اشاره شد «راه چارهای برای رفع نسبی کمبود کارگر و تکنسین تعمیراتی رادیو و تلویزیون»

«گ. جوان»

چراغی که با لمس کردن روشن میشود

این چراغ جدید رومیزی، ابتکار یك مهندس امریکائی است. پایه و بدنه چراغ، با فلز کرم پوشیده شده است. چراغ برای کنار بستر مفید است، زیرا دیگر لازم نیست در تاریکی دنبال کلید آن بگردید و آن را روشن کنید، فقط کافی است پایه یا بدنه آن را لمس کنید تا روشن شود.

چراغ جدید مخصوصا برای اشخاص معلول بسیار مفید است.

باهم به کارگاه ریسندگی برویم

عوامل تولید نخ والیاف در یک کارگاه ریسندگی را میتوان در «ماشین»، «مواد اولیه»، کارگر و سازمان و مدیریت خلاصه کرد.

اشاره:
مطلبی را که در این شماره میخوانید یکی از ساده‌ترین و در عین حال آموزنده‌ترین مقالاتی است که پیرامون فعالیتهای ریسندگی و بافندگی تنظیم شده است.
این مطلب سرآغاز مقاله‌های بعدی و سری‌های حرفه و فن، درباره کارگاهها و عملیات ریسندگی است که صرفاً برای کارگران ساده تهیه می‌شود و قرار با استفاده از برنامه سوادآموزی کتبی و شکلها و تصاویر گوناگون در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار می‌گیرد.
در این سری مباحث کوشش می‌شود پس از ایجاد شوق آشنائی با مدیریت و هدف کارخانه یا کارگاه وظایف هر بخش و مسئولیت هر کارگر در برابر ماشین یا دستگاه مربوط مشخص شود.

آشنائی با جزئیات صنایع ریسندگی

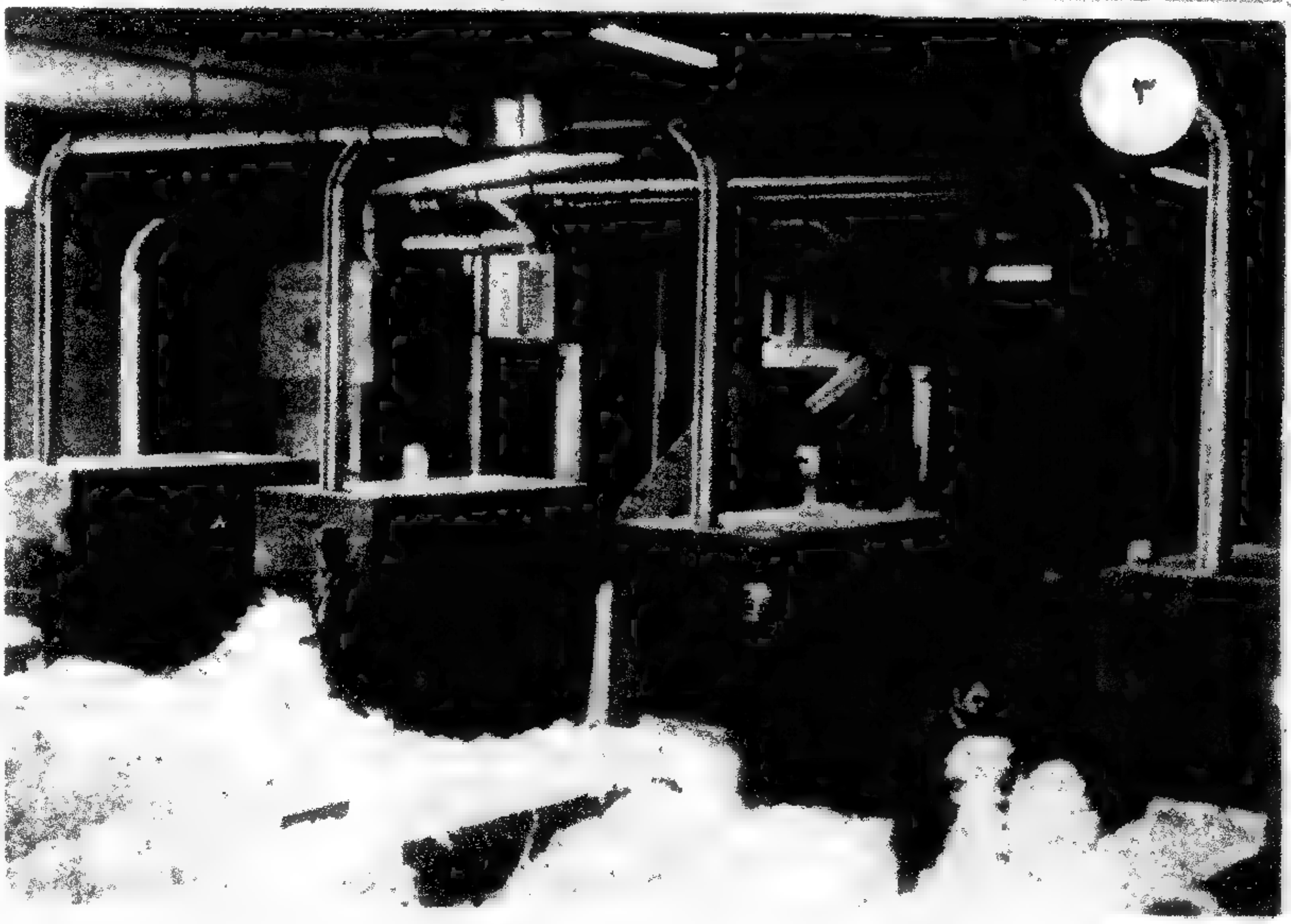

نخ چیست ؟

کاری را که در کارگاه ریسندگی انجام میگیرد می توان در عبارت زیر خلاصه کرد:
«در کارگاه ریسندگی الیاف به نخ ریسیده شده تبدیل میشود.»
البته نخ ریسیده شده در کارگاه ریسندگی باید مرغوب باشد، تا محصول بهتر و مناسبتری بدست آید. تبدیل الیاف به نخ ریسیده شده تا حد ممکن باید ارزان تمام شود.
نخ، مجموع الیاف یا رشته‌هایی است که روبهم و به موازات یکدیگر قرار گرفته و به یکدیگر تابیده شده باشند. عوامل تولید برای تهیه نخ در کارگاه ریسندگی را می توان در چهار مسأله خلاصه کرد. این چهار مسأله به ترتیب اهمیت بقرار زیرند:

۱- ماشین
۲- مواد اولیه
۳- کارگر
۴- سازمان و مدیریت

۱- ماشین

برای تهیه نخ در کارگاه ریسندگی ماشینهای مختلفی وجود دارد که عبارتند از: ماشین حلاجی، ماشین کاردینگ، ماشین بالشچه، ماشین شانه، ماشین فتیله، ماشین نیم‌تاب، و ماشین تمام تاب.

۲- مواد اولیه

مواد اولیه مورد مصرف در کارگاه ریسندگی تمام الیافی است که قابل ریسیدن باشد.

۳- کارگران کارگاه ریسندگی

در قسمت ریسندگی کارگران مختلفی کار میکنند. این کارگران وابسته به وظیفه‌ای که به عهده دارند عبارتند از:
۱- کارگران قسمت حلاجی: کارگر عدل بازکن، کارگر ماشین بالش، مکانیك حلاجی و کارگر حمل بالش.
۲- کارگران قسمت کاردینگ: کارگر کاردینگ، مکانیك کاردینگ، کارگر نوارپیچ، کارگر سمباده‌زن، کارگر برس‌زن و کارگر نظافتچی.
۳- کارگران قسمت بالشچه: کارگر بالشچه.
۴- کارگران قسمت شانه: کارگرماشین شانه و مکانیك ماشین شانه.
۵- کارگران قسمت فتیله: کارگر ماشین فتیله و مکانیك ماشین فتیله.
۶- کارگران قسمت نیم‌تاب: کارگر نیم تاب و مکانیك نیم تاب.
۷- کارگران قسمت تمام تاب: کارگر تمام تاب، مکانیك تمام تاب، کارگر حمل ماسوره، کارگر ماسوره کن و ماسوره زن و کارگر نوار دوز.

۴- سازمان دادن و فایده‌های آن در کارگاه ریسندگی

۱- سازمان دادن را می‌توان بصورت زیر تعریف کرد: سازمان دادن یعنی معلوم کردن وظایف هرقسمت و مربوط کردن بخشهای گوناگون با یکدیگر.
۲- فایده‌های سازمان دادن عبارت است از:
- برقرار کردن نظم کافی.
- حداکثر استفاده از افراد متخصص.
- جلوگیری از کارهای تکراری.
- تعیین وظایف افراد.

با معلوم شدن وظایف، هر فرد میداند در صورت وجود اشکالی به چه کسی مراجعه کند. و چگونه مشکلات و دشواریهای مربوط به صنعت و حرفه خود را از بین برده بازدهی محیط فعالیت کار گاهی را افزایش دهد.

مدیریت و وظایف آن در کارگاه ریسندگی

مدیریت در یك عبارت ساده بصورت زیر تعریف می‌شود:
مدیریت عبارت است از راهنمائی و اداره کردن سازمان داخلی یك کارخانه.
وظایف مدیر کارگاه ریسندگی عبارت است از.
- فراهم کردن وسایل لازم مانند مواد اولیه برای تهیه نخ.
- مشخص کردن نوع نخ، مقدار و تاریخ تهیه آن.
- هماهنگ کردن وظایف کارگران کارگاه.
- نظارت در کار سرپرستان کارگاه.
- کوشش در افزایش دانستنیهای افراد کارگاه.
- حل مشکلات افراد تا جایی که ممکن است.
- ایجاد رابطه خوب بین کارگران کارگاه.

۱- تحویل گرفتن ماشین از همکار قبلی.
۲- تمیز کردن ماشین.
۳- راه انداختن و بکار انداختن ماشین بالش حلاجی.
۴- رد کردن پنبه باز شده و تمیز از غلطکهای ماشین بالش.
۵- پیچاندن ورقه بالش به دور غلطک.
۶- کنترل و تنظیم تسمه یکنواخت کننده برای اینکه وزن بالشها عوض نشود.
۷- برداشتن و وزن کردن بالش تهیه شده از ماشین و گذاشتن آن در جای مخصوص.
۸- کنترل وزن میله‌های بالش.
۹- برگرداندن بالشهائی که وزن مناسب ندارند.

وظایف مکانیك حلاجی

۱- نگهداری و درست کردن ماشینهای حلاجی.
۲- کنترل و توجه در کار قسمتهای مختلف ماشینها.
۳- روغن زدن و گریسکاری ماشینها.
۴- برطرف کردن اشکال فنی ماشینها هنگام کار.

«شکل ۳ را ببینید»

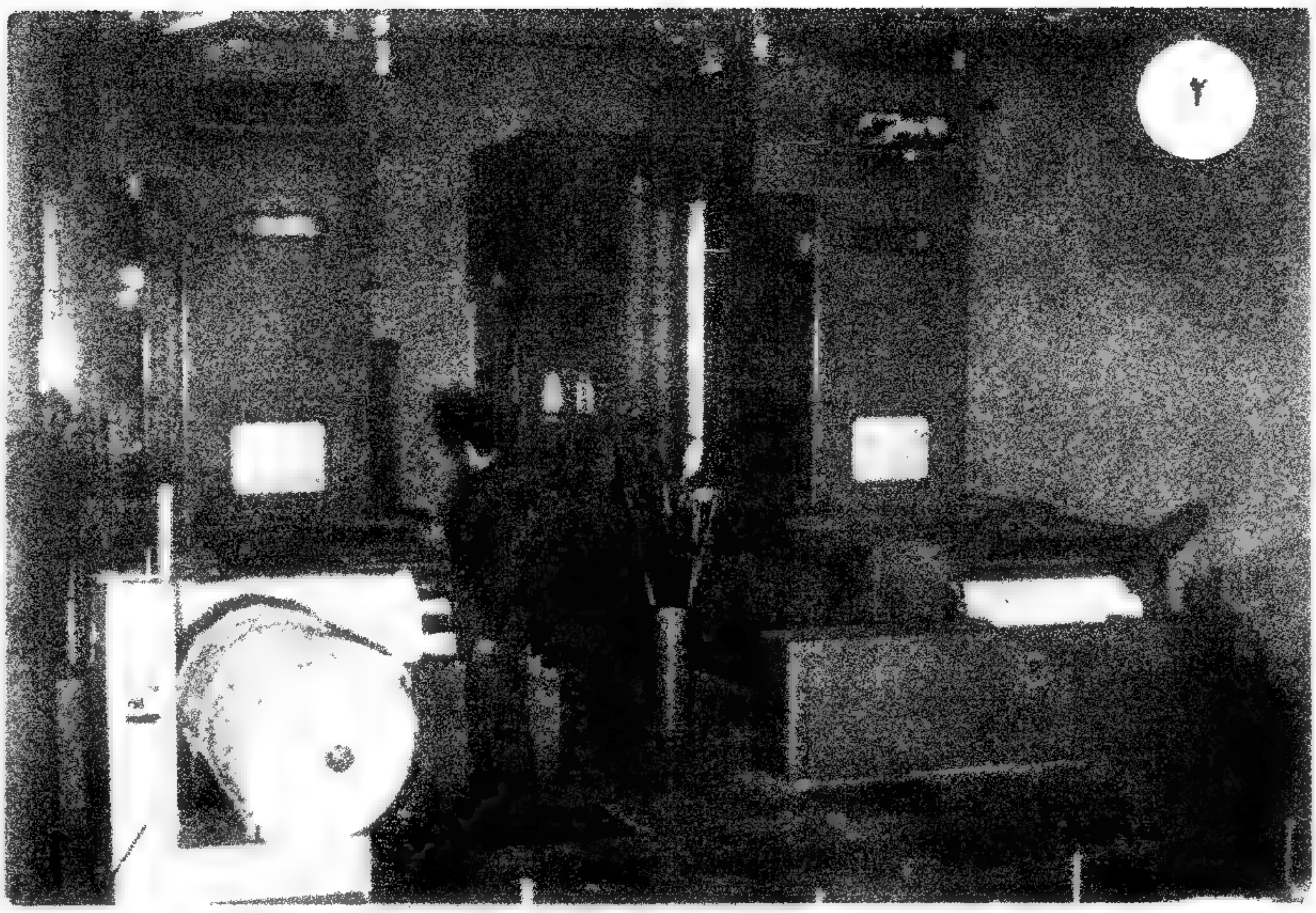

افراد کارگاه ریسندگی و وظایف آنها

افرادی که در کارگاه ریسندگی کار میکنند به سه دسته و به ترتیب زیر تقسیم می‌شوند:
مدیر، سرپرست پست و کارگران بخش‌های گوناگون کارگاه ریسندگی.
وظایف سرپرست پست به شرح زیر است:
۱- سرپرستی کارهای کارگاه.
۲- نگهداری ماشینهای کارگاه.
۳- نظارت بر میزان تولید کارگاه.
۴- برطرف کردن اشکالهای موجود در کارگاه تا حد امکان.

وظایف کارگران عدل بازکن

۱- تحویل گرفتن عدلهای مورد نیاز برای سالن حلاجی.
۲- وزن کردن پنبه‌ها یا الیاف تحویل گرفته شده.
۳- باز کردن سیم و گونی عدلها.
۴- باز کردن عدلهای پنبه و یا الیاف مصنوعی.
۵- خشك کردن پنبه‌های مرطوب.
۶- جمع کردن گونی عدلها و سیمهای آن.
۷- جمع کردن ضایعات عدلها و بردن آنها به انبار یا اماکن ویژه‌ای که برای این کار در نظر گرفته شده است.

وظایف کارگر عقب ماشین حلاجی

۱- تحویل گرفتن ماشین از همکار قبلی.
۲- تمیز کردن ماشین.
۳- دقت و توجه در کار ماشین.
۴- مخلوط کردن پنبه چند عدل مختلف و قرار دادن آنها روی نوار خوراکدهنده.
۵- جدا کردن ضایعاتی که ممکن است در پنبه وجود داشته باشد.

وظایف کارگر جلو ماشین حلاجی

پیش از مطالعه وظایف این کارگران شکل ۱و۲ را مشاهده کنید.

از این پس رستورانها وسوپرمارکتها وسرویسهای فروش مواد غذائی در اروپا از یك ماشین با تیغه‌های متحرك استفاده میکنند که با آن میتوان در یکساعت سیصد جوجه را هر یك به ده قسمت خرد کرد. این ماشین دارای تیغه‌های مخصوصی است که تا یکسال بدون تیز کردن بخوبی کار میکند. ضمناً برای جوگیری از هرگونه خطر بریدگی دست، تیغه‌ها در محفظه‌ای قرار دارند.

پیشرفتهای اخیر تکنولوژی موجب شده است تا سیستمهای جدیدتری برای قراردادن سر بیمار روی دستگاه، زمان کوتاهتر مشاهده، و افزایش تعداد بیمارانی که میتواند با دستگاه مزبور معالجه شوند بوجود آید.
این دستگاهها بخشی از دستگاه ای- ام- آی برای مشاهده تمام بدن هستند که میتوانند عکسهای دقیق و کاملی از بخش‌های مختلف بدن ارائه دهند.

ذغال سنگ
را چگونه

جلوگیری از ورود هوا به انبارهای ذغال مهم‌ترین روش مبارزه با آتش سوزی انبارها و معادن ذغال سنگ است

پس از استخراج از معدن:

اماده کردن ذغال سنگ برای استفاده در صنایع مختلف و چگونگی انبار کردن حمل ونقل و بکار گیری آن در مراکز صنعتی و بعضی خانه‌ها، نیازمند یك سری اطلاعات فنی و علمی نسبتا دقیق است. چرا که اگر در این فعالیتها کوچکترین اشتباه یا انحرافی پدید اید، پیامدهای ناگوار و زیانهای جبران ناپذیری بر پیکر سرمایه‌گزار مراکز تولیدی و صنعتی وارد خواهد کرد.

همچنانکه در گذشته مطلب جامع و اموزنده‌ای را که توسط دو تن از دانشمندان غربی (لئوناردومیچل) تهیه شده بود، خواندید، دراین شماره نیز بحث دیگری درباره ذغال سنگ را با مختصر تغییری از متن انگلیسی آن مطالعه خواهید کرد.

تبادل حرارتی ذغال

یك قطعه از ذغال بیتومنداری را در نظر میگیریم. قطعه مزبور در مقابل اکسیژن بدون گرم شدن اکسید خواهد شد زیرا تبادل حرارتی آن با محیط مقدار حرارت ناچیزی را که در نتیجه اکسید اسیون ایجاد میشود زایل خواهد کرد. حال اگر این قطعه را بشکنیم جمع سطوح خارجی قطعات شکسته بمراتب بیش از جمع سطوح خارجی قطعه اصلی خواهد شد. جمع سطوح خارجی دانه‌ها بابعاد آنها در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

از کل مشخصات جدول، فرم یك «سهمی» بدست می‌اید.(دانه‌ها مکعب فرض شده‌اند) معمولا ذغال سنگ سرند نشده، از دانه‌های ذغال با ابعاد گوناگون تشکیل شده است. موقعیکه این ذغال در محلی که باید انبار شود، ریخته می‌شود، یك طبقه بندی مخصوص برحسب اندازه دانه‌ها پیدا می‌کند

ذغالهای پوك و همچنین خاك ذغال که سطح تماس بیشتری با هوا دارند در تسریع امر کمك زیادی خواهند کرد.

اثر رطوبت

وضع و درجه رطوبت در توده‌ای که انبار شده است در ایجاد حرارت خود بخود تاثیر زیادی دارد زیرا رطوبت موجود از یکطرف مانع گردش هوا و تهویه میشود و از طرف دیگر به اکسیداسیور پیریت کمك می‌کند.

مطالعاتی که توسط دفتر معادن امریکا انجام شده، نشان داده است که حرارت تبدیل آن مقدار از بخار به آب که رطوبت یك توده ذغال را از۳ در صد به ٤ در صد برساند، میتواند حرارت توده را تا.۳ درجه فار نهایت بالا ببرد. دانشمندان در تشریح نتیجه آزمایشهای‌گسترده‌ای یادآور شده‌اند زمانیکه ذغال خشك سرند شده‌ای بعنوان زیر سازی انبار ذغال مرطوبی که باید مرتباً حمل مشد، بکار برده شده بود، در مدت دو هفته ما بین لایه‌ها آتش سوزی آغاز شد و بالاخره پژوهندگان دیگر عقیده دارند که علت اکسیداکسیون سریع در ذغال مرطوب بطور اساسی مربوط به طبقه ذغال است و نه اصل وجود رطوبت در ان. زیرا معمولاً ذغالهای مرطوب از طبقات پست(با اکسیژن زیاد) بدست می‌آیند

عامل زمان

اکسیداسیون وقتی انجام میشود که سطح خارجی تازه‌ای از ذغال با هوا در تماس باشد. بهر حال جذب اکسیژن با زمان انبار کردن نسبت معکوس دارد(در گرمای ثابت) بنابراین اگر ذغالسنگ بطرز درست انبار شود، بطوریکه درجه حرارت به مقدار قابل توجهی بالا نرود(یعنی گرمای ایجاد شده، بوسیله‌ای خارج شود) سرعت اکسیداسیون، در نتیجه تاثیر آب و هوا در طول زمان کمتر خواهد شد.

تاثیر انبار کردن در خواص ذغال

ذغالی که انبار شود قسمتی از قدرت حرارتی و خاصیت كك دهی خود را از دست میدهد. کاهش قدرت حرارتی مقدار قابل توجهی نخواهد بود و معمولا میتوان از آن صرفنظر کرد. یعنی اگر ذغالی از طبقه بالا بطور صحیح انبار شود و اکسیداسیون آن به حداقل محدود شود در ظرف یکسال فقط ۱ درصد از قدرت حرارتی خود را از دست میدهد در حالیکه اگر همین ذغال را بدون رعایت اصول انبار کنند در سال اول ۵-۳ درصد از قدرت حرارتی آن کم خواهد شد.

ازمایشهائی که توسط دفتر معادن امریکا در «ایلی نویز» و در فصول تابستان و زمستان در مورد انبار ذغال شماره ۱٦ انجام شد، نشان داد که قدرت حرارتی در مورد ذغالیکه در تابستان انبار شده است ۲/۱ درصد، و در مورد ذغالیکه در زمستان انبار شده است ۱/٤ درصد در یکسال کم شد.

تهیه کنندگان کالا به این نتیجه رسیده‌اند که ذغالی که در انبار میماند بطور محسوس خاصیت كك دهی خود را از دست میدهد و حتی گاهی از نظر کك‌سازی بلا استفاده میشود!

در این مورد هم نتایج تجربیات یکسان نیست (از حالتی که بعد از ماهها و سالها تغییری در خاصیت کك‌دهی داده نشود تا وضعیکه این خواص در ظرف فقط ۳۰ روز کاهش قابل توجهی پیدا کنند، تغییر می‌کند.)

بهرحال ازمایش نشان داده است که حتی ذغالهائی را که انبارکردن آنها مشکل است میتوان پس از دانه‌بندی درست (جدا کردن نرمه‌ها یاسرند) برای مدت کوتاهی ذخیره کرد و بعد هم بطور قابل قبولی در تهیه بار کوره كك به مصرف رسانید.

علاوه بر انچه گفته شد ذغالهای طبقه پائین چون استحکامی ندارند خرد میشوند و بنابراین خاصیت خود را پیش از معمول از دست میدهند مثلا ذغال «ساب بیتومینه» در انبار روباز، ٦/٦ از قدرت حرارتی خود را پس از سه سال از دست داد. ولی تجربیات جامع اداره معادن امریکا نشان داده است که با پیش‌بینی‌های لازم، حتی «لینیت» را هم میتوان بطور موفقیت‌آمیز در انبار نگهداری کرد . برای ازمایش این امر توده مورد بحث را تا حصول وزن مخصوص ۷۰ پوند برای هر فوت مکعب بصورت ستونها و یا لایه‌هائی تحت فشار قرار دادند که تنها بعد از ده‌سال مختصری فاسد شد.

خلاصه بحث اینسکه اکسیداسیون می‌تواند در مورد خواص بعضی از انواع ذغال اثر کند و نیز در تحت شرایط معینی تمام ذغالها«جز انتراسیت» صرفنظر از محل و نوع انبار(از قبیل بوتك سرباز- ساخته شده از مصالح ساختمانی و غیره) خود بخود ایجاد حرارت خواهند کرد و عوامل اساسی در تولید حرارت در درجه اول ترکیب اکسیژن با ذغال و در درجات بعدی وجود رطوبت خاصیت خرد شدن در نتیجه جابجائی- روش انبار کردن و وضع تهویه توده انبار شده است. بطور کلی و در هر صورت تمام ذغالهای صنعتی را می‌توان با اطمینان کامل انبار کرد.

تغییرات مورد بحث ، در روزها و ماههای اول انبار شدن با سرعت پیشروی میکند و تاثیر اب و هو در ذغال با گذشت زمان کم میشود بنابر ین باید با توجه به مدت انبار شدن، تصمیم لازم را اتخاذ کرد.

برای انبار کردن ذغال در فضای آزاد و حصول اطمینان از اینکه ذغال مدتی طولانی باقی خواهد ماند(مثلا تمام فصل زمستان یا زمانی طولانی‌تر برای فروش تدریجی) یا باید محلی انتخاب شود که خشك و صاف باشد و یا محلی که با مصالح ساختمانی و یا زه‌کشی لازم ساخته شده باشد.

پس از انتخاب محل باید انرا از مواد سوختنی(موادی که درجه احتراق آنها پائین است از قبیل چوب و پارچه و غیره) پاك کرد، و خاك انرا محکم کوبید و در صورت لزوم دراین محل خاك رس پخش کرده و انرا خوب بکوبند، روی خاك رست نیز باید ذغال نرم ریخته شود و مجددا با غلطك یا هر وسیله‌ای که در دسترس باشد بکوبند. ذغال کوبیده شده کف انبار را تشکیل خواهد داد.

پس از آماده شدن کف، ذغالی را که می‌خواهند انبار کنند باید بر روی کف مزبور پخش کنند(بطوریکه ضخامت آن حدود یك تا دوفوت باشد). و پس از آن ذغال کوبیده شود و بعلاوه اطراف این توده را هم باید کوبید یا غلطك زد طوریکه یك پوشش مقاوم در مقابل هوا ایجاد شود. در بعضی جاها از اسفالت بعنوان پوششی استفاده شده است ولی معمولا نتیجه رضایتبخش نبوده است. بهرحال از ایجاد توده مخروطی شکل باید خودداری شود.

روش علمی

روش علمی و مؤثری که برای پوشاندن توده وجود دارد اینست که لایه‌های متعددی از ذغال نرم و بعد ذغال کلوخه روی آن ریخته شود تا ذغال کلوخه از بین رفتن ذغال نرم وسیله باد و باران جلوگیری کند. در انبار کردن دانه‌های درشت ذغال و یا ذغال سرند شده کوبیدن آن لازم نیست و میتوان از آن بطور نکوبیده استفاده کرد زیرا حرارت ایجاد شده وسیله تهویه طبیعی خارج خواهد شد ولی دراین حالت هم گاهی پوششهائی از ذغال نرم کوبیده شده بکار برده می‌شود تا چنانچه ذغال خاصیت خرد شدن دارد پوشش مزبور مانع این امر شود.

نکته مهم این است که محصول استخراج شده از معدن و ذغالهائی که بمصرف سوخت منازل میرسند(ذغال درهم) باید با متد لایه‌ای پوششی انبار شوند و در اطراف آنها شیبی برای باران ایجاد شود.

در مورد انبار کردن مقادیر کمتری از ذغال، اغشته کردن با نفت بسیار مطلوبست زیرا به مقدار قابل توجهی خاصیت جذب اکسیژن و رطوبت را کم میکند. وقتی حرارت و آتش در انبار شروع شد و خارج کردن بقیه ذغال از انبار(جهت جلوگیری از توسعه آتش) عملی نبود، خفه کردن آتش بوسیله کوبیدن توده با ماشینهای سنگین معمولا بهترین روش است و بهرحال باید از پاشیدن اب خودداری کرد چون ممکن است خلل و فرج را شسته و باعث تسریع جریان هوا یعنی تسریع انتشار اتش شود گرم شدن توده را قبل از اینکه بصورت جدی و بحرانی درآید میتوان با کار گذاشتن لوله‌های قائمی با قطر کم و در فواصل معین و قرار دادن گرماسنج و یا«ترموسکوپ» در آنها اندازه گرفت، باید توجه کرد که لوله‌ها داخل ذغال جا داده شوند تا عملی نظیر دودکش انجام ندهند.

● انبار کردن برای مدت کوتاه

در انبار کردن ذغال برای مدت کوتاه علاوه بر نکاتی که ذکر شد مسائل مختلف دیگری را هم باید درنظر گرفت که مهمتر از همه باید ذغال را طوری انبار کرد که امکان بارگیری وجود داشته باشد و اگر ذغال استخراج شده برای مدت کوتاهی در داخل تونل انبار میشود، باید امکان بوجود آمدن یك محیط قابل انفجار را از نظر دور نداشت، چون معمولا از جمع شدن گاز متان و گرد ذغال چنین محیطی ایجاد میشود.

کارشناسان مختلفی وجود ۲ درصد متن ر ـ
محل انبار موقت دغال در داخل تونل گزارش دادهاند! گاز متان برخلاف زحماتیکه برای تهویه مـسب کشیده میشود، معمولاً تولید میشود و تولید گرد ذغال هم با رطوبت ذغال بستگی د ر د

در تونلهائی که انتهای آنها بسته باشد حتم باید راه فرار مناسبی ایجاد شود که اگر چنین راهی با توجه به اصول ساخته شود میتو ند محرای مناسبی برای تهویه باشد

دیوارهای تونلها باید بطور صحیح و مکرر شسته شوند تا از جمع شدن گرد دغال در روی بهـ حلوگیری به عمل اید. تعمیرات الکتریکی و جوشکاری نباید درحین حمل ذغال در تونل و یا در تونلهای گازدار انجام شوند. آماده بودن وسایل اتش‌نشانی و تنفس مصنوعی در نزدیك محل کار صروری است

جدول شماره ۱
«نسبت بین سطح و اندازه دانه‌های ذغال»

سطح(فوت مربع برتن)	اندازه
٤٨	فوت ۲/۸۳
۲۷۲	اینچ ٦
٥٤٤	اینچ ۳
۱۰۸۸	اینچ ۱/٥
۲۱۷٦	اینچ ۲/٤
٤۳٥۲	اینچ ۳/۸
۸۷۲۷	مش ٤
۱۷٤۱٦	مش ۸
۳۷٤۱٦	مش ۱٦
۷۰۳٤۱	مش ۳۰
۱۳۹٤۷۹	مش ٥۰
۳۷٦٥۹c	مش ۱۰۰

در مصرف بنزین چگونه صرفه جوئی کنیم؟

[illegible] کشورهای صنعتی [illegible] ۲۶۰۰۰۰ میلیون کیلو [illegible] ۱۶۳۵۰ [illegible] رقم معادل ۳۳۵۰۰۰ [illegible] گردیده است

مصرف سوخت [illegible] حرفی [illegible] می‌شود

[illegible]

[illegible] صرفه‌جوئی [illegible] گرفته [illegible]

۷۵درصد [illegible] در گرم کردن و آلوده کردن محیط به مصرف می‌رسد. این رقم در شرایط [illegible] و در شهرها و جاده‌ها [illegible] می‌دهد

[illegible] که وقفا صرف میشود. هنگام اضافه [illegible] سرعت و [illegible] کردن اتومبیل بهدر می‌رود

[illegible] که [illegible] حرکت می‌کند. سوخت [illegible] موتور میدهد. بهتکه [illegible]

خوب میداند که در نتیجه چنین عاداتی مصرف سوخت بطور سرسام آوری بالا میرود

سرعت زیاد نیز سبب اتلاف انرژی میشود سرعت اگر از ۱۰۰کیلو متر یا ۶۰ میل در ساعت تجاوز کند، کارائی موتور بطور محسوسی کاهش میابد

فشار یا مقاومت مکانیکی و غیره نیز در میزان مصرف انرژی موثرند. اصطکاك میان سطح جاده و لاستیك اتومبیل نیز در سرعت زیاد باعث اتلاف انرژی میشود. وقتی اتومبیل با سرعت ۷۰ کیلومتر در ساعت حرکت می کند، فشار زیاد، ۵۰ درصد انرژی تولید شده را به مصرف میرساند

از ۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت تقریباً دو سوم نیروی موتور خنثی میشود. بنابراین هر اتومبیل بطور متوسط در سرعت زیاد، یك حالت سیری ناپذیر برای سوخت پیدا میکند. طبق گزارش نامبرده (فرضا اگر بخواهید مسافتی بطول ۴۰۰ کیلومتر را در مسیر بزرگراهی طی کنید)اگر با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت بطور مدام برانید در هر صدکیلومتر به ۳۲ لیتر بنزین احتیاج خواهید داشت

اگر جاده نسبتاً پر رفت آمد باشد صرفه‌جوئی مصرف بنزین امکان کمتری دارد در واقع مصرف بنزین در شرایط فوق ممکن است به ۵۲لیتر برسد. ولی اگر مصرف در حدود یك گالن برای هر بیست میل باشد.یکساعت وقتی که صرفه‌جوئی می‌شود در واقع بیست لیتربنزین ارزش دارد که خود مبلغ قابل توجهی است

بنابراین اگر طی مسافتی بطول ۲۵۰میل یکساعت صرفه‌جوئی شود در واقع پنج گالن بنزین قیمت دارد که تقریباً معادل ۱۹مارك خواهد بود

پس چگونه میتوان در مصرف بنزین صرفه‌جوئی کرد؟

در ایالات متحدآمریکا حداکثر سرعت به ۵۵میل در ساعت کاهش یافته و در نتیجه ظاهرا صرفه‌جوئی می‌شود. در صورتیکه سرویس اتومبیل بطور منظم و با رعایت همه این عوامل صورت گیرد، مقدار صرفه‌جوئی را به آسانی میتوان به ۵ درصد رسانید

بنابراین بطور متوسط دارنده اتومبیل میتواند سالانه ۷۵ لیتربنزین کمتر مصرف کند. تغییر طرح اتاق اتومبیلهای بزرگتر نیز ممکنست نتیجه بهتری بدهد. براساس گزارش موسسه پژوهشهای انرژی هنوز اصلاح زیادی میتوان در اتومبیلها مثلاً در موتور و جعبه دنده بعمل آورد و عادات اتومبیلرانی [illegible] طرح اتومبیل [illegible]

[illegible] سبز شدن چراغها. مسابقه‌های خصوصی در جاده‌های خارج از شهر سرعت گرفتن فوری هنگام وارد شدن به بزرگراهها، مانورداں در میان ازدحام اتومبیلها، از عادات بدی هستند که سبب اتلاف تقریباً نیم میلیون لیتربنزین میشود این سوخت تلف شده فقط به حرارت و دودهای مسموم کننده تبدیل می‌شود که هیچ نیازی به آنها نیست

مصرف بنزین ۱۲درصد کاهش پیدا کرده است قسمت اعظم صرفه‌جوئی در این کشور در حقیقت ممکنست ناشی از افزایش قیمت سوخت و یا کاهش اتومبیلرانی تفریحی باشد

عوامل کاهش دهنده

در هر صورت محدود کردن سرعت میتواند در صرفه‌جوئی سوخت مؤثر [illegible] لاستیك نیز میتواند در کاهش اصطکاك و در نتیجه مصرف سوخت [illegible] اتاق اتومبیلهای معمولی ۳۳ [illegible] اتومبیلهائیکه [illegible]

[illegible]

خبرهائی از صنعت مدرن

بر اثر نوسان ولتاژ برق:

لوازم خانگی به‌خازن مجهز می‌شوند

بدنبال دستورالعملی که چندی پیش از طرف وزارت صنایع و معادن برای تجدید نظر در استاندارد لوازم برقی منزل به ویژه کولر و نصب خازن در آن صادر شد اخیراً یك مقام آگاه اظهار داشت : با توجه به تصمیمات تازه وزارت صنایع و معادن برای پیش‌بینی و نصب خازن در وسائل برقی منزل، از هم اکنون سفارش تعداد قابل توجهی خازن به خارج داده شده و قرار است با ورود این خازن‌ها تمام تولیدات برقی مصرفی منزل که از این پس ساخته می‌شود، به خازن مربور مجهز شود. این مقام اضافه کرد با توجه به نوسان ولتاژ برق در ساعات مختلف روز، لزوم نصب خازن در لوازم برقی مصرفی منزل بیش از پیش محسوس است و در این زمینه از سوی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، به کلیه واحدهای تولیدکننده لوازم برقی مصرفی منزل بخشنامه شده است تا از این پس نصب خازن را در تولیدات خود پیش‌بینی کنند

یکی از دو نمونه تاکسی‌های ساخت بریتانیا که برقی است وباباتری کار میکند و طرح آن از طرف اداره نقلیه پلیس «متروپولیتن» لندن داده شده بود، چندی پیش در نمایشگاه موتور در ارلز کورت بمعرض نمایش گذاشته شد. این تاکسی‌ها بدون صدا، یا ایجاد هرگونه آلودگی کار می‌کند و مصرف آنها نیز بسیار کم است. سرعت این اتومبیلها حدود ۹۰ کیلومتر در ساعت است و پیش‌بینی شده با هر بار شارژ شدن فقط ۱۶۰ کیلومتر راه را میتواند طی کند.

سیستم داخلی

نیروی اتومبیل از باتریهای اسیدی که در یك سینی جداگانه قرار داده شده و تعویض آنها بآسانی و در مدت زمانی نظیر سوخت‌گیری اتومبیل‌های عادی صورت میگیرد. کار اتومبیل از طریق یك موتور ۵۰ اسب بخار است که در قسمت جلو و هم‌سطح با اتاقك اتومبیل قرار گرفته تأمین میشود. قدرت دور زدن آن مانند یك تاکسی معمولی است و ۵ تاکسی الکتریکی درجائی که ٤ تاکسی عادی اشغال میکند پارك میشود.

دو تاکسی نمونه بعنوان ارزیابی از سیستم راندن و سایر مسائل تکنولوژی بصورت آزمایشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند پیشرفت و بهبود این تاکسیها پس از تجربیات لازم صورت میگیرد و هزینه دقیق سوخت آن نیز تعیین میشود. تاکسی نمونه‌ای که در تصویر مشاهده می‌کنید، یکی از دو نوع تاکسی الکتریکی جدید است.

سکوی بالارونده خودکار

یك دانشمند آمریکائی مدعی شده که تنها سکوی بالارونده خودکار با یك برج تاشونده ساخته است که حداکثر سیزده متر بلند میشود. اندازه سطح این سکوی بالارونده، ٦×۳ متر است و میتواند تا یك تن بار حمل کند. برج این سکو بطور هیدروالکتریکی در موقعیت‌های مختلف قرار داده میشود و مخصوصاً در نقاطی که تا ۳۰ درجه شیب جلو و عقب و ۱۵ درجه شیب چپ و راست داشته باشد، از آن استفاده میشود. این سکو بیشتر مورد استفاده در ساختن پلها، پالایشگاهها و لوله‌گذاریها میباشد.

ابزار کششی هیدرولیکی برای اتومبیلها

یك ابزار کششی هیدرولیکی میتواند تا بیست تن کشش ایجاد کند وفرمان‌وصندلی یا قسمت خم شده اتومبیل را بکشد، تا راننده یا مسافر از داخل اتومبیل آسیب دیده آزاد شود. ادارات آتش‌نشانی، گروههای امدادی، پلیس وصنایع سنگین وسبك از استفاده کنندگان عمده این ابزار هستند. آزمایش نشان داده است که این ابزار در موارد اضطراری فقط سه دقیقه وقت میگیرد تا کار خود را انجام دهد. از این ابزار اندازه‌های مختلف از ۳ تا ۱٦ کیلوگرمی ساخته شده است.

ساختمان بتون، در عرض ٦ دقیقه.

در اروپا یك نوع تریلر که برای حمل سیمان، آب و ماسه میباشد، طرح شده و این مواد پس از رسیدن به محل ساختمان در ظرف مدت ٦ دقیقه، مخلوط و تبدیل به بتون میشود. این دستگاه تنها تریلر (انباری) است که تا راههای دور مواد ساختمانی را حمل میکند با استفاده از این تریلر، دیگر احتیاج، بدستگاه مخلوط‌کن نیست.

ماشین خودکار اسفالت

پس از سالها تحقیق وازمایش، اکنون ماشین خودکاری برای اسفالت کردن ساخته شده که نیرومندتر از ماشینهای قدیمی است. این ماشین میتواند بیش از هر ماشین هم اندازه وهم قیمت خود اسفالت بکشد وتخلیه کند. این ماشین جدید میتواند دقیقه‌ای ۲۲/۵ متر طول وعرض ۱/۸ تا ۳/٦ متر وضخامت ٦ تا ۱۵۲ میلیمتر اسفالت بریزد هنگام حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر، سرعت آن ۳۹ کیلومتر در ساعت میباشد.

این زن و شـوهر کارگر که در یك کارخـانه کار می‌کنند، معتقدند:

خوشبختی در وجود همه

[illegible]

زن:
– از شوهرم آنقدر توقع دارم که درحد امکانش هست.
– من در مبارزه با گرانفروشی، از گرانفروش بهیچوجه گذشت نمی‌کنم.

مرد:
در انتخابات و دیگر فعالیتهای اجتماعی اگر منهـم تنبلی بکنم، همسر وادارم میکند که از حـق مشروع خودمان استفاده کنیم

حسن معماری و راضیه امتحانی، هردو در یك کارخـانه کار می‌کنند و برای بهتر زیستن نیز دوش‌بدوش هم می‌کوشند. خـداوند بتازگی به این زن و شـوهر خوشبخت فرزندی عنایت فرموده است.

آندو در یك کارخانه ماشین‌سازی [illegible] دوش‌بدوش هم کار میکنند [illegible] زندگی [illegible] دوش‌بدوش هم می‌[illegible] هستند و خوشبخت و معتقدند که [illegible] هر [illegible] و [illegible] بهره [illegible] زندگیش [illegible] دوستی [illegible] و بی‌تکلفی [illegible] و [illegible] مردمی [illegible] روز [illegible] در وسط [illegible] بهره میگیرند [illegible] تازگی [illegible] دختری [illegible] کرده [illegible] زندگیشان [illegible] قدوم [illegible] خوداری دیگر [illegible] پای حرفهایشان می‌نشینیم.

قبل از طرح هرگونه سئوالی هدفمان را [illegible] گفتگو [illegible] حسن و همسرش که روبروی [illegible] نشسته‌اند توضیح میدهیم و میگوییم که مجله «رستاخیزکارگران» علاوه براینکه سخنگوی کارگران و متعلق به آنهاست، کوشش میکند در سطح زندگی خانوادگی آنها نیز فعالیت داشته باشد و مسائل و مشکلات و نظرات و عقاید [illegible] نیز مطرح [illegible] و [illegible] عقاید [illegible] گروه کارگر و [illegible] ولی پرسش [illegible] که [illegible] خودش صحبت کنید

خانواده معمولی

حسن معماری میگوید [illegible] ۱۳۲۹ [illegible] شهر [illegible] در [illegible] خانواده‌ی معمولی متولد شده‌ام. معمولی [illegible] جهت که خانواده‌ام نه [illegible] متعصب هستند که [illegible] هر گونه [illegible] مخالف باشند و نه [illegible] امروزی که همه [illegible] و [illegible] خوشبخت [illegible] هستند و [illegible] چون [illegible] کارخانه [illegible] دوش [illegible] کارگر [illegible] میکند [illegible] کلاس [illegible] موجه کارخانه ماشین‌سازی [illegible] و [illegible] کارآموزی گردیدم [illegible] موضوع [illegible] حقوق کارآموزی [illegible] موقع ۱۹۰ تومان [illegible] دوسال [illegible] حقوق [illegible] خوشبختانه [illegible] کارخانه مشغول [illegible] همه [illegible]

[illegible] دهم و [illegible] دیپلم [illegible] متوسطه خود را بگیرم. بهر صورت شش ماه [illegible] دوره کارآموزی، بعنوان یك کارگر ماهر در کارخانه مشغول کار شـدم و پس از پایان دوسال دوره کارآموزی، حقوقم به ۶۹۰ تومان [illegible] افزایش یافت.»

اشنائی و ازدواج

حسن که بقول همسرش، راضیه، خیلی کم حرف میزند، در پاسخ این پرسش که در حال حاضر چقدر حقوق میگیرید، میگوید:

در حال حاضر ماهانه دوهزارویکصد تومان حقوق میگیرم و بعنوان فورمن (سرپرست) کارگاه [illegible] ۱۵ کارگر [illegible] وظیفه میکنم.»

و [illegible] هم که در [illegible] زندگی [illegible] توضیحاتی [illegible] میگوید

[illegible] ۲۵۳۳ [illegible] ازدواج کردم و هم‌اکنون همانطور که می‌[illegible] صاحب یك دختر بچه یکماهه هستیم. برخورد من با راضیه در ماشین‌سازی صورت گرفت. چون همانطور که گفتم، همسرم هم مانند بسیاری از [illegible] کارخانه کار میکند [illegible] و [illegible] کردم و [illegible]

و وقتی اطمینان حـاصل کردم که با دختر [illegible] و ساده و بی‌تکلفی روبرو شده‌ام، علاقه خود [illegible] میان گذاشتم و خوشبختانه او هم نسبت به من بی‌نظر نبود و سرانجام با توافق راضیـه، مسئله خواستگاری به پایان رسید و زندگی [illegible] و [illegible] واقعا هم [illegible] در کنار و [illegible] احساس خوشبختی می‌کنم.»

از ته قلب میگویم

از راضیه میخواهم که درباره خود و زندگیش صحبت کند، میگوید

«من راضیه امتحانی، هم اکنون ۲۰ سال دارم و تا کلاس هشـتم درس خـوانده بودم که متوجه آگهی‌های کارخانه ماشین‌سازی شدم و پس از مراجعه به قسمت کارگزینی کارخانه و قبولی، یك دوره دوسال کارآموزی را پشت سر گذاشتم و در حال حـاضر بعنوان برنامه‌ریز در قسمت برنامه‌ریزی کارگاه تولید کار میکنم و در حدود ۱۴۰۰ تومان حقوق میگیرم.»

از او میپرسم، حقوقش را چه میکند؟... برای خودش پس‌انداز میکند یا اینکه در خانه خـرج میشود؟ میگوید: مگر ممکن است زنی درآمد خود را کنار بگذارد؟

در پاسخش میگویم: «خیلی از دعواهای زن و شوهرها بر سر همین مسئله است که دو طرف صادقانه درآمد خود را رو نمی‌کنند.»

در حالیکه سختی دچار حیرت شده میگوید مگر ممکن است کسی [illegible] که [illegible] زندگیش را دوست ندارد و [illegible] همان [illegible] و زوراست [illegible] موضوع [illegible] واقع [illegible] میگویم [illegible] هر موقع دیگر که حقوق میگیریم، هردو یکراست [illegible] در همین کمد که حقوق [illegible] [illegible] و [illegible] که [illegible] و خرج میکنیم و هر مبلغی هم که باقی [illegible] میکنیم [illegible] مطرح [illegible] که در کدام دفترچه [illegible] و چون [illegible] [illegible] جست [illegible]»

[illegible] که [illegible] دختر [illegible] و بی‌تکلف و در عین حال واقعا عاشق و عاقل انتظار میرود این سخنان را میگـوید و حسـن نیز در حالیکه با نگاه ممتد خود از او سپاسگزاری میکند. می‌افزاید: «همین صفات این دختر است که مرا [illegible] خانه و زندگی کرده و لحظه‌ای از وقت [illegible]

مهد کودك

[illegible] همسرش [illegible] کودك [illegible] کارخانه [illegible] کودك [illegible]

میگوید «[illegible] کارخانه [illegible] موفق [illegible] کارگر [illegible] کرده [illegible] خلاصه من در حال حاضر در مرخصی بسر میبرم و نمیدانم وقتی مرخصی‌ام تمام شـد،چه بکنم... اگر میخـواهم استعفا بدهم که نمیشود، زیرا تعهد خدمت دارم و دوسال دیگر از آن باقیسـت و کارخـانه هم استعفا مرا قبول نمیکند و اگر هم استعفا بدهم، نمیدانم چه کار کنم!»

حسن نیز بدنبال سخنان همسرش میگوید «تنها نگرانی و ناراحتی من و همسرم فقط و فقط همین مسئله نگهداری بچه است و اگر این مسئله حل شود،مشکل بسیاری از زنان کارگر کارخانه از جمله ما، حل میشود. من میخـواهم ادعا کنم که اگر این مشـکل بوسیله رؤسـای کارخانه حل و فصل شود، ما کارگران حتی از نظر خوشبختی هیچ کم و کسری نخـواهیم داشـت و بواقع سعادتمند خواهیم بود.»

تحصیل و بچه‌ها

از راضیه خانم در باره تحصیل، و اینکه چرا به تحصـیل ادامه نداده، میپرسـم،میگوید:«من همانطور که گفتم تا هشـتم متوسـطه تحصـیل کردم و بعد وارد کارخانه ماشین‌سازی شـدم، ولی ناگفته نماند که خـانواده‌ام هیچ مخـالفتی با ادامه تحصیل من نداشتند و در واقع این خـودم بودم که علاقه زیادی به تحصیل نداشتم.»

در مورد تحصـیل دخترتان و اگر فـرزند دیگری هم داشتید، چه میکنید؟

- نه‌تنها کوچکترین مخـالفتی با درس‌خواندن آنها نخواهم داشـت، سـهل است که بسـیار علاقمندم بچه‌هایم هر چه بیشـتر تحصـیل کنند و از سـوی دیگـر خـوشبختانه در دورانی زندگی میکنیم که مخـالفت پدرو مادر با ادامه تحصـیل فرزندان هیچگونه تاثیری نمیتواند داشـته باشـد، زیرا شـاهنشاه بزرگ ما امر فـرموده‌اند که هر ایرانی باید هر اندازه که بخـواهد بتواند تحصـیل کند و دولت هم وسایل تحصیل رایگان همه افراد کشـور را در سـطوح مختلف فـراهم کرده اسـت بنابراین از این بـه‌بعـد هیچکس نمیتواند به بهانه‌هائی چـون مشکـلات مادی و غیره ادعا کند که دسـت از تحصـیل برداشـته و به کار پرداخته است

خلاصه من خودم نخواستم که بتوانستم، و اگر میخواستم تردید نبود که تا هر جا که مایل بودم وسایل تحصیل برایم مهیا بود، چه از طرف خانواده و چه از طرف دولت.»

فعالیتهای اجتماعی

در مورد مبارزه با گرانفـروشی و [illegible] و اصولا فعالیتهای اجتماعی سؤال میکنم. حسن میگوید

ساعتی در کنار خانواده یک کارگر خوشبخت

انسانهاهست

«خدا را شکر که ... کارگر ... خوبی ... هستی ... نظافت ... و ... ساختمانی ... و ... هم ... میکند، و گرنه معمول ... که عصبی ... کسب ... وضعی ... می‌ورزند.

... و محسوس ... توضیح ... حسن همسرش ... میکند و میگوید:

«... کارگر ... حقوق ... کاملا معمول و مشخص است و ... هم ... مشخص است.

... ضروری ... پیدا کند، ... که بهمین نسبت قدرت خرید ... هم کم ... دیگه دخل و خرجمان معادل ... و ... در رفاه و آسایش ... فکر میکنم که همه افراد این ... کرده و میکنند و در راه ... رسیدن ... همه گونه همکاری مینمایند، چرا که ادامه زندگی و ... اکثریت مردم کشور ... بستگی دارد. ... خیلی صریح عرض کنم که در این مورد بهیچوجه گذشت نمیکنم. البته حسن خیلی کمروست و یقین دارم که اگر حس ... او گران حساب کنند، صدایش در نمی‌آید.»

حق مشروع

در مورد انتخابات ... دوری میکنم که ... شرکت کردید یا نه؟

راضیه میگوید: «در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت کردیم و در انتخابات ... هم ... انجمن‌های ملی ... چنین.»

در این زمینه حسن ... میگوید: «در مورد ... نگونه فعالیتها راضیه ... و معتقد به ... شرکت ... و ... اگر من هم ... میگردد ... که ... مشروع خودمان ... کنیم و به افرادی که ... مورد اعتمادمان هستند رای بدهیم. ... در دو انتخابات گذشته ... و به افراد مورد نظرمان رای دادیم.»

سعادت انسانها

باز برمیگردیم به زندگی و خانواده و آرزوهای این زن و شوهر جوان و از آنها میپرسم:

خوشبختی را چگونه معنی میکنید و آرزوهایتان چیست؟ ... فکر میکنند ...

راضیه میگوید: «من و حسن هم اکنون احساس خوشبختی میکنیم. چرا که نکنیم؟ مگر چه باید داشته باشیم و چه داشته باشیم ... سعادتمند باشیم؟ من شوهر ... و خوبی دارم و بچه‌ای هم که به کانون زندگی ما رونق و حلاوتی بیشتر داده است ... و ... دارم که در حد امکانش هست و چون ... هم در یک کارخانه کار میکنیم و از همه چیز هم با خبریم. خودبخود درخواست غیرمنطقی و خارج از حدود امکاناتمان از یکدیگر نداریم. از سوی دیگر در این خانه که از طرف کارخانه بما داده شده زندگی آسوده‌ای داریم و مبلغ کمی هم در برابر اجاره میدهیم. با کوشش هم و پس‌انداز وسایل یك زندگی ساده و ... را تهیه کرده‌ایم و یك ماشین ... اقساطی ... هم خریده‌ایم که ... در اوقات فراغت به سیر و گشت و مسافرت میپردازیم.

... احساس خوشبختی نکنیم، چرا سعادتمند نباشیم؟ مگر سعادت و خوشبختی چیست که ... مردم در بدر دنبالش میدوند و آنرا نمی‌یابند. من معتقدم که سعادت در وجود همه انسانها هست، ولی دیده باز میخواهد تا از آن بهره‌مند شود و این دیده باز هم امکان پذیر نمیشود، مگر آنکه خودرا بشناسیم و از آنچه که داریم با سپاس از خداوند یکتا بنحو خوب و لذت بخشی استفاده کنیم.

کارد و پنیر

از راضیه درباره روابطش با نزدیکان شوهرش میپرسم، میگوید: «شوهرم جز پدر هیچکس را ندارد ولی با اینحال خیلی دوست داشتم که مادر شوهر داشتم. شما نمیدانید که وجود یك بزرگتر در خانه مخصوص برای ما جوانها چه نعمت بزرگی است، چرا که میتوان به او تکیه کرد و از فکر و نظرش به موقع بهره برد و من متاسفانه از این موهبت محروم هستم.»

با تعجب از او میپرسم که همیشه روابط عروس و مادر شوهر را چون کارد و پنیر مجسم میکنند و ... چون ... و ... میدانند ... میگوید:

– «آنها که روابط سالمی باهم ندارند، حتما امکانات یکدیگر را نیز در نظر نمیگیرند و عاقلانه فکر نمیکنند. شما تصور نکنید که من چون مادر شوهر ندارم، این حرفها را میزنم. خدا شاهد است ... اگر هم داشتم ... که چه خوب بود که بزرگتری بالای سر ما بود چنان با او رفتار میکردم که هرگز کدورتی پیش نیاید. همانطور که بین من و شوهرم تا بحال برای یکبار هم اختلافی پیش نیامده چون واقعا به حرفهای هم گوش میکنیم و خواستهای همدیگر را محترم میشماریم.» از او تشکر میکنم و بخاطر این طرز فکر تحسینش می‌کنم و برای خداحافظی آماده میشوم در حالیکه حسن کم حرف میگوید: «راضیه واقعا راست میگوید و زندگی ما دونفر بین دوستان و فامیل ضرب‌المثل شده و هرکس که میخواهد یك زندگی خوب را مثال برند، از راضیه و من نام میبرد.»

پای صحبت کارگران هنرمند مرکز آموزش هنری کارگران

این کارگران روزها کار میکنند و شبها تمرین

چرا در برنامه‌های رادیو و تلویزیون ترانه‌های کارگران

محمدعلی عرفی‌نژاد

بعدازظهر از ساعت ۱٦ به‌بعد سر و کله‌شان پیدا میشود. دست خالی یا با جعبه‌هائی که در دست دارند، از پله‌ها می‌آیند بالا، سلام و علیکی و چاق سلامتی می‌کنند و بعد میروند داخل کلاسها و روی صندلی‌های فلزی‌شان مینشینند. مثل یك شاگرد مدرسه که تازه کلاس اول یا دوم است بحرف معلم گوش میدهند. بعد وقتی توی راهرو می‌ایستی، از هر کلاس صدائی بگوش میرسد. صدای خوب ویلن، پیانو، ارگ، آواز و صدای هنر، هنرمندانی که روزها در صدای ماشین و کار و فعالیت بسر میبرند، غروب‌هنگام به تمرین و آوازخوانی، نوازندگی سازهای گوناگون میپردازند. حدود دو ماه است که کلاسهای جدید کلاسهای موسیقی در مرکز آموزش هنری کارگران ایران آغاز شده و بهمین منظور برای پیشبرد هدف‌های هنری کارگران، و اینکه بهرحال این کارگران هنرمند ممکن است حرفهای تره‌ای داشته باشند، میزگردی تشکیل دادیم با ٦ نفر از آنان از ٦ کلاس مرکز آموزش. حرفهایشان جالب بود. مسایل را خوب مطرح میکردند و میخواستند بعنوان یك هنرمند، یك نوازنده یا یك خواننده مطرح باشند. بروبچه‌هائی که در این کلاس‌ها فعالیت هنری دارند و با ما به حرف نشستند، عبارت بودند از:

پرویز عباسی، تکنیسین چیت‌سازی تهران، نوازنده فلوت- محمد عسگری، شرکت‌کننده در کلاس آواز- احمد نشاطی‌مهر، کارگر ماشین‌سازی خاور، نوازنده ارگ- جواد میربابائی، راننده تاکسی، خواننده و گیتاریست- خسرو واحدی، بافنده تریکو جهان کودك، حاریست- ربیعی، کارگر کارخانه برق منطقه‌ای، نوازنده ضرب.

خانم مخالف است

جواد میربابائی، یك تاکسی دارد و رانندگی آن را هم خودش بعهده دارد. خوش‌برخورد است و نحوه فکرش خوشحال‌کننده. با خنده‌ای که همیشه بروی صورتش نشسته، میگوید:

- این کلاس‌ها و وجود معلمین، یك زندگی تازه را برای ما ساخته. من صبح‌ها تا ساعت ٤ بعدازظهر کار میکنم و بعد برای تمرین و فراگیری به کلاس میروم. بیشتر فعالیت من روی ترانه‌های جاز است و تابحال نیز دو ترانه‌ام را از تلویزیون پخش کرده‌اند، ولی البته در برنامه کارگران.

- از لحاظ داخلی، بخاطر کار خوانندگی گرفتاریهائی پیش نیامده؟

میربابائی نگاهی می‌اندازد، همان خنده روی صورتش جای میگیرد و میگوید:

- والله من زمانی که با خانمم ازدواج کردم که شغل خوانندگی را هم داشتم، و طبیعتاً او هم میدانست من یك کار دوم دارم، ولی بعد از ازدواج، ناگهان همه‌چیز تغییر کرد. همسرم از من میخواهد فقط به کار رانندگی تاکسی بپردازم. رانندگی برای من یك شغل خوب پردرآمد است، ولی من به آواز و موسیقی هم علاقه دارم و تابحال موفق نشده‌ام او را متقاعد کنم تا برای کار دوم من سخت نگیرد.

ما با هنرمندان دیگر فرقی نداریم

اینبار پرویز عباسی می‌آید وسط حرف و میگوید:

- من کارم در چیت‌سازی تهران است و اوقات بیکاری‌ام را در یك ارکستر فلوت میزنم، البته قبل از شرکت در کلاس موسیقی این کار را داشتم و بعد وقتی شنیدم کلاسها تشکیل شده، بسرعت تقاضای اسم‌نویسی کردم، چرا که در نتیجه تمرین مداوم کارم بهتر میشود.... ولی دنباله حرف آقای میربابائی، من هم حرفی با مسئولین سازمان رادیو تلویزیون دارم. میخواهم بپرسم، وقتی که یك برنامه از نظر پخش در رادیو یا تلویزیون تصویب میشود، چرا در برنامه‌های دیگر از این برنامه استفاده نمیکنند؟... ما اولاً با تمرین و سعی بیشتری یك ترانه را ضبط میکنیم و درثانی مثلاً صدای آقای میربابائی هیچ افتی ندارد. ولی این ترانه را میگذارند فقط ظهر پخش میکنند و ما را محدود در یك برنامه ویژه کارگران میکنند. این عیبی ندارد که هیچ، بسیار هم خوشحال‌کننده است، ولی چه عیبی دارد بیایند و این ترانه را در برنامه‌های دیگر، مثلاً «چشم‌انداز» رادیو پخش کنند. این اولاً بما جرئت بیشتری میبخشد تا بیشتر و بطور مداوم کار کنیم و هم اینکه برای کارمان ارزش قایل میشوند

بما مدرك بدهید

محمد عسگری که پرجوش و خروش به نظر میرسد و در بخش آواز ایرانی فعالیت دارد، حرف دیگری را مطرح میکند:

- من پنج سال است که در این کلاس شرکت دارم، و در آزمون باربد تلویزیون شرکت کردم و قبول شدم و حتی مسئولین امر و فنی صدای مرا که گوشه‌های مختلف را خواندم، شنیدند و از من خواستند تا با دیگر کارگران شرکت‌کننده در کلاس هم صحبت کنم و آنها را برای شرکت در آزمون معرفی کنم. باتوجه به این موفقیت که برای ما پیش آمده، آنوقت گلایه تازه‌ای از مرکز آموزش و مسئولین امر مرکز پیش می‌آید، چرا که پس از پایان دوره کلاس از هیچ نوع مدرك یا مزایائی برخوردار نیستیم و بسیار بجاست که برای تشویق دیگر کارگران هم که شده بیایند مدرك یا ورق کاغذی که دلیل بر استفاده از کلاس موسیقی یا آواز باشد، بما بدهند.

شاهرخ پهلوان‌پور که در حال حاضر سمت ریاست مرکز آموزش هنری کارگران را بعهده دارد، در جواب محمد عسگری اظهار می‌دارد:

- من اولاً خوشحالم که میبینم امروز دوستان در یك محله کارگری دورهم جمع شده‌ایم و نشسته‌ایم به حل و گفتگوی مسایل، ولی آقای عسگری باتوجه به همه حرفهائی که زده شد منهم ناچارم جوابی بدهم. اولاً من به‌تازگی امور سرپرستی مرکز آموزش هنری کارگران را بعهده گرفته‌ام و قبل از این در بخش دیگری فعالیت داشتم و در همین مدت کوتاه احساس کردم چه بسیار کارگران هنرمند هستند که آرزویشان آمدن به این کلاسها است. ما اینجا نفس کار را بیشتر در نظر داریم، یعنی اینکه بیشتر ذوق و قریحه برای ما مطرح است و اینکه اوقات فراغت کارگران بیهوده تلف نشود و اگر ذوق و قریحه‌ای در خود سراغ دارند، به این کلاس بیایند. بنابراین ما نباید آنگونه که مثلاً هنرستان موسیقی برایش مطرح است مدرك را مورد نظر داشته باشیم. البته سعی میکنیم ترتیبی بدهیم که یك مدرك بعنوان پایان دوره کلاس به کارگران هنرمند بدهیم که لااقل این مسئله وجود نداشته باشد.

احمد نشاطی‌مهر، کم‌حرف‌ترین عضو شرکت‌کننده در میزگرد است.

در وهله اول نمیتوان تصور کرد که او یك ارگ‌نواز چیره‌دست است و یا یك کارگر ماشین‌سازی، ولی در هردو مورد فعالیت دارد. بقول خودش کم‌حرفی وی از خجالت است و این تعجب‌آورتر است. نشاطی‌مهر بدنبال حرفهای پهلوان‌پور اضافه می‌کند:

- ما وقتی به کلاس مرکز آموزش می‌ائیم، پای بدنیای تازه‌ای میگذاریم، یك دنیای پرسر و صدا و جالب. من از چهار سال قبل در این کلاس‌ها شرکت داشتم و تمرین میکردم و حالا در هر ارکستری که لازم باشد کار میکنم و یك درآمد تازه هم پیدا کرده‌ام، ولی مسئله‌ای که وجود دارد، اینست که گاهی کارفرمایان با ما همکاری لازم را ندارند. باتوجه به اینکه در کلیه مراسم و برنامه‌های کارگری ما شرکت داریم، بنابراین کارمان بیشتر است، باید روزی دوسه ساعت تمرین کنم و چون در خانه ارگ ندارم و نیز به‌تنهائی نمیتوان تمرین کرد، اینست که لازم است حتماً بیایم کلاس، ولی در کارخانه فرم کار من طوریست- یعنی اخیراً اینطور شده- که پانزده روز شب و پانزده روز، روزکار هستم و آن پانزده روزی که شب‌کارم، دیگر نمیتوانم به تمرین بپردازم، و این موضوع را با مرکز آموزش در میان گذاشتم.

پهلوان‌پور: نامه‌ی خصوصی برای کارخانه نوشتیم و خواهش کردیم که اجازه بدهند ایشان روزها انجام وظیفه کنند. حالا نمیدانم قصیه به کجا کشید.

نشاطی‌مهر: هنوز هیچ‌جا، متاسفانه ترتیب اثری ندادند و منهم دلم نمی‌خواهد در محیط کار بعنوان یك آدم بی‌توجه به قوانین کار معرفی شوم. اینست که برسر دوراهی مانده‌ام ولی بهرحال چه میشود کرد، تابحال که ساخته‌ایم.

استاد عوض میشود

محمد عسگری که گویا مسئله‌ای را بیاد آورده، میگوید:

- آقای پهلوان‌پور، لطف کنید و بگذارید ما با یك معلم کار کنیم. من که در کلاس آواز کار میکنم، تابحال چندین معلم عوض کرده‌ام. هر معلمی هم متد و روش مخصوص بخود دارد. مثلاً گوشه‌ای از آواز را بنوعی درس میدهد، بنابراین یك هنرآموز نمیتواند آنطور که باید جلو برود.

پهلوان‌پور: ما استادان کلاس را از وزارت فرهنگ و هنر درخواست میکنیم، ولی استادان موظف نیستند تا زمانیکه بخواهیم با ما کار کنند،

شاهرخ پهلوان‌پور رئیس مرکز آموزش هنری

احمد نشاطی‌مهر

جواد میربابائی

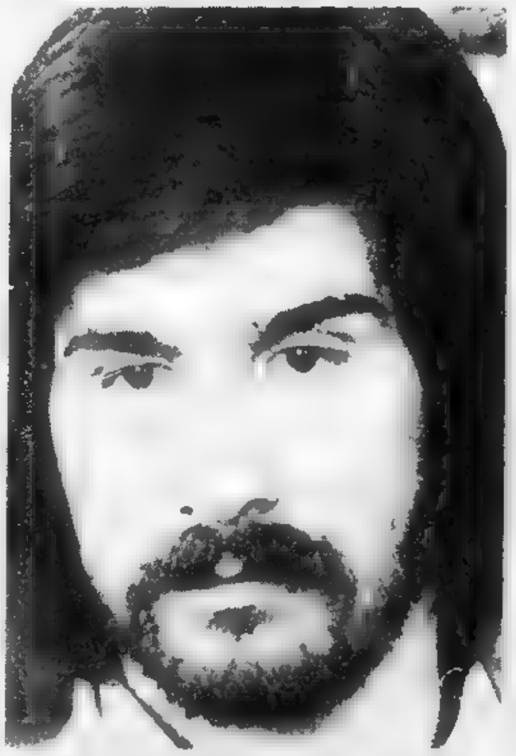

پرویز عباسی

محمد عسکری

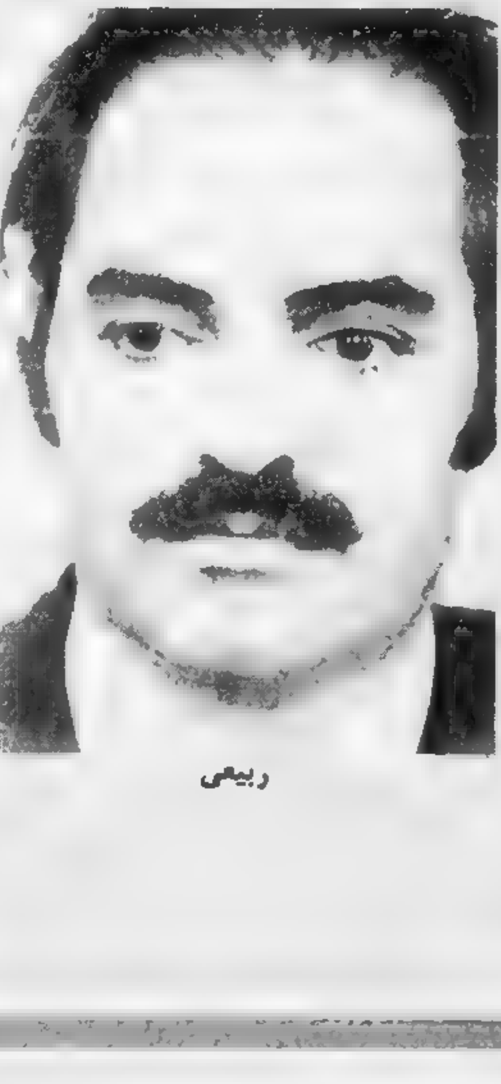

ربیعی

موسیقی...

...حتی نمیشود؟..

...ن مهمترین دلیل، ولی و ... بر ی و گوشه‌های ... بهرحال یکی است و بنظر من بهتر است که یك هنرجو با چندین استاد کار کند. البته آقای منتشری هم که در حال حاضر سمت استادی کلاس را بعهده دارند، از استادان نام هستند.

خسرو واحدی: گذشته از مسئله استاد، کمبود وسایل موسیقی را نیز فراموش نکنیم، من یك جازیست هستم، ولی فکر میکنم در یك ارکستر جاز ساکسیفون مورد احتیاج است ولی در حال حاضر ساکسیفون نداریم و استادش را هم ... نداریم. خوب است در این مورد اقدام شود

پهلوان‌پور: تا آنجا که مقدور بوده ما بسیاری وسایل را فراهم کرده‌ایم، ولی توجه داشته باشید مایه‌های کار موسیقی ما بیشتر ایرانی است و وسایل مورد نیاز این نوع موسیقی ارجحیت دارند، ولی بموقع ساکسیفون را هم اضافه خواهیم کرد.

از آقای پهلوان‌پور میپرسم میتوانید یك آمار کلی از تعداد کارگران هنرمند و نیز استادان آنها و رشته‌ها بفرمائید... و پهلوان‌پور که گویی همه مسایل را ازبر است میگوید:

کلاس ضرب هشت نفر، استاد حسین صراف
،، نقاشی ٦نفر، استاد حبیب‌الله صادقی
،، آواز ١٤ نفر، استاد فرهاد منتشری
،، تار ١١ نفر، استاد ...
،، گیتار ٢١ نفر، استاد محمدرضا ...
،، سنتور ١٩ نفر، استاد ...
،، ... ١٧ نفر، استاد محمد اعرابی
،، پیانو و ارگ و آکاردئون ٢٤ نفر، استاد ... پور

١٤ نفر، استاد حسن ...

درضمن ... هر هرجو ماهیانه ده تومان دریافت می‌شود و این بیشتر بخاطر اینست که مسئله رایگان وجود نداشته باشد. با امید اینکه بتوانیم در شماره بعد با گروه‌های دیگر هنری مصاحبه‌ئی داشته باشیم..

سندیکاهای کارگری

بیمه عمر در تراکتورسازی برقرار شد:

۶۰ برابر آخرین دریافتی در برابر حادثه منجر به فوت

در این شماره رستاخیز کارگران سراغ سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) رفته‌ایم که با اینکه چهار سال بیشتر از عمر فعالیتش نمیگذرد، ولی با توجه به کارها و اقداماتی که تاکنون انجام داده و برنامه‌های در دست اجرای خود، میتوان گفت که سندیکای موفق و پر تحرك و فعالی است.

...بین کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) اصلا بیسواد وجود ندارد

برای آشنائی با این سندیکا، گزارشگر «رستاخیز کارگران» با اعضای هیئت مدیره آن جلسه‌ای بصورت میزگرد تشکیل داده که متن گفتگوها را در زیر میخوانید.

***

سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) همانطور که گفته شد چهار سال است که تشکیل شده و اعضای هیئت مدیره آن عبارتند از:

۱- جمشید تیمورزاده، رئیس هیئت مدیره
۲- حسن نظرزاده، دبیر سندیکا
۳- کیخسرو سپهری، عضو اصلی
۴- عباسقلی رسولی‌فر، عضو اصلی
۵- سعید فرقانیان، عضو اصلی و خزانه‌دار سندیکا
۶- کریم ابوالفتح‌پور، عضو علی‌البدل
۷- محسن سرخابی، عضو علی‌البدل
۸- بدر فتحی، بازرس
۹- عبدالصمد خدایاری‌نوجنا، بازرس
۱۰- عبدالله زکی‌دیباور، بازرس

درباره گذشته

نخستین پرسش را به تعداد اعضای سندیکا و نحوه تشکیل آن در سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱) اختصاص میدهیم و آقای حسن نظرزاده دبیر سندیکا در پاسخ اظهار میدارد:

سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) در سال ۲۵۳۱ با عضویت ۵۰۰ کارگر موجودیت یافت و در حال حاضر این سندیکا ۱۳۸۰ نفر عضو دارد که به سخن دیگر این عده همه‌ی کارگران کارخانه هستند که در سندیکای خود عضویت دارند.

درباره انتخابات اعضاء هیئت مدیره سندیکا و عده آنها و همچنین عکس‌العمل کارگران نسبت به انتخابات سئوال می کنیم که نظرزاده در پاسخ این پرسش نیز چنین پاسخ میدهد:

اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی ده نفر هستند که از ۵ عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل و سه بازرس تشکیل شده است و انتخابات آنها هر دوسال یکبار انجام میشود که آخرین بار در فروردین ماه سال گذشته (۲۵۳٤) برگزار شد و انتخابات بعدی در فروردین ماه سال آینده (۲۵۳۶) انجام می شود. درباره عکس‌العمل کارگران نسبت به انتخابات اعضای هیئت مدیره باید بگویم که بنظر من کارگران عضو سندیکا با علاقمندی تمام در انتخابات شرکت می‌کنند و این مسئله از تعداد آراء شرکت کنندگان در انتخابات گذشته بخوبی پیداست زیرا در انتخابات فروردین ماه ۲۵۳٤ اکثریت قریب به اتفاق کارگران عضو سندیکا شرکت کردند.

نحوه تصمیم گیری و مراجعه

● درباره جلسات هیئت مدیره و نحوه تصمیم‌گیری و مراجعه کارگران به سندیکای خود و محل آن سئوال می کنیم، آقای جمشید تیمورزاده رئیس هیئت مدیره سندیکا میگوید:

محل سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) در خود کارخانه قرار دارد و هیئت مدیره سندیکا هفته‌ای یکبار در روزهای پنجشنبه تشکیل جلسه میدهد. در ضمن اعضای هیئت مدیره سندیکا همیشه در محل سندیکا آماده پذیرفتن کارگران عضو هستند و آنها میتوانند برای طرح مسائل و خواسته‌های خود به هریك از اعضاء که بخواهند مراجعه کنند، ولی اگر مسئله‌ای که جنبه عمومی داشته باشد پیش بیاید، اعضاء هیئت مدیره برای بررسی و حل آن با دعوت قبلی اقدام به تشکیل جلسه عمومی سندیکا با شرکت همه کارگران می کنند و در چنین جلساتی است که هر گونه تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد.

علاوه بر این اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران تراکتورسازی بطور مرتب در جلسات هفتگی سازمان کارگران ایران شعبه تبریز شرکت می‌جویند.

● درباره میزان حق عضویت اعضای سندیکا و ورودیه آن سئوال می‌کنیم، وی میگوید: - حق عضویت هریك از اعضاء درماه ۳۰ ریال است، ولی سندیکای ما تاکنون از اعضای خود حق ورودیه که در اساسنامه آن ذکر شده، دریافت نکرده است.

طبقه‌بندی مشاغل

● از شرکت کنندگان در این جلسه پیرامون طرح طبقه‌بندی مشاغل واجرای آن در تراکتور سازی وهمچنین حداقل حقوق سئوال می‌کنیم، آقای نظرزاده با توافق سایر شرکت کنندگان در پاسخ اظهار میدارد:

- طرح طبقه‌بندی مشاغل سال گذشته دراین کارخانه پیاده شد، ولی امسال مجدداً با توافق مدیران کارخانه در آن تجدید نظرهائی بنفع کارگران بعمل آمد که در نتیجه هم اکنون حداقل حقوق در کارخانه تراکتور سازی ایران (تبریز) ۲۳٤ ریال است. البته این مبلغ حقوق یك کارگر خیلی ساده است، یعنی کارگری که هیچ کاری بلد نیست ودر سطح نظافت چی بحساب می‌آید. در اینجا بعنوان یك جمله معترضه عرض کنم که کارخانه برای کارمندان خود نیز طرحی در دست تهیه دارد که بزودی در زمینه طبقه‌بندی مشاغل آنها پیاده خواهد شد.

۱۰ کانون حزبی

● در زمینه فعالیت‌های حزبی سئوال می‌کنیم، آقای سعید فرقانیان عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران کارخانه تراکتور سازی در پاسخ میگوید:

- سندیکای ما علاوه بر اجرای برنامه‌های سندیکائی وکارگری، در زمینه‌های مختلف دیگر از جمله حزبی نیز طبق اساسنامه خود تا کنون بطور گسترده‌ای فعال بوده است، باین ترتیب که تا بحال ۱۰ کانون حزبی با شرکت بیش از یکهزار نفر از کارگران تشکیل داده است. در مورد این کانون‌ها باید اضافه کنم که بعضی از آنها بیش از یك صد عضو دارند، ولی هیچیك از کانون‌ها کمتر از ۱۰۰ عضو ندارد.

بیسواد اصلا......

● در مورد مبارزه با بیسوادی، سندیکای شما چه اقداماتی بعمل آورده؟

فرقانیان در پاسخ میگوید: خوشبختانه هم اکنون بین کارگران کارخانه تراکتور سازی ایران (تبریز) بیسواد اصلاً وجود ندارد وکارگران ما حداقل سواد خواندن ونوشتن را دارند، زیرا قبلا از طریق کمیته پیکار با بیسوادی در کارخانه دوکلاس همزمان با هم تشکیل شد ومدت دوسال این کلاسها ادامه داشت ودر نتیجه کارگران بیسواد ما توانستند خواندن ونوشتن را یاد بگیرند واینك تمام کارگران ما بخاطر سواد داشتن از مزایای ۵ درصد اضافه حقوق با سوادی نیز بهره می‌برند.

تقسیم سودویژه

● مسئله سودویژه را مطرح می‌کنیم واز این نظر از شرکت کنندگان در این جلسه سئوال مینمایم، آقای عباسقلی رسولی‌فر عضو هیئت مدیره سندیکا در پاسخ می‌گوید:

- هرسال در مورد تقسیم سودویژه بین کارگران تراکتور سازی قرار دادی بسته می‌شود که براساس آن بهر کارگر مبلغ قابل توجهی از این بابت کمك میشود واز جمله سال گذشته برابر یك ماه حقوق بعنوان پاداش بطور نقدی در آخر سال به هر کارگری داده شد وعلاوه برآن مبلغ دو میلیون وهفتصد هزار تومان نیز عملاً بعنوان سود ویژه بین کارگران واصولاً کارکنان کارخانه طبق جدول خاصی تقسیم گردید.

درمان وبیمه عمر

● مسائل رفاهی کارگران را مطرح می‌کنیم ونخست از شرکت کنندگان در میزگرد میخواهیم که درباره مسئله درمان وبیمه توضیحاتی بدهند. آقای نظرزاده میگوید:

- کلیه کارکنان کارخانه اعم از کارگر وکارمند مشمول قانون تامین اجتماعی هستند وباین ترتیب از تسهیلات درمانی سازمان تامین خدمات درمانی استفاده می‌کنند. علاوه براین در محوطه کارخانه نیز یك واحد درمانی با تجهیزات لازم پزشکی دائر شده که در تمام ساعات کار کارخانه با استفاده از پزشکیار ویك پزشك در مواقع بروز حوادث ناگهانی کمك‌های اولیه لازم را انجام داده است وسپس اگر بیمار احتیاج به جراحی داشته باشد، با آمبولانسی که همواره در کارخانه آماده است او را به نزدیکترین بیمارستان میرسانند.

دبیر سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی میافزاید:

- غیر از این اقدامات، سندیکا با تلاش بسیار توانسته است یك نوع بیمه عمر بدون کوچکترین هزینه‌ای برای همه کارگران واصولا کارکنان کارخانه برقرار کند وآن از اینقرار است که هر کارگری بهر عنوان در کارخانه در نتیجه حادثه‌ای فوت کند، ۶۰ برابر حقوق (آخرین دریافتی) او به وارثش داده میشود واز این بابت هیچیك از کارگران وبطور کلی کارکنان کارخانه پولی نمیپردازند.

مسکن ومشکل آب

● در زمینه تامین مسکن چه اقداماتی برای

آنجا که تفاهم، همه مشکلات را حل می‌کند

سندیکای موفق کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز)

جمشید تیمورزاده

عباسقلی رسولی‌فر

حسن نظرزاده

کیخسرو سهرابی

سعید فرقانیان

اکبر ابوالفتح‌پور

عبدالصمدخدایاری‌نوبخت

محسن سرخابی

عبدالله زکی‌دیباور

نادرآقاجانی

کارگران انجام شده است؟ آقای جمشید تیمورزاده میگوید:

– در حدود ۵۰۰ دستگاه خانه سازمانی از طرف کارخانه در نزدیکترین نقطه به کوی لاله ساخته شده که درحال حاضر قابل بهره‌برداری است، ولی بعلت اینکه سازمان آب منطقه‌ای از دادن شبکه آب به این خانه‌ها خودداری می‌کند، هنوز این خانه‌ها مورد استفاده قرار نگرفته است.

وی میافزاید: علاوه بر این خانه‌ها، تعدادی از خانه‌های مسکونی شاهگلی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته وهمچنین قرار است تعدادی از آپارتمانهای مسکونی حکم‌آباد تبریز که با سرمایه‌گذاری بانک رفاه کارگران ساخته می‌شود، در آینده پس از اتمام، به کارخانه تراکتورسازی واگذار شود و کارکنان کارخانه از آنها استفاده کنند.

شرکت تعاونی موفق

● در مورد وامهائی در رابطه با مسکن وکودکان و همچنین تاسیس شرکت تعاونی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران کارخانه تراکتورسازی سئوال می‌کنم...

آقای نظرزاده در پاسخ اظهار میدارد:

– درمورد وام، سندیکای ما یکسال پیش قراردادی با کارخانه منعقد کرده که بر اساس آن کارگرانی که ۵سال سابقه کار درکارخانه دارند، میتوانند معادل یکسال حقوق خود را بعنوان وام با بهره دو درصد دریافت دارند و سپس به اقساط پنجساله آنرا مستهلك سازند.

درمورد شرکت تعاونی نیز باید توضیح دهم که قبل از تشکیل سندیکا، کارگران با همت خود درسال ۲۵۲۹(۱۳۴۹) اقدام به تأسیس شرکت تعاونی کردند که از آن موقع تاکنون این شرکت بدون وقفه و با موفقیت به کار خود ادامه میدهد و توانسته در تامین نیازمندیهای کارگران عضو گامهای مثبتی بردارد.

سرمایه شرکت تعاونی مصرف کارگران کارخانه تراکتورسازی درحال‌حاضر حدود ۵۰۰هزار تومان است و علاوه‌بر آن سالانه یك میلیون تومان نیز از کارخانه کمك میگیرد و سپس به اقساط آنرا مستهلك میسازد.

نحوه کار شرکت از اینقرار است که در اول هرسال یك میلیون تومان کمك را از کارخانه دریافت می‌کند و با این پول کالاها و اجناس مورد احتیاج را تهیه و به معرض فروش می‌گذارد و بتدریج که اجناس را میفروشد، وام دریافتی از کارخانه را نیز به اقساط مستهلك میسازد و این کمك واقعاً در کار شرکت و جلب رضایت اعضاء بسیار مؤثر است. در حال حاضر شرکت یك فروشگاه مرکزی درمرکز شهر تبریز و حدود ٦فروشگاه دیگر نیز در محل خانه‌های سازمانی شاهگلی دارد و علاوه‌بر اینها، ٦فروشگاه دیگر نیز درکوی لاله تبریز ایجاد کرده که پس از بهره‌برداری از ۵۰۰دستگاه خانه سازمانی این منطقه دائر خواهد شد. جالب توجه گستردگی کار شرکت تعاونی مصرف کارگران کارخانه تراکتورسازی است. زیرا شرکت همه نوع جنس از پارچه و یخچال و کولر گرفته تا لوازم آرایش و خواربار و لوازم مدرسه و تحریر را یکجا تهیه می‌کند و بمعرض فروش میگذارد و خرید از فروشگاههای آن نیز برای عموم افراد آزاد است. سود خالص نیز در پایان هرسال بین سهامداران شرکت به نسبت تعداد سهام هریك تقسیم می‌شود. همچنین شرکت مذکور از محل کمك دریافتی از کارخانه، وامهای ضروری کوتاه مدت به کارگران میدهد و با پنج‌درصد بهره به اقساط یکساله بازپس میگیرد.

● آخرین سئوال را درباره مسئله تفاهم بین مدیران کارخانه و کارگران و همچنین آئین‌نامه انضباطی مطرح می‌کنیم و نقش سندیکا را در این زمینه می‌پرسیم... آقای تیمورزاده نخست درباره آئین‌نامه انضباطی میگوید: «سندیکا هم‌اکنون با همکاری کارخانه درصدد تهیه یك آئین‌نامه انضباطی کارگاهی برای کارگران است که درنتیجه اجرای آن وضع هر کارگری در برابر بیماری و مرخصی و از کارافتادگی روشن خواهد شد و علاوه‌بر اینها نحوه تنبیهات و تشویقات و ترفیعات سالانه کارگران نیز معلوم و مشخص میگردد. درمورد مسئله وجود تفاهم درکارخانه نیز باید این نکته را تاکید کنم که اگر تفاهم بین کارگران کارخانه و مدیران ما وجود نداشت، بدون تردید نمیتوانستیم در تامین هدفهای سندیکائی خود تا این اندازه موفق باشیم.»

در این زمینه آقای نصرزاده نیز میگوید: «بواقع ما از مدیران کارخانه بخاطر کمك‌ها و همکاری و همگامی که با سندیکا و کارگران در زمینه‌های مختلف ابراز میدارند، باید سپاسگزاری کنیم. مثلا اگر تفاهم لازم وجود نداشت ما هرگز نمیتوانستیم در طرح طبقه‌بندی مشاغل تجدیدنظر بعمل آوریم و یا در زمینه‌های دیگر– مثل برقراری بیمه عمر– باین سبب همواره از مدیران خود ممنون هستیم.»

اولین تلاشها در راه هموار ساختن راههای پیشرفت

مسئولان یك سندیکای جدید کارگری

سندیکای کارگران شرکت ایران کاوه را بعنوان یکی از سندیکاهای نوپا میشناسیم که اخیراً در ردیف سایر سندیکاها فعالیت خود را آغاز کرده است.

این سندیکا در تاریخ ۲۸ تیرماه ۲۵۳۵ تشکیل شد و با شماره ۱۰۲۱ در سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و اموراجتماعی به ثبت رسید و اولین دوره کوشش خود را شروع کرد.

علی اکبر کاشانی دبیر سندیکا در تماس با خبرنگار مجله «رستاخیز کارگران» اظهار داشت:

– اهم تلاش‌های سندیکا در ٤ماهه گذشته در راه شناساندن سندیکا به کارگران و همچنین تعیین خط مشی کلی سندیکا مصروف شده است.

وی یادآور شد براساس خط‌مشی سندیکا، ایجاد تفاهم کامل و رابطه صمیمانه متقابل بین کارگران و کارفرما و نیز حفظ منافع دوجانبه آنها، انعقاد قرارداد دسته‌جمعی کارگران برای ۷۱۰نفر کارگر شاغل و عضو سندیکا، طرح پیشگیری از ضایعات و بی‌دقتی در کارهای محوله کارگران، ارشاد آنها در جهت حفظ مسائل ایمنی، تشویق کارگران در راه بالابردن میزان تولید و دریافت پاداش اضافه تولید...

طرح مبارزه با بیکاری و کم‌کاری، تقاضای معرفی نماینده کارفرما بمنظور رسمیت‌یافتن بیشتر جلسات سندیکا، رسیدگی به حقوق کارگران از جمله اولین مسائل مهمی است که نظر سندیکا را به خود جلب کرده است و امیدواریم با همکاری همه برادران و خواهران کارگر و نیز همراهی و مساعدت بیش‌ازپیش کارفرما بتوانیم در راه پیشبرد هدفهای سندیکا که تامین بیشتر رفاه کارگران و افزایش میزان تولید میباشد گامی موثر برداریم.

عباسعلی رمضانی

عبدالرضاخانمیرزائی

علی اکبر کاشانی

حسن اسدی

اصغر وهابی

اعضای هیات مدیره این سندیکا عبارتند از:

علی‌اکبر کاشانی (دبیر سندیکا)
اصغر وهابی (رئیس هیات مدیره)
عباسعلی رمضانی (خزانه دار)
عبدالرضا خانمیرزائی (عضو اصلی)
حسن اسدی (« «)
عبدالله قاسمیان (عضو علی‌البدل)
محمد وحیدی (عضو علی‌البدل)
اصغر مختاری (بازرس)
تقی میتو اشاق (بازرس)

از: کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران

چگونه سندیکا تشکیل دهیم؟

مجمع عمومی در سندیکا عالیترین مرجع برای تعیین خط‌مشی و اداره امور آنست طرح و تصویب اساسنامه انتخاب مدیران و مسئولان سندیکا تفویض اختیار به آنان و یا سلب اختیار از آنها، هرگونه تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه، تعیین خط‌مشی سندیکا، رسیدگی به شکایات و اظهار نظرها و انتقادات اعضاء و خلاصه حل و فصل کلیه امور در صلاحیت مجمع عمومی است. مجمع عمومی مظهر افراد و اعضای سندیکاست و با توجه به وظائف و اختیاراتیکه در اساسنامه سندیکاها برای این رکن در نظر گرفته شده، اهمیت و نقش آن در سندیکاها بخوبی معلوم میگردد. آئین نامه‌های سازمانهای کارگری و کارفرمائی مجمع عمومی را بر حسب زمان تشکیل و موضوعاتی که در آن مطرح میگردد، به چهار نوع تقسیم نموده که اینك بشرح آن پرداخته و سپس گردش کار را در هر کدام بیان می‌کنیم:

انواع مجامع عمومی

مجامع عمومی را بر حسب زمان تشکیل و اهمیت و مطالبی که در آنها به مشاوره و رای گذاشته میشود به انواع مختلفی تقسیم نموده‌اند، ولی ما به پیروی از آئین نامه سازمانهای کارگری و آئین نامه سازمانهای کارفرمائی مجامع عمومی را به چهار قسم زیر تقسیم می‌کنیم:

۱- مجمع عمومی اولیه (مؤسس)

۲- مجمع عمومی عادی و عادی بطور فوق‌العاده

۳- مجمع عمومی فوق‌العاده

۱- مجمع عمومی اولیه (مؤسس): اولین مجمع عمومی است که بوسیله هیأت مؤسس تشکیل شده و در طول عمر سندیکا بیش از یکبار تشکیل نمیگردد. وظائف و اختیارات این مجمع معمولا همان وظایف و اختیاراتی است که برای مجمع عمومی عادی در نظر گرفته شده است و در اساسنامه هر سندیکا بطور مشروح پیش‌بینی شده است.

۲- مجمع عمومی عادی و عادی بطور فوق‌العاده: مجمع عمومی عادی بطور منظم و حداقل یکبار بدعوت هیأت مدیره سندیکا تشکیل میگردد و مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده در بین سال بحکم ضرورت برگزار میشود ووظایف و اختیارات این مجامع را اساسنامه هر سندیکا معلوم میدارد.

گردش کار در مجمع عمومی اولیه

همانطور که در بالا بیان شد اولین مجمع عمومی سندیکا را قبل از رسمیت یافتن آن مجمع عمومی مؤسس یا اولیه گویند و چون در زمان تشکیل این مجمع سندیکا رسماً تشکیل نشده و بعلاوه مسئولین سندیکا هنوز انتخاب نشده‌اند لذا دعوت و تشکیل این مجمع بعهده عده‌ای از مؤسسین سندیکا محول شده است. این عده که ممکن است بین پنج تا پانزده نفر باشند از کسانی هستند که بعضویت در سندیکا تمایل داشته و جهت انجام کارهای مقدماتی سندیکا تا تشکیل اولین مجمع عمومی داوطلب و پیشقدم شده‌اند و به لحاظ اینکه این عده برپا دارندگان یا مؤسسین سندیکا میباشند، هیأت مؤسس نامیده شده‌اند.

هیات مؤسس باید خود قبلا هدف و منظور از تشکیل سندیکا را دانسته و به فعالیتهای جمعی علاقمند باشد و این روحیه و علاقمندی را در سایر افرادی که تمایل بعضویت در سندیکا را دارند بوجود آورد، والا تشکیل سندیکا از افرادی بی‌علاقه بکارهای جمعی و بی‌تفاوت به بدی و یا خوبی زندگی و بی‌اطلاع از مسائل و جریانات اجتماعی آنطور که مورد انتظار است، قرین موفقیت نخواهد بود.

زندگی اجتماعی خواستار افراد اجتماعی است که دارای خلق و خوی اجتماعی باشند. داشتن خلق و خوی اجتماعی هم با خیلی چیزها ملازم است که از آن جمله از خود گذشتگی، فداکاری، همکاری، عزم استوار، همیاری، اجتماعی اندیشیدن و با هم کار کردن را باید یادآور شد. اما متاسفانه همه مردم این طور نیستند. بعضی‌ها دوست دارند دروادی سیر خطر زندگی تنها و دور از دیگران زندگی کنند و غالباً اینگونه افراد طعمه آفاتی میشوند که طبیعت برای نابودی آنها فراهم آورده است. انسان اگر خوی و خلق اجتماعی خود را حفظ نمیکرد، هیچگاه نمیتوانست تا این پایه به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نایل آید. همکاری و همیاری از طریق تشکیل سازمانهای اجتماعی شکل تازه‌ایست که بشر امروزی باید آنرا بشناسد تا نه تنها از اقیانوس خروشان زندگی گلیم خود را سالم از آب بیرون بکشد، بلکه بدینوسیله بتواند بهمشغلان خود خدمت نموده و ترفیه خاطر آنها را فراهم آورد.

پس ابتدا باید با فردفرد دوستان خود تماس بگیرید و آنها را با طرز کار و هدف سندیکا آشنا نمایید و برای آنها توضیح دهید که اگر یکایك ما کمك نکنیم و از سندیکا حمایت ننمائیم و هرکدام به پیروی از تصمیمات جمعی گوشه‌ای از این بار را بدوش نکشیم، بدون تردید کاری از پیش نخواهد رفت، باید توجه داشته باشید که هرچه اعضای یك سندیکا با هدف و طرز سندیکا آشنا شده و علاقمندی بیشتر نسبت بکارهای گروهی از خود نشان دهند، سندیکا از پشتوانه نیرومندتری بهره‌مند است.

حال پس از آشنا ساختن هم‌شغلان خود با این طرز فکر، گروهی بعنوان هیات مؤسس برای تشکیل سندیکا پیشقدم شده است ابتدا تقاضایی که ممکنست متن آن بدین مضمون باشد تهیه مینمایند:

اداره.......

از آنجائیکه حفظ منافع حرفه‌یی و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی ما

کارفرمایان

....

کارگران

جز از این طریق سازمانی متشکل میسر نمیگردد لذا بخاطر رفاه وآسایش بیشتر هم شغلان خود ما امضاء کنندگان ذیل بعنوان هیات مؤسس سندیکای در شرف تاسیس

کارفرمایان

....

کارگران

تقاضای تاسیس سندیکا را مینمائیم. خواهشمندیم راهنمائی ومساعدت لازم مبذول فرمایید.

هیات مؤسس سندیکای در شرف تأسیس

کارفرمایان

....

کارگران

نام ونام خانوادگی وامضاء

هیات مؤسس باید این تقاضا را بانضمام دفتری شامل اسامی کسانیکه مایل بعضویت در سندیکا میباشند تهیه نموده، در تهران باداره کل سازمانهای کارگری وکارفرمایی ودر شهرستانها بادارات کار وامور اجتماعی محل تسلیم نماید تا نسبت براهنمایی وارشاد آنان در تاسیس سندیکا اقدام گردد.

استفاده از نظرات وراهنمائیهای مسئولان ادارات کار وامور اجتماعی سبب خواهد شد که از بسیاری دوباره کاریها واتلاف وقت جلوگیری بعمل آید.

بارها مشاهده شده که اعضای هیات مؤسس ویا متقاضیان تشکیل سندیکا در اثر عدم اطلاع ویا مسامحه کاری قبل از کسب اطلاعات لازم از ادارات کار و امور اجتماعی به تشکیل مجمع عمومی و تهیه مدارك اولیه اقدام نموده‌اند ولی وقتیکه مدارك مربوط جهت انجام تشریفات قانونی و ثبت سندیکا به اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی یا ادارات کار تحویل شده، تازه معلوم میشود که اقداماتشان براساس اصول صحیح انجام نگرفته و ناگزیر به تجدید کارهای انجام شده میباشند. پس به لحاظ جلوگیری از دوباره‌کاری و اتلاف وقت، صلاح براین است که همواره جهت انجام کرهای خود و تهیه اساسنامه با مسئولین ادارات کار و امور اجتماعی مشورت کنید.

ادارات کار و یا اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی پس از بررسی تقاضای هیأت مؤسس مبنی برتشکیل سندیکا در صورت عدم وجوداشکالات قانونی شما را برای صدور آگهی جهت تشکیل اولین مجمع عمومی یا مجمع عمومی مؤسس راهنمایی خواهند کرد.

آگهی اولین مجمع عمومی را میتوان بشکل زیر تهیه نمود:

آگهی

بمنظور حفظ منافع حرفه‌یی و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اولین مجمع عمومی سندیکای در شرف تأسیس کارفرمایان/کارگران.........   ...در ساعت........روز.............

درمحل............ تشکیل میگردد. لذا از کلیه هم‌شغلان تقاضا میشود که در ساعت مقرر درمحل مذکور حضور بهمرسانند.

دستور جلسه:

۱- قرائت و تصویب اساسنامه

۲- انتخاب هیأت مدیره و بازرسان

۳- انتخاب هیأت داوری

هیأت مؤسس سندیکای درشرف تأسیس کارفرمایان/کارگران......

امضاء

برطبق آئین‌نامه سازمانهای کارفرمائی دعوت مجمع عمومی سندیکا از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار بعمل میاید، ولی آئین‌نامه سازمانهای کارگری چنین قیدی نداشته و تشکیل مجمع عمومی و دعوت از اعضاء را موکول به مقررات اساسنامه نموده است.

برای آنکه کلیه اعضاء سندیکا از تشکیل مجمع عمومی مطلع گردند و فرصت شرکت در مجمع و اظهارنظر از هیچ یك از اعضاء فوت نشود، اساسنامه سندیکاها پیش‌بینی کرده است که آگهی تشکیل مجمع عمومی لااقل ۱۵ روز قبل از تشکیل جلسه باطلاع عموم اعضاء برسد و هرگاه معلوم گردد که اکثریت اعضاء سندیکا از ساعت و محل و تشکیل مجمع عمومی بی‌اطلاع بوده‌اند، نمیتوان تصمیمات درچنین مجمعی را معتبر شناخت.

مطلب دیگری که مخصوصاً در آگهی مربوط بدعوت اعضاء برای تشکیل مجمع عمومی لازمست مورد توجه قرار گیرد و در اساسنامه نیز پیش‌بینی شده‌است ذکر دستورجلسه مجمع عمومی درآگهی دعوت میباشد. منظور ر بیان این موضوع آنستکه اعضاء با آشنایی و اطلاع کافی از آنچه مورد بحث و مطالعه قرار خواهد گرفت درجلسه شرکت جویند و ترتیبی پیش نیاید که بسبب بی‌اطلاعی حقی از عضوی ضایع شود و بالاخره ذکر محل تشکیل مجمع و ساعت آن باید درآگهی درج گردد.

حال فرض کنید اولین مجمع عمومی سندیکا با حضور سه چهارم کسانیکه مایل به عضویت در سندیکا میباشند (نام کسانیکه مایل بعضویت سندیکا میباشند باید قبلاً در دفتری ثبت گردد) رسمیت یافته است، برای

برگ اخذ رای

ردیف	هیات مدیره
۱	
۲	
۳	
۴	
۵	
٦	
۷	
؍	
؍	

ردیف	هیات داوری
۱	
۲	

اینکه این مجمع کار خود را شروع کند، ابتدا باید پیش‌بینی و سپس هیات رئیسه برای اداره مجمع انتخاب نمود. هیات رئیسه که عده آن معمولاً پنج نفر است با اکثریت آرا و از طریق قیام و قعود انتخاب میگردد. هیات رئیسه از بین خود یکنفر را بعنوان رئیس، دونفر بعنوان نایب رئیس و دونفر را بعنوان منشی انتخاب می‌کند. اداره و نظم و گردش کار مجمع عمومی بعهده هیات رئیسه میباشد.

پس از انتخاب هیات رئیسه کار مجمع رسماً شروع شده و برطبق دستورجلسه باید اساسنامه ماده بماده قرائت شده و مجمع عمومی نظر خود را نسبت بتصویب و یا اصلاح آن اعلام دارد. پس از تصویب اساسنامه نوبت انتخاب اعضای هیات مدیره، بازرسان و هیات داوری فرا میرسد، اما قبل از انتخاب این سه دسته هیات نظارت برانتخابات باید برگزیده شود. هیات نظارت بر انتخابات شامل پنج نفر است که با اکثریت آراء و از طریق قیام و قعود انتخاب میشوند و این پنج نفر باید از بین خود یکنفر را بعنوان رئیس دونفر را بعنوان منشی و دونفر رابعنوان نایب رئیس انتخاب نمایند. هیات نظارت عهده‌دار حسن اجرای انتخابات و رعایت مقررات اساسنامه بوده و در انجام وظایفش باید اصول بیطرفی را کاملاً رعایت کند. و بهمین منظور اعضای هیات نظارت و هیات رئیسه نباید کاندیدای انتخاب شدن برای هیات مدیره، بازرسان و یا هیات داوری باشند ضمناً بطور مخفی و کتبی اخذ رای انجام گیرد. و این عمل را بدوطریق میتوان انجام داد. طریق اول استفاده از فرم الف و یك صندوق است بطوریکه ملاحظه میکنید در فرم مذکور چهار قسمت پیش‌بینی شده که سه قسمت آن مربوط به هیات مدیره، بازرسان و هیات داوری بوده و قسمت چهارم را درصورت لزوم میتوان برای نمایندگان سندیکا در اتحادیه و یا موضوع دیگری مورد استفاده قرار داد و بجهت کنترل و جلوگیری از هرگونه سوء عمل باید برگهای اخذ رای را به ترتیب شماره زده و بمهر سندیکا یا علامت دیگری مشخص کرد. اعضاء پس از دریافت برگ اخذ رای اسامی مورد نظر خود را در قسمتهای مربوطه نوشته و بصندوق میریزند.

شماره مسلسل.....

هیأت بازرسان

سندیکاهای کارگری

نماینده کارگران سیمان سفید دماوند:

خانه‌سازی، از راه تشکیل شرکت تعاونی مسکن

نصراله کاظم شیرازی

مرتضی علی عسگر

علی احتشام

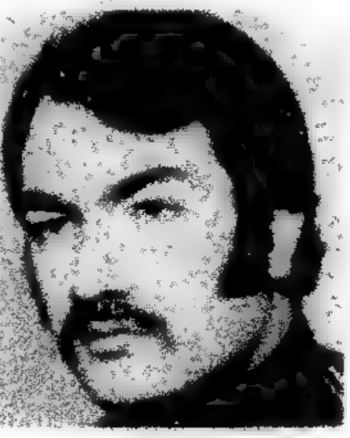

غلامرضا بدیسار

مسئله تامین مسکن برای آن گروه که مسکن شخصی ندارند، بویژه برای افراد کم درآمد مورد تاکید فراوان قرار گرفته است، بخصوص آنکه این امر مهم اجتماعی اخیراً شکل تازه و جدی‌تری یافته است.

تهیه و تدارك واحدهای مسکونی برای کارگران، این گروه بزرگ انسانی جامعه از طریق گوناگون به حقیقت می‌گراید و تاکنون عده زیادی از کارگران هموطنمان از راه خانه‌سازیهای ارزان قیمت، دریافت وامهای مسکونی و دیگر راهها صاحب خانه شده‌اند.

یکی از شکلهای مؤثر تامین مسکن برای کارگران تشکیل شرکتهای تعاونی مسکن است که تاکنون فعالیتهای چشمگیری داشته است. دربی این مقصود مجمع عمومی توس، شرکت تعاونی مسکن کارگران کارخانه سیمان سفید دماوند، مبادرت به تشکیل این شرکت نمود.

این مجمع که با دعوت قبلی سندیکای کارگران و با حضور نماینده وزارت کار و امور اجتماعی در آبان‌ماه ۲۵۳۵ تشکیل گردید، ابتدا آقای بهلول مریخی را بعنوان رئیس سنی جلسه انتخاب کرد و سپس آقایان جمشید پیلمرودی بعنوان رئیس و امیر کریمی به عنوان نایب رئیس و محمود احمدیان صبور منشی و علی‌اصغر خراسانی و محمدرضا گنجی و محمود مختاری به سمت هیات نظار جلسه برگزیده شدند.

دراین مجمع عمومی جهت تعیین اعضاء هیات مدیره شرکت تعاونی اخذ رای کتبی بعمل آمد و افراد زیر براساس اکثریت آراء انتخاب شدند:

آقای نصراله کاظم‌شیرازی (رئیس هیات مدیره)
آقای مرتضی علی‌عسگر (نایب رئیس)
آقای علی‌احتشام (عضو هیات مدیره)
آقای غلامرضا بدیسار (منشی)
آقای کیانوش جوانشیری (عضو هیات مدیره)
آقای کارتیك‌آقایانس (بازرس)
آقای جمشید قره‌قاسملو (بازرس)
آقای محمدعلی عبدی (بازرس)

آنگاه اعضاء هیات مدیره آقای مهندس فیروز پزشکی را به عنوان مدیر عامل این شرکت انتخاب کردند.

نماینده کارگران این واحد تولیدی ضمن گفتگوی کوتاهی اظهار داشت: با توجه به این مسئله که کارگران صاحب مسکن نمی‌توانند به عضویت شرکت تعاونی مسکن درآیند، تاکنون مجموع کارگران عضو به شماره ۱۱۰ نفر رسیده است و سرمایه اولیه شرکت از طریق فروش سهام(به ارزش هر سهم ۵۰۰۰ ریال) تامین شده است.

باید یادآور شد که اعضاء هیات مدیره این شرکت تاکنون چندین نشست داشته و طرحهائی را بمنظور تسریع در امر تهیه و تامین مسکن پی‌ریزی کرده‌اند که در آینده شاهد موفقیتهای آن خواهیم بود

جعفر حائری، نماینده کارگران:

چگونه شرافت کارگری را حفظ کنیم؟

نمایندگان فعال کارگاهی را بشناسیم.

نمایندگان کارگران در تمام کارگاههای واحدهای صنعتی و تولیدی بدان منظور برگزیده میشوند که مسئولیت نگهداشت و بازستاندن حقوق قانونی کارگران وابسته را بنحو شایسته‌ای بعهده بگیرند.

نماینده‌ای که در این شماره بطور اختصار با او آشنا میشویم، جعفر حائری نام دارد که نماینده ۳۵۹ نفر کارگران کارخانجات مفید (تلویزیون بلر) میباشد. وی آنگونه که خود میگوید در دوره‌های نمایندگی‌اش (از سال ۲۵۲۵ تا کنون) کوشیده است تا منشاء خدمات برجسته‌ای برای همکاران خود باشد.

حائری در نشست دوستانه‌ای با ایزد مهدیان خبرنگار و نویسنده رستاخیز کارگران اظهار میدارد از ابتدا با ایمان و علاقه و شناخت مسئولیتی که بر عهده داشته‌ام بیشتر اوقات خود را در راه بهبود وضع و تامین رفاه خواهران و برادران همکارم مصروف کرده‌ام.

وی در این گفت و شنود قسمتی از فعالیتهای خود را برشمرد که در اینجا مواردی از آنها را منعکس میکنیم:

۱– رسیدگی به وضع عمومی کارگران و راهنمائی آنها طی جلسات متعدد سخنرانی به منظور پیشرفت کار و آموزشهای ملی و میهنی.

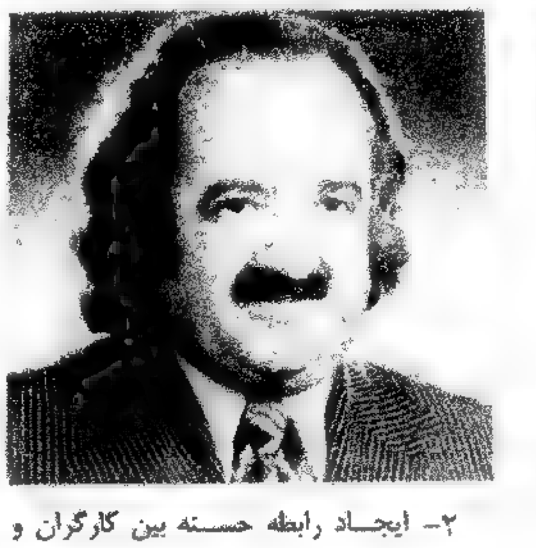

۲– ایجاد رابطه حسنه بین کارگران و کارفرما.

۳– حفظ محیط سالم کار از هر حیث با توجه به مختلط بودن کارگران (زن و مرد).

۴– تاسیس شرکت تعاونی اعتبار با سرمایه اولیه ۶۷/۰۰۰ ریال و افزایش آن تا بیش از ۵۰۰/۰۰۰ ریال و پرداخت میزان ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال وام به کارگران (در سال گذشته).

۵– تهیه طرح تدارك رستوران و سلف‌سرویس و جلب موافقت کارفرما در جهت دادن غذای مجانی به کارگران.

۶– تاسیس شرکت تعاونی مصرف در سال ۲۵۳۳ با سرمایه اولیه ۶۰/۰۰۰ ریال و افزایش آن تا ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال.

۷– پیاده کردن طرح طبقه‌بندی مشاغل و تعیین حداقل حقوق کارگران ساده تا میزان ۱۶۸/- ریال روزانه و حداکثر ۵/۰۰۰ ریال (برای کارگران متخصص).

۸– شرکت در کلیه جشنهای ملی و میهنی.

۹– پرداخت سود ویژه کارگران براساس بهره‌وری، بطوریکه در سال گذشته مجموع سود پرداختی تا ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد شده بود.

۱۰– کوشش در راه آموزشهای عمومی و آموزشهای فنی، تشکیل کلاسهای فنی در کارخانه و اعزام کارگران ماهر به خارج از کشور.

۱۱– تشکیل یك کانون حزبی با شرکت ۲۱۱ کارگر عضو.

جعفر حائری تا کنون بعنوان سرپرست مونتاژ رادیو– سرپرست مونتاژ تلویزیون– سرپرست تولید– سرپرست سرویس تهران و سرپرست شهرستانها فعالیت کاری داشته است.

وی اکنون علاوه بر مسئولیت نمایندگی، رئیس کانون ۸۵۲۳ حزب رستاخیز ملت ایران، مدیر عامل شرکت تعاونی اعتبار و مدیرعامل شرکت تعاونی مصرف میباشد. حائری ضمن ابراز غرور اضافه میکند که: «تا کنون سه بار بمناسبتهای مختلف به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شده‌ام که در یکی از شرفیابی‌ها بعنوان تنها نماینده برگزیده کارگران معرفی شدم.»

نماز و عبادتتان قبول باد

یکی از دوستان کارگر این عکس را برایمان فرستاده از یك لحظه پاك و دیدنی زندگی کارگری که سر به سجده دارد و نماز می‌گزارد و زیر عکس نوشته بود: ظهرها پس از پایان کار نیمروز قبل از خوردن ناهار نمازمان را میخوانم و بعدازظهر با روحیه تازه‌تری کار می‌کنم. حقیقت هم همینست. آرزومندیم همه کارگران مثل این کارگر ساختمانی اینگونه اعتقاد محکمی داشته باشند، که مسلما هم دارند. در این صورت است که همه از آنها رضایت دارند، حرفشان را میخوانند و میدانند کسی که با خدا راز و نیاز می‌کند و سر بر سجده دارد برای بدست اوردن نان حلال و پاك درست کار می‌کند و پولی را که بدست می‌اورد، حلال میخورد. این همان نیروی ایمان است و احترام به یك اجتماع پاك، اجتماع کارگری ایران، نمازهایتان و عبادات‌تان قبول باد.....

اکبر بروس‌لی
چهره سرشناس و یک چهره کارگر

اسمش اکبر است و نام فامیلش بروس‌لی «حالا چرا بروس‌لی»؟.... حرف خودش جالب‌تر است. او میگوید:

- من عاشق کارها و زندگی بروس‌لی هستم، بدون اینکه ادای او را در بیاورم، هم اکنون کلکسیونی از عکس‌هایش را دارم که در تمام ایران نایاب است و دوستانم از خارج اورده‌اند، بهمین جهت من اکبر بروس‌لی هستم!.

این اکبر خان بروس‌لی چهره یك کارگر پر تحرك را دارد. در کادر مطبوعات کار می‌کند و کارش راه‌اندازی و آماده‌سازی صفحات مجله‌ای است که در آن کار می‌کند. از خصوصیات جالبش اینست که هرگز دروغ نمی‌گوید و حرف زور هم نمی‌شنود، ولی هنوز دستش بروی یك نفر بلند نشده، در حالیکه امان میز و صندلی‌ها و کمدهای فلزی از دست او بهوا است، چون ناگهان تصمیم می‌گیرد با آنها تمرین کند نکته جالب در زندگی اکبرخان بروس‌لی اینست که تمام هنرپیشه‌های ایرانی او را می‌شناسند و با همه آنها عکس یادگاری گرفته سعید راد از دوستان خوب اوست و بخاطر صفائی که در دوستی دارد مورد محبت و توجه همه است، خودش می‌گوید من روز تا شب کار می‌کنم و شبهاهم به تمرین میپردازم، ولی نه برای تظاهر و یا نظایر آن، من علاقه دارم جسم سالمی داشته باشم، سیگار نمی‌کشم، تا بحال لب به مشروب نزده‌ام و پرخوری نمی‌کنم، زیاد کار می‌کنم و از لحظات تعطیلی و فراغت از کار لذت می‌برم و تصمیم دارم با پولی که جمع کرده‌ام، همین روزها برای طی یك دوره کاراته به ژاپن بروم و داستان زندگی بروس را آنطور که هست بدست اورم.

بهر حال باید دید این جناب بروس‌لی ایرانی با موفقیت‌های آینده چگونه روبرو خواهد شد؟!....

پای صحبت شاهرخ پهلوان‌پور، در باره

برنامه‌های آینده
مرکز آموزش هنری کارگران

شاهرخ پهلوان‌پور برای کارگران، به ویژه کارگران هنرمند چهره سرشناسی است. وی در حال حاضر رئیس اداره هنری و جشن‌ها، و سرپرست مرکز آموزش هنری کارگران ایران است و در این مراکز همراه با کارگران هنرمند به فعالیت‌های خود مشغول است. از آنجا که شناسائی کار اینَ اداره مرکز هنری برای کارگرانی که مایل هستند در این کلاسهای هنری شرکت کنند جالب است، گفتگوئی را با ایشان ترتیب داده‌ایم که در زیر میخوانید.

* از چه زمانی فعالیت‌های سرپرستی هنری را آغاز کردید؟

از اول شهریور ماه سال جاری از پست رئیس اداره هماهنگی و تنظیم برنامه‌های ورزشی و هنری، به پست رئیس اداره امور هنری و جشنها و سرپرست مرکز آموزش هنری کارگران ایران تغییر سمت دادم.

* روابط شما با کارگران هنرمند و غیره در کار سرپرستی پیشاهنگی کارگران چگونه بوده است؟

-در پست قبلی مسئولیت پیش‌آهنگی کارگران ایران را بعهده داشتم و این فعالیتی بود که از آغاز آن در وزارت کار و امور

گروه هنرمندان سیستان و بلوچستان

استادیوم سرپوشیده کارگران تهران، ماه گذشته با اجرای یك برنامه فرهنگی و زمینه‌شناسی موسیقی ایرانی بمناسبت نهمین جشن فرهنگ و هنر بوده. این برنامه به مناسبت تقارن با پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی نسبت به سالهای گذشته با شکوه بیشتری برگزار شد. در این مراسم آقای ابکاری، رئیس سازمان کارگران ایران، محمود بیاتی مدیریت کل تربیت بدنی و تفریحات سالم وزارت کار و امور اجتماعی و نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی و انجمنهای ملی و بالغ بر چهار هزار نفر از کارگران و خانواده‌های آنان شرکت داشتند. ابتدا شاهرخ پهلوانی‌پور، رئیس اداره امور هنری و سرپرست مرکز آموزش هنری کارگران ایران ضمن سخنانی در مورد تاریخچه فرهنگ ایران و چگونگی پیدایش جشنها، با اشاره به تاریخ فرهنگ و هنر غنی کشورمان که در هر گوشه‌یی از مملکت نشانه‌هائی از آن مشاهده می‌کنیم گفت:

وقوف براین همه ذخائر میرفت که فراموش گردد، لیکن شهبانوی فرهنگ پرور ما بمنظور روشن نگاه داشتن شعله‌های فروزان این فرهنگ متمدن جشنهای فرخنده فرهنگ و هنر را ایجاد فرمودند تا ضمن بحثها و گفتگوها نسل جدید به آثار متقدمین حود بیشتر و بیشتر پی ببرد و برای بهره‌گیری از این استعداد خدادادی گامی نو در راه احیای فرهنگ دیرین و امیختن با فرهنگی نوبدارد که این خود راهیست بزرگ بسوی آینده‌ای بزرگ.

اهدای سبد گل به سرپرست هنرمندان وسیله آقای ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران

در خاتمه لازم میدانم از توجهات مخصوص وزیر محترم کار و امور اجتماعی و وزیر محترم فرهنگ و هنر که همواره دستورات مؤکدی در مورد اجرای برنامه‌های هنری و فرهنگی کارگران صادر میفرمایند. تشکر و سپاسگزاری نمایم.

جاوید شاهنشاه آریامهر، پاینده ایران

سپس آقای ضیاء طالقانی، کارگر کارخانه چیت‌سازی تهران قصیده شیوائی را که بمناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پر افتخار پهلوی سروده بود، قرائت کرد.

در همین مجلس جشن، نظر باینکه تیم کاراته استادیوم کارگران در مسابقات کاراته جام پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی بمقام قهرمانی نائل گردیده بود. جوایزی از طرف اداره کل تربیت بدنی و تفریحات سالم تهیه شده بود که پس از گزارش، آقای کیهان سرپرست استادیوم وسیله آقایان ابکاری و بیاتی میان قهرمانان توزیع گردید.

آنگاه برنامه هنرمندان سازمان فلکلوریك ایران، وابسته بوزارت فرهنگ و هنر در هفت قسمت وسیله هفت گروه هنری آذربایجانی- گیلانی- سیستان و بلوچشتانی- کردستانی- اشوری کردی اجراء گردید که بینهایت مورد توجه قرار گرفت و در پایان پس از تشکر از مسئولان وزارت فرهنگ و هنر و هنرمندان برنامه، وسیله آقایان بیاتی و ابکاری سبد گل زیبائی بعنوان سپاسگزاری به سرپرست هنرمندان اهداء شد، این مراسم در ساعت ۸ بعد از ظهر بپایان رسید.

اجتماعی(سال ۲۵۳۱) کلیه برنامه‌ها از تهیه و تدوین برنامه پنجساله پیش‌آهنگی کارگران، اهتمام در گسترش و ترویج مرام و منشهای پیش‌آهنگی بین کارگران شهرستانها، تشکیل واحدهای پیش‌آهنگی کارگران در کارخانه‌های کشور، تشکیل اردوهای تعلیماتی هفت روزه در اردوگاه پیش‌آهنگی رامسر و برنامه‌هائی مشابه آنرا شخصاً تهیه و اجرا نموده‌ام که در این موفقیت راهنمائیهای ارزنده جناب آقای معینی وزیر کار و امور اجتماعی، جناب خانم حجازی معاون امور اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی و

همکاری پر ارج سازمان ملی پیش‌آهنگی ایران سهم بسزائی داشته است. اما در مورد روابط من و کارگران فکر می‌کنم آنان بایستی اظهار نظر نمایند، ولی با توجه به مساله مهم

خواست آنان و علاقه کارگران در برنامه‌های مختلف همیشه موجبات رضایت آنان فراهم گردیده است.

*** چه زمینه‌هائی را برای پیشبرد و هدفهای تازه‌تان مورد نظر قرار داده‌اید؟**

- در درجه اول شناسائی فعالیتهای هنری کارگران در کارخانه‌ها و اطلاع کامل کارگران از برنامه‌های مختلف هنری مورد توجه است، چون تصور میرود هنوز بسیاری از کارگران از چگونگی این برنامه‌ها هیچ اطلاعی نداشته و حتی فکر می‌کنم اغلب انان از وجود مرکز اموزش هنری کارگران ایران بی‌خبر باشند.

بعلت رضایت هنر جویان فعلی مرکز و امکان گرایش سایر کارگران هنرمند باین مرکز از برنامه‌هائی است که اولویت خاص برای آن قائل میباشیم. اهم برنامه‌های در دست اقدام بشرح زیر است:

- برگزاری مسابقات هنری در رشته‌های نقاشی- کاردستی- داستان‌نویسی مقاله‌نویسی، و تشکیل نمایشگاههای آثار هنری کارگران زن و مرد کشور.

- همکاری با وزارت فرهنگ و هنر در اجرای برنامه‌های جشن فرهنگ‌وهنر.

- انجام برنامه‌های سینمائی ارزان قیمت در سینماهای پایتخت و شهرستانها.

انجام برنامه‌های سینمائی رایگان در باشگاههای کارگران تهران و شهرستانها.

- انجام برنامه‌های تئاتر و کنسرت ارزان قیمت در باشگاههای کارگران تهران و شهرستانها.

- انجام برنامه‌های بازدید رایگان از اماکن تاریخی(موزه‌ها و نظایر آن).

- تشکیل گروههای هنری کارگران و اجرای برنامه‌های متنوع برای کارگران و خانواده آنان ترتیب ضبط و پخش برنامه‌های هنری کارگران از رادیو و تلویزیون.

ضمناً بررسیهائی بعمل آمده که چنانچه مقامات مسئول وزارت کاروامور اجتماعی موافقت نمایند، وظایف مربوط به برنامه‌های پیش‌آهنگی کارگران ایران باین اداره اضافه و باردیگر شخصاً آنرا پی‌گیری نمایم.

*** کارگرانی که باین مرکز مراجعه می‌کنند، باید دارای چه شرایط و مشخصاتی باشند؟**

- علاقه‌مندی کارگران به فعالیتهای هنری در درجه اول اهمیت است که در بدو ورود وسیله استاد مربوطه مورد ازمایش قرار میگیرد. پس از آزمایش فوق ارائه معرفینامه از کارخانه‌ایکه در آن کار می‌کنند ضروری بوده و کارگران برای استفاده از کلاسهای مرکز بایستی ماهیانه مبلغ یکصد ریال پرداخت نمایند. کمی مبلغ شهریه چشمگیر است و علت آن توجه کامل وزارت کار و امور اجتماعی به مسائل مختلف رفاهی کارگران است و اخذ مبلغ ناچیز فوق هم فقط برای آنست که کارگران با پرداخت آن با علاقه بیشتری فعالیت خود را دنبال کنند.

*** پس از پایان دوره کارآموزی چه مزیتهائی انتظار کارگران را می‌کشد؟**

همانطوریکه میدانید بسیاری از رشته‌های موسیقی و همچنین تئاتر و نقاشی دوره‌هائی بس طولانی دارند. برای مثال یك ویلونیست برای تکمیل هنر خود ممکنست حتی تا ۱۲ سال یا بیشتر فعالیت کند، ولی در هر صورت در نظر است برنامه کلاسها با تقسیم زمانی اموزشهای مختلف و دوره‌های بخصوص اداره شود و در آنصورت چنانچه موافقت مقامات وزارت کار و امور اجتماعی جلب شود مبادرت به صدور گواهینامه برای دوره‌های مذکور خواهد گردید.

*** آیا با کارگران هنرمند به گفت و شنود می‌نشینید؟**

- روابط بسیار صمیمانه‌ای بین مسئولان و هنرجویان برقرار است و حتی وسیله مرکز اعلام گردیده که هنرجویان تمام پیشنهادات و نظریات خود را میتوانند مستقیما با رئیس مرکز مطرح و به بحث و گفتگو بپردازند.

*** مسائل داخلی زندگی کارگران را مورد نظر دارید؟**

- گرچه مسائل مربوط به زندگی خصوصی هنرجویان و کارگران هنرمند ربطی به این اداره و مرکز آموزش ندارد ولی چنانچه لازم باشد و درخواستی بشود مسلماً با علاقه‌مندی کامل نسبت به رفع مشکلات آنان در حدود مقررات، که مغایر وظایف وزارت کار و امور اجتماعی نباشد اقدام خواهد شد.

*** برنامه‌های آینده‌تان چیست؟**

در پاسخ سئوال سوم کلیه برنامه‌های جاری و آتی ذکر گردیده مع‌الوصف اضافه میشود اجرای کلیه برنامه‌های جاری و آتی اداره امور هنری و جشنها و مرکز آموزش هنری کارگران در سطح وسیعتر و گسترده‌تر از اهمیت خاصی برخوردار است.

انسان مبتکر، هرگ

اخیراً طی سفری به تبریز و دیدار از مؤسسات صنعتی این منطقه داشتیم با دوکارگر مبتکر و فعال آشنا شدیم که هرکدام در رشته خود موفقیتهای چشمگیری دارند و به دریافت جوایزی نیز نائل شده‌اند. بهمین جهت گفتگوئی با آنان ترتیب دادیم تا بتوانیم آندو را به دیگر خواهران و برادران کارگر خود در سراسر مملکت بشناسانیم.

افراد مبتکر و موانع

این دو- صادق رزقیان و سیدحسین علوی نامور- کارگران کارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) هستند که بسیار هم مورد علاقه همکاران و رؤسای خود می‌باشند، چراکه صادقانه میکوشند و کار را برای نفس کارکردن و بیشتر یادگرفتن و بیشتر دانستن انجام میدهند و درنتیجه نیروی ابتکار خود را نیز در مواقع ضروری بکار می‌اندازند و از آن با اطمینان بهثمربخش بودنش استفاده میکنند و معتقدند که اصولاً آدم مبتکرهیچگاه در برابر موانع و مشکلات در نمیماند وجاخالی نمیکند، بلکه برعکس بهرطریق که باشد، راهی جهت ادامه مسیر خود میابد.

صادق، متولد سال ۱۳۳۰ است و ۲۵ بهار را پشت‌سر گذاشته است. هنگامیکه با او آشنا میشوم و هدفم را از گفتگو برایش شرح میدهم، آنچنان بوجد می‌آید که گوئی در مسابقه‌ای بزرگترین جایزه را برده است و رو به دیگر همکارانش میکند و میگوید:

- نگفتم که سرانجام روزی از طرف مجله «رستاخیز کارگران» بسراغ ماهم خواهند آمد؟ دیدید که پیش‌بینی من درست بود؟...

وانگاه آمادگی خود را برای گفتگو اعلام می‌کند..

دیپلمه برق

از او میخواهم درباره خودش و کارش برایم صحبت کند، میگوید: «چهارسال است که درکارخانه تراکتورسازی ایران (تبریز) مشغول کار هستم. روز اولی که وارد کارخانه شدم، حقوقی برابر ۳۵۰تومان درماه برایم تعیین شد. اما الان پس از مدت چهارسال ۱۲۵۰تومان میگیرم. طی این مدت دنبال درس خود را بهیچوجه رها نکردم و در نتیجه امسال از طریق شبانه در رشته برق دیپلم شدم و درسال گذشته نیز در مسابقات مهارت فنی شرکت کردم و در سراسر کشور مقام اول را در رشته سیم‌کشی ساختمان بدست آوردم و طی مراسمی یك قطعه مدال درجه یك کار از دست مبارك والاحضرت همایون ولایتعهد گرفتم. ناگفته نماند که قبل از استخدام در تراکتورسازی در رشته برق و سیم‌کشی ساختمان مدتها کار کرده بودم و دراین زمینه مهارت داشتم.»

گرانی اجناس

صادق که در کنار یك تابلو پراز کلید و شاسی و ادوات برقی ایستاده و بامن صحبت میکند، در پاسخ این پرسش که متاهل شده یا نه و وضع زندگیش چطور است، میگوید:

-«سه سال است که متاهل شده‌ام و هم‌اکنون یك پسر ۲۱ ماهه دارم که فوق‌العاده شیرین‌زبان است و خوشبختی من و همسرم را تکمیل کرده است.»

ازصادق میخواهم که برایم بیشتر حرف بزند...می‌گوید: «برای کسب درآمد بیشتر از ساعات بیکاری و فراغت خودم استفاده میکنم و با کارهای سیم‌کشی در ساختمانها و تعمیرات وسایل برقی، درآمدی حدود ۶۰۰تومان دارم که کمبود مخارج ما را برطرف میکند.»

درباره مسکن از او سئوال میکنم که از خانه‌های سازمانی کارخانه استفاده میکند یا خیر، میگوید: «خوشبختانه از این‌جهت احتیاجی ندارم، چون با کوشش و فعالیت زیاد در سالهای گذشته، توانستم خانه‌ای جمع و جور و کوچك دست و پا کنم تا از پرداخت اجاره بهاء و خانه‌بدوشی راحت باشم.»

ادامه تحصیل، آرزوی بزرگ

از آرزوهایش سئوال میکنم، اظهار میدارد: «تنها آرزویم اینست که بتوانم به زندگیم سروسامانی بدهم و آنگاه از ساعات فراغتم جهت ادامه تحصیل استفاده بکنم. البته مسلماً در آینده نزدیك به این آرزو خواهم رسید، چون معتقدم که هیچ‌مانعی نمیتواند بشر را از رسیدن به هدفش باز دارد. روزی آرزو میکردم که در مسابقات مهارت فنی حداقل در ردهبرندگان قرار گیرم، ولی یکباره متوجه شدم که مقام اول را در این مسابقات کسب کرده‌ام و دیری نپائید که درهمین ناباوری بحضور والاحضرت ولیعهد عزیز وطنم باریافتم و از دست مبارکش جایزه خود را گرفتم. امروز نیز یقین دارم که خواهم توانست به آرزوی بزرگم که همان ادامه تحصیل است، برسم.»

بافکر خودم

درباره تابلوئی که تعداد زیادی کلید و شاسی و ادوات برقی روی آن نصب شده، سئوال میکنم، میگوید:

-«این تابلو را با فکر خودم ساخته‌ام و ازآن برای کنترل دستگاههای تهویه کارخانه استفاده می‌شود و بنام تابلوی فرمان اتوماتیك الکتریکی نامیده شده و بطور خودکار دستگاههای تهویه را هنگام کار و جریان یافتن برق تحت کنترل نگه میدارد.»

نمونه در استان

باصادق خداحافظی میکنم و بسراغ سید حسین علوی نامور، کارگر نمونه در استان آذربایجان شرقی میروم. با حسین نیز آشنا میشوم و او که سرگرم کار روی یك دستگاه برقی است، برای دقایقی دست از کار میکشد و میگوید: «درسال گذشته براثر کارهائیکه در زمینه نصب تمام

● صادق رزقیان کارگر مبتکری که در مسابقات مهارت فنی درسال گذشته در رشته سیم‌کشی ساختمان مقام اول را بدست آورد. تابلوی مخصوصی ساخته است که برای کنترل دستگاههای تهویه کارخانه از آن استفاده می‌شود.

● سیدحسین علوی، می‌گوید:
- ازکار افتادن یك پرس حتی برای چند ساعت، برسطح تولید، و درنهایت بر فروش و میزان سود و سرانجام میزان سود ویژه تاثیر می‌گذارد.

صادق رزقیان که در مسابقات مهارت فنی درسال گذشته در رشته سیم‌کشی در سراسر کشور مقام اول‌راحائز شده،یك تابلوی فرمان الکتریکی برای کنترل دستگاههای تهویه کارخانه تراکتورسازی ساخته است و سیدحسین علوی نامور نیز که کارگر نمونه شناخته شده، ابتکاراتی درنصب تجهیزات الکتریکی پرس‌های ۶۵۰ تنی و فرمان کنترل انها نشان داده است.

تجهیزات الکتریکی کارخانه و مونتاژ آنها انجام دادم بعنوان کارگر نمونه در این استان به مرکز معرفی شدم و جوائزی نیز نصیبم شد. ازنظر تحصیل مدرك سوم متوسطه نظام قدیم آموزش و پرورش را دارم و نزدیك چهارسال است که در تراکتورسازی کارمیکنم.»

از سوابقش سئوال میکنم، میگوید: «از سال ۱۳۳۶ کارگری را شروع کردم و بعنوان سیم‌کش خانه‌ها بطور آزاد فعالیت میکردم. درسال ۱۳۴۰ با ۱۵۰ تومان حقوق درماه به استخدام اداره برق درآمدم و تاسال ۱۳۴۸ (۲۵۲۸ شاهنشاهی) درآنجا بودم. در آن موقع از اداره برق بیرون آمدم و به ذوب‌آهن آریامهر رفتم و درآنجا استخدام شدم و سه‌سال هم در این واحد عظیم صنعتی کارکردم و بعد به تراکتورسازی آمدم و تاکنون در این واحد مشغول هستم و بعنوان «مونتور تاسیسات الکتریکی ۳» یا استادکار درجه ۳ کار میکنم و حقوقم درست سه‌هزارتومان است.»

کارساز

علوی که جوانی ۳۵ ساله است و متاهل شده، بدنبال سخنان خود به سود ویژه‌ای که گرفته اشاره میکند و میگوید: « سال گذشته ۴۵۰۰تومان بعنوان سود ویژه دریافت داشتم که این پول هرسال در اسفند ماه برای ما کارگران واقعاً کارساز است و رونق و جلوه وجلای زندگی ما را در شب عید بخوبی تامین میکند. سه بچه دارم که بزرگترین آنها دختری ۱۱ ساله است و در پنجم ابتدائی درس میخواند، بچه دومم پسری است ۹ ساله که در سوم ابتدائی مشغول است و سومی هم دختری است ۷ ساله که امسال در اول ابتدائی مشغول درس خواندن شده است.

دوتاکافیست

میپرسم بازهم بچه میخواهی؟ میگوید: بهیچوجه! راستش را بخواهید من معتقدم که برای هرخانواده دوبچه کافی است، چرا که علاوه تامین خوراك و پوشاك آنها، تربیت و آموزش و پرورش بچه‌ها بسیار مهم است و هرپدر و مادری اگر خیلی هم زرنگ باشند و کارآزموده، بیشتر از دوبچه را نمیتوانند تربیت کنند و بهمه‌چیز آنها برسند. بنابراین دوتا کافی است و ازآن بیشتر هم دستوپا گیر و ناراحت کننده، و بهمین خاطر من و همسرم ناگزیریم که از بسیاری مواهب و تفریحات و خوشی‌های زندگی چشم‌پوشی کنیم تا سه بچه ما در آسایش و آرامش کامل زندگی کنند و درس بخوانند.»

علاقه و تفاهم

ازآرزوهایش میپرسم و همچنین از روابطش با مدیران کارخانه، میگوید:

-«تنها آرزوی بزرگم همانست که درباره بچه‌ها گفتم. دلم میخواهد آنها بنحو دلپذیر و خوبی تربیت شوند وبدون هیچ کموکسری در زندگیشان بتوانند از استعدادهای خود بهره بگیرند و برای جامعه آینده وطنم که مسلم در آنموقع دوران تمدن بزرگ فرا رسیده است، مثمر ثمر واقعی باشند.

درباره روابط با مدیران کارخانه سئوال کردید، دراین زمینه باید صراحتاً تاکید کنم که بین دوطرف واقعاً علاقه به یکدیگر و تفاهم حکمفرماست و مهربانی تنها از یکسو نیست. ما آنها را دوست داریم و آنها نیز با کارهای خود به ما ثابت کرده‌اند که همواره بفکر ما هستند.»

از حسین در این مورد توضیح بیشتری میخواهم و میگویم نمونه‌ای میتواند ذکر کند؟... میگوید:

- «بهترین مدرك، همین کاری است که

ز در برابر موانع در نمی ماند

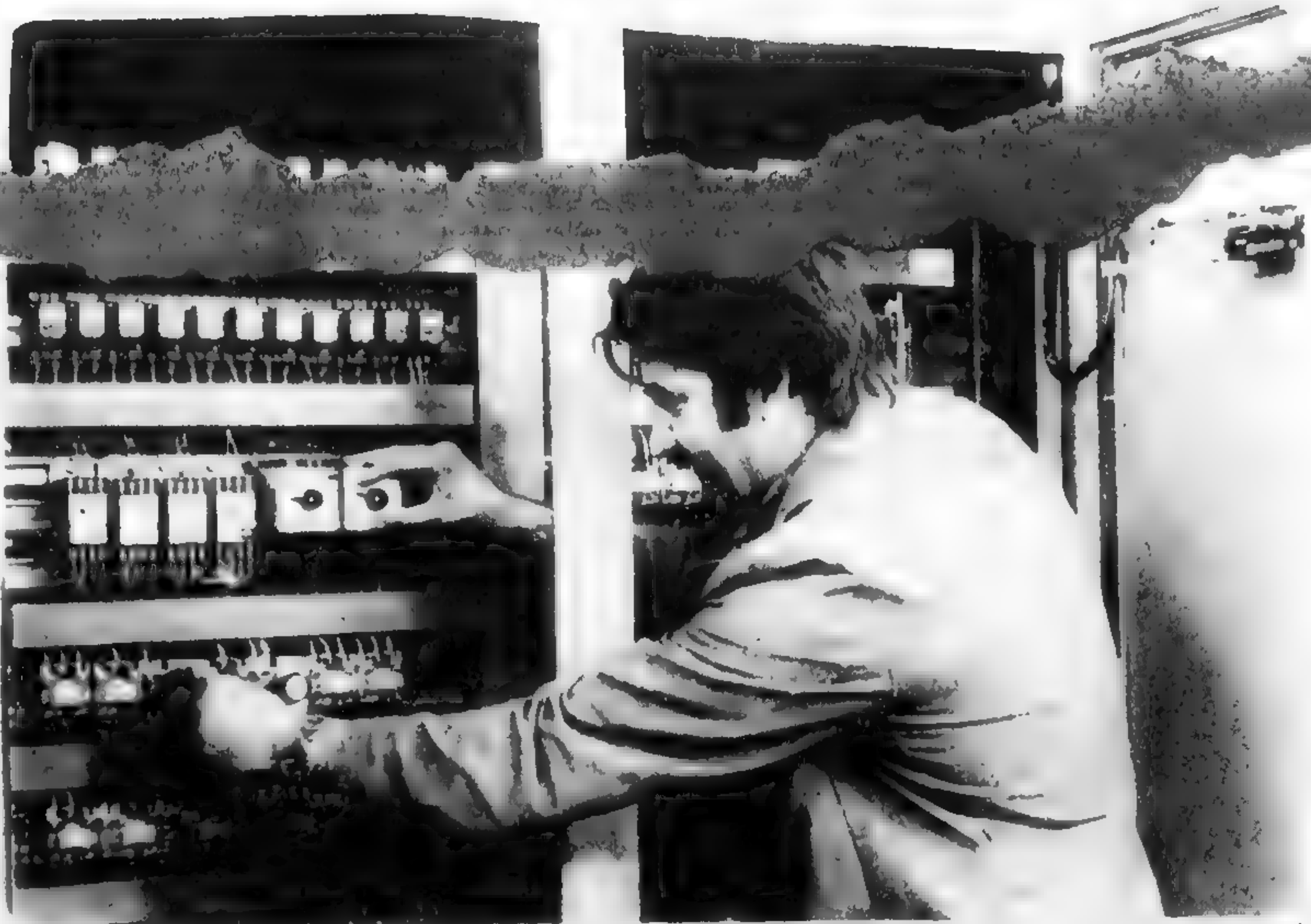

این دستگاه، یك تابلوی فرمان و کنترل دستگاههای پرس در کارخانه تراکتورسازی تبریز است که کارگر مبتکر، حسین علوی بال مشغول آزمایش است.

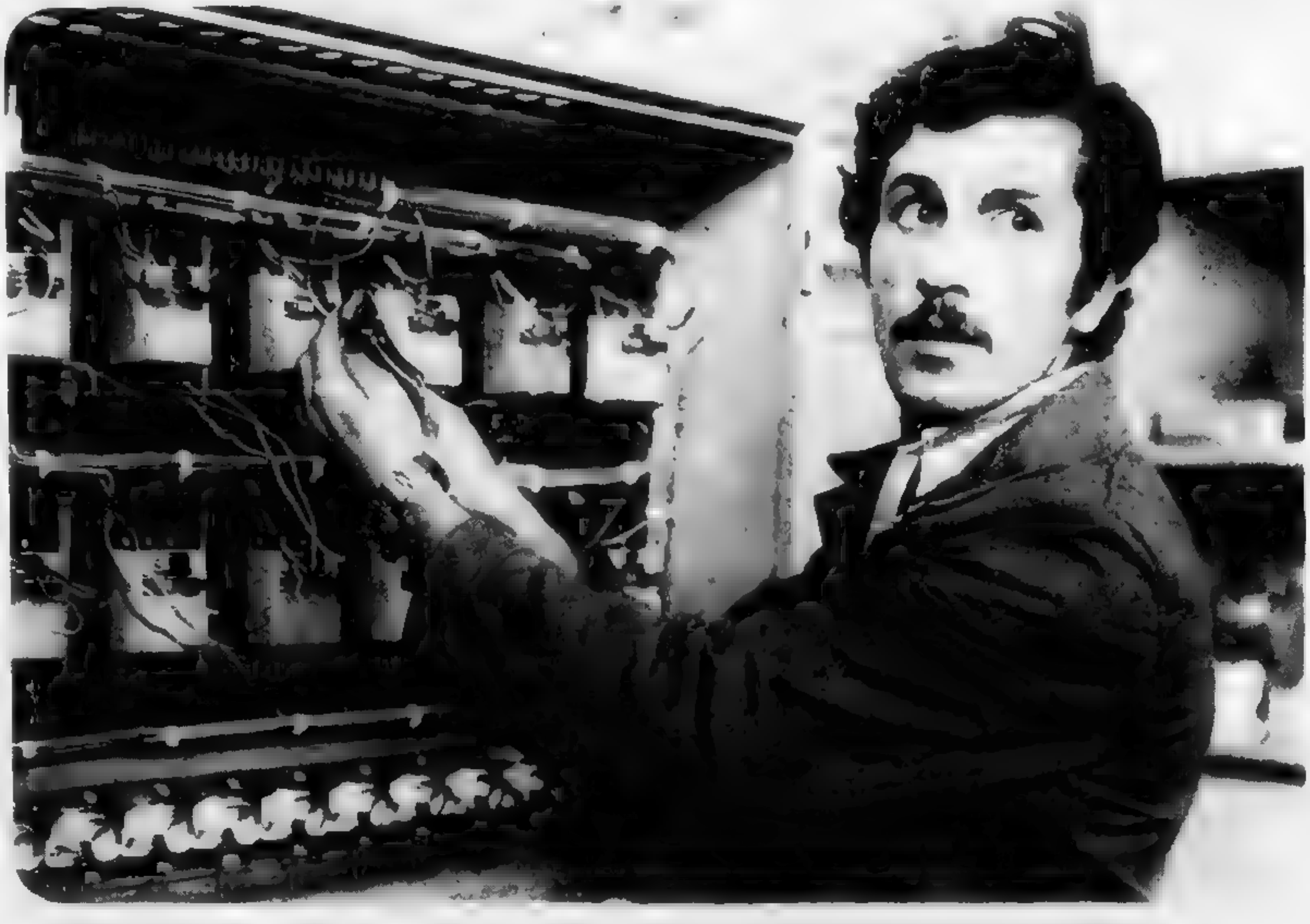

الان من میکنم، زیرا با اینکه ساعات کارم به پایان رسیده ولی هنوز در کارخانه مشغول هستم تا این تابلوی فرمان پرس ٦٥٠ تنی اتوماتیك را به پایان برم و تجهیزات آنرا بطور کامل نصب کنم و فردا اول وقت تحویل دهم تا احتمالاً همکارانم با آن مشغول کار شوند. نمونه دیگر، شما به بالای سر خود نگاه کنید، در کدام کارخانه و کارگاه مشاهده کرده‌اید که همه قسمتهای آنها مجهز به دستگاه تهویه باشد تا در نتیجه کارگران در تابستان از گرمای هوا و در زمستان از سرمای شدید، بویژه سرمای شهر ما که گاه تا ۲۰ درجه زیر صفر هم میرسد در امان باشند؟!... اینها جز اینکه نشان میدهد مدیران ما در فکر راحتی و آسایش کارگران هستند، چه چیز دیگری را ثابت میکند؟ من که بواقع مسئولان خود را دوست دارم و از محبت و توجهشان سپاسگزارم و از دیگران نیز جز این تاکنون چیز دیگری مشاهده نکرده‌ام.»

فرمان پرس

بعنوان آخرین پرسش از حسین در باره کارش توضیح میخواهم، میگوید:

- «به رشته برق علاقه زیادی دارم. منهم چون همکارم صادق رزقیان در این رشته سعی میکنم همواره بر اطلاعات و معلومات خود اضافه کنم و بطور کلی رشته برق در میان رشته‌های فنی، بسیار متنوع و دلپذیر است و بهمین سبب برای کسانیکه در این رشته کار میکنند، کسل‌کننده و خستگی‌آور نیست. در کارخانه از این تابلوها که فرمان پرس‌های سنگین بشمار میروند، زیاد است و من علاوه بر نصب تجهیزات آنها و مونتاژ تابلوها، تعمیر و راه‌اندازی آنها را نیز بعهده دارم و با جدیت این امور را به انجام میرسانم، چرا که از کار افتادن یك پرس حتی برای چند ساعت محدود، در واقع بر سطح تولید ما اثر میگذارد و تصدیق میکنید که این اثر به روی فروش و میزان سود و سرانجام میزان سود ویژه همه ما که بیش از ۱۵۰۰ نفر هستیم منتقل میشود.»

آشنایی با بالا

درین شماره انواع «دستگاههای بالابر» مورد بحث مجله رستاخیز کارگران قرار میگیرد.

این دستگاهها که در مراکز صنعتی، تولیدی، ساختمانی و غیره بکار گرفته میشود میتواند بار را بطور قائم یا افقی حرکت دهد و با آسانسور حمل افراد و بار متفاوت است.

هدف این است که ما ضمن معرفی چهارده نوع آن، سوای آشناکردن کارگران با ساختمان و نگهداری و طرز کار این بالابرها، آنان را از خطرات احتمالی که ممکن است به هنگام کارکردن بااین جرثقیل‌ها پیش بیاید، آگاه کنیم.

۱– جرثقیل بالابری است که میتواند باری را در حال آویزان در امتداد قائم و افقی جابجا کند.

۲– جرثقیل متحرك، جرثقیلی است که در روی یك یا چند ریل حرکت میکند.

تکیه بر آئین نامه و روشهای درست استفاد

۳– جرثقیل با پل متحرك وسیله‌ای است که در ارتفاع مناسبی زیر سقف کارخانه روی ریل حرکت میکند و میتواند بار را در امتداد طول و عرض و ارتفاع جا بجا کند.

٤– جرثقیل با دروازه متحرك وسیله‌ای است که بر روی دوپایه خرپائی شکل سوار است و مجهز بجنغ بالابرنده عمودی است و میتواند بار را باخود از نقطه‌ای بنقطه دیگر در روی ریل و در مسیر خود حمل کند.

۵– جرثقیل یك ریلی، جرثقیل متحرکی است که دستگاه بالابر و اتاقك فرمان آن در حال آویز توسط چرخهائی که روی یك ریل فوقانی حرکت میکند، جابجا شود.

٦– جرثقیل متحرك موتوری، نوعی جرثقیل است که برروی وسیله نقلیه موتوری سوار شده است.

۷– یکی دیگر از انواع جرثقیل «بازوئی» است که ثابت یا گردان بوده و دارای بازوئی افقی یا مایل است.

کابل نگهدارنده بار بوسیله بازوی مزبور نگهداری میشود در این دستگاه موقعیت قلاب‌بار نسبت بمحور دوران جرثقیل توسط طول و شیب‌بازو تعیین می‌شود و در بعضی موارد که بازوی جرثقیل افقی است ممکن است بار توسط اتاقك متحرکی جابجا شود.

۸– جرثقیل متحرك زمینی یك نوع جرثقیل است که روی چرخ سوار بوده و روی زمین حرکت میکند.

۹– جرثقیل سکودار که «چرخ چاه» نیز نامیده میشود، دارای سکوی مخصوص جهت قرارگرفتن بار و حمل آن بقسمتها و انبار کردن بار در ارتفاعات و جاهای مختلف است.

۱۰– جرثقیل ساختمانی از انواع جرثقیل ثابتی است که زنجیر یا کابل بالابر در روی استوانه‌ای پیچیده شده، و پایه دستگاه بوسیله پیچهای فونداسیون یا وسیله دیگری بزمین محکم شده باشد.

۱۱– جرثقیل الکتریکی جرثقیل ثابت یا متحرکی است که استوانه حاصل کابل یا زنجیر توسط موتور الکتریکی بحرکت در آید و بار را بالا و پائین ببرد.

این «بالابر» ممکن است بطور مستقل کار کند و یا بعنوان بالابر فرعی برای دستگاه بالابر دیگر مورد بهره‌گیری قرار گیرد.

۱۲– جرثقیل بادی مانند جرثقیل الکتریکی است که نیروی محرك آن هوای فشرده است.

۱۳– جرثقیل زنجیری نیز ثابت یا متحرك است و با دست بکار می‌افتد و شامل یك یا چند چرخ زنجیری است.

١٤– جرثقیل قرقره‌ای بالابری است ثابت یا متحرك و با دست کارمیکند، و شامل یك یا چند قرقره بوده و نیروی محرك توسط کابل به قرقره‌ها و قلاب‌بار منتقل می‌شود.

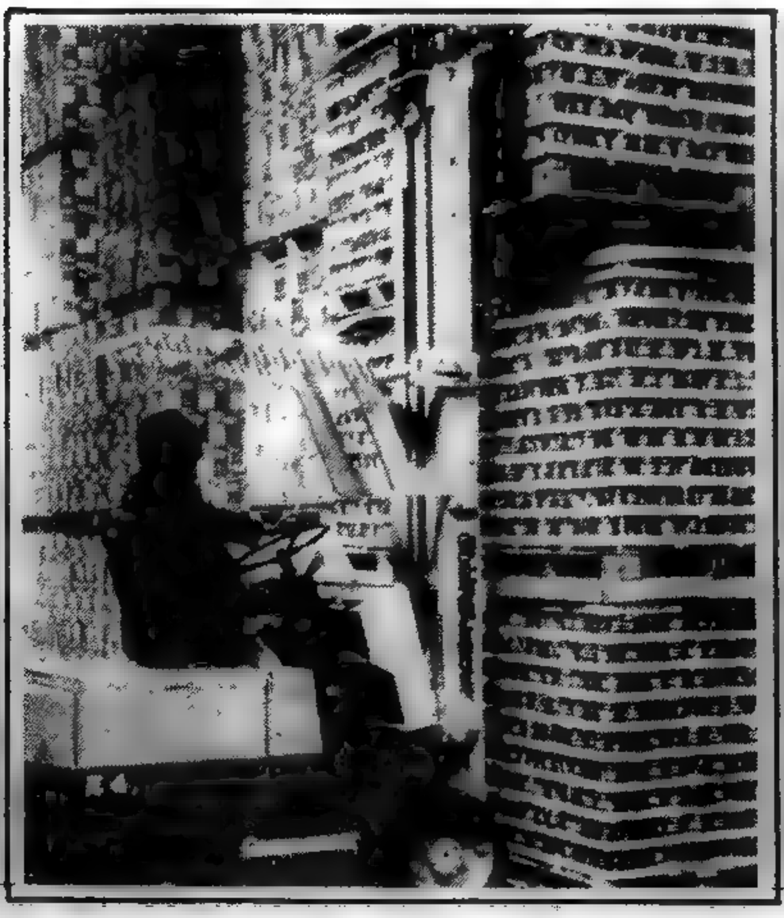

درین جا لازم است به لوازم بستن و بلندکردن بار نیز اشاره‌ای بکنیم که شامل طناب کابل فولادی زنجیر است و وسائل اتصال آنها بیکدیگر از قبیل (حلقه- قلاب بست کابل و غیره) میباشد.

ساختمان و نگهداری بالابرها و نکاتی که باید درمورد آنها رعایت شود

ماده۱– قسمتهای مختلف بدنه و وسائل انتقال نیرو و سایر لوازم باید دارای استقامت کامل مکانیکی بوده و از جنس مرغوب ساخته شده و مقاومت مکانیکی آنها بتصویب مقام صلاحیتدار رسیده باشد.

دستگاه باید در همه حال چه درزمانی که کار میکند و چه درزمانی که متوقف است بازدید و نگهداری شده و درتعمیر آن دقت کافی بکاررود.

ماده ۲– هرروز توسط متصدی دستگاه مورد بازدید قرار گرفته و حداقل هفته‌ای یکبار بوسیله متخصص مربوطه که مسئولیت کلی و فنی آنرا بعهده دارد، دقیقاً بازرسی شود.

نشان دادن ظرفیت مجاز

ماده ۳– حداکثر ظرفیت مجاز بالابر باید از طرف کارخانه سازنده بطور مشخص و خوانا در روی هردستگاه نوشته شده باشد.

ماده ٤– ممنوعیت بلندکردن بار اضافه بر ظرفیت

در تمام بالابرها بلندکردن بار بیش از ظرفیت مجاز ممنوع است، مگر درهنگام آزمایش دستگاه.

ماده ۵– باید توجه داشت که همیشه بار بطور ملایم بالا و پائین آورده شود، بطوریکه در شروع بلند کردن یا هنگام پائین آوردن و توقف ضربه‌ای بدستگاه وارد نگردد.

ماده ٦– پیچ و مهره‌ها

در دستگاههای بالا بر کلیه پیچ و مهره‌های اتصال باید طوزی ساخته و حدیده و قلاویز شده باشند که طول پیچ در هر یك کافی بوده و در صورت لزوم بتواند مهره‌ها را محکم کند. همچنین پیچ و مهره‌های قطعات متحرك باید توام با واشرهای فنری و غیره باشد تا از شل شدن مهره جلوگیری بعمل آید.

قطر استوانه نگهدارنده کابلهای بالابر

ماده ۷– قطر استوانه‌های نگهدارنده کابل نباید کمتر از ۳۰ برابر قطر کابل باشد ولی بهتر است که قطر استوانه مزبور مساوی ٤۵۰ برابر ضخیم‌ترین سیم کابل در نظر گرفته شود.

ماده ۸– دو سر استوانه نگهدارنده کابل باید دارای لبه باشد، بطوریکه حداقل بلندی این لبه‌ها کمتر از ۲/۵ برابر قطر کابل مربوطه نباشد

ماده۹– لبه دو سر استوانه‌های نگهدارنده کابل باید بطور مؤثر و مطمئن باستوانه مربوطه محکم شده باشد.

تجهیزات الکتریکی

ماده۱۰– کلیه تجهیزات الکتریکی دستگاههای بالابر باید با آئین نامه‌های حفاظتی وسائل و تاسیسات الکتریکی مطابقت کند.

حداکثر بالا بردن بار

ماده۱۱– در بالابرهائی که با موتور

برهای مدرن

الکتریکی کار می‌کند، باید وسائلی تعبیه شده باشد تاهنگامی که بار بحد اکثر ارتفاع پیش بینی شده رسید، بتواند بطور خودکار محرك الکتریکی را از کار بیندازد.

ترمزهای حفاظتی

۱۲- بالابرها باید دارای ترمزهای حفاظتی باشند و این ترمزها باید طوری جاگذاری و محاسبه شده باشند که بتواند باری معادل یك برابرونیم ظرفیت مجاز بالا بر را نگهداری کند.

طنابهای فرمان برای بالابرهائیکه از پائین هدایت می شوند.

ماده۱۳- طناب‌های فرمان در بالا برهائی که از پائین هدایت می شوند (اعم از بالابرهای الکتریکی و یدی) باید دارای جدا کننده مخصوص باشند که این طناب‌ها بطور مجزا از داخل سوراخ‌های آن عبور کرده و مانع پیچیده شدن و روی هم افتادن آن شود در ضمن این طناب‌ها باید بترتیبی علامت گذاری شود که بطور واضح جهت حرکت بار را در اثر کشیدن هر یك از طنابهای مزبور مشخص کند.

ماده۱٤- دسته‌های اهرم طناب‌های فرمان برای بالابرهای الکتریکی و یادی که از پائین هدایت می شود باید بشکلی ساخته شده باشند که بطور مشخصی از هم متمایز گردند، بطوریکه کارگر مربوطه باسانی تشخیص دهد کدام اهرم برای بالا بردن و کدامیك برای پائین آوردن باراست.

ماده۱۵- در کارگاههای مختلف یك مؤسسه صنعتی کلیه دسته‌های اهرم، طناب‌های فرمان جرثقیل‌هائی که از پائین هدایت می شود باید دارای یك شکل بوده و ترتیب قرار گرفتن آنها از نظر جهت حرکت بار یکنواخت باشد.

بازرسی

ماده۱٦- قبل از بکسار انداختن بالابر نو باید تمام قسمتهای آن توسط شخص ذیصلاح بازرسی و ازمایش شود.

ماده۱۷- قطعات «یاتاقن های» ضربه خور دستگاههای بالا بر و همچنین قطعات یاتاقن‌های مربوط بچرخ خانی که روی ریل حرکت می کند در صورت وجود باید:

الف- همه روزه قبل از استفاده از دستگاه بالابر بمنظور پی بردن بقسمتهای شل شده و خورده شده توسط کارگر مربوط دقیقاً بازدید شود.

ب- هر هفته یکبار بوسیله یکنفر متخصص تمام قسمتهای آن دقیقاً و کاملاً بازدید شود.

ج- حداقل هر دوازده ماه یکبار بوسیله یکنفر متخصص مسئول تمام قسمتهای آن دقیقاً و کاملا بازرسی شود.

د- پس از هر تعمیر یا تغییر کلی تمام قسمتهای دستگاه‌های بالابر توسط یکنفر متخصص مسئول آزمایش شود.

ماده ۱۸- کابل‌ها- زنجیرها- تسمه‌ها- طنابها- قلابها و بطور کلی لوازمیکه جهت بلند کردن بار مورد استفاده قرار میگیرد همه روزه باید بوسیله کارگران علامت دهنده و یا اشخاص دیگری که بعنوان کمك بکارگربالابر از روی زمین دستور میدهند، مورد بازدید قرار گیرد.

ماده ۲۰- پس از هر بازرسی که در بالا ذکر شد مقام یا متخصص مسئول باید گواهی نامه اجازه کار صادر کند و این گواهی ها باید همیشه بوسیله موسسه مربوطه بایگانی و نگهداری شود تادرهنگام لزوم ارائه شود.

ارائه آموزش به بالابرچیان حوادث را کاهش می دهد

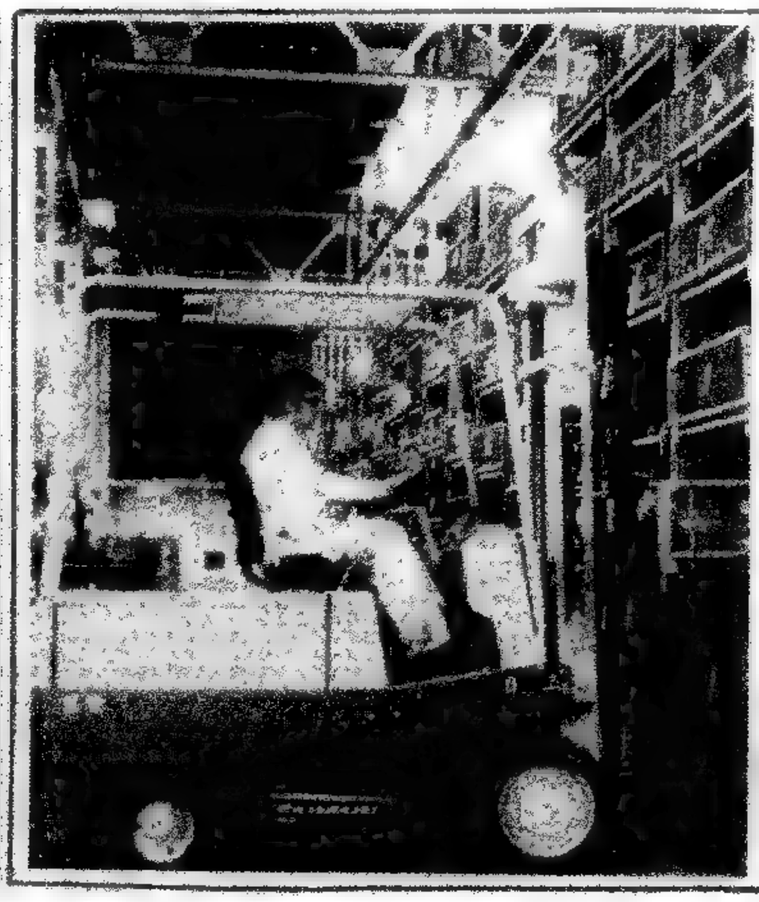

علامت دادن

ماده ۲۱- هدایت در بالا بردن پائین آوردن و حمل و نقل بار توسط دستگاههای بالابر باید بوسیله علائم مشخصه یکنواخت و قابل فهم که توسط مقام صالحی تعیین شده است بعمل آید، بطوریکه هر حرکت دارای یك علامت مجزا بوده و بهتر است که این علائم بوسیله بازو یادست داده شود.

ماده ۲۲- در مواردیکه بیش از یکنفر کمك برای بالا بردن بار وجود دارد باید علائم فقط بوسیله یکی از انها (زنجیربان- قلاب بان- طناب بند و غیره) که همیشه در میدان دید راننده بالا بر قرار دارد داده شود و راننده بالابربایستی در هرحال از علامت توقفی که توسط هریك از افراد کمکی ذکر شده در بالاداده می شود اطاعت کند.

گزارش‌هائی از کمیته‌های حفاظت و ایمنی کارگاهها

کارگاه باید مجهز به وسایل پیشگیری از حوادث گوناگون باشد

جلسه کمیته‌های [illegible] شرکت لیلاند موتور ایران

جلسه کمیته حفاظت و ایمنی شرکت لیلاند موتور ایران با حضور کلیه اعضاء و نمایندگان در ماه گذشته تشکیل گردید. در این جلسه ابتد اطلاعیه حفاظتی وزارت کار درباره امور حفاظتی و ایمنی قرائت شد و نکاتی که باید در جهت اجرای مقررات حفاظتی در کارخانه رعایت شود، توصیه گردید.

ضمناً در این گردهم ئی تاکید شد در مورد حفاظ گوش جهت کارگران قسمت صافکاری حفاظهای موردنظر برای استفاده کارگران تهیه گردد.

در مورد کارت بهداشتی جهت کلیه کارکنان سرویس آشپزخانه و ناهارخوری بنظر میرسد که جایز است این امر توسط شرکت پی‌گیری شود و تا کارت دریافت نکرده‌اند از ورود آنان به سفره‌خانه جلوگیری شود.

راجع به آژیر اعلان خطر مقرر شد که در نزدیکی مخازن روغن و گاروئیل سویچی نصب شود که به آژیر کارخانه متصل باشد و به کلیه قسمتها ابلاغ گردد سویچ مذکور داخل جعبه قرار گیرد.

در جلسه کمیته حفاظت کارخانه ارج

کمیته حفاظت کارخانه ارج ماه گذشته با حضور اعضای این کمیته تشکیل گردید. در این جلسه حوادث ماه گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای جلوگیری از حوادث تدابیر لازم اتخاذ شد. در همین جلسه همچنین تدابیری جهت جلوگیری از آتش‌سوری مناطق پر خطر و مشخص کردن راه فرار از خطر در مواقع آتش سوری اتحاد شد و چند پیشنهاد و گزارش بشرح زیر به تصویب اعضای کمیته رسید

ضمن بررسی حوادثی که در دو ماه اردیبهشت و خرداد ۲۵۳۵ بوقوع پیوست گفته شد تعداد کارکنان حادثه دیده ۷۰ نفر (اردیبهشت ماه ۲۸ نفر و خردادماه ۴۲ نفر) بوده‌اند، که بطور خلاصه علل حوادث را میتوان بشرح زیر مشخص کرد

۱۳ نفر بعلت عدم استفاده از وسائل و پوشاك حفاظتی مناسب کار (۸ نفر عینك سفید معمولی- ۱ نفر دستکش نخی- ۵ نفر سایر موارد) ۴۷ نفر در اثر بی احتیاطی همکار یا همکاران کارگر حادثه دیده و همکار و خود کارگر بعلت عدم توجه به مقررات ایمنی- ۷ نفر به علت عدم رعایت روشهای ایمنی در جابجا کردن قطعات سنگین- ۳ نفر حمل و نقل غلط وسائل، ابزار، مواد و قطعات- ۱ نفر عدم دقت در موقع کار با وسائل برقی- ۱ نفر از کار انداختن تدابیر یا وسایل ایمنی- ۲ نفر تغذیه و انباشتن خطرناك- ۸ نفر عدم رعایت نظم و ترتیب در حین کار- ۵ نفر قرار گرفتن در محل یا وضع بدنی خطرناك- ۱۸ نفر بی توجهی، شوخی، دشنام در موقع کار- ۲ نفر در اثر عدم توجه رانندگان وسائل نقلیه کارگاهها به مقررات ایمنی و حفاظتی- ۲ نفر در اثر بی توجهی مسئولین- ۱ نفر کف ناهموار و لغزندگی محل کار- ۱ نفر عدم وجود وسائل حفاظتی مناسب کار، و ۸ نفر حوادث غیر از ناشی از کار (زمین خوردن).

نصب شیرهای [illegible]

ضمن گزارشات هفتگی بازرس آتش‌نشانی، آقای فهامی گفت: در ماه گذشته فقط دو گزارش هفتگی به کمیته حفاظت فنی ارسال شده است

آقای کوتیکیان اظهار داشت بازرس آتش‌نشانی گزارشات هفتگی را مرتب برای اینجانب ارسال داشته است و قرار شد گزارشات هفتگی بازرس آتش‌نشانی پس از ملاحظه آقای کوتیکیان جهت کمیته ارسال گردد

آقای فهامی یادآور شد بارها مشاهده شده که از شیرهای آتش‌نشانی استفاده غلط میشود و این عمل موجب خراب شدن شیر فلکه، شیلنگ و نفازل آتش‌نشانی میشود، و چون از لحاظ پیش‌گیری از بروز خطرات آتش‌سوزی و مهار کردن آن، وسائل مرتب و سالم که از طرز کار آنها همواره اطمینان حاصل باشد. نقش اساسی را انجام میدهد، پیشنهاد شد شیر یك فلکه اصلی در نظر گرفته شود

آقای کوتیکیان در پاسخ گفت: بعلت مجزا بودن سیستم لوله‌کشی، این عمل غیر ممکن میباشد.

دراین جلسه تایید شد وضع کارگاهها و انبارهای جدید از نظر عدم امکان آتش‌سوزی و نصب وسائل آتش‌نشانی خیلی خوب است، و قرار شد از نظر ایمنی بیشتر، لوله‌های آب آتش‌نشانی انبارهای جدید از نظر امکان یخزدن در فصل زمستان ایزوله شود، که این موضوع از طریق آقای کوتیکیان تعقیب میشود.

در محوطه بیرون کارگاهها، مقدار خیلی زیادی آشغال و کاغذ و قطعات اسقاط در گوشه و کنار ریخته شده است که خطر آتش گرفتن دارند قرار شد آقای حدیدی اقدامات لازم را از نظر پاك کردن هرچه زودتر محوطه انبار (بارانداز) و کارخانه بعمل آورد

در محوطه انبار (بارانداز) مواد اولیه، متاسفانه از نظر خطر آتش‌سوزی و فرسوده شدن دراثر بارندگی که فصل زمستان نزدیك است، محصول و کارتن بوضع خیلی بدی انبار شده است. در سالهای قبل علت این اشکال مربوط به کمبود چادر انبارها بود که با ساخت و تحویل انبارهای جدید، پیش‌بینی میشد این اشکال برطرف می‌گردد و حتی‌المقدور از چیدن جعبه‌ها و محصولات در خارج از محوطه انبار جلوگیری میشود. بهر حال آقای فرهان به مسئولین امر (آقایان جدیدی، قائد قلعه، منصوری و دیگر افراد) تذکرات لازم را داد

آقای جدیدی گفت: چون انبارها از محصولات ساخته شده پراست، از این رو نمیتوان در حال حاضر از انبارها جهت انبارکردن کالا استفاده کرد، و قرار شد دراولین فرصت پس از برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی اقدام به تخلیه محوطه بنمایند. آقای فرهان در مورد اقدامات حفاظتی انبار کردن ورق آهن‌های کویل که در خارج از محوطه انبارها بوضع نامطلوبی رویهم انباشته شده‌اند، از آقای جدیدی خواست دراولین فرصت پس از آماده شدن قفسه‌های انبار کویل ورقهای کویل را به محوطه انبار انتقال دهند. دراین مورد آقای حدیدی اضافه کرد که تعداد قفسه‌های ساخته شده به دوهزار میرسد، در صورتیکه تعداد کویل موجود بیش از چهار هزار میباشد.

آقای فرهان به مواد اولیه پلاستیك (درحدود ۱۲۰ تن) که در جب بهداری در محوطه خارج از انبار بطور بی‌نظم چیده شده و تمام کیسه‌ها ترکیده، اشاره کرد و گفت: قرار شد آقای جدیدی اقدامات لازم را دراین مورد بنمایند.

از آنجائیکه وجود درهای اضطراری مورد تاکید کمیته حفاظت فنی میباشد ولی متاسفانه دربازدیدی که بعمل آمد در حال حاضر تمام درهای اضطراری کارگاهها یا بوضع خیلی بدی مورد استفاده قرار میگیرد و یا باتوری سیمی کاملا مسدود شده است، و خود درهای اضطراری بزرگترین خطر برای کارکنان میباشد، قرار شد هرچه زودتر آقای علی سنجابی با همکاری آقای کوتیکیان و سرپرستان کارگاهها، دراین مورد اقدامات لازم را بعمل آورند

جلسه کمیته ایمنی و بهداشت کارخانجات پشم شیشه ایران با حضور اعضاء کمیته تشکیل گردید و تصمیمات لازم در مورد نواقص و اشکالات زیر گرفته شد

تصمیم گرفته شد که یك دکتر بهداشت در مورد آب آشامیدنی نظر بدهد و آقای پوره ضمن تماس با انستیتو پاستور راهنمائی لازم را در اینمورد از آنها بگیرد و این امر را تعقیب کند.

در مورد لوله‌های آب آتش‌نشانی

اقدامات لازم در مورد لوله‌های آب آتش‌نشانی بعمل آمده و لوله‌های مذکور آماده گردید و ضمناً قرار شد که منبع فعلی که در چهار دیواری میباشد به اتفاق آقای شهریاری مورد بررسی قرار گیرد و سپس به نصب موتور پمپ و وسایل لازم برای کف‌ساری جهت آتش‌سوری انبار مواد و ایروگام اقدام کنند و ضمناً آقای آگاهی اقدام به تهیه کارت بازدید وسایل آتش‌نشانی نمود و کارت را برای چاپ به چاپخانه فرستاد. همچنین یك آژیر خریداری و نصب شد و مقرر گردید یك منبع ۳۰۰۰ لیتری آب تهیه شود.

آقای قلمبر مدیر جلسه اشاره کرد که ضمن بررسیهای مستمری که آقای آگاهی از تمام قسمتها در خصوص مسائل ایمنی و آتش‌نشانی بعمل می‌اورد، آقایان سرپرستان و متصدیان قسمتها نیز بایستی مسئولیت مسائل ایمنی و آتش‌نشانی قسمتهای زیر نظر خود رابعهده بگیرند.

تصمیم گرفته شد که حداکثر تا ۱۰ روز دیگر اقدام به آموزش نگهبانان و مستخدمین نمایند

قرار شد که آقای شهریاری در مورد پخش شدن گاز بوسیله دستگاه آزمایش گاز تمام لوله‌های محتوی گاز را کنترل و بازرسی کند و نتیجه اقدامات خود را در جلسه آتیه مطرح سازد.

ضمناً در مورد فایبر گلاسها قرار شد اقدامات لازم بعمل آید و نتیجه بوسیله آقای کیذقانی به جلسه گزارش گردد.

۱- قرار شد که آقای شهریاری از دودکشهای بخاری بازدید بعمل آورد.

۲- درهای سالن پشم شیشه توسط سرویس تعمیرات بازدید شود.

۳- آقای آگاهی با مامور خرید تماس بگیرد و کاتالوك تهیه و نوع بخاری برقی را معین سازد و در جلسه آینده مطرح نماید

مقرر گردید که آقای شهریاری تا هفته آینده آنرا آماده و تحویل دهد.

قرار شد که آقای پوره از محل کمدها و تعداد آنها بازدید بعمل آورد و احتیاجات خود را به مدیر اداری کارخانه گزارش کند

مقرر گردید که آقای شهریاری به اتفاق آقای آگاهی دستگاه مکنده را آزمایش کند و آنرا به انبار تحویل دهد و آقای کیذقانی دستگاه مکنده را از انبار تحویل بگیرد.

جلسه در ساعت ۱۵/۴۵ دقیقه به پایان رسید و تصمیم گرفته شد که جلسه فوق‌العاده‌ای در این زمینه در روز چهارشنبه مورخه ۳۵/۹/۱۲ ساعت ۲ بعازظهر تشکیل شود.

از دایره جنگلبانی

سازمان جنگلها و مراتع کشور

احداث هزاران کیلومتر جاده جنگلی، بهره‌برداری علمی و فنی از جنگلهای ایران را آسان نموده است.

جنگلهای سرسبز و همیشه بهار

ایران یکی از بزرگترین سرمایه‌های ملی کشور است که متاسفانه این طلای سبز میرفت با انواع و اقسام وسایل مخرب از بین برود. زیر در اثر قطع بی‌رویه درختان، فضای سبز کشور ما روز بروز عقب‌نشینی میکرد و در هر عقب‌نشینی، صحرای خشک و بی‌آب و علفی از خود بجای میگذاشت.

«دوژن» جهانگرد فرانسوی در سفرنامه‌اش می‌نویسد.

«..... **انبوه درختان جنگلی در ایران و تنومندی هر درخت به اندازه‌ای است که یك هیزم‌شکن برای جدا کردن یك درخت مجبور است تمام روز تیشه خود را بکار اندازد. اما متاسفانه این وضع دوام چندانی نخواهد یافت. چون دولت قاجار از سالها پیش انحصار غارت درختان جنگل را به خارجیان داده و متاسفانه در ایران قانون جنگلبانی وجود ندارد و قطع بی‌رویه درختان جنگلی بهیچ وجه کنترل نمیشود..»**

قطع بی‌رویه درختان جنگلی، یا به زبانی دیگر، غارت طلای سبز مملکت نه تنها زیان‌های گوناگونی به پاکی و سلامت محیط زیست به بارآورد، بلکه صنایع چوب کشور ما را هم با کمبود منابع تغذیه تهدید میکرد

با اعلام اصل ملی شدن جنگلها و مراتع کشور از سوی رهبر انقلاب به تمام این نابسامانیها خاتمه داد و برنامه‌های وسیع و گسترده‌ای توسط سازمان جنگلها و مراتع بمرحله اجرا درآمد. در این گزارش کوشش شده است که خوانندگان را تا آنجا که ممکن است با سیر تحولات پنجاه سال جنگل و جنگلداری آشنا سازیم

شهرزاد

دیروز

در روزگاران گذشته چندین قرن پیش سر سر کشور ما سرسبز و خرم و پوشیده از جنگل بود در مکانهائی که هم اکنون بنام کویر و بیابان‌های مرکزی ایران است، جنگل‌های بسیار وسیعی وجود داشت که متاسفانه امروز دیگر از آن سبزه‌زارها و جنگلها نشانی نیست

«ابن بطوطه»، جهانگرد معروف، در قسمتی از سفرنامه‌ای که مربوط به مسافرت از اهواز به اصفهان است، درباره جنگلهای انبوهی که در این مسیر وجود داشته و مسافران در زیر سایه درختان آن به استراحت می‌پرداختند، مطالبی نوشته است در حالی که امروز نه تنها جلگه خوزستان تا حد زیادی خالی از درخت است، بلکه در مسیری هم که «ابن بطوطه» پیموده، جنگل وجود ندارد. جنگل‌های شمالی هم با وجود توانائی رویش دوباره تا حد زیادی نسبت به **گذشته از سطح اولیه خودش عقب‌نشینی کرده است. تا یکصد سال پیش منطقه سیاه بیشه، در راه چالوس، یکی از جنگلهای وسیع ایران بود و امروز از آن همه درخت بخاطر بهره‌برداری غیرمجاز، دیگر اثری نیست. در واقع بعد از غارت غارتگران بزرگ بیشتر این اعمال بوسیله خود جنگل نشینان انجام می‌شد که انواع درختان را قطع میکردند و برای سوخت بکار می‌بردند. از سوی دیگر بسیاری از چوپانان برای جلوگیری از خشکیدن گیاهان جنگلی باروش‌های گوناگون اقدام به از بین بردن درختان میکردند، چون رشد این گونه گیاهان به تابش آفتاب مداوم نیاز دارد...... در حالی که درختان انبوه همواره مانع بزرگی در رشد این گونه گیاهان بودند، چوپانان معمولا قسمتی از پوست درختان جنگلی را به صورت یك دایره می‌کندند و به این ترتیب راه رسیدن مواد غذائی را از ریشه به سوی برگها و شاخه‌ها قطع میکردند و با این کار باعث خشکیدن درختها میشدند.**

لطفاً ورق بزنید

جنگلهای سرسبز و همیشه بهار ایران در گذشته و حال به عنوان یکی از مهمترین عوامل پاکسازی محیط زیست بشمار میآید.

پس از ملی شدن جنگلها و مراتع کشور، دست همه کسانی که نامشروع از جنگلها استفاده میکردند، قطع شد.

سازمان جنگلبانی

در نخستین هیات دولتی که پس از مشروطیت در روز ۲۹ اسفند ۲۴۸۵ معرفی شد، امور جنگلهای کشور به ادارهای بنام (شوسه و راهاهن و جنگلها) که جزء سازمان وزارت فواید عامه بود واگذار شد، و این واحد بصورت بسیار ابتدائی شروع بکار کرد.

بعد از آن دایره جنگلبانی در اداره کل کشاورزی (فلاحت) سال ۲۴۹۶ و سپس بترتیب اداره جنگلبانی در اداره کل کشاورزی (۲۴۹۹) - اداره کل جنگلها در وزارت کشاورزی (۲۵۰۱) بنگاه جنگلها (۲۵۰۷) در وزارت کشاورزی سازمان جنگلبانی ایران در وزارت کشاورزی (۲۵۱۸) وزارت منابع طبیعی (۲۵۲۶) و بالاخره سازمان جنگلها و مراتع کشور در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی تشکیل گردید.

معلم جنگلبانی

جنگل که طلای سبز نام دارد، اگر چه در سالهای اخیر در شمار ثروتهای ملی منظور شده است، لیکن از سالها قبل در دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر به حفظ و حراست آن توجه خاصی شده بود و با استخدام چند متخصص خارجی برای تدریس علوم جنگلبانی و تربیت نیروی انسانی ماهر در این زمینه، تلاش لازم انجام گرفت.

قانون اجازه استخدام «انطن گرش» مهندس تبعه چکسلواکی را که برای تدریس علوم جنگلبانی در تاریخ هفده مردادماه ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳) به تصویب مجلس شورای ملی رسید در پی میخوانیم.

«....... قانون اجازه استخدام «انطن گریش» مهندس چکسلواکی برای تدریس علوم جنگلبانی مصوب ۷ امرداد ۱۳۱۳ شمسی

ماده واحده- اداره کل صناعت و فلاحت برای مدت سه سال از اول مرداد ماه ۱۳۱۳ استخدام ومعادل شارده پهلوی حقوق ماهیانه او را ازمحل اعتباراتی که در بودجه اداره کل فلاحت و صناعت منظور شده بپردازد

تبصره- سایر [illegible] مخصص مزبور مطابق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ راجع به اتباع خارجه [illegible] خواهد شد

[illegible]

رئیس مجلس شورای ملی [illegible]

اولین اقدام

اولین اقدام بصورت کاملا جدی به روزنهم مهرماه سال ۲۵۱۵ شاهنشاهی (۱۳۳۵ شمسی) مربوط میشود که در ان روز شاهنشاه اریامهر طی فرمانی علاقمندی خود را به حفظ جنگلهای موجود، در سراسر ایران ابراز فرمودند، متن فرمان همایونی در مورد حفظ و ازدیاد جنگل از اینقرار است.

«...... نظر به اهمیتی که حفظ و ازدیاد جنگل در اقتصاد عمومی کشور و بهبود حال زارعین و بالا بردن میزان تولید کشاورزی و تثبیت آب رودخانهها و تامین صنایع چوب دارد، بموجب این دستخط، علاقمندی فوقالعادهی خودمان را بهحفظ و ازدیاد این منبع مهم ثروت ملی ابراز داشته و از عموم افراد ملت و مسئولین امور میخواهم که در اجرای این منظور نهایت کوشش را بهعمل آورند، دولت موظف است در اجرای این فرمان کلیهی اقدامات لازم را برای نگهداری و ازدیاد سطح جنگلهای کشور بعمل آورده و طرحها و آئیننامههای لازم را تهیه نماید

[illegible]

[illegible]

۲- اقدام به احیاء وکشت مجدد درختهای جنگلی در جنگلهایی که تابحال مخروبه و متروك رها شدهاند

۳- اقدام به ایجاد جنگلهای مصنوعی در محدودههای شهرها و پارهای نقاط داخل شهرها اجر

ملی شدن جنگلها

بطوریکه شاهنشاه اریامهر در کتاب انقلاب سفید در بیان علت ایجاد اصل ملی شدن جنگلها و مراتع مرقوم فرمودهاند: **«...... تا هفتاد سال قبل دولت ابداً به فکر جنگلها و نگهداری آنها**

جنگل یا طلای سبز

نبود. اولین چیزی که نشان میدهد دولت به فکر جنگلها افتاده است، اینست که در همان سالها معین شده است که در عرض یك سال چقدر ذغال درست شده است که البته این حساب هم بوسیلهی خارجیها شده است. از روی همین صورتها معلوم میشود که هرسال برای تهیهی زغال چقدر از درختها را بریدهاند. اگر درخت را از روی حساب ببرند و دوباره بجای آن نهال بزنند، کار بدی نیست، حرف اینجاست که حتی برای استفاده از سر شاخههای درخت هم تمام درخت را از بیخ انداخته و بجای آنهم درخت دیگری نشاندهاند......»

بعد از صدور فرمان ملوکانه در عمل ملاحظه شد که فرمان همایونی تنها شامل اراضی جنگل و جنگلکاریهای دولتی میشود. حال انکه قسمت عمدهای از جنگلها بر اثر اعمال دولتهای قبلی بصورت املاك خصوصی عدهای درامده بود که هر کار دلشان میخواست با جنگلها و درختها میکردند. برای آنکه این ثروت ملی که برای

صحراهای ایران با تلاشهای شبانهروزی به جنگلهای سرسبز تبدیل میشوند.

ایجاد آن هیچکس کوچکترین زحمتی نکشیده و دخالتی نکرده است، همچنان برای استفاده عمومی ملت حفظ و نگهداری شود، همزمان با اعلام اصول انقلاب تاریخی شاه و ملت که در کنگره نمایندگان روستائیان سراسر کشور روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۴۱ تشکیل شد، اصلی نیز بعنوان ملی شدن جنگلها و مراتع از سوی رهبر انقلاب اعلام گردید و به این ترتیب دست همه‌ی کسانی که مشروع و نامشروع از جنگلها به عنوان املاك شخصی بهره برداری می‌کردند، کوتاه شد و برنامه‌ی توسعه حفظ جنگلها انگونه که مدلول فرمان ۸مهر ۱۳۳۵ شمسی شاهنشاه آریامهر بود آغاز به اجرا شد.»

با اقداماتی که در مورد ملی کردن جنگلها و مراتع کشور بعمل آمد، چندین میلیون هکتار از جنگلها و مراتع به ملکیت قطعی دولت درآمد که علاوه بر میسر ساختن امکان اجرای برنامه‌های عمرانی و احیائی جنگلها و ایجاد جنگلها و پارکهای مصنوعی اراضی زیادی برای ایجاد بیمارستانها- درمانگاهها- آموزشگاهها- راههای ارتباطی و مواصلاتی- ورزشگاهها- اردوگاههای جهانگردی- پلاژها- شهرکها و غیره در اختیار سازمانهای دولتی و خصوصی و شهرداریها بلاعوض گذارده شده است.

● با ملی شدن جنگلها ایجاد راهها در داخل جنگلها و مراتع طبق طرحهای جنگلداری- مرتعداری- آبخیرداری و تثبیت شنهای روان میسر گردیده واز این راهها دهستانها و بخشهای مجاور آنها برای حمل و نقل مسافر و تولیدات کشاورزی و عرضه این تولیدات به بازار شهرها و رساندن بیماران به بیمارستانها و درمانگاهها استفاده زیادی شده است و بدین ترتیب به پیشرفت کشور از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بسیار اثر داشته است. با اجرای طرحهای جنگلداری- مرتعداری- آبخیرداری و تثبیت شنهای روان از جنگلها و مراتع- حوزه‌های آبخیر سدها و رودخانه‌ها محافظت بعمل آمده و از انهدام آنها جلوگیری شده و از حرکت شنهای روان و بالنتیجه تخریب مزارع باغات و قنوات و راهها و راه‌آهن جلوگیری شده و امکان بهره‌برداری صحیح علمی و فنی از این منابع طبیعی میسر گردیده است و با تامین احتیاجات کشور از لحاظ چوب و فرآورده‌های آن نه تنها از ورود چوب از خارج کشور جلوگیری شد، بلکه سالانه مقادیری چوب صنعتی به خارج کشور صادر گردیده است.

با ایجاد صنایع چوب و مجتمع‌های آن از حیف و میل مواد مقطوعات در جنگلهای شمال جلوگیری شده و تنه چوبهای مقطوعه عم از تنه و شاخه‌ها به صنایع بکار رفته و ارزش فرآورده‌های جنگلی افزایش یافته و علاوه بر تامین احتیاجات کشور از لحاظ مواد چوبی از ورود این مواد از خارج کشور جلوگیری شده و خواهد شد و بدین ترتیب به اقتصاد کشور کمك شایانی شده است.

در اثر ایجاد کار در جنگلها و مراتع و حوزه‌های آبخیز سدها و رودخانه‌ها و نقاط مورد تهدید شنهای روان و همچنین در صنایع و مجتمع‌های صنعتی تعداد زیادی کارمند و کارگر ماهر و غیرماهر بکار گمارده شده‌اند و از لحاظ اجتماعی کمك قابل ملاحظه‌ای به کشور شده است.

از آنجائی که انقلاب شاه و ملت، دگرگونی‌های عظیم و گسترده‌ای در تمام سطوح مملکت پدید آورده و در کنار این جهش بنیادی مسائل بسیار لازم و ضروری بچشم میخورد، با این مقدمه که

لطفاً ورق بزنید

قطع ناصحیح درخت بوسیله ذغالگیران

شنزارها را قبل از نهالکاری با مالچ تثبیت می‌کنند.

جنگل مخروبه‌ای در اثر قطع بیرویه تهیه‌کنندگان ذغال

سازمان جنگلهاو مر

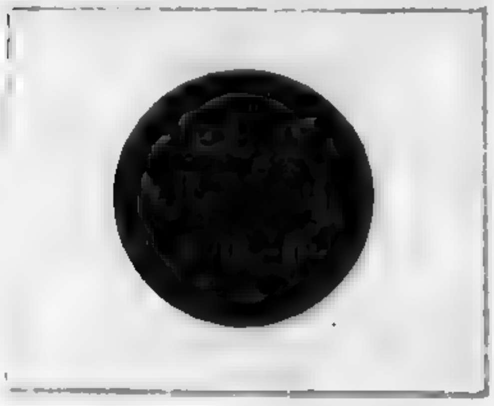

مرتضی وکیلزاده، معاون وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سرپرست سازمان جنگلها و مراتع کشور

اجرای اصل دوم انقلاب بدست سازمان وسیع و گسترده‌ای بنام سازمان جنگلها و مراتع کشور سپرده شده است، در راه هرچه بیشتر شناساندن این سازمان و اقدامات ان پس از اعلام ملی‌شدن جنگلها و مراتع گفتگوئی داشتیم با آقای مرتضی وکیلزاده معاون وزارت کشاورزی و منابع‌طبیعی و سرپرست سازمان جنگلها و مراتع که در این گزارش از نظر خوانندگان میگذرانیم.

وکیل زاده: «....همانطور که اشاره نمودید، سازمان جنگلها و مراتع کشور مجری دومین اصل انقلاب شاه و ملت، یعنی ملی شدن جنگلها و مراتع کشور است. وظایف اصلی این سازمان یکی در رشته جنگل و جنگلکاری و طبعاً پاك‌سازی محیط جنگل است. در زمینه‌ی وظایف سازمان جنگلها و مراتع کشور بطور کلی می‌توان از حفاظت خاك و ابخیزداری- مرتع و مرتع‌داری و تثبیت شن نام برد.

در رشته‌ی جنگل بطورکلی وظیفه این سازمان جنگلداری است که عبارت میشود از تهیه طرح و اجرای ان ازنظر حفاظت و حمایت از جنگل و بهره‌برداری معقول ازآن در کنار مسئله جنگلداری یکی امر حفاظت و حمایت از جنگل است و یکی‌دیگر جنگلکاری است که اقدامی بسیار حیاتی است. گرچه این سازمان پارکهای بسیاری در اطراف شهرها مانند تهران درست کرده و یا دردست اقدام دارد، اما بطورکلی منظور از جنگلکاری این است که در ان قسمتهائی از جنگلهای ایران که درگذشته به علت برداشت بی‌رویه و نامعقول خاصیت بهره‌دهی‌اش را از دست داده و درحال حاضر مطلقاً پوششی از سبزه درآن دیده نمیشود، و اگر حضور سبزه‌ای هم وجود دارد، تنها یك‌مشت بوته است که ارزش اقتصادی ندارد و سازمان جنگلها و مراتع کشور با تلاش پی‌گیر و طرحهای اصولی این نوع مناطق را تبدیل به جنگلهای تجارتی و بصورت سرمایه ملی قابل برداشت مینماید.

بعنوان نمونه، سازمان جنگلها و مراتع کشور تا پایان سال ۲۵۳٤ شاهنشاهی هفتصد و پانزده‌هزارهکتار طرح جنگلداری تهیه نموده و قسمتهائی از انرا بمورد اجرا گذاشته. دیگر ان که برای احیای جنگلها، سازمان جنگلها و مراتع کشور از سالها پیش برای حفظ جنگلهای غرب و جنوب کشور و تاحدودی درقلب ایران مانند چهارمحال بختیاری- کهگیلویه- بویراحمدی تبدیل چوب جنگل را به ذغال اکیداً ممنوع کرده است و ذغال این مناطق با برنامه‌ای که با شهرداری‌های هر استان تنظیم شده، از جنگلهای شمال تهیه میشود و با قیمت کمك شده نه تمام شده، دراختیار مصرف‌کنندگان گذاشته میشود. از اینرو بخاطر جلوگیری از کوره علم کردن در جنگلها و آتش‌سوزی، بمیزان قابل توجهی در حفاظت جنگل، خصوصاً بمامورین انتظامی کمك کرده است. وچه بهتر که در مورد جنگلکاری سهم رقم بدست خوانندگان مجله «رستاخیز کارگران» بدهم و ان [illegible] سال ۲۵۳۳ جمع جنگلکاری که در سراسر کشور انجام پذیرفته، ۲٤٥۰۰۰هکتار است و درسال ۲۵۳٤ سه‌هزارهکتار بهاین رقم اضافه شده و درسال جاری رقمی که دربرنامه قراردارد و بدون‌شك اجرا میشود، ٤٦۰۰۰هکتار است که اکثر این درختان از نوع درختان سوزنی برگ هستند که در صنایع شیمیائی خصوصاً کاغذ احتیاج شدیدی بهآن داریم

مرتعداری، یکی دیگر از وظایف اصلی این سازمان است. مراتع ایران بطور کلی به ۱۳۲میلیون هکتار میرسد. این مراتع عبارتند از مراتع مشجر- غیرمشجر جنگلی و یا اراضی جنگلی که در واقع بهچهار درجه تقسیم میشود.

درحال حاضر تعداد دام در مملکت بمراتب بیش‌از ظرفیت مراتع است از اینروست که مراتع کشور در اثر چرای بسیار، ممکن است فرسوده شود.

سازمان جنگلهاو مراتع کشور اقدامات وسیعی انجام داده تا دامداری کهنه را بهدامداری نو، و مانند تمام کشورهای پیشرفته جهان تبدیل کند. و تاآنجا که‌بهاین سازمان مربوط میشود، از اینقرار است که از تغذیه دام، بمیزان محدود در مراتع و بمیزان گسترده‌تر در زیر سقف استفاده شود. و برای احیای مراتع کشور سازمان جنگلها و مراتع تا این تاریخ برای دومیلیون هکتار از مراتع کشور طرح مرتع‌داری تهیه نموده و تاحال این‌سازمان دومیلیون و ششصد و چهل و پنج هزار هکتار از مراتع کشور را احیاء کرده است.

یکی دیگر از وظایف اساسی سازمان جنگلها و مراتع کشور، طرحهای جامع ابخیزداری است که همراه با این‌اقدامات، تثبیت شنهای روان هم شامل ان میشود زیرا میدانیم که سرمایه‌گذاری برای ساختن سد یك قدم اول است، اما مهمترین مسئله نگهداری آن است، زیرا باسرمایه‌گذاری عظیمی که برای ساختن سد میشود، درجوار آن باید طرحهای جامعی پیاده شود، تا بتوان برای مدت هرچه بیشتر ازان بهره‌برداری کرد. برای انجام این‌کار بایستی جلوی پرشدن ابخانه‌های پشت سدها را بگیریم و این‌کار مستلزم تهیه طرح جامع ابخیزداری است.

سازمان جنگلها و مراتع کشور درسال جاری جمعاً برای نه‌میلیون‌ونهصدهزار هکتار از جمع پانزده میلیون هکتار حوزه آبخیز سدهای ساخته شده کشور طرح جامع ابخیزداری تهیه نموده است.

یکی دیگر از اقدامات اساسی سازمان جنگلها و مراتع کشور، تثبیت شن روان و جلوگیری از حرکت شن و تبدیل شن‌زارها بهجنگل است. تثبیت شن بطورکلی یابصورت شیمیائی یا مکانیکی انجام می‌شود، تثبیت شن بصورت مکانیکی در بعضی نقاط باقرق انجام میدهیم بهاین‌معنی که اجازه چرا نمیدهیم، و به آن منطقه اجازه سبز شدن میدهیم، باز اگر زمین بصورتی فرسوده شده که قرق تنها نمی‌تواند کاری انجام دهد، انوقت این سازمان درآن مناطق بذرکاری میکند، دیگر این‌که وضع زمین در مکانهائی بصورتی است که اجازه نمی‌دهد، که بذر هم سبز شود یعنی حرکت شن اجازه رویش گیاهی نمیدهد،

انوقت در آنجا نهال‌کاری میکنیم

اما نکته دیگر این است که حرکت شن سرعتی دارد که حتی اجازه نهال کاری نمیدهد یعنی قبل از این که نهال بخواهد رشد کند، شن روی انرا می‌پوشاند. در این مکانها با وسایل شیمیائی نهال‌کاری می‌کنیم، به این صورت که با مالچ که یك ماده نفتی است از حرکت خاك و شن بطور موقت جلوگیری می‌کند و بعد نهال‌کاری میشود. در این زمان که مایع مالچ از حرکت شن جلوگیری میکند، فرصت به نهال داده میشود که ریشه دوانده و فرصت سبز شدن داشته باشد.

تا امروز سازمان جنگلها و مراتع کشور معادل سه میلیون و پنجاه هزار هکتار از شن‌زارهای کشور را بطریقه قرق بذرپاشی- و نهال‌کاری کرده و چهل‌وهشت هزار هکتار با استفاده از کاربرد مالچ شن‌های روان را تثبیت کرده.

رستاخیز: در این گفت و شنود چه بهتر که قسمتی از مطالب را به مسائل کارگری و کارگران اختصاص دهیم..... جنگلبانان این سازمان در جنگلها برای نگهبانی و حفاظت آن تلاش می‌کنند، چه نوع وضع استخدامی و رفاهی دارند.؟ دیگر این که آیا کارمند هستند یا کارگر؟

مرتضی وکیلزاده:- سازمان جنگلها و مراتع کشور برای حفظ جنگل در درجه اول از مأمورین اداری خودش استفاده میکند که

نهال کاری بوسیله شیمیائی

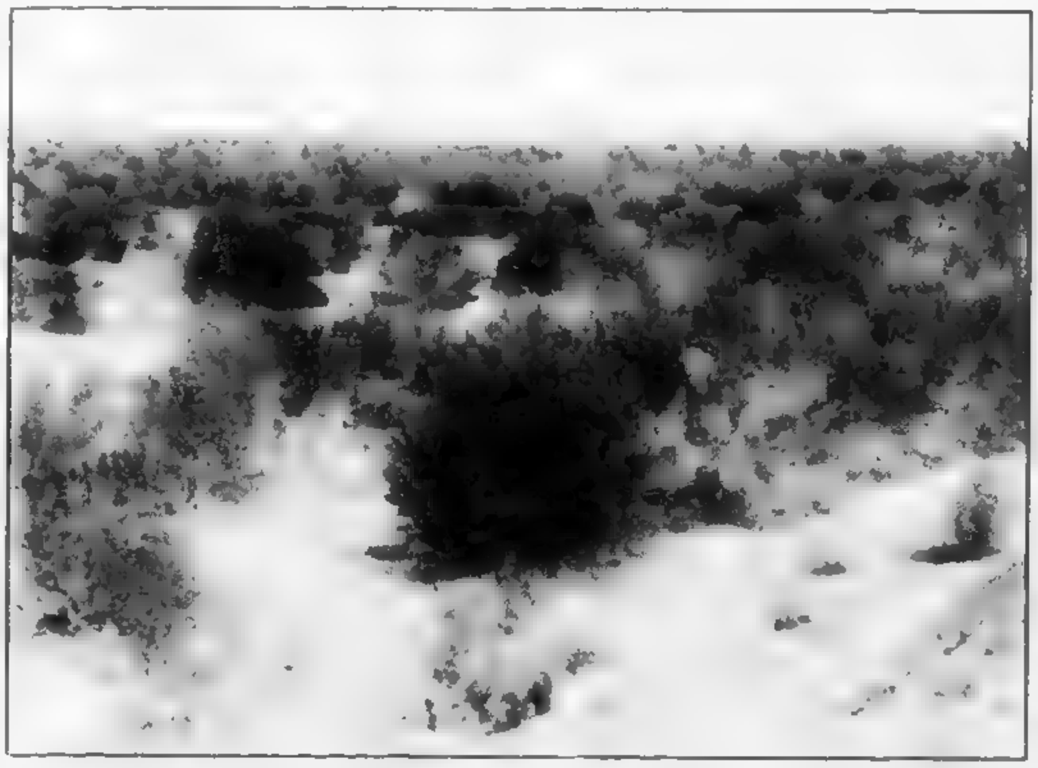

نهال‌کاری و تثبیت شن‌های روان در قلب کویر.

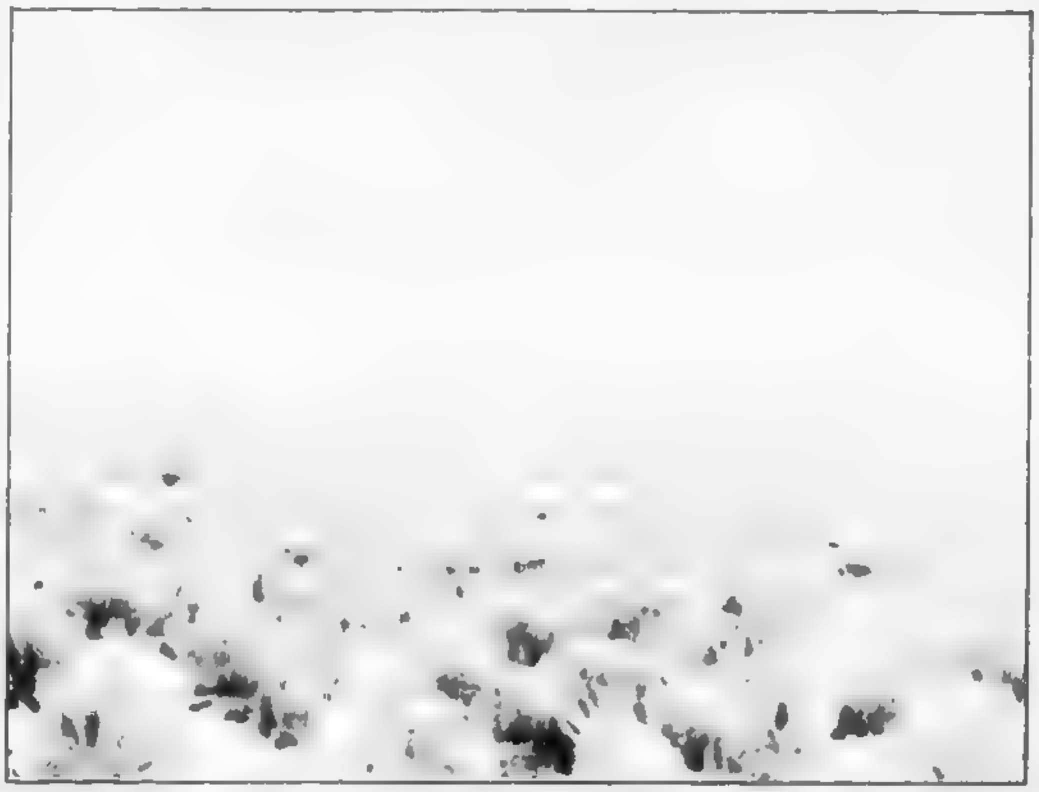

همه‌ی آنها کارمند رسمی هستند... در کنار این کارمندان رسمی دو گروه فعالیت دارند، یك گروه را قرق‌بان می‌گویند که اینها اکثریت قریب به اتفاق کارگر روزمزد هستند، یعنی کارگر کشاورز روزمزد. اما برای این که حفاظت و حمایت از جنگل استمرار داشته باشد، سازمان‌های جنگلها و مراتع کشور یك گارد جنگل و منابع طبیعی دارد که این گارد از نظر انظباطی تابع ژاندارمری کشور است. و از نظر اداری و اجرائی تابع سازمان جنگلها و مراتع کشور است.

و اما از لحاظ رفاهی تمام کارگران جنگل همگی از مزایای رفاهی کارگران که در قوانین کارگری گنجانیده شده برخوردارند و در بودجه سال آینده برای هرچه بهتر شدن وضع رفاهی آنان اعتبارات اضافی منظور نموده‌ایم.

دیگر این‌که سازمان جنگلها و مراتع کشور در مکان‌هائی که شرایط خاص کوتاه‌مدت آن اقتضاء میکند، برای قرق بانان پناهگاههائی حتی بصورت چادر تهیه کرده است.

رستاخیز کارگران. بطورکلی آموزش، و تربیت کادر آموزش‌دیده یکی از برنامه‌های انقلابی ایران است و تمام سازمانهای مملکتی روی مسئله‌ی آموزش تلاش پی‌گیری مینمایند.

دراینجا این سئوال پیش می‌آید، افرادی که نگهدارنده و یا احیاکننده جنگلها و مراتع کشور هستند، کجا و به چگونه آموزش می‌بینند، آیا سازمان جنگلها و مراتع کشور دانشکده و یا مؤسسه‌ای برای تربیت و آموزش دادن به این افراد دارد یا خیر.

وکیلزاده. سازمان جنگلها و مراتع کشور از زمانی که مشاهده کرد جنگل و جنگلبانی، مرتع و مرتع‌داری بخودی خود یك حرفه‌ی کاملاً مستقل و استثنائی است که افرادش احتیاج به آموزش دارد، و همچنین تأمین نیروی انسانی برای پرکردن مشاغلی که باید وظایف قانونی را اجرا کنند، احتیاج به آموزش دارد دست بکار آموزش افراد شد.

هم‌اکنون سازمان جنگلها و مراتع کشور یك آموزشگاه حرفه‌ای در چالوس دارد و هرساله تعدادی از افرادی که سیکل داشته و خدمت نظام را انجام داده باشند میپذیرد... افراد پذیرفته شده یك دوره یکساله در آموزشگاه شبانه‌روزی، دوره آموزش می‌بینند و بعد مشغول کار می‌شوند. در اینجا باید اضافه کنم که ترتیبی داده شده است که از سال آینده فقط از فارغ‌التحصیلان دوره‌های راهنمائی با اضافه نمودن یك دوره مخصوص، جنگلبانی و مرتع‌داری فارغ‌التحصیل گرفته شود. این کادر را که طبعاً دانش علمی آنها در رشته‌ی مورد نظر مختصری بالاتر رفته، تقویت می‌کنیم، و هرساله بر این تعداد اضافه خواهیم کرد.

از این که بگذریم، سازمان جنگلها و مراتع کشور آموزشگاه عالی جنگل و مراتع گرگان را دارد. این آموزشگاه در گذشته بمدت ۳ سال تحصیل مدرك لیسانس میداد، اما هم‌اکنون براثر اصلاحاتی که روی مواد درسی آن شده، دوره آموزش بعد از دیپلم را دو سال کرده‌اند و مدرك فوق دیپلم میدهد و براثر اقداماتی که در این چندسال اخیر شده با تأئید و تصویب وزارت علوم و آموزش عالی دوره این مدرسه به این صورت درآمده که فارغ‌التحصیلان دبیرستان را می‌گیرد، و یك دوره دوساله آموزش شبانه‌روزی میدهد و فوق دیپلم و متخصص در رشته‌ی جنگل و مرتع و تکنیسین در رشته‌های فوق میدهد پس از دیدن این دوره فارغ‌التحصیلان حداقل ۲ سال در سازمان جنگلها و مراتع کشور کار می‌کنند و پس از آن با امتحان مجددی که بعمل می‌آید وارد آموزشگاه میشوند و پس از گذراندن یك دوره ۲ ساله لیسانس علمی در رشته‌های جنگل- مرتع- حفاظت- آب و آبخیزداری میگیرند

سال گذشته نخستین سالی بود که این دوره عالی گشایش یافت و هم‌اکنون در یك رشته، آنهم حفاظت آب و آبخیزداری دانشجو دارد.

در سال آینده، ۲ رشته‌ی دیگر به آن اضافه خواهد شد. که استخدام استاد برای دروس مختلفه آن هستیم.

البته در تشکیلات آموزشی کشور دانشکده منابع طبیعی هم داریم که تابع دانشگاه تهران است و محل آن در کرج می‌باشد و در حال حاضر تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان این دانشکده مسئولیتهای مهمی در این سازمان دارند.

نکته دیگری که درمورد آموزش باید به آن اشاره کنم این است که سازمان جنگلها و مراتع کشور همه‌ساله تعدادی از افراد واجد شرایط را برای طی دوره‌های بالاتر علمی به کشورهای خارج میفرستد. در حال حاضر در حدود ۲۵ نفر از افراد این سازمان بعنوان دانشجو در خارج از کشور مشغول تحصیل هستند که به ترتیب تحصیلات اولیه‌شان لیسانس یا فوق لیسانس یا دکترا خواهند گرفت.

رستاخیز: آقای وکیلزاده، گویا یکی دیگر از وظایف این سازمان جنگل‌کاری و ایجاد فضای سبز در اطراف شهرهاست. ممکن است در اینمورد، سخنی برای خوانندگان داشته باشیم.؟

وکیلزاده: والبته.... سئوال خوبی بود، یکی دیگر ر وظایف سازمان جنگلها و مراتع کشور جنگلکاری و پارك‌سازی است. باوجود این که بسیاری از شهرهای مملکت که نه در وسط جنگل قرار دارد و نه در اطراف آن جنگلی وجود دارد، در اطراف آنها جنگلکاری میکنیم ایجاد فضای سبز در اطراف شهرهای بزرگ یکی از برنامه‌های اساسی سازمان جنگلها و مراتع کشور است. بعنوان مثال شمال و شمال‌غرب- شمال‌شرق و قسمتی از شرق تهران هم‌اکنون در زیر پوشش جنگل‌های بسیار، بسیار زیبائی درآمده است که قسمتی از این جنگلها هم‌اکنون بصورت پارکهای عمومی درآمده است و بروی تمام افراد مملکت باز است. در این پارك‌ها وسایل رفاهی یا بوجود آمده و یا متدرجاً بوجود خواهد آمد. کسانی که به تماشای پارك جنگلی آریامهر که در کنار اتوبان تهران- کرج قرار دارد، رفته باشند، دیده‌اند که غیراز جوی آب- استخر- آلاچیق و سایر وسایل رفاهی تعدادی جایگاه فروش مایحتاج برای بازدیدکنندگان هم ساخته شده که دردست تکمیل است. همچین برای کارکنان این پارك در ضلع شمالی آن ۳ دستگاه آپارتمان مسکونی ساخته شده. دیگر این‌که از سال گذشته تعدادی از راههای اصلی این پارك جهت رفت و آمد با اتومبیل اسفالت گردیده. این پارك مساحتی درحدود ۱۵۰۰ هکتار دارد و برنامه‌ی پارك‌سازی در اطراف شهرها همچنان ادامه خواهد داشت و تمام پارکهائی که در حال حاضر در اطراف شهرها ساخته شده توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور بوجود آمده

رستاخیز کارگران= متشکرم

اتع کشور اقدامات وسیعی انجام داده تا دامداری کهنه را به دامداری نو تبدیل کند

جنگل یکی از عوامل مهم پاکسازی محیط زیست بشمار میرود.

مریم به آغوش مادرش بازگشت

از: نسترن فرنژاد

میرفتم دکان خواربار فروشی که صدیقه خانم را دیدم، توی پیادەرو به دیوار تکیه داده بود و اشك میریخت، سلامش گفتم. چشمهای مرطوبش را با پشت دست پاك کرد و گفت:

«بخدا دیگه طاقتم تموم شده. الان شش ماهه که دخترمو ندیدم. یکی نیست به این از خدا بی‌خبرها بگه آخه چرا گناه میکنین، چرا مادر و فرزند رو از هم دور میکنین؟...»

دستش را گرفتم و به خانه دعوتش کردم، اول قبول نمیکرد. میگفت باید بروم، کار دارم و بعد که اصرار مرا دید، تسلیم شد. به دخترم زهرا گفتم که سماور را روشن کند و سیگاری تعارف صدیقه خانم کردم. پکهای عمیقی به سیگار میزد، که حکایت از دل پردردش بود، چای که حاضر شد، فنجانی چای نوشید و آرام آرام شروع به حرف زدن کرد:

- «خودت میدونی چه زجری توی این زندگی کشیدم، خودت میدونی چقدر از دست شوهر بی‌انصافم کتك خوردم و دم نزدم.....

آخه من کاری نمیکردم که مستحق این همه شکنجه باشم، خدا شاهده که با دار و ندارش میساختم، خدا بسر شاهده که بازم حاضر بودم همه چیزو تحمل کنم، ولی خودش نخواست. خودش هوس دختر هیجده ساله کرد و آشیونه منو از هم پاشید....»

صدیقه خانم که حرف میزد، من به این فکر میکردم که چطور مردم دلشان راضی میشود با یك انسان اینطور رفتار کنند؟ ... صدیقه خانم و آقا مرتضی شوهرش را از خیلی سالها پیش میشناختم، ولی به سبب اخلاق بد شوهرش با هم معاشرت نمیکردیم. فقط گهگاه صدیقه خانم سری بمن میزد، کمی درددل میکرد و وقتی بار غمش تا حدودی سبك میشد، میرفت. زن صبوری بود. حقیقتاً صبر ایوب داشت، و انگاری برای ستم کشیدن آفریده شده بود. شوهرش بعضی اوقات چنان کتکش میزد که بستری میشد و توی رختخواب می‌افتاد. راستش خودم چند بار به او گفته بودم این زندگی نیست که تو میکنی، برو جانت را ازاد کن، ولی او فقط به تنها دخترش فکر میکرد و این که بعد از رفتنش چه به سر او می‌آید صدیقه خانم زن جوانی بود ولی از فرط عذاب و تلخی زندگی، مثل پیرزنها شده بود بالاخره هم شوهر بی‌انصافش عاشق شد، یادم می‌آید صدیقه خانم میگفت «برو هر کاری که دلت میخواهد بکن، زن بگیر، خودم به زنت خدمت میکنم، ولی مرا طلاق نده، دخترم را بی‌مادر و زیر دست نکن» ولی مرد از خدا بی خبر، با زور طلاقش داد، حتی به تمام اشك و زاری‌های او بی‌اعتنا ماند و مریم تنها دخترشان را از مادر گرفت.

وقتی یاد صحنه وداع مادر و دختر می‌افتم، حقیقتاً دلم آتش میگیرد. هر دو بغض کرده بودند و هر دو سرشان را پائین انداخته بودند. گوئی میترسیدند بیکدیگر نگاه کنند و بالاخره هیچکدام جرات نکردند لفظ خداحافظ را به زبان بیاورند. صدیقه خانم رفت، برگشت پیش برادرش و ما چند روزی از او بی‌خبر بودیم تا اینکه با برادرش به درخانه شوهر سابقش آمد که دخترش را ببیند، ولی اختر خانم، زن جدید آقا مرتضی، با کمال وقاحت توی روی بدبخت ایستاد و با لحنی بسیار زننده گفت:

- زنیکه، چی از جون من میخوای؟

صدیقه خانم که اشك از چشمانش سرازیر شده بود، فقط گفت:

- اومدم دخترمو ببینم.

و صدای اخترخانم که توی کوچه پیچید:

- دخترتو ببینی! اگه لیاقت داشتی شوهرتو نگه میداشتی، بچه‌اتو تو خواب ببین، برو شکایت کن، برو هرغلطی که دلت میخواد بکن، ما بچه به کسی نشون نمیدیم.

برادر صدیقه خانم که از شدت عصبانیت به مرز جنون رسیده بود، خواست دخالت کند که صدای گریه مریم از توی حیاط بلند شد:

- ولم کنین، میخوام مادرمو ببینم، ولم کنین، دوستش دارم.

و این بار صدای آقامرتضی که:

- انقده میزنمت که یاد بیاری. حالا بچه نیم وجبی واسه من ننه‌شناس شده.

تمام اهالی کوچه از خانه‌هایشان آمده بودند بیرون و هرکس سعی میکرد به نوعی آقامرتضی را راضی کند از دیدار مادر و فرزند ممانعت نکند، ولی اخترخانم آنقدر جیغ و فریاد راه انداخت که صدیقه خانم دست برادرش را گرفت و گفت:

- بیابریم داداش. تروخدا دعوا و جنجال راه ننداز. واسه بچه خوب نیست. اعصاب اون خراب میشه، بیابریم.

بله، صدیقه خانم، رفت و منهم آن شب تا صبح گریه کردم. فردا دلم تاب نیاورد. درخانه آقامرتضی را زدم. اخترخانم دست بکمر در را به رویم باز کرد و با بی‌اعتنایی گفت:

- اگه اجازه بدین، چند دقیقه میخوام بیام تو.

رفتیم و نشستیم و هرچه در قدرت داشتم، کردم تا شاید بتوانم آن زن از خدا بی‌خبر را راضی کنم که بگذارد صدیقه‌خانم دخترش را ببیند، ولی جوابی که شنیدم این بود:

نه خانم‌جان، من زندگیمو دوست دارم، بخاطر هیچ‌کسی هم حاضر نیستم خرابش کنم، اگه این بچه مادرشو ببینه دوهوائی میشه، باید بمن عادت کنه، باید فکر کنه من مادرشم.

بالاخره دست خالی برگشتم خانه. دو هفته‌ای از صدیقه‌خانم بی‌خبر بودم، ولی از گوشه و کنار میشنیدم که چندتا از دوست و فامیل را واسطه فرستاده تا شاید راه حلی برای دیدن دخترش پیدا کند. بدبختی این بود که اخترخانم بجای آقا مرتضی تصمیم میگرفت و از آنجا که واقعاً زن بی‌رحم و سنگدلی بود، راضی نمیشد. یکروز صدیقه خانم آمد به خانه ما، گفتم: «حالا که این‌ها تا این حد بتو ظلم میکنند، برو به دادگاه حمایت خانواده، برو شکایت کن، بالاخره به قانون که دیگه نمی‌تونن بی‌اعتنائی کنن.»

و صدیقه‌خانم نازنین دلش راضی نمیشد که از پدر بچه‌اش شکایت کند.

میگفت:

این خوب نیست، کار درستی نیست، بالاخره پدر بچه منه، این کار مثل تف سر بالاست. یك روز هم از یکی از همسایه‌ها شنیدم که صدیقه‌خانم شخصاً به خانه آقا مرتضی آمده و دست و پای اخترخانم را بوسیده که اجازه بدهد مریم را ببیند و اخترخانم ناانسان از خانه بیرونش انداخته است.

* * *

صدیقه‌خانم بلند شد که برود، بوسیدمش و دلداریش دادم که:

«بالاخره خدا هست، و ناظر به اعمال همه، برو با خدا باش. سیاهی‌ها، کنار میره» در حالیکه بغضش را فرو میبرد، دستش را بطرف آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا توکل به تو کردم. خدایا دیگه طاقتم تموم شده، خدایا هرچه خودت صلاح میدونی بکن، خودت میدونی که تنها پناهم هستی.

صدیقه خانم رفت و مرا با افکار پریشانم بجا گذاشت، دلم از این همه نا انسانی گرفته بود، واقعاً دلم گرفته بود.

چند ماهی گذشت، چندماهی که صدیقه‌خانم می‌آمد، التماس میکرد ولی ناامید و مایوس از در خانه آنها میرفت، فقط دلش به این خوش بود که بیاید توی ایوان خانه ما بایستد و اگر احیاناً مریم کوچولو، توی حیاط آمد، فقط از دور نگاهش کند. منکه طاقت نداشتم این صحنه غم‌انگیز را ببینم، ولی دختر بزرگم معصومه که شاهد این صحنه دردآلود بود، میگفت:

مادرنمیدونی صدیقه‌خانم چطور میلرزه. نمیدونی باچه حسرتی مریمو نگاه میکنه، بخدا مادر انقده از دست این اخترخانم و آقامرتضی عصبانی هستم که بعضی وقتها دلم میخواد قدرت اینو پیدا میکنم که با دستهای خودم خفه‌شون کنم.»

ولی از آنجائی که بالاخره ظلم نمی‌تواند پایدار باشد، دیروز شاهد صحنه‌ئی بودم که انگار تمام خوشی‌های دنیا را بمن ارزانی کرده بودند. داشتیم ناهار میخوردیم که صدای فریادهای آقامرتضی تمام کوچه را پر کرد، و جیغ اخترخانم که:

نرنش، بخدا پسرعمومه، کشتیش.... ای مردم بدادم برسید... منو داره میکشه!

با عجله از خانه بیرون آمدم و دیدم جماعتی کنار خانه آقامرتضی جمع شده‌اند و بالاخره یکی از مردها با لگد در خانه آنها را شکست و رفتیم تو. پسرك جوانی خون‌آلود دور حیاط میدوید و آقا مرتضی به دنبالش، اخترخانم هم بیهوش شده بود، طفلکی مریم مثل جوجه میلرزید و من اولین کاری که کردم، مریم را به خانه خودم آوردم.

یکساعت بعد، قضایا روشن شد. اختر خانم و جوانك از سالهای قبل با هم سروسری داشتند و صبح‌ها که آقا مرتضی از خانه بیرون میرفته، جوانك میامده و نزدیك آمدن آقا مرتضی خانه را ترك میکرده... با شکایتی که آقا مرتضی کرد، اخترخانم و جوانك را توی زندان کلانتری نگاهداشتند که صبح به دادسرا بروند. آقا مرتضی به خانه برگشت، ولی انگاری که در طول همین چند ساعت سالها پیر شده بود. شوهر من و دو سه تا از مردهای کوچه بدیدنش رفته بودند. مثل بچه‌ها گریه میکرد و زیرلب دایماً نام صدیقه خانم را میبرد و این که چرا آنقدر به او بدی کرد. تازه قدر زن نازنین و نجیبش را فهمیده بود و از این میترسید که نکند صدیقه خانم نبخشدش. مریم را شب در خانه خودمان نگاهداشتیم و امروز صبح شوهرم را دنبال صدیقه خانم فرستادم. میدانم که او آنقدر با گذشت است که از همه چیز میگذرد. میدانم که مریم دوباره مادرش را بدست می‌آورد و این آنقدر خوشحالم میکند که اشك شادی از چشمهایم بیرون میزند.

صد گیاه شفابخش

سیر

... هم معنی و ...
... چون ...
...
... که چون ...
... گاهی ...
... بزرگی ... می‌کند.

هر وقت در باغچه سبزیکاری منزل چشمم به بوتهٔ سبز سیر می‌افتد که از زمین بالا آمده است، مطمئن می‌شوم که تندرستی و شادی، مهمانان ... هستند.

... همه ... شروع ... همه مردم گاسکونی وقتی ... میخواهند ... یک حبه سیر ... می‌شد.

... بخورند و ... که ... سیر ... مگر ... سیر ... استفاده ... سیر ... غذای ... و عادت ... که ... مردم جنوب فرانسه ... و ساعت چهار بعد از ظهر تکه بزرگی نان که با سیر و روغن زیتون ... بهترین عصرانه ... بچه‌ها ... میدهد.

... خوشمزه ... هم ...

... سیر ... مرکزی ... ناحیه دنیا است که مردم سیر میخورند و از طول عمر ... قوی هیکل و ... همه ...

... سیر ... می‌نامند ... و ... مصرف میکردند ... سیر ... جلوگیری ...

...

...

... در قرون وسطی، سیر ... برای ... که ... گوشت و ... مصرف می‌کردند وقتی ... دستور داد که سیر ... معروفش ... هانری چهارم که ... گاسکونی بود ... فرانسه ... و هر روز صبح ...

... حبه سیر ... در دهن میجوید تا قوای جوانی خود ... حفظ کند.

... یکی ... که ... گاو ... بود بیاد میاورم که از ده متری او بوی سیر میامد، ولی در مسابقه دو همیشه اول بود و نیروی جوانی خود را نیز حفظ کرده بود. در کشورهای امریکای جنوبی به خروسهای جنگی سیر ... در مسابقه ... شوند.

... گزارش ... که به خروسهایش ... مرکب از نصف سیر و نصف مرغدانه میداد و در مسابقه پیروز ...

از نظر طبی سیر ... را درمان میکند و ... فشارخون را پائین ... و ... میرساند.

۱ ـ سیر میکروب کش و ضدعفونی کننده عمومی ... یکی از پزشکان دانشمند و محقق که از دوستان من است، می‌گفت ... سیر میکروبهای خطرناك را میکشد و نابود میکند.

... بخاطر میاورم در قدیم وقتی ... در ولایت ما منتشر میشد، در هر خانه‌ای سیر را میکوبیدند و در گوشه‌های خانه و اتاق میریختند تا میکروبها را بکشد و بیماری ... خانه ...

۲ ـ ... کننده ... روده‌هاست و ... میکروبها در جدار روده‌ها جلوگیری کرده و ... نابود میکند.

... که ... سیر ... در مورد ... اسهال ... دل درد و ... تجویز میکنم.

۳ ـ سیر انگل‌کش است و کرمهای ... و کرم ... دفع میکند ... در گاسکونی ساعت چهار بعد از ظهر ... خوشمزه‌ای که بوی سیر ... به بچه‌ها میدهند.

۴ ـ سیر ... و ... حلالات ... و غده‌های مختلف ...

۵ ـ سیر ... خون ... که چاق هستند و ... مسمومی ... برای درمان ... سیر کمك بگیرند.

۶ ـ سیر ... معدی را ... و روده‌ها را ضدعفونی می‌کند و همین عمل از غده‌های سرطانی در معده و روده‌ها جلوگیری میکند.

اثر جدید موریس مسگه (دکتر علفی فرانسوی) مؤلف کتاب ((حق با طبیعت است))

ترجمه: مهدی نراقی

۷ ـ سیر بهترین ... جریان خون ... زیادی فشارخون را پائین میاورد و از انفارکتوس و سکته‌های مغزی که ... فشارخون است جلوگیری میکند، بلکه چربی خون را هم منظم کرده و ... گلبولهای قرمز خون را که حامل اکسیژن هستند ... و ... موضوع ... برای کسانیکه سیگار میکشند و یا شهرنشینان که هرساعت هوای آلوده به دود را فرو میبرند.

کجا سیر را میکارند؟...

هرجا سیر را کاشته‌اند ... سلامتی را یافته‌ام و هرجا سلامتی را ... کرده‌ام، سیر را هم یافته‌ام.

سیر گیاهی است که ... قسمتهای ... برگ و ... موثر است، ولی ... سیر که ... حبه در کنار هم قرار گرفته ... موثری دارد و مصرف همان برای ... کافی است.

اگر شما خودتان در باغچه ... خودتان سیر نکاشته‌اند و ... توجه کنید ... که کود طبیعی ... و ... استعمال نکرده باشند.

... که سیر ... باغچه سبزیکاری خود کاشته باشید.

توجه داشته باشید که سیر ... دوست ... و ... خاك کنید.

بعد از اینکه ... بزرگ ... در ... و در جای ... آویزان کنید تا خشك شود.

سیر را در غذاهای مختلف و در سالاد سبزیها وارد کنید و بخورید.

سیر را چگونه باید آماده و مصرف کرد.؟

عصرانه بچه‌ها

یك حبه سیر را ... یك تکه نان برشته بمالید و روی آن روغن زیتون بریزید و به بچه‌ها بدهید تا بعنوان عصرانه بخورند. این غذا برای آنها انگل‌کش است و اگر پارازیت داشته باشند، دفع خواهد شد.

جوشاندهٔ حبه‌های سیر

یك پیاز سیر را حبه کنید و در ... بجوشانید. این جوشانده برای کسانیکه فشارخون دارند و یا مبتلا به نقرس هستند و یا ورم مفاصل دارند، بسیار مؤثر و مفید است و باید هر روز سه فنجان از آن بنوشند ... جوشانده ... و روده‌ها را هم ضدعفونی میکند.

تنطور سیر

تنطور سیر برای زیادی فشارخون داروی مفیدی است ... برای تهیه ... تنطور ... حبه ... سیر ... و ... چهل و هشت ساعت بخیسانید و هر روز ... قطره ... در دمکرده گیاه مریم گلی و یا بادرنجبویه بریزید و بخورید.

شربت سیر

شربت سیر را برای درمان زیادی فشارخون مصرف کنید. طرز تهیه آن ... که دو پیاز سیر را له کنید. در یك لیوان آب ... و ... گرم شکر بریزید و آنرا بجوشانید تا ... و هر روز دو قاشق سوپخوری از آنرا مصرف ...

مرهم سیر

... قاشق سوپخوری روغن ... برای مصارف خارجی استعمال کنید، باین ترتیب که وقتی کرم ... و ... درد معده مبتلا شدید، روی شکم ... همچنین به کف پاهای خود ...

دمکرده مخلوط سیر

سه حبه سیر و ... گرم ... و یك گرم ... و سه گرم مریم گلی را در یك ... کنید و هر روز سه فنجان ... بنوشید.

این دمکرده مخصوص ... روی مفیدی برای چربی خون ... کنسترول ... میباشد.

بقیه درصفحه ۹۰

تجربه تلخ

نوشتهٔ: شاخه‌نبات

از نزدیك ظهر که دختر خوشگل و اراسته همسایه را در اتومبیل سرخ اخرین سیستمی که شوفر خوش سر و لباس ان را میراند دیده بود، احساس دل‌گرفتگی میکرد.

دختر در پیراهن بژ رنگی که بر تن [illegible] یک گل چای را داشت، و عطری که [illegible] می‌[illegible] که [illegible] بومیس. هو[illegible] هم در کوچه موج [illegible] زندگی برای عده‌ای [illegible] و [illegible] عده‌ای دیگر [illegible] «صفیه» [illegible] دسته‌ای [illegible] و دسته‌ی دیگر [illegible] پیدروی [illegible] بین دو گروه وجود [illegible] هیچ [illegible] «صفیه» [illegible] می‌کرد و [illegible] که [illegible] که [illegible] میخو[illegible] در عمق زندگی [illegible] سرگردانی و پوچی چیز دیگری نمی‌یافت [illegible] هر [illegible] عادی همیشه فقط [illegible] و روی [illegible] میکند و [illegible] همین [illegible] بود. [illegible] هم [illegible] دیگر [illegible] بود، و گریه [illegible] در [illegible] همه [illegible] می‌کشید [illegible] روز جمعه بود. [illegible] جمعه [illegible] پذیری [illegible] جمعه‌هایی که [illegible] به بیرون میکشید و [illegible] پیدروی و [illegible] صفیه [illegible] بود و [illegible] بزرگ بود که [illegible] درست به عکس [illegible] دختر [illegible] خوش‌پوش. که [illegible] بزرگ [illegible] که [illegible] که همه [illegible] بود. [illegible] کوچکی [illegible] میکرد و [illegible] که [illegible] بود [illegible] که [illegible] و [illegible] همه [illegible] وقتی که [illegible] وقتی که [illegible] وقتی بزرگ [illegible] و [illegible] می‌[illegible] و هر [illegible] که [illegible] زندگی [illegible] میکرد [illegible] زندگی [illegible]

داشت، روبرو میشد، تا به جایی که خود را در [نس]بت با آنان مرفه و خوشبخت می‌یافت. «صفیه» همیشه به بالا نگاه میکرد و زندگی کسانی را که در فاصله‌ای دور و در آنطرف دیوار زندگی میکردند، می‌کاوید. و چون تنها به ظواهر میرسید، هر روز به محنت تازه‌ای میرسید، کمبود جدیدی را کشف میکرد و تلخی کامش بیشتر میشد و بعدها وقتی دوران دبیرستان را به ناچار نیمه‌کاره رها کرد و در یك شرکت دارویی به سمت [ب]سته‌بند استخدام شد، بارش سنگین‌تر شد. اگر چه در بین دخترهایی که با صفیه کار میکردند، افرادی هم بودند که وضعی همانند او داشتند و خوشش چون او از زهر محرومیت مسموم بود [ا]ما صفیه نه آنها را میدید و نه به آنچه بر آنها میگذشت، توجهی داشت. چشمش بزرگ و عمر[ش] و در کوچه و خیابان و در خواب و بیداری به دنبال [دخت]رها و زنهایی میدوید که با لباسهای آخرین مد [از ا]تومبیل‌های آخرین سیستم پیاده میشدند و [...] رفتن حتی به خاکی هم که زیر قدمهایشان ساییده میشد، فخر میفروختند عروسکهایی که در جعبه‌های شیشه‌ای به دنیا [آم]ده بودند و در همان جعبه‌ها هم از دنیا میرفتند و [ا]ین فاصله هرگز واقعیات زندگی را لمس نمی‌کردند و در واقع زندگی نکرده به مرده‌ها میپیوستند. چه اگر صفیه هم در دنیای آنها به دنیا می‌آمد، مثل آنها زندگی میکرد و به اندازه آنها به [...] دست می‌یافت. ربابه خانم، مادر سالخورده صفیه هرگاه یکی از این کلمات زهرآگین را از [زبان] دخترش میشنید و یا با چشمهای اشك‌آلود و پر حسرت او روبرو میشد، اخمهایش را در هم میکشید و میگفت: - کبوتر با کبوتر، باز با باز. تو به مردمی که از تو بالاترن چی کار داری دختر؟!......چرا به آدمهای دیگه نیگا نمی‌کنی، و قدر سلامتی و جوونیترو نمی‌دونی؟

[ا]ما صفیه در واقع حتی قدر زیبایی خودش را هم نمی‌دانست و جدا از خود و از سهمی که میتوانست با نیروهای خود به دست بیاورد، همچنان در آن دنیای دیگر سیر میکرد. به همین جهت هم از چهارده سالگی تا آن زمان که دیگر نزدیك بود به بیست و یك سالگی برسد، هرگز به احسان، نوه عموی مادریش که گویی با عشق به او متولد شده بود و جز ازدواج با او هدف و آرزوی دیگری نداشت، توجهی نشان نداده و همیشه چون آهویی از صید، از او گریخته بود.

[ا]حسان، مهربان، صمیمی، خالص، و پر انرژی بود. دستهایش دستهای کار کرده یك کارگر، بازوانش توانا و قوی و سینه‌اش گرم و ستبر بود، آنچنان که اگر زنی سر بر آن می‌نهاد، به آن اعتماد و امنیتی که اصل خوشبختی است دست می‌یافت و به آرامش میرسید. اما صفیه هیچکدام از آن مزایا را نمیدید و به هیچ کدام از [ا]ین صفات که تنها یکی از آنان برای جلب توجه دیگران کافی بود، توجهی نشان نمیداد. احسان در یك کارگاه مبل‌سازی کار میکرد و همه او را به عنوان یك کارگر ممتاز می‌شناختند. ولی [...] که او را در نظر دیگران شریف جلوه [می‌دا]د، باعث بیگانگی صفیه بود، چون او از دنیای کارگری نفرت داشت و روز و شب در حسرت رسیدن به دنیایی دیگر میسوخت و میگداخت و بربر میزد. او سرگشته و جستجوگر بود. هدفی را [دنبا]ل میکرد، اما راه رسیدن به آن هدف را نمی‌دانست. دخترهای هم طبقه او به طور معمولی [با] جوانهای هم طبقه خود آشنا میشدند [و] دل میربودند و به آنها دل میبستند تا سرانجام به خانه [ب]خت میرفتند و زنجیر بقا را از نسلی به نسل دیگر بسپارند، اما او به جوانهایی که در طبقه بالاتر از طبقه او زندگی میکردند، می‌اندیشید، جوانهایی که کت و شلوارهای آخرین مد رم و پاریس را میپوشیدند، از خانه‌های چند میلیون تومنی بیرون می‌آمدند تا اتومبیل‌های پانصد هزارتومانی خود را [ب]رانند. جوانهایی که با او فاصله زیادی داشتند و احسان در برابر وجود ظاهریشان حکم مورچه‌ای را در برابر پیلی داشت. چشمهای سیاه و شفاف صفیه هر روز در فاصله خانه تا کارخانه گم شده خود را جستجو میکرد و چه بسیار از اوقات که به اتومبیلی که سرنشین چشم‌گیری داشت، فاصله زیادی را میپیمود. و هنگامی که دیدگاه جالب خود را از دست میداد، اخمهایش در هم کشیده میشد و رنگ اندوه و حسرت با چنان غلظتی به چهره‌اش می‌نشست که هر کس با او روبرو میشد، با حیرت و اضطراب میپرسید: «چی شده؟ [...] واسه اتفاق [ب]دی افتاده؟»

ولی به زودی زمانی رسید که دیگر تقریباً هر [رو]ز در [...] معین، زمان آمدن به کارخانه، و [زم]ان بازگشتن به خانه، چشمانش تنها به روی یك [ات]ومبیل کشیده ماشی رنگ که سرنشین آن نیز چشمانش به همان رنگ بود، متوقف می‌ماند، و [...] جز رنگ اندوه و حسرت رنگ دیگری [...] می‌نشست که [...] حیرت و [...] ورهای تحسین اتومبیل و سرنشین جوان شیکپوش آن بدون توجه به نگاه‌های دختر جوانی که با قدمهای کند در حاشیه خیابان راه میرفت، با همان سرعت معمولی به راه خود میرفت و دور و سپس ناپدید میشد. اما رفته رفته در چشمهای سرنشین اتومبیل نیز توجهی بیدار شد و به دنبال آن به همان [...] از سرعت اتومبیل، از دور شدن، فاصله گرفتن، و ناپدید شدن آن در شلوغی خیابان کم و کمتر میشد، تا به جایی که سرانجام یك روز غروب، اتومبیل بلند ماشی رنگ در چند قدمی دختر جوان متوقف شد. سرنشین سبز چشم آن پیاده شد. با چند قدم کوتاه رودرروی دختر ایستاد و در حالی که به شیرینی لبخند میزد گفت: «ببخشید، اجازه میدین برسونمتون؟» صفیه مانند کسی که به ناگهان در برابر رؤیایی دور قرار گرفته باشد، در حالی که بر [لبها]ی خشك شده بود، چند بار پلك‌هایش را بر هم زد، اما از میان لبانش که در یك آن از التهاب درون خشك شده بود، کلامی بیرون نیامد. از گردن و بناگوش جوان ناشناس عطر ادوکلن دلپذیری بر می‌خاست که تا اعماق جان دخترك را پر میکرد و رنگ چشمانش از نزدیك آنقدر بدیع، زنده، و دوست داشتنی بود که نظیر آن را فقط در خوابهای آغاز جوانی میتوان یافت. جوان که شاید به حیرت دختر پی برده بود، دو مرتبه گفت:

[ا]گه ناراحتین من مرخص میشم... ولی اگه اجازه بدین برسونمتون، خیلی خوشحال میشم..

صفیه باز هم حرفی نزد، اما سرش را با حرکتی [...]نهانی به علامت موافقت تکان داد و چند لحظه [ب]عد خود را در اتومبیل نشسته دید که در واقع [ات]ومبیل رؤیا بود

[ت]ا چند لحظه، هر دو در سکوت به روبرو نگاه [می]کردند و حرفی نمیزدند. [...] هیچ کدام نمی‌دانستند چگونه و با کدام کلام میتوانند رشته سخن را باز کنند. اما باز هم جوان بود که قفل سکوت را شکست و گفت:

[...] اینکه توی کارخونه دارویی کار میکنین؟ یه دفعه وقتی داشتین از اونجا بیرون میومدین، دیدمتون

صفیه برگشت و با گونه‌های گل‌انداخته، به نیم رخ او که شبیه نیمرخ هنرپیشه‌های فیلم بود، نگاه کرد و در همان حال گفت: خوب، پس باید خودتون هم همین طرفها کار کنین

درسته، من یه شرکت ساختمونی دارم. سر همین خیابونه. اون عمارت سفید بلند رو که حتماً دیدین. شرکت من توی طبقه پنجم همون ساختمونه... یعنی ما در واقع با هم همسایه‌ایم....

صفیه که باز سرش را برگردانده و به روبرو خیره شده بود، دیگر حرفی نزد و بار اختیار سخن به جوان داد که میگفت:

[ا]سم من فرخه... [illegible] ... مثل من و میرین، خسته نمیشین؟..

[illegible] ... تاکسی‌ها رو نداره

خوب، [...] بدین من هر روز میرم و میرسونمتون. چطوره؟

و [...] به طرف صفیه برگشت و صفیه هم که برگشته بود، [...] در برابر اشعه‌ای که از چشمان او بر می‌خاست و چون موجی قوی [...] میگرفت، ناتوان و ضعیف یافت.

هر دو به روی هم خندیدند و با این لبخند [...] فرو ریخت و غریبگی به نزدیکی و صمیمیت تبدیل شد. فرخ [...] گذشت و از خیابان شلوغ اصلی [...] فرعی پیچید و در حالی که سرعت [...] میکرد دومرتبه گفت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[...] لذت؟ [...] چیزی بود که صفیه هرگز طعمش را احساس نکرده و یا شاید نخواسته بود احساس کند. اگر چه حالا کم‌کم در کنار فرخ که بوی همه گل‌ها و سبزه‌ها از نفسش برمیخاست، خود را در حسابی غوطه‌ور میدید که بی‌گمان سرانجام به لذت میپیوست و او را به بهشت بار میرساند. چشمانش میسوخت و قلبش مثل اسفنج جمع شده بود، اما هرچه میکرد حرفی [از] دهانش بیرون نمی‌آمد، اگر چه ذهنش از هزاران کلام شیرین شوق‌امیز آکنده بود. مهندس فرخ که انگار طاقت تحمل بار سنگین سکوت را نداشت. دومرتبه گفت: خیلی خوب، حالا که شما حرف نمیزنین، من حرف میزنم. البته به شرط این که اولا اسمتون رو به من بگین...صفیه سری تکان داد و گفت:

اسم من، یه اسم املی قدیمیه... هیچ معلوم نیست مادرم چرا اسم صفیه رو روی من گذاشته....

فرخ خندید و در همان حال گفت:

اولا که اسم صفیه خیلی هم قشنگه.... دوم این که شما خودتون انقدر خوشگلین که هر اسمی روتون گذاشته باشن، به گوش خوشگل میاد...

موجی از شادی قلب دختر جوان را پر کرد [قب]ل از آن بارها، هنگامی که در لباسهای قدیمی فقیرانه خود از کوچه‌ها و خیابانها میگذشت وصف زیبایی خود را از عابران بدچشم و صحبدل خیابانی شنیده بود، اما این بار نخست بود که یك [آ]قا، یك آقای به تمام معنی، زیبایی او را میستود غرور حاصل از این ستایش، به اندازه‌ای بود که در یك آن دو دل بر شانه‌های او روبید و [...] عظمی [...] گرفت

[illegible]

[illegible]

مهندس فرخ [...] محکم [...] به روی گاز [...] و در همان حال گفت

[illegible] ... فکر ... [illegible]

[illegible] چون اگه این احساس دوطرفه باشه، بار همدیگررو میبینیم و در همین طور پهلوی هم می‌شینیم، و اگه نباشه هم که هیچی..

صفیه بار نفس بلندی کشید و به روبرو خیره [شد]

[...] بی تاثیری، دامن ستاره‌نشان را روی آسمان پهن کرده بود و ماه که بی‌گمان ماه [...] بود، با آنها قدم به قدم [...] می‌آمد. [صفیه] از آخرین لحظه‌ای که چند کوچه مانده به خانه از اتومبیل فرخ پیاده میشد، با نگاهی طولانی و گویا به چشمان او خیره شد و کلام خداحافظی را با چنان لطفی به زبان آورد که بیشتر به کلام به امید دیدار می‌ماند..

●●●

[illegible]

[...] صفیه [...] عشق [...] بوسه‌های شیرین [...] دیگر هیچ کدام [...] نمی‌شدند. صفیه سراپا عشق و شور [...] بود و از سراسر رفتار و حالات مهندس فرخ نیز بوی دلباختگی و پرستش بر می‌خاست. حالا دیگر دیوار صفیه و دیگران، دیگرانی که در دنیای [...] و زندگی میکردند و هم‌طبقه او بودند، ضخیم‌تر شده بود و صفیه نه تنها از دخترهای هم‌کار خود، بلکه از مادر خود نیز میگریخت و به همه به چشم تحقیر و نفرت نگاه میکرد. و این نفرت بخصوص بیشتر از همه در رفتاری که با احسان داشت متجلی میشد. اگر چه احسان مهربان و پاکدل که ریشه عشقی راستین تمام وجودش را در خود گرفته بود. با صبری ایوب‌وار آنچه را که از معشوق میدید تحمل میکرد و هرگز نه در چشمها، نه در لبها و نه در پیشانیش حتی سایه‌ای [از] کدورت و یا گلایه عبور نمیکرد. او همیشه همان احسان عاشق بود و به صفیه به چشم خدای خود مینگریست و او را میپرستید و انتظار روزی را میکشید که محبتهایش در آن سنگ خارا اثری بگذارد و دری از لطف به رویش گشوده شود. اما ربابه خانم، مادر صفیه، به عکس احسان، آنهمه صبر و تحمل را نداشت. مخصوصاً که با هشیاری خاصی که داشت رفته‌رفته وجود تغییراتی را در دخترش احساس میکرد. یك بار یك شیشه عطر بزرگ گرانقیمت و بار دیگر یك بلوز سبزرنگ ابریشم طبیعی را در کف دستی صفیه دید و چون [از] او توضیح خواست، از لکنت زبان و به هم خوردن پلك‌هایش به شك و سوءظنی که رفته‌رفته بیش و بیشتر میشد، پی برد. و بعد از آنکه چند بار دیرتر از معمول و آشفته و ملتهب به خانه رسید، سرانجام نوبت به پرسش‌های مادرانه رسید و به دنبال آن صدای اعتراض پیرزن که با وحشتی مخلوط بود، در آن زیر زمین نمناك بلند شد تا چون نیشتری بر جان دختر جوان فرو برد. اگر چه صفیه رفته‌رفته در پرتو عشقی که جانش را میسوزاند و امید حاصل از آن عشق به گستاخی و وقاحت میرسید، مقام و حال و وضع خود را از یاد میبرد، رودرروی مادر می‌ایستاد و در جواب فریادهای او فریاد میکشید... و دعوا هنگامی بالا گرفت که یك شب که صفیه لااقل دوساعت از حد معمول دیرتر به خانه رسیده بود و بوی بوسه‌های فرح از چهره گردن و شانه‌هایش بر می‌خاست، به دنبال یك بحث شدید مسئله احسان و خواستگاری مجدد او [را] پیش کشید و گفت

بهت بگم دختر، اگه نخوای احسان رو اذیت [...]

بقیه درصفحه ۸۹

پادوی چاپخانه،

عنوان محبوبترین نویسنده آمر

زندگینامهٔ «مارک‌تواین»، نویسنده محبوب آمریکائی

در یکی از شبهای میانه سال ۱۸۳۵، در زمانی که ستاره دنباله دار هالی با ظهور خود در آسمان فلوریدا، همه چشم‌ها را متوجه خود کرد، و بعد ذهن‌ها را از اغتشاش و اضطراب پر کرده بود، در خانه‌ای از خانه‌های محقر شهر، پسری به دنیا آمد که سال‌ها بعد در شمار نوابغ دنیا قرار گرفت و در ردیف انسان‌های جاودانی درآمد. اگر چه پیرزن‌هایی که خبر تولد آن طفل را به هنگام پدیدایی ستاره هالی در آسمان شنیدند، لب به دندان گزیده و تولدش را به فال بد گرفتند، و چند تایی از آنان که خرافاتی‌تر بودند پا را از این نیز فراتر گذاشتند و برای خانواده فقیر «کلمنس» فاجعه شومی را پیش‌بینی کردند، اما بااین همه سال‌ها بعد از این ماجرا، بیوگرافی نویسی از زندگینامه آن پسر- که در زمان تولد «ساموئل» نام گرفت و بعدها بانام مستعار «مارک‌تواین» در جهان ادب شهرتی بی‌نظیر یافت- این چنین نوشت: «خلاف تصور کلیه کسانی‌که به‌خاطر تقارن زمان تولد «ساموئل لانگ هورن‌کلمنس» (مارک‌تواین) او را شوم و بدیمن خواندند، این تقارن را برای او موهبتی عظیم می‌دانم و براین اعتقادم که ستاره «هالی» با پدید ایی خود درآن شب از تولد انسان نابغه‌ای خبر می‌داد. و ولادت او را شادباش می‌گفته است» و خود مارک‌تواین نیز بعدها همه‌جا می‌گفت ظهور ستاره دنباله- دار درشب تولد من، علامتی بوده است و ایمان دارم هنگامی که بار دیگر این ستاره در اسمان زادگاه من ظاهر شود، از این دنیا خواهم رفت، «ساموئل لانگهورن کلمنس» از چهار سالگی در شهر کوچك ساحلی پاینبال واقع در کناره رود «می.سی.سی.پی» زندگی می‌کرد و روحیه شوخ و شاداب خود را یکجا از هوای پاك ساحلی و در جای دیگر از پدر خوش مشرب خود که یك ویرجینیانی بی‌خیال و ولخرج بود، به ارث برد. و هنگامی‌که این مرد که باز هم «کلمنس» نام داشت بازندگی وداع گفت، پسر سومش ساموئل که دوازده سال داشت و تاان زمان کودکی دلپذیر و پرماجرایی را بررود و ساحل می‌سی‌سی‌پی گذرانده بود، به‌ناچار ترك تحصیل کرد. چرا که از پدر ارثیه‌ای باقی نمانده بود و از آن به بعد هرکدام از افراد خانواده اجبار داشتند روی پای خود بایستند و خرج معاش خود را تامین کنند. و بااین حادثه بود که پسر ماجراجوی می‌سی‌سی‌پی از دامان طبیعت به‌کار چاپ روی آورد و با عنوان شاگردی چاپخانه دوره جدیدی از زندگیش را اغاز کرد. او در این زمان همانند فرانکلین، از کار در چاپخانه نه‌تنها کسب معاش می‌کرد، بلکه به‌علت علاقه به مطالعه و عشق به زبان دوران تجربی جالبی را گذراند و به اولین کلاس نویسندگی پای گذاشت. اگر چه دراین‌جا می‌توانیم باسیری در کتاب معروف «هاکل‌بری‌فین» که از شاهکارهای مسلم «مارك‌تواین» و در واقع زندگی نامه خود اوست، به بی‌میلی او بتحصیل اشاره‌ای بکنیم و به این حقیقت برسیم که مارك‌تواین نیز مانند بسیاری از عاشقان ادبیات، به آموزش تحصیل قالبی علاقه چندانی نداشت.

«.....حالا دیگر تقریباً وسط‌های زمستان بود. تمام این مدت را مدرسه رفته و کمی خواندن و نوشتن و جدول‌ضرب را تا شش‌هفتا، سی‌وپنج‌تا را یاد گرفته بودم. اما خیال نمی‌کنم اگر عمر نوح را بکنم از این بیشتر یاد بگیرم. در ریاضی که هیچی اصلا تو کله‌ام نمی‌رفت. اول‌ها که پاك از مدرسه بیزار بودم، اما کم‌کم عادت می‌کردم و می‌توانستم تاب بیاورم. هروقت بیشتر از همیشه خسته می‌شدم، تیله بازی می‌کردم و کتکی که روز بعد می‌خوردم، حالم را جامی‌آورد. این بود که هرچه بیشتر مدرسه میرفتم کارم آسان‌تر می‌شد.

مخصوصاً که توخانه زندگی کردن، و تو رختخواب خوابیدن هم عرصه را به من تنگ می‌کرد. برای این بود که وقتی هنوز خیلی سرد نشده بود می‌زدم به در و می‌رفتم تو جنگل می‌خوابیدم و از اونجام یك سر، خودم‌رو به مدرسه می‌رسوندم.....»

شاید به‌خاطر همین روحیه ماجراجویی ذاتی بود که چند سالی بیشتر در مقام شاگردی چاپخانه باقی نماند. از کار ثابت خود دست کشید و کار چاپخانه بطور سیار را درپیش گرفت و از آن‌پس هرچند زمانی را در شهری گذراند. او به ترتیب در سنت‌لوئیس، نیویورك، فیلادلفیا، کئوکرك، لوا، و سین‌سیناتی، تجربیات کار چاپ را آزمود، و با انکه زندگی سخت و فقرآلودی را می‌گذراند، هیچ زمانی روحیه شاد و زبان طنز گونی خود را از دست نمی‌داد و در همه جا به زندگی به چشم نمایشنامه خنده‌آوری می‌نگریست و به‌این خاطر هرگز لبانش از خنده و زبانش از شوخی خالی نمیشد. «مارك‌تواین» در این زمان اوقات فراغت خود را به تجربه اندوزی می‌گذراند و با قهرمان‌های داستان‌های خود پیوند دوستی می‌بست. معلوم نیست کدام حادثه، عشق به کار چاپ را در او نابود کرد و او را یك بار دیگر به کناره رودخانه می‌سی‌سی‌پی بازگرداند تا در شغل قایقرانی زندگی تازه‌ای را از سر بگیرد. به‌هرحال از آنچه در زندگی نامه‌های مختلف او ثبت شده است، این چنین برمی‌آید که چهار سال تمام از زندگیش را در قایق‌های پستی گذراند و با جواز رسمی کار پستچی‌گری را در شهرهای اطراف رود می‌سی‌سی‌پی طی کرد تا زمان جنگ‌های داخلی امریکا فرا رسید، و ساموئل جوان که از آغاز ماجراجو به‌دنیا آمده‌بود، همراه

سایر جوان‌هایی که نقش همبازی‌های او را در آن سالها عهده‌دار بودند به جنگ رفت. ساحل زیبای می‌سی‌سی پی نیز دیگر از صدای جنگ پر شده بود و از پرنده‌های شاد و آوازخوان دیگر نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد. در خلال جنگ ساموئل با برادرش «اوریون» که از مدافعان لینکلن بود و در دستگاه او مقام و منزلتی داشت، به لینکلن نزدیك شد، و دو برادر در حوادث مختلفی که روی داد. سرانجام از کارسون‌سیتی سر در آوردند و در دفتر لینکلن به کار پرداختند، اگر چه کار منشی‌گری با طبع متغیر ساموئل جوان کوچکترین مناسبتی نمی‌داشت. از همین روی در همان مکان، نوشتن اولین مقالات خود را شروع کرد و اولین مقاله خود را نیز با نام مستعار «مارك تواین» که به معنای «صدای دو واحد عمق پیمائی.» و یا به زبان ملوانانی «دوکله» است انتشار داد. و این زمان، در واقع اغاز زندگی حقیقی او بود. به اسانی ماری که پوست عوض کند، ناگهان از قالب پادویی چاپخانه و پستچی‌گری در آمد و در قالب یك روزنامه‌نگار فرو رفت و در واقع با اولین سری مقالاتی که نوشت، از ظهور نویسنده تازه‌ای خبر داد و با تشویق و تقدیر فراوان به کالیفرنیا خوانده شد و در سانفرانسیسکو به کار مقاله‌نویسی خود ادامه داد و در کار خود به چنان تبحری رسید که از طرف «برت‌بارت» نویسنده معروف روز، عنوان مقاله‌نویس یگانه را گرفت. اما شهرت واقعی او از نوشتن داستان‌های محلی کالیفرنیا و چاپ آن در «نیویورك ساتردی پرس» آغاز شد و به دنبال آن با انتشار داستان کوتاه معروف «وقتی قورباغه دشت کالاورس پریدن خود را جشن گرفت» نضج گرفت و به عنوان نویسنده‌ای که سبکی تازه را آورده است، در همه جا معرفی شد و در این زمان بود که قلب جوان او برای نخستین بار از عشقی حقیقی به هیجان در آمد و سرنوشت به صورت دختر ماهرویی به نام «اولیو یالانگدون» که خواهر یکی از دوستان او بود، بر سر راهش ظاهر شد و به این ترتیب یکی از شورانگیزترین داستان‌های عاشقانه دنیا آغاز شد. نامه‌هایی که از این ماجری باقی مانده است و خود کتاب دلپذیری است تا اندازه زیادی از این عشق که سرانجام به ازدواج انجامید و یکی از موفق‌ترین ازدواج‌های دنیا نیز بود، پرده برمیدارد. در جایی «اولیویا» که با نام خودمانی «لیوی» نامیده می‌شد، خطاب به نویسنده بزرگ می‌نویسد: «فقط خدا می‌داند تو چه قدر شیرین و عزیز هستی، چون زبان دوستداشتنی‌ای داری و چه طبع بی‌نظیری . و در وجودت تا چه اندازه بی‌مرگی و جاودانگی وجود دارد.» و مارك تواین نیز در نامه‌ای خطاب به او می‌گوید: «لیوی محبوبم، کاش می‌توانستم برایت بنویسم دوری از تو برایم چه مفهومی دارد. من دیوانه باز دیدن تو هستم. و از این که نمی‌توانم تا چهل‌وهشت ساعت دیگر ترا ببینم، گریه‌ام می‌گیرد. لیوی دوستت دارم... دوستت دارم. دوستت دارم......» و این عشق که این همه شورانگیز و زیبا بود، سرانجام نویسنده کتاب معروف «تام سایر» را به محراب کلیسا و محیط خانواده کشاند و ریسمان ازدواج را بر دست و پای آزادی‌طلب و فرو بست، اگر چه انچنان که باز گفتم، این ازدواج از شیرین‌ترین و صمیمانه‌ترین پیوندهای دنیا بود.

در این باره بزرگ‌ترین دختر «مارك تواین» که «سوزی کلمنس» نام داشت و از

کارگران خودساخته

یکارا گرفت

سیزده سالگی به خیال نوشتن زندگینامه پدرش بود و سرانجام نیز خواسته خود را عملی کرد، چنین می‌نویسد:«پاپا، وقتی با ماما نامزد شد، برای او نامه‌های عاشقانه زیادی نوشت. این را من از زبان خیلی ها شنیده بودم و وقتی به خیال شروع این کتاب افتادم تصمیم گرفتم آن نامه‌ها را به دست بیاورم، ولی ماما می‌گفت من هنوز جوان‌تر از آن هستم که بتواند اجازه دیدن آن نامه‌ها را بمن بدهد. آن‌وقت که من حتم داشتم بدون خواندن آن نامه‌ها هیچ وقت نمی‌توانم زندگی نامه پاپا را بنویسم به‌خود پاپا روی آوردم از او چاره‌جوئی کردم. پاپا گفت بهتره عقیده ماما را راجع به‌آن نامه‌ها بنویسم و این در واقع با اصل نامه‌ها نمی‌تواند فرق زیادی داشته باشد. پس همان کاری را که پاپا گفته بود کردم و ماما گفت به‌عقیده من نامه‌هایی که پاپا برایم نوشته است، زیباترین نامه‌های عاشقانه دنیاست. اما افسوس که آن نامه‌ها دریك صندوق مقدس سربسته محبوس بود و کسی اجازه نزدیك شدن به آن‌ها را به‌من نمی‌داد.»

عمر ازدواج مارك‌تواین و لیوی به نزدیك سی‌قرن رسید و عجیب آن که لیوی تا روزهای آخر عمر نیز به‌همان چشم روز نخستین به‌شوهرخود می‌نگریست و دراین‌باره گفت:«شوهرم همانطور مرا دوست می‌دارد که می‌تواند دوست بدارد. اما من با همه روح و اندیشه و با تمام طبیعت هوسناك زنانه‌ام او را دوست می‌دارم. و یقین دارم با این عشق با زندگی وداع خواهم گفت.»

وحقیقت نیز چنین بود و سرانجام پس از نیم‌قرن، دویار وفادار از هم‌جدا شدند و دیوار مرگ بین آنان کشیده شد. به‌دستور مارك‌تواین برسنگ گور لیوی نوشته شد: «جایی که او خفته است، جز بهشت نیست.»

وگویا تقدیر براین بود که پس از مرگ لیوی بخت نیز از نویسنده محبوب برگردد، چرا که بلافاصله دودخترش را نیز از دست داد و بی‌پولی شدیدی نیز دست به‌گریبان شد، اما با این همه تا هفتاد و پنج سالگی همچنان به‌زندگی ادامه داد و سرانجام نیز آن‌چنان که خود بارها به این و آن گفته بود، تنها زمانی از قید زندگی آزاد شد وبه همسر دلبندش «لیوی» پیوست، که ستاره دنباله‌دار «هالی» یك‌بار دیگر بر آسمان ظاهر شده بود!

جهان پهلوان، به میدان

به روایت: ن. و. مغانی

پشنگ، شاه توران، چون از مرگ گرشاسب آگاه شد و شنید که مرگ زودرس به گرشاسب امان نداده تا جانشینی برای خود بگزیند و از بازماندگان فریدون شاه نیز کسی در دسترس بزرگان ایران نیست که بر تخت شاهی‌اش بنشانند، به صرافت افتاد که از فرصت مغتنم برای تسخیر ایران زمین و رسیدن به آرزوی دیرینه‌اش استفاده کند و با آنکه هنوز با پسرش افراسیاب بخاطر قتل ناجوانمردانه‌ی اغریرث به قهر بود و حتی به پیام‌های او نیز پاسخ نمیداد، چون برای اجرای نقشه‌اش سپهداری شایسته‌تر از افراسیاب سراغ نداشت، بی درنگ پیکی باد پای نزد افراسیاب فرستاد و به او پیغام داد: فرصت مناسبی بدست آمده که شایستگی خود را نشان دهی، تا من بتوانم خون برادرت اغریرث را به تو ببخشایم. گرشاسب، شاه ایران، در گذشته و اینك تخت شاهی ایران بی سرپرست مانده است. کشور بی شاه چون تن بی سر میماند که کاری از او بر نمی‌آید، اگر چه بازوانی مستمر و نیرومند داشته باشد. تو بی درنگ سپاه از جیحون بگذران و تا استخر پارس بتاز و ایران زمین را تسخیر کن پیش از آنکه ایرانیان فرصت کنند شاهی بر گزینند. اگر این فرصت را از دست بدهیم دیگر آرزوی تسلط بر ایران را باید با خود بگور ببریم. بشتاب و نشان بده که سپهدار شایسته‌ای برای توران زمین هستی.

افراسیاب که از کشتن برادرش پشیمان بود و قهر پدر برایش سنگینی میکرد و پیوسته راه آشتی میجست، وقتی پیام پشنگ را در یافت سخت خوشحال شد، هم از این لحاظ که فرصتی برای تاخت و تاز فراهم آمده بود و هم اینکه پدر از سر مهر گذشته و با این پیغام در حقیقت او را بخشیده بود..... و بی درنگ سپاهیانش را که بخاطر صلح و آشتی میان ایران و توران عاطل و باطل مانده بود گرد آورد و فرمان داد تا گرد و غبار از سلاح‌ها بزدایند و یکبار دیگر بخت خود را در جنگ با ایرانیان بیازمایند.

همچنین دستور داد در کوچه و بازار، با کوس و کرنای، جوانان توران را برای پیوستن به سپاه تشویق کنند و با وعده‌ی پیروزی و خلعت و انعام آنها را به سپاهیگری باز خوانند. بزودی سپاه بزرگی فراهم آمد و در یك سحرگاه ابرآلود، افراسیاب با سپاه عظیمش از رود جیحون که مرز ایران و توران بود گذشت و وارد خاك ایران زمین شد.

بزرگان ایران که عهد شکنی تورانیان برایشان غیر منتظره نبود، با نگرانی خبرهای توران را میشنیدند و نمی دانستند چه کار کنند. در این موقع امید ایرانیان تنها به زال بود که اینك در زابلستان مشغول پرورش فرزند پهلوانش رستم بود.

بزرگان ایران چون آگاه شدند که افراسیاب ازرود جیحون گذشته است، بی درنگ، گروهی راهی زابلستان شدند تا از زال برای مقابله با دشمن دیرینه کمك بگیرند.

زال به گرمی بزرگان ایران را پذیرا شد و آنها شروع به گله‌گذاری کردند که تو در اندیشه‌ی ایران زمین نیستی و بر خلاف آیین پهلوانی، گوشه‌ی راحت گزیده‌ای و خبر نداری که هم اکنون دشمن دارد در سرزمین جمشید و فریدون ترکتازی میکند.

بزرگان گفتند:

– تا روزی که سام زنده بود، تورانیان جرئت نداشتند به مرزهای ایران نزدیك شوند، در حالیکه بعد از مرگ او، که تو مقام جهان پهلوانی یافته‌ای این دومین بار است که افراسیاب از جیحون میگذرد و آبادیهای سرزمین ما را ویران میکند و دست بخون فرزندان ایران می‌آلاید.

زال که از یاد پدر به اندوه فرو شده بود، گفت:

–شاید حق با شما باشد. البته من در خدمت به ایران و شاهنشاهی ایران زمین کوتاهی نکرده‌ام و پشت بسیاری از دشمنان ایران را بخاك سائیده‌ام، اما اکنون گذشت روزگار قدم را خمیده است و باید قبول کنم که یارای هماوری با افراسیاب جوان را ندارم، منتها من و همه‌ی ما یك امید بزرگ داریم، آنهم پسرم رستم است که اینك برو بالای سام نریمان را پیدا کرده است و با همه کودکی، کسی را یارای هماوردی با او نیست. فکر میکنم زمان آن فرا رسیده است که این پهلوان نوخاسته را راهی میدان کنم که رسم پهلوانی را بار دیگر در سرزمین‌مان زنده کند. من باید پیش از هر کار اسبی برای او برگزینم، چون نیم قدرت و توان پهلوان به اسب و باره‌ی اوست.

بزرگان ایران که قد و قامت پهلوانی رستم را دیده و وصف زور بازوی او را شنیده بودند با خوشحالی گفتند:

–حق با تست زال..... باید گرز پهلوانی را بدست رستم سپرد تا پاسداری شاهنشاهی ایران را به عهده بگیرد.

زال گفت:

– بسیار خوب، شما به امر گرداوری سپاه بپردازید تا من با رستم گفت و گو کنم و از اندیشه و آرزوی او نیز آگاه شوم.....

یکی از بزرگان گفت:

–یك امر مهم دیگر نیز هست و آن انتخاب شاهی برای ایران است که کشور به شاه زنده است..... آیا از نسل فریدون شاه کسی را سراغ داری که شایسته‌ی تکیه زدن بر تخت شاهنشاهی ایران زمین باشد؟

– بله، یکی از نوادگان جوان و بسیار شایسته‌ی فریدون بنام کیقباد اینك در سرزمین کوچکی از دامنه‌ی البرزکوه مشغول سلطنت است. باید برویم و او را به استخر بیاوریم و بتخت بنشانیم.... شما سپاه را آماده کنید... ما همه‌ی کارها را همزمان انجام خواهیم داد، نگران نباشید.

زال بزرگان ایران را مرخص کرد وآنگاه کسی را بدنبال فرزندش رستم فرستاد تا بی درنگ بدیدار او بشتابد

● ● ●

رستم وقتی وارد شد، پدر را بی اندازه غمگین و پریشان یافت و پرسید:

–چی شده‌پدر؟ شما را در تشویش میبینم.

زال لبخندی زد و او را کنار خود نشاند و گفت:

–بنشین پسرم، میخواهم با تو صحبت کنم.

– من سراپا گوشم پدر.

زال لحظه‌ای در سکوت فرزند برومندش را برانداز کرد و سپس شروع به تشریح وضع مملکت کرد و گفت:

– میدانی که بعد از مرگ منوچهرشاه، ایران زمین شاهنشاه توانا و با قدرتی نداشته و بهمین دلیل تورانیها گاه و بیگاه سرزمین ما را مورد تاخت و تاز قرار میدادن، تا آنکه زو طهماسب با پشنگ پیمان صلح بست و این صلح در عهد گرشاسب نیز ادامه یافت. اینك که گرشاسب مرده و تخت و تاج ایران بی سرور مانده، پشنگ خیال کرده میتواند آرزوی دیرینه‌اش را که تسخیر ایران زمین است جامه‌ی عمل بپوشاند و پسرش افراسیاب را با سپاهی گران به ایران فرستاده است. این سپاه از رود جیحون گذشته و اینك مشغول ترکتازی در سرزمین ایران است.....

رستم حرکتی خشم آگین بخود داد و گفت:

– و ما اینجا آسوده نشسته‌ایم و حرف میزنیم. پدر، بمن اجازه بده تا به نبرد این ناجوانمرد پیمان‌شکن بروم و آرزوی پیروزی بر ایران را برای همیشه در دلش مدفون کنم.

زال گفت:

– قصد من از احضار تو هم همین بود که جای مرا که دیگر پیر شده‌ام بگیری و بعنوان جهان‌پهلوان سپهداری ایران زمین را عهده‌دار شوی.... میدانم که تو برای چنین مقامی و برای چنان نبردهایی که در پیش است خیلی جوانی، تو هنوز هنگام تفریح کردن و گشت و گذارت است نه گاه نبرد و شمشیرزدن.... اما چه کنم که ایران زمین به پهلوانی چون تو نیاز دارد.

– اما پدر، تو خود میدانی که بهترین تفریح من کشتی گرفتن با پهلوانان و نبرد آزمایی است مدتهاست در انتظار آنم که پا به میدان نبردهای واقعی با دشمنان ایران بگذارم...

– اما هنوز خیلی جوانی و تجربه‌ی کافی برای نبرد با پهلوانان نداری....

رستم با رنجش گفت:

– پدر، مرا خیلی دستکم میگیری. مگر نبرد مرا با پیل سپید از خاطر برده‌ای و یا مبارزه‌ی مرا برای تسخیر دژسپند بیاد نداری؟

– چرا پسرم، هر دو را بیاد دارم اما افراسیاب پهلوان نیرومندی است که مرا به وحشت می‌اندازد. تو برای هماوردی با او خیلی جوان هستی.... جنگ با تورانیان و بخصوص افراسیاب غیر از مبارزه باکوتوال دژ سپند است....

– اما خواهی دید که تورانیان و افراسیاب را نیز به زانو در خواهم آورد... بمن اعتماد کن پدر. تو فقط گرزی گران در اختیارم بگذار و اسبی که بتواند این پیکر و یال و کوپال مرا در میدان نبرد حمل کند، خواهی دید که بیاری اهورای بزرگ همه‌ی دشمنان ایران و شاهنشاه ایران را نابود خواهم کرد.

– آرزوی منهم همین است پسرم... هم اکنون دستور میدهم گرزسام را که یادگار پدران پهلوان ماست، برای تو بیاورند...

زال آنگاه دستور داد گرز گاوسر را که از گرشاسب و نریمان به سام و از او به زال رسیده بود آوردند و بدست رستم دادند.

رستم جوان این گرز سنگین را براحتی بلند کرد و چند بار دور سر چرخاند و لبخند زنان گفت:

– پدر، این درست همان چیزی است که من میخواستم.... اکنون به یك اسب نیاز دارم.

– گفته‌ام هرچه گله‌ی اسب در زابلستان و کابلستان وجود دارد، به این سو حرکت دهند..فردا همه‌ی آنها میرسند و تو میتوانی همه را ببینی وامتحان کنی و آنرا که میخواهی برگزینی...

– متشکرم پدر..... بگویید سپاه آماده باشد. بمحض اینکه اسبم را برگزیدم حرکت خواهیم کرد.

– برایت آرزوی پیروزی دارم پسرم..

● ● ●

فردا، روز انتخاب بزرگ بود. جهان پهلوان اسب خود را برمی‌گزید، اسبی که باید افتخار همه‌ی قرون را بر پشت خود حمل کند.

رستم در میدان بزرگی ایستاده بود و گله‌های اسب را از مقابلش می گذراندند تا پهلوان جوان اسبی را که لازم داشت بگزیند.

رستم با نگاهی دقیق و تیزبین یك‌یك اسبها را نگاه میکرد و هر اسبی را که بنظرش جالب می آمد میگرفت و دستش را بر پشت آن میگذاشت و فشار میداد، اما هیچ اسبی تاب تحمل این فشار را نداشت و در زیر دست پهلوان کمرش خم میشد و شکمش بزمین می‌سایید رستم کم‌کم داشت از پیداکردن اسب مورد نظرش نومید میشد که ناگهان مادیانی از آنسوی میدان تاخت‌کنان گذشت، در حالیکه کره‌ی پرنقش و نگار درشت هیکلش نیز به دنبالش میدوید. این کره رنگارنگ زیبا نظر رستم را بخود گرفت و کمندش را تاب داد تا این کره را بگیرد، اما چوپان گله‌ها گفت:

– ای جوانمرد، اسب‌کسان را بکمند نگیر!

رستم نگاهی به حیرت به چوپان انداخت و پرسید:

– مگر این کره اسب تعلق به کسی دارد؟

چوپان خندید و گفت:

– اتفاقا نه! و همه چشمها هم بدنبال اوست. اما تا امروز کسی نتوانسته است این کره را بگیرد، چون هر کس به آن نزدیك شود، مادرش با چنگ و دندان و لگد او را لت و پار میکند. سه سال است این مادیان و کره‌اش میان گله‌ها میگردند

که همه‌ی ما از انها بحیرت هستیم... ما اسم این کره را رخش گذاشته‌ایم.

– این را به من واگذار.

و کمندش را تاب داد و انداخت که به گردن کره افتاد و او را در بند کرد. رستم کره را به سوی خود کشید و همانطور که چوپان گفته بود مادرش غرش کنان به رستم حمله کرد.

رستم چنان غرید که مادیان در برابرش از حرکت باز ماند و انگاه رستم مشتی بر گردن مادیان زد که لرزید و بزمین افتاد و چون بلند شد، دوان دوان از رستم و کره اسب دور شد و بسوی کوه‌ها رفت.

رستم آنگاه کره را نوازش کرد و بر پ

جست که کره اسب نیرومند براحتی هیکل سنگین رستم را تحمل کرد و چون اسبی راهوار شروع به حرکت کرد.

رستم گردشی دور میدان زد و انگاه به سوی چوپان رفت و پرسید:

– این کره را بها چند است؟

چوپان لبخند زنان گفت:

– حالا که رخش زیبا شما را برگزیده، پس متعلق بشماست پهلوان. بهای ان تمام سرزمین ایران است که باید بروی و از چنگ دشمن برهانی. پیروز باشی پهلوان.

رستم شادان و خرامان نزد پدر آمد و زال که از دور ناظر جریان بود، با تحسین و حیرت اسب عجیب رستم را از هر سو نگاه کرد و گفت:

– پهلوانی چون ترا اسبی چنین بایسته بود من یقین دارم که پروردگار بزرگ این اسب زیبا و بی‌نظیر را فقط برای تو آفریده است.

رستم گفت:

– خوب پدر، من آماده‌ام، کی حرکت میکنیم؟

– سپاه هم اماده است رستم. سحرگاه فردا راهی خواهیم شد.

به افراسیاب خبر رسید که زال و قارن با سپاهی بزرگ از زابلستان حرکت کرده‌اند. افراسیاب سپاهش را به کنار رود ری اورد و در انجا خیمه و خرگاه برافراشت واردو زد.

زال نیز بدان سو حرکت کرد و در دو فرسنگی اردوی افراسیاب اردو زد و انگاه بزرگان ایران را گرد اورد و گفت:

– پیش از انکه با دشمن به نبرد برخیزیم، باید شاهی برای سرزمینمان برگزینیم. شاهی از نسل کیان، از نسل فریدون شاه .... موبد موبدان بمن گفته است که جوانی از تخمه‌ی کیان در دامنه‌ی البرز کوه، در سرزمین پر آب و رود زندگی میکند که نام گرامیش کیقباد است. باید بسراغ او برویم و اورا به اینجا بیاوریم.

قارن گفت:

– این ماموریت پر خطر را چه کسی باید بعهده بگیرد؟ میدانید که تورانیها این اطراف را پر کرده‌اند و برای رسیدن به البرز کوه باید از میان انها گذشت.

زال گفت:

– این وظیفه را پسرم رستم بعهده خواهد گرفت.

رستم قدم جلو گذاشت و گفت:

– با کمال میل پدر .... من هم اکنون راهی میشوم.

– بله پسرم، برو، کیقباد را پیدا کن و به او بگو که بزرگان ایران زمین او را به شاهی برگزیده‌اند و اگر دعوت ما را پذیرا میشود، باید بی‌درنگ بیاید و بر تخت کیان بنشیند که کارهای بزرگی در پیش داریم. تو باید با شتاب تمام بروی و بمحض اینکه به کیقباد رسیدی، پیام ما را برسانی و همراه او برگردی.... میخواهم پیش از آنکه نبرد آغاز شود، شما اینجا باشید.

رستم با اطمینان گفت:

– این نبرد مال من است و تا من برنگشته‌ام آغاز نمیشود.... و من خیلی زود برمیگردم.

رستم بر پشت رخش جست و به سوی البرز کوه براه افتاد. در سر راه او تورانیان زیادی بودند که رستم بهر کدام که میرسید با یك ضربه‌ی گرز از اسب سرنگونش میکرد و یا یکی را از روی اسب به سر پنجه بلند میکرد و بر سر دیگری میکوفت و راهش را از دشمن پاك میکرد و پیش میرفت.

تورانیانی که از چنگ رستم در رفته بودند. به سرا پرده‌ی افراسیاب رفتند و به او خبر بردند که پهلوان عجیبی سوار بر اسبی غریب از اردوی ایران بیرون آمده و به سوی شمال میرود و هر کس را که سر راهش میبیند با یك ضربه‌ی گرز سنگین خرد و خمیر میکند و یا با یك حرکت دست از روی اسب بلند میکند و بزمین میکوبد.....

افراسیاب یکی از سرداران خود بنام «قلون» را مامور کرد که با گروهی از سپاهیان برود و راه بر این پهلوان ناشناس ببندد. اما «قلون» وقتی

رسید که رستم تاخت کنان از آن نواحی دور شده بود.

رستم بتاخت میرفت و در هیچ جا توقف نمیکرد تا هر چه زودتر بمقصد برسد.

در یك فرسنگی البرز کوه بود که چشمش به اردویی که در سرزمین پر از سبزه و آب بر پا شده بود افتاد. هم خودش و هم اسبش سخت خسته بودند. با خود گفت:

– به این اردو میروم تا هم من و رخش استراحتی بکنیم و هم شاید بتوانیم از انها نشان کیقباد را بجوییم. موافقی رخش؟

رخش شیهه‌ای کشید و رستم با خوشحالی گفت

– آفرین پسر. تو بعد از این بهترین همسفر و رفیق راه من خواهی بود. برویم.

و به سوی اردو رفت. چون به نزدیکی اردوگاه رسید، جوان بلند بالا و خوش سیمایی به پیشبازش آمد و گفت:

– درود بر تو جوان. به اردوگاه ما خوش امدی..... میخواهی پیاده شوی و گلویی ترکنی؟ هم خودت و هم اسب قشنگت خسته بنظر میرسید.

رستم گفت:

– من وقتی میتوانم از اسب پیاده شوم که نشانی از کیقباد بیابم. آیا شما نامی از او شنیده‌اید؟

جوان خندید و پرسید:

– با کیقباد چه کاری داری؟

– من حامل پیام مهمی از بزرگان ایران‌زمین برای کیقباد هستم....

جوان گفت:

– اگر پیاده شوی و جامی با من بزنی، قول میدهم که نشان کامل کیقباد را بتو بدهم.

رستم بی‌تردید از اسب پیاده شد و جوان دو نفر را صدا کرد تا اسب رستم را تیمار کنند و خود دست رستم را به دست گرفت و گفت:

– بمن افتخار بده و به سرا پرده‌ام بیا تا لختی بیاسایی و جامی شراب بنوشی و آنگاه در باره‌ی کیقباد سخن خواهیم گفت.

رستم همراه او داخل سرا پرده شد و انجا را چون بارگاه شاهان ایران مجلل و با شکوه یافت که بزرگان و پهلوانان دست بسینه در دو سمت صف کشیده بودند و تختی شاهانه در بالای بارگاه بود که جوان بسوی آن رفت و رستم را با خود برد و در کنار خود روی تخت نشاند و جامی بدستش داد و چون هر دو نوشیدند، پرسید:

– میتوانم بپرسم چه پیامی برای کیقباد داری؟

– بزرگان ایران کیقباد را به شاهی ایران زمین برگزیده‌اند و من مامورم که او را به سوی تاج و تخت نیاکانیش رهنمون شوم.

جوان با خوشحالی خندید و گفت:

– کیقباد خود منم! هستم و میتوانم پدرانم را یکی یکی تا فریدون برایت بشمارم.

رستم از کنار او برخاست و در برابرش تعظیم

بقیه در صفحه ۷۷

جدول کلمات متقاطع

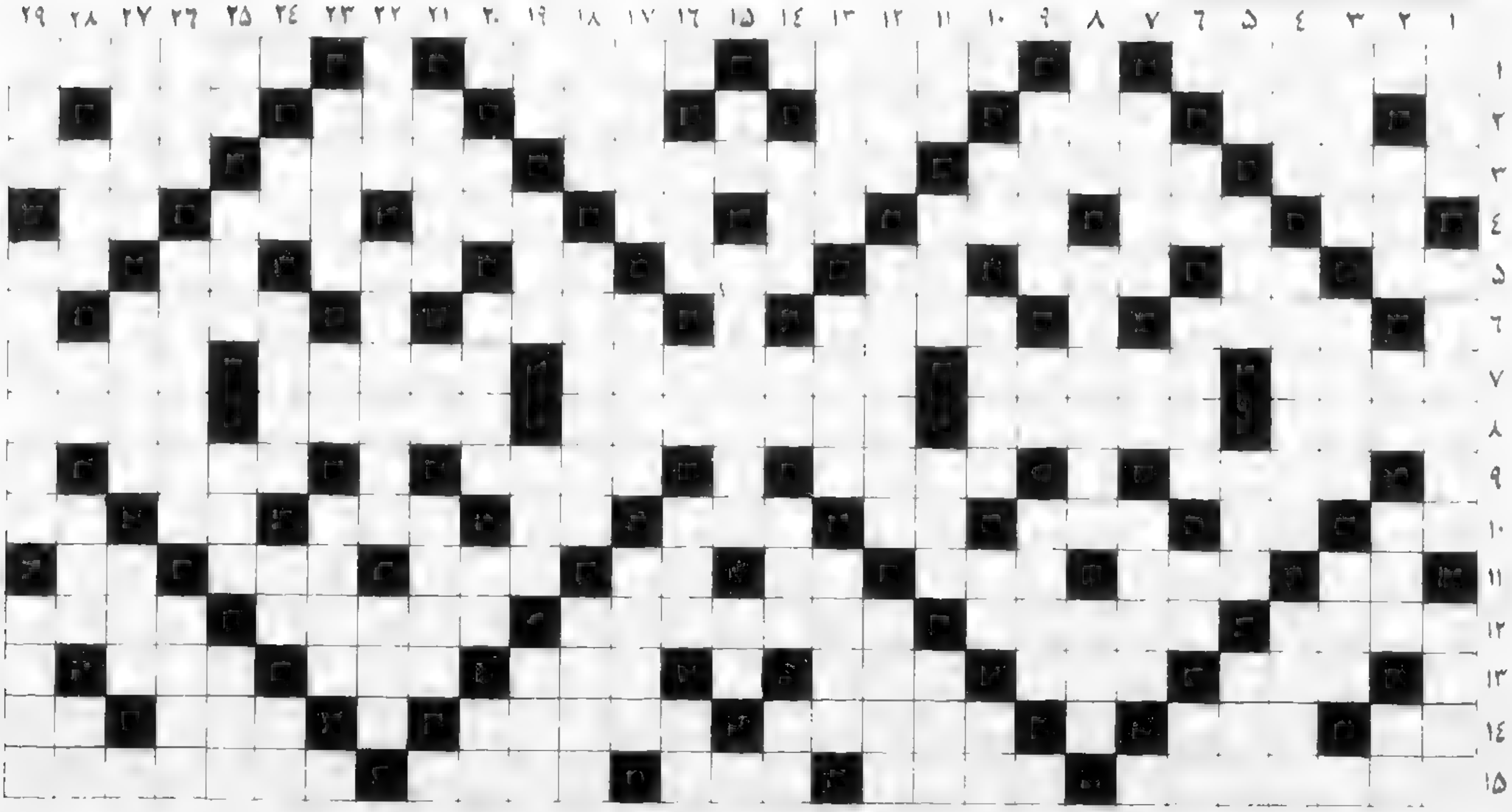

۱ حسم نصف جهان تحریت‌کسد
۲ اکر سد مهب نمدهد نفس اسب و
دردست راسده برکسب ری صمر جمع

۳ بیابان- سرخش سرسبز میدهد برباد
الفبای تلگراف ٤- لوازم ارایش خزنده یکی
از شاهکارها کوچکتر ۵ سه ده‌تا- فرمان
بحث معلم مکتب‌خانه ٦ بچه‌دزد معروف
یونانی نوک کوتاه رودی نزدیك تهران
۷ حسود شامه‌نواز پیوسته ۸ مورد نیاز
باغبان نان ساندویچ میسازند- دستگاه با
نمك موسیقی ایرانی ۹ نازلف الفتی دارد
حرف اخر همه ۱۰ میدهند تا رسوا کنند
تکیه‌گاه واحد پول سرزمین افتاب تابان
خانمها بیشتر پیرو انند ۱۱ دنبال‌رو سورن
تفسیرمطلب- فرص افت ۱۲ روان
نارکنان دیوار ۱۳ جداصل کنرگاه نعل و
انتقال اجسام سنگین را اسانتر میکند ۱٤
ندران حرف ادبها امر به نیامدن میکند
رمیه ۱۵ دل داشته باشد ترسو میشود
هراسان رطوبت ۱٦ در روز بیشتر هست
ارانسان چیری کم دارد بستر اب روان
عدای رفیق ۱۷ ازپادشاهان معدر ایران
دردها و رنجها پراکنده ۱۸ مورد نیاز نجار
حرمت داشتن ازخوانندگان جوان که ترانه

نیاز» راهم خوانده ۱۹ دستاری- از
حیوانات معمولا بچه‌های یکی‌یکدانه اینطور
بار می‌ایند- همنشین گل ۲۰ شراب گیاه
شیرین- تکیه کلام خانمها نتی از موسیقی
۲۱ ستایش‌کننده نیمی از یك بازیچه
راغب ۲۲ ازاسمان نازل میشود کشوری
درشمال امریکای شمالی همیشه ۲۳ امری
که بجااوردنش گناه است ضمیر مفرد گل
قسمتی از گوش ۲٤ اگر درخانه هست
یکحرف بس است جنس برگشت نر
پراکندگی ۲۵ سعی و کوشش ترس
مطیع- زن اول ۲٦ کباب درختی اشنا
ناکار دوراس الاغ ۲۷ ازبیماریهای سگ
سخن‌چین مال جم ازهمه معروف‌تر بود
۲۸ دستی اشاره به‌دور میوه‌ایکه انواع
مختلف دارد تصدیق روسی ۲۹قمبر و غنی
همه دارند. خون امیحته با ب گرو گذارده
شده

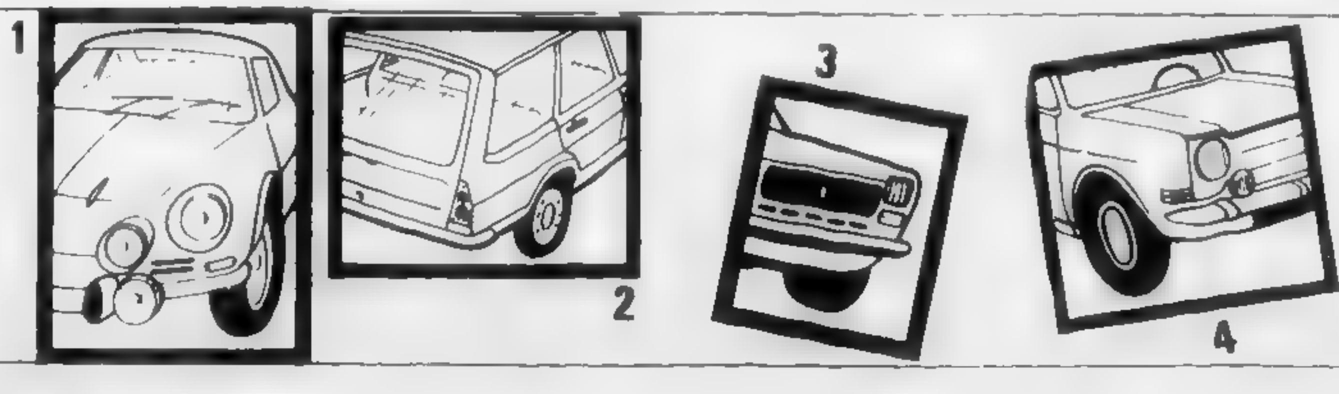

1 2 3 4

اتومبیل‌شناسی

نقاش، ازچهار اتومبیل مختلف طرحی کشیده است که ما ازشما خواننده عزیز میخواهیم مارك این چهار اتومبیل را به«دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید و جایزه بگیرید.

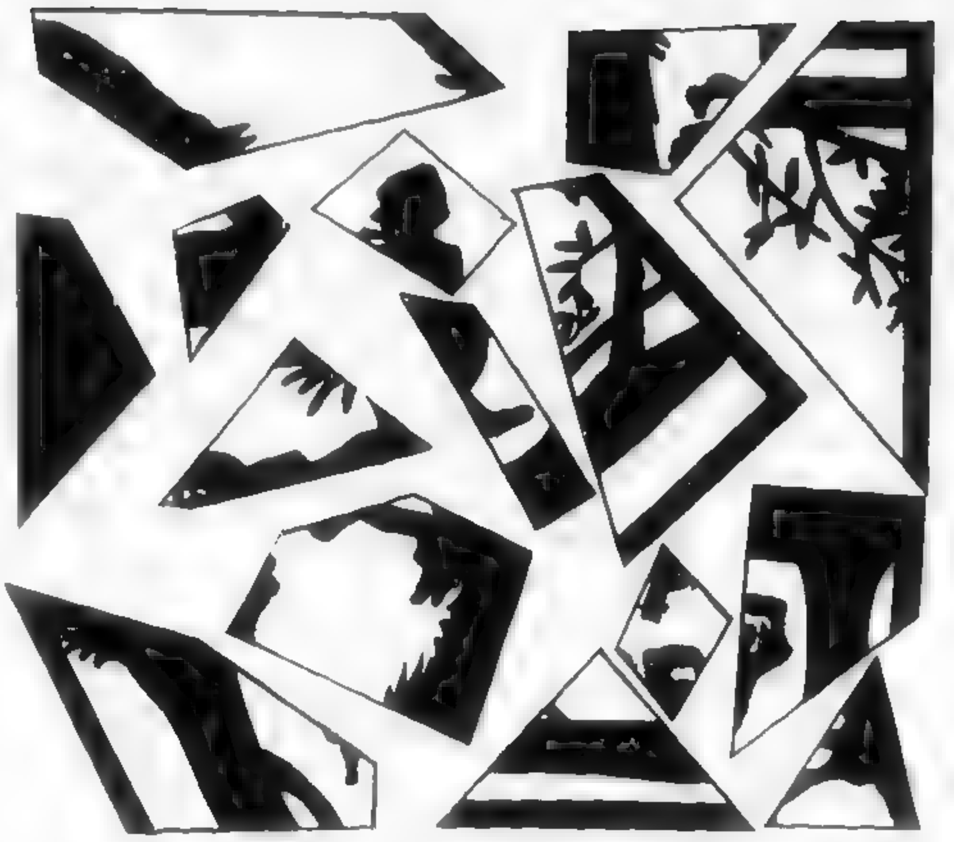

اگر این قطعات بهم متصل شود، چه تصویری بدست می‌اید؟پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه»بنویسید و جایزه بگیرید.

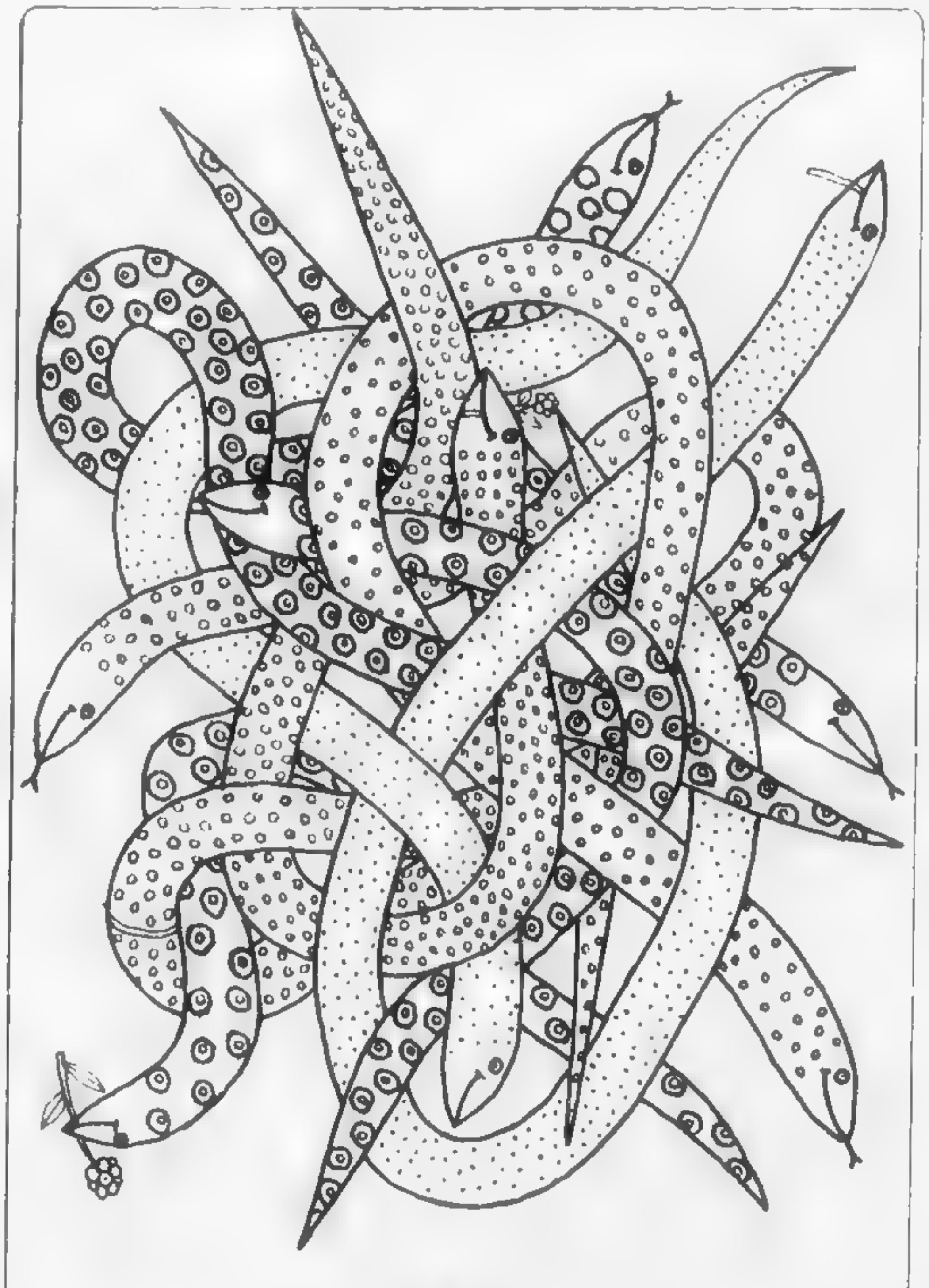

در این شکل چند مار مشاهده میشود؟تعداد آنها را به«دایره جدول، سرگرمی و مسابقه»بنویسید و جایزه بگیرید.

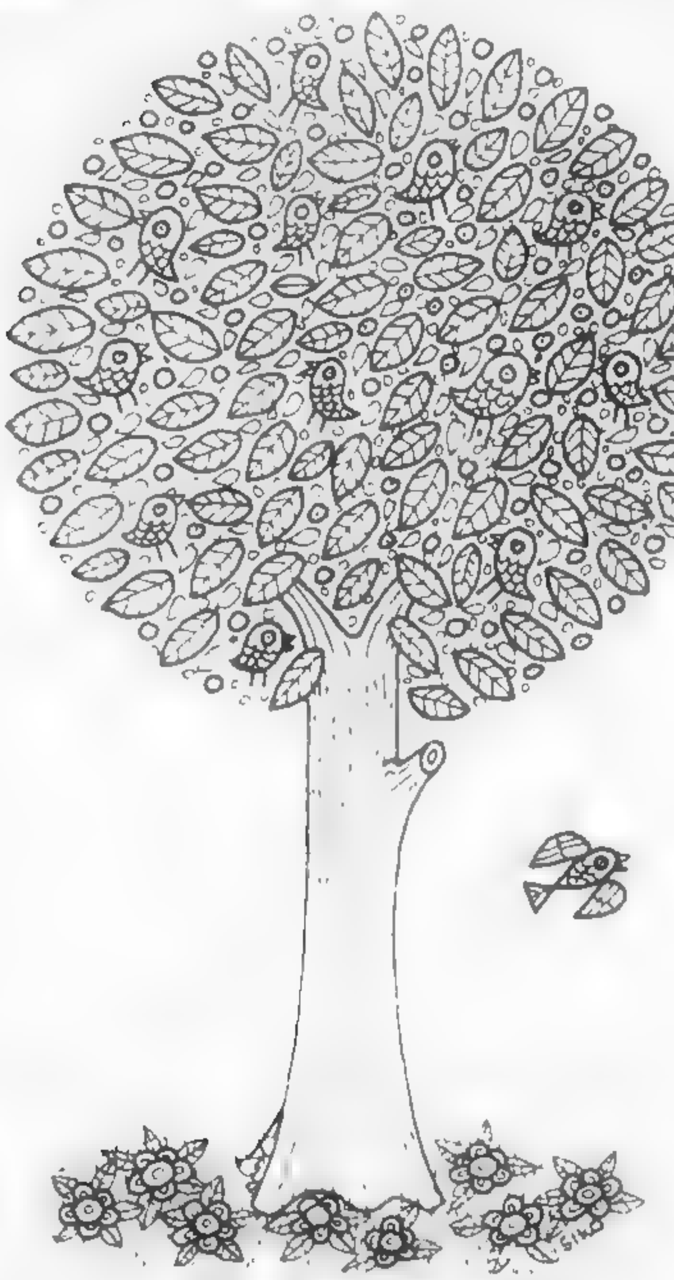

بقیه گنجشك‌ها کجا هستند؟

در لحظه اول، در این شکل یك گنجشك می بینیم درصورتیکه تعداد بیشتری است. شما بگوئید بقیه کجا هستند و تعداد آنها چندتاست؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه»بنویسید و جایزه بگیرید.

در این شکل شش حیوان مختلف مشاهده میشود که همراه ان قسمتی از سر همان حیوانات چاپ شده است و شما باید به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه»بنویسید که هر قسمت از سر حیوان به کدام حیوان تعلق دارد.

روزیکه مادر «آکبرآقا»

اگر قبلاً نخوانده‌اید این مقدمه را بخوانید:

اکبرآقا یك کارگر است و در یك کارگاه کار می‌کند و از صبح تا غروب سرش توی مونور و گیربکس و دیفرانسیال است. یك مادر دارد که از جان عزیزترش میدارد و یك خان‌دائی که برای خودش ناپلئون زمانه است. لطف زندگی اکبرآقای ما، در اینست که هرگز از پای نمی‌افتد، هر چیز را به نوبهٔ خود تجربه میکند و هر بار به قول خودش«خیطی» بالا می‌اورد، اما بهرحال او میخواهد که همه چیز را یاد بگیرد و همه چیز داشته باشد. مشکل دیگر اکبرآقا انتخاب همسر است. دربدر دنبال دختری می‌گردد که زندگی او را بشناسد، به روحیه‌اش وارد باشد و بعبارت دیگر درکش کند.

چندبار تا پای سفره عقد رفته و ناکام برگشته، یا دخترها او را- میخواسته‌اند و او نخواسته و یا او خواسته ولی مقدوراتی وجود داشته است که ازدواج نکرده. دراین رفت و برگشتهای زندگی، اکبرآقا در جریان تازه‌ای افتاد و یکدفعه زد به کله‌اش که برود یك سفری خارج از ایران بکند. دیدن آثار باستانی، دخترهای لندن و پاریس، تعمیرگاهها و کارخانه‌ها... و...

این بود که راه افتاد بطرف لندن، انهم قسطی با یك تور مسافرتی. باکلی ترس و لرز سوار هواپیما شد و رفت روی هوا و بقول خودش با کبوتر اهنین بال بطرف کشورهای خارجه براه افتاد، اما از بخت‌خوش یا ناخوش، از همان اغاز راه دخترکی چشم سیاه بنام«بنفشه» کنار دستش نشست و حال اکبرآقا را گرفت... در فرانکفورت یك توقف کوتاه کردند و دوباره بطرف لندن پرواز کردند و عاقبت در فرودگاه لندن از هواپیما پیاده شدند. مشکل تازه در اینجا آغاز شد که اکبرآقا همراه خودش یك قلیان برده بود که در فرودگاه توقیف شد و عاقبت بهنگام خروج تازه غم عشق«بنفشه» و دوری از او، روی دلش نشست. بهرحال در هتل اتاق گرفت و با اصغرآقا هم‌اتاق شد.

بعد از چند روز اکبرآقا برای شرکت دریك فیلم انتخاب شد و بعنوان یك هنرپیشه مطرح شد. ولی ناچار شد بسرعت به تهران برگردد...

هواپیما چون پرنده‌ای تیزبال از زمین برخاست و در آسمان به پرواز درآمد. اکبرآقا آنقدر توی فکر بود که گذشت زمان را حس نمیکرد صدای«بنفشه» بوی«بنفشه» و خنده‌های«بنفشه» و همه خاطرات او، رهایش نمیکرد. دست کرد توی جیبش و چند قطعه عکس رنگی را که با بنفشه انداخته بود آورد بیرون خیابانها، پارکها، مغازه‌ها و جلوی هتلها، همه جا بنفشه بود. همه جا او بود که میخندید و حالا او در همان خیابانها بود و اکبرآقا، توی هواپیما، بطرف تهران می‌امد. بغضش گرفته بود. خواست خودش را کنترل کند، ولی نتوانست.... هق‌هق گریه تکانش میداد که در همین وقت دست کوچکی روی دست او قرار گرفت. در حالیکه چشمهایش را پرده‌ای از اشك پوشانده بود، برگشت و کنار دستش را نگاه کرد. روی صندلی وسط یك پسربچه کوچك نشسته بود و به او نگاه میکرد و مادرش درخواب بود. پسربچه آرام گفت:

– مامانت تنهات گذاشته، گریه میکنی؟

- نه، دارم میرم پیش مامانم!

– پس چرا گریه میکنی؟

– تو لندن یه چیزی رو جا گذاشتم

– قیمتی بود؟

– آره، خیلی قیمتی بود.

– خوب حالا یکی دیگه بخر.

– چیزی که من گم کردم، خریدنی نیست.

– من یه ماشین دارم، میخوای بهت بدم؟

اکبر آقا خندید و با دستمال اشکش را پاك کرد:

– کاش میشد همه چی‌رو اینطوری عوض کرد.

پسرك خندید و گفت:

– یه روز توهم مثل من مرد میشی، انوقت گریه نمی‌کنی، مامانم همیشه بمن میگه مرد نباید گریه کنه.

اکبر آقا دست پسرك را فشرد:

– نه من گریه نکردم، این گریه نیست، نمیدونم چیه، گریه نیست....

پسرك به عکسهای دست اکبر آقا نگاه کرد:

– بمن نشون میدی؟

اکبرآقا عکس‌ها را به پسرك داد و او به دقت همه را نگاه کرد و بعد با خنده گفت:

– همونه که گم کردی؟

اکبر آقا یکدفعه جا خورد:

– چی رو گم کردم؟

– همین دختره.

اکبرآقا بینی‌اش را خارانید و بعد با خنده گفت:

– اختیار دارین.

و زیر لب گفت:

– بابا ایواله، بچه‌های امروزه چطوری بچه‌های دیروزه‌رو فیلم میکنن. ..

و پسرك دوباره گفت:

– فیلم چیه، کی فیلم شده؟

و اکبرآقا با دلخوری عکسها را از او گرفت و با لجبازی آشکاری گفت:

– تو هوا که اینجوری هستی، وای بروی زمینت، بخواب بابا جون، استراحت کن، خسته میشی..

و بعد دوباره رفت توی فکر....

از ابر به ابر و از نور به تاریکی هواپیما گذشت و رسیدند به بالای فرودگاه. اکبرآقا یکدفعه زمین را دید. خواب‌آلود بود و تا چشمش به تهران افتاد، یقی زد زیر گریه، حالا گریه نکن، کی گریه کن، و همانطور که گریه میکرد زیر لب گفت:

نه تهرون، دود، بخار، سرو صدای ماشینها، تعمیرگاه، «سگدست»، «دفرنسیال»، مادر، خان‌دائی، آبجی، بچه‌های آبجی، منتظر تاکسی وایسادن..

گریه امانش نمی‌داد و در همین وقت دوست کوچولویش دوباره دست او را گرفت و گفت:

– تهرون زده شدی؟

اکبرآقا در حالیکه پائین را نگاه میکرد گفت:

– آره، دلم گرفت، چطوری من این تهرون رو ول کردم، الان اون پائین همه جمع هستن

در همین وقت از بلندگوی هواپیما اعلام شد کمربندها را ببندید... چند دقیقه بعد، پرنده آهنین زمین را چسبید و اکبرآقا نفس راحتی کشید اکبرآقا از پشت شیشه هواپیما، میان مردم و مستقبلین را گشت و ناگهان چشمش به خان‌دائی افتاد و از داخل هواپیما فریاد زد:

– خان‌دائی، خان‌دائی جون،

پسرك دست اکبرآقا را فشرد:

– اونا نمی‌شنوند، باید بری پائین،

اکبرآقا ذوق زده شده بود، ساك دستیش را برداشت و دوید بطرف در هواپیما، لحظه‌ای بعد در باز شد و اکبرآقا بعد از خداحافظی از میهماندارها یك نطق کوچك هم کرد:

– از پذیرائی شما سیار متشکرم. دیدار در پروازهای بعدی....

میهماندار هم تشکر کرد و اکبرآقا با ساکش بسرعت از پله‌ها پائین آمد و شروع کرد به دویدن و همین‌طور دست تکان میداد که مامورین جلویش را گرفتند و به سالن گمرك راهنمائیش کردند، اکبرآقا ناراحت بطرف سالن گمرك رفت. خان‌دائی و برو بچه‌ها آمدند پشت سالن و اکبرآقا این پا و آن پا میکرد تا چمدان‌ها برسد. عاقبت پس از یکربع معطلی چمدانها روی سکوهای متحرك رسید و اکبرآقا چمدان پشت چمدان بود که برمیداشت و مامور چرخ چمدانها شش چمدان را در هم چید و گفت:

– با خانواده تشریف برده بودین؟

اکبرآقا در حالیکه یك پیپ گوشه لبش گذاشته بود گفت:

– نخیر، اکبرآقا تنها رفته و تنها برگشته.

– ولی خوب چمدون آوردین ها.

– بله.... البته وقت کم بود، وگرنه بیشتر می‌آوردم.

چمدانها را روی میز گمرك گذاشتند و خانم بازبین اولین چمدان را باز کرد و اکبرآقا گفت:

– جون شما خانوم آنقدر فك و فامیل داریم که نمیتونین تصور کنین. یخورده آت و آشغال براشون خریدم.

خانم بازبین خندید و گفت:

– بهرحال باید بازرسی بشه!

لباسها را یکی‌یکی نگاه میکرد و اکبرآقا هم فامیل را معرفی میکرد

پیراهن مادر، بلور مادر، شلوار گرم‌کن خان‌دائی، لباس ابجی‌زاده‌ها، دوربین فیلمبرداری سده

مامور گمرك دوربین را کنار گذاشت و گفت گمرکی داره

چی خانم؟!... من خودم هرپیشه هستم، تو لندن فیلم بازی کردم. این دوربین مورد احتیاجمه

فرق نمیکنه

بهرحال پس از بازرسی ٦ چمدان، تعدادی از اجناس شامل پرداخت حق گمرکی شد و اکبرآقا ناچار هزارو ششصد تومان پول پرداخت و عاقبت با چمدانها آمد بیرون. یکی‌یکی همه را بوسید و یکدفعه جا خورد و ایستاد... در حالیکه زبانش بند آمده بود، با ناراحتی گفت:

- مادر. مادر؟

خان‌دائی دستش را روی شانه اکبرآقا گذاشت و در حالیکه سعی در دلداری او داشت گفت:

- بابا یخورده تحمل داشته باش، چرا خودتو باختی...

– ولی مادرم نیست، شمام تو نامه نوشتین زود خودمو برسونم.

- خوب کردی، اکبرجان، جنسهای منو آوردی؟

اکبرآقا که کفری شده بود گفت:

- یعنی چی؟ من سراغ مادرمو ازت میگیرم.

– منظورت خواهر منه دیگه؟

– آره بابا، اون کجاس؟

- بابا دیر نمیشه، ناراحت نشو.

– مریضه.

آبجی گفت:

– نه اکبرجان، حالا بریم خونه.

– آخه چی شده نیومده؟

– بریم خونه، خودت میفهمی، مسئله مهمی نیست.

اکبرآقا راه افتاد طرف بیرون فرودگاه. بیرون در، برو بچه‌های تعمیرگاه جمع شده بودند. با چند اتومبیل منتظر بودند و با سرو صدا و خنده و شادی اکبرآقا را توی ماشین نشاندند و بطرف خانه براه افتادند.

اکبرآقا بین راه مرتباً از این و آن راجع به مادرش میپرسید، ولی هیچ‌کس جواب درستی نمیداد. دل توی دلش نبود. سرمحله که رسیدند، یکباره جا خورد. یك طاق نصرت بزرگ سر کوچه زده بودند با کاغذهای رنگارنگ. جلوی در خانه اکبرآقا پیاده شد و یکضرب یك گوسفند جلویش خواباندند زمین، اکبرآقا گفت:

چاکرم، مخلصم، مادرم کو؟...

حسین قوچی همکار تعمیرگاهش با منقل اسفند آمد جلو و دور سر او اسفند گرداند و به آتش ریخت، چشم اکبرآقا آب افتاد و باز گفت:

– متشکرم، ممنونم، چاکرم، مخلصم، مادرم کو؟

و بالاخره رفت داخل منزل که بساط چای و شربت و شیرینی براه بود و دیگر وسط حیاط طاقت نیاورد و فریاد زد:

– مادر.... مادر.... ننه...

قهر کرد .

ولی جوابی نیامد. سکوتی صحن حیاط را فراگرفت و اکبرآقا که دیگر کفری شده بود، یقه خان دائی را گرفت:

- آخه مرد حسابی، ابجیت کو، مادرم کو؟

خان دائی سرش را انداخت پائین و آهسته گفت:

- تو اتاق کوچیکه.

- تو اتاق کوچیکه، اونجا چیکار میکنه؟

- چی بگم واله.

بند دل اکبرآقا پاره شد. ساکی را که بدست داشت کوبید زمین و دوید طرف اتاق کوچکه! همه در حیاط جمع شده بودند. اکبرآقا رسید جلوی پلهها. لحظهای ایستاد، بعد یکباره در را باز کرد و رفت توی اتاق اشک به چشم خان دایی و دیگران نشست، سکوت همه جای خانه را پر کرده بود، اکبرآقا وارد اتاق تاریک شد. مادر را دید و یکباره بزانو درآمد. مادر اکبرآقا روی زمین نشسته و بدیوار تکیه داده بود. با دیدن اکبرآقا رویش را برگرداند. اکبرآقا آهسته گفت:

- مادر... تو که نیمهجونم کردی. نمیدونم از خارجه تا اینجا چه جوری اومدم.

مادر با لکنت گفت:

- آبروم روبردی. کاش تو رو نزائیده بودم.

- یعنی چی؟.. چی شده؟

- واسم خبرآوردن که مطرب شدی

- کی خبر آورده؟

- ته نامهای که برام فرستادی، اصغرآقا نوشته بود مطرب شدی.

- مطرب چیه؟ من یه هنرپیشه بزرگ شدم.

- نه، مطرب شدی. از حرکاتت میشه فهمید.

- اخه من ضرب و تار دارم که مطرب باشم؟ تازه، چه عیبی داره؟

- عیبش اینه که من میخوام تواین شهر زندگی کنم....

- مادر، هرچی هم اون مرتیکه نوشته دروغ بوده، من با افتخار برگشتم.

- چقدر انتظارت‌رو کشیدم

- دلم برات پر میزد که بیام پیشت.

- نه، تو فرنگی شدی، من خودم رو زندونی کردم واسه اینکه خجالت میکشیدم.

مادر، خجالت نکش، من همون تعمیرکار همیشگی تو هستم، کیف میکنم وقتی میبینم این کارو دارم، تو تلویزیون تماشا نمیکنی؟

- خوب چه ربطی داره؟

- مگه لذت نمیبری؟

چرا، آخه منظورت چیه؟

خوب، من به تعمیرکار هستم که مثلا تو سوپربون هم برنامه دارم

خوب، اینکه عیبی نداره

و منم همینو میگم

پس اشتی؟

آشتی.

اکبرآقا و مادر اکبرآقا پریدند تو بغل هم و صدای هقهق گریهشان اتاق را پرکرد. توی اتاق پرشد از آدمها و سروصدای ساز و ضرب بگوش میرسید، اکبرآقا و مادرش آمدند بیرون و همه دست زدند. ششچمدان بزرگ وسط حیاط بود. و صدها چشم خیره به چمدانها، و اکبرآقا شروع کرد به شمردن آدمها که روی صورت همهشان خنده بود، و شادی....

جهان پهلوان

بقیه از صفحه ۷۳

کرد و گفت:

- شاهنشاها. درود پدرم زال جهان پهلوان و همه پهلوانان و بزرگان ایران بر تو باد. پدرم [illegible] شما تقاضا کرد که بر ما منت بگذارید و به [illegible] زمین بیایید و بر تخت پدران خود تکیه بزنید که اینک ایران بوجود شما و رهبری خردمندانه [illegible] نیازمند است

کیقباد دست رستم را گرفت و گفت

[illegible] دعوت زال و بزرگان [illegible] خوشوقتی و [illegible] میپذیرم و بمحض اینکه تو و [illegible] خستگی [illegible] بدر کردی، راهی خواهیم شد

● رستم و کیقباد به تخت به سوی اردوی [illegible] می‌[illegible] و شب و روز را پشت سر میگذراندند هر چه زودتر به میدان نبرد برسند

[illegible] که دستش به رستم [illegible] کمین کرده بود [illegible] وقتی رستم بر میگردد انتقام تورانیان کشته شده [illegible] و بگیرد

کیقباد چون چشمش به تورانیان افتاد، خود را آمادهی نبرد کرد. اما رستم به او گفت

[illegible] شاه من..... این منم که [illegible] دارم

و [illegible] و رخش را بسوی تورانیان حرکت آورد

رستم به هر کس که میرسید با یك ضربهی گرز او را از [illegible] سرنگون میکرد و بیدریغ خون ریخت «قلون» که این وضع را دید، نیزهاش را روی دست اورد و چون برق و باد بسوی رستم هجوم اورد و با نوك نیزهاشی زره رستم را درید.

رستم که از این حرکت خشمگین شده بود، نیزهی قلون را گرفت و او را با نیزهاش از روی اسب بلند کرد و بزمین کوفت و انگاه رخش را بر روی تن و پیکر قلون به جست و خیز اورد، آنسان که هیکل قلون خرد و خمیر شد و بقیه سپاهیان او از وحشت گریختند و به اردوگاه تورانیان پناه بردند.

رستم و کیقباد به اردوگاه رسیدند و بزرگان ایران به پیشباز کیقباد آمدند و با احترام او را به سرا پردهای که در قلب اردوگاه مخصوص شاه ایران زمین افراخته بودند. بردند و همانروز آیین ویژهی تاجگذاری را برگزار کردند و تاج بر سر کیقباد نهادند......

● اینك هنگام آن رسیده بود که تکلیف نبرد با تورانیان نیز روشن شود. کیقباد بعد از آنکه با پهلوانان ایران،، زال، قارن، کشواد و خراد و برزین اشنا شد و اردوگاه را بررسی کرد و وضع سپاه افراسیاب را نیز از دور دید، فرمان جنگ داد و طبلها و کوس و کرنا بصدا درآمد.

رستم در پیشاپیش سپاه و قارن و کشواد و دیگران پشت سرش به حرکت درآمدند.

نخستین پهلوانی که از اردوی توران پیش آمد «شماساس» بود که قارن چون چشمش باو افتاد فریاد زد:

- این سهم من است. من با او حساب کهنهای دارم که باید پاك کنم

وبه وسط میدان تاخت و تا «شماساس» برخود بجنبد، گرزش را برترك او فرود آورد که شماساس از اسب سرنگون شد و جابجا مرد و هلهله بر نیروی دشمن افتاد.

رستم که از دیدن این صحنه بهیجان آمده بود، کنار پدرش زال آمد و گفت:

- افراسیاب را بمن نشان بده که میخواهم نخستین شکار من خود او باشد

زال بنرمی گفت:

- افراسیاب را دست کم نگیر پسرم.... او پهلوان بزرگ و جنگ‌آور برجستهایست.

- تو فقط بمن نشانش بده که پهلوانی و درگیش را نشانت بدهم

و کلاه اهنی دارد و ساعدش [illegible] هم به اهن گرفته [illegible] درفش سیاه دارد و خفتان پوشیده [illegible] کلاه خودش هم درفش سیاه بسته است ...ی‌هوا به او نزدیك نشو که رزمندهی خطرناکی [illegible]

رستم پای بر رکاب فشرد و بسوی اردوی توران امد و چون نزدیك شد نعرهای زد که زهرهی دشمن اب شد

افراسیاب چون چشمش به این پهلوان نوحاستهی عجیب افتاد، [illegible] سردارانش پرسید

این دیو از بند گریخته کیست که چنین بسوی من میاید؟

او رستم دستان است، مگر نمیبینی گرز سام را بدست دارد

رستم گرزش را بالای سر بحرکت دراورد و یك راست به طرف افراسیاب امد و چون نزدیك شد ناگهان تصمیم گرفت که بجای کشتن، او را از روی اسب بلند کند و ببرد و پیش پای قباد زمین بزند

و با این تصمیم گرز را کنار زین اسبش زد و چنگ بر کمر افراسیاب انداخت و او را از روی زین بلند کرد و در میان حیرت و وحشت تورانیان خواست بالای سربرد که کمر افراسیاب دوام نیاورد و گسیخت و افراسیاب از روی دست پهلوان بزمین درغلتید و تورانیان او را دور کردند و کشانکشان با خود بردند، در حالیکه رستم با تاسف دست بردست میمالید که چرا از زیر خفتانش نگرفتم و تنها کمربندش را چنگ زدم که بدینگونه توانست از چنگال شیر نگریزد!

کیقباد چون وضع را چنین دید فرمان حملهی عمومی صادر کرد و همه سپاهیان ایران بر سپاهیان توران زدند که کشتار عجیبی براه افتاد و تورانیان با پراکندگی و دادن کشتهی فراوان ناچار به هزیمت شدند و تا آنسوی رود جیحون جرئت نکردند پشت سرشان را نگاه کنند.

● افراسیاب سرافکنده و خشمگین پیش پدر برگشت و زبان به شماتت پدر گشود که این پیمان شکنی نه در شان بزرگان بود، او با اعجاب و تحسین از نیروی بازو و جنگاوری رستم یاد کرد و به پشنگ گفت:

- بزرگترین پهلوان سپاه تومن هستم که او در نخستین حمله بخواری بزمینم افکند..... بنابراین هیچکس را از ما یارای برابری با او نیست و اگر یکبار دیگر با ایرانیان روبرو شویم، شکستی خواهیم خورد که قابل جبران نباشد. اگر ایرانیان از رود جیحون بگذرند، مطمئن باش که تا تختگاه تو براحتی پیش خواهند آمد... پشنگ با تشویش خاطر گفت:

- اکنون تو میگویی چه کنم؟

- پیامی برای کیقباد بفرست و بهر زبانی که میتوانی او را راضی کن که با تو پیمان صلح و آشتی ببندد.... چارهای جز این نیست...

- بسیار خوب ... همین کار را میکنم.

پشنگ بی درنگ نویسندهای خواست تا نامهای سراپا عذر خواهی به کیقباد بنویسد و از او خواست که پیمان دیرین را بر اساس مرز دیرین توران و ایران که همان رود جیحون است محترم بشمارد و مطمئن باشد که تورانیان دیگر هرگز آنسوی رود جیحون را نخواهند دید.

کیقباد که جوانی اندیشمند و دوستدار آبادانی و صلح و آرامش بود، در جواب پشنگ ضمن یاد آوری خیانتها و دشمنیهای تورانیان بخصوص افراسیاب که نامردانه نوذر و بعد هم برادر خود اغریرث را کشته بود، تقاضای او را پذیرفت با این شرط که پشنگ نیز افراسیاب را از جاه طلبی و فزونخواهی بیحد و حصرش باز دارد که بیهوده مردم بیگناه دو سرزمین را به کشتن ندهد.

پس از آن کیقباد تمام هم و کوشش خود را صرف ساختن شهرها و آبادیها کرد و صد سال در صلح و آرامش پادشاهی کرد.

داستان بعدی: هفتخان رستم

ندامتی تلخ، در پی لحظات

تنظیم از: شمع

هرگاه در صفحه خاطره‌ام به گذشته‌های دور می‌نگرم، بیش از هر چیز چهره انسانی دوست داشتنی و پرابهت پدرم را می‌بینم که در سمت ریاست خانواده، ملجاء و پناهگاه در خور اعتمادی برای تمامی افراد خانه بود. گه‌گاه که به عللی به کارگاهش می‌رفتم با همه کوچکی و کمبود درك و بینش کافی، آشکارا می‌دیدم که در آنجا نیز از شخصیت و موقعیت قابل تحسینی برخوردار است. بدین ترتیب هر چه بزرگتر می‌شدم و با زشتی‌ها و زیبائی‌های دنیا بیشتر خو میگرفتم، از داشتن چنین پدری احساس غرور می‌کردم. افزون بر اینکه با گسترش کارگاه بخاری سازی پدر و افزایش کارگران آن، وضع مالی نیز تا حدی رضایتبخش شده بود. با اینکه سیزده، چهارده سال قبل، کارگر ایرانی قرب و منزلت امروزی را نداشت و کارمندان سازمانها، بویژه دولتی از احترام و حیثیت چشمگیری برخوردار بودند، معهذا من همواره نزد دوستان و همکلاسانم از اینکه دختر کارگر زحمتکشی هستم، به این وضع و موقع خود مباهات می‌کردم. زندگی من در نهایت ارضاء و اقناع ادامه داشت تا اینکه از چهار سال قبل احساس کردم تغییراتی در رفتار پدرم بوجود آمده است که برخلاف روش و روال معمول، بعضی اوقات میان او و مادرم مشاجراتی در می‌گیرد و لاجرم محیط سرشار از صفای خانه را به ماتمکده‌یی لبریز از حزن و کدورت و اندوه مبدل می‌سازد. با وجود این تا آنجا که مقدور بود، من سعی میکردم در اختلافات و درگیری‌های موسمی مامان و بابا کمتر دخالت کنم وبخود بقبولانم که در تمام خانواده‌ها از اینگونه برخوردها دیده می‌شود، تا اینکه یکشب از سر و صدایی که از اتاق آنان برمی‌خاست، دستخوش ناراحتی و هیجان بی‌مانندی شدم و بی‌اختیار خودم را برای کسب آگاهی از چگونگی واقعه به پشت در اتاق آنها رساندم و از آنچه که ضمن گفت و گوی آنان شنیدم ناخودآگاه بر خود لرزیدم. زیرا معلوم شد که آن مرد آهنین اراده و صاحب درك به تریاك معتاد شد و مصرانه از مادرم می‌خواهد که بساط تریاك کشی او را در خانه روبراه کند. پی‌بردن به این حقیقت تلخ، سخت‌ترین ضربه‌یی بود که می‌توانست روح دختر نوجوانی را عمیقاً آزرده و پریشان کند و ستون عظیم غرورش در معرض سقوط قرار دهد. معهذا لازم دیدم برخلاف مادرم که براثر برخورد با این حادثه کنترل خویش را از دست داده بود، حتی‌المقدور سنجیده و حساب شده فکر کنم. بهمین علت نیز روز بعد که فرصتی مقتضی بدست آوردم، مادرم را به حرف کشیدم و طی آن از او خواستم که در این مورد بخصوص عاقلانه فکر کند و برای رهایی پدر از بلایی که بجانش افتاده بود، چاره‌یی بیندیشد. هنگامی که من از عواقب و عوارض تریاك کشی او را در خارج از خانه برای مامان تشریح کردم و از دستگیر شدن احتمالی و محکومیتش حرف زدم، او رضا داد که به خواست پدر جامه عمل بپوشاند. هدف من از این کار این بود که تا سر حد امکان رابطه پدرم را با دوستان معتادش قطع کنم و بعد برای ترك این بلای خانمان برانداز در محظورش بگذارم. اما افسوس که تمامی آرزوها و زحماتم بی‌اثر ماند و سالی که پس از قبولی در کنکور وارد دانشکده شدم، نتیجه قطعی گرفتم که باید برای همیشه پدر پر ابهتی را که مایه افتخارم بود به فراموشی بسپارم. ماه‌های اول سال جدید تحصیلی به آرامی میگذشت و من می‌رفتم تا با محیط جدید و فضای دلپذیری که در دوره عالی یافته بودم، خو بگیرم که یك روز در سلف سرویس دانشکده با پسر بسیار خوش تیپ و با شعوری آشنا شدم. علت آشنایی من و او ادب ذاتی و رفتار و برازندگی وی بود که هنگام صرف غذا در میان ازدحام عصبی شکستن سالن به کمکم آمد و خواه و ناخواه موجب مکالمه ما گشود. دیدار من و او از آن روز ادامه یافت و پس از یکماه از مرحله دوستی ساده گذشت و بمرتبه والایی از عشق و دلدادگی رسید. فراموش نمی‌کنم وقتی که برای اولین بار طنین دلپسند صدای بم و موج دارش با عبارت «دوستت دارم» در گوشم نشست، انگاشتی بر سریری از ابر نشسته و به آسمانها پر کشیده‌ام. اصولاً شنیدن اینگونه جملات عطوفت بار برای دخترانی مانند من که از طبقه‌یی ویژه و با خصوصیاتی استثنائی هستیم بمنزله تن دادن به کاری غیر عادی و نامتعارف است که همواره با ترس و بیمی دلتنگش همراه است. با اینکه من پس از رفتن به دانشگاه از محدودیت گذشته رهایی یافته، آزادی غیر قابل تصوری پیدا کرده بودم. معهذا همچنان ابراز عشق با پسرش را گاهی نابخشودنی می‌دانستم. با وجود این چون در صداقت جمشید که در میان تمام دانشجویان دانشکده نمونه و دیگر گونه بود، تردیدی نداشتم بخود حق می‌دادم که حس او را نسبت بخودم ستوده و متعارف تلقی کنم و در صورت ضرورت عین واقعه را به مامان و بابا بگویم.

رابطه من و او بمرحله‌یی رسید که همه شاگردان و گروهی از گردانندگان و استادان دانشکده نیز بدان پی بردند و هر گاه که موجب و مناسبتی پیش می‌آمد از ما به عنوان «لیلی و مجنون قرن» یاد می‌کردند.

این آگاهی از محیط دانشگاه گذشت و بخانه جمشید نیز سر کشید، آنچنانکه پدر و مادرش بخوبی با وضع ما دو نفر آشنا شده بودند. پدر او عضو برجسته یکی از سازمانهای بزرگ کشور بود که بمناسبت شغل خود، سالی چند بار به خارج از کشور می‌رفت و گه‌گاه همسر و فرزندانش را نیز با خویش می‌برد و بهمین علت دوستی دختر و پسر از نظر آنان، امر ساده و پیش پا افتاده تلقی می‌شد. اما خانواده من با آن خصوصیات اخلاقی و تربیت آنچنانی هرگز نمی‌توانست بپذیرد که دختری پیش از انجام مراسم عقد با پسری رابطه‌یی هرچند عادی و معمولی داشته باشد.

ازاین رو من با اینکه بارها به خانه جمشید رفته و با پدر و مادرش هم صحبت شده بودم، اما هرگز جرات نمی‌کردم با مامانم درباره مساله‌یی بدین عظمت و اهمیت حرف بزنم. تنها برنامه‌ام این بود که پس از پیدا شدن توافق کامل بین من و جمشید و مادگی تمامی امکانات بی نکه سختی از گذشته مثل این مساله خواستگاری او را به آگاهی خانواده‌ام برسانم لیکن با تمامی بیقراریهایی که بوجود من و جمشید چنگ می‌زد، من هنوز زمینه مساعد و مطلوب را نیافته بودم تا برنامه‌ام را به انجام برسانم. زیرا از نظر خودم اختلاف طبقاتی دو خانواده و تمکن غیرقابل تخمین آنان مساله‌یی بود که مرا همواره دچار تردید می‌کرد

با همه اطمینان و اعتمادی که به گفته و عشق و صمیمیت جمشید داشتم، معهذا می‌ترسیدم که او نیز پس از کاهش پذیرفتن شعله اشتیاقش تغییر رویه دهد و با واقعیت درگیر شود. سال اول دانشکده را در میان دریایی از بیم و امید و باور و تردید گذراندم و به سال دوم رفتم. جمشید آخرین سال دانشکده را می‌گذراند و بسیار

یک مسأله

درددل خصوصی کارگران

بی‌خبری

مشتاق بود پیش از آنکه بخدمت مقدس وظیفه رود، مراسم ازدواج ما انجام پذیرد، لیکن من هنوز زمان را برای اجرای این امر بسیار مهم و حیاتی کافی نمی‌دانستم و در صدد بودم که در اولین فرصت وضع خانواده و پدر و مادرم را برای وی تشریح کنم. او می‌بایست با نحوه زندگی و طرز برداشت آنان از زیروبم‌های اجتماع آشنا شود. با وجود این هرگاه که تصمیم به انجام این کار می‌گرفتم، از بیم آنکه مبادا جمشید با پی‌بردن به نوع کار پدرم و زندگی محقرش از عزم خود منصرف شود و برتمامی گذشته شیرینی که داشتیم، خط بطلان بکشد، بیدرنگ صرف‌نظر می‌کردم. از این رو در غروب هنگام یك روز سرد پائیزی که به منزل او رفته بودم و برای صدمین بار با دعوتش به نوشیدن ویسکی روبرو شدم، بی‌اختیار تصمیم گرفتم جامی از این آب آتش بار که می‌گفتند قوی‌ترین عامل تحریك شجاعت است، بنوشم. بهمین دلیل هنگامی که با لبخند لیوان انباشته از ویسکی را از دستش گرفتم و با ژستی بسیار غیرعادی و ناشیانه خواهان سلامتی‌اش شدم، او بی‌اختیار خنده را سرداد و با لحنی سرشار از رضایت و خوشحالی گفت:

- چه عجب، تصمیم گرفتی قاطی آدمها شی؟!

من فوراً خنده‌ام را جمع کردم و طی لحنی گلایه‌آمیز گفتم:

- هاهاها، یواش آقا پسر که توهین نداشتیم.

او برای نخستین بار بازویش را بدور کمرم حلقه کرد و در حالی که مرا به سینه خود می‌فشرد، گفت:

معذرت می‌خواهم، نازك نارنجی خانم! یادم نبود که تو اهل شوخی نیستی.

من از شنیدن این حرف یکباره یکه خوردم و احساس کردم که خیلی تند رفته‌ام و نمی‌بایست با رفتار و گفتاری نسنجیده باعث ناراحتی او شوم. روی همین اصل تصمیم گرفتم که در برابر او انعطاف بیشتری نشان دهم و دست از جدی بودن ساختگی بردارم. افزون براینکه وقتی محتوای جام ویسکی به پایان رسید و من گرمی و حرکت سریع الکل را در رگهایم احساس می‌کردم، خواهی نخواهی بنحو آشکاری نرم و رام شدم، آنچنان که در مقابل دومین جامی که او بدستم داد، کوچکترین امتناع و واکنش مخالف آمیزی نشان ندادم. از جام دوم چند جرعه‌یی خورده بودم که جمشید طرف دستگاه پخش رفت و پس از جابجا کردن چند حلقه نوار، یکی از کاستها را روی دستگاه نهاد و صدای موزیك ملایم و مستی بخش را در فضا رها کرد.

او بلافاصله بسوی من آمد و در حالی که جلو مبل در برابرم تا کمر خم شده بود، طی عبارتی بسیار شیرین و لذت‌آفرین گفت:

- ممکن است از «کنتس» زیبا به افتخار یك دور رقص برسم؟

منکه تمام رقص‌های خارجی را در دوره دبیرستان سر کلاس و در ساعات تفریح از دوستانم آموخته بودم، با عشوه‌یی استثنایی و به نرمی قویی سبکبال از جا برخاستم و در حینی که تابی دلپذیر به کمرم می‌دادم، خود را در اختیار او نهادم. آهنگ اول که تانگو بسیار ملایمی بود پایان پذیرفت و نوبت به آهنگ بعدی رسید. وقتی ریتم تند آن بگوشم خورد، قلباً احساس رضایت کردم، زیرا ویژگی این نوع رقص‌ها جدایی طرفین از یکدیگر است و رقص قبلی سبب نزدیکی زیاد بدنی که میان ما بوجود آورده بود، از نظر من شایسته آن مجلس استثنایی نبود، اما ایکاش زمان بهمان شیوه می‌گذشت و با جست و خیز اضطراری من، عوارض بعدی ایجاد نمی‌شد. چرا که انجام رقص دوم مرا آرام آرام دچار سرگیجه کرد و عاقبت وضعی پیش آورد که من ناخودآگاه روی کاناپه اتاق افتادم. آنچه که از آن لحظات در خاطره ماند، چهره برافروخته جمشید و حرارت نفس گرم او بود که آهسته آهسته به من نزدیك می‌شد.

هنگامی بخود آمدم که دریافتم همه چیز را باخته‌ام، هرچند که بی تردید تمام وجود من متعلق به جمشید بود، با این وصف وقتی نگاهم در نگاه او گره خورد و وی را دیدم که لبخند رضایت باری بر لب دارد و به من می‌نگرد، بی اختیار چشمم از رویش کشیدم و از شرم سرم را میان دستهایم پنهان کردم. نزدیك به یك دقیقه به همین وضع مانده بودم که صدای او در گوشم پیچید:

- شاید نمی‌دانی که ساعت از هشت و نیم گذشته و تو باید معمولا حال در خانه باشی؟

من بلافاصله دستی به موهایم کشیدم و پس از برخاستن از روی مبل به مقابل آئینه رفتم و بمرتب کردن برورویم پرداختم. این کار را به آنچنان شتابی انجام دادم که پنداشتی از نگریستن بخود شرم دارم و می‌کوشم که حتی‌المقدور کمتر در برابر آئینه بایستم. هنگامی که آماده خروج از اتاق شدم، جمشید گفت:

لابد باز هم طبق معمول نمی‌خواهی بمنزل برسانمت؟

بی‌آنکه لب به سخن بگشایم، چندین بار سرم را بعلت دادن پاسخ مثبت تکان دادم و بعد نیم نگاهی به او انداختم و گفتم:

خداحافظ!

و سرعت خود را بمن رساند و در حالی که دستش را به چهارچوب در تکیه می‌داد، دستش را سمت دیگر چهارچوب گرفت و بدین ترتیب ضمن بوجود آوردن مانعی حائل ناپذیر جلوم را گرفت و گفت:

از من دلخوری؟

نه، نمی‌دانم!

ببین، اثر این نباید برای تو مساله‌یی باشد. بهرحال مادو نفر زن‌وشوهریم حالا چه عیبی دارد که این اتفاق قبل از عقد...

با بالاگرفتن دست، حرفش را بریدم و ضمن اینکه آماده کنارزدن او از برابر خود می‌شدم، گفتم: فراموش کن، جمشید، فعلاً ناراحتم!

بعد سرم را با آشفتگی تکان دادم و بی‌آنکه چیزی برگفته‌ام بیفزایم از اتاق خارج شدم و به منزل رفتم. تایك هفته از روبرو شدن با جمشید پروا داشتم، تا اینکه کم‌کم همه چیز عادی شد و روابط ما به صمیمیت وبی‌پردگی گذشته رسید. حدود یکماه پس از آن واقعه یك روز عصر که کنار دستش توی اتومبیل نشسته بودم، گفتم:

جمشید، من لازم می‌دانم که از خودم و خانواده‌ام با تو حرف بزنم تا نکته نگفته‌یی بین ما نماند. او با لحنی بسیار قاطع گفت:

بله‌بله، البته البته.

پس از آن من آرام‌آرام به شرح موضوع پرداختم و سرانجام نگاه کنجکاوم را برویش دوختم و گفتم:

خب؟

خب که خب.

نظرت چیه؟

مگر فرقی می‌کنه؟ توهرچه و هر که باشی، از نظر من بهترین‌ها هستی!

با اطمینانی که از این اعتراف صریح بجانم ریخت، غرق در اعتماد و غرورشده و آنگاه دستم را روی شانه‌اش نهادم و گفتم:

- حالا فکر می‌کنم که دیگر مانعی میان ما نباشد، هر وقت خواستی شال و کلاه کنی و با خاله و خانباجی به خواستگاری بیایی، یك روز قبل بمن خبر بده تا خانه را آب و جارو کنیم!

جمشید، خنده صداداری زد و پس از قطع آن گفت:

- همین فردا چطوره؟ فردا عصر؟

- نه، من باید با مامانم صحبت کنم. بهتر است منتظر جواب من باشی.

روز بعد وقتی وارد دانشکده شدم و خودم را به او رساندم، بی اختیار دستم را به شانه‌ام کوبیدم و گفتم:

فردا عصر می‌توانی بیایی... خواستگار شی

برخلاف انتظار من جمشید به جای ... این تأکید، واکنش مصنوعی نشان داد... لحنی سرشار از انفعال و شرمندگی گفت:

ادرخان، یك مشکل پیش آمده!

مشکل؟

- وهون، بابام مخالف این ازدواج است و می‌گوید وصلت با دختر یك آدم معتاد و ... عصر و بی شخصیت در شأن ما نیست.

من با حیرت و صدایی که بفریاد میمانست گفتم:

- نفهمیدم! مگر باباهای ما می‌خواهند با هم ازدواج کنند؟!

جمشید با صدای لرزان و گرفته‌یی پاسخ داد که:

- من حرف تو را می‌فهمم، اما مساله اینست که عادت نکرده‌ام روی حرف پدرم حرف بزنم، مضافاً به اینکه حرفش منطقی و اصولی است!

جر و بحث و بگومگوی ما هفته‌ها ادامه یافت و تنها نتیجه‌یی که بدست آمد یك جمله بود، جمله‌یی که پذیرش آن برای من امکان نداشت. پدر جمشید حاضر شده بود در صورتی دست از مخالفت بردارد که من برای همیشه خانواده‌ام را ترك کنم.

حالا که سرگرم نوشتن سرگذشت خویشم، نزدیك به سه سال از ماجرای من و جمشید گذشته است و من امروز کارمند یك شرکت خصوصی هستم که ضمن وداع جدی با گذشته خود، به آینده نیز چشم ندارم، زیرا در برزخی سر می‌برم که رهایی از آن برایم مقدور نیست، چرا که تنها راه نجات از این برزخ انتخاب یکی از دو راهی است که در پیش دارم. به این معنی که یا باید برای همیشه از خانواده‌ام جدا شوم، یا برای ابد جمشید را فراموش کنم، زیرا او هنوز هم به انتظار لحظه‌یی است که من تصمیم قطعی خود را اعلام دارم، اما این تصمیم هرگز اجرا نخواهد شد و من ناچار باید با همین وضع به زندگی خود ادامه دهم و با هرگونه پیشنهادی در مورد تشکیل زندگی جمشید به ستیز برخیزم، زیرا از سرمایه دختری، چیزی ندارم که به همسر احتمالیم هدیه کنم!

پاسخ‌های قضائی

در کریدورهای دادگستری

آقای تهرانی وکیل محترم- با تشکر از اینکه مجله رستاخیز کارگران ترتیبی داده است که ما کارگران بتوانیم مشکلات مختلف، منجمله قضائی خود را مطرح و پاسخ لازم دریافت داریم و سپاسگزاری از زحمت شما برای کارگران برای بنده مشکلی بوجود آمده است که خواهشمندم هر چه زودتر راه حل آنرا بمن نشان دهید: چندی قبل ساختمانی را قولنامه کردم که خریداری نمایم و مبلغ هفتادهزار تومان نیز بعنوان پیش‌پرداخت به فروشنده داده‌ام. اما فروشنده در موعدی که قرار بود به محضر برویم حاضر نشد و با اینکه هفتادهزار تومان نیز گرفته است می‌گوید ساختمان را نمیفروشد. من برای اینکه بتوانم این ساختمان را خریداری کنم، ناچار شده‌ام خانه خود را به پنجاه هزار تومان ارزان‌تر از قیمت روز بفروشم تا پول خرید ساختمان را فراهم کرده باشم. اکنون واقعاً در وضع دشواری گیر کرده‌ام از طرفی خانه‌ام را که فروخته‌ام طبق قرارداد باید تا یکماه دیگر تخلیه نموده و تحویل نمایم از طرف دیگر هفتاد هزار تومان داده‌ام و از فروشنده ساختمان قولنامه اثری نیست. خود و خانواده‌ام واقعاً پریشان احوال هستیم، خواهشمندم مرا در اولین فرصت راهنمائی کنید که برای احقاق حقم چه باید بکنم، ضمناً اضافه کنم طبق قولنامه چنانچه فروشنده حاضر به فروش نشود باید علاوه بر هفتاد هزارتومان معادل آنرا نیز بپردازم. آیا میتوانم این پول را بگیرم و راه آن چیست؟..

تهران- محسن برابر- متصدی کارگاه نجاری

دوست عزیز: از وضعی که برای شما پیش آمده بسیار متاسفم و میدانم در شرایط بسیار نامساعدی بسر میبرید.

قبل از هر چیز باید بدانید که اینگونه قولنامه‌ها دو جور نوشته میشود یادر آن نوشته میشود: چنانچه فروشنده از قول خود عدول نماید علاوه بر انجام معامله فلان مقدار «معمولا معادل بیمانه» بپردازدو یا فقط برای فروشنده پرداخت مبلغی قرار داده میشود. در مورد اول می‌توان از دادگاه الزام فروشنده را بانجام تعهد تقاضا نمود و دادگاه با این تقاضا در صورتیکه عدول و امتناع مالك و فروشنده اثبات گردد، موافقت نموده رأی میدهد، در شکل دوم قولنامه فقط وجه تخلف، یعنی مبلغی را که فروشنده در صورت عدول باید بپردازد می‌توان تقاضا نمود.

شما با مطالعه و بررسی قولنامه خود میتوانید یکی از دو طریق بالا را انتخاب فرمائید. اما توجه داشته باشید که برای مدت یکماهی که مرقوم فرموده‌اید فرصت باقی ماندن در خانه فروخته شده خود را دارید انجام مشکل فوق عملی نیست. بهر صورت چون مشکل شما از نظر کار قضائی مسئله‌ای فنی است که نظریات مختلفی نیز درباره آن وجود دارد بهتر است حتماً از مساعدت یکی از وکلای محترم عدلیه برخوردار شوید.

سیر

ضماد سیر

یك حبه سیر را له کنید و روی میخچه یا زگیل پای خود بگذارید و آنرا مالش دهید. پانزده روز که این کار را کردید: میخچه و یا زگیل پای شما درمان خواهد شد

سرکه سیر

سه حبه سیر را رنده کنید و در نیم لیتر سرکه ده روز بخیسانید و بعد با آن زخمهای جلدی را شوئید سرکه سیر زخمها را ضد عفونی میکند.

حمام دست و پا با سیر

برای درمان آلرژیها، آسم، عوارض معدی و روده‌ای فشارخون و عوارضی که از آن ناشی میشود، سه سیر را در یك لیتر آب بجوشانید و با جوشانده آن که نیمگرم باشد، دست و پاها را دو بار در روز حمام دهید.

مالیدن سیر بر روی ستون فقرات برای درمان ناتوانی جنسی مؤثر است

بقیه از صفحه ۹۷

و بطور کلی برای اینکه سلامتی و سرزندگی خود را حفظ کنید، هرهفته یك حبه سیر بخورید، زیرا استفاده از سیر در طباخی بهترین و ساده‌ترین طریقه مطبوع مصرف سیر است.

توجه داشته‌باشید که یکی از معایب سیر بوی آن است که از ریه‌ها خارج میشود و کسانیکه آنرا خورده‌اند، از نفس آنها بوی ناگوار حس میشود.

بوی سیر را که در زندگی اجتماعی طرفداری ندارد، میتوان بطرق مختلف زیر پنهان کرده و پوشانید:

۱- با چند قطره اسانس گلپر

۲- با جویدن غازیاغی و یا جعفری

۳- با خوردن سیب رنده شده و چند قاشق چایخوری عسل

٤- با جویدن چند دانه قهوه، بعد از صرف شام و ناهار.

پرسشهای مربوط به تامین اجتماعی

«بازنشستگی کارگران معادن»

آقای محمود بازقلعه‌ای، کارگر معدن ذغال سنگ ناحیه کرمان، نوشته‌اند که پنجسال است در معدن مشغول کارند و از جانب کارگران معدن سئوال کرده‌اند یکی از استادکاران معدن که سنش ۵۲ ساله میباشد و ۳٦ سال سابقه کار دارد و ۲۷ سال است حق بیمه پرداخت نموده است، آیا میشود روزی بازنشسته شود و مستمری بگیرد؟..همچنین علت ندادن دفترچه بیمه درمانی را سئوال کرده و تقاضای تسریع در دادن جواب نموده‌اند.

دوست عزیز،

کارگران معادن کشور ما بدلیل دشواری کار و استحقاق بیشتر جزو اولین گروه کارگرانی هستند که مشمول مقررات بیمه‌های اجتماعی (تامین اجتماعی) قرار گرفته‌اند و طبعاً با رعایت ترتیبات قانونی مستمریهای پیش‌بینی شده در قانون تامین اجتماعی، منجمله مستمری بازنشستگی را دریافت دارند. شرط بازنشستگی عادی اینست که بیمه شده مرد بسن ٦۰ سال تمام رسیده و حداقل دهسال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد، ولی درمورد کارگرانی که قبل از تقاضای بازنشستگی حداقل مدت بیست‌سال پی‌درپی و یا بیست وپنجسال متناوب در مناطق بدآب‌وهوا کار کرده‌اند و یاآنکه بکارهای سخت و مخل سلامتی اشتغال داشته‌اند سن بازنشستگی پنجاه‌وپنجسال تمام خواهد بود.

چون کار در معادن جزو کارهای سخت و مخل سلامتی شناخته شده است، لهذا کارگران معادن میتوانند برای بازنشستگی از پنجسال تخفیف سنی استفاده کنند و باین ترتیب دوست شما که اظهار داشته‌اید ۳٦ سال است در معدن کار میکنند و ۲۷ سال سابقه پرداخت حق بیمه دارد، سه‌سال دیگر یعنی زمانی که به پنجاه وپنجسالگی تمام برسد، می‌تواند تقاضای بازنشستگی کند و مستمری بازنشستگی دریافت دارد.

در خصوص دفترچه بیمه درمانی نیز متذکر میگردد که چون کارگران شرکت ملی ذوب‌آهن ایران بموجب قراردادی که بین سازمان بیمه‌های اجتماعی سابق و شرکت منعقد شده است توسط واحدهای درمانی شرکت از بیمه درمانی استفاده میکنند، لهذا دفترچه بیمه درمانی از طرف سازمان تامین خدمات درمانی برای آنها صادر نشده است و درصورتیکه درمان کارگران ذوب‌آهن، منجمله کارگران منطقه کرمان مستقیماً بعهده سازمان مذکور محول شده، قطعاً تقاضای شما مورد توجه قرار خواهد گرفت.

«از کار افتادگی و بازنشستگی»

●آقای سلطانعلی اسلامی‌نژاد، کارگر کارخانه سیمان لوشان، شرحی بمجله رستاخیز کارگران نوشته و متذکر شده‌اند که در زمینه مستمری بازنشستگی و از کارافتادگی و تفاوت آنها پرسش‌هائی مطرح کرده‌اند که بانها پاسخ داده نشده است و در خصوص تاخیر مجله در دادن جواب توضیح خواسته‌اند.

دوست عزیز

تعداد نامه‌های واصله و پرسش‌های کارگران در زمینه تامین اجتماعی بحدی است که ستون محدود پرسش و پاسخ تامین اجتماعی فرصت دادن جواب فوری را مقدور نمیسازد. ناگزیر باید بترتیب وصول نامه‌ها پاسخهای لازم در مجله چاپ شود. علت تاخیر در دادن جواب نامه شما که خوشبختانه در شماره ۱۹ مورخ هیجدهم امرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی چاپ شده است، منحصراً محدودیت صفحات مجله و ستون مربوط به تامین اجتماعی است

«قطع مستمری فرزند بیمه شده متوفی»

خانم فاطمه صفری نوشته‌اند که شوهرم کارگر معدن سنگ قشلاق بوده و در سال (۱۳۵۳) ۲۵۳۳ شاهنشاهی فوت کرده است و از آن سال تا مرداد ماه ۲۵۳٤ مستمری من و دو فرزندم پرداخت شده است، ولی از این تاریخ ببعد مستمری یکی از فرزندانم بنام هاجر که ۱۳ ساله میباشد، قطع شده است، حال‌آنکه طبق قانون تامین اجتماعی، مستمری فرزند بیمه شده در صورتی هم که تحصیل نکند تا ۱۸ سالگی باید پرداخت شود. من به شعبه تامین اجتماعی شاهرود مراجعه کرده‌ام، ولی آنها بمن میگویند که این قانون شامل فرزندان کسانی که در سال ۵۳ فوت کرده‌اند نمیشود لطفاً در این باره جواب ارسال فرمائید که آیا بفرزند من مستمری تعلق میگیرد یاخیر؟

خانم محترم،

طبق قانون بیمه‌های اجتماعی استفاده فرزند بیمه شده و فوت شده از مستمری بازماندگان تا ۱۲ سالگی شرطی نداشت و از ۱۲سالگی مستمری در صورتی پرداخت میشد که فرزند بیمه شده منحصراً به تحصیل اشتغال میداشت، تامین اجتماعی این شرط را تغییر داده، باین ترتیب که فرزند بیمه شده متوفی تا ۱۸ سالگی تمام بدون شرط اشتغال بتحصیل و از ۱۸ سالگی ببعد تاپایان تحصیلات درصورت اشتغال بتحصیل حق دارد مستمری بازماندگان دریافت کند.

نکته قابل توجه اینست که قانون تامین اجتماعی مانند قوانین دیگر از تاریخ معینی قابل اجرا است و طبیعتاً افرادیکه مشمول این قانون میباشند، از تاریخ اجرای آن طبق شرائط مذکور حق دریافت مزایای مربوط را خواهند داشت. باتوجه باین توضیح ظاهراً فرزند شما قبل از دهم امرداد ماه ۲۵۳٤ بسن دوازده سال تمام رسیده و مشغول تحصیل نبوده است و بهمین دلیل مستمری او قطع شده و چون مشمول قانون تامین اجتماعی قرار نگرفته است، نمیتواند مستمری بگیرد.

پاسخ به پرسشهای پزشکی و خدمات درمانی

از: دکتر مرتضی روحانی

بیمه شدگان عزیز،

با توجه به‌اینکه گروه کثیری از کارگران و خانواده آنها دفتر خدمات درمانی دریافت داشته‌اند و بقیه نیز بتدریج دفترچه خدمات درمانی دریافت میدارند، لازم دانستیم مقررات و ضوابط سازمان تامین خدمات درمانی را برای اطلاع عموم بیمه شدگان در این ستون درج کنیم و از این طریق، پاسخ نامه‌های دوستان کارگری که در این زمینه از ما پرسش کرده‌بودند، داده‌باشیم.

از بیمه‌شدگان عزیز انتظار میرود قبل از مراجعه به ماسسات درمانی در تمام کشور، به نکات ذیل توجه فرمایند تا مشکلاتی برایشان پیش نیاید.

بیمه شدگان مانند سایر مراجعین غیر بیمه شده، باید سعی نمایند مقررات و ضوابط داخلی مطب پزشکان را مراعات کنند. توجه به وقت پذیرائی پزشکان اهمیت خاصی دارد. عده‌ای از پزشکان متخصص در تهران بیماران بیمه شده را مثلا در درمانگاههای وابسته به بیمارستانها و در روزهای معینی می‌بینند و یا عده‌ای از پزشکان صبح یا بعداز ظهر در مطب خود بیماران را ویزیت میکنند. بدیهی است سازمان تامین خدمات درمانی با همه پزشکان در وقت عادی کلینیك‌ها و مطب‌ها قرارداد دارد، نه برای تمام مدت شبانه روز.

چنانچه بیماری در موقع شب یا خارج از وقت کار عادی مطب به پزشك مراجعه کند، و یا در ساعات و محل دیگر بخواهد پزشك اورا معاینه نماید، بیمار بیمه شده بمنزله یك بیمار خصوصی محسوب خواهد شد.

توجه داشته باشید که ویزیت پزشکان عمومی ۱۵۰ ریال و متخصص ۳۰۰ ریال تعیین شده که از طرف سازمان تامین خدمات درمانی پرداخت میگردد و بیمه شده بهنگام مراجعه به مطب نباید وجهی پرداخت کند و اگر پزشك همکاری بخواهد وجه اضافی دریافت دارد، ازنظر سازمان نظام پزشکی و وزارت بهداری و بهزیستی خلاف محسوب می‌شود و قابل تعقیب است، مگر اینکه این وجه به عللی باشد مثل تعیین نمره عینك که در ایصورت سازمان تامین خدمات درمانی با پزشکان قراردادی ندارد

باید توجه داشت که تعیین نمره چشم و تجویز عینك- تهیه شکم بند- جوراب واریس- لوازم آرایش- انواع صابون و شامپو- کف طبی- سمعك- اریکاتور- پوار- بیضه‌بند- کیف آب گرم‌کن- کلیه کرستهای طبی- شیر خشك و غذاهای کودکان- شیشه شیر خوری- مسواك- باند گاز- پنبه- الکل- نوار بهداشتی- دستمال کاغذی- کاغذ توالت- روغن زیتون- مخمرآبجو- قندهای طبی جزو تعهدات سازمان تامین خدمات درمانی نیست.

۱- نسخه‌ای که پزشك برایشان می‌نویسد، حاوی اسم، شماره دفترچه، شماره نظام‌پزشکی، نام پزشك و امضاء وی باشد. هر نوع خط‌خوردگی و مخدوش بودن نسخه سبب خواهد شد که داروخانه از پیچیدن نسخه خودداری ورزد. همچنین داروخانه‌ها از پیچیدن نسخه‌هائی که بیش از ٤۸ ساعت از تاریخ صدور آنها گذشته باشد خودداری خواهند کرد و نسخه نوشته شده بعد از٤۸ ساعت اعتبار ندارد. ضمناً پیچیدن نسخه از شهری به شهر دیگر مقدور نیست و بیماران باید در همان شهری که به پزشك مراجعه میکنند و نسخه می‌گیرند در داروخانه‌های همان شهر هم دارو دریافت دارند.

بیمه شدگان باید توجه داشته باشند در مراجعه به پزشکانی که همکار سازمان تامین خدمات درمانی هستند، وجهی نباید پرداخت نمایند، ولی اگر به پزشکان غیر همکار (که خوشبختانه تعداد آنها بسیار معدود و حتی در بعضی شهرستانها باید به جرات گفت که صد در صد پزشکان زیر پوشش خدمات درمانی هستند و همکار سازمان میباشند) مراجعه کنند، باید خود ویزیت را به‌پردازند و سازمان وجه پرداخت شده را مسترد نخواهد نمود.

بیمه شدگان بهنگام مراجعه به داروخانه‌ها باید علاوه‌بر پرداخت سهم بیمه شده، درحدود یك‌پنجم بهای نسخه مبلغ ۵۰ریال نیز پرداخت کنند.

همچنین بهای عکسبرداری و آزمایش برای بیمه شدگان یك‌چهارم بهای خدمات انجام شده است و بقیه بعهده سازمان تامین خدمات درمانی است.

قانون کار

پاسخ به سئوالات مربوط به قانون کار

کارگران عزیز علاقمندی شما به این ستون ... بیش از پیش بکار خود علاقمند ساخته است و بدین لحاظ کوشش ما اینست که به سئوالات و خواسته‌ی شما با دقت و توجه بیشتری پاسخ گوئیم و شما را در راهی که در پیش دارید، هدایت و راهنمائی کنیم

در این هفته نامه‌های بسیاری از کارگران عزیز در زمینه‌های مختلف مربوط به کار و تامین اجتماعی رسیده است که اینك به یك یك نامه‌هائی که به این ستون مربوط میگردد، پاسخ میگوئیم.

کارگر عزیزی در مورد مدت کار و کشیك بعد از آن سئوال کرده‌اند . ایشان می نویسند در کارخانه‌ای که شیفتی هست از ساعت هفت صبح تا چهار بعدازظهر کارمی کنم و بعد از آن هم یك نفر باید کشیك بدهد. دوست عزیز آقای «ج- الف» مدت کار روزانه بموجب ماده ۱۱ قانون کار هشت ساعت و در هفته ٤۸ ساعت میباشد و بطوریکه شما نوشته‌اید مدت کار شما از ساعت ۷ صبح تا ٤ بعدازظهر با توجه به یکساعت برای ناهار ۸ ساعت میباشد و آنچه بیش از این مدت بکار اشتغال ورزید، اضافه کاری محسوب میشود و کشیك روزانه که به نوبت باید در کارخانه باشید، خود اضافه کاری است که ۳۵ در صد به آن اضافه دستمزد تعلق میگیرد. در مورد اجباری بودن کشیك باید به اطلاع آن دوست عزیز برسانم گر چه بموجب قانون کار اضافه کاری به رضایت دو طرف باید باشد، ولی اولا بموجب ماده ۱۳ در موارد ضروری کارفرما میتواند از کارگران بخواهد که اضافه بر مدت ۸ ساعت کار روزانه در کارخانه بمانند. ثانیاً بطوریکه در عمل مشاهده شده است، وضع کار بسیاری از کارخانه‌ها طوری است که در روز که شیفت ۱۲ ساعته در آن بکار اشتغال دارند که ۸ ساعت کار عادی روزانه و ٤ ساعت اضافه کار میباشد.

دوست عزیز کارگر آقای ثقفی نیز در این زمینه چنین سئوال کرده‌اند که برای اینکه بازنشسته شویم ۳۰ سال کار لازم است . آیا این ۳۰ سال با روزی ۸ ساعت کار است و یا ۱۲ ساعت کار ؟ زیرا ما و دیگر دوستانمان در روز ۱۲ ساعت کار می کنیم .

دوست عزیز آقای محمد ثقفی خواهشمندم چند نکته را مورد توجه قرار بدهید.

اولاً برای بازنشسته شدن ضوابطی وجود دارد که در قانون تامین اجتماعی بدان اشاره شده است و این ضوابط عبارتنداز:

- داشتن شصت سال تمام برای مردان و پنجاه و پنج سال برای زنان

پرداختن دهسال حق بیمه متعلقه ، قبل از بازنشستگی

بدین ترتیب ملاحظه می شود که این ضوابط بهیچوجه ارتباطی با مدت کار روزانه ندارد. وانگهی، مدت کار روزانه بموجب قانون ۸ ساعت تعیین گردیده است و اگر شما در روز ۱۲ ساعت کار می کنید ، چهار ساعت بقیه اضافه کاری است که بموجب قانون کار بدان مقدار اضافه دستمزد تعلق می گیرد. لذا بهیچوجه مدت و شرائط بازنشسته شدن ارتباطی بمدت کار روزانه ندارد. ثالثاً بهنگام احتساب مزد ایام بازنشستگی نیز باز هم مزد ۸ ساعت کار روزانه در نظر گرفته میشود، زیرا وقتی شما روزانه ۱۲ ساعت کار می کنید ، مزد ٤ ساعت از آن بابت اضافه کاری است و هرگاه این مقدار را از آن کسر نمائید مزد ۸ ساعت کار روزانه محاسبه می شود و هیچگاه پولی که بابت اضافه کاری بشما پرداخت شده است، درمحاسبات مربوط به مزد یا حقوق ایام بازنشستگی منظور نخواهد شد.

دوست عزیز کارگر آقای رضا سلطانی، طبقه‌بندی مشاغل درهرکارخانه و واحد تولیدی بر اساس وضع کارخانه، تعداد مشاغل و جنبه فنی بودن و میزان تخصص‌های مورد لزوم و غیره انجام می‌پذیرد و هنگام طبقه‌بندی نیز شغل طبقه‌بندی میشود نه افراد و شاغلان. پس بنابراین، اگر شما در پایه و گروه معینی قرار گرفته‌اید، این مساله براساس ضابطه‌ئی است که هنگام طبقه‌بندی پیش‌بینی گردیده است و بدون تردید مدت تحصیل شما هم که مربوط به شخص شماست، در نظر گرفته شده است و در مورد این مساله که آیا چقدر برحقوق مزد شما باید افزوده شود، ما نمیتوانیم به این سئوال پاسخ دهیم، زیرا این امر بستگی بدان دارد که معلوم شود شما درچه گروه و پایه‌ای قرار گرفته‌اید و مزدی که به آن گروه و پایه تعلق می‌گیرد، چقدر بوده است تا اظهار نظر شود که شما باید همین مقدار حقوق دریافت دارید، یا بیشتر.

دوست عزیز کارگر آقای یدالله تنها، در طبقه‌بندی مشاغل، این شغل است که طبقه‌بندی میشود، نه کارگر، بدین معنی، اگر درکارگاهی انواع مشاغل مانند جوشکاری، سوهانکاری و غیره وجود داشته باشد، این مشاغل طبقه‌بندی میشود و برای هریك از آنها نیز شرطی قائل میشوند. حال اگر کسی دارای شرائط لازم برای اشتغال به کار معینی باشد، به آن کار مشغول میشود و در طبقه و گروه مربوط به آن قرار میگیرد و این مساله بهیچوجه ارتباطی به چگونگی استخدام قبلی کارگر ندارد و تمامی مدتی که کارگر بکار اشتغال داشته است، در طبقه‌بندی محسوب می‌شود.

درمورد مرخصی سالانه، چنانکه استحضار دارید، مدت مرخصی سالانه کارگر ۱۲ روز است و هرکارگر بموجب قانون کار میتواند تنها یکبار مرخصی خود را به سال بعد موکول کند که جمعاً میشود ٢٤ روز و درسال بعد باید حتماً از آن استفاده کند. بنابراین هیچ کارگری نمیتواند بیشتر از ٢٤ روز مرخصی طلب داشته باشد.

کارگاه خنده

مادر و بچه مقابل ویتریگ مغازه شیرینی فروشی ایستاده بودند. مادر داشت به زور پسرش را از مقابل ویترین رد میکرد که بچه بمادرش گفت:
– مامان، اگر برای من شیرینی نخری، پیش این آدمها بتو میگویم مادر بزرگ!

وقتی خانم معلم روزهای هفته را به شاگردان درس میداد، پسر کوچولوی شیطانی رو بخانم کرد و گفت:
– شما میتوانید بدون آنکه بگوئید، دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه روز هفته را اسم ببرید؟
خانم معلم لحظه‌ای بفکر فرو رفت و سپس گفت:
– نه این غیر ممکن است.
– چرا خانم معلم، خیلی هم ممکنه. الان براتون میگم، پریروز، دیروز، امروز، فردا و پس فردا!

ناودان

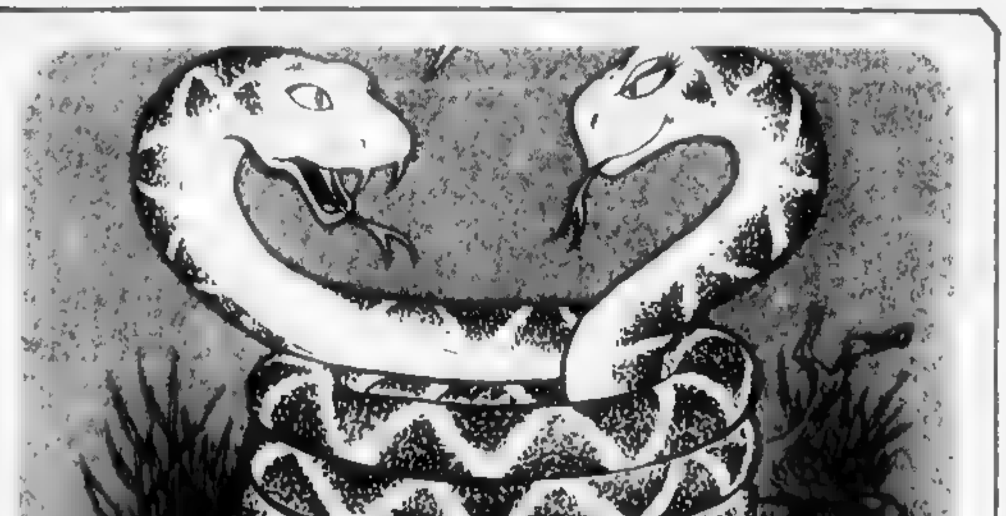

– عزیزم، مطمئنی کسی زیر تخت نیست؟!

عکس هفته: گاوباز شجاع!

آقا با عصبانیت مستخدم را صدا کرد و گفت:
– هیچ خوشم نیامد، من از دست تو خیلی عصبانی هستم، چون تو بخانم گفتی که دیشب من چه ساعتی بخانه آمدم، در حالیکه من بتو سفارش کرده بودم که در این باره چیزی بخانم نگوئی!
مستخدم با قیافه حق بجانب جوابداد:
– باور کنید آقا من تقصیری ندارم، خانم از من پرسید شما چه ساعتی وارد خانه شدید و من بایشان گفتم وقتی شما آمدید، من سرگرم حاضر کردن صبحانه بودم و به ساعت نگاه نکردم!

اتوبوس مسافر برشهری غرش کنان جلو صف مسافرین ترمز کرد. شاگرد راننده سرخودراازلای دو در اتوبوس بیرون آورد و گفت:مسافراش بیان بالا!
اما هیچ یك از مسافران ازجای خود حرکتی نکردند. شاگردراننده مجددا دادزد:د بیاین!...
پس از لحظه ای سکوت، پیرمردی عرق ریزان و هن هن کنان درحالی که یك هندوانه و چند پاکت میوه در بغل داشت، خودرا به شاگرد راننده رسانید و گفت: بروپی کارت داداش، ما سوار بشو نیستیم، ما فقط عادت کردیم انتظار بکشیم!

پیشنهاد خوب

دختر اسکاتلندی به پدرش که یك کارخانه‌دار بود گفت:
دوست پسرم دیشب بمن گفت از وقتی که با تو آشنا شدم، شبها دیگر نمیتوانم بخوابم. آیا با در نظر گرفتن اینهمه علاقه، با ازدواج ما موافقی؟
اسکاتلندی لحظه‌ای بفکر فرو رفت و بعد گفت:
– خیلی خوبه! بگذار همینطور آشنائی‌تان باقی بماند و همیشه بیخواب باشد، اما ایندفعه که او را دیدی به او بگو، من حاضرم او را بعنوان نگهبان شب استخدام کنم.

راه دور و دراز

چند نفر درباره بدی وضع عبور و مرور در جاده‌ها با هم صحبت میکردند. یکی از آنها گفت:
– در آخرین سفرم یك ماه طول کشید تا از تهران به شمال رفتم.
دیگران با حیرت پرسیدند:
– مگر از کدام راه رفتی؟
– از راه بیمارستان!

هم آره، هم نه!

آقا کنار بار نشسته بود و پشت سر هم مشروب سفارش میداد و آه می‌کشید که گارسون کافه بالاخره دلش بحال او سوخت و گفت:
– چی شده آقا، با زنتان دعوایتان شده؟
– هم آره، هم نه، وقتی با زنم دعوام شد، او گفت از حالا تا یکماه دیگر با تو حرف نمیزنم. و امروز روزیست که این یکماه تمام شده!

فیلم هنوز بهترین وسیله آموزشی در دنیا است

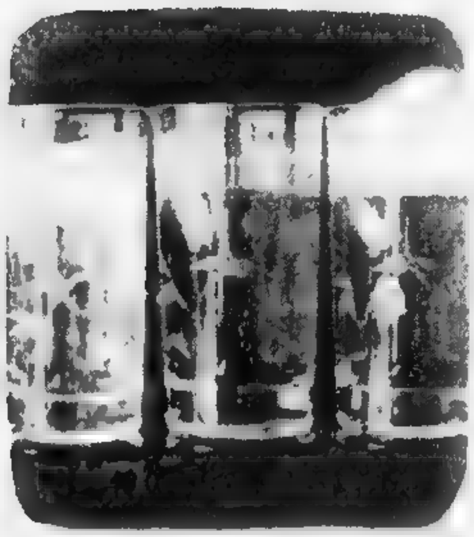

برگزیده‌ای از فیلمهای آموزشی محصول والتر ریدز امریکا

که بدقت بفارسی برگردانیده شده اند

فیلمهای فنی برای مراکز آموزش حرفه‌ای

اتومکانیک ـ برق ـ یخچالسازی ـ تهویه ـ دینت تحـر ـ سبفونها و هواکشها ـ لوله‌کشی‌ها ـ خمکاری لوله ـ جوشکاری لوله ـ جوشکاری ـ اتصالات فلزی ـ لحیم‌کاری ـ آهنگری ـ ورق‌کاری ـ بنائی ـ نجاری ـ طراحیها و نقشه‌کشی در فلزکاری سوهانها وسوهانکاری ـ آچارها و استفاده آنها ـ ترموپلاستیک ـ فایبرگلاس ....

فیلمهای علوم و تحقیقاتی محصول ۱۹۷۶ امریکا

کشاورزی ژنتیک ـ آب بیشتر برای این دنیای تشنه حستجو برای دست‌یابی بانرژیهای جدید . هواشناسی ـ حفاظت محیط زیست. مطالعات در باره جلوگیری از حمله کوسه‌ها . ...

فیلمهای درسی

اساس و بنیاد الکتریسیته ـ ساختمان اتم ـ شیمی آب ـ شیمی هوا ـ عناصر و ترکیبات شیمیایی فیلمهای تربیتی ....

مرکز پخش فیلم‌های آموزشی در ایران

پوبلیکو ـ نادرشاه جنوبی ۲۸ ـ تلفن ۸۹۴۴۰۶ ـ ۸۹۶۸۰۴

هیئت‌مدیره و کارکنان شرکت‌های بایر ایران شیمی و بایر فارما ایران ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی را جشن گرفتند

آقای رونتگن درحال ایراد سخنرانی

[illegible] شاهنشاهی پهلوی [illegible] فرخنده [illegible] مدعوین و شرکت کنندگان [illegible] شکوهمندی که توسط [illegible] شرکتهای بایر ایران شیمی و بایر فارما ایران [illegible] سکه پهلوی طلا [illegible]

[illegible] شکوهی که [illegible] جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی [illegible] جشن پهلوی [illegible]

[illegible] فرخنده و جشن شکوهمند [illegible] صحن [illegible] گروهی [illegible] جمعی [illegible] نمایندگان و گزارشگران [illegible] جمعی شرکت نموده [illegible]

[illegible] سلام شاهنشاهی [illegible]

● **بیانات نماینده کارگران**

ابتدا نماینده کارگران کارخانجات بایرفارما ایران پشت میکروفن قرار گرفت و ضمن خوش آمدگوئی به حاضرین و شرکت کنندگان جشن چنین مطالبی اظهار داشت:

[illegible] آریامهر [illegible] کارگران [illegible] طرف خود و نمایندگی طرف کلیه کارگران کارخانه [illegible] شرکت بایر ایران شیمی [illegible] مدعوین محترم که [illegible] فرموده و در این جشن [illegible] ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی شرکت نموده‌اند [illegible] تشکر و خیرمقدم عرض مینمایم.

دوران شکوفائی انقلاب شاه و ملت [illegible] می‌بینیم [illegible] چنین [illegible]

[illegible] پهلوی [illegible] کارگران [illegible] مملکت [illegible] تهنیت می‌گوئیم [illegible] پهلوی [illegible]

[illegible]

[illegible] پهلوی [illegible] و مملکت در شاهراه ترقی پیش رفت.

اما جنگ جهانی که در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی چهره زشت خویش را نمایان ساخت، کشور بیطرف ایران [illegible]

[illegible] عصر [illegible] جامعه کارگری کشور بود.

جامعه‌ای که [illegible] انقلاب شده و [illegible] و مهره‌های یك [illegible] به کار گرفته میشد.

کارگر ایرانی به دوران انقلاب شاه و ملت [illegible] انقلاب بهره گرفت [illegible] انقلاب چهره [illegible] زندگی کارگر [illegible] شمعی نوین [illegible] انقلاب شاه و ملت [illegible] کارگری شرکت‌های تعاونی، مراکز تعلیمات حرفه‌ای، کلاس‌های سوادآموزی و دوره‌های آموزش ضمن کار توانست به افزایش دانش فنی و شغلی کارگر بیفزاید و از یك جامعه کارگری جمود و ساکن، جامعه‌ای پر تلاش و سازنده بوجود آورد. از همه مهمتر در پناه رأی و تدبیر شاهنشاه عزیز کارگر ایرانی امروز در کلیه انجمن‌های ملی و مجلس قانون‌گذاری جای گرفت.

در گذرگاه موج دوم انقلاب یعنی تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران به امر شاهانه کارگر ایرانی در صف مقدم پیوستگان باین رسالت تاریخی قرار گرفت و عنایت شهریار عزیز بار دیگر بصورت صدور فرمان اجرای اصل سیزدهم انقلاب، مظهر دیگری از مهر شاهانه را متجلی ساخت. کارگران ایران بخاطر این همه عنایت و مرحمت رهبر بزرگ مملکت همواره به درگاه پروردگار خویش شاکر و سپاسگزارند که در عصر شکوفائی تاریخ حیات ملت ایران، هر کارگر به نسبت سهمی که در سازندگی ایران بزرگ دارد میتواند [illegible] حقوق اجتماعی برخوردار گردد.

ما کارگران در مقابل این همه الطاف شاهانه سر تعظیم فرود آورده، باید نهایت کوشش [illegible] افزایش تولید و بهره‌وری کار و [illegible] کارفرما [illegible] آریامهر [illegible]

[illegible] شاهنشاه آریامهر [illegible]

سخنان رئیس هیئت‌مدیره

پس از آن آقای رونتگن رئیس هیئت‌مدیره شرکتهای بایر ایران در میان موج احساسات میهن‌پرستانه کارگران و کارکنان کارخانجات [illegible] پشت میکروفن قرار گرفت [illegible] مستدل و مهیجی اظهار داشت:

سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی در تاریخ حیات [illegible] مبانی پر اهمیت خواهد بود و به صفحات تاریخ معاصر افتخاری جاودانه خواهد بخشید. ملت ایران، زن و مرد هر طبقه و مقام چنین سالی را به شکرانه موفقیتهای خود در جهت نوسازی حیات سیاسی و اقتصاد ملی که تحت رهبریهای خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر صورت پذیرفته است، جشن میگیرد و سپاس می‌دارد.

در مقام رئیس هیئت‌مدیره شرکتهای بایر در ایران موجب مباهات است باطلاع برسانم، واحدی که ما نمایندگی آنرا در ایران داریم در شمار نخستین واحدهای صنعتی آلمانی قرار دارد که در ایران تاسیس شده‌اند و با محصولاتی که عرضه می‌نماید در خدمت صنعتی نمودن، سلامت، بهداشت و کشاورزی کشور وظیفه و مسئولیتی خطیر بعهده گرفته است.

حسن روابط دوستانه بسیار عمیق که از دهها سال پیش، بین دو ملت ایران و آلمان وجود داشته است

گوشه‌ای از اجتماع شکوهمند کارکنان شرکتهای بایر ایران شیمی و بایر فارما ایران

موجب گشته تا علیرغم فاصله‌ای دور هرگونه مرزی از میان دو ملت برداشته شده هر دو کشور در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی به کسب موفقیتهای شایان توجهی نائل آیند.

یقین است که رهبری‌های شاهنشاه آریامهر در جهش سیاسی و اقتصادی کشور نقش حساسی را بعهده داشته است و از این طریق راه برای تکامل هر چه بیشتر ایران در آینده هموار گشته است.

شانزده سال پیش گروه ما اولین گروه آلمانی بود که در ایران بر اساس ثبات سیاسی، امنیت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی حاصل از رهبریهای شاهنشاه آریامهر و با کمك دوستان ایرانی تصمیم به سرمایه‌گذاری نمود. ایران ساخته دست دودمان پهلوی برای بایرفارما تنها تضمینی بود که بر اساس آن این اقدام متهورانه با معاونت هر دو جانب صورت پذیرفت. ما در طی شانزده سال گذشته توانستیم این اقدام اولیه را با سرمایه‌گذاریهای بیشتر و همچنین همکاری با شرکتهای دیگر توسعه داده تکامل بخشیم. شرکتهای بایر ایران خود را در مقابل این آب و خاك به حمایت هر چه بیشتر فعالیتهای دولت چه از نظر اقتصادی یا فنی موظف دانسته‌اند. و باین ترتیب خود را با توجه به حوطه تخصص خویش یعنی شیمی در جهت برآوری آندسته از خواسته‌های کشور که ضامن تکامل هر چه بیشتر این سرزمین هستند تطبیق داده‌اند.

پزشکان، شیمی‌دانان، مهندسان، کارشناسان فنی و بازرگانان ایرانی و آلمانی توانسته‌اند طی ۱۶ سال گذشته بر اساس استانداردهای بین‌المللی موثرترین محصولات داروئی و شیمیائی را در اختیار مصرف‌کنندگان ایرانی قرار دهند.

ملت آلمان نظر به علاقه شدیدی که به دوستان ایرانی خویش دارد همواره از طریق وسائل ارتباط جمعی در جریان فعالیتهای انجام شده این مملکت قرار دارد. آنچه ملت آلمان و ما را که میهمانان شما هستیم خرسند می‌سازد پیشرفت و تکاملی است که در طول ۵۰ سال شاهنشاهی دودمان پهلوی در این کشور روی داده است.

در مقام مقایسه با کشورهای غیر اروپائی تکامل اقتصادی و تکنیکی ایران در سطحی وسیع بسیار چشمگیر است و می‌تواند سرمشقی برای کشورهای جهان سوم باشد. بندرها، فرودگاهها، شاهراهها، مدرسه‌های عالی حرفه‌ای، بیمارستانها، کارخانه‌های صنعتی، بانکها و صنایع [illegible] و پتروشیمی که برای تمام کشورهای جهان [illegible] متعهده دارند از جمله عوامل هستند که ایران را در شمار یکی از کشورهای صنعتی جهان درآورده‌اند.

همگی ما، روسا، سهامداران و همکاران شرکتهای بایر ایران آگاه هستیم که ۵۰ سال شاهنشاهی دودمان پهلوی و انقلاب شاه و ملت رکنهای اساسی تولد ایران نوین را تشکیل می‌دهد.

آندسته از پیشرفتهای ایران که امروز کلیه همکاران اعم از زن یا مرد از آنها برخوردار می‌باشند مثالی برای یك تکامل اجتماعی محسوب میشوند که دائما رشد می‌نماید و شکل می‌گیرد. تکاملی که کارگران و کشاورزان عوامل بنیادی و سازنده آن را تشکیل می‌دهند [illegible] چنین تکاملی [illegible] قوانین حمایتی کار و [illegible] جمعی [illegible] قانون سهیم‌نمودن کارگران در سود کارخانه‌ها و [illegible] سیزدهم انقلاب [illegible] شرکت کارگران در سهام واحدهای تولیدی صنعتی [illegible] عادلانه‌ای برای کارگران [illegible] حسن روابط بین کارگر و کارفرما و یا درحقیقت دو عنصر [illegible] یعنی کار و سرمایه از یکطرف و اجرا به [illegible] مدیریتی عالی از طرف دیگر پیش‌بینی‌های [illegible] منظور شده است.

[illegible] همه ما این است که پنجاهمین سال شاهنشاهی خاندان پهلوی نقطه آغازی برای تکاملی هرچه بیشتر درکلیه زمینه‌ها گردد و مطمئن هستیم که [illegible] تحت توجهات و راهنمائیهای اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برپایه‌های [illegible] خواهد بود [illegible] شاهنشاه آریامهر [illegible] ایران [illegible] دوستی و همکاری ایران و آلمان.

اظهارات رئیس سازمان کارگران ایران

سپس آقای ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران که دراین جشن فرخنده شرکت کرده بود پشت میکروفن قرار گرفت و مطالبی به این شرح بیان داشت:

خانمها و آقایان، سروران گرامی: اینجانب و همکارانم نهایت خوشحالیم که توانستیم به مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی افتخارآفرین پهلوی دراین جشن خجسته حضور یابیم. مروری کوتاه برنیم قرن اخیر کاملا مشخص میکند که در دوران زمامداری بنیانگذار ایران نو اعلیحضرت رضاشاه کبیر سرسلسله دودمان جلیل پهلوی سرزمین گرانقدر میهن عزیز ما در مسیر ترقی و تعالی افتاد و اکنون نیز با رهبریهای اندیشمندانه و ابتکارات خلاقه شهریار ایران، [illegible] بوم به اوج ترقی و عظمت و اعتلا رسیده است.

امروز وضع میهن ما از لحاظ امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی و اقتصادی طوری است که ممالك پیشرفته جهان با طیب خاطر در کشور ما سرمایه‌گذاری می‌کنند که یکی از نمونه‌های کامل آن واحد عظیم بایر ایران شیمی و بایر فارما ایران است.

در سایه رهنمودهای سازنده و راهنمائی‌های خلاق شاهنشاه آریامهر توانسته‌ایم حتی درصنایع سنگین کشورهای صنعتی نظیر کروپ آلمان صاحب سهام قابل ملاحظه‌ای باشیم.

[illegible] وضع کارگر [illegible] عصمه شهریار عظیم‌الشان ایران چنان است که از تعریف و توصیف بی‌نیاز است.

کوتاه سخن اینکه در دوران پرخیر و برکت شاهنشاهان پهلوی ملت ایران از هرصنف و طبقه شهرنشین و روستانشین، از هر جهت به رفاه و آسایش و سرافرازی و سربلندی دست یافته و اینکه شکر نعمت بجا می‌آورند و این همه نعمت و برکت و شوکت و عظمت را صمیمانه سپاس دارند.

پس از آن اجرای برنامه‌های هنری توسط هنرمندان با آوای دلنشین یکی از دختران کارگر بایر فارما ایران آغاز شد که تا پاسی از شب گذشته ادامه یافت.

تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور:
لندن ـ پاریس ـ نیویورک ـ مونیخ ـ هامبورگ ـ
ابوظبی ـ جده ـ شارجه ـ دبی ـ بحرین ـ مسقط ـ
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
در گردش استفاده نمائید
دفترچه حساب در گردش
بانک ملی ایران
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

موفقیت یک کارگردان ایرانی در آمریکا

صحنه‌ئی از جریان فیلمبرداری فیلم «کینه‌جو»، که زرین‌دست آنرا در امریکا ساخته، و خودش نیز در این نقش دارد.

«تینابومن» هنرپیشه اول فیلم «کینه‌جو»

صحنه دیگری از «کینه‌جو»

محمد زرین‌دست، کارگردان ایرانی که تاچند سال قبل در ایران فعالیت ممتد فیلمسازی داشت و فیلم‌هائی چون هاشم‌خان، وسوسه شیطان و «فاتحین صحرا» را در سینمای ایران ساخت، پس از چندسال دوری از ایران و تحصیل در رشته سینما در امریکا، اخیراً برای زمانی کوتاه به ایران آمده است و درهمین دیدار کوتاه توانستیم با او حرف بزنیم و مسایل سینما را در ایران و امریکا مورد بررسی قرار دهیم.

زرین‌دست در زمانیکه در امریکا بسر میبرد، فیلمی ساخت با نام «کینه‌جو» یا «بکش الکس، بکش»، که بعبارتی کارنامه جدید کار اوست. زرین‌دست درمورد فعالیت‌هایش در سینمای قبل از سفر به امریکا میگوید:

هنگامیکه به ایران آمدم، یك دنیا ارزو داشتم. میخواستم فیلم‌هائی بسازم که سهم مرا در سینمای ایران نشان دهد. همان وقت که فیلمی مثل «گنج قارون» شده بود سینمای مردمی، من امدم «هاشم‌خان» را ساختم، بدون رقص و آواز و قرکمر. بعد «وسوسه شیطان» را جلوی دوربین بردم، ولی سینمای آنروز خانه‌تکانی نکرده بود و آنچه برای تماشاگر سینما مطرح بود، کارهای کمدی و رقص و آواز بود. بنابراین به بیراهه کشانیده شدم و فیلم‌هائی را ساختم که بعنوان یك تجربه تلخ برایم باقی ماند.»

زرین دست پس از شکست درساختن فیلم‌های ایرانی یا فیلم فارسی، راهی امریکا شد تا بقول خودش بیش از این برخورد با ناراحتی‌های مداوم را نداشته باشد... مدت سه سالی که در امریکا بسر برد، با گرفتن مدرك تازه تحصیلی دست به یك کار تازه زد که بهتر است از زبان خودش بشنویم:

- «من از تجربه‌های تلخی که از گذشته فیلم سازیم به ویژه در ایران داشتم، استفاده کردم. اینبار میبایست قدم بالاتری را برمیداشتم. میبایست نیروهای هدررفته را باز می‌یافتم. اینبود که دراین سه سال در امریکا اولاً درس خواندم و کارهای تازه را فرا گرفتم و درتاس یك فیلم سینمائی تازه را با تهیه‌کننده، بازیگر و فیلمبردار خارجی بنام «کینه‌جو» ساختم، این فیلم سند کارجدید منست که قرار است در ده ایالت امریکا طی مراسمی بروی پرده بیاید، البته طی تشریفات و مراسم خاصی که امریکائی‌ها درآن شهرت فراوانی دارند. ماصداها را سر صحنه ضبط کردیم و هنگام مونتاژ متوجه شدیم کاری درخور توجه عرضه کرده‌ایم. این فیلم درباره زندگی سربازان امریکائی است که از جنگ ویتنام باز گشته‌اند. چگونگی زندگی آنان پس از بازگشت از صحنه جنگ، قابل ملاحظه است. دراین فیلم قهرمان داستان که «الکس» نامدارد، از جنگ باز میگردد و تازه در می‌یابد همسرش را کشته‌اند، او که درمانده و ذلیل است و خونی، بدنبال انتقام براه می‌افتد. زمینه فیلم امریکائی است، ولی قابل لمس برای همه ادم‌هائی که کینه‌ای را در دل میپرورانند.»

میپرسم: برای اینده چه برنامه‌ای داری؟ ایا در تهران فیلمی خواهی ساخت؟

میگوید: «یك سناریو دارم بنام «گرگ‌ها»، که داستان آن مربوط به زندگی یك زن و شوهر امریکائی است که در شرکت نفت سی سال قبل ما کار می‌کردند. مسئله رابطه روحیه غربی انهاست با روحیه شرقی ایرانی و درگیری‌هائی که پیش می‌آید. فعلا درتماس با شرکت گسترش صنایع سینمائی هستم، تا این سناریو را بصورت فیلم مشترك ایران و امریکا بسازیم، و نیز در سفر ایتالیا که رفته‌ام برنامه‌هائی را برای تهیه یك فیلم مشترك ترتیب داده‌ام.»

بهرحال باید دید زرین‌دست با دست پری که دارد، در فیلمسازی اخیر خود در ایران چه خواهد کرد.

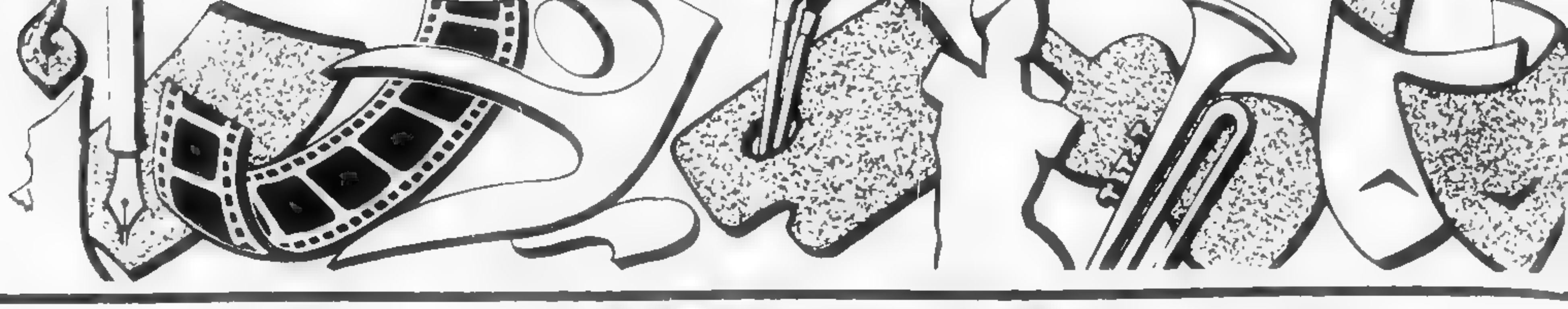

جشنواره جهانی فیلم تهران معرف یك کار تازه از فیلمساز ارزشمند ایرانی محمد رضا اصلانی بود، فیلمی با نام «شطرنج باد» که در ان ستارهٔ هنرمند فخری خوروش، کشاورز، زنجان‌پور، گلچین، و شهره أغداشلو بازی کردند. این فیلم که یك زاویه جنائی داشت از بازی خوب فخری خوروش که نقش اول داستان را بعهده دارد، بهره می‌گرفت.

«شطرنج باد» به سفارش سازمان گسترش صنایع سینمائی توسط محمد رضا اصلانی ساخته شده که حدود دومیلیون تومان خرج فیلمبرداری شده است، و برای فروش به بازارهای جهانی و نمایش در کشورهای اروپائی آماده گردیده است. در اینجا تصویری از فخری خوروش را بهنگام بازی در فیلم سینمائی شطرنج باد می‌بینیم.

شهاب جزایری وبرنامه‌های تازه

شهاب جزایری که اینروزها با ترانه‌های جدیدش شهرت تازه‌ای پیدا کرده، قبل از اینکه خواننده شود، یك روزنامه‌نگار بود. او تحصیلاتش را تا فوق دیپلم رشته روزنامه‌نگاری دانشگاه تهران ادامه داد، سپس نزدیك به ده سال بعنوان خبرنگار و نویسنده در نشریات گوناگون تهران کار کرد، ولی با اولین ترانه‌اش بنام «شیرین جان» در رادیو و تلویزیون شهرتی پیدا کرد و از ان پس همه حرفه‌ها راجز خوانندگی کنارگذاشت او در حال حاضر چهار ترانه آماده دارد، شهاب جزایری در مورد اهنگ جدیدش بنام «مریم» که مورد توجه قرار گرفته گفت:

اهنگ مریم اهنگی است محلی که بوسیله مجتبی میرزاده تنظیم شده، ترانه‌اش محلی است و شاعر مشخصی ندارد.

شهاب جزایری ازدواج کرده و فعلا یك دختر بنام بهاره دارد، ولی دوران ازدواجش بیش از یك سال بطول نکشید و جالب است بدانیم این خواننده در جال حاضر کارمند واحد خبرگزاری رادیو تلویزیون ملی ایران است.

چهره جدید

سینمای فارسی، سینمای چهره‌های تازه است. تماشاگران سینمای ایران مدام دنبال فیلم‌هائی هستند که چهره‌های جدید دارند و بالطبع هم هنرپیشه‌های تازه هستند که از راه میرسند. غرض ورود یك ستاره تازه در سینمای ایران با نام «سحر» است که استقبالی هم از او شده و در حال حاضر قرارداد چندین فیلم را برای بازیگری دارد از جمله شهر، جوجو، و فیلمی بکارگردانی سیروس قهرمانی که برای شرکت سینمائی پانورا میسازد جالب است بدانیم این بازیگر تازه سینما قبل از این میهماندار هواپیما بوده و نیز مدتی بعنوان مانکن فعالیت داشته و اینك پس از این تجربیات، به کار سینما روی اورده است. تا ببینیم بازی او در سینما چه مسایلی را پیش خواهد آورد.

بقیه از صفحه ۲٤

تلاش و کوشش صدها کارگر......

[illegible]

[illegible]

محمد را بخاطر این طرز فکرش ستایش می‌کنم و به او و سایر همکارانش خداحافظی می‌گویم و ... را ... موفقیت و سعادت دارم.

[illegible]

فلك

ستارگان درباره حوادثی که در دو هفته آینده در انتظار شماست چه میگویند.

فروردین

[illegible]

اردیبهشت

[illegible] پیشرفت و ترقی [illegible] بهتر [illegible] تا زودتر به مراد برسید. اگر از برخوری خود بکاهید میتوان به [illegible] که هیچگاه [illegible] سلامتی خود نگران [illegible] گذشته [illegible] کنید.

خرداد

اگر ازدواج نکرده‌اید، آنچه را که عشق می‌پندارید، متاسفانه عشق واقعی نیست. اگر ازدواج کرده‌اید، بیشتر به عواطف همسر خود اهمیت بدهید. بیهوده از یکی از دوستان رنجیده‌اید. بهتر است در پی رفع دلتنگی برآئید. نامه‌ای دریافت میدارید.

تیر

[illegible]

مرداد

یك برخورد غیرمنتظره برای متولدین این ماه دیده میشود. این برخورد منافع بسیاری برای آینده در بر خواهد داشت و تمام مشکلات مادی شما بزودی برطرف خواهد شد، بطوریکه در آینده از جهت مادی، هیچگونه نگرانی نخواهید داشت. یك وصلت در خانواده در پیش است.

شهریور

در روزهای آینده جزئی کسالت خواهید داشت و این آنقدر ها مهم نیست که تمام افکارتان را معطوف به آن سازید. این کسالت ناشی از کار زیاد است. اگر کمی استراحت کنید، هم به نفع شماست و هم بنفع تمام افراد خانواده که از نگرانی بیرون خواهند آمد. خرید مهمی انجام میدهید.

مهر

[illegible]

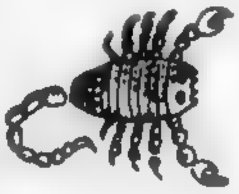

آبان

[illegible]

آذر

با وضع موجود بیش از پیش سازش داشته باشید و کمتر انتقاد کنید، زیرا انتقاد نه تنها در وضع شما مؤثر نیست، بلکه کار را خراب‌تر میکند. در روزهای آینده بیك میهمانی تقریباً رسمی دعوت میشوید. به اعصاب خود مسلط باشید. سکوت و خونسردی را حفظ کنید تا در آنجا به شما خوش بگذرد.

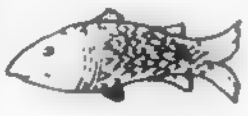

دی

[illegible]

بهمن

در روزهای [illegible] برخورد [illegible] شخصی خواهد داشت [illegible] که [illegible] برخورد به نفع خود بهره‌برداری کند.

[illegible] کاری که شروع کرده‌اید بدست میآورید.

اسفند

رسیدن یك نامه و یا یك خبر تازه شما را سخت خوشحال کرده و نسبت به او امیدوار می‌کند. در مورد مسائل بغرنج مالی که اخیراً با آن درگیر شده‌اید، نگران نباشید. تمام مشکلات از بین خواهد رفت، بطوریکه شما به آینده خود بیش از پیش امیدوار خواهید شد.

در روزهای آینده خرید به نفع شما خواهد بود.

تجربه تلخ

بقیه از صفحه ۶۹

کی. [illegible] سوهری و [illegible] که فکر میکنی [illegible] کرده [illegible] مرور [illegible] و عروسی کنی. حالا [illegible] صفیه بطور کامل در [illegible] [illegible] فرود کشید.

[illegible] سوهر [illegible]

من نمی‌فهمم [illegible] همچی حرف میزنی [illegible] صفیه [illegible] هرچه بود [illegible] و وسوسه‌ای که [illegible]

[illegible]

ولی این کاملاً مسلم بود که [illegible] دختر [illegible] فرح [illegible] تمام عشق و علاقه‌ای که [illegible] موضوع کوچکتر [illegible] که صفیه به خود [illegible] [illegible] داشته باشند سخن گفته بود. [illegible] موضوع [illegible] عوض کرده و [illegible] کشیده بود:

خدای من، تو چرا متصل از [illegible] حرف [illegible] که هنوز [illegible] در حال زندگی کنی. [illegible]...

و حالا صفیه در واقع دیگر [illegible] از دست داده بود. از وقتی که فرح دیگر به [illegible] نمی‌آمد. [illegible] روی زندگیش [illegible] بود. [illegible] و دیگر [illegible] زندگی و [illegible]

سده بیاندیشد، در گذشته سیر میکرد و فکرش در [illegible] مرگ [illegible] در یك ظهر جمعه [illegible] سکسته و [illegible]

[illegible]

●●●

[illegible] برای مدت کوتاهی [illegible] همچون [illegible] گذشته بود. هرچه فکر میکرد دیگر تحمل کشیدن [illegible] زندگی [illegible] داشت و به هر طرف روی میکرد. دریچه‌ای به رویش گشوده نمیشد. اگر چه هیچ کدام [illegible] یك لحظه دیگر [illegible] به همین [illegible] پوچ و بی‌حاصل [illegible] چندقدمی [illegible] کارخانه‌ای عظیم به حرکت در [illegible] بیرون [illegible] نام میخواند. دیگر جای هیچ گونه تاملی نبود بدون حرف به طرف اتومبیل دوید. [illegible] سکوت در درون [illegible] حکمفرما [illegible] و حتی وقتی هم که [illegible] دفتر [illegible] فرح [illegible] هم کلامی [illegible] صفیه هم [illegible] یك لحظه [illegible] و در لحظه دیگر صفیه همچون [illegible] افتاد. حتی در آسانسور هم به هم حرفی نزدند، اما وقتی در دفتر، در پشت سر آنها بسته شد، فرح یك دفعه دستانش را باز کرد و صفیه [illegible] [illegible] گردن و سینه او را میبوسید [illegible] میداد و در حالی که لحظه به لحظه [illegible] [illegible] خود میفشرد. صفیه دیگر خود را رها کرده بود و فرح به طرف سرزمین‌های ناشناسی میرفت که کمتر به آنها اندیشیده بود. عقل، و صدای [illegible] آن، در وجودش به خواب رفته بود و احساس و

[illegible]

پایان

نامه به سردبیر

اهواز- دوشیزه «ب»

خواهرجان، نامه شمارا با دقت و رغبت تمام خواندم و خیال متاثرشس را داشتم که یکباره لگد محکمی به دلم زدم و آماده شدم که بجای ابراز همدردی، کمی نصیحتتان کنم و بعد به مطالبی که نوشته‌اید، بپردازم. عرضم بحضور سرکار خانم «ب» خانم عزیز که اولا بنظر من شما دختری هستید بسیار حساس و خودخور، که همین حساسیت موجبات بیزاری از زندگی را برایتان فراهم کرده است. ثانیا من تصور نمیکنم توی چهارپنج میلیارد آدم ریز و درشت و سرخ و سفید و سیاه و زرد دنیا کسی باشد که دربست از زندگی خودش رضایت داشته باشد، زیرا تمام رضایتها نسبی است. حتی بسیار کسانی پیدا میشوند که بهمین زندگی بظاهر نسامان شما غبطه میخورند، چرا که یا قسمتی از چهارستون بدنشان علیل است، یا چنانکه در افریقا سراغ داریم همه به هفته نان خالی برای سیرکردن شکمشان ندارند.

حال آنکه سرکارخانم بشکر خدا از سلامت کامل بهره‌مندید و بطوریکه نوشته‌اید، درحال حاضر پدر شرافتمند و زحمتکشتان سرگرم تادیه قسط یخچال و تلویزیون و اجاق گاز و امثال اینهاست. بی‌تردید کسی که هوس خرید تلویزیون میکند از آنچنان رفاه نسبی مالی برخوردار هست که میتواند پول این وسیله سرگرمی را بدهد. از این حساب نتیجه میگیریم که زندگی شما از لحاظ مالی کمبود چندانی ندارد، منتهی چون همانطور که گفتم سرکار حساس هستید به نکاتی توجه میکنید که برایتان دردسر ایجاد میکند. من در نوشته شما چند جا عبارتی مانند «چرا فلان همکار پدرم، فلان پول را گرفت؟» یا «چرا فلان کارگر که سابقه خدمتش از پدرم کمتر است، فلان مقام را دارد؟» دیدم که حدس مرا مبنی به یقین میکند. ما میرسیم به مسائلی که درباره پدرتان مطرح کردآید. اولا باید توجه داشته باشید که ایشان کارگر یك سازمان دولتی است که متاسفانه این سازمان از نظردادن حقوق و دیگر مزایای مورد نیاز کارکنان، نسبت به مؤسسات خصوصی سطح پائین‌تری دارد- همانطور که خیلی از مؤسسات خصوصی حقوق بیشتری نسبت به وزارتخانه میدهند- که فعلا هیچ کارش نمیشود کرد. ثانیا بدون تردید پدر شما دربدو استخدام بنام مکانیك شروع بکار کرده که آن روز درمقام مقایسه با راننده، وضع آبرومندانه‌تری داشته است. بنابراین امروزه سازمان مورد اشاره نمی‌تواند مزایای راننده را به پدر شما، هرقدر هم ماهرو واجد شرایط باشد، بپردازد. ثالثا تاآنجا که حقیر میدانم پرداخت سود ویژه یا حق السهم کارخانه شامل مؤسساتی میشود که جنبه انتفاعی داشته باشند. حال آنکه محل کار پدر شما نه تنها سود بده نیست، بلکه از یك وزارتخانه کمك مالی بصورت بودجه مصوبه میگیرد. رابعا معالجه دندان از نظر سازمان خدمات درمانی تابع مقرراتی است که نمی‌توانند خلاف این مقررات اقدامی کنند.

با توجه به آنچه که گذشت انصاف بدهید که شما با حساسیت بی‌حد، بی‌خود و بی‌جهت کار دست خودتان داده‌اید. افزون بر اینکه هنوز آینده درازی درپیش دارید و اصولا باید این حقیقت را بپذیرید که زندگی شما از زندگی پدر و مادرتان جداست. شما سعی کنید هنگام تشکیل زندگی زناشویی، با چشم باز تصمیم بگیرید و خوشبختی مطلوب را درآنجا بجوئید. روی همین اصل هم بهتر است که از سال آینده مجدد به تحصیل بپردازید و این اندیشه را که تصور می‌کنید درباره پدرتان رعایت انصاف نشده از سر بیرون کنید. ضمنا [illegible] هم [illegible] اینکه با طرح نامه جای عنوان کردن سه چهارنامه دیگر را گرفتم و درآین رهگذر [illegible] شدم. از خوانندگان ارجمند پوزش میطلبم هرچند که معتقدم این نامه میبایستی بهمین صورت مطرح شود، چرا که کار ما توجه دقیق به خواسته‌ها و دردهای تمام کارگران عزیز وطن و خانواده زحمتکش آنهاست موفق و مؤید باشند.

اصفهان- آقای هوشنگ- ب

پس از سلام علیکم علیکم و کمی [illegible] بدانم که فعلا از خدمتعالی نخست بنویسم این نامه و گاهی [illegible]، کمی تشکر کنم [illegible] تا این لحظه میدانستم که اصفهان هم کارخانه قند دارد و بدون کشیدن منت دیگر شهرستانهای صاحب قند کام اصفهانیهای عزیز را شیرین میکند. بعد از این مورد، قدم زنان میروم رو به مشکل جنابعالی و بعرض مبارك میرسانم که اینکاش طی نامه خود مرقوم میفرمودند که [illegible] سکونی سرکار مستطابعالی، [illegible] شجاعی شخص هوشنگ‌خان. هرچند که در اصل قضیه تاثیری [illegible] مثل روز روشن است که اگر [illegible] مسئول [illegible] تعمیر این خانه که بفرموده [illegible]، سقفش در حال جلوس [illegible] در شرف دراز کشیدن، اگر دست [illegible] خانه یاد شده عزم خود را بمرحله [illegible] می‌آورد از این رو برغم حقیر اگر [illegible] پول و پیه‌یی برای مرمت [illegible] دارند [illegible] چشمداشت به لطف دیگران هرچه مربوطه [illegible] فرمائید، و گرنه همچنان برایان خوش به [illegible] مسئول مراجعه کنید تا انشاالله و تعالی [illegible] فردایی که مورد نظر حضرات است فرا رسد، [illegible] که من انجام تصمیم دیگرتان را صلاح [illegible] می‌دانم

توفیق انتخاب را در جدال با ریزش سقف [illegible] سیاد آرزومندم.

مشهد- آقای جلیل- پ- د

جداً باید از کارگر شجاع و با انصافی مثل تو دوست عزیز با تمام وجود ستایش کرد که بدون هرگونه تعصب و اغماضی درخصوص وظیفه‌نشناسی و کم‌توجهی بعضی از همکارانت قلم زده‌ای و ضمن برشمردن عوارض نامطلوب کمکاری این گروه به آنان هشدار داده‌ای. بنده پیش از نقل بیانات نغز تو برادر عزیز لازم میدانم درابنجا اعلام کنم که خوشبختانه در میان میلیونها کارگر زحمتکش و وظیفه‌شناس وطن، تنها عده‌ای از کارگران جزو این گروهی هستند که تو اشاره کرده‌ای. با وجود این بدون شك مقامات مربوط با کسب الهام از فرمان ۹ ماده‌یی شاهنشاه آریامهر در این مورد تصمیمات قاطعی اتخاذ خواهند کرد. اما ایکاش آن عده از کارگران که هنوز با وظایف خود آشنا نشده‌اند، پیش از آنکه با چنین تصمیماتی روبرو شوند، خود را اصلاح میکردند. بهرحال، با اینکه من تو حق میدهم و میدانم قدرت و توان آن را داری که به استادت بگویی در تعمیرات اتومبیلهای مردم کمی دقت کند و با سرهم بندی کردن وضعی پیش نیاورد که طرف هنوز از درتعمیرگاه بیرون نرفته، مجددا برگردد، اما تصور [illegible] وضع را به مشتریان اطلاع دهی [illegible] در عین پول مفت دادن، سرگردان شوند. [illegible] گذشته از سرگردانی وقتی آدمیزاده [illegible] تعمیرکار، پلاتین کهنه و کارکرده را [illegible] بجای پلاتین نو توی دلکو چپانده [illegible] موتور تردید نشده، راهی بیابان شود، بدون تردید دردشت بی‌انتها تك و تنها و بی‌یارو یاور میماند و لاجرم طعمه اشتهاآفرین گرگهای گرسنه میشود. بهرحال از خدا میخواهیم که همه [illegible] بی‌توجهاش را براه راست هدایت‌اله خان فرمایند!

پیشنهاد میکنم که...

● جناب آقای سردبیر

با سلام فراوان، تندرستی و بهروزی شما و تمامی همکاران ارجمندتان را آرزو میکنم و امیدوارم که این نشریه خوب و پرتیراژ، کماکان در عرضه مطالب بکر و سودمند، موفق و مؤید باشد. از آنجائی که اینجانب از ورزشکاران و ورزشدوستان سفت و سخت این آب و خاکم، و رشته فوتبال را با جان و دل خواهانم، اجازه میخواهم پیشنهاد کنم که اگر امکان دارد دستور فرمائید در مجله رستاخیز کارگران، صفحه‌یی را به چاپ اخبار، تفسیرها و ریزه‌کاریهای فوتبال اختصاص دهند تا کسانی که مشتاق با خبر شدن از مسابقات و فعالیتهای این ورزش هستند، همواره درجریان امر قرار گیرند امید است به این درخواست بذل توجه فرموده، بنده را بیش از پیش مورد عنایت قرار دهید.

کاشان- حبیب اله اسماعیل زاده

دوست گرامی،

با ابراز تشکر از لطف و توجه سرکار به مفاد و محتویات مجله، باید به آگاهی جنابعالی برسانیم که دربخش پنج- شش صفحه‌یی ورزش مجله، همواره اخبار مربوط به فوتبال بمراتب بیش از دیگر رشته‌ها بچاپ میرسد.

مع الوصف اگر نظر شما چیزی غیر از این است که عنوان کرده‌اید لطفا آن را روشن تر مطرح کنید تا درباره‌اش بررسی‌های لازم بعمل آید.

با تشکر فراوان

● جناب اقای سر دبیر مجله،

باتقدیم و عرض سلام و ارادت امیدواریم از تشویق کارکنان خود که برای پیشبرد مجله از هیچ زحمتی دریغ ندارند، کوتاهی نفرمائید. غرض از مزاحمت اینست که اگر امکان دارد به پیشنهاد بنده که از خوانندگان پرو پا قرص مجله شما هستم، توجه بفرمائید و ان را انجام دهید. حرف من اینست که اگر ممکن باشد، به اقای دکتر روحانی توصیه فرمائید در صفحه پزشکی ستونی زیر عنوان «پرسش‌های پزشکی» بازکنند و از این طریق کارگران بیماری را که بسبب داشتن مشغله زیاد از مراجعه مستقیم به پزشك محرومند، راهنمایی فرمایند. گذشته از این با توجه به وضع ترافیك واقعاً زور دارد که آدم برای یك سرماخوردگی راه درازی را برای رسیدن به مطب دکتر بپیماید.

تهران- محمد موسی ملك سیمایی

کارگر ارجمند،

[illegible] لطف صمیمانه شما [illegible] توضیح هستیم که گذشته از ممنوعیت قانونی

اصولا گشودن چنین ستونی به مصلحت فرد [illegible] امکان وقوع حوادث ناگوار بسیار زیاد است. به [illegible] که ممکن است دوست کارگری ضمن [illegible] تجویز دارویی برای بیماری یکی از خوانندگان، خود که دارای مرضی مشابه بیماری مورد بحث است، از داروی تجویز شده برای دیگری استفاده کند و با توجه به عکس‌العمل مختلف مزاجها در برابر داروها، نتیجه معکوس بگیرد. زیرا اینك به اثبات رسیده است که اثر دارو بر روی همه افراد، یکسان نیست و در بعضی موارد باعث بروز عوارض ناگواری میشود. اما راهنمائی‌های مورد لزوم که جنبه بهداشتی داشته باشد در ستون «پاسخ به پرسشهای پزشکی و خدمات درمانی» صورت می‌گیرد با طلب پوزش، توفیق روزافزون شما را آرزومندیم

مکتب کارگران

[illegible] خانم حیران [illegible]

علیکم‌السلام لازم میدانم به عرض [illegible] برسانم که از رویدادهای [illegible] چنین نتیجه گرفته شده است که [illegible] قادر انجام هر کاری ممکن [illegible] سال

[illegible] رویدادهای مروری [illegible] پرفسور «هرمن [illegible]» ۱۹۲٤ رسما اعلام کرد که [illegible] از هیچ موجود [illegible] شرایط [illegible] حمل [illegible] سفینه‌های [illegible] دیگر مسدود [illegible]

در مورد [illegible] در مورد [illegible] موجود [illegible] بهرحال اگر [illegible] مطمئن [illegible] مسدام

مشهد مقدس [illegible]

به برادرجان، همین [illegible] تمام وجود [illegible] آستان حضرت امام رضا علیه‌السلام [illegible] و جنابعالی پوزش می‌طلبم و صریحا اعلام میکنم که بنده یکنفر [illegible] ۱۳ [illegible] مردوارد شدن به شهر مقدس مشهد [illegible] خاصرم سرکار هر [illegible] میل به آن جواب بدهم [illegible] به عرض عالی میرسانم که پوریای [illegible] پهلوان محمودین‌ولی [illegible] خوارزمی، [illegible] به قتالی [illegible] پهلوانان [illegible] و پیش‌کسوتان ورزش باستانی در قرن هشتم هجری [illegible] این پهلوان [illegible] قهرمانیش پس از ۶۰۰سال همچنان پابرجاست در سال ۷۲۲ هجری درگذشت و در [illegible] بخاك سپرده شد. در باره پهلوانی‌های پوریای ولی داستانهای زیادی نقل کرده‌اند که همه‌اش حاکی از جوانمردی این پهلوان یگانه و نمونه [illegible] حتی یك موردش را برای [illegible] ذکر کنم [illegible] پیشکسوتی پوریای ولی همینقدر میگویم که او بنیانگذار ورزش زورخانه‌ای در [illegible] که هنوز هم ادامه دارد. یاهو، حق نگهدار [illegible]

رشت- دوشیزه الهه دمخورانی مطلق

[illegible] همشیره‌جان، [illegible] فرموده‌اید و ضرب‌المثل «[illegible]» از اصطلاحات [illegible] نیست [illegible] این ضرب‌المثل [illegible] اثر ماجرایی در اواخر دوران قاجاریه باب روز شد به این معنی که وقتی [illegible] قشون مستعفی شود. زعمای قوم در صدد [illegible] قشون برآمدند، [illegible] دستخوش اشکالات [illegible] عدم بودجه لازم برای [illegible] حقوق سربازان بود و بهمین علت نتوانستند کسانی را بیابند که صرفاً به عنوان سرباز در قشون مورد نظر انجام‌وظیفه کنند. از این رو تصمیم گرفتند ارتش کذاوکذا را با عضویت کسبه شهر تشکیل دهند که حضرات چشمداشتی به مواجب ثابت [illegible]

[illegible]

حالا ملاحظه فرمودید که [illegible] و [illegible] داری [illegible] ساخته و پرداخته حقیر نیست؟ پس خداوند شما را از سروری کم نکند!

پاسخ‌های متفرقه و کوتاه

بوکان - آقای جعفر اسماعیلی سرخ

والله جان نثار هم علاقه عجیبی به خبرنگاری داشتم که سرانجام به این روز افتادم.

بهر تقدیر، با اینکه خبرنگاری، هزاران هزار شرط دارد، معذلك دارای شرطی نیست و همینقدر کافی است که سر کار مستطابعالی چند نمونه خبر بفرستید تا ما با بررسی نحوه کار شما، نتیجه را اعلام کنیم. این گوی و این میدان.

سنقر کلیایی - آقای اقبال جهانگیری

علیکم السلام جناب اجـل و اکرم المیز جهانگیرخان اقبالی. حال و احوال مبارك چطور شد؟!

والله اقبال جان بنده یکنفر هر چه بسر و کله‌ام فشار اوردم نتوانستم برای تو دوست عزیز فکری بکنم. زیرا در جایی که جنابعالی خودت از ساعات کارت نوشته‌ای و یك شب در میان هم به کشیك میپردازی، چگونه ممکن است فرصتی برای درس‌خواندن پیدا کنی. البته اگر واجد شرایط لازم باشی از تحصیل مکاتبه‌یی میتوانی بهره‌مند شوی، اما در این مورد نیز وقتی برای تمرین و حاضرکردن تکالیفت نداری.

خلاصه کلام، اگر وقت تمرین در حین انجام کار را داری، طی نامه‌یی به حقیر اطلاع بده تا راجع به تحصیل مکاتبه‌یی اطلاعاتی در اختیارت بگذارم. عجالتا توفیقت را ارزومندم.

تهران- آقای امضاء محفوظ

الهی دورتان بگردم، قربان! معمولا در باره محفوظ ماندن امضاء، یك راه بیشتر وجود ندارد، و آن اینست که فرستنده نامه ضمن نوشتن نام و نشان صریح خود در گوشه‌یی از مرقومه ارسالی از گیرنده نامه درخواست میکند که امضای وی را محفوظ بدارد. حال انکه جنابعالی بدنبال دو صفحه مطلب جامع و مستدل مرقوم فرموده‌اید که «امضاء محفوظ» حال انکه اگر این عبارت را هم نمی‌نوشتید، امضای سرکار محفوظ میماند، زیرا ما از شما نام و نشانی نداشتیم تا به چاپ آن مبادرت ورزیم. بهرتقدیر، عین نامه سرکار را به بخش «قانون کار» فرستاده‌ایم تا در باره آن تصمیم مقتضی بگیرند

فیروزکوه- آقای نوروز جعفری

دوست عزیز و نازنین، با عرض سلام و ابراز ارادت زحمت افزا میشوم که قصه فانتزی مانند شما را با صبر و حوصله بسیار خواندم و اجازه میخواهم در نهایت صراحت به استحضارعالی برسانم که داستان مرحمتی سرکار از نظر دستوری و فرم‌بندی جملات و عبارات خالی از نقص نبود. معهذا این امکان را داشت که بصورت قصه وارده خوانندگان چاپ شود، امابدبختانه بچند دلیل انجام این امر مقدور نشد به این معنی که اولا سوژه‌اش بسیار ضعیف بود که به عبارت دیگر باید عرض شود که اصلا سوژه نداشت. زیرا رفتن پسر لبوفروش به فرنگ و اقامت بیش از حد او درد یار غربت نمیتواند داستان شود. ثانیا قصهٔ مورد بحث در اواسط گدران خود تبدیل به مقاله‌یی انتقادی شد. با کلی شعار از قول نویسنده با این نتیجه که هر کس از کشور ما بقصد تحصیل به ممالك خارجی برود، بجای درس خواندن، سرگرم عیاشی و ولگردی میشود. حال انکه وجود هزاران دکتر و مهندس از خارج برگشته، خلاف این مدعا را ثابت میکند، که همهٔ انها که به خارج می‌روند درس را رها می‌کنند، و به مسائلی که ابدا ارتباطی با تحصیل ندارد

می‌پردازند

شیراز- خانم مریم

واله خواهرجان، برای من با هزار کیلو متر فاصله و اطلاعاتی بسیار ناقص که از نامه شما بدست امده، بسیار مشکل است که به راهنمایی سرکار علیه بپردازم. زیرا از دو خواستگار شما تنها چیزهایی درباره قد و بالایشان می‌دانم و بس.

باوجود این از تجربه و دیده‌ها و شنیده‌های دوران زندگی خود کمك میگیرم و به عرض شما میرسانم که به تصور بنده آن مرد ۳۵ساله، سردو گرم چشیده و صاحب شغل، بهتر از این جوان خوش سیما و شسته رفته و بیکار است، افزون بر اینکه بعید نیست جوانك خواستگار تنها به طمع خوشگذرانی چندین‌ماهه و بهره برداری از درامد نسبتاً خوب و پس‌انداز چشمگیری سرکار،پیش امده باشد که بی‌تردید چنین ازدواجی فرجام مطلوبی نخواهد داشت. از همه اینها گذشته، تجربه نشان داده است که بزرگتر بودن زن از شوهر در سالهای آخر زندگی عوارض ناگواری پیش می‌اورد که مهمتر از همه هوایی شدن مرد به بهانه پیری‌زن است که جداً مصیبتی است. توفیق و شادکامی شما را مسئلت دارم.

رشت - آقای ابراهیم پرهیزکار

حالا که حضرتعالی بدون سلام و علیك، جوك یا لطیفه و مطلب خود را مطرح کرده‌ای، فدوی هم بدون عرض ارادت می‌نالم که جداً از مطالعهٔ این جوك کلی زاریدم. معهذا عین آن را تحویل صفحه خوبمون دادم تا در آیندهٔ نزدیك همدردانی پیدا کنم! در پایان از شوخی گذشته، باید بگویم که لطیفه شیرین و جالبی بود.

سرداران استقلال ایران

شیرمرد طبرستان

نوشته عباس پزشکی

شیرمرد طبرستان

بامداد روزبیستم ربیع‌الاول سال ۱٦۰ هجری قمری هیجان خاصی شهر آمل را فرا گرفته بود. سیمای خشمگین ولی مصمم مردم شهر، حکایت از توفانی زود هنگام می کرد. گاه فریادی خشمگین که بیشتر به غرش شیری زخم دیده می ماند، سکوت کوچه‌ها و بازار شهر را میشکست و قبل از آنکه به‌گوش ماموران و سربازان خلیفه عباسی که همه جا مراقب اوضاع بودند برسد، به آهنگی غرور آمیز و رضایت بخش مبدل می شد، اوج میگرفت و برلبها خنده می آورد. نگاه چشمان را درخشان میکرد و دلها را امید لبریز میساخت.

کم‌کم همه مردم آمل ، این آهنگ دل‌انگیز و این زمزمه غرورآمیز و امیدآفرین را شنید ند و دانستند که از سحرگاه امروز «ونداد هرمز» شیر مرد طبرستان و سردار بزرگ و آزاده‌ای که سالهاست در آرزوی آزادی ایران، جان برکف نهاده است، در گوشه دورافتاده‌ای از جنگل، که کسی را به آنجا راهی نیست، بایاران همدل خود «اسپهبد شروین» فرمانروای سوادکوه و «مصمغان ولاش» اسپهبد میان دورود به گفتگو نشسته است تا به یاری و همفکری آن دو، قیام مردم طبرستان را علیه عمال خلیفه طرح ریزی کند و آزادی از دست رفته را باز ستاند.

اگر شهر آمل هیجان زده و نا آرام می نمود، ولی جنگل جنوبی شهر را سکوتی پرشکوه فرا گرفته بود. در دور افتاده‌ترین نقطه جنگل، در آنجا که زمین‌های مسطح به تپه‌های کوتاه و سپس کوهای بر افراشته و پوشیده از درختان تنومد ختم میشد، «ونداد هرمز» شیر مرد طبری، در حالیکه به تنه درختی تکیه داده بود و با نگاهی پر مهر سیمای خسته ولی گشاده یاران همدل خود «اسپهبد شروین» و «مصمغان ولاش» را از نظر میگذرانید، [illegible]

[illegible]

... عشرت و هوس خلیفه به صبح رساند و اکنون که جوانی را پشت‌سر نهاده و از نشاط و زیبائی و شکوهشان چیزی برجای نمانده است، جز گوشه مطبخ قصر خلیفه جائی برای خواب نداشته باشند. مگر فراموش کرده‌ای «یزید بن‌مهلب» را که سوگند خورده بود از خون ایرانیان آسیاب بگرداند و وقتی به حکمرانی گرگان رسید، به سوگند خود عمل کرد، آسیاب خود را با خون مردم بیگناه به گردش در آورد، گندم آرد کرد و نانش را هم خورد. مگر این آسیاب از خون دو برادر تو و چهار فرزند آنها به گردش در نیامد؟ مگر نمیبینی هنوز هم خانه‌های مردم بی‌پناه از سوی تازیان غارت میشود و هرجا که دختری زیبا رو سراغ می‌یابند، به اسارت میبرند و به خلیفه عباسی و امرای وی پیشکش میکنند؟ مگر نمیبینی روزی نیست که از خون مردم بی‌دفاع جوی هاروان نشود؟ با این همه، توما را از قیام علیه تازیان برحذر میداری و [illegible]»

اسپهبد شروین، بیش از این طاقت نیاورد. در حالیکه از تاثر میلرزید، سخن و نداد هرمز را قطع کرد و باتندی و خشم فراوان گفت:

«سنگ اسپهبد خورشید و خانواده او را به سینه مزن، او مکافات عمل خویش را پس داد! مگر او و خانواده او نبودند که «سنباد» را اسیر کردند و سر او را همراه باغنائم و اموال «ابومسلم» به بارگاه خلیفه فرستادند تا فرمان حکومت طبرستان را در ازاء این خدمت از خلیفه دریافت کنند؟ ولی ونداد هرمز، معلوم است توجه میکنی؟ آیا براستی مرا ترسو و فراموش‌کار میدانی؟ آیا واقعاً اعتقاد داری که در دل اسپهبد شروین از عشق میهن و شوق آزادی ذره‌ای وجود ندارد؟

نه پسرم! اشتباه میکنی، هیچکس به اندازه اسپهبد شروین، این پیرمردی که روبروی تو ایستاده و ترا چون فرزند خویش دوست دارد، در آرزوی آزادی ایران نیست. من برخلاف تصور تو هنوز هم برای دیدن و شنیدن ظلم و جور تازیان چشمی بینا و گوشی شنوا دارم، به نسیان و فراموشی هم دچار نشده‌ام، به همین جهت است که هنوز سرنوشت «ابومسلم»، «سنباد»، «المقنع»، «استادسیس»، «بهافرید» و دهها تن دیگر چون این مردان نام‌آور را بیاد دارم. اما معتقدم همه این مردان که دلشان در هوای آزادی این سرزمین سپید و وجودشان از آتش عشق به میهن حرارت می‌یافت، با همه شجاعت و شهامتی که داشتند، چون [illegible] و [illegible] طرح نقشه‌ای اساسی پرچم مبارزه برافراشتند، راه بجائی نبردند. من با قیام شما و جانبازی خودم مخالفتی ندارم، ولی اعتقاد دارم باید طوری عمل کنیم که این بار نهضت ما به نتیجه قطعی برسد و این آتش آزادی را که ما امروز در اینجا برمی‌افروزیم، هرگز خاموش نشود.»

اسپهبد سپس ساکت شد و روی خود را برگرداند، تا دور از چشم ونداد هرمز و اسپهبد ولاش قطره اشکی را که در گوشه چشمانش جمع شده بود، پاك کند. و ندادهرمز که از قضاوت نادرست خود شرمنده شده بود، پیش دوید، دستهای اسپهبد را برلب برد و بوسید و با شرمندگی گفت:

-«مرا ببخش اسپهبد، من و ولاش اعصابی فرسوده و افکاری مغشوش و در هم داریم. حق با توست، این قیام اگر بخاطر ایران و برای آزادی میهن است باید حتماً به نتیجه برسد و براساس طرح و نقشه‌ای عاقلانه اجراء شود و چه بهتر که هم اکنون جوانب امر را از هر حیث بررسی کنیم و راهی را که بصواب نزدیك است برگزینیم.»

آنگاه هرسه به طرح نقشه پرداختند و تا ساعتی قبل از غروب‌آفتاب، بدون آنکه چیزی بخورند و بیاشامند و یا احساس خستگی کنند، همه مسائل و جوانب کار را بررسی کردند، نیروهای خود را در قیاس با سربازان خلیفه که در آمل، ساری، دیلم و سایر شهرهای طبرستان مستقر بودند، سنجیدند و به این نتیجه رسیدند که برای پیروزی بایستی زنان را هم در جنبش بزرگ خود شرکت دهند، ونداد هرمز گفت:

- آماده کردن زنان و آگاه کردن آنان را برعهده «مهستی» همسر من گذارید. او میداند چه باید بکند.»

اسپهبد شروین و ولاش که از شجاعت و لیاقت مهستی آگاهی داشتند و می‌دانستند این شیرزن چیزی از مردان جنگ‌آور کم ندارد ، این پیشنهاد را پذیرفتند. آنگاه یکبار دیگر نقشه نهضت را بررسی کردند و قرار گذاشتند در اولین روز تابستان و ساعتی قبل از ظهر، مردان جنگی در گروههای منظم به دژهای نظامی تازیان در سراسر طبرستان حمله برند و تازیان را بدون ترحم از میان بردارند و در همان زمان نیز همه مردم طبرستان، از زن و مرد، کودك و سالخورده، با چوب و چماق و هر اسلحه و وسیله‌ای که در دسترس دارند به تازیان حمله کنند و هرجا که عمال خلیفه را دیدند، بر سرش بریزند و بدون تامل بکشند.

●●●

بقیه در صفحه ۹۸

پودر

سردا

درآب سرد هم پاك و درخشان میشوید

صفحهٔ خودمون

زیر نظر: ش. تویسرکانی

بسوی تو

با تو هستم، ای کسی‌که تورا می‌پرستم، باتو هستم، ای کسی‌که همه از پیر وجوان، عارف و عامی ترا ستایش می‌کنند، باتو هستم، ای کسی‌که اسمان و زمین ر افریدی، دریا را افریدی، عشق را افریدی، امیدوارزو را افریدی و مراافریدی . اری، باتو هستم ای پروردگار جهان. پس چرا این رنج و عذاب را در جام جان من ریحتی؟ خدایا بسوی تو امدم تا مرا یاری کنی که از پای تنشینم.... اخر دلم شکسته و روحم عذاب دیده و چندیستکه خنده از لبهای من محو شده است، امدم در استانه کبریائیت زانو زنم، امدم قطرات اشک خود را فرو بارم، میگویند تو حامی دردمندانی، میگویند تو گلهای هستی را باغبانی! خداوندا، دلم صد پاره شده، می‌گویند تو در دل‌های ریش و غم‌گرفته مسکن داری، پروردگارا، دنیا با همه زیبائی‌هایش روی از من برتافته، گلها، عطرشان را از من دریغ میدارند، اسمان از دیدارم ماتم میگیرد، پروردگارا، مرا حمایت فرما، نیروئی عطا کن تا برخیزم و از شادی فریادی بکشم که عرش باشکوهت بلرزد. دستم را بگیر، جان تازه نی بمن ده.. ... پروردگارا، برغی چه مرا افریدی؟ چرا شادی از دلم رخت بربسته است؟ برای چه این گلی را که بوجود اوردی، بدست باد پرپر می‌شود؟ برای چه عشقی بردلی میکاری و مانند لاله‌نی که برصحرا بروید، لگدمال باد یغماگر می‌شود؟.. خدای من، ای قادر قدرت‌نما، بیکی از این ناله‌هایم جواب بگو. اه توانم بپایان میرسد. چشمان من بسوی تو، خداوندا بسوی کهکشان اسمان است. ای خداوند بزرگ.

فرستنده فتح‌الله اسفندیاری- کارگر، ... بروجرد

چه روزی «تانگ» متولد شد؟

تانك چیزی نیست که هیچکس در این دنیا آنرا نشناسد، چون حداقل در قرن جاری و در جنگهای خانمان برانداز این قرن، این وسیله یکی از مجهزترین سلاح‌های جنگی بوده است، ولی نکته دانستنی در مورد این سلاح اینست که برای اولین بار تانك در چه زمان و در کجا ساخته شد. تانك یك اختراع انگلیسی است و یك افسر ارتش انگلستان که حرفه‌اش مهندسی ماشین بود، بنام سرهنگ «ادوین‌سونیتون» که بعدها تا در جه ژنرالی هم رسید. در اکتبر ۱۹۱٤ با تشویق «وینستون‌چرچیل» ایده ساختن چنین وسیله‌ای را به مرحله عمل گذاشت و اولین مدل تانك که اسم عجیبی هم بنام «خرابکار کوچك» رویش گذاشته شد، بوسیله کارخانه «ویلیام‌فورستر» در منطقه لینکلن ساخته شد و در یك مزرعه مورد استفاده قرار گرفت. (۱۳ دسامبر ۱۹۱۵) و همین «خرابکار کوچك» یکسال بعد، یعنی در ژانویه ۱۹۱٦ وارد کارزار شد.

بروجرد- فتح‌الله- الف- کارگر بنا

گفته‌های بزرگان درباره کار

- کارکن و اطمینان داشته باش که کامیاب خواهی شد. «علی علیه‌السلام»
- پیروزی با کسانی است که بیش از دیگران پشتکار دارند. «ناپلئون»
- ما برای آن بوجود امده‌ایم که برای دیگران سودمند باشیم. «اکمس»
- کار و کوشش نه تنها زندگی را برای ما خوب و اسان می‌کند، بلکه مرد را ارزنده و بزرگ مینماید. «شیللر»
- کارو کوشش وسیله و راه راست رسیدن بمقصودها است. «دکتر گرلینگ»
- کره زمین مال مردمی است که پشتکار دارند. «مثل المانی»
- مردان بزرگ جز بکار خود، بچیز دیگری اعتماد ندارند و از هیچ کس یاری نجویند. «کموسیوس»
- کاربرای جسم و جان بهترین دوست است. «گنیمه»

زحمت‌های مادرو پدر

شخصی نزد رسول خدا شرفیاب شد. گفت: «یا رسوالله» پدر و مادرم اموال مرا تلف میکنند» و رسول خدا پدر او را احضار فرمود. مردی را دیدند که عصا زنان شرفیاب شد رسول اکرم از پیر مرد موضوع را جویا شد، عرض کرد «یا رسوالله، زمانی بود که فرزند من ضعیف و من قوی بودم. او فقیر و محتاج بود، من غنی بودم. انوقت من از او هیچ مضایقه نداشتم.

حال من ضعیفم، او قوی دست. من فقیرم، او غنی. مال خود را از من مضایفه میکند.» رسول اکرم از سخنان آن مرد گریه کرد و بعد بان مرد جوان فرمود «تو و ثروت تو مال پدرت هستید.» حضرت رسول این کلام را دو بار تکرار فرمود.

شخص دیگری نزد رسول خدا شرفیاب شد، و از بد اخلاقی مادرش شکایت کرد. پیامبر «ص» در جوابش فرمود «موقعیکه نه ماه ابستن تو بود، بد خلق نبود.» ،مرد گفت: «یارسوالله، مادرم بد اخلاق است.» فرمود «موقعیکه برای تو روزها زحمت کشیده و شبها بیدار میماند، هیچ بد خلق نبود.» عرض کرد «یا رسوالله، برابر زحماتش باو خدمت کرده‌ام.» حضرت فرمود «چه خدمتی کرده‌ای؟» عرض کرد» روی شانه‌ام او را به مکه برده‌ام.» فرمود «جبران یکدفعه زحمت مادرت را نکرده‌ای تا چه رسد تمام زحماتش را...»

بهبهان- احمد اکبرزاده، کارگر سازمان اب

به‌به‌ازکلفت فیلی پینی!

شعر زیر را آقای حمید جلوانی برای مافرستاده و یادآور شده است برای اینکه جنس آقایان را بهتر بشناسید، این شعر را سروده‌ام، بدنیست شما هم بخوانید.

به‌به از کلفت فیلی‌پینی — چشم بادامی ونازك‌بینی
یقه‌اش بازوگریبانش چاك — سینه‌اش مرمر ودامن‌مینی
صبح وقتی که ازجابرخیزم — دهدم چای به چه شیرینی
ظهر وقتی که بیایم به ناهار — چیده دمجور غذا در سینی
حیفوصدحیف که دانمزن من — میزند طعنه به من همچینی
ای خداوای از این بدجنسی — ای خداداد از این بدبینی

فرستنده- حمیدجلوانی کارگر کارخانه ناسیونال

«سخنان بزرگان درباره وجدان»

- وجدان فرزند عدالت است و عقل فرزند نیکی‌ها
علی ابن ابیطالب «ع»
- یك وجدان خوب بهتر از شمشیر میارزد
«ناپلئون»
- وجدان خدای حاضر در انسان است
«ویکتورهوگو»
- وجدان صدای خداوندی است که از دل انسانی خارج می‌شود.
«لامارتین»
- وجدان نماینده تقدس- پاکدامنی- عفت و صداقت است.
«الکساندر دوما»
- وجدان راهنمای بی‌نظیر و قاضی بی‌نظری است.
«منتسکیو»
- کسی که در هر امری از وجدان خود تبعیت میکند، هیچگاه خسته نشده واز زندگی ملول و از روزگار متالم نمیشود.
«بیکن»
- مردم با اخلاق معمولا دارای وجدان پاکند.
«اسمایلز»
- وجدان مانند ائینه است که نه تملق میگوید و نه تحقیر می‌کند.
«جورج واشنگتن»

گردآورنده: رحمت‌الله- م کارگر اصفهانی

باکمک تاید
مهمونی مابخیر گذشت
خانم اقدمی . خانه دار
آنشب مهمونی داشتم و من از ظهرش مشغول کارها بودم که یکهو صدای شکستن شیشه رو شنیدم
تو اطاق که رفتم، دیدم توپ بچه‌ها هرچی روی میز بود مثل سوس گوجه‌فرنگی سرکه، گلدان وغیره را برگردانده و رومیزی رو حسابی کثیف کرده
رومیزی دیگه‌ای نداشتم و مونده بودم چکار کنم که یکهو یاد تاید افتادم که میدونستم این جور چیزهارو تمیز میکنه
تمام رومیزی رو خوب با تاید شستم
وقتی رومیزی رو روی میز انداختم واقعاً حظ کردم همه‌جای رومیزی تمیز تمیز شده بود انگار نه انگار
دیدید چطور لکه‌گیری تاید واقعاً تمیزه
Tide
وقتی هدف پاکیزگی واقعی باشد تاید موفقتر است

صابون آرایش
عروس
صابون
عروس
برای دستشوئی و حمام

سیری در،
فلسفه انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۶

و شق دوم یعنی وقوع انقلاب به دلخواه خود قبل از هماهنگی همه شرایط و یا بعد از آمادگیهای طبیعی جامعه، همراه با پیایدهای حساب نشده و تبعی را میگویند انقلاب کور و وحشی..

که در رساله «فلسفه انقلاب ایران» در این مورد چنین امده است «**شکل منطقی حل تضادها، انقلابی است که ضامن گوهر وجودی جامعه باشد....**

شرایط عینی و ذهنی و نیز شرایط درونی و برونی جامعه در تعیین ضرورت چنین انقلابی که نیازمند رهبری آگاهانه است مدخلیت تام دارد».

ضرورت انقلاب و ضرورت رهبری

بهرحال با مثالی که در مورد فئودالیته زده شد، گمان میرود مسئله تضاد و چگونگی ضرورت انقلاب روشن شده باشد.

و خلاصه باید گفت که رشد و حرکت جامعه، بعلت محرک و زنده بودن عناصر تشکیل دهنده آن، جبری است.

انسانها با اندیشه‌هایشان زنده‌اند، و یا بهتر بگوئیم، نسانها با اندیشه‌هایشان کیفیت و مسیر زنده ماندنشان را تعییر میدهند بجلو رفتن هرچه میخواهد باشد، مطلوب یا نامطلوب (بعرض حال)، بهرصورت جبری است، والا نابودی و مرگ جبری خواهد شد....

دانش انسانها و اندیشه‌هایشان با ؟ و بالاتر میرود، در راهگشائی بجلو بشر طبعا با طبیعت و شرایط آن سر و کار پیدا میکند، در مقام تغییر و تبدیل آثار طبیعت برآمده و باندیشه آفریدن وسائل و ابزاری می‌افتد که آن آثار طبیعت را تغییر شکل دهد و بهرحال انسان در محدوده قدرت حکومت مطلقه طبیعت برای خویشتن راهی بمنظور حرکت بجلو و ادامه حیات بهتر و «تکامل» احداث میکند.

بشر ماشین بخار میسازد، از انرژی بخار بهره‌گیری میکند، الکتریسیته را میشناسد و آنرا شکار میکند و در راه مقاصد خویش بکار میگیرد، اتم را میشکافد و با این رازیابی با طبیعت شوخی میکند و سر به سر قوانین ازلی طبیعت میگذارد، البته این کار را یك یا دو انسان انجام میدهند، اما حاصل کار در اختیار بشریت قرار میگیرد، و موضع بشر در میان مجموعه شرایط موجود در طبیعت تغییر میکند و انسان از موضع قدرت و خلاقیت با طبیعت به گفتگو و به معامله می‌نشیند، و طبعا در هرجا که بشرها زندگی میکنند احساس قدرت میکنند....

انگاه «چرا»؟ های زیادی مطرح میشود...

* چرا اسارت و بردگی روی یك قطعه زمین؟!
* چرا بهره‌مند نشدن از تمام آنچه که میتواند در دسترس انسان قرار گیرد؟
* چرا تبعیض؟
* چرا، چرا و چرا....؟

و بابصورت تحول و پیشرفت در قالب مفاهیم گوناگون اقتصادی- سیاسی و حتی هنری و علمی ظاهر میگردد و منجمله ابعاد آزادیهای انسان عوض میشود و گفتگوهائی در زمینه تامین اقتصادی و تضمین آزادی انسانها بمیان میاید، و (تحول جبری) و (حرکت ناگزیر) نام انقلاب بخود میگیرد، که بحق ضروری مینماید. در رساله «فلسفه انقلاب ایران» نیاز به رهبری آگاهانه آنچنان مورد توجه گرفته است و بصورتی برشته تحریر درآمده است که ضرورت آگاهانه کاملا باندازه ضرورت خود انقلاب قلمداد شده ست

و [illegible] این خود توجهی [illegible] و صحیح ست...

یعنی براستی که در هر انقلاب [illegible] تضادهای اجتماعی ضرورت پیدا میکند وجود یك رهبری آگاهانه بهمان اندازه ضروری است و برای جلوگیری از اینکه انقلاب بصورت یك انقلاب «کورووحشی» در نیاید و جامعه و ملت از پی‌آمدهای مضرو حساب نشده و غیر لازمش زیان نبیند، باید که حرکت انقلاب همراه با شناخت تمام قوانین حرکت جامعه بوسیله یك سیستم رهبری آگاهانه، هدایت و تنظیم شود و بس.

و همانگونه که در رساله و «فلسفه انقلاب ایران» امده است «رهبر آگاه با کشف و شناسائی قوانین اجتماعی و شرایط عینی، اندیشه انقلاب را در ذهن خود می‌پرورد و زمینه را برای انتقال این اندیشه بجامعه فراهم می‌آورد و انقلاب را بر پایه‌ی آمادگیهای عینی و ذهنی و با درنظر گرفتن عوامل درونی و برونی تحقق می‌بخشد» مقدمه‌ای که باینصورت در رساله «فلسفه انقلاب ایران» امده است برای اینکه ورود به بررسی و بحث درباره «انقلاب ایران» را بطور صحیح و باروش علمی ممکن سازد با این جمله پایان می‌پذیرد.

«برای توصیف هر انقلاب اجتماعی و ویژگیهای آن، باید آن انقلاب را از مقطع تاریخی مورد بررسی قرار داد.....

این امر بیر امکان میدهد که انقلاب بصورت واقعه‌ای مجرد و انتزاعی جلوه نکند و در مجموع رابطه‌های دیالکتیکی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

این حکم درباره انقلاب ایران نیز جاری است و از این‌رو برای درك علمی احکام آن ناگزیر از تحلیل شرایط عینی و ذهنی جامعه قبل از انقلاب خواهیم بود»....

***

جامعه قبل از انقلاب

همانطور که در مقدمه رساله فلسفه انقلاب ایران امد، باید برای روشن ساختن اینکه آیا انقلابی رخ داده است، (یا رخ خواهد داد) روشن سازیم که چه تضادهائی در جامعه وجود داشته است. (و یا احیاناً وجود دارد و ابستن انقلاب میباشد)....

در سالهای قبل از انقلاب ششم‌بهمن که نام انقلاب شاه و ملت در تاریخ ثبت گردیده است، عمده‌ترین تضاد جامعه ما تضاد موجود در رژیم ارباب و رعیتی بود.

یعنی بصورتی که در تشریح مقدمه و در تعریف و نمونه‌ای از «تضاد» گفته شد، اصل وجود رژیم ارباب و رعیتی بعنوان یك «نهاد» نوعی تضاد بزرگ اجتماعی بود...

شاهنشاه دراین باره در کتاب انقلاب سفید نوشته بودند حیواناتی را می‌بینید نرو ماده، سیاه و از افتاب سوخته، که در بیابان پریشانند و زمینی را که وابسته بدانند با دلبستگی تمام می‌کارند و زیرورو میکنند...

شب‌هنگام به سوراخهای خود میروند و در آنجا به لقمه نانی سیاه و کوزه‌ای آب سدجوع مینمایند... این مردم مشقت تخم‌پاشی و کشتکاری و حاصل‌برداری را از گردن دیگران برداشته‌اند و به همین سبب رواست اگر از نانی که دسترنج ایشان است بالمره بی‌نصیب نمانند. این شرح را سه‌قرن پیش ازاین(لابرویر) نویسنده و متفکر معروف فرانسه در [illegible] کشور خود نوشته [illegible] تصویری [illegible] کشورمان [illegible] رسم شده است.

[illegible] شریح [illegible] و فئودالیته [illegible] مرفوم [illegible]

توجهی که خود من [illegible] به بهبود وضع کشاورزان ابراز داشته بودم،توأم با الزامات تمدن عصر جدید که بهرحال [illegible] وضع سابق را بدان صورت [illegible] نمیداد، [illegible] در شرایط زندگانی روستائیان کوچنشین تاثیر محسوسی بود. معهذا این شرایط جوابگوی حقوق و [illegible] کشاورزان و تامین مقام این طبقه دریك اجتماع مترقی نبود و وضعی که دراین مورد وجود داشت نمیتوانست برای ما قابل قبول باشد [illegible] از اراضی مزروعی ایران متعلق به ملاکین خصوصی بود که از میان آنها عده‌ای که شاید تعدادشان از سی‌نفر تجاوز نمیکرد(و برخی از آنها رؤسای ایلات و عشایر بودند) هرکدام تا چهل پارچه و متجاوز از آن ملك خصوصی داشتند... این مالکان معمولاً در املاك خود بسر نمی‌بردند و طبعاً توجهی به آبادانی این املاك و بهبود وضع آنها چه از نظر اصلاحات کشاورزی و چه از لحاظ وضع اجتماعی نداشتند... و اصولاً غالب اوقات خود را در تهران یا در شهرهای مختلف خارجه میگذرانیدند... در نتیجه کارها بدست مباشرانی اداره می‌شد که غالباً هدف اصلی ایشان استثمار رعایا بنفع شخصی خودشان بود...

در زمان خانخانی گذشته رفتاری که در برخی موارد با این رعایا می‌شد، واقعاً غیرانسانی و وحشیانه بود... [illegible] اتفاق میفتاد که خانهای محلی مستقیماً یا بوسیله مباشرین و ایادی خودشان رعایا را میکشتند یا در چاهها جلو ویر میکردند... بهرحال حتی در مواردی هم که این بی‌رحمی‌ها در کار نبود، ظلم به رعیت و عدم تامین حقوق حقه اوامری عادی به شمار میرفت. و در تحت چنین شرایطی که شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید تشریح فرموده‌اند هفتاد و پنج درصد جمعیت کشور بنام رعیت می‌زیستند و از مشارکت در کار جامعه و از شرایط مساوی بهره‌مندی از امکانهای اجتماعی محروم بودند...

و شاهنشاه درباره همان رعایا فرموده بودند:«در نظر من آنهائی که رعیت نامیده می‌شوند از شریف‌ترین و اصیل‌ترین افراد کشور بودند... و من قلباً احساس میکردم که بعنوان رئیس مملکت مسئول سرنوشت این تودهٔ عظیم محرومین کشور هستم و می‌باید آنها را از وضع ناگوار قرون وسطائی بیرون بیاورم...» و درست در همین بررسی تاریخی که در نوشته‌های شاهنشاه تصویر صحیح شرایط زمانی آن مقطع تاریخی منعکس است، سیمای رهبر و ابعاد آگاهی‌هایش پدیدار می‌شود...

و کاملاً روشن میشود که رهبر انقلاب چگونه راز فاصله زمانی شرایط اجتماعی را تشخیص داده و با توجه به تمام سوابق تاریخی و روانی ملتش امکانات را می‌سنجد و سپس نظر خود را اعلام میدارد.

«ناتمام»

شیرمرد طبرستان

بقیه از صفحه ۹۲

عاقبت اولین روز تابستان فرا رسید و سربازان و ندادهرمز، اسپهبد شروین و مصمغان ولاش در ساعت معین و در حالی که از سوی مردم حمایت میشدند، به دژهای اعراب حمله کردند، و در اندك زمانی تمام ۵۰ پادگانی که اعراب در سراسر مازندران ساخته بودند، بدست ایرانیان افتاد و مدافعان آن بقتل رسیدند. مردم نیز که امید به آزادی، بر شجاعت و شهامتشان افروده بود، هرجا عمال خلیفه را دیدند کشتند، بطوریکه تا غروب آن روز بیستهزار نفر از سربازان عرب و عمال خلیفه به قتل رسیدند و طبرستان بدست و نداد هرمز شیرمرد طبرستان و یارانش از قید

اسارت رهائی یافت [illegible] رهائی [illegible] که [illegible] بودند، [illegible] شوهران خود [illegible] گرفته [illegible] می‌آوردند و [illegible] مردان [illegible] بکشند

●●●

خبر پیروزی شیرمرد طبرستان [illegible] به بارگاه مهدی خلیفه عباسی رسید. وی سردار [illegible] خود «سالم» را که به شیطان فرغانی معروف بود، برای ازمیان برداشتن نهضت ونداد هرمز با سپاهی عظیم به طبرستان اعزام داشت. سپاه خلیفه در مصاف با مردان ونداد هرمز شکست خورد و سالم بدست شیرمرد طبرستان کشته شد. خلیفه بچهار سپاه دیگری به فرماندهی «فراشه» به مقابله ونداد هرمز فرستاد که این سپاه نیز در ابتدا مدتی تار و مار شد و فراشه هم بوسیله پسر نوجوان ونداد هرمز کشته شد. مهدی خلیفه پنج سپاه دیگر به‌ترتیب به فرماندهی خالدبن برمك، عمربن‌العلاء، تمیم‌بن سنان، یزیدبن مرثد و حسن‌بن قحطبه برای سرکوبی ونداد هرمز بسیج و به طبرستان گسیل داشت که اینها هم یکی پس از دیگری با شکست روبرو شدند. [illegible] مهدی برای یکسره کردن [illegible] به فرماندهی پسرش هادی به طبرستان [illegible] کرد. هادی قبل از اینکه به طبرستان برسد، نماینده‌ای پیش ونداد هرمز فرستاد و پیشنهاد صلح کرد. شیرمرد طبرستان که [illegible] جنگهای گذشته [illegible] و [illegible] سپاه گران هادی [illegible] مقاومت نخواهد آورد، پیشنهاد صلح را پذیرفت و معاهده‌ای با هادی منعقد کرد که بموجب آن [illegible] قسمت اعظمی از طبرستان [illegible] کوهستانها [illegible] گردید، و به این ترتیب پس از [illegible] قرن و نیم [illegible] خاك ایران [illegible] استقلال [illegible] و [illegible] ونداد هرمز و یارانش به نتیجه رسید

بقیه از صفحه ۲۵ تامین اجتماعی

دسته‌ای از بیمه شدگان هستند که درساعات مختلف روز یا ایام هفته برای چند کارفرما کارمیکنند مثلاً ممکنست شخصی هشت ساعت روز را در کارخانه و چند ساعت نیز در دفتر یك شرکت و چند ساعتی نیز در آخر شب در باشگاه یا رستوران شبانه در قبال دریافت حقوق یا مزد یا کارمزد کارکند. در این حالت هر یك از این کارفرمایان باید به نسبت مزدیا حقوق یا کارمزدی که باین شخص میپردازند حق بیمه‌سهم بیمه شده را از مزدیا حقوق او کسر و باتضمام سهم خود بصندوق تأمین احتماعی پرداخت کنند. البته این تکلیف در صورتی برای هر یك از کارفرمایان فرضی فوق‌الذکر وجود خواهد داشت که کارگاه و فعالیت آنها در زمره فعالیت‌هائی باشد که کارکنان آن مشمول قانون تامین احتماعی قرارگرفته باشد. بعبارت دیگر اگر بیمه شده‌ای برای کارفرمائی کارکند که محل کار یا فعالیت او هنوز در زمره مؤسسات یا کارگاههای موضوع قانون تامین احتماعی اعلام نشده است تعهدی برای این کارفرما در قبال تأمین احتماعی وجود ندارد

توضیح اینکه علاوه بر حق بیمه که مبع اصلی درامد صندوق تامین احتماعی شمار میرود سه مبع درآمد دیگر نیز در ماده۲۸ قانون تامین اجتماعی برای صندوق پیش‌بینی شده است که ترتیب عبارتند از:

۱: درامد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان

۲: وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در قانون

۳: کمکها و هدایا

در خصوص وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌ها که طبعاً نمیتواند محل در آمد اصلی شمار اید در اینده به تفصیل بحث خواهیم داشت. درباب کمکها و هدیه‌هائی نیز که احیاناً ممکنست از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی بصندوق صورت گیرد، کماایکه درگذشته هم از طرف افراد نیکوکار یا مؤسسات دولتی و خصوصی چنین هدیه‌هائی بسازمان بیمه‌های اجتماعی داده شده است، توضیح و گفتگوئی ضرورنظر نمیرسد ولی در خصوص اهمیت بکارانداختن وجوه و ذخایر و اموال صندوق تأمین احتماعی با بحساب آوردن کلیه خطرات احتمالی و بهره‌برداری صحیح از این وجوه، همانطور که در بحثهای گذشته هم تأکید شد باید یادآور شد که این موضوع یکی از حساسترین گوشه‌های کار مدیران تامین احتماعی بشمار میرود. چون بدون تردید بعد از درامدهای حاصل از حق بیمه بزرگترین پایگاه مالی صندوق تأمین احتماعی در قبال تعهدات سنگین آینده همین ذخایر و کم‌وکیف بهره‌برداری از ان خواهد بود

ادامه دارد

پیست مسابقه

بقیه از صفحه ۱۱

در حال حاضر گذشته از کسانی که نام برده شدند، گروه دیگری قهرمان اتومبیلرانی هم در مسابقه‌ها شرکت می‌کنند. ماهرترین این رانندگان عبارتند از امیرقلی صمصام، ناصر وهاب‌زاده، حسن نظیفی، سام ثانی، حسین خداپرست، حسین کردمافی، حسن روشن ضمیر و ساکو ابکار. از شگردهای جالب این قهرمانان، توانائی انها در تعمیر لحظه‌ای اتومبیل خودشان یا دیگران مثلا قاسم علیرضازاده، در آخرین مسابقه اتومبیلرانی در عرض چند دقیقه، اتومبیل حسین کردمافی را که دچار نقص فنی شده بود، تعمیر کرد و قهرمان مذکور توانست به مسابقه ادامه دهد. قهرمانان برای اماده کردن اتومبیل خود برای مسابقه، همیشه هزینه زیادی را هم تحمل می‌کنند. البته میزان این هزینه بسته به چگونگی اماده کردن اتومبیل فرق می‌کند. ولی به طور کلی بین ۲۵۰/۰۰۰ الی ۳۰۰۰۰۰ ریال در نوسان است و بی‌تردید این کار جز عشق به ورزش انگیزه دیگری ندارد.

موعدپرداخت

بقیه از صفحه ۳۳

کارگر بدون وجود لیست و یا سندی، امکان پذیر بود، ولی وجود لیست پرداخت مزد کارگران امروز این مشکل را از میان برده است، زیرا در بسیاری از کارگاهها و واحدهای صنعتی، این امر ضرورت دارد، بویژه از نظر پرداخت حق بیمه، و مالیات و از سوی دیگر از نظر حسابداری صنعتی و تعیین این امر که در یك کارگاه معین چند درصد از هزینه مربوط بمواد اولیه و چند درصد مربوط به مزد و چنددرصد مربوط به هزینه‌های دیگر میباشد، تهیه و تنظیم لیست مزد و حقوق کارگران ضرورت یافته است و باید این نکته را خاطرنشان ساخت که اکنون در اکثر کارگاهها این گونه لیستها وجود دارد و دیگر نگرانی زیادی از این نقطه نظر وجود ندارد

نکته دیگری که در ارتباط با مزد خودنمائی می‌کند، اینکه، مواردی اتفاق می‌افتد که کارگاهی تعدادی کارگر استخدام می‌کند و از همان ابتدای کار ضمن قرارداد کتبی و یا شفاهی چنین مقرر میگردد که کارگر ۸ ساعت کار عادی و ٤ ساعت اضافه کار کند، یعنی مدت ۱۲ ساعت بکار بپردازد و در قبال ان مبلغ معینی دریافت دارد. کارگر مدتی کار می‌کند و مدتها میگذرد و بتدریج این تصور برای وی بوجود میآید که مزد وی، یعنی مزد عادی که باید در قبال ۸ ساعت کار پرداخت شود، همین مبلغ است و هنگامی که اختلافی رخ میدهد، مثلا قطع رابطه کار بوجود میآید، کارگر همین مزد را بعنوان مزد عادی خود عنوان و اعلام میدارد. در چنین مواردی باید خاطرنشان ساخت که این مبلغ که کارگر دریافت میدارد، مربوط به ۸ ساعت کار روزانه بعلاوه ٤ ساعت اضافه کار اوست. البته این مشکل هنگامی خودنمائی می‌کند که در کارخانه یا کارگاه لیست وجود نداشته باشدو در لیست مبلغ مزد عادی کارگر و مبلغ اضافه کاری او تعیین نشده باشد، ولی اگر این هردو تعیین شده باشد، اشکالی وجود نخواهد داشت.

کارگران عزیز، ما به بحث خود، در این شماره پایان میدهیم و از شما میخواهیم مشکلات خودرا از ما بپرسید.

تا شماره بعد، شما را بخدا میسپاریم.

قابل توجه مصرف کنندگان گازمایع

طرزصحیح استفاده ازوسایل گازسوزافراد راازحوادث وخطرات ناشی ازتصادفات وانفجارو آتش سوزیهای گازمحفوظ میدارد. بنابراین بمنظورحفظ سلامت خانواده واموال خود قویاً توصیه میگردد به نکات ایمنی زیرتوجه ودقیقاًمراعات فرمائید.

۱ـ سیستم گازمایع ووسائل گازسوزشما باید همیشه سالم وبدون نقص باشد لذا ازشرکت توزیع کننده خود بخواهید که اقلا هرشش ماه یکباراز سیستم گازمایع منزل شما بازدید بعمل آورند ودرصورت مشاهده نقص ازآن استفاده نفرمائید.

۲ـ شرکتهای توزیع کننده گازمایع درصورت تعویض سیلندرشما حق دریافت هیچگونه وجهی بابت تعویض سیلندررا ندارند لطفا درصورت مشاهده فوراً به شرکت ملی گازایران اطلاع فرمائید.

۳ـ سیلندرگاز باید توسط مأمورین توزیع شرکت تأمین کننده گازشما به وسائل گازسوز متصل گردد وپس ازنصب ازسیستم آزمایش نشتی بعمل آورند. برای این منظوربکار بردن کبریت اکیداً ممنوع است وباید ازمحلول آب وصابون استفاده شود

۴ـ لوله رابط باید بوسیله بست فلزی به گازسوزـ رگولاتورو باشیرسیلندرمحکم بسته شود بنحویکه ازهرگونه نشت گازجلوگیری نماید چنانچه سیستم گازمایع شما فاقد بست فلزی میباشد ازشرکت توزیع کننده خود بخواهید که حتماً دراین مورد اقدام نمایند.

۵ـ سیلندرهای گازمایع باظرفیت ۳۰ کیلوگرم به بالا بایستی حتماً درخارج ازساختمان در هوای آزاد نصب گردد برای ایمنی بیشترازشرکت توزیع کننده خود بخواهید که درصورت امکان سیلندرهای باظرفیت کمتررا نیزدرخارج ازساختمان قرارداده وازآنجا بوسیله لوله مسی به وسائل گازسوزمربتط نمایند.

۶ـ درمواقعیکه بوی گازاستشمام می نمائید فوراً شیرسیلندررا ببندید وسیلندرها را بخارج از محوطه ساختمان در هوای آزاد انتقال داده ازسرویسهای تعمیرات شرکت توزیع کننده خود کمك بخواهید وبازرسی ایمنی گازمایع راازجریان مطلع فرمائید.

۷ـ هرگونه شکایت ویا نقص گازرسانی شرکتهای توزیع کننده را به اداره مرکزی شرکت ملی گازایران درتهران امورفروش گازمایع بتلفنهای ۸۲۸۱۵۱ و۸۲۸۱۵۵ ودرشهرستانها منطقه گازاهواز ۲۱۸۱۹۹۲۰۰۷ اصفهان ۴۱۰۳۴ الی ۴۱۰۳۸ شیراز ۳۵۵۳۳ و۳۴۸۳۲ ومشهد ۳۹۳۳۴ و۳۷۰۰۱ ، اطلاع فرمائید.

برای اتومبیل خود بهترین استریو را انتخاب کنید

مدت زیادی از وقت شما در اتومبیل میگذرد.
پس چرا بهترین رادیوپخش استریو را انتخاب نکنید؟
رادیوپخش صوت استریو سونی مدل TC-24FA وقتی را که شما پشت چراغ‌قرمز میگذرانید کوتاه میکند،
در راههای دور همدم شما است. و وقتی تنها نشسته‌اید محفل شما را گرم میکند.
و این حق شما است که از وقت متعلق بخود بالاترین لذت را ببرید.
پنج وات قدرت در هر بلندگو، مدار رادیوئی سوپر هتروداین، امواج AM FM
سویچ مونو/استریو برای موج FM و لامپ نمودار FM استریو همراه با بسیاری از امتیازات فنی که
صدای سونی را غیر قابل رقابت نموده است در رادیو پخش استریوی سونی TC-24FA در اختیار شما است.

SONY®

برای آنها که از هر چیز بهترینش را میخواهند

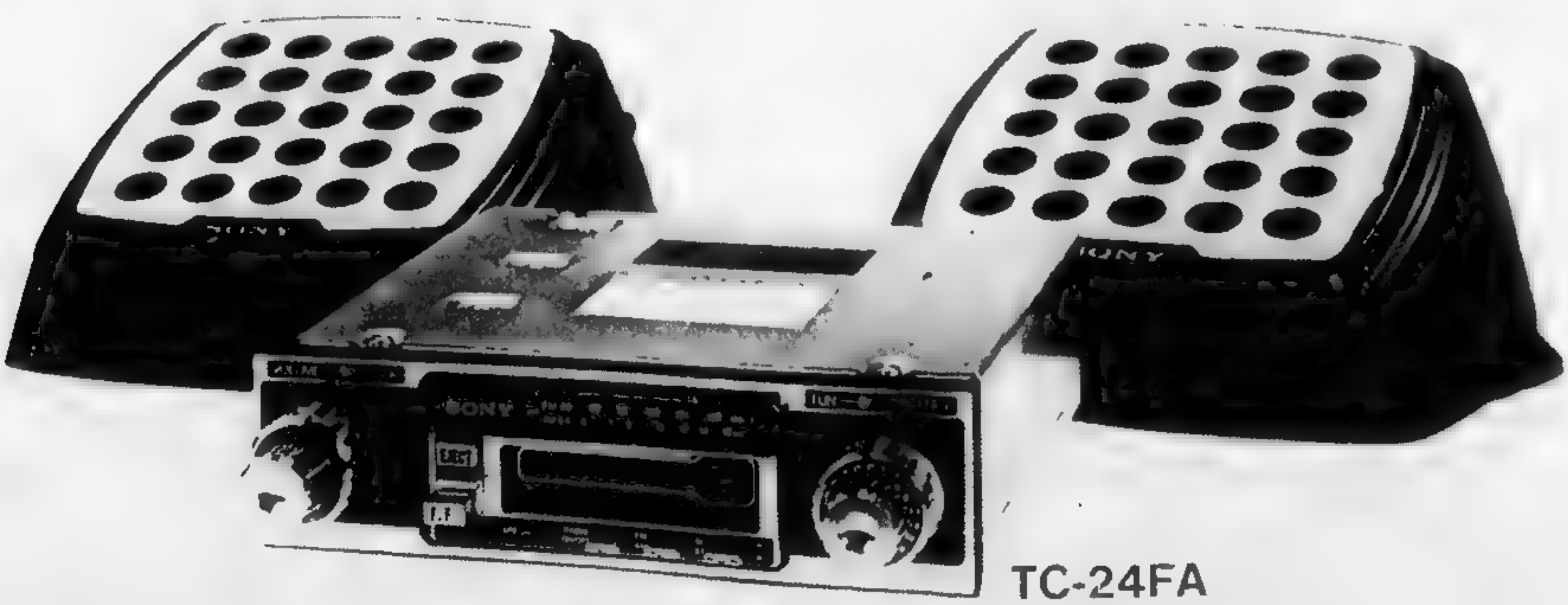

TC-24FA

S-4

«کارگر قهرمان کار» انتخاب میشود

وزارت کار و امور اجتماعی بموجب بخشنامه‌ای که به ادارات تابع این وزارتخانه ارسال کرده در نظر دارد کارگرانیکه در طول سال در زمینه‌های بهبود شرایط کار، ارتقاء سطح بهره‌وری، خدمات رفاهی- صنوف سندیکالیزم و تعاونی- آموزشهای حرفه‌ای و سوادآموزی و همچنین فعالیتهای اجتماعی و میهنی در سطح کارگاه و یا سطح خدمات ارزنده و چشمگیری ارائه داده‌اند بعنوان «کارگر قهرمان کار» از آنها قدردانی بعمل آورد.

بنابراین بخشنامه دستورالعملی جهت انتخاب «کارگر قهرمان کار» و همچنین فرم سنجش و ارزیابی، تکثیر و در اختیار ادارات تابع قرار گرفته است.

در این بخشنامه تاکید شده که دستورالعمل و فرم مذکور به کارگاههائی ارسال شود که بیش از یکصد نفر کارگر دارند و کارگاههائی که کمتر از یکصد کارگر دارند، هنگامی میتوانند از این دستور استفاده کنند که دارای امکانات و شرایط مناسب برای انتخاب «کارگر قهرمان کار» باشند.

همچنین تاکید شده است که در تشکیل کمیته روابط کار در کارگاههای مذکور نظارت کامل بعمل آید و ترتیبی داده شود تا هرچه زودتر کمیته‌های مذکور تشکیل گردد. کمیته روابط کار کارگاه، از بین کارگران معرفی شده وسیله سرپرستان قسمتها با در نظر گرفتن ضوابط مقرر در دستورالعمل، کارگر یا کارگران قهرمان کار را انتخاب کند.

در این دستورالعمل آمده است:

بمنظور تحسین از مقام کار و تشویق روحیه سازندگی و ابتکار و احترام به اصل قدرت کار و نیروی انسانی و ارج نهادن بخدمات رفاهی و اجتماعی در کارخانجات، از بین کارگرانیکه خدمت فوق العاده‌ای ظرف سال در جهت هدفهای یاد شده انجام میدهند قهرمان کار انتخاب میشود.

قهرمان کار بکارگری اطلاق میشود که در طی سال علاوه بر وظیفه محوله عادی یك یا چند مورد از خدمات زیر را انجام داده باشد.

۱- در زمینه بهبود شرایط کار و ارتقاء سطح بهره‌وری کار

نسبت به بهبود شرایط کار و ارتقاء سطح بهره‌روی کار علاقمندی نشان داده و با ابتکار و خلاقیت خویش پیشنهاداتی در این مورد ارائه و موجب بهبود شرایط کار و تولید را فراهم کرده باشد.

با هوشیاری و اقدام فوق العاده در موارد حساس باعث جلوگیری از بروز حوادث و خسارات جانی و یا مالی گردیده و با مراقبت دائمی از ماشین‌آلات تحت اختیار خویش در سلامت و دوام آنها کوشیده باشد.

در سالم‌سازی محیط کار نقش برگزیده داشته و با استفاده از وسائل حفاظت فنی و تشویق کارگران باستفاده از وسائل مذکور کارخانه نمونه باشد.

در طول سال بالاترین سطح کارائی و بهره‌وری را ارائه داده باشد.

در محیط کار صرف‌نظر از عقاید و در حل و فصل مسائل کارگری شخص منصفی باشد و با ارائه کوششهائی که نموده در رفع اختلافات دسته جمعی کار و معتقد به بهبود گردش کار، توافق بقیه و تحریکش در این قبیل موارد ثابت باشد.

۲- در زمینه خدمات رفاهی و صنوف سندیکالیزم و تعاونی

در زمینه انجام خدمات رفاهی و مسائل اجتماعی بسیار کوشا بوده و عمل برجسته‌ای انجام داده باشد و کارگران را به اهمیت صنوف سندیکالیزم واقف نماید.

در فعالیتهای تعاونی نقش موثری داشته و خدمات بارزی در جهت ایجاد و گسترش و بهبود امر تعاونی کارگران انجام داده باشد.

۳- در زمینه آموزشهای حرفه‌ای و سوادآموزی و آموزشهای ملی و میهنی

با علاقه و رغبت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای شرکت کرده و مهارت خود را به سطح شایسته‌ای ارتقاء داده باشد.

در امور مربوط به باسواد کردن کارگران فعالیت چشمگیر و پرثمری داشته و در صورت شرکت در کلاسهای مذکور رتبه اول را احراز کرده باشد.

در دوره‌های آموزشی مسائل میهنی و ملی و سایر آموزشهای اجتماعی و کارگری فعالانه شرکت و امتیازاتی در بین گروه شرکت‌کننده کسب کرده باشد.

۴- مرجع تشخیص

برای تشخیص معیارهای فوق و سنجش و انتخاب «کارگر قهرمان کار» در کارخانه سرپرست هر قسمت میتواند «کارگر قهرمان کار» معرفی نماید.

هر یك از سرپرستان فرم مربوط به سنجش را با توضیحات لازم و ذکر دلایل بطور محرمانه تنظیم میکند و سپس به کمیته روابط کار کارگاه رجوع مینماید.

کمیته روابط کار مرکب است از:

مدیر عامل یا رئیس کارخانه

رئیس امور اداری یا کارگزینی

دبیر سندیکای کارگران و در غیاب او نماینده کارگران

این کمیته پیشنهادهای واصله را رسیدگی و با توجه به درجه فعالیت کارگران «کارگر قهرمان کار» را انتخاب میکند.

کمیته روابط کار پس از تشخیص درجه فعالیت و تاثیر کارگر از نظر خصوصیات ذکر شده در محیط کار، امتیازاتی بشرح زیر برحسب مورد درخصوص مقررات بند الف درباره کارگر قهرمان کار تصویب و جهت اجرا بکارفرما پیشنهاد می‌کند

بند الف

تشویق کتبی با درج در پرونده و تابلو اعلانات

نصب عکس بزرگ کارگر در تابلو اعلانات و سالن ناهارخوری و در سایر دیدگاههای کارگران

تصمیمات و تشویقهای دیگری که بنظر کمیته مقتضی تشخیص داده میشود

بند ب

علاوه‌بر تصمیمات و تشویقات فوق که بنا به پیشنهاد کمیته روابط کار توسط کارفرما به مرحله اجرا در می‌آید امتیازات دیگری بشرح زیر ممکن است «بکارگر قهرمان کار» اعطاء شود:

اعطای بورس آموزش حرفه‌ای بمنظور تکمیل اطلاعات فنی در خارج از کشور توسط وزارت کار و امور اجتماعی.

اعطاء مدال و نشان کار

امتیازات و تشویقات دیگری که مقتضی و مناسب تشخیص داده میشود.

کمیته‌های روابط کار پس‌از انتخاب کارگر یا کارگران قهرمان کار درهرمورد یك نسخه از فرم سنجش و ارزیابی مربوط بکارگر قهرمان کار را به اداره کل یا اداره کار و امور اجتماعی محل ارسال و دلایل خود را مبنی‌بر علل انتخاب کارگر موردنظر اعلام میدارند.

ادارات‌کل‌کار و اموراجتماعی و یااداره کاروامور اجتماعی محل ضمن نظارت در اجرای پیشنهادات کمیته‌های روابط کار توسط کارفرمایان‌مربوط‌از بین‌کارگران قهرمان‌کار آن دسته را، کارگرانی که خدماتشان چشمگیرتر بوده و کوششها و ابتکارات آنان در منطقه و یا صنعت در بهبود کار مؤثر بوده است بعنوان کارگر یا کارگران قهرمان کار استان یا شهرستان انتخاب و به وزارت کار و امور اجتماعی معرفی مینمایند.

قهرمان کار استان و یا شهرستان در مراسم و اعیاد رسمی که درحضور استاندار یا فرماندار محل تشکیل میگردد، شرکت داده خواهند شد. دراین قبیل مراسم قهرمانان کار کارت مخصوص مربوط به قهرمان کاربودن را به سینه خود نصب خواهند کرد.

عکس و مشخصات قهرمانان کار کشور که توسط وزارت کار و اموراجتماعی انتخاب میشوند در «مجله رستاخیز کارگران» و سایر نشریات کشور درج خواهد شد.

وزارت کار و امور اجتماعی مقارن با معرفی قهرمانان مسابقات مهارت فنی به پیشگاه والاحضرت همایون ولایتعهد، استدعای شرفیابی و معرفی کارگران قهرمان کار کشور را به پیشگاه معظم‌له خواهد نمود.

هرکارگا

اجلاس یکروزه توجیهی طرح جهاد ملی سوادآموزی برای کارگران و کارفرمایان تهران با حضور آقای منوچهر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی در سالن ششم بهمن این وزارتخانه گشایش یافت.

در این اجلاس که دبیر کل کمیته ملی پیکار با بیسوادی- استاندار استان مرکزی- رئیس سازمان کارگران ایران- دبیر کل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران- نمایندگان- کارگران در مجلس شورای ملی و گروهی از نمایندگان کارفرمایان و صاحبان صنایع و نمایندگان کارگران در کارگاهها و واحدهای تولیدی شرکت داشتند، وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اشاره به جهاد ملی با بیسوادی و وظیفه‌ای که هر فرد ایرانی در قبال این جهاد بعهده دارد، گفت «مسئله سوادآموزی در جامعه ما از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا جامعه ما در شرایط خاصی از حرکت اقتصادی، سیاسی، و صنعتی قرار گرفته

وزیر کار و امور اجتماعی:

...ه باید به مدرسه تبدیل شود

است و در چنین شرایطی افزایش دانش و بینش تولید کنندگان ضروری است، زیرا در کنار آموزش امکان بهره‌وری بیشتر و بهتر وجود دارد.»

آقای آزمون افزود: «همانطوریکه اطلاع دارید و بر هیچکس پوشیده نیست، جامعه ما تا قبل از آغاز سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی، بدرستی یك جامعه عقب مانده و درجا زده و خوابمانده بشمار میرفت، لیکن در دوران پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی این عقب ماندگی جای خود را به پیشرفت داد و در زمینه افزایش دانش و سواد آموختن گامهای مؤثری برداشته شد تا جائیکه امروز میبینیم کشور ما در ردیف مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین جوامع در آمده است.»

وزیر کار و امور اجتماعی سپس به مساله سوادآموزی اشاره کرد و افزود: ما میتوانیم به مساله

سواد آموزی بعنوان یکی از ابزار و ادوات جامعه خودمان تکیه کنیم کشور ما امروز در مرحله خاصی از صنعت قرار گرفته است و تکامل صنعتی ایران و حصول جامعه بمعنای صنعتی شدن امکان پذیر نیست، مگر آنکه نیروی کار در سطح شایسته‌ای از تخصص و تکنولوژی مدرن بهره گرفته باشد. تنها نباید باین نیرو هم اکتفا کنیم، بلکه نیروی کارفرما نیز باید ما را برای دست یافتن باین هدف یاری دهد

آقای آزمون آنگاه به فرمایشات شاهنشاه آریامهر که فرموده‌اند «با قاطعیت و با قدرت باید به بیکاری و کم کاری خاتمه داد و باید سطح دانش حرفه‌ای نیروی کار در جامعه ما بحدی برسد که ما وقتمان و سرمایه‌مان تلف نشود.» اشاره کرد و اظهار داشت: برای از بین بردن کم کاری، اساسی‌ترین راه، آموزش است. کارگر ما در شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز به موفقیت‌های فراوانی دست یافته است. امروزه طبقه کارگر در کنار طبقه دهقان و روستائی از بند استثمار رهائی یافته است و دیگر خود صاحب همه چیز میباشد. طبقه کارگر درآن روزگار، حتی اجازه شکایت نداشت، یعنی حقی نداشت که شکایت کند، ولی امروز میبینیم که انقلاب ایران حق برای طبقه کارگر شرایط خاصی فراهم آورده است، طبقه کارگر در چنین شرایطی بدان حد از حق خود رسیده که استحقاقش را داشته است

بدیهی است انقلاب ایران چنین مزایائی را به کارگر ایرانی داده است. انتظاراتی هم از او دارد کارگر ایرانی باید این را بداند که تولید ثروت در نتیجه ساختن و خلق کردن بدست کارگر که بازوی انقلاب لقب گرفته است، امکان خواهد داشت. وزیر کار و امور اجتماعی آنگاه با اشاره به فرمایشات گهربارشاهنشاه آریامهر مبنی براینکه دیر یا زود منابع نفتی ما بپایان خواهد رسید. افزود اگر دو نفر را درایران و کشور پیشرفته دیگری باهم در مقام مقایسه قرار بدهیم میبینیم که همتای ایرانی در وضعی بهتر و مطلوبتر زندگی میکند. باید از نقص خواهی و نقص پرستی پرهیز کرد و زیاده طلبی بر دوری جست وقتی ثروت از فرد جامعه ... رنج بدست ... ثروت ... از دست خواهد رفت ... تنها ثروت ... نیروی کار ... که خود ... ... وزیر کار ... بچه ... سخن ... که قدرت درك مسائل در صورتی امکان پذیر است که علم و دانش توسعه ... در هر ... نظر قرار داد و ... که ... کارگر کارفرما دست ... همکاری کند ... کارگر باید از ... که دارد استفاده کند و ... هر موقعیتی برای کسب دانش تلاش نماید و کارفرما نیز باید شکر به شرایط اقتصادی مطلوب و موفقیتهای ... که در نتیجه انقلاب ایران نصیبش شده و شکر به تلاشی که برای افزایش ثروتش فراهم آمده است در جهاد ملی سواد آموزی سهیم شود.

آقای آزمون آنگاه درمورد جابجائی نیروی کار و زیانی که ازاین رهگذر نصیب جامعه میشود سخن گفت و اعلام داشت وزارت کار آماده است تا برای پیشبرد مسئله سواد آموزی در سطح کارگاهها همکاری بیشتری کند تا بیسوادی از جامعه کارگری ریشه کن شود و درکنار سواد آموزی، آموزش سیاسی را نیز در سراسر کشور توسعه دهد. زیرا هرکارگر ایرانی باید با انقلاب ایران آشنا شود و کارفرما نیز باید بداند که با حرکت خودش و دستهای پرتوان کارگرش چرخهای اقتصاد این کشور سریعتر بحرکت درخواهد آمد. وزیر کار در پایان گفت هر کارگاه باید در سراسر کشور مبدل به یك مدرسه شود و برای ارتقاء سطح مهارتها در هرکارگاه، وسیله استاد کاران و سرپرستان واحدها، مدرسه حرفه‌ای بوجود آید، زیرا هر جامعه‌ای امکان ندارد بر کنار از یك نظم منطقی پیشرفت کند. در محیط کار ما باید نظم جانشین هرج‌ومرج منطقی شود

و فقط در سایه نظم است که میتوان هرگونه انحراف را از بین برد، نظمی که باید از سوی کارگر و کارفرما و کلیه عواملی که در یك کارگاه وجود دارد رعایت شود و تنها عامل پیشرفت همین خواهد بود. ما در شرایطی از تحول قرار گرفته‌ایم که بر کنار از چنین نظمی امکان پیشرفت نخواهیم داشت. انقلاب ایران اجازه نخواهد داد که ملت ایران در کوچه بن‌بست قرار گیرد. بلکه انقلاب ایران کلیه راههای برای پیشرفت ملت گشوده است.

گشودن همه درهای بسته در مرحله اول سوادآموزی است و ما باید از بچه در توان داریم استفاده کنیم تا این مرحله را طی کرده و بیسوادی را از جامعه ریشه کن کنیم و این نهضت، یعنی جهاد ملی با بیسوادی را ادامه دهیم.

در کارگاههای سراسر کشور

کمیته‌های سوادآموزی کارگری تشکیل میشود

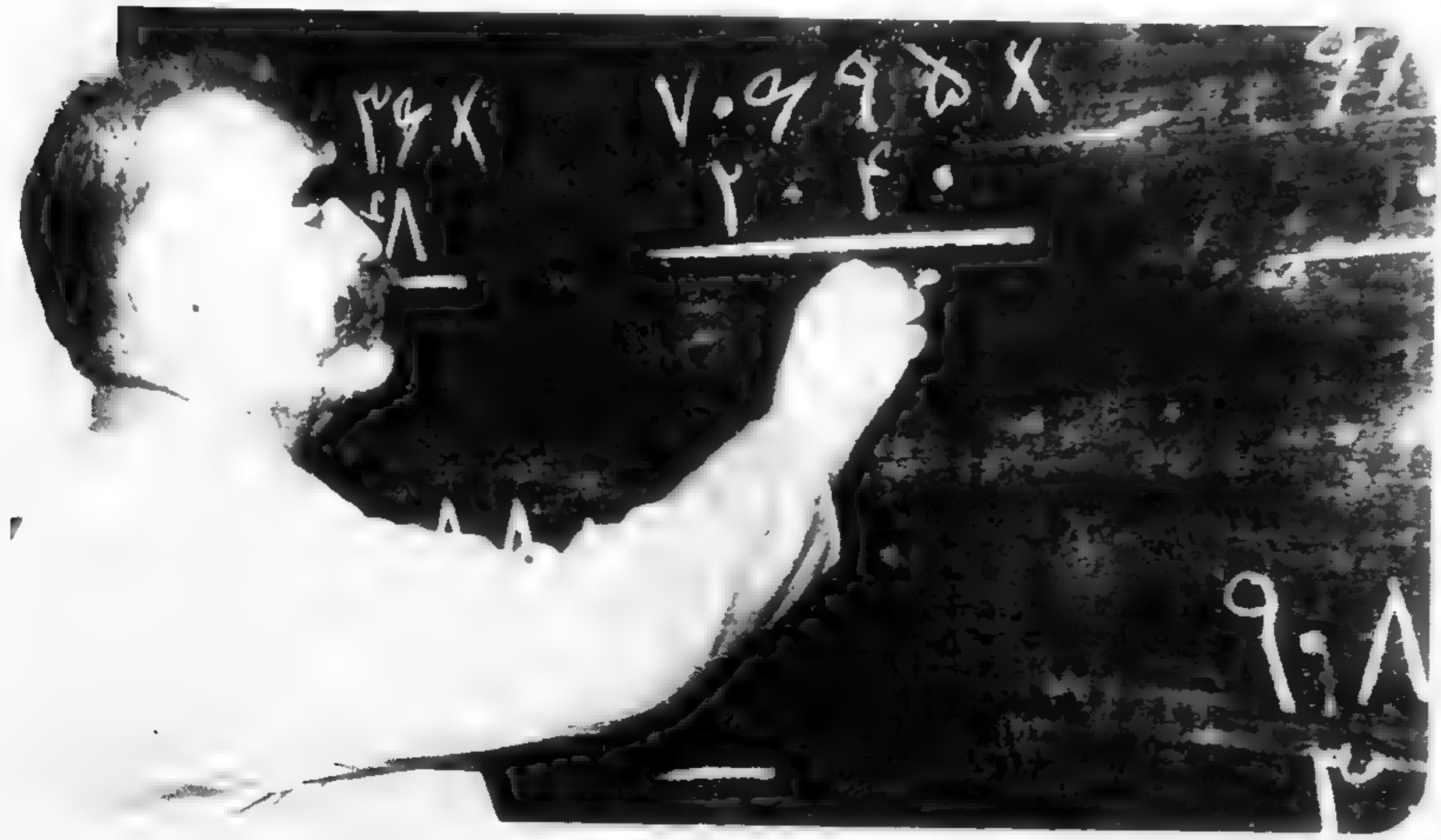

محیط کارگاه، از بی سوادی پاك میشود

بمنظور حل مسئله سوادآموزی در جامعه کارگری و کمك به پیشرفت برنامه‌های جهاد ملی سوادآموزی در کلیه واحدهای کارگری کمیته‌های سوادآموزی تشکیل میشود

بر اساس آئین‌نامه‌ای که به تصویب کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی رسیده است در کارگاههائیکه بیش از یکصد کارگر دارند و در محلهای کارگرنشین و همچنین در محلهائی که صنوف مختلف در کارگاههای کوچك بکار و کسب و حرفه اشتغال دارند و در سندیکاهای کارگری کمیته‌های سوادآموزی تشکیل خواهد شد. در این کمیته‌ها، کارفرما به سمت رئیس کمیته، نماینده کارگران که بر اساس ماده ٤٤ قانون کار انتخاب شده است بعنوان نماینده کارگران یکنفر سرپرست از سرپرستان قسمتهای کارگاه بانتخاب کارفرما، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران، دبیر سندیکای کارگران بسمت اعضای کمیته‌انتخاب میشوند. در آئین‌نامه گفته شده که هرگاه تعداد کارگران یك کارگاه کافی برای تشکیل یك کلاس نباشد کارگران چند کارگاه نزدیك بهم میتوانند در یك کلاس در یکی از کارگاهها به سوادآموزی اشتغال ورزند

در محلهای کارگرنشین یکنفر از معتمدین محل بانتخاب دبیر کمیته و نماینده اداره کار و امور اجتماعی و دونفر از کارگران با سواد و ساکن در واحد کارگری که کارگران در آن محل سکونت دارند این کمیته تشکیل میشود و مدیر دبستان محل به سمت رئیس کمیته و نماینده حزب رستاخیز ملت ایران بسمت عضو کمیته انتخاب میشوند. در محلهائی که اصناف در کارگاههای کوچك به کسب حرف مختلف اشتغال دارند، مدیر مدرسه محل به سمت رئیس کمیته و نماینده اتاق اصناف و یکنفر از صاحبان کارگاههای کوچك بانتخاب اتاق اصناف و دبیر کمیته ملی پیکار با بیسوادی و یکنفر از کارگران باسواد محل و نماینده حزب رستاخیز ملت ایران بسمت اعضای کمیته انتخاب میشوند. در سندیکاهای کارگری حرفه‌ای دبیر یا رئیس سندیکا بسمت رئیس کمیته، دو نفر از نمایندگان کارگران باسواد عضو سندیکا بمعرفی سندیکا، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران، یکنفر از کارفرمایان مربوط به سندیکای حرفه‌ای مورد نیاز بانتخاب رئیس اداره کار محل بسمت اعضای کمیته انتخاب میشوند

در آئین‌نامه مراحل تشکیل کمیته‌ها چنین اعلام شده است

۱- دعوت از مدیران صنایع و کارگاهها و کارفرمایان، سرپرستان کارگاهها، هیئت مدیره سندیکای کارگری، نماینده کارگران، نمایندگان کانونهای حزبی، دبیر کمیته ملی پیکار با بیسوادی، نماینده اداره کار و امور اجتماعی توسط رئیس کمیته ملی پیکار با بیسوادی بمنظور تشریح ضرورت تشکیل کمیته سوادآموزی کارگری در کارگاههائیکه بیش از ۱۰۰ کارگر دارند انجام میشود.

۲- از معتمدین محل، نمایندگان کارگران، مدیر دبستان محل، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران، شهردار و بخشدار محل، دبیر کمیته، نماینده اداره کار و امور اجتماعی بمنظور تشریح ضرورت تشکیل کمیته سوادآموزی کارگری در محلهای کارگرنشین توسط رئیس یا نماینده رئیس کمیته ملی پیکار با بیسوادی شهرستان دعوت میشود

۳- دعوت از رئیس یا نماینده اتاق اصناف، مدیر دبستان محل، صاحبان کارگاههای کوچك، نمایندگان کارگران شاغل در کارگاههای کوچك، دبیر کمیته و نماینده اداره کار و امور اجتماعی، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران، شهردار و بخشدار محل توسط رئیس یا نماینده رئیس کمیته ملی پیکار با بیسوادی شهرستان بمنظور ضرورت تشکیل کمیته سوادآموزی کارگری در محلهائی که کارگران در واحدهای کوچك کارگری به کسب و حرف مختلف اشتغال دارند انجام میشود

٤- دعوت از هیئت مدیره سندیکای کارگری حرفه‌ای، نمایندگان کارگری عضو سندیکا، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران، دبیر کمیته و نماینده اداره کار و امور اجتماعی، شهردار و بخشدار محل، کارفرمایان مربوط به سندیکای کارگری حرفه‌ای توسط رئیس کمیته ملی پیکار با بیسوادی شهرستان بمنظور تشریح ضرورت تشکیل کمیته سوادآموزی در سندیکای کارگری حرفه‌ای مورد نظر انجام میشود

در این دعوتهای چهارگانه فوق، باید ضرورت تشکیل کمیته‌های سوادآموزی برای کسانی که دعوت شده‌اند، کاملاً شرح داده شود

پس از اینکه هر کمیته انتخاب گردید، اولین جلسه کمیته سوادآموزی با حضور مدیر یا نماینده دبیر کمیته و نماینده اداره کاروامور اجتماعی، نماینده حزب رستاخیز ملت ایران در واحدهای کارگری تشکیل میشود و در این جلسه یکنفر بعنوان نایب رئیس از بین اعضاء انتخاب و کمیته آمادگی خود را برای انجام وظایف اعلام میکند و دبیر کمیته ملی پیکار با بیسوادی وظیفه دارد تشکیل کمیته سوادآموزی کارگری و نیز آمادگی آن را در اولین جلسه به کمیته ملی پیکار با بیسوادی شهرستان گزارش کند

وظایف کمیته عبارت است از تهیه برنامه دقیق یکدوره سوادآموزی که شامل تعداد بیسواد کارگر در واحد کارگری، تعداد کلاسهای مورد لزوم برای کارگران بیسواد در واحد کارگری

تعیین نوع برنامه‌های آموزش که برای کارگران در واحد کارگری ضرورت دارد، تامین محل کلاس و تجهیزات لازم برای دایر نمودن کلاسهای سوادآموزی با استفاده از کلیه امکانات، اقدام به تعیین آموزشیاران قبل از آغاز برنامه کارآموزی و معرفی آنان به دبیرخانه کمیته ملی پیکار در شهرستان با توجه باینکه باسوادان شاغل در واحدهای کارگری و کارگران و سرکارگران با سواد از اولویت برخوردار خواهند بود البته در غیر این صورت باید از معلمان رسمی استفاده شود

ایجاد علاقه و انگیزه آموختن در کارگران از طریق تشکیل جلسات گفت و شنود و آگاه‌سازی کارگران از وظائف کمیته میباشد. کمیته باید مواد آموزش و کمك آموزش و محلی برای حفظ و نگهداری آنها و تامین وسائل و تجهیزات آموزشی را تهیه نماید

سازماندهی کلاسها با همکاری آموزشیارانی که دوره کارآموزی را بپایان رسانیده‌اند، و همچنین فراهم کردن موجباتی بمنظور استفاده از افراد متخصص در زمینه مسائل فنی و تخصصی در کلاسها و سعی در جلوگیری از افت نوآموزان از طریق تشویق و ترغیب و همچنین ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت کارگران بیسواد در کلاس درس از وظائف اعضای کمیته میباشد

همچنین تامین وسائل ایاب و ذهاب کارگران که در کلاسهای سوادآموزی شرکت میکنند و تعیین ساعات متناسب برای تشکیل کلاسهای سوادآموزی با توجه به نوبتی بودن کار در کارگاه و ایجاد محیط مناسب و مساعد برای سوادآموزی از طریق تشکیل کتابخانه و توزیع روزنامه و تهیه و تنظیم روزنامه دیواری و ایجاد رابطه مستقیم و مداوم بین فعالیتهای سوادآموزی و نیازها و مشکلات کارگاه با واحدهای کارگری که کلاس در آن دایر است و شرکت در سمینارهای توجیهی و یا جلسات کارآموزی اعضای کمیته‌های آموزش محلی و تنظیم و ارائه گزارش منظم فعالیتها، کمبودها، مشکلات و راه حلها و پیشرفتهای سوادآموزی حداقل هر یك ماه یکمرتبه دبیرخانه کمیته ملی پیکار با بیسوادی شهرستان و اداره کار و امور اجتماعی محل از وظائف کمیته میباشد

آئین‌نامه مذکور که خلاصه آن در بالا ذکر گردید، از طرف سازمان کارگران ایران برای کلیه شعب سازمان کارگران و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری فرستاده شده است که نسبت به تشکیل کمیته اقدام نمایند. مجله رستاخیز کارگران از کلیه سندیکاها و نمایندگان کارگران میخواهد که برای تشکیل کمیته‌ها هر نوع مشکلی دارند با مجله رستاخیز کارگران در میان بگذارند.

رقابت کارگران سراسر کشور در مسابقات مهارت فنی

[illegible]

[illegible]

مراسم افتتاح مسابقات مهارت فنی در همدان

[illegible]

کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی و اداره کل روابط صنعتی آئین‌نامه‌ای را در مورد انضباط کارگران در کارگاههای تولیدی و صنعتی تهیه کرده‌اند که پس از تائید وزیر کار و تصویب آن بمورد اجرا گذاشته میشود.

بر اساس این آئین‌نامه تخلفات کارگران در کارگاهها و مجازاتهای آنان تعیین شده و در هر مورد که کارگری متخلف اعلام شود، موضوع تخلف وی در کمیته‌ای با شرکت نمایندگان کارگران و نمایندگان کارفرمایان مطرح و براساس ضوابط مقرر در آئین‌نامه مجازات متفرقه درباره کارگر متخلف اعمال خواهد شد.

در این آئین‌نامه مجازاتهائی که برای کارگران متخلف درنظر گرفته شده، عبارت است از توبیخ شفاهی توبیخ کتبی، تعلیق از کار حداکثر ده روز، عدم پرداخت مزد بمدت ٦ روز و اخراج از کار خواهد بود.

و همچنین مورد تخلف عبارت است عدم انجام وظیفه و غیبت، عدم توجه به دستور مافوق، بی‌احترامی به مافوق، عدم رعایت نظامات کارگاه، عدم استفاده از وسایل حفاظتی و ایمنی، ضایع کردن مواد اولیه و آسیب رساندن بماشین آلات.

آئین‌نامه نحوه شرکت نمایندگان سندیکا و اتحادیه‌های کارگری در مراجع قانونی

● نمایندگان گروه کارگر در مراجع قانونی با پرداخت حق عضویت مقرر در جلسات شعب سازمان کارگران شرکت خواهند کرد

آئین نامه نحوه شرکت نمایندگان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و سایر نمایندگان کارگران در مراجع قانونی و در کنگره و شعب سازمان کارگران ایران انتشار یافت. بر اساس این آئین‌نامه سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری که حق عضویت مقرر را به شعب سازمان کارگران ایران پرداخت میکنند، رؤسا و دبیران و نمایندگان آنها حق شرکت در جلسات شعب و کنگره سازمان کارگران ایران را خواهند داشت.

در این آئین‌نامه آمده است که نمایندگان سندیکاهایی که سه ماه حق وصولی را به سازمان کارگران نپردازند، حق شرکت در جلسات شعب و کنگره را نخواهند داشت و همچنین نمایندگان قانونی کارگران کارگاههائی که تعداد کارگران آنها کمتر از حد نصاب مقرر در آئین نامه‌های سازمانهای کارگری برای تشکیل سندیکا میباشد، در صورت تمایل کتبی نصف بعلاوه یك نفر از کارگران با پرداخت حق عضویت مقرر میتوانند در جلسات شعب و کنگره سازمان شرکت کنند. نمایندگان گروه کارگر در مراجع قانونی با پرداخت حق عضویت مقرر در جلسات شعب سازمان کارگران شرکت خواهند کرد. در پایان آئین‌نامه گفته شده که نمایندگان کارگران در شوراهای کارگاههایی که کارگران آنها دارای سندیکا هستند مشروط بر اینکه نمایندگان کارگران عضو سندیکا باشند حق شرکت در جلسات شعب و کنگره سازمان را خواهند داشت. این آئین نامه برای اجرا به کلیه شعب ٦٥ گانه سازمان کارگران در سراسر کشور ابلاغ شد.

در جلسه هفتگی سازمان کارگران شعبه نیشابور:

اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل درواحد تولید روغن نباتی سه گل خراسان خواسته شد.

جلسه هفتگی سازمان کارگران شعبه نیشابور، با شرکت کلیه اعضاء هیات مدیره و نمایندگان کارگران در محل حزب رستاخیز ملت ایران شهرستان مذکور تشکیل شد.

در آغاز این جلسه مسائل کارگری مطرح و پس از شور و بررسی مورد رسیدگی قرار گرفت.

در پایان این جلسه نماینده کارگران روغن نباتی سه‌گل خراسان شهرستان نیشابور در مورد اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل اظهار داشت: تاکنون از طریق اداره کار شعبه نیشابور چندین بار در زمینه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با این شرکت مکاتباتی صورت گرفته و لیکن متاسفانه در این زمینه که مورد توجه کارگران نیز هست هنوز اقدامی بعمل نیامده و با پی‌گیری‌هائی صورت گرفته قرار است بزودی با کارفرمای شرکت مذکور مذاکرات مجددی بعمل آید تا این مشکل کارگران کارخانه نیز حل و فصل شده و کارگران از مزایای آن بهره‌مند شوند جلسه هفتگی سازمان کارگران شعبه نیشابور در میان ابراز احساسات نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل سلطنت پایان یافت.

[illegible]

بدنبال توسعه مراکز کارآموزی جوارکارخانه، طی مراسمی مرکز آموزش حرفه‌ای جوار کارخانه جنرال موتورز ایران گشایش یافت و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این مرکز در زمینی بمساحت ٤٠٠ متر مربع احداث شده با تجهیزات کامل فنی و آموزشی قادر است که در هر دوره آموزش کوتاه مدت ٢٠٠ نفر کارآموز را در فراگیری تعلیمات فنی و حرفه‌ای و بالا بردن سطح مهارتها یاری دهد و کارگران ساده و غیر ماهر را به کارگران ماهر تبدیل کند:

طبق برنامه‌های تنظیمی در جهت آموزش و افزایش مهارت کارگران کشور هم اکنون ٣٨ مرکز جوارکارخانه و ٤٨ تیم سیار آموزشی به امر تعلیم کارآموزان و کارگران ساده و نیمه ماهر اشتغال دارند که در کنار آنها مراکز تکامل صنعتی تهران و اصفهان و مرکز نمونه نساجی کرج نیز در رشته مختلف به تجهیز و تربیت نیروی کار ماهر بمنظور جذب در صنایع سرگرم فعالیت هستند تا نیروی انسانی ماهر را در کشور تامین کنند.

فعالیت کانونهای حزبی

● کانون ۲۲۵۰

جلسه کانون ۲۲۵۰ با حضور ۷۵ نفر از اعضای کانون در سالن اجتماعات سازمان سردخانه و کشتارگاه شهرداری پایتخت تشکیل شد

در این جلسه پس از عرض سپاس از عنایات شاهنشاه آریامهر نسبت بکارگران، عزیزاله شکیبا معاون کانون اظهار داشت: مایه افتخار است که همگی ما توانستیم در انتخابات انجمنهای ملی شرکت کنیم و بارای خودافراد مورد اعتمادمان را برای این انجمنها انتخاب کنیم. سپس در مورد گرانی اجارهخانه و روند آن سخن گفته شد و اظهار امیدواری گردید که مقامات مسئول در اینباره اقدامات لازم را به عمل آورند

آنگاه معاون کانون در مورد هدف کانونهای حزبی سخن گفت و یادآور شد که شرکت در جلسات کانون، جزوظایف ملی است و وظیفه ملی حکم میکند با گردهمائی مسائل مورد بررسی و تبادل نظر قرار گیرد.

سپس اسماعیل مرغوب شادکار بنمایندگی از طرف گروهی از کارگران از جمله اعضای کانون، در مورد سازمان تامین خدمات درمانی سخن گفت و اظهار داشت بفرمان رهبر عالیقدر ایران تمام ملت در زیر چتر بیمه درمانی قرار گرفتهاند، ولی متاسفانه بعضی مقامات مسئول در سازمان تامین خدمات درمانی آنطور که باید احساس مسئولیت نمیکنند.

● کانون ۲۱۳۳

جلسه تداومی کانون ۲۱۳۳ با شرکت اعضای این کانون تشکیل شد و طی آن چندتن از کارگران در زمینه مسائل حزبی سخن گفتند.

در این جلسه همچنین مسئله پرداخت حق اولاد- در اختیار گذاردن کفش ایمنی و شیر به کارگران مطرح شد و چندتن از کارگران در مورد سرویس ایاب و ذهاب مطالبی بیان داشتند.

کانون ٦٩١٤

کارگران عضو این کانون در آخرین جلسه خود به بحث در اطراف نیازهای شهری منطقه خود پرداختند

دراین جلسه گفته شد چون اکثر کارگران عضو این کانون در شاد شهر سکونت دارندو بعلت اینکه این شهرك در ۱۸ کیلومتری کرج واقع شده، بنابراین بایستی برای سرویس حملونقل کارگران به کارخانه اقدام شود و همچنین نیازهای دیگر این شهرك از قبیل درمانگاه، مدرسه و اسفالت خیابانها در این جلسه مطرح شد

کانون ۸۰۰۱

اعضای کانون ۸۰۰۱ و ۸۰۰۲ که کارگران و کارگران کارخانه [illegible] عضو هستند [illegible] یك جلسه مشترك به بحث و گفتگو پرداختند

در این جلسه لزوم شرکت در جلسات کانون مورد [illegible] قرار گرفت و سیداعظم حسینی [illegible] جلسات کانون [illegible] سرویس [illegible] تشکیل شود

در این جلسه همچنین هدف حزب و وظیفه‌ای که همگی در قبال [illegible] طور مشروح مورد بحث قرار گرفت و [illegible] گردید

کانون ۱۳۳۲

جلسه تداومی کانون ۱۳۳۲ بریاست فاضل نظری رئیس کانون و اکثریت اعضاء تشکیل شد و در باره مسائل اجتماعی به بحث و گفتگو پرداخت

در این جسه فاضل نظری طی سخنانی یادآور شد که بایستی با شرکت در جلسات کانون نشان دهیم تا چه اندازه علاقمند و اگاه نسبت به مسائل اجتماعی کشورمان هستیم. و با آموزش سیاسی که مسلماً با شرکت در جلسات گفتگو نیز حاصل خواهد شد، میتوانیم هر چه بیشتر در امور اجتماعی و مسائل اطرافمان اظهار نظر و گفتگو کنیم.

در همین جلسه حاج ابراهیم بهرامی در مورد تامین بیمههای اجتماعی کارگران به بحث پرداخت و در پایان پیشنهاد کرد بدهی معوقه نانوایان به سازمان تامین اجتماعی بخشیده شود.

کانون ۲۱٤٦

جلسه کانون شماره ۲۱٤٦ باحضور اکثریت اعضاء درمحل شرکت ارکان ماشین تشکیل شد. درآغاز جلسه خانم ماهمنیر فرهنگ، درزمینه رابط حزب با کانونها و آشنائی مردم با حزب و همچنین اصول مرامنامه حزب سخن گفت و سپس آقای یوسفیان رئیس کانون درمورد مشکل مسکن و اقداماتی که دراین مورد از طرف دولت صورت گرفته است، مطالبی بیان داشت.

آنگاه آقای رحیمی درمورد مشکل مسکن پیشنهاد کرد واحدهای مسکونی از نظر کیفیت ساختمانی منطقهبندی شود و اجارها نیز براساس همین منطقهبندی تعیین گردد تا هرکسی براساس درامد خود محل مسکونی خودرا انتخاب کند و همچنین صاحبان منازل نیز اجازه نداشته باشند اجاره را بدلخواه خود افزایش دهند.

● کانون ۲۳٦۸

جلسه مشترك کانونهای شماره ۲۳٦۸-۲۳٦۹-۲۳۷۰ و ۲۳۷۱ با شرکت اعضای کانونهای مذکور تشکیل شد و روسای کانونهای ذکر شده گزارش فعالیت را قرائت کردند

دراین جلسه پس از بحث درباره نتایج دومین کنگره حزب و لزوم مشارکت هرچه بیشتر در جلسات کانونها، نارسائی خدمات درمانی و مشکلاتی که برای مراجعه کنندگان بهمراکز درمانی بوجود میاید، سخن گفته شد و از روسای کانونها خواسته شد تا این مسئله با مسئولین حزب مطرح و نتیجه ان بهاطلاع اعضای کانونها رسانده شود

● کانون ۹٦۱٦

طی جلسهای که اعضای این کانون تشکیل دادند، نیازمندیهای کارگران عضو کانون مطرح شد و خواستار تامین انها شدند.

از جمله مسائل مطرح شده دراین جلسه تامین اب آشامیدنی سالم در محیط کار- تامین مسکن و تامین یك دستگاه امبولانس جهت حمل کارگران سانحه دیده بود.

● کانون ٤۳۳۲

جلسه تداومی این کانون بریاست آقای طباطبائی در کارخانه کفش ملی تشکیل شد و طی ان گفته شد: هدف ما از جمع شدن بدورهم بحث و گفتگو در اطراف ایجاد هماهنگی در راه و روشی برای تحقق نیات عالیه شاهنشاه آریامهر و پیشبرد هدفهای حزب رستاخیز ملت ایران و ارمانهای میهنی است.

اصول تغییر ناپذیر نظام شاهنشاهی، قانون اساسی، انقلاب شاه و ملت یعنی سه اصل تشکیل دهنده مرامنامه حزب رستاخیز ملت ایران. همان اصولی است که ما را برای ساختن هر چه بهتر نسل اینده و شکوفائی هر چه بیشتر ثمرات انقلاب شاه و ملت و رسیدن به هدفهای عالی و غائی برای سر بلندی ایران، رهبری و هدایت میکند.

در این جلسه یادآوری شد که فرمان اخیر شاهنشاه آریامهر وظایف فرد فرد ملت را روشن ساخته است و آن وظایف عبارتند از تحرك بیشتر در کار و جلوگیری از هر گونه ضایعات در صنعت و کشاورزی و امثال آن.بنابراین بر هر ایرانی واجب است که نظام شاهنشاهی را حفظ و آنرا تکیه گاه قلوب خود قرار دهیم زیرا پیشرفت مملکت بستگی کامل به تحرك افراد و اجرای فرمان شاهنشاه دارد.

● کانون ٤۳۲۷

اعضای این کانون که کارگران کفش ملی میباشند، در این جلسه پیرامون مسئله ترافیك که باعث تلف شدن وقت کارگران و دیررسیدن آنها به محل کار میشود، در مورد خواربار از جمله برنج که نقش عمدهای در زندگی روزمره دارد و همچنین مشکلات مسکن و اجارهبها به بحث و گفتگو پرداختند.

● کانون ۱۷٦۷

جلسه تداومی کانون ۱۷٦۷ با حضور اکثریت اعضای کانون تشکیل و طی ان اقای محمود مهدوی رئیس کانون خطاب به حاضران در جلسه اظهار داشت: کنون درعصری زندگی میکنیم که عصر سازندگی است و بفرمان شاهنشاه آریامهر باید به افزایش بهرهوری توجه بیشتری شود و از ایجاد ضایعات در صنعت و کشاورزی بایستی شدیداً جلوگیری شود. بنابراین باید میزان کار و فعالیت افراد چندین برابر سابق بشود تا بتوانیم در پیشبرد هدفهای تعیین شده موفق شویم

سپس یکی دیگر از اعضا اظهار داشت از زمانیکه خیابان آذری از سه راه ادری بطرف سه راه پشت باند فرودگاه یك طرفه شده اکثر روزها راهبندان بوجود میآید. این امر سبب میشود که صبحها دیرتر به محل کار برسیم. اگر این جاده مثل سابق دوطرفه شود این مشکل برطرف خواهد شد

دراین جلسه همچنین اموزش سیاسی اعضای کانون مطرح گردید که پاسخ گفته شد اقداماتی صورت گرفته، و قریباً به کانونها اموزش سیاسی داده خواهد شد.

● کانون ٤۳۲٦

در اجتماع اعضای این کانون آقای ابوالقاسم رضوانی از اقبال مردم بشرکت در انتخابات انجمنهای ملی سخن گفت و اضافه کرد مشارکت مردم در کارهای مربوط به آبادانی و تشخیص اولویت برنامهها و پیشرفت مقاصد انقلاب اداری در سازمانهای شهری و تعلیماتی و بهداشتی نشانهای از علاقمندی و کار دستهجمعی است و خوشبختانه انتخابات اخیر که در نهایت نظم و آزادی برگزار شد، خود یکی دیگر از این نمونه است.

سپس آقای واهی اظهار داشت شرکت همهجانبه مردم در امور اجتماعی دلیل بر این است که وقتی شناسائی کامل باشد علاقمندی بمشارکت نیز بیشتر میشود و بدین جهت تجدیدنظر در قوانین انتخاباتی برای منطقهای کردن واحدهای بزرگ شهری لازم است و همچنین انجمنها یك دستگاه ممیزی دقیق لازم دارند و همانطور که جناب آقای نخستوزیر فرمودند کسانی که نسبت به بیتالمال دستدرازی کنند باید شدیداً مجازات شوند.

در این جلسه خانم صحراپور و آقای ترابی در مورد آموزش سیاسی مطالبی بیان داشتند که مقرر شد در جلسه آینده مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد.

کارگران کارخانه بهریس اصفهان دریك گردهمائی سه کانون حزبی تشکیل دادند. درمراسمی که بهمین مناسبت ترتیب یافته بود نماینده کمیته کارگری حزب رستاخیز ملت ایران هدف از تشکیل کانونهای حزبی را تشریح کرد و سپس برای انتخاب هیات نظارت و هیات رئیسه اخذ رای بعمل آمد و پس از شمارش آراء- افراد زیر برگزیده شدند.

کانون شماره ۱ رضا شیرازی، رئیس، اسماعیل رجبی و رضا هوشمندنواب رئیس، محمد قربانی و عباس قربانی منشیها.

کانون شماره ۲ حسین مظاهری رئیس، محمد شیرانی و رضا نعمتی نواب رئیس، شکراله تقیان و عبدالرضا پریشان منشیها.

کانون شماره ۳ مسیحالله مسیحی رئیس- منصور امینی و اکبر سلطانی نواب رئیس ابوالقاسم کاظمیپور- و محمدحسن محمدی منشیها.

جـواد منصـور نایب رئیس دفتر سیاسی حزب:

تشکیل شوراهای حزب از سطح روستاها آغاز میشود

جـواد منصـور نایب رئیس دفتر سـیاسی حزب درجلسه کانون ۱۳۲۰

ـ حضور آقای جواد منصور نایب رئیس دفتر سیاسی حزب جلسه کانون ۱۳۲۰ تشکیل شد و طی آن آقای منصور با اشاره به برنامه‌های اینده حزب گفت: در دومین کنگره حزب که نمایندگان منتخب کانونها شرکت داشتند بحث‌ها و گفت و شنودهای سازنده‌ای مطرح شد و چگونگی فعالیت کانونهای حزبی مشخص گردید.

وی افزود: ستاد مرکزی حزب دراین باره مشغول بررسی است و بدیهی است که همه از نتایج آن آگاه خواهند شد و اعضای کانونها بر اساس ضوابطی که تعیین میشود بفعالیت خود ادامه خواهند داد و در این میان یکی دیگر از برنامه‌های حزب تشکیل شوراهای حزبی میباشد که از سطح روستاها آغاز خواهد شد و پس از تشکیل شورای مرکزی انتخاب اعضاء هیات اجرائی و دفتر سیاسی دائم حزب صورت خواهد گرفت.

جواد منصور افزود: فعالیت حزب بویژه با توجه به فرمان اخیر شاهنشاه آریامهر درمورد جلوگیری از ضایعات کار و فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی که درآن وظایفی نیز بعهده حزب گذاشته شده است گسترش می‌یابد و شرکت نمایندگان حزب در کمیته عالی شاهنشاهی که بفرمان رهبر اندیشمندمان تشکیل میشود نشانه بارزی از توجه خاص شاهنشاه به حزب است و اکنون کانونها باید با توجه به این مسائل و ضوابط جدید برفعالیت خود بیافزایند و حزب را یاری دهند.

سپس امیر شاپور زندنیا درباره حزب و حزب فراگیرنده ملت سخن گفت و پس از تشریح معنای ویژه «سیاست» «دولت» و «حکومت» یادآور شد که حزب در مفهوم کلاسیک خود گردهم‌آئی سازمان یافته مردم است بقصد دردست گرفتن حکومت یا سهیم شدن در قدرت «دولتی». رستاخیز ملی، بفرموده فرمانده انقلاب ایران، گفت و شنود دولت و مردم است که از طریق کانونها انجام میگیرد.

[illegible] کانونهای حزبی میانکوه

آموزش سیاسی کارگران یکی از وظایفی است که حزب با جدیت آنرا دنبال میکند ودر این‌راه با بهره‌گیری از کانونهای حزبی بیشترین فرصت را در امر آموزش سیاسی فراهم میاورد.

گزارش همکار خوب و عزیزمان آقای سرلك از میانکوه آغاجاری حاکیست که جلسه آموزش سیاسی کانونهای حزب رستاخیز ملت ایران در میانکوه باحضور هئیت رئیسه کانونها و روسای آموزش سیاسی در دفتر باشگاه البرز تشکیل شد.

دراین جلسه آقای موقر شناخت و لزوم شناسائی مسائل سیاسی را برای هر فرد ایرانی یادآور شد و گفت: آموزش سیاسی امکان بهتر زیستن درتمام سطوح زندگی را امکان‌پذیر میسازد. سپس آقای اسفندیاری دبیر جلسه اظهار داشت که کلیه افراد جامعه، بایستی آموزش سیاسی را طی کنند و آموزش محدود به‌گروه خاص نمیتواند باشد.

دراین جلسه که بیش از سه ساعت به‌طول انجامید هیئت رئیسه کانونهای حزبی هریك دراین زمینه سخن گفتند و سپس آقای موقر به سئوالات یکبیك آنان پاسخ گفت.

●در مراسم جشن باشکوهی که توسط کارگران شرکت ملی گاز بید بلند بمناسبت چهارم آبان ماه میلاد شاهنشاه آریامهر ترتیب یافت، جوائز قهرمانان بین آنان توزیع شد.

گزارش همکار ما از میانکوه حاکیست که دراین مراسم که کارگران و کارکنان شرکت ملی گاز بیدبلند و خانواده آنان شرکت داشتند

نحوه آموزش سیاسی دانش آموزان مشخص شد

● مسئولیت اجرای آموزش سیاسی بعهده وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت.

● جزوه‌های بررسی مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منتشر میشود.

بمنظور گسترش برنامه آموزش سیاسی در سطح کانونهای کشور و پوشش تمام اعضای کانونها زیر برنامه آموزش سیاسی، برنامه وسیعی درحزب رستاخیز ملت ایران به اجرا گذاشته میشود.

دراجرای یکی از مفاد قطعنامه کنگره بزرگ حزب درباره لزوم گسترش آموزش سیاسی بویژه درسطح روستاهای کشور فعالیت برای یك برنامه‌ریزی وسیع آموزش سیاسی درحزب آغاز شد و با مشخص شدن چگونگی اجرای این برنامه، بطوریکه تمام گروههای عضو کانونهای حزبی را با کیفیت مطلوب زیر پوشش قرار دهد، دومین مرحله اجرای آن آغاز خواهد شد.

آموزش سیاسی دانش‌آموزان

دراین میان آموزش سیاسی هفت میلیون دانش‌آموز در اولویت قرار گرفته است و باهمکاری کمیته آموزش سیاسی و شاخه امور اجتماعی حزب و مسئولان وزارت آموزش و پرورش برنامه گسترده‌ای تهیه میشود.

همچنین طی جلسات مشترکی با گرد هم آئی مسئولان آموزش و پرورش و چند تن از مسئولان حزب برای بررسی کلیه جهات این برنامه، نحوه همکاری مسئولان آموزش و پرورش و سازمان دانش آموزان و مسئولان حزبی در نقاط مختلف کشور برای اجرای این برنامه مورد بررسی قرار گرفت، و در این زمینه مسئولیت اجرای آموزش سیاسی بعهده وزارت آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی این کار بعهده حزب گذاشته شده است.

تشکیل انجمنهای مدارس نیز یکی دیگر از گامهای مثبت است که برای آموزش سیاسی دانش آموزان بر داشته شده و مسئولان حزبی با همکاری کارشناسان سیاسی که در محل هستند یا از مرکز اعزام خواهند شد این انجمنها را برای توسعه آموزش سیاسی یاری خواهند داد.

انتشار جزوه‌های حاوی مسائل و بررسیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز یکی دیگر از برنامه‌هائیست که در امر آموزش سیاسی لزوم آن مورد تاکید قرار دارد و در دوره جدید فعالیتهای حزب برای آموزش اعضاء در سطح گسترده‌تری بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

لیست حق بیمه کارگاهها کنترل می‌شود

واحدهائی که برای پرداخت حق بیمه کارگران خود لیستهای نادرست به صندوق تامین اجتماعی بدهند، تعطیل خواهند شد. چون ارائه لیستهای دور از حقیقت برخی از صاحبان صنایع اشکالاتی برای صندوق تامین اجتماعی ایجاد کرده است، لذا یك گروه از بازرسان بصورت گروه ضربت مامور بررسی لیستها و تطبیق آنها با واقعیت شده‌اند و براساس گزارش روزانه این بازرسان واحدهای مختلف بسرعت تعطیل خواهند شد.

دانستنی‌ها... برای کارگران

مبارزه با آتش به وسیله آتش

به احتمال قوی می‌دانید که بهترین راه و گاهی تنها راه مبارزه باآتش‌سوری در جنگل یا مرغزار، این است که جنگل یا مرغزار را از طرف دیگر اتش بزنیم. در این جریان آتش دوم به طرف آتش اول حرکت میکند و مواد قابل احتراق را نابود میکند و به این وسیله آتش اول را از سوخت خود محروم میسازد. این دو دیواره آتشین همین که با هم برخورد میکنند چنان خاموش میشوند که گویی یك دیگر را بلعیده‌اند

چرا آب آتش را خاموش میکند؟

ین سئوال هرچند ساده است اما همه نمی‌تواند پاسخ درستی به ان بدهد. اولا به محرد این که آب با جسم در حال سوختن تماس پیدا میکند آب به بخار تبدیل میشود و در این جریان مقدار زیادی از گرمای جسم مشتعل را میگیرد برای این که ابجوش را به بخار تبدیل کنیم، به بیش از پنج برابر گرمائی نیاز داریم که برای رساندن همان مقدار آب سرد به نقطه جوش لازم است. ثانیاً بخاری که به این ترتیب به وجود می‌اید، فضایی را اشغال میکند که حجم آن صدها بار بزرگ‌تر از حجم اولیه آب است. این بخار جسم مشتعل را فرا میگیرد، و اجازه نمیدهد هوای تازه به آن برسد.

اگر روزی زمین از مدار خود خارج شود...

برای یك لحظه نزد خود مجسم کنید که جاذبه نیرومند خورشید واقعا نابود شده است و زمین با این امکان وحشتناك مواجه شده که در اعماق سرد و تیره کیهان ناپدید گردد. باز نزد خود مجسم کنید که یك گروه از مهندسان، راهی را برای جلوگیری از این وضع یافته‌اند و برای جبران این نیروی نامرئی جاذبه، طناب‌های محکم فولادی ساخته‌اند تا زمین را روی مداری که به دور خورشید گردش میکند نگاه دارد. فولاد آن قدر نیرومند است که یك رشته فولادی به سطح مقطع یك میلی مترمربع، میتواند یك ورنه ۱۰۰ کیلوگرمی را تحمل کند. فرض کنید یك ستون فولادی ضخیم به قطر پنج متر در اختیار دارید چون سطح مقطع این ستون ۲۰ میلیون میلی‌مترمربع است، ستون تنها زیر یك وزنه ۲ میلیون تنی گسسته خواهد شد. بعد فرض کنید این ستون از رمین تا خورشید کشیده شده و زمین را به خورشید وصل کرده است. آیا میدانید چند تا از این ستونها لارم است تا رمین را در مدار خود ثابت نگه دارد؟ یك میلیون میلیون!

برای این که تصویر روشنی از این جنگل انبوه ستونهای فولادی که در همه قاره‌ها و اقیانوس‌ها فرو میرود به دست بیاورید، باید اضافه کنیم که اگر ستونها به طور یك نواخت روی آن قسمت از زمین که رو به خورسید است قرار گیرد. فضای بین هر دو ستون مجاور، به زحمت به اندازه قطر هر ستون خواهد بود. وقتی درباره نیرویی که برای گسستن این جنگل وسیع از ستونهای فولادی لازم است فکر کنید، بالاخره متوجه میشوید نیروی نامرئیی که زمین را به طرف خورشید میکشد، چقدر زیاد است

اما اگر نیروی جاذبه ناگهان ناپدید شود، برای ما و همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارد، چه حادثه‌یی اتفاق خواهد افتاد؟ دیگر چیزی وجود ندارد که ما را روی سیاره‌مان ثابت نگاه دارد. بنابر این کمترین فشاری که به ما وارد می‌اید، ما را در فضا سرنگون خواهد کرد، در واقع احتیاجی هم به فشار نیست، زیرا گردش زمین، کافی است تا همه اشیایی را که به زمین چسبیده‌اند، به فضا پرتاب کند، «اچ. جی. ولز.» نویسنده انگلیسی داستانهای علمی، این موضوع را به عنوان موضوع‌رمان خود به نام «اولین انسانها در ماه» انتخاب کرده است. در این رمان، «ولز» یك سفر خیالی. را به ماه توصیف میکند. «ولز» از وسایل زیرکانه‌یی برای سفر به سیارات استفاده میکند. قهرمان اصلی داستان او داشمندی است که آلیاژ مخصوص را اختراع میکند که خاصیت شگفت‌انگیز آن این است که در برابر نیروهای جاذبه مقاومت میکند. وقتی پرده‌یی از این آلیاژ بین زمین و یك جسم قرار گیرد، جاذبه زمین خنثی میشود و ناپدید میگردد، اما اجسام سماوی دیگر جسم را فوراً جذب میکنند این آلیاژ به نام مخترع افسانه‌یی آن «کاوریت» خوانده شده است.

شما میتوانید از انواع و اقسام پرده‌هایی استفاده کنید که مانع نفوذ نور یا گرما یا تاثیر الکتریکی خورشید و یا گرمای زمین بر یك جسم شود، میتوانید با ورقه‌های فلزی، اجسام را از اشعه «مارکونی» حفظ کنید، اما هیچ چیز نمی‌تواند مانع جاذبه زمین یا خورشید شود. با این همه توضیح اینکه چرا پرده برای خنثی کردن جاذبه زمین وجود ندارد، دشوار است.اما «کاوریت» دلیلی نمیدید که ماده‌یی برای تهیه چنین پرده‌یی وجود ندارد

«ترموستات» جدید

در این عکس، «دیان زومباك» صفحه یك «ترموستات» جدید را تنظیم میکند.

این «ترموستات» مانند یك زمان سنج آشپزخانه کار میکند. زن و شوهرهایی که مجبورند خارج از خانه کار کنند، میتوانند این زمان سنج را به کار بیندازند تا در طول روز در مصرف سوخت صرفه جویی کنند... آنها با وجود صرفه‌جویی در سوخت، به یك خانه گرم و راحت باز خواهند گشت.

بقیه از صفحه ٥ **میکوشیم در افزایش بهره‌وری**

را تضمین کند....

واگر قدری، بازتر و بی‌پرده‌تر صحبت کنیم، در دیگر سیستم‌های(اقتصادی- اجتماعی) نیز که روشها(و یا بگفته خودشان فلسفه‌هاو نظریه‌های) مخصوص در اقتصاد جامعه‌شان دارند، چاره‌ای جز کار مستمر- آنهم کاری تقریباً غیر عادلانه و سخت نیست. ولی در وطن ما، و یا بهتر بگوئیم در سیستم اجتماعی ما، بواقع آنچه که حرمت واصالت دارد خودانسان متفکر و زحمتکش است، و حال آنکه در سیستم دیگری که به اشاره از آن سخن گفته شد، آنچه که مورد نظر مدیران است و اصالت دارد، نقش کار و زحمت است و نه شخص کارگر و زحمتکش، و این مسئله‌ای است بسیار دقیق و قابل توجه و تامل....

وقتی که خود اقتصاد و بازده آن در یك جامعه بمنظور مسابقه‌های گوناگون با هدف برد و باختهای سیاسی و نظامی در مقیاس جهانی مورد نظر باشد- صرف‌نظر از اینکه به انسانهای همان جامعه چه میگذرد و آنها چه اندیشه‌ها و احساس‌هائی دارند!

احساس انسان بودن و مشارکت داشتن چیزی شبیه دیگر مظاهر و آثار ماشین خواهد شد، که خوشبختانه دروطنمان و در انقلابمان اینگونه نفی عواطف بشری را برای همیشه محکوم ساخته‌ایم و انسانها را از جهت انسان بودن خودشان گرامی میداریم، و این در حقیقت جوهر تمدن باستانی و انسانی ملت ما میباشد.... و کارگران ماmانند دیگر گروههای مردم بخوبی باین تمدن وفادار بوده و خواهند بود....

پس برای اینکه همیشه انسانها حکومت داشته باشند و نه مصالح ماشین و مدیران سیاستهای ماشینی و تمایلات گردانندگان مسابقات و نمایشات و بردوباختهای سیاسی باید که انسانها درست بیندیشند و حاصل اندیشه‌هایشان را درست بکار بندند. و این درست همان نکته‌ای است که بارها در این نشریه از آن بنام «وجدان کاروجدان‌بیدار» کارگران و زحمتکشان ایران نام برده شده است. این سرزمین مال‌ما ونیا خاك‌ما میباشد، اینجا را امروز مادردست داریم، دیروز پدرانمان دردست داشته‌اند، و فردا فرزندانمان بدست خواهند گرفت. پس نیك و بدوزشت وزیبای آن- چنانچه خود تشخیص داده و بدان اعتقاد داریم- بخود ما مربوط است، و تمام آن خلاصه شده است در رهنمودهای رهبر دلسوز وواقع بین وطنمان:

شاهنشاه بزرگ ایران زمین......

مسائلی بنام احترام گزاری به انضباط محیط کار، عشق و علاقه بکار، احساس تعلق نمودن به کارگاه و کارخانه و کارومحصولات، لزوم تجدید نظر در روش‌های کارو مدیریت آن، در طول مدت انتشار این نشریه که در واقع زبان کارگران ایران دوران رستاخیز است، مکرر نوشته و یاد آوری شده است..... و آنچه که امروز نیز بدنبال انتشار فرمانهای فرمانده بزرگ وطنمان بصورت این گفتار اظهار میداریم در حقیقت تکرار و تاکید و تائید همان مطالبی است که از رهبر بزرگمان شاهنشاه فراگرفته‌ایم، منتها با صدائی که از گلوی میلیونها نفر در میاید و با آهنگی که در تمام دنیا یکپارچه و هماهنگ و مصممانه طنین انداز میشود......

بلی، همگی کار خواهیم کرد، کاری خلاق ترو بهره‌ورتر....
کاری زیباتر و باشکوه‌تر...
کاری پرشوق وشورتر....
و کاری در خور تمدن بزرگی که به آن عشق میورزیم و بسویش گام بر میداریم، آنچنان که رهبر ما خواسته است.

بقیه از
صفحه ۹

وزیرفرهنگ وهنروزیر کاروامور اجتماعی کارنقاشان کارگررا ستودند

یک کارگرنقاش، موفق به ایجاد یک سبک در کار نقاشی شده است.

عیدی رومیانی، برنده اول مسابقه مقاله‌نویسی

جمیل بایسته، برنده دوم مقاله‌نویسی

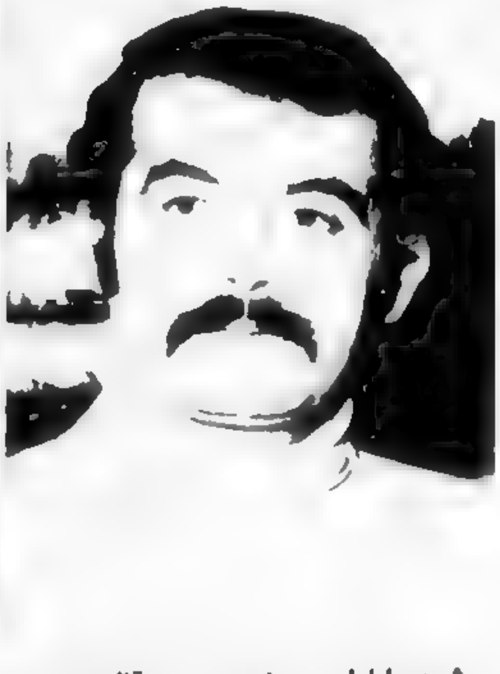

رشید بابازاده، برنده سوم مقاله‌نویسی

◆ عیدی رومیانی، برنده اول مسابقه مقاله‌نویسی، جایزه خود را از دست وزیر فرهنگ و هنر دریافت می‌کند.

سیروس رحیمیان، یك استعداد تازه در دنیای کارگری

آورده است. آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر از وی خواست تا از کارهایش یك نمایشگاه انفرادی توسط وزارت فرهنگ و هنر ترتیب دهد، چرا که کار سیروس رحیمیان یك حرکت در هنر نقاشی در ایران به شمار می‌آمد.

برنده اول

احمد حکیمیان بهروز، کارگر قنادی تبریز بعنوان برنده اول مسابقه نقاشی کارگران معرفی شد و جایزه خود را که یك سکه بزرگ طلای جشن‌های پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی بود، دریافت کرد

مقاله‌نویس‌ها آمدند

مقاله‌نویس‌ها نیز در این جشن جوایز خود را دریافت کردند. برنده اول مسابقه مقاله‌نویسی کارگران «عیدی رومیانی» کارگر سیرمان ... و برق خوزستان ... رومیانی نویسنده، شاعر، هنرپیشه و استاد کاراته و کشتی کج است. برنده دوم جمیل بایسته، کارگر سازمان آب و برق خوزستان و حفاظت منطقه اهواز بود که بگفته خودش همکاری مستمری با مطبوعات دارد و تا بحال مقالات زیادی را نوشته و اولین بار است که در مسابقه مقاله‌نویسی شرکت کرده است

برنده سوم مسابقه مقاله‌نویسی، رشید بابازاده بود که کارگر نساجی شاهی است. بابازاده غیر از این، آهنگ ساز، ترانه سرا، و بازیگر رادیو تلویزیون مرکز ساری است، و نیز از «بنیاد رضا پهلوی» سی هزار تومان جایزه نقدی برای استعداد فوق‌العاده‌اش در رشته‌های هنری دریافت داشته است

این صدای همان شکوه و عظمت ممکن است که امروز شاهد آن هستیم.

دراینجا لازم است از شاهرخ پهلوان‌پورنام ببریم که در مرکز آموزش هنری کارگران عهده‌دار برنامه‌ریزی برای برو بچه‌های هنرمند است و صمیمانه کار می‌کند، و دیگر اینکه گزارش مشروح با عکسهای رنگی این برنامه را در شماره آینده از نظر شما خواهیم گذراند.

بازار کار

مرکز کاریابی شماره ۱ این عده را به همکاری دعوت می‌کند

۱- تخصص مورد نیاز: باطریسازی
۲- تعداد: ۱۵نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵سال
۵- تجربه: دارا باشد
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۳

۱- تخصص مورد نیاز: حسابداری
۲- تعداد: ۶ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵سال
۵- تجربه: داراباشد
۶- تحصیلات: دیپلم متوسطه
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۷

۱- تخصص مورد نیاز: نگهبانی
۲- تعداد: ۳نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵سال
۵- تجربه: مطرح نیست
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۵

۱- تخصص مورد نیاز: نامه‌رسانی شرکت
۲- تعداد: ۱۰نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵سال
۵- تجربه: مطرح نیست

۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۸

مرکز کاریابی شماره ۲ این عده را به همکاری دعوت میکند

۱- تخصص مورد نیاز آهنگری
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۲۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۹

۱- تخصص مورد نیاز رانندگی
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۸

۱- تخصص مورد نیاز بتون‌ریز ساختمان

۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات حداقل ششم ابتدائی
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۵

۱- تخصص مورد نیازدلرکار
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۷

۱- تخصص مورد نیاز بخارکاری لباس‌شوئی
۲- تعداد ۱۵ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۸

۱- تخصص مورد نیاز قالب‌بندی فلزات
۲- تعداد ۱۱ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۳

۱- تخصص مورد نیاز آرماتوربندی
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات سیکل اول متوسطه
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۵

۱- تخصص مورد نیاز برقکار صنعتی
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۶

۱- تخصص مورد نیاز نقاشی ماشین آلات
۲- تعداد ۱۵ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۷

مرکز کاریابی شماره ۳ این عده را به همکاری دعوت میکند

۱- تخصص مورد نیاز: لوله‌کشی ساختمان
۲- تعداد: ۵ نفر

۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: دارا باشد
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۸

۱- تخصص مورد نیاز: قوطی‌ساز
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: دارا باشد
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲٦

۱- تخصص مورد نیاز: ریخته‌گری
۲- تعداد: ٦ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: ٦ ماه
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲٦

۱- تخصص مورد نیاز: پرداخت کاری
۲- تعداد: ٦نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵سال
٥- تجربه: داراباشد
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲٦

۱- تخصص مورد نیاز: ماشین‌نویس فارسی و لاتین
۲- تعداد: ٤نفر
۳- جنسیت: زن
٤- سن: حداکثر ۳۵سال
٥- تجربه: داراباشد
٦- تحصیلات: دیپلم
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: باتوافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲۸

مرکز کاریابی شماره ٤ این عده را به همکاری دعوت می‌کند

۱- تخصص مورد نیاز: تکنیسین درجه ۲
۲- تعداد: ٥ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تحصیلات: خواندن و نوشتن
٦- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۳۰

۱- تخصص مورد نیاز. نساجی و بافندگی
۲- تعداد ٥ نفر
۳- جنسیت مرد
٤- سن حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه مطرح نیست
٦- تحصیلات خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت تهران
۹- حداقل حقوق با توافق
۱۰- مزایای شغلی بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۹/۲۸

۱- تخصص مورد نیاز: نظافت تهویه
۲- تعداد: ۱٥ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: مطرح نیست
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰ مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲٦

۱- تخصص مورد نیاز: مکانیك ماشین آلات صنعتی
۲- تعداد: ٥٠ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳۵ سال
٥- تجربه: ۲ سال
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۹/۲٥

۱- ماشین نویس ۲٥نفر
۲- بافنده ۱۰نفر
۳- متصدی کوره‌کاشی ۱۰نفر
٤- کارگر ساده ۱۰نفر
٥- پرسکار ٥نفر
٦- برقکار ٦نفر
۷- تلفنچی ۳نفر
۸- ریسنده ۲نفر
۹- قالبساز ٤نفر
۱۰- نقشه‌کش ٥نفر

۱- حسابدار ۳نفر
۲- کارشناس ۲نفر
۳- کارمند ۱نفر
٤- منشی ۲نفر
٥- خیاط کتدوز ٤نفر
٦- شلوار دوز ۳نفر
۷- باطری‌ساز ۱۰نفر
۸- راننده پایه۲همگانی ۱٥نفر
۹- آهنگر ٦نفر
۱۰- جوشکار ۱۰نفر
۱۱- پرستار ۲۰نفر
۱۲- نقاش ۱٥نفر
۱۳- سرویسکار ٤نفر

۱- جوشکار ۳۰نفر
۲- لوله‌کش ۱۰نفر
۳- نقاش ساختمان ۲نفر
٤- انبار دار ۳نفر
٥- نجار ٤نفر
٦- راننده کمپرسور ۱نفر
۷- راننده پایه یك ۲نفر
۸- برشکار ۱۰نفر
۹- آرماتوربند ۳نفر
۱۰- برقکار ۲نفر
۱۱- فروشنده زن ۲نفر
۱۲- نقشه‌کش ۲نفر
۱۳- کمك آشپز ٦نفر

۱- راننده بولدزر ٥نفر
۲- راننده تراکتور ٥نفر
۳- کارگر الیاف کار ۳۰نفر
٤- کارگر بسته‌بند ۲۰نفر
٥- خدمتگزار ٤نفر
٦- کارگر کشاورز ٥۰نفر
۷- کارگر حروفچین ۲نفر

۸- کارگر صحاف ۲نفر
۹- کارگر ساده ٥۰ نفر
۱۰- کارمند ساده ٦نفر

۱- راننده پایه یك ۳نفر
۲- راننده پایه۲ شخصی ٦نفر
۳- کارگر خیاط ٤نفر
٤- کارگر موزائیك‌ساز ٦نفر
٥- خدمتگذار ٥نفر
٦- کارگر کشاورز ۳نفر
۷- تکنیسین برق ٤نفر
۸- پرسکار ۲نفر

۱- کارمند ساده ٤نفر
۲- نگهبان ٦نفر
۳- آشپز ۲نفر
٤- راننده پایه یك ۳نفر
٥- جوشکار ۲ نفر
٦- آهنگر ۲نفر

۱- دیپلمه فنی ۱۰نفر
۲- رشته برق ۳نفر
۳- مکانیك ۲نفر
٤- تاسیسات ۳نفر
٥- نجار کار ٥نفر
٦- تراشکار ۳نفر
۷- لوله‌کش ٥نفر
۸- کارگر ساده ٥۰ نفر
۹- برقکار درجه ۲و۳ ۳۰نفر

۱- کارگر ساده زن و مرد ٥نفر
۲- ریسنده ۳نفر
۳- نقاش پیستوله ٤نفر
٤- حسابدار ٥نفر
٥- بسته‌بند ۳نفر
٦- ماشین نویس فارسی ولاتین ٤نفر
۷- صندوقدار زن ٤نفر
۸- صافکار ۲نفر
۹- آهنگر ٥نفر
۱۰- برقکار ٦نفر
۱۱- پرسکار ۳نفر
۱۲- نگهبان ٥نفر
۱۳- مونتاژکار ۱۰نفر

قابل توجه جویندگان کار و کارفرمایان

از کلیه جویندگان کار و کارفرمایان تهران و شهرستانها دعوت می‌شود برای راهنمائی شغلی و تامین نیازهای انسانی خود، به مراکز کاریابی و اشتغال زیر،

مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۱ خیابان امیرآباد جنوبی - خیابان رهنما پلاك ۲۲
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۲ میدان شهناز - خیابان مهران پلاك ۱۸٦
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۳ خیابان شوش غربی - پاسارگوهی پلاك ۲۱۱
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٤ خیابان سیمتری باغشاه پلاك ٥٩۰
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٥ چهارراه امیراکرم - ساختمان نخست وزیری

و در شهرستانها بمراکز کاریابی یا ادارات نیروی انسانی مراجعه کنند

ورزش کارگر

۵۵ ورزشکار در

از باشگاههای ورزشی کارگری دیدن کنیم

باشگاههای ورزشی کارگری ما ضمن اینکه در رشته‌های مختلف ورزشی فعالیت دارند، معمولاً در یکی دو رشته شاخص هستند. باشگاه دخانیات با والیبالش به اوج رسید و حتی در سطح جهانی شهره شد. باشگاه ایران ناسیونال و خاور به کشتی‌شان مینازند و راه‌اهن به فوتبالش و ... ایرانا هم که تازه درمیان باشگاههای کارگری جائی بازکرده، به دوو میدانی‌اش...

بدون شك وجود مربی یا مدیری که به یك رشته ورزشی گرایش و یا دران تخصص دارد دراین وضع تاثیر بسیاری دارد، کمااینکه وجود عنایت جانانپور مرد قدیمی و صمیمی ورزش ایران در رأس باشگاه ایرانا باعث توجه خاص ورزشکاران این باشگاه به دو و میدانی شده است.

«عنایت» میگوید:

تاچندی پیش که من به این کارخانه امدم، دراینجا اصلاً از ورزش خبری نبود. هرکس سرگرم کارش بود. نه کسی به ورزش فکر میکرد و نه مسئولان کارخانه که انصافاً به ورزش و گسترش تأسیسات ورزشی علاقه فراوانی دارند، به این فکر بودند.

باشگاه کارگری ایرانا که محل ان درکارخانه ایرانا و درجوار یکی از کارگاههای این کارخانه است، از سه سال پیش اغاز بکار کرده والحق کارش هم خوب بوده.

این بار نیز همانطور که بارها نوشته‌و گفته‌ایم، فقط هرباشگاه کارگری دریك رشته ورزشی فعالیت دارد، این باشگاه فقط در دو میدانی چهره اشنائی دارد. مادر هرباشگاهی به یك رشته ورزشکار خوب و خبره برخورد کرده‌ایم. در یك باشگاه دختران و پسران در رشته پینگ‌پنگ، در باشگاهها دیگر در رشته والیبال، باشگاه دیگر در رشته کشتی وبالاخره این باشگاه با دوندگانی خوب‌و چالاك، باشگاهی که دوسال است در مسابقات قهرمانی کارگری شرکت میکند و در رشته دوومیدانی و در صحرانوردی اول میشود.

از مسئول باشگاه میپرسم باشگاه چند نفر عضو دارد؟ مکثی میکند. گوئی از گفتن امار دلخور است. بالاخره میگوید: «سال اول تعداد ورزشکاران کم بود، ولی کم‌کم زیاد شد و هم‌اکنون ۵۵عضو داریم.» و بلافاصله میپرسم «کارخانه چندنفر کارگر دارد. اهی میکشد و میگوید: - درحدود ۱۲۰۰نفر...

و اضافه میکند: امیدوارم در اینده وضع مابهتر شود.

از کارگران ورزشکار زن سئوال میکنم، میگوید: «ده- یازده نفر کارگر زن داریم، البته زنان ورزشکار علاقه بیشتری نسبت بورزش از خود نشان میدهند.»

پرسشم را به اتاقی که دران نشسته‌ایم میکشانم و می‌پرسم:

ایا شما در اینده دست به ترکیب این اتاق خواهید زد و یا فقط فعالیت ورزشی خود را دراین اتاق متمرکز می‌سازید؟

جواب می‌دهد:

اگرچه باشگاه مابوسعت دیگر

تیم دو و میدانی مردان ایرانا که دوسال است قهرمان کارگران کشور شده است.

باشگاههای کارگری نیست، ولی درحال حاضر مشغول تهیه و تدارك و ساختن یك استادیوم ورزشی در شمال کارخانه و جنب کارخانجات ایران ناسیونال هستیم.

از فعالیتهای ورزشی میپرسم، جواب میدهد:

همانطور که گفتم، بیشتر فعالیت ما در رشته دوومیدانی، فوتبال، دو صحرانوردی، پینگ‌پنگ و والیبال است، ولی بیشتر کار و تلاش ما فقط در رشته‌های دو ومیدانی است.

- ایا شما تاکنون در مسابقات کارگری درخششی داشته‌اید، یاخیر؟

- بله، ما در سه سال اخیر در مسابقات داخلی موفق به دریافت ۵مدال شده‌ایم که بیشتر انها در رشته‌های دوومیدانی زنان بوده است.

درمسابقات دوصحرانوردی رضاشاه کبیر در سالهای گذشته مقامهای اول و سوم را کسب کرده‌ایم، و در مسابقات کارگری (باشگاههای کارگری) دوسال متوالی است که قهرمان کارگران ایران در رشته دوومیدانی هستیم

تاسیسات ورزشی این باشگاه چیست؟

باشگاه ما از نظر وسائل، زیاد غنی نیست، ولی بفکر ان هستیم. فعلاً وسایل ورزشی ما این اتاق است که بعنوان باشگاه از ان استفاده میشود. چند میز پینگ‌پنگ و زمین والیبال، و زمین فوتبال که درجوار کارخانه است.

از علاقه مدیران کارخانه به ورزش میپرسم، و اینکه ایا ورزش را مزاحم کار میدانند؟... پاسخ می‌شنوم.

خیر، اصلاً این طور نیست. مدیرعامل این کارخانه که خود یکی از علاقمندان به ورزش است همیشه به من تذکر داده است که ورزش را بین کارگران این کارخانه توسعه دهم و از هیچ نظر مضایقه‌ای در برابر کارگران ورزشکار ندارد

بااینکه کار شما بیشتر با خاك و مواد خاکی است، ایا شما بصلاح میدانید که هرچه زودتر باید ورزش ضمن کار را دراین کارخانه ترویج دهید، یااینکه میخواهید با زمان پیش بروید، و وقتی این‌کار در کارخانه‌ها شکل قانونی گرفت بدان مبادرت ورزید؟

سئوال بسیار خوب و بجائی است. من دیروز راجع به ورزش ضمن کار با مدیرعامل این کارخانه به گفتگو نشستم. درمورد خاك و خاك‌الوده‌بودن محیط کار، باید باطلاع برسانم که کارگران این کارخانه همه انان که باچنین وسایلی کار میکنند، از ماسك‌های مخصوص و لباسهای مخصوص‌برخوردار هستند و تهویه‌های عظیم در محل کارشان نصب شده است ولی درمورد ورزش، همانطور که گفتم چند روزی است که با مدیرعامل کارخانه راجع به ورزش به گفتگو می‌نشینم [illegible] درهمین محل چمن‌کاری که ملاحظه میشود [illegible] شده برنامه ورزش صبحگاهی [illegible] شروع کنیم [illegible] که ورزش [illegible] گسترده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] برخوردار هستند

[illegible] باشگاههای ورزشی کارگری [illegible] مرخصی، پاداش‌های ورزشی و دیگر [illegible] برخوردار هستند

[illegible] میگویند که کارگران [illegible] علاقه به ورزش [illegible] کارگران [illegible]؟

[illegible] فراهم شود، کارگران [illegible] علاقه بیشتری به ورزش نشان میدهند همانطور که دوندگان [illegible] کارگران [illegible] کارخانه هستند که [illegible]

[illegible] مسئول [illegible] باشگاههای کارگری کسب کردند؟

[illegible] دوصحرانوردی مقام سوم و در دوومیدانی مقام [illegible] و مقام سوم [illegible] دوومیدانی [illegible] کارگران کشور [illegible] کسب کرد [illegible] درگروه۲، سوم [illegible] و [illegible] پینگ‌پنگ و [illegible] باشگاههای کارگری بود.

[illegible]

در رشته دوومیدانی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حیدری

[illegible]

شکرچی

دررشته دوومیدانی دختران

شهلا اسدزاده

سیمین حسینی

گیتی الهی

میزه خودرده

[illegible]

زنان کارگر بیشتر از مردها به ورزش توجه دارند

رابر ۱۲۰۰ کارگر!

چراباشگاه ایرانا به دوو میدانی روی آورده است؟...

داود ملکی

این کارگر رکورد شکن به مرز رکوردهای جهانی رسیده است

درمسابقه دوستانه وزنه‌برداری ایران و شوروی که به شکست «ورونین» قهرمان المپیك مونترال از فیض‌اله ناصری وزنه‌بردار جوان ما انجامید، بازهم چون همیشه، مرداول مسابقه‌ها یك کارگر قهرمان هموطن ما بود، که با حمله پیاپی به رکوردهای ایرانی توفانی از تحسین و حیرت برانگیخت. داود ملکی ضمن اینکه با اختلاف ۲۲/۵ کیلوگرم «ورتینکف» حریف روی خود را پشت سرگذاشت، موفق شد سه رکورد ایران را بشکند. ملکی، با ۱۲۰/۵ کیلو یك ضرب نیم کیلو رکورد یك ضرب پروزن ایران را که متعلق بخودش بود شکست. وی درحرکت دوضرب با بلندکردن ۱٤۷/۵ و ۱۵۰ کیلو دوبار رکورد دو ضرب ایران را که ازآن خودش بود فرو ریخت. ملکی با رکورد ۳٦۲/۵ کیلو تنها ۲/۵ کیلو بانفر سوم المپیك مونترال فاصله دارد و این راهی نیست که «داود» قادر به عبور از آن نباشد.

قهرمانان دوصحرانوردی ایرانا که مقام اول را بین باشگاههای کارگری کسب کرده‌اند.

بازگشت به تشك!

عظیم زندیان، کارگر کشتی‌گیر باشگاه شرکت واحد اتوبوس‌رانی پس از دو سه سال دوری از کشتی به تشك بازگشته است. «عظیم» پس از پایان خدمت سربازی، دوباره کشتی را از سر گرفت. این کارگر ورزشکار، هفته پیش به دفتر مجله امد و با یکی از خبرنگاران سرویس ورزشی گفتگوئی داشت. عظیم زندیان می‌گوید: با اینکه چهار سال از صحنه مسابقه‌ها دور بودم، ولی امسال توانستم درمسابقه‌های قهرمانی کشتی کارگری تهران مقام اول و در مسابقه‌های قهرمانی کارگری کشور، مقام سوم را بدست بیاورم.

وی قبلاً کارگر کارخانه شیر پاستوریزه بود و از چندی پیش به استخدام شرکت واحد در امده است.

اعضای تیم والیبال کارگران ایرانا

ورزش کارگر

طرح پیشنهادهای ورزشی تقدیم پیشگاه شاهنشاه شد

«طرح پیشنهادهای ورزشی» توسط منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش تقدیم شاهنشاه شد.

سه ماه پیش به هنگام شرفیابی دکتر رهنوردی بعنوان معاون آموزش و پرورش، در تبریز، شاهنشاه مقرر فرمودند که پیشنهادها و طرحهای مربوط به گسترش ورزش در آموزشگاهها و تعیین سیاست کلی ورزش کشور وسیله وزارت آموزش و پرورش تا یکم آذر تقدیم پیشگاهشان بشود، و اینك این طرح تقدیم معظم‌له شد.

کارگران بسکتبالیست مشهد، تیم تهران را شکست دادند

تیم بسکتبال باشگاه راه‌آهن مشهد، قهرمان مسابقات بسکتبال قهرمانی سراسری باشگاههای راه‌آهن کشور شد. این مسابقه، بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی برپا شده بود و در آن تیم‌های بسکتبال راه‌آهن تهران، اهواز، اراك، خراسان، زنجان، اصفهان،یزد و مازندران شرکت داشتند.

تیم‌ها به دو دسته تقسیم شدند و تیم‌های تهران و مشهد بعنوان سرگروه انتخاب شدند. تیم مشهد با شکست تیم تهران، به مقام قهرمانی رسید و تیم اصفهان نیز پس از پیروزی برتیم اراك، سوم شد.

در پایان جام قهرمانی و مدالهای ورزشکاران و پرچم‌های یاد بود توسط آقایان بزرگمهر مدیر کل ناحیه راه‌آهن خراسان، افشار معاون ناحیه، جعفریان مدیر کل تربیت بدنی خراسان و منصور رحیمیها سرپرست تربیت‌بدنی راه‌آهن توزیع شد. این مسابقه‌ها در تالار ورزشی رضا پهلوی شهرستان مشهد برگذار شده بود. لازم به یادآوری است که منصور رحیمیها که اخیراً به سرپرستی تربیت‌بدنی راه‌آهن ایران منصوب شده، از قهرمانان‌بزرگ کشتی ایران در هفده هیجده سال پیش بود.

کوچولوهای میانکوه از راه میرسند؟

کشتی بین خردسالان و نوجوانان تهران و ولایات سخت طرفدار پیدا کرده است، بخصوص از وقتی که برای این کوچولوها، مسابقه‌هائی ترتیب داده شد و برایشان جوایزی درنظر گرفته‌شد.

توجه جوانها از کشتی، حتی درشهرها و روستاهای دورافتاده کشور محسوس است و اخیراً درباشگاه البرز میانکوه که محل ورزش کارگران و فرزندانشان است، کوچولوها عجیب از کشتی استقبال کردند و الحق چه استعدادهائی بروز کرد. این کوچولوها با تمرین‌های منظم، خود را برای شرکت در مسابقه‌های قهرمانی خوزستان اماده میکنند. درعکس گروهی از این کشتی‌گیران نوجوان همراه مربیان خود دیده میشوند که عبارتند از موسی مقدم (سرپرست) عباس بخشی (مربی) سلطان مراد نصیری (کمك مربی) بهروز علیوند- پرویز بخشی- علیرضا یاوریان- سید یوسف پرخیده- سیروس محمدی- جمشید سیستانی نژاد- کورش یاوریان- مراد ارزانی

برای دفاع از عنوان قهرمانی

تیم فوتبال صنایع گاز بید بلند و نفت امیدیه، که سال پیش در مسابقه‌های قهرمانی کارگری ایران بمقام نخست دست یافته بود، برای دفاع از عنوان قهرمانی خود راهی کرمانشاه شد.

بازیکنان تیم قهرمان عبارتند از افراسیاب بیگلری- علی سینگری- محمدعلی نجاتی- اسحاق اژدری- امیرحسین خواجه‌پور- برزو عسگری- حسین آغازی - قدرت‌الله خواجه‌زاده (از تیم گاز ملی بیدبلند) و جهان کیانی- سیروس شیرانی- هوانسیان- چارکیش- محمد ستایش- باور ساد- منوچهر خواجه‌پور- مرتضی گرجانی (از تیم صنعت نفت امیدیه)

زنان کارگر اراک وبزرگداشت زادروز علیاحضرت شهبانو

زنان کارگر اراکی،بابرگزاری یك دوره مسابقه تنیس روی میز، زاد روز علیاحضرت شهبانوی ایران را گرامی داشتند. دراین مسابقه که گروه زیادی از دختران و زنان کارگر اراك شرکت داشتند، استقبال تماشاگران پرشور و هیجان مسابقه افزود. پس از پایان مسابقه نتایج به این شرح اعلام شد:

۱- مهین حران اف
۲- مهران ربی
۳- آزیتا محلوجی

باشگاه ورزشی کارگران اراك به برندگان مسابقه جوایزی داد.

توضیح و تصحیح نام قهرمان؛ مجله گرامی رستاخیز کارگران

در شماره ۲۲ مورخ ۳۵/۸/۱۹ آن مجله گرامی در ستون معرفی قهرمانان کشتی آزاد و فرنگی باشگاههای کارگران اشتباهاتی بشرح زیر رویداده است:

۱- نام آقای علی اردهالی عضو باشگاه شرکت واحد، علی اهرجانی چاپ شده بود.

۲- نام آقای منوچهر تقی‌زاده، عضو باشگاه شرکت واحد، اشتباها جزو باشگاه شیرپاستوریزه درج شده بود.

دفتر روابط عمومی شرکت واحد

ایستاده از چپ فتاحی (عضو تیم ملی و المپیك) علی عبادی (سرپرست)- محمد زینعلی- ناصر آفاقی- علی‌اشرف آقائی- داود خرسند- منصور سرداری (مربی تیم) نشسته: محمد کرمانی- صفر کاکاوند- هاشم بیاتی.

خاوری‌ها، قهرمان کشتی باشگاههای کارگری تهران شدند

تیم کشتی آزاد گروه صنعتی، در مسابقه‌های باشگاهای کارگری تهران بمقام اول رسید. در این مسابقه‌ها، تیمهای کشتی باشگاههای بزرگ کارگری تهران شرکت داشتند. در عکس تیم قهرمان را می‌بینید

بهترین بدن، از میان، میان قدها!

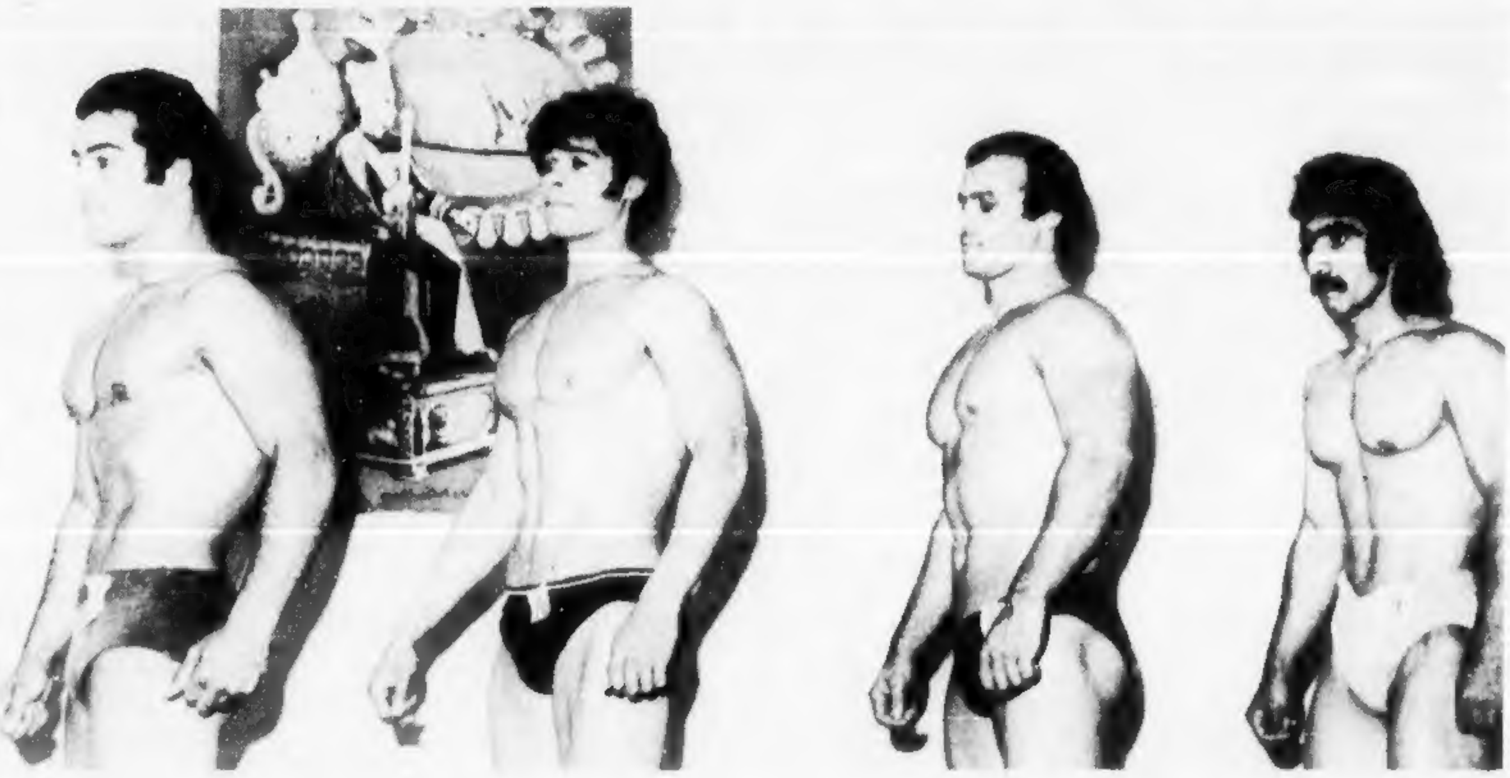

صحنه‌ای از مسابقه پرورش اندام کارگران دردسته میان قد

پرورش- یا زیبائی- اندام از ورزشهای موردعلاقه جوانها، منجمله کارگران ورزشکار است که دراغلب باشگاههای ورزشی کارگری هواداران پروپاقرص دارد.

امسال، مسابقه پرورش اندام کارگران درماه گذشته درمشهد انجام شد.

در مسابقه پرورش اندام برخلاف دیگر مسابقه‌ها که ورزشکاران از نظر وزن طبقه‌بندی میشوند «قد» نقش اصلی دارد و ورزشکاران برحسب «قد» مسابقه می‌دهند.

دراین عکس چهارکارگر شرکت کننده درمسابقه پرورش اندام در دسته «میان‌قد»ها دیده میشوند.

جوانان کارگر داراب مسابقه میدهند

علی اکبر فروغی کارگر وزنه‌بردار جوان داراب، درحال وزنه‌برداری

کارگران و جوانان ورزشکار داراب، دریك دوره مسابقه پینگ‌پنگ و وزنه‌برداری شرکت کردند.

این مسابقه‌ها بمناسبت بزرگداشت پنجاه سال سلطنت خاندان پهلوی برگزارشده بود.

در رشته پینگ‌پنگ که ۳٦ نفر شرکت کننده داشت، جعفر داریوشی- محمد قانع- حسن خائفی- و ابراهیم داریوشی، به ترتیب مقام‌های اول تاچهارم را کسب کردند.

دروزنه‌برداری نیز این نتایج بدست آمد:

مگس وزن: ۱- حسن اکبرپور ۲- جابر زرین ۳- ابوالفضل شکرالهی

خروس وزن: ۱- غلامرضا ابوالفتحی ۲- کرامت حیران ۳- حسین دهقانی

پروزن: ۱- سید عبدالمجید کمانی ۲- علی اکبر فروغی ۳- سیاوش هدائی

سبك وزن: ۱- سیدعلی اکبر هاشمی نژاد ۲- علی پردلی ۳- افراسیاب یاراحمدی

میان وزن: ۱- سید احمد رضاحسینی ۲- شاهرخ افشاری ۳- محمود فرح بخشی.

فوتبال کارگران کرمان، قهرمان منطقه یك کشور

مسابقه‌های فوتبال کارگران منطقه یك جنوب شرقی کشور با شرکت تیم‌های کرمان، اصفهان، شیراز، و یزد در کرمان انجام شد که پس از انجام، تیم کرمان با ۱۵ امتیاز بمقام اول رسید و تیم‌های اصفهان و یزد و شیراز به ترتیب دوم تا چهارم شدند.

تیم کرمان، سال پیش، در همین مسابقه‌ها دوم شده بود.

کارگران اصفهان و روز «پوریای ولی»

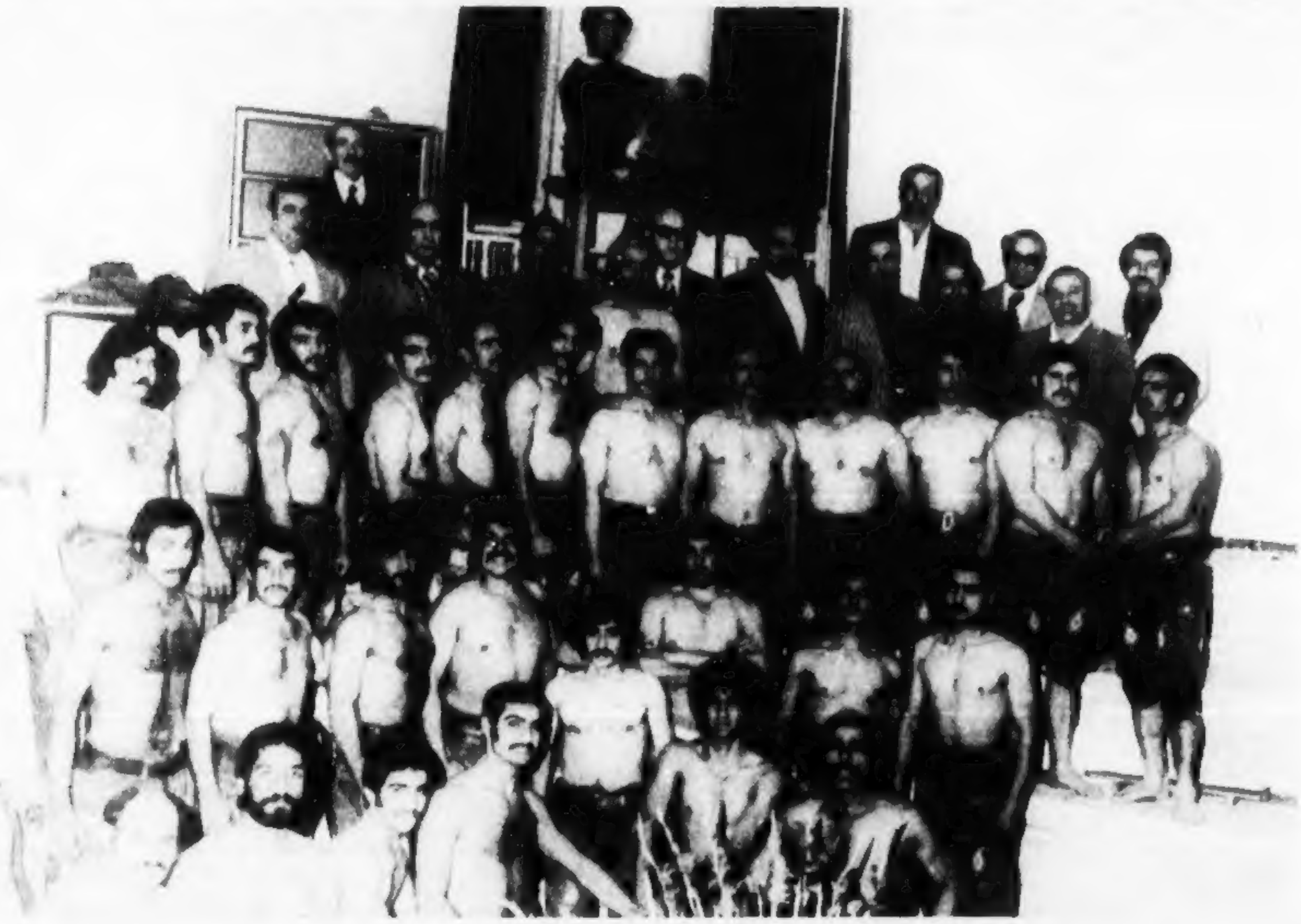

در میان رسمها و بزرگداشتهای ورزشی، روز پوریای ولی، پهلوان نامدار و افسانه‌یی ایران موقع خاصی دارد. هر روز در روز پوریای ولی، باستانی کاران، مردانی که ورزش را با تقوی و جوانمردی همراه میدانند، در گود زورخانه‌ها گرد می‌آیند و یاد آن بزرگمرد کشتی ایران را گرامی میدارند.

کارگران ورزشکار که سنتهای ورزشی را ارج میگذارند و به آئین جوانمردی آراسته‌اند، امسال در باشگاههای ورزشی کارگران مراسم بزرگداشت پوریای ولی را برگزار کردند. عکس بالا پایان این مراسم را در باشگاه ورزشی کارگران اصفهان نشان میدهد. در این مراسم اقای تاکی مدیرکل تربیت بدنی استان و جمعی از ورزشکاران قدیمی و مسئولان شهری حضور داشتند. در پایان مراسم، ورزشکاران برای بقای سلامت شاهنشاه اریامهر و خاندان جلیل سلطنت نیایش بعمل اوردند.

چهار برد و دو باخت در کویت

یك گروه ٤٦ نفری از دانش‌اموزان ورزشکار برای انجام چند مسابقه دوستانه عازم کویت شدند. دانش‌اموزان ورزشکار ایرانی در رشته‌های والیبال و بسکتبال و فوتبال با دوستان کویتی خود مسابقه دادند.

دختران والیبالیست در اولین مسابقه سه بر هیچ بر دختران کویتی پیروز شدند (در مسابقه دوم تیم کویت حاضر نشد) و تیم بسکتبال دانش‌اموزان پسر در مسابقه اول ٦٠- ٥٠ پیروز شد، ولی در مسابقه دوم به تیم کویت باخت. در فوتبال پسران، مسابقه نخست را که در زمینی خاکی انجام گرفته بود، تیم میهمان دو بر هیچ مغلوب میزبان شد، ولی در دومین دیدار، پیروزی از آن تیم میهمان شد و میزبان، این بار۲- ۳ مسابقه را باخت.

توک + پنیر واقعاً خوشمزه است

ترکیبات : آرد گندم ، روغن ، نمک ، افزودنیهای مجاز

توک با پنیر خودمون و هر پنیر دیگه ....
.... خیلی خوشمزه است!